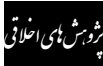




انجمن معارف اسلامی ایران



بیت

فصلنامه علمی انجمن معارف اسلامی (شاپا: ۳۲۷۹-۲۳۸۳)

سال دهم - شماره سه - بهار ۱۳۹۹

شماره پیاپی ۳۹

صاحب امتیاز: انجمن معارف اسلامی

مدیر مسئول: دکتر رضا حاجی ابراهیم

سر دبیر: دکتر محمود قیوم زاده

اعضای هیئت تحریریه:

محسن جوادی، احمد دیلمی، جعفر شانظری، امیر عباس علیزمانی، محمود قیوم زاده،

عبدالله نصری، علی احمد ناصح، محمدرسول آهنگران، ویلیام گراوند،

محمد محمدرضائی، رضا برنجکار، عین الله خادمی، محمدحسن قدردان قراملکی،

عبدالحسین خسرو پناه، سید ساجد علی پوری، مارتین براون.

مدیر داخلی و دبیر تحریریه: مصطفی قیوم زاده

مترجم: محمد احسانی

صفحه آرا: کامپیوتر احسان ۰۲۵۳۷۸۴۲۶۷۸

ویرایش: حمید رضا علیزاده

یادآوری: فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی در زمینه‌های فلسفه اخلاق، اخلاق اسلامی، اخلاق

کاربردی، اخلاق تطبیقی، چالش‌های اخلاقی دنیای جدید و تربیت اخلاقی مقاله می‌پذیرد.

مسئولیت مطالب هر مقاله از هر نظر بر عهده نویسنده است.

نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ مانعی ندارد.

فصلنامه در ویرایش، اختصار و اصلاح مقاله‌ها آزاد است.

آدرس پستی: قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، ساختمان کتابخانه، دفتر فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی

تلفن: ۳۲۱۰۳۳۶۰، آدرس الکترونیک: Akhlagh_1393@yahoo.com

این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلامی (ISC) و ایران ژورنال و همچنین در پایگاه اطلاعات علمی

جهاد دانشگاهی (SID) نمایه می‌شود. نویسندگان محترم می‌توانند از طریق این پایگاه به نشانی

(www.SID.ir) مقالات خود را به صورت الکترونیکی (on-line) جهت بررسی به این نشریه ارسال کرده و

آن را رهگیری (Tracing) کنند و یا به ایمیل مجله (Akhlagh_1393@yahoo.com) ارسال دارند.

بر اساس مجوز شماره ۳/۱۱/۳۶۵۲ مورخه ۱۳۸۹/۳/۳ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور در

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، درجه علمی به فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی اعطا شد.

پژوهش‌های اخلاقی - سال دهم - شماره سه - بهار ۱۳۹۹

شماره سالی ۳۹

(فصلنامه باخیزند صاحبان اندیشه، قلم و مقالات مستشرمی شود.)

راهنمای شرایط تنظیم و ارسال مقالات

از نویسندگان درخواست می‌شود:

۱. مقاله ارسالی از ۲۰ صفحه (هر صفحه ۳۰۰ کلمه) بیشتر نشود.
۲. مقاله ارسالی، باید در یک نسخه در محیط word با دقت تایپ و اصلاح شده (با طول سطر ۱۲ سانتیمتر، قطع وزیری) و بر یک روی صفحه A4 همراه با فایل آن به وب سایت یا ایمیل مجله (Akhlagh_1393@yahoo.com) ارسال شود.
۳. مقاله ارسالی حتماً باید تألیفی باشد و مقالات ترجمه‌ای در صورتی قابل چاپ خواهند بود که همراه نقد و بررسی باشند.
۴. مقاله ارسالی باید دارای بخش‌های ذیل باشد:
 - الف. چکیده فارسی مقاله، حداکثر در ۱۵۰ کلمه و در حد امکان چکیده انگلیسی آن به همین مقدار.
 - ب. مقدمه و نتیجه‌گیری.
 - ج. واژگان کلیدی فارسی و معادل انگلیسی آن (حداکثر ۵ واژه).
 - د. تعیین رتبه علمی نویسنده و مترجم و ایمیل نویسنده / نویسندگان هر درج اسامی و اصطلاحات مهجور، در پایین هر صفحه ضروری است.
۵. منابع و ارجاعات مقاله باید کامل و دقیق باشد، از ارسال مقالات با منابع ناقص جداً خودداری فرمایید.
۶. در صورتی که توضیحات پانویس‌ها فراوان باشد به پی‌نویس منتقل کنید.
۷. مقاله ارسالی نباید در هیچ نشریه داخلی یا خارجی چاپ شده باشد.
۹. منابع مورد استفاده در پایان مقاله به شکل زیر نوشته شود:

الف) کتاب

نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، شماره جلد.

ب) مقاله

نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره مجله.

پژوهش‌های اخلاقی

فصلنامه علمی انجمن معارف اسلامی

زیر نظر هیأت تحریریه

سال دهم، شماره سه، بهار ۱۳۹۹، شماره پیاپی ۳۹

- ۵ / مولفه‌های اخلاقی در اقتدار قضایی با محوریت حقوق ایران
علی اعتمادی / باقر شاملو / امان اله علیمزادی / سید مهدی احمدی موسوی
- ۲۵ / بنیان‌های اخلاق هندو: نظریه کر مه / حبیب بشیرپور / ابوالفضل محمودی
- ۴۵ / معافیت از کیفر در فقه اسلامی؛ میانگنشی اخلاق، تربیتی و حقوقی
زهره جمادی / محمود مال میر / محمدرضا شادمان فر
- ۵۹ / ساختار سازی عدالت اجتماعی - کیفری با نهادینه کردن نظام نیمه آزادی
نقیسه جلالی / ایرج گلدوزیان / حسین غلامی دون
- ۸۱ / نظام‌نامه اخلاق پژوهش پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی و نوآوریهای آموزشی: یک مطالعه کیفی
سید علی خالقی نژاد / محمد حسنی / شهره حسین پور / احد نویدی / فرشته زینی وند نژاد / اشرف السادات شکر باغانی / حیدر تورانی / مجید ثقفی
- ۱۰۹ / چالش‌های اخلاقی کاربرد فناوری نانو تکنولوژی در کشف جرم
رضا سعودی / سید قاسم زمانی / ابو محمد عسگر خانی
- ۱۲۵ / شناسایی و اعتبار یابی اصول اخلاقی و سلوک حرفه‌ای و کالت از نظر موکلان
ولی شیرپور
- ۱۴۳ / امکان‌سنجی صیانت از حقوق بشر با ورود ثالث در دعاوی سرمایه‌گذاری بین‌المللی
محسن عبدالهی / نقیسه شاکری
- ۱۶۱ / تبعات و آثار اجتماعی اصل منع توقف اجرای احکام مدنی
علی حسن عسکری / مسعود رضا رنجبر / حکمت الله عسکری
- ۱۷۷ / نقش مکانیزم‌های حقوقی و اخلاقی در پیشبرد اهداف صنعت بیمه‌های دریایی P&I Club
امیر قیصر زاده / محمود عرفانی / مرتضی شهبازی نیا
- ۱۹۵ / بررسی نقش بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای حساب‌رسان بر ریسک شهرت اخلاقی و کیفیت حسابرسی با استفاده از رویکرد دلفی و معادلات ساختاری
علی گلی / علی خوزین / مجید اشرفی / آرش نادریان
- ۲۱۳ / ساز کارهای اخلاقی در حمایت از «رنج‌دیدگان در سکوت» با رویکرد کاهش رقم سیاه
جرائم علیه اطفال / مریم محمدی نوقی زاده / نسرين مهرا / محمد آشوری / امیر سماواتی پیروز
- ۲۳۳ / تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه دینی و هویت اخلاقی (مورد مطالعه: شهر اصفهان)
سارا مدنیان / سید علی هاشمیان فر / مقصود فراستخواه
- ۲۶۳ / مبانی کیفرزدایی میان‌کنشی اخلاقی فلسفی و حقوقی
گلناز مرادی پسند / تهمورت بشیریه / حسین غلامی
- ۲۸۷ / تربیت عارفانه نزد محقق اردبیلی بیدگلی (عالم و عارف و شاعر شیعی سده ۱۱)
محسن مؤمن
- ۳۰۱ / حق و تکلیف در نظام تامین اجتماعی وظیفه حقوقی و اخلاقی دولت
محمدرضا نجف آبادی پور / ابوالفضل جعفرقلی خانی / طیبه بلوردی
- 1-16 / چکیده مقالات به لاتین (Abstracts)

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۴ - ۵

مولفه های اخلاقی در اقتدار قضایی با محوریت حقوق ایران

علی اعتمادی^۱ باقر شاملو^۲
امان اله علیمرادی^۳ سیدمهدی احمدی موسوی^۴

چکیده

اقتدار قضایی موثرترین قدرتی است که با اجرای قانون و ایجاد اعتماد در مردم آزادی، امنیت و آسایش آنها را فراهم می کند. در هر برهه که اقتدار قضایی پر رنگ بوده، به حکومت شکوه و به جامعه و ملت امنیت و آرامش هدیه کرده است. یکی از بسترهای نقش آفرین و تاثیر گذار در تقویت اقتدار قضایی، که مقداری هم در جامعه مغفول مانده است، مکارم اخلاقی در آحاد ملت است. زیرا که ملکات نفسانی انسان و تزکیه و تهذیب نفس در پرتو اخلاق شکل می گیرد. با کمی تعمق در می یابیم که قانون و اخلاق پیوند ناگسستنی و تنگاتنگ دارند از این رو کانت برجسته دانشمند اخلاقی بعد از رنسانس در اروپا در دستور اخلاقی خود به مردم می گوید: "به گونه ای رفتار کنید که منش کار شما مبنای قانون گذاری جهانی باشد." در اعتبار اخلاق همین کافی که یکی از شعارهای محوری پیامبر اسلام (ع) این بوده که: "تنها برای تکمیل فضایل اخلاقی بر انگیخته شده ام." اگر فضایل اخلاقی در مردم تقویت شود آنچه در جامعه شاهد خواهیم بود شجاعت، امانتداری، رافت، مهربانی، خوش خلفی، صبر، وفای به عهد و ... است. اینها و سایر صفات اخلاقی حسنه نقش ارزنده در اقتدار قضایی بازی خواهند کرد زیرا یکی از عوامل ارتکاب جرم که نهایتا به اقتدار قضایی پیوند می خورد ردایل اخلاقی است از قبیل زورگویی، دروغگویی، خیانت، طمع و ظلم.

واژگان کلیدی

اقتدار، اخلاق، مکارم اخلاقی، ردایل اخلاقی، ملکات نفسانی، تزکیه و تهذیب نفس.

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران.
Email: ali_etemadi_r@yahoo.com

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: Baghershamloo@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، کرمان، ایران.
Email: alimoradi479@yahoo.com

۴. استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران.
Email: mousavi.ahmadi@gmail.com

طرح مسأله

انسان موجود خارق العاده و شگفت انگیز است از این نظر در مکتب اسلام وی را اشرف مخلوقات نامیده اند.

به نظر فروید روانشناس مشهور فرانسوی غرایز انسانی دوگونه اند:

۱- غرایزی که خواهان صیانت نفس در وحدت زندگی است که این غرایز را عشقی یا تمایلات جنسی می نامند.

۲- غرایزی که خواهان نابودی و مرگ هستند روانشناسان آنها را غریزه پرخاشگری و غریزه تخریب می نامند.

تلاش ادیان الهی (که همه ی انسان ها را به مهربانی و شفقت، خدمت به همدیگر، کمک به یک دیگر، گسترش صفا و صمیمیت، عشق و محبت، عدالت و رافت فرا می خواند) ایدئولوژی های سیاسی حتی مصلحین اجتماعی و اخلاقی قادر به این نبوده اند که تمایلات پرخاشگرانه یعنی غریزه کشت و کشتار را در درون انسان ها منکوب نمایند و لاجرم ارتکاب جرم توسط افراد و بیدادگری و ظلم توسط حکومت ها همچنان در جامعه بشری حضور دارند. آنچه از این تجربه تاریخی حاصل می شود این است که امید به محو کامل شرآفرینان جامعه وجود ندارد تنها باید سعی کرد که خروجی این غریزه منفی چه در افراد و چه درحکام به حداقل برسد (اعتمادی، ۶۶- ۸۱).

یکی از موثرترین اسباب این آرمان تقویت مکارم اخلاقی در آحاد مردم است. افول اخلاق فرد را مستعد ارتکاب گناه و رفتار نامناسب و غیرانسانی می کند. وجود کسانی که ملبس به لباس اخلاق نیکو نیستند آفت بزرگی برای جامعه و بستر مناسب برای ارتکاب جرم است و ردایلی از قبیل دروغ گویی، ظلم، خیانت، کینه توزی، نفاق و دو رویی از او یک شخصیت منفی می سازد که در فرد جز بدی و تنفرآفرینی چیزی به جای نمی گذارد. از این رو قرآن کریم برای رشد اخلاقی انسان ها تاکید بسیار داشته و آن را از اهداف رسالت پیامبر (ص) شمرده است.

در طول تاریخ شاهد بوده ایم آنجا که مکارم اخلاقی در آحاد مردم رنگ باخته فجایع رقت باری در جامعه اتفاق افتاده است - جرایمی از قبیل توهین، بی حرمتی به هموعان، کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت، بردن مال دیگری، خیانت به نوامیس مردم. به عبارت دیگر وقتی اخلاق نیکو در انسان سقوط می کند جامعه بستر خلاف کاری های عدیده می شود از این روست که ادیان الهی مخصوصا دین مبین اسلام روی رشد اخلاقی انسان ها اهمیت خاصی قائلند.

دستگاه قضا یکی از پایه های سلامت جامعه است و کارمندان و کارکنان این دستگاه باید بدوا ملبس به کسوت اخلاق نیکو باشند، تا در ظهور خدمت اجتماعی پرچمدار ارشاد و راهنمایی

مردم باشند.

حقیقت این است که جامعه خوب را بدون انسان‌های خوب و دارای مکارم اخلاقی نمی‌توان تصور کرد. فساد اداری یکی از مصادیق فقد اخلاق نیکو در کارکنان آن است که جامعه را با هرج و مرج و با نابسامانی مواجه می‌کند. بخصوص اگر این **فساد** در دستگاه عدلیه باشد. در این مقاله ما می‌خواهیم تاثیر اخلاق در اقتدار قضایی را تحلیل و به استعداد یک مقاله توضیح دهیم زیرا به عقیده ما اخلاق، حلقه‌ی مفقوده‌ی توجه جهانی به سلامت جامعه بوده است.

فصل اول: علم اخلاق و ضرورت آن

علم اخلاق از جنبه‌های مختلف برای انسان لازم و ضروری است. از جمله آرامش روانی فردی، آرامش اجتماعی و رسیدن به کمال مطلوب الهی که در مباحث زیر به تبیین آن می‌پردازیم.

مبحث اول - علم اخلاق

با مراجعه به اصلی‌ترین منابع کلاسیک و متعارف از علم اخلاق در حوزه علوم اسلامی و دقت در موارد کاربرد آن در قرآن و احادیث تعاریف متعددی از علم اخلاق شده است از جمله:

بند اول: تعریف علم اخلاق

اخلاق جمع «خُلُق» است. خلق حالت و کیفیتی باطنی است که با چشم سر و حواس ظاهری، دریافته نمی‌شود. در مقابل، «خُلُق» عبارت است از حالت و کیفیتی محسوس که با چشم سر و حواس ظاهری دریافته می‌شود. در زبان فارسی صورت در معنای دوم به کار می‌رود و سیرت در معنای اول. صورت به ویژگی‌های ظاهری انسان مانند رنگ پوست، مو، بلندی و کوتاهی قد، چاقی و لاغرگی و زشتی و زیبایی گفته می‌شود و سیرت نیز به ویژگی‌های باطنی و معنوی انسان مانند مهربانی، نرم‌خویی و شجاعت که این ویژگی‌ها با حواس ظاهری دریافته نمی‌شوند، گرچه می‌توان آثار آنها را مشاهده کرد. بنابراین اخلاق صفت‌ها و ویژگی‌های باطنی و معنوی انسان است. (داودی، ۱۸، ۱۳۹۶)

علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آنها را معرفی می‌کند و شیوه‌ی تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد.

بر اساس این تعریف، علم اخلاق علاوه بر گفت و گو از صفات نفسانی خوب و بد، از اعمال و رفتار متناسب با آنها نیز بحث می‌کند. غیر از این، راهکارهای رسیدن به فضیلت‌ها و دوری از رذیلت‌ها - اعم از نفسانی و رفتاری - را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد.

بنابراین موضوع علم اخلاق، عبارت است از: صفات و اعمال خوب و بد، از آن جهت که

برای انسان قابل تحصیل و اجتناب و یا انجام و ترک اند.
از آنجا که مبدا و بازگشت رفتار و صفات خوب و بد انسان به روح و روان آدمی می باشد، بعضی از عالمان اخلاق موضوع علم اخلاق را «نفس انسانی» دانسته اند. (دیلمی، ۱۶، ۱۳۹۶)

بند دوم: رابطه علم اخلاق و علم حقوق

علم اخلاق و علم حقوق ضمن داشتن تفاوت ها هم نوایی و اشتراکاتی با هم دارند. در تفاوت بین علم حقوق و علم اخلاق باید گفت نخست اینکه دستاورد علم حقوق که به صورت قانون عرضه می شود، ضمانت اجرای بیرونی دارد. بدین معنا که دولت موظف است قوانین را پس از تصویب اجرا کند و متخلفان را به مجازات رساند. در مقابل، قواعد اخلاقی ضمانت اجرای بیرونی ندارند. بدین بیان که حکومت عهده دار اجرای قواعد اخلاقی نیست و اگر کسی از ارزش ها یا هنجارهای اخلاقی سر پیچد، دولت وی را مجازات نمی کند، چرا که تنها ضمانت اجرایی قواعد اخلاقی، وجدان درونی انسان هاست.

دوم آنکه علم حقوق عهده دار وضع قوانینی است که روابط اجتماعی مردم را در این دنیا نظم می بخشد، از این رو به رفتار های فردی انسان ها و رفتارهای آنها در ارتباط با خدا و تنظیم این رفتارها توجهی ندارد. در حالی که اخلاق تنظیم همه ی رفتارهای انسان را برعهده دارد، خواه این رفتارها فردی باشد یا جمعی، در ارتباط با خدا باشد، یا در ارتباط با خود و یا دیگران. سوم آنکه هدف نهایی اخلاق این است که انسان را به کمال شایسته انسانی برساند، اما هدف حقوق تنها تامین مصالح دنیوی افراد جامعه است و به مصالح معنوی آنها توجهی ندارد. (داودی، ۲۱، ۱۳۹۶)

در عین جدایی ها و ناهمگونی های موجود بین علم اخلاق و حقوق، همنوایی هایی نیز میان آن دو وجود دارد: از یک سو حقوق، خدمتگزار و مددکار اخلاق در اجرا و توسعه ی عدالت اجتماعی است که از ارزش های عالی اخلاقی و مبارزه با مفاسد، نقش پیش گیرانه و بهداشت جنایی را ایفا می کند و کارآمدترین یاور علم حقوق در استقرار نظم و عدالت در جامعه است. از این رو است که فقدان و غیبت هر یک از آن دو، برای جامعه بسیار زیانبار است. (دیلمی، ۱۹، ۱۳۹۶)

مبحث دوم - موضوع اخلاق اسلامی و ضرورت آن

در کتب اخلاق اسلامی، علمای اسلام، مطالب زیادی در رابطه با اعتبار اخلاق در به وجود آمدن زندگی سالم سخن گفته اند از جمله:

نمی دانم چرا هنگامی که سخن از «اخلاق» به میان می آید بسیاری از مردم، حتی بعضی از اهل فضل و دانش، آن را یک امر مستحبی، و در حاشیه زندگی، می دانند، در حالی که غالب مشکلات فردی و اجتماعی که با آن دست به گریبان هستیم، دقیقاً و مسلماً ناشی از ضعف های

اخلاقی ما است، مشکلات و گرفتاری‌ها و بن بست‌های جهانی نیز درست از فقر اخلاقی جامعه‌ها و مخصوصاً سران بسیاری از کشورهای جهان سرچشمه می‌گیرد، و این سخن تحلیل‌های روشنی دارد که شرح آن از حوصله این مقاله خارج است.

آری اخلاق سرمایه اصلی اقوام و ملت‌ها است.

اخلاق کلید حل مشکلات مهم اجتماعی است.

اخلاق خمیر مایه تمدن و ستون فقرات یک زندگی اجتماعی سالم است و اخلاق بهترین وسیله در سیر الهی است. به همین دلیل تا مسائل اخلاقی در جوامع انسانی حل نشود هیچ مسأله‌ای حل نخواهد شد. (خادم‌الذکرین، ۷، ۱۳۹۵)

بند اول: موضوع اخلاق

علاوه بر تعریفی که قبلاً از علم اخلاق کرده ایم تعریف دیگر را از کتاب اخلاق ناصری ذکر می‌کنیم.

علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتارهای اختیاری متناسب با آنها را معرفی می‌کند و شیوه‌ی تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام عمل پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد.

بر اساس تعریف‌هایی که آوردیم، موضوع علم اخلاق، عبارت است از:

صفات و اعمال خوب و بد، از آن جهت که برای انسان قابل تحصیل و اجتناب و یا انجام و ترک اند.

بعضی از عالمان اخلاق، موضوع اخلاق را «نفس انسانی» دانسته‌اند. زیرا همه‌ی رفتارها و صفات خوب و بد انسان، به روح و روان آدمی، بر می‌گردد. (محموظی، ۳۱، ۱۳۹۰)

بند دوم: اهمیت اخلاق

دین اسلام برای اخلاق، اهمیت فراوان قائل شده است. قرآن به مفاهیم اخلاقی چون خیر و شر، عدل و ظلم، صبر و احسان توجه فراوان داشته و هدف مهم رسالت پیامبر (ص) را اصلاح اخلاق انسان‌ها بیان کرده است.

علم اخلاق از آنجا که وظیفه‌ی تهذیب نفس و ساختن انسان را بر عهده دارد و در جهت ارتقا و پاکیزه‌سازی زندگی فردی و اجتماعی تلاش می‌کند، بسیار پراهمیت است. خداوند متعال که خالق و آفریدگار انسان است، فلسفه‌ی بعثت همه‌ی پیامبران خود، به ویژه پیامبر گرامی اسلام (ص) را تهذیب نفس و مهذب ساختن آدمیان اعلام کرده است:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»

او خدایی است که در میان عرب امی پیامبری از خودشان را برانگیخت که آیات او را بر

آنان بخواند و آنها را از پلیدی‌ها و زشتی‌ها منزّه سازد و کتاب و حکمت به آنها بیاموزد، اگرچه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) هم، فلسفه بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاقی ذکر می‌فرماید:

إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ

من از طرف خدا، برانگیخته شده‌ام تا مکارم اخلاق را (که انبیای پیشین آغاز کرده بودند) تکمیل کنم.

امام کاظم (ع) نیز در اهمیت علم اخلاق فرموده است:

الرُّمُ الْعِلْمُ لَكَ مَا دَلَّكَ عَلَى صَلَاحِ قَلْبِكَ وَ أَظْهَرَ لَكَ فَسَادَهُ

لازم‌ترین دانش برای تو، علمی است که تو را به صلاح قلبت راهنمایی کند و فساد آن را برایت آشکار سازد. (محموظی، ۳۲، ۱۳۹۰)

به نمونه‌های دیگر گفتار معصومین (ع) در مورد اهمیت اخلاق اشاره می‌کنیم.

در کتاب کافی از امام باقر (ع) روایت شده است: «إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا.

هر مومنی که خوش اخلاق‌تر باشد ایمانش کامل‌تر است».

امام صادق (ع) نیز فرموده‌اند: «مَا يَوْضَعُ فِي مِيزَانِ امْرِئٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلُ مِنْ حُسْنِ

الْخُلُقِ. در روز قیامت هیچ چیز بهتر از خوش اخلاقی انسان در ترازو نهاده نمی‌شود» (شبر، ۲۵، ۱۳۹۴).

مبحث سوم - اخلاق اسلامی و ضرورت آن

در این مبحث بخش‌های اصلی اخلاق اسلامی و ضرورت آن را توضیح می‌دهیم.

بند اول: بخش‌های اصلی اخلاق اسلامی

خوی اسلامی، اخلاقی است که در چارچوب اسلام است. اخلاق اسلامی سه بخش اصلی دارد.

۱. رابطه با خدا: کارهایی که آدمی باید در برابر خدا بکند، مانند نماز و روزه و دعا.
۲. رابطه با مردم: برخورد فرد و رفتارهایش با مردم و دیگر اعضای جامعه، مانند رفتار نقش‌های خانواده و دوستی. عموماً منظور از اخلاق اسلامی بیشتر این بخش است.
۳. رابطه با خود: چارچوب برخورد انسان با خودش، مانند حسد (رشک) و چگونگی غذا خوردن.

خوی اسلامی بهداشت اسلامی و احکام اسلام و دیگر چیزهای از این دست را نیز در بر می‌گردد.

در کل ویژگی‌های اخلاقی در اسلام بسیار مهم است، به گونه‌ای پیامبر اسلام فرمود:

«إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ، یعنی تنها برای به انجام رساندن خلق و خوی گرامی

برانگیخته شده ام».

بند دوم: ضرورت اخلاقی

ضرورت علم اخلاق از سه جنبه برای انسان لازم و ضروری است. اول آرامش روانی فردی، دوم آرامش اجتماعی و سوم رسیدن به کمال مطلوب الهی.

الف- از جنبه ی فردی

از جنبه ی فردی و آرامش روانی، ضرورت اخلاق از آن روست که روح ما را سالم می سازد و بهترین شیوه ی زندگی فرد را تعلیم می دهد. اخلاق، رذیلت ها را به ما معرفی می کند و راه پرهیز از آنها را نشان می دهد. همچنین فضائل را به ما می شناساند و راه به دست آوردن آن را معین می کند. در این سطح، بهداشت روانی فردی ما رعایت می شود و احساس نوعی آرامش می کنیم (محموظی، ،). زیرا دروغ نمی گوییم، فخر نمی فروشیم، حلم و بردباری داریم، شجاعت داریم، قناعت می کنیم، دیگرآزاری نمی کنیم، در همه کارها خدا را ناظر اعمال خود می بینیم، نزد وجدانمان احساس آرامش و ... می کنیم. این فایده و ضرورت فردی اخلاق است.

ب- از جنبه ی اجتماعی

جنبه ی دیگر اخلاق، بعد اجتماعی آن است. یعنی اینکه اگر انسان به قواعد و احکام اخلاقی پای بند باشد، نه تنها خودش احساس آرامش می کند، بلکه اجتماع هم از کردارها و رفتارهای پسندیده ی او احساس آرامش می کند. مثلاً کسی که غیبت نمی کند غیر از اینکه بهداشت روانی فردی خودش تامین می شود، مردم نیز در راحتی و آرامش به سر خواهند برد. یا کسی که حسود نیست، علاوه بر اینکه خودش در آتش حسد نمی سوزد، مردم هم از آزارهای حسادت آمیز او در امانند.

پس اخلاق نیکو، مناسبات اجتماعی را بهبود می بخشد و فضای جامعه را با طراوت می سازد.

ج- پرورش استعدادها و شکوفا شدن آنها برای رسیدن به کمالات نهایی

پرورش استعدادها و شکوفا شدن آنها برای رسیدن به کمالات نهایی است. و این، مهم ترین رسالت و ضرورت اخلاق است. یعنی انسان مسلمان با اخلاص و عمل صالح، فقط به این انگیزه که خداوند متعال را خشنود سازد، به کارهای اخلاقی دست می زند.

استمرار این نوع از کار اخلاقی، به انسان، کمالات گرانقدری را هدیه می دهد. برای فرد مومن، چه لذتی بالاتر از خشنودی خدا و لقا و دیدار اوست. اساس انسان برای همین هدف، آفریده شده است تا با آگاهی و عمل صالح و استمرار در کردارهای اخلاقی به خدا برسد. (محموظی، همان منبع، ۳۵)

فصل دوم: اقتدار قضایی

اقتدار قضایی یعنی قدرت مشروع دستگاه قضایی در اجرای قانون توسط قضات به حدی

که مردم به دستگاه قضایی اعتماد کنند و آگاه باشند که این دستگاه از جان و مال و ناموس و آزادی ... آنها حراست کرده، امنیت را در جامعه برای بهزیستی تامین خواهد کرد. برای تبیین بیشتر موضوع دو مقوله «اقتدار» و «قضایی» را به طور جداگانه مورد بحث قرار می‌دهیم.

مبحث اول - چیستی اقتدار

اقتدار چنان که فلاسفه ی سیاسی کلاسیک غرب مانند هابز، لاک و روسو استدلال می‌کردند اساس حاکمیت دولت و به این عنوان تنها به واسطه ی رضایت و قبول کسانی که موضوع حاکمیت و اقتدارند پدید می‌آید، تنها در صورتی تداوم می‌یابد که در قالب وضع قوانین لازم برای حفظ جان، مال، آزادی، صلح و امنیت مردم به کار رود و برای آشنایی بیشتر با اقتدار بدوا به تعریف آن می‌پردازیم.

بند اول: تعریف اقتدار

واژه ی اقتدار معادل انگلیسی Authority می‌باشد. سابقه ی استعمال این واژه به سنای روم مربوط می‌شود. در آن زمان سنای روم، اعتبار قوانین مصوب مردم را تایید می‌کرد و رومی‌ها هم اقتدار (اتوریته) سنا را پذیرفته بودند.

نظرات متعددی در رابطه با تعریف اقتدار ابراز شده از جمله:

- رابرت وال: قدرت مشروع را اقتدار می‌نامد.
- دایره المعارف علوم اجتماعی: اقتدار توانایی ذاتی یا اکتسابی برای اعمال سلطه بر یک گروه است اقتدار جلوه ای از قدرت است و بر اطاعت از آن دلالت دارد.
- در دیدگاه بسیاری از تحلیل گران سیاسی: مفهوم اقتدار و نفوذ پیوندی تنگناک دارد، اقتدار به معنی قدرت مشروع است، قدرت مبتنی بر رضایت نیز بیان کرده اند. (عالم، ۱۳۹۵، ۱۰۰)

به طور کلی اقتدار را می‌توان به عنوان قدرتی به رسمیت شناخته شده ی مشروع و پذیرفته شده محترم و مورد اطاعت تعریف کرد.

بند دوم: انواع اقتدار

اقتدار را سه نوع دانسته اند که عبارتند از: اقتدار سنتی، اقتدار قانونی یا عقلایی، اقتدار

فرهی

- **اقتدار سنتی:** در این اقتدار رهبری بر قدرتی سوار می‌شود که سنت ها در اختیار حکومت می‌گذارد. زیرا در شرایط مساوی در یک جامعه سنتی کسی که اجداد او ریاست قوم را به عهده داشته اند یا بر حسب سنن، پایه گذار قوم به حساب می‌آید بر دیگران تقدم خواهد داشت. وی اقتدارش را از سنت ها اخذ می‌کند. این نوع اقتدار مبتنی بر عرف های باستانی و سنت ها و قراردادهای اجتماعی است.

- **اقتدار قانونی یا عقلانی:** اقتداری است که پایه اش قوانین کشور است. این نوع اقتدار عمدتاً در نظام های مردم سالار (دموکراتیک) وجود دارد. مشروعیت این نوع اقتدار از عقل و اجماع اکثریت نشأت می گیرد.

- **اقتدار فرهی (کاریزماتیک):** به اقتداری گفته می شود که حق فرمانروایی از صفات ویژه رهبر برآمده باشد یا بر خصلت ها و صفات ستوده ی او متکی باشد. اقتدار از هر نوع که باشد باید مشروع باشد.

مشروعیت به معنی قانونی بودن یا طبق قانونی بودن است. در گذشته بعد از سده های میانی در اروپا سیسرو (Cicero) این واژه را برای قانونی بودن حکومت بکار برد. سپس مرحله ای رسید که در آن عصر «رضایت» به معنی آن افزوده شد. رضایت پایه و اساس فرمانروایی مشروع دانسته شد.

در دموکراسی، مشروعیت اهمیت زیادی دارد زیرا دموکراسی بر رضایت مردم مبتنی است در صورت نبودن مشروعیت، حکومت اعتماد عمومی را از دست می دهد و سرانجام فرو می پاشد. (عالم، ۱۳۹۵، ۱۰۵)

حاکمیت با زور چندان دوامی نمی آورد. به شهادت تاریخ آنجا که قدرت چشم ها را کور و گوش ها رو کر می کند، حاکمیت قدرت خود را از دست می دهد.

مبحث دوم- اقتدار قضایی، اهداف و ارکان آن

منظور از اقتدار قضایی قدرت مشروعی است که قوه قضائیه دارا می باشد. آنچه مسلم است اگر اقتدار قضایی ملی ضعیف باشد مردم با مصائب بی شماری روبرو خواهند شد مثل دوران حمله مغول به ایران :
در پی حمله چنگیز خان مغول (۶۱۴ ق) مصیبت های بیشماری بر مردم ایران رفت. از جمله این مصیبت ها که به موضوع ما ارتباط پیدا می کند بهم ریختن اوضاع دادرسی در ایران بود.

بند اول: اهداف قوه قضائیه

دستگاه قضایی در هر جامعه ای که شکل می گیرد بر مبنای فلسفه ای است که این مبنای فلسفه ی وجودی این دستگاه را مشخص می کند و برای این دستگاه اهداف و اغراضی تنظیم می شود. خوشبختانه هم در فقه ما این تنظیم آمده و هم در قانون اساسی ما اهدافی به عنوان اهداف و وظایف قوه ی قضائیه پیش بینی شده است، که ما اگر این اهداف را مد نظر قرار بدهیم، توسعه ی قضایی به معنای دقیقش بر می گردد به این معنا که این اهداف بهتر، شکوفاتر، گسترده تر در جامعه تحقق پیدا کند. موارد زیر را می توان به عنوان ایده ها و اهداف اصلی

دستگاه قضایی در یک جامعه قلمداد کرد:

۱. گسترش عدالت در جامعه
۲. احقاق کلیه حقوق، حقوق عمومی و خصوصی، حقوق الناس، حقوق الله
۳. تامین آزادی‌های مشروع و حمایت از آنها
۴. ایجاد امنیت در جامعه و پیشگیری از وقوع جرم و جرم زدایی
۵. تشریفات و مقررات قضایی روان و مناسب. توسعه و رشد تشریفات دادرسی و آیین دادرسی را می‌توان به عنوان یکی از اهداف قوه قضائیه قرار داد. یعنی یکی از اهداف دستگاه قضایی این باشد که دعوی و مرافعات را هر چه آسان‌تر، ساده‌تر، روان‌تر، در مدت کمتر، و با حفظ همه‌ی حقوق طرفین دعوا، حقوق متهم یا امنیت قضایی برای محکوم علیه، حل و فصل کند. پس مقررات و تشریفات قضایی روان با حفظ امنیت قضایی برای طرفین مخصوصاً برای متهم و محکوم علیه، مساله بسیار مهمی است و یکی از اهداف قوه قضائیه به شمار می‌رود.
۶. یکی از هدف‌ها یا ایده‌هایی که بایستی قوه قضائیه دنبال کند، استقلال و اقتدار قوه قضائیه از هرگونه تاثیر پذیری است، این دستگاه باید هر چه مستقل‌تر باشد و اقتدار بیشتری در مقابل تاثیرپذیری داشته باشد.
۷. توسعه و رشد دانش و فن قضاوت. کادر قضایی در یک سیستم قضایی توسعه یافته، متشکل از افرادی فاضل است و قضات باید از سطح بالاتری از نظر فضل و علم و فقاقت و دانش حقوق و فن قضاوت برخوردار باشند - فن قضاوت اضافه بر معلومات حقوقی و فقهی قاضی، خود یک مهارت و دانش مستقلی است اگر کادر قضایی متصف به این صفات باشند - دستگاه قضایی پیشرفته‌تر و توسعه یافته‌تر خواهد بود.

بند دوم: ارکان قوه قضائیه

برای دستگاه قضایی چند رکن ضروری است آنها عبارتند از:

- | | |
|---------------------------------|-------------------------|
| ۱-قوانین | ۵- ضابطان و امور اجرایی |
| ۲-ساختار | ۶- اخلاق |
| ۳-توجه به سیاست‌های کیفری | ۷- نظارت و ارزیابی |
| ۴-نیروی انسانی (قضات و کارکنان) | |

از ارکان فوق آنچه به مقاله‌ی ما مربوط می‌شود مورد چهارم، پنجم، ششم و هفتم می‌باشد که به شرح زیر بیان می‌شود.

۱- نیروی انسانی

نیروی انسانی، رکن مهمی در دستگاه قضایی است، کسانی که متصدی امر قضا می‌شوند، کسانی که می‌خواهند با مال جان و ناموس و حیثیات مردم سر و کار داشته باشند و پرونده را

بگیرند و بررسی کنند و حکم را صادر کنند، چه شرایط و خصوصیات می باید داشته باشند؟ این رکن بسیار مهمی است، در حقیقت بدنه‌ی دستگاه قضایی را این کار تشکیل می دهد هر چه این رکن برخوردارتر از شرایط اخلاقی لازم و صفاتی باشد که هم در فقه برای قاضی آمده و هم در حقوق، برای احراز منصب قضاوت تعیین شده است، به توسعه‌ی قضایی و تحقق عدالت نزدیک تر شده ایم. در بعضی از کشورها شرایط علمی برای قضاوت سخت تر از شرایط علمی همه‌ی رشته‌های دیگر است، مثلا، شرط قاضی شدن این است که در تمام درس‌ها نمره‌ی بیست بیاورد یا بعد از احراز شرط علمی قضاوت، باید پانزده سال یا ده سال سابقه‌ی وکالت بدون هیچ گونه تخلفی با حسن سابقه داشته باشد تا بتواند قاضی شود. این سیاست بسیار درستی است.

۲- ضابطان و امور اجرایی

یکی از مهم‌ترین ارکان قوه‌ی قضائیه رکن ضابطان و تشکیلات اجرایی است. قوه‌ی قضائیه با اهدافی که هم در قانون اساسی و هم در فقه اسلامی برایش ذکر شد و وظایفی که تعیین شده، باید در همه‌ی امور، فصل خصومت کند. قوه قضائیه ضمانت اجرایی می خواهد، باید بداند آن حکمی را که قاضی صادر کرده اجرا می شود، بلکه قبل از اجرا برای تحقیق، تفحص، جلوگیری از وقوع جرم، و بسیاری مسایل دیگر، ضمانت اجرایی می خواهد. یعنی همه‌ی اینها نیاز به قدرت و قوه‌ی رادعه دارد که در آیین دادرسی‌ها و ساختارها، به عنوان ضابطین ذکر می شود و معلوم می شود ضابطین قوه‌ی قضائیه هم در اختیار قوه‌ی قضائیه قرار می گیرند ولی در تشکیلات فعلی و ساختار فعلی ما به آن توجه درستی نشده است. در بعضی از کشورها، کل نیروی انتظامی زیر نظر دادستان است، اصلا نیروی انتظامی زیر نظر قوه مجریه نیست، نیروهای انتظامی خیلی از کشورها راس شان دادستان کل است نه وزیر کشور، چرا؟ چون در حقیقت نیروی انتظامی کارش ایجاد نظم و جلوگیری از اغتشاشات و اجرای حکم قانون است که اینها همه مسایل قضایی است. و لذا این نیرو را در اختیار این بخش از قوه‌ی قضائیه که دادستان است قرار داده اند. یعنی در اختیار کسی که مدعی العموم است، مسئول حقوق عام است. هم مسئول احیای آن حقوق و هم مسئول جلوگیری از تعرض به آن حقوق است. معمولا در کشورهای دیگر دادستان هر استانی رئیس شورای تامین آن استان است، یعنی شورای تامین زیر نظر دادستان است نه زیر نظر استاندار!

۳- اخلاق

در انتخاب قضات و کارمندان و ضابطان دادگستری توجه به شخصیت خانوادگی و شخصی فرد حرف اول را می زند. اگر فرد دارای شخصیت مثبت و انسانی باشد و از اخلاق بایسته و خدا محور بهره مند باشد می توان امیدوار بود که اقتدار قضایی رشد کرده و در جایگاه رفیع قرار خواهد گرفت در غیر این صورت ساختارها و ارکان مارالذکر را نیز تخریب خواهد کرد. از این رو پیام پیامبر اکرم (ص) نیز پاک، پارسایی و پایه گذاری شیوه‌ی نوین در دادرسی اسلامی بود و

می فرمود نباید چنین هنری سترگ را به دست بی هنرانی ناشایست نسپاریم و کار از کسانی کاردان نستائیم و به ناکسانی نابکار وانگذاریم، و راستی چه کاری سنگین تر و هنری تر از دادرسی و دادگری است؟ به نظر شخص بنده برگرفته از تجربه چهل سال خدمت اذعان می کنم مقوله شخصیت خدا محور و اخلاق و ادب زیستی که نهادینه در حیات خدمتی شخص باشد (دارای احساس مسئولیت درونی) دیگر شاهد این نخواهیم بود که قاضی ارباب رجوع را ناسزا گوید یا کارمند به جای خدمت با موبایل خود بازی کند یا ضابطی به اهمال اخطار را هفته ها نگه دارد! و ...

۴- نظارت و ارزیابی احکام دادگاه ها

قوه قضائیه مقوله نظارت کم داشت و یا اگر داشت شکلی و نمادین بود بنابراین قضات و کارکنان چه رای غلط صادر کنند یا کارمندان ماه ها پرونده ها را بیهوده در بایگانی نگه دارند یا ضابطان خودکامه کارهایی انجام دهند یا پرونده ها در کلانتری ماه ها بلا اقدام بمانند کسی نبود که چند و چون و ماجرا را بپرسد لذا احکام صادره ارزیابی نمی شد، کارمندان کنترل نمی شد. نیروی ضابط هم همچنین برای تبدیل این نقطه ضعف ها به نقطه قدرت و افزودن به اقتدار قضایی او لا یک دستگاه نظارت واقعی باید قوه قضائیه را همراهی کند و ثنیا احکام صادره در مهذب ارزیابی قرار گیرد تا به دانش و تجربه قضات افزوده شود.

فصل سوم: تاثیر اخلاق در حوزه فردی، اجتماعی و قضایی

اخلاق در حوزه های متعدد تاثیرگذار است از آن جمله حوزه های فردی، اجتماعی و قضائی. ذیلا به توضیح اختصاری آنها می پردازیم.

مبحث اول - اخلاق فردی

زیربنای اخلاق جمعی و موثرترین عامل در سالم سازی محیط زندگی اخلاق فردی می باشد. اگر اخلاق فردی نابسامان باشد یعنی تربیت صحیح در مورد فرد نهادینه نشود نمی توان رفتار خوب از او متصور شد و در این راستا تنبیه و مجازات حتی شدیدترین مجازات ها کارآمد نخواهد بود. به چند نمونه از رفتار افراد در دوره قاجار توجه کنید:

۱. قدره کش شروری که از مشاهیر الواط است و با این که سابق یک دست و پاهای او را بریده اند و یک بار هم به گلوله بسته اند و زخمش هایش بهبود یافته و از مرگ جسته است بار دیگر در صحن شاه چراغ با الواط دیگر به جان هم افتاده اند و این بار باز هم چند ضربه کارد و دو گلوله هم خورده است، هنوز هم باکی ندارد و سر عربده جویی دارد! (وقایع اتفاقیه، ۱۵، ۱۳۷۶)

۲. خبرهای متواتر و فراوان از قبیل ... سارق دست و پا بریده دوباره دزدی کرد، گوشش هم بریدند باز از خلاف خود دست برداشت! یا الواطی که یک دست و یک پایش را قبلا به لحاظ ارتکاب جرمی بریده بودند بار دیگر مست کرده چهار نفر را هم زخم زده است! یا دزد به

دام افتاده ی دست بریده ای باز هم به دزدی رفته است آن هم در خانه فراش باشی حکومت!
۳. هزاران نمونه از این واقعه در دوران حکومت قاجار در اقصی نقاط کشور پهناور ایران رخ داد و آنهایی که مرتکب کارهای خلاف می شدند با سنگین ترین مجازات روبرو بودند ولی هرگز این مجازات های سنگین هیچ اثری در ترک جرایم و اصلاح مجرم نداشت. برای نمونه مجازات های زیر را در این دوران شاهد هستیم:

مصادره اموال، کشتن، در جوال کردن، میخ کوبیدن، سر تراشیدن، ریش تراشیدن، ریش کندن، چوب زدن، سر بریدن، دست بریدن، گوش بریدن، گچ گرفتن، شقه کردن، تکه تکه کردن و ...

مساله اینجاست که چرا این همه مجازات های سنگین نمی تواند در اصلاح افراد تاثیرگذار باشد؟ جواب ساده ای که می توان به مساله داد این است که نمی توان با مجازات حتی شدیدترین آنها رفتار انسان ها را عوض کرد. رفتار انسان با تربیت اخلاقی عوض می شود با نهادینه شدن اخلاق نیکو و مکارم اخلاقی در فرد ...

مساله دوم این است که این تربیت از چه زمانی و از کجا باید شروع شود تا نهادینه شده و در رفتار فرد اثرگذار باشد.

صاحب نظران، حقوقدانان، فقها در خصوص اثرگذاری تربیت اخلاقی مراتبی را پیش بینی کرده اند به شرح زیر:

بند اول: تربیت در رحم مادر

اولین مکتب طفل رحم مادر است بدین معنی که هر چه در بیرون توسط والدین انجام می شود بی تاثیر در شخصیت دنیای پنهان کودک نیست. از وقتی که جنین در بطن مادر شکل می گیرد رفتار والدین با همدیگر - اگر خصمانه، دشمنانه، دردمشانه یا دوستانه و اصولمند و صادقانه توأم با پرهیزکاری و تقوی باشد هر کدام تاثیر خود را در شخصیت طفل می گذارد. تغذیه مادر، روحیه مادر، شادابی، پریشانی، خستگی مادر هم همچنین از طریق خون در تکوین شخصیت جنین موثر است.

نیک اندیشی، بداندیشی، پرخاشگری، عصبانیت، آرامش، سلامت و مریضی مادر در پرورش طفلی که در بطن دارد اثرگذار است.

پرهیزکاری والدین، خوشرویی و ترشرویی آنها تقوی و خدامحوری آنها، گمراهی و شقاوت و ایمان آنها همچنین بی تاثیر در جسم و روان طفل به دنیا نیامده نیستند. با توجه به مراتب فوق و نظایر آن طفلی که پا به عرصه وجود می نهد ممکن است نهیف و فرسوده و مریض و یا شادان و بالنده و سلامت به جهان هستی گام بگذارد. پیامبر اسلام نیز سعادت و شقاوت طفل در شکم مادر را با روایتی به این عبارت تایید می نمایند:

«الْشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمَّهِ وَالسَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمَّهِ»

خلاصه اینکه انسان از زمان جنین نیاز به تربیت و مراقبت دارد و این تربیت و مراقبت را باید به والدین طفل آموخت و خانواده را وادار کرد که این آموزش را سپری کنند قبل از اینکه بچه دار شوند.

بند دوم: تربیت اخلاقی فرزند بعد از تولد

کودک در دامن خانواده بزرگ می شود خانواده ای که می تواند پيله یا زندان کودک باشد و بیماری های روانی و تیره بختی برای فرزندان به ارمغان آورد یا برعکس محل شکوفایی شخصیت وی باشد.

روانشناسان معتقدند فرزند چند سال اول زندگی در حضور خانواده آنچه را که می بیند و می شنود در ضمیر ناخودآگاه خود به عنوان ارزش های اکتسابی ذخیره می کند و این رفتار خوب یا بد سرانجام در شخصیت آتی او خود را نشان می دهند مخصوصاً آنچه که با چشم مشاهده می کند.

بنابراین چند سال اول زندگی برای اطفال بسیار حساس و ارزشمند است. برای اینکه این سال ها با موفقیت همراه باشد و زیربنای شخصیتی اطفال استحکام بایسته داشته باشد، حرف ما این است که:

اول پدر و مادر باید خود، ملبس به لباس آهین مکارم اخلاقی شوند. خدامحوری (خدا را در همه حال و هر زمان ناظر اعمال و رفتار خود ببیند) راستگویی، امانتداری، مهربانی، ادب، احترام به خود و دیگران و ... حضور در خانواده (پدر و مادر باید در خانواده حضور داشته باشند) غیبت هر کدام صدمه جبران ناپذیری به فرزند وارد می کند.

نکته دیگر اینکه پدر و مادر باید علاوه بر عملکرد نیکو، آموزش تربیتی لازم را طی نمایند و بدانند چگونه فرزند را تربیت نمایند. خانواده متزلزل و نابسامان قادر نخواهد شد نه خودی لایق و نه فرزندی شایسته تحویل جامعه دهند.

بند سوم: تحکیم خانواده و جامعه

برای اینکه جامعه بتواند به خوبی شکل گیرد و اساس آن استوار گردد و لرزشی در آن ایجاد نشود، قرآن کریم تهذیب و تربیت نفوس را در آن بسیار مهم می شمرد و نخست به تربیت فرد و سپس نزدیکان و خویشان و آن گاه به جامعه توجه می کند. رعایت ترتیب فرد، اهل و خویشان و جامعه به سبب این است که تا فرد ساخته و مهذب نشود، اهلش به سختی تربیت خواهند شد و تا اهل خانواده اصلاح نشوند، تربیت جامعه دشوار است، پس ساختار جامعه برگرفته از خانواده است.

از نگاه قرآن، تحکیم جامعه به میزان استحکام خانواده هاست و هرگونه تزلزل یا سستی در جامعه به ناپایداری کانون خانواده وابسته است. عقیده و عمل به تعالیم و آموزه های دینی در

مراحل مختلف، فواید و آثاری از خود بر جای می‌گذارد؛ در جنبه فردی، مایه ثبات و تعالی شخصیت فرد، در جنبه خانوادگی، عامل استحکام خانواده، و در بعد اجتماعی، مایه تحکیم جامعه می‌شود. هرگز افراد و خانواده‌های متزلزل یا متلاشی نمی‌توانند جامعه متعادل یا متعالی را به وجود آورند؛ به همین دلیل است که قرآن کریم برای تحکیم جامعه و ایجاد جامعه سالم و متعالی به تهذیب فرد و تربیت و تعلیم افراد خانواده بسیار تاکید می‌ورزد. اگر جامعه بخواهد به امنیت برسد، باید خانواده را درست تاسیس کند. (جوادی آملی، ۷۹، ۱۳۹۳)

مبحث دوم - اقتدار قضایی

از جمله شاخص‌هایی که در دستگاه قضایی باید به آن اهمیت داده شود تربیت اخلاقی کادر قضایی و اداری قوه قضائیه است.

اگر کادر قضایی فاقد مکارم اخلاقی باشد ضربه جبران‌ناپذیری بر ارزش اقتدار قضایی خواهد زد. برای تبیین موضوع نمونه‌های عملی از محاکم دوره قاجار در بندهای زیر نقل می‌نماید.

بند اول: عمل خودسرانه‌ی یک عضو دادگستری

در حکومت ناصرالدین شاه یک عضو حقیر دیوان خانه به تنهایی مسند مدعی و قاضی و دادستان و مامور اجرا و جلاد حکومت را متکفل می‌شود، و حاجی زارع آبرومندی را به جرم اینکه ضامن بدهکاری شده است و شخص مدیون در موعد معین بدهی خود را نپرداخته است، دستگیر می‌نماید و به دولت سرای خود می‌برد و در محبس اختصاصی خانه‌ی خویش زندانی می‌کند و شخصا در مقام مدعی اقامه‌ی دعوا می‌نماید و در لباس دادستان به توپ و تشر متوسل می‌شود و سرانجام بر مسند قضاوت می‌نشیند و رای صادر می‌کند که «درست است چیزی به کسی بدهکار نیست، اما باید خدمتانه و تعارف مرا بپذیرد». و با صدور این حکم در قالب اصلی خویش در می‌آید، یعنی فراش غلاظ و شداد حکومت. و در مقابل انکار حاجی که بدهکار نبوده است تا خدمتانه و تعارفی تقدیم کند، طنابی به بیضه‌ی پیرمرد می‌بندد و آنقدر می‌کشد تا حاجی بینوا جان به جان آفرین تسلیم کند و از چنگ ماموری بدین سخت‌گیری و سخت‌کشی رها گردد. و همه‌ی این مسائل در مسیر عادی خود جریان می‌یابد بی‌آنکه فریاد اعتراضی برخیزد که این چه عدالت است و چه حکومتی. (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۶۷۶، ۱۶)

تحلیل اخلاقی واقعه فوق - مسلم است که هیچ انسانی در وقیح بودن واقعه فوق شک نخواهد کرد این عمل وقیح و زشت از یک کارمند دیوانخانه رخ داده است حال علاوه بر عوامل قضایی دیگر اگر از جنبه‌ی اخلاقی به این قضیه نگاه کنیم در می‌یابیم که:

- ۱- این عضو حقیر دیوانخانه - هرگز خدا را ناظر و حاضر در اعمال خود نمی‌دیده است.
- ۲- این عضو حقیر دیوانخانه - هرگز به وظیفه خود آشنا نبوده و یا بوده عمدا وظیفه شناسی را فراموش کرده بوده است.

۳- این عضو حقیر دیوانخانه- انسانیت، وجدان، همون دوستی، رحم و شفقت در سینه ی او جای نداشته است.

۴- این عضو حقیر دیوانخانه- غافل از پاداش اخروی عمل خود برای کسب چند ریال مادی، دین، معنویت و انصاف و عدالت را به ثمن بخش فروخته بوده است.

۵- این عضو حقیر دیوانخانه- قانون را زیر پا گذاشته و از موقعیت اداری-قضایی خود پتک محکمی بر اعتبار اقتدار قضایی نواخته است.

از مجموع این گونه حوادث ناگوار نتیجه گرفته شده است که در عصر قاجار اقتدار قضایی در پایین ترین مرتبه ی خود بوده است. این نمونه تاثیر اخلاق فردی در اقتدار قضایی است.

اگر یک انسان با وجدان، متدین، خداشناس، قانونمدار، وظیفه شناس، دوست حق و دشمن باطل، بی طمع، فاقد حب دنیا، دارای خلق نیکو، دوست دار اصلاح ذات البین - جای آن شخص بود یعنی متخلص به اخلاق بود این جنایت هولناک را انجام می داد!!!

اگر مجلات منتشره در دوره قاجار که اوضاع روز دوره قاجار را به رشته تحریر درآورده مطالعه بفرمایید- خواهید دید که ...

عوامل عدیده این جامعه را به تباهی کشانده مخصوصا فقد مکارم اخلاقی در آحاد مردم. فقد اقتدار در شاهان، حاکمان جامعه را به هرج و مرج کشانده بود- قانون از جامعه رخت بر بسته و بی قانونی و ظلم و ستم جایگزین آن شده بود. بنابراین شعار مردم تاسیس عدالتخانه بود که سرانجام به این هدف رسیدند.

عدالتخانه تاسیس شد، قانون وضع گردید، مجلس تاسیس شد، قانون اساسی نوشته شد و رفته رفته با روی کار آمدن شخصیت هایی مانند علی اکبر داور و اصلاح قانون و تربیت دادرسان با تجربه و متدین، اقتدار قضایی اگرچه کم رنگ، در جامعه ایران پا به عرصه وجود نهاد.

بند دوم: تحولات تقنینی بعد از انقلاب ۱۳۵۷

مسلمنا انقلاب های بزرگ چون انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹، انقلاب ایالات متحده در سال ۱۷۷۶، انقلاب بلشویکی در روسیه تزاری در سال ۱۹۱۷، انقلاب مشروطه در ایران ۱۹۰۶ م یا ۱۲۸۵ هـ و سرانجام انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ م یا ۱۳۵۷ هـ تحولاتی در قانون گذاری به وجود آوردند. در ایران نیز بعد از انقلاب اسلامی با تصویب قانون اساسی ۱۳۵۸ و متمم آن در سال ۱۳۶۸ صفحه دیگری از تحولات در قوانین ایران باز شد.

در اصل چهارم قانون اساسی (اصل تراز) گام را از اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطیت فراتر نهاده، مقرر نمود که کلیه مصوبات قانونی نباید مغایر با موازین شرع اسلام باشد از این رو نخست قوانین کیفری حدود و قصاص در سال ۶۱ از تصویب مجلس گذشت این موضوع که در اسلام دادرسی از بدو تا آخر به عهده یک نفر قاضی می باشد موجب حذف دادرسا و دادگاه تجدید نظر شد ولی دیری نپائید که به کمک حقوق دانان و اعتراضی که در این خصوص مطرح

شد هم دادسرا احیاء و هم تجدید نظر برقرار شد.

چکاد قانون گذاری ایران متأثر از روند جهانی، کنوانسیون های حقوق بشری، مطالعات تطبیقی، تحولات علمی از جمله جرم شناسی، جامعه شناسی، کیفرشناسی در قوانین آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی با قانون گذاری سال ۱۳۹۲ در عرصه قانون گذاری ایران خود را نشان می دهد.

در آیین دادرسی کیفری تغییرات و تحولاتی حاصل شد که تا آن زمان نظیر نداشت از جمله:

- مستند بودن رای به قانون
- تساوی طرفین در برابر قانون
- بی طرفی مراجع قضایی نسبت به طرفین دعوا
- استقلال قوه قضائیه
- تسریع در رسیدگی
- جلوگیری از اطاله دادرسی
- مرعی داشتن اصل برائت
- احترام به کرامت و حیثیت انسانی در بازجویی و دادرسی و اجرای حکم
- آگاه شدن از موضوع و ادله اتهام انتسابی
- حق دسترسی طرفین دعوا به وکیل از لحظه تعقیب تا ختم دادرسی و اجرای حکم
- جبران خسارت بزه دیده
- آگاهی متهم و شاهد و بزه دیده از فرایند دادرسی
- رعایت حقوق شهروندی تمام افرادی که در فرایند دادرسی شرکت دارند از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی شرکت دارند.
- برخورداری از دادرسی منصفانه
- علنی بودن دادرسی
- عدم آزار و اذیت و شکنجه در کسب اقرار و شهادت
- در قانون مجازات اسلامی هم نوآوری هایی به وجود آمد از جمله:
- اصل حاکمیت قانون، اصل وجود یک دادگستری شایسته، استقلال قضایی
- اصل شخصی بودن مجازات، بی طرفی قضات
- افزایش انواع قرارها (تامین نظارت یا نظارت قضایی)
- تعریف تکالیف جدید به ضابطین دادگستری
- تحولات بایسته در دادگاه های اطفال و نوجوانان
- مجازات های جایگزین حبس
- تشکیل پرونده شخصیت

اگر با عینک تدقیق این موارد را ارزیابی کنیم یکی از عوامل اثرگذار در تدوین قوانین جدید- مساله اخلاق اسلامی بوده است. اکثر این نوآوری ها در منابع اسلامی مخصوصا در کلام وحی آمده بود لیکن منظم و مرتب نشده بود.

نتیجه گیری

هدف انبیای الهی، مصلحان بشری، جریان یک زندگی سالم در جامعه انسانی است به نحوی که انسان از داده های الهی وجود خود از قبیل عقل و شعور و وجدان بهره گیرد و زندگی توأم با آرامش و امنیت داشته باشد.

اما متأسفانه جهان، از آغاز زندگی اجتماعی بشر، آوردگاهی بوده است میان داد و بیداد، ستم ستیزی و ستمکاری و در طول تاریخ در فرآیند حاکمیت ملی هیچ آرمانی والاتر و هیچ هنری زیباتر و باشکوه تر از دادگری نبوده است و در به وجود آمدن این والاتی و هنر در میان یک ملت، اقتدار قضایی ملی بیشترین نقش را ایفا کرده است.

عاملی چند پا در میان گذاشته و تلاش کرده بشر را از چنگ بیدادگری و استبداد و ویرانگری رهایی بخشد - یکی از این عوامل اقتدار قضایی بوده است.

از طرف دیگر با عنایت به اینکه معمولاً میان خواسته ها و امیال متعدد مادی انسان و نیازهای معنوی او تعارض صورت می گیرد، انسان در میان این تعارض ها مجبور به انتخاب می شود (چون موجودی مختار است). در اینجا آنچه به کمک انسان می شتابد تربیت اخلاقی وی می باشد. از این رو تربیت اخلاقی در انسان ضرورت پیدا می کند و عاملی محسوب می شود ضروری برای هدایت او به رفتار نیکو و پرهیز از شرآفرینی و پرخاشگری و مالا به ظهور ارزشی او در جامعه - و این امر کمک شایانی است به دستگاه قضایی زیرا شخصی که مکارم اخلاقی در وجود او نهادینه شده - سرقت نمی کند، کلاهبرداری نمی کند، دیگر آزاری نمی کند. مهم تر از همه اینکه ایمان به خدا و روز جزا به مومن اجازه ایجاد مزاحمت و مشکل برای مردم نمی دهد و سخت می توان باور کرد که مومن به حقوق اجتماعی یا سیاسی یا مالی یا خانوادگی کسی تجاوز کند تا برای رفع این جرایم نیاز به مراجعه به دستگاه قضایی باشد.

نتیجتاً دو عامل در کنار هم به سلامت و امنیت جامعه کمک می کنند یکی اقتدار قضایی و دیگری تربیت اخلاقی.

پیشنهاد: در خصوص این دو عامل پیشنهادی به شرح زیر ارائه می دهد.

اولا: در مورد اقتدار قضایی - قوانینی که در سال ۱۳۹۲ در ایران تدوین و تصویب شده اعم از قوانین جزایی و کیفری در نوع خود، قوانین نمونه در جهان هستند به عنوان مثال در آیین دادرسی کیفری ۱۰۰ حق به متهم پیش بینی شده که در کمتر قوانین کشورها این تقنین وجود دارد. پیشنهاد این است که ما قوانین خوب داریم نیاز به اجرای خوب و بهینه هستیم - تلاش کنیم این قوانین به نحو احسن اجرا شوند.

دوم: در مورد تربیت اخلاقی - ما در اقیانوس بیکران ارزش های اخلاقی اسلامی شناوریم برای اینکه این ارزش ها نتیجه مطلوب اجتماعی دهد پیشنهاد می کنیم از مرز وعظ و توصیه بگذریم و تلاش کنیم به هر نحو ممکن با سرمایه گذاری، آموزش، بهره گیری از وسایل ارتباط جمعی، نظارت، این ارزش ها را در فرد و خانواده ها نهادینه کنیم. البته عملاً نه به صورت شعاری - زیرا مکارم اخلاقی خمیرمایه ی تمدن و ستون فقرات یک زندگی اجتماعی سالم است و همان حلقه ی مفقوده است که جهانیان آن را فراموش کرده اند.

فهرست منابع

۱. آملی جوادی، عبدالله، حقوق خانواده، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۲. به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، وقایع اتفاقیه، تهران، نوین، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
۳. خادم الذاکرین، اکبر، اخلاق اسلامی در نهج البلاغه، انتشارات نسل جوان، چاپ پنجم، ۱۳۹۵.
۴. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، موسسه انتشارات نگاه، جلد اول، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
۵. زرینی، حسین، هژبریان حسین، تاریخ معاصر دستگاه قضایی ایران و تحولات آن، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، چاپ روزنامه رسمی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۶. شبر، عبدالله، اخلاق، ترجمه صادق حسن زاده و حسین حسن زاده، انتشارات آبان، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۷. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۸. محفوظی، عباس، اخلاق اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۹. ویل دورانت، عصر ایمان، بخش دوم، ترجمه ابوالقاسم طاهری، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۴۴ - ۲۵

بنیان‌های اخلاق هندو: نظریه کرمه

^۱ حبیب بشیرپور

^۲ ابوالفضل محمودی

چکیده

کیفیت زندگی آدمی در طول دوران حیات خویش در این جهان و در سرای باقی همواره تحت تاثیر اعمال و کردار و گفتار خویش است. کرمه به معنای عمل کردن است و ثمره عملی که تحت تاثیر خواسته‌ها و غرائز انسانی انجام شود، در چرخه زندگی‌های بعدی یا در سمساره نتیجه می‌دهد. با درک کرمه در اخلاق هند، می‌توان وضعیت زمان حال فرد را توجیه کرد و نیز از تولدهای بعدی در آینده جلوگیری بعمل آورد. به منظور کسب کرمه خوب باید از دهرمه پیروی کرد و دستیابی به معرفت، باعث از بین رفتن کرمه می‌شود. به استثناء چارواکه، تمام نظام‌های هندی با نظریه کرمه، کم و بیش توافق دارند. همه چیز تحت سیطره قانون کرمه است؛ اما این قانون در نزد سانکھییه و میمانسا مستقل از اراده الهی است و در ادیان بودایی و جین، خدایان هم تحت تاثیر قانون کرمه هستند.

واژگان کلیدی

کرمه، عمل، معرفت، تولد مجدد، سمساره.

Email: h.bashirpour@sbu.ac.ir

۱. دکترای ادیان و عرفان تطبیقی.

۲. دانشیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

Email: amahmoodi5364@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۱

طرح مسأله

اخلاق هندو بر طبق اصل اعتقادی کرمه عمیقاً با باور به تناسخ یا تولد مجدد پیوند خورده است. بر اساس آموزه کرمه، هر عملی خوب یا بد، نتیجه خود را نه تنها در بهشت و دوزخ، بلکه در بیشمار بدن، از خدایان گرفته تا حشره و گیاه و سنگ، برجای می‌گذارد. در شش نظام فلسفی هندویی و در قدیمی‌ترین قانون‌نامه‌های دسته دهرمه سوتره^۱، باور به مفهوم کرمه، یا عمل، یا به ثمر نشستن اعمال در تولدهای بعدی دیده می‌شود. بالاترین هدف فلسفه‌های هندوی، خلاصی از عوارض عمل و در نتیجه رهایی از تولد مجدد است. (Jolly, 1912: vol. 5, p. 496)

مفهوم کرمه در ادیان هندویی، بودایی، جینی و سنت‌های دیگر موجود در هند و هر یک از فرق آن‌ها تا حدی متفاوت است؛ اما در نهایت آموزه کرمه در همه این سنت‌ها حول سه موضوع قرار دارد: علیت، اخلاق و تولد دوباره. راه حل مکاتب هندوی برای از میان بردن منشاء رنج و پدیداری تنوع حالات انسانی، در فهم قانون کرمه نهفته است. (Turner, 1912: vol. 7, p. 673)

این مقاله درصدد پاسخ به دو پرسش است: کرمه در اندیشه هندو به چه معناست و چه نقشی در سرنوشت آدمی بازی می‌کند؟ و دیگر آنکه چگونه می‌توان با خنثی کردن آن از چرخه تولد مجدد و رنج نجات پیدا کرد؟ پرداختن به این سئوالات مهم‌ترین محور این پژوهش است.

واژه کرمه از ریشه «کری» (kri) به معنای عمل کردن است. هر عملی مطابق قانون علیت منجر به کرمه می‌شود که بر اساس آن: «هر چه بکاری می‌دروی». خاستگاه مفهوم کرمه از اصل ریته^۲ به معنی نظم کیهانی است که نخستین بار در وداها مطرح شده است. ریته نظامی است که بر اعمال اخلاقی و جسمانی حاکم است و در طول دوره برهنه‌ها به آن مانند قانون ثابت علیت نگریسته می‌شد که در مورد تمام رفتارهای اخلاقی بکار می‌رفت. این قانون تنها بر رفتار خارجی شخص حاکم نیست بلکه مربوط به نیت‌های شخص در وراء هر عمل نیز می‌شود. (Sbabad, Sorajjakool, 2010: p. 38)

سنت‌های گوناگون مفاهیمی را به روش‌های مختلف به آن افزوده‌اند. (Hamilton, 2001: p. 10)

هیچ مفهومی به اندازه کرمه بر جهان‌بینی هندیان اثرگذار نبوده است. معادل کرمه در زبان‌های پالی: kamma، تبتی: las، چینی: yeh یا yin-kuo و در زبان ژاپنی: inga یا gō می‌شود. (Mahony, 1987: Vol. 8, p. 262)

درک قانون کرمه برای توجیه وضعیت زمان حال فرد بر مبنای اعمال گذشته او، و هم در مقام راهنمای اعمال زمان حال وی بر این مینا که زمینه‌های تولد مجدد وی را در آینده فراهم

1. Dharma sutra
2. rta

نیارود، به کار می‌آید. (Scharf, 2008: p. 410)

نتیجه کردار شخص یعنی کرمه او، معمولاً به مانند سایه او را دنبال می‌کند و به محض اینکه فرد فوت کرد، در همان کیفیت در رحم دیگری تولد مجدد می‌یابد که متناسب با نتایج بد یا خوب اعمال اوست. این رحم، ضرورتی ندارد که رحم انسان باشد، کسانی که مرتکب اعمال شرورانه شده‌اند، حیوان می‌شوند و یا به دوزخ می‌روند. (Lipner, 2010: Vol. II, p. 781)

کرمه نه تنها به معنای عمل بلکه به معنای نتیجه عمل نیز هست. فکر کردن، صحبت کردن، دیدن، خوردن، همه اعمال کرمه‌ساز هستند. فکر کردن، کرمه ذهنی است. کرمه مجموعه‌ای از اعمال ما در زندگی فعلی و در زندگی‌های پیشین است. قانون کرمه به معنای قانون علیت است. هر جا علتی باشد معلولی نیز وجود خواهد داشت. چون هر فکر یا رفتار دربردارنده انرژی است، علتی برای ایجاد معلول کرمه‌ای می‌شود. در یک نگاه کلی، انسان از سه بخش احساس، شناخت و اراده تشکیل می‌شود که این هر سه، کرمه را به وجود می‌آورند. انسان چیزی را می‌شناسد و نسبت به آن احساس رنج یا خوشی پیدا می‌کند و اراده انجام کاری یا انجام ندادن کاری را نسبت به آن پیدا می‌کند. پس به واقع این میل و خواسته است که کرمه را ایجاد می‌کند. (Sivananda, 1999: p. 45)

توالی قاعده‌مندی بین آنها برقرار است که حکایت از ارتباط مشخصی می‌کند بین آنچه که فرد در زمان حال انجام می‌دهد با آنچه که در آینده اتفاق خواهد افتاد. افکار می‌توانند ویژگی‌های شما را شکل دهند. اگر شما فکر خوبی را عزیز دارید، ویژگی خوب خود را بسط می‌دهید و در ادامه، فکر تبدیل به عمل شود. اگر شما به ذهن خود اجازه دهید که در خوبی‌ها سکنی گزیند، شما به طور طبیعی خوب عمل خواهید کرد و اعمال‌تان ستودنی خواهد بود. (Ibid, p. 46)

شما عملی می‌کارید و عادت‌ها را در می‌کنید و عادت‌ها را می‌کارید و ویژگی‌ها را برداشت می‌کنید و ویژگی‌ها را می‌کارید و تقدیری را برای خودتان حاصل می‌کنید. پس تقدیر شما ساخته خود شماست. اگر می‌خواهید تقدیرتان را عوض کنید باید افکارتان را عوض کنید و اعمال پارسایانه انجام دهید. (Ibid, p. 47)

در منو^۱ گفته شده که هر عمل، جسمانی یا ذهنی، کرمه خوب یا بدی ایجاد می‌کند. در نتیجه سه نوع عمل بد وجود دارد. ذهنی، زبانی، جسمی. عمل بد جسمانی به تجسّد دوباره به شکل مخلوقی بی‌حرکت منجر می‌شود. عمل بد زبانی به تجسّد در شکل یک حیوان می‌انجامد و ثمره عمل بد ذهنی، تولد مجدد به صورت فردی در طبقه پایین‌تر است. (Pillai, 2011: vol. 1, p. 343)

داسگوپتا می‌گوید: اگر تجربیات مقدّر شده برای یک انسان توسط عمل‌اش شبیه همان تجربیات و اعمالی باشد که در زندگی یک بز تحقق می‌یابد، او

بعد از مرگ به صورت یک بز متولد خواهد شد. (Dasgupta, 1922: vol. 1, p. 73)

ارتباط کرمه و دهرمه

راه کسب کرمه خوب، پیروی از دهرمه (نظام اخلاقی در عالم) است. هدف نهایی از پیروی دهرمه، آزادی شخص از سمساره^۱ یا چرخه تولدهای مجدد است. سمساره واژه‌ای سانسکریت و به معنای «سرگردانی» و اشاره به «تناسخ» یا «تولد دوباره» و «چرخه کرمه‌ای» دارد (Firth, 1977: pp. 29-43)؛ یعنی فلاسفه هندی وجود یک روح را در ارتباط با کرمه می‌پذیرند که برای دریافت جزا و پاداش از بدنی به بدن دیگر می‌رود. شخص می‌تواند با پاک کردن بقایای کرمه‌ای به مکشه یا رهایی از سمساره برسد. (Ramen, 2008: p. 40) قانون کرمه هم‌زمان در سطوح عینی و ذهنی مؤثر می‌افتد. در سطوح ذهنی، باقیمانده‌های کرمه‌ای که به دنبال تولدهای پی‌درپی از طریق اعمال انباشته می‌شود، خصوصیات اساسی روح از جمله تمایلات اثرگذار، ظرفیت‌ها و گرایش‌های فرد را شکل می‌دهد. قانون کرمه، در سطوح عینی وضعیت‌های خارجی تولد فرد را در زندگی بعدی مشخص می‌کند که از آن جمله می‌توان به انسان بودن، جنس، خانواده، طبقه اجتماعی و جامعه‌ای که فرد در آن متولد می‌شود، اشاره کرد. از این منظر، قانون کرمه ابعاد عینی و ذهنی هستی فرد را مشخص می‌کند. دهرمه‌سوتره‌ها^۲ (مجموعه‌های سوتره که مواد و موضوعات آموزشی هر یک از مکتب‌های سنت هندو بطور خلاصه و برای به خاطر سپردن است) و دهرمه‌شاستره‌ها^۳ («دستورنامه‌های دینی»، شاستره به معنای «دستور» و «قاعده» که رساله‌هایی در موضوعات مختلف از جمله در آداب و احکام اند) قانون کرمه را به‌عنوان انگیزه یا مشوق کیهانی برای انجام وظیفه طبقاتی فرد می‌دانند. برطبق این قانون، تولد یک فرد در طبقه‌ای خاص یا ورنه^۴، نظیر شودره^۵، امری اختیاری نیست؛ بلکه نتیجه میراث کرمه‌ای است که از تولد قبلی انباشته شده است. عمل به وظیفه طبقاتی صحیح‌ترین روشی است که از طریق آن فرد می‌تواند استعدادهای طبیعی خود را گسترش دهد و هم‌زمان بیشترین هماهنگی را با نظم کیهانی و اجتماعی داشته باشد؛ اگرچه که فرد آزاد است تا مسیر دیگری را برگزیند و بکوشد تا دهرمه اجتماعی دیگری را به‌عهده بگیرد. دهرمه‌شاستره‌ها مکرراً تأکید می‌کنند که انجام این امر منجر به بهبود وضعیت مشخصی نخواهد شد، چرا که قانون کیهانی دهرمه همان‌گونه که در ساختار نظام طبقاتی و قانون کرمه تبیین شده است، از پیش وضعیت هر

1. Samsara
2. Dharma sūtra
3. Dharma śāstra
4. Varna
5. śūdra

فرد را در زندگی آینده تعیین کرده است. (Holdrege, 2005: pp. 236, 237)

دین هندو، دین یا روش زندگی بر مبنای مفاهیم کرمه، دهرمه و مکشه است. هدف نهایی، مکشه، رهایی از چرخه تولدمجدد است. برای دستیابی به مکشه، فرد باید دهرمه یا وظیفه و مسئولیت‌اش را همان‌گونه که مقرر شده است، دنبال کند. هر فرد با زندگی کردن بر طبق نظم یا قوانین کیهانی دهرمه، کرمه خوب جمع می‌کند که منجر به تولدش در مرتبه بالاتری در زندگی بعدی می‌شود و سرانجام او را به مکشه می‌رساند. (Pillai, 2011: vol. 1, p. 339)

خاستگاه آموزه کرمه

اصل اعتقادی کرمه پیشینه و سابقه روشن و واضحی در لایه‌های اولیه متون ودایی ندارد، از این رو برخی محققان بر آن شده‌اند که خاستگاه کرمه را در بیرون از فضای فرهنگ کهن ودایی جستجو کنند. در این راستا برجستگی موضوعات کشاورزی در نمودهای اولیه این اصل اعتقادی به‌ویژه آنها که به کشت برنج مربوط می‌شود به‌عنوان شاهی بر خاستگاه قبیله‌ای و غیر ودایی این اصل اعتقادی به حساب آمده است. (Tull, 2005: p. 311)

در ادبیات ودایی و برهنه‌ها کرمه به «هر آئین یا عمل دینی همچون قربانی و نذر به امید ثواب در آینده» اطلاق می‌شود تا این قربانی‌ها به آسمان رفته، ذخیره شده و پس از مرگ دارایی فرد متوفی شود. (Krishnan, 1997: p. 4)

بر اساس باور ودایی در منترها، اجرای قربانی با رعایت تمام جزئیات آیینی و بدون کوچک‌ترین خطای لفظی یا عملی باعث می‌شود که فرد به مقصود مورد نظر خود برسد. مفهوم رایج دیگری در سمهیتا (وداها) وجود دارد که حاکی از آن است که کسی که در این دنیا مرتکب اعمال بد شود در دنیای دیگر گرفتار رنج خواهد شد و در مقابل کسی که اعمال خوب انجام دهد در بالاترین حد مادی در دنیای دیگر از لذت برخوردار خواهد شد. شاید نظریه کرمه را این مفاهیم به‌همراه مفهوم ریته ساخته‌اند. (Dasgupta, 1922: vol. 1, pp. 72, 73)

پس در ادبیات ودایی، کرمه به عنوان اعمال دارای نتیجه، با مناسک قربانی در ارتباط است و این باور وجود داشت که نتایج خاصی در قربانی وجود دارد که باعث عملکرد بهینه کیهان می‌شود و خوب یا بد بودن عمل بستگی به درست انجام دادن آن دارد. ارزش‌هایی که با این فهم از کرمه همراه است، الزاما با باور اخلاقی همراه نیست. در زمان‌های بعد کرمه با اندیشه تولد مجدد همراه شد؛ یعنی نتایج مثبت یا منفی از هر آنچه فرد به‌عنوان وظایف‌اش انجام داده است ممکن است در هر یک از زندگی‌های بعدی او مؤثر افتد. (Hamilton, 2001: p. 11)

بدین ترتیب، با آنکه واژه کرمه مکرراً در متون ودایی به کار می‌رود، اما به‌عنوان یک اصل اعتقادی در نظر گرفته نمی‌شود؛ بلکه به‌عنوان اصطلاحی است که معرف یک عمل و به‌ویژه عمل آیین قربانی است. اما با پایان یافتن دوره برهنه‌ها که مقارن با تألیف اوپنیشدهای اولیه است، کرمه به‌صورت یک اصل اعتقادی ظاهر می‌شود؛ که حکایت از آن دارد که اعمال انجام

شده در این زندگی مستقیماً بر شرایط زندگی آینده تاثیر می‌گذارد. (Tull, 2005: p. 312)

در براهمنه‌ها، اصل اعتقادی کرمه تنها در مورد قربانی‌هایی اعمال می‌شود که در طی حیات فرد انجام می‌شود و این ساز و کار مستقیماً در مورد سرنوشت فرد پس از مرگ به کار می‌آید. (Ibid, p. 317) در دورهٔ برهمنی صحبت از دوباره مردن یا متولد شدن در این زندگی می‌شود و در شته‌پتهه/براهمنه^۱ اشاره می‌کند که آنهایی که این دانش را ندارند یا کسانی که این آیین (آتش قربانی) را انجام نمی‌دهند، وقتی مردند، دوباره به زندگی برمی‌گردند و این چرخهٔ تولد و مرگ بارها و بارها برای آنها تکرار می‌شود. (Lipner, 2010: Vol. II, p. 778)

اولین نشانه‌های مهم از کرمه در اوپنیشدهای اولیه، در بریه‌د/آرنیکه^۲ اوپنیشده^۳ دیده می‌شود که احتمالاً در قرن ششم قبل از میلاد تألیف شده است و بعد از آن در چهاندوگیه^۴ اوپنیشده^۳ و بعد در کثوشیتیکی/ اوپنیشده^۴ نیز از این اصل اعتقادی یاد می‌شود. در حدود یک قرن بعد یا بیشتر از این دوران، این نظریات در شکل کمال یافته‌اش در ادیان بدعت‌گذار هندی یعنی جین و بودا دیده می‌شود که کرمه و تولد مجدد در مرکز تفکر فرجام‌شناسی آنان قرار می‌گیرد و بعد از این می‌توان نظریهٔ کرمه را به عنوان بخش اصلی پیش‌فرض‌های فرجام‌شناسی همهٔ ادیان هندی مشاهده کرد. (Obeyesekere, 2002: p.1)

در بریه‌د/آرنیکه^۲ و چهاندوگیه^۴ اوپنیشده^۳ که قدیمی‌ترین اوپنیشدها می‌شوند و با براهمنه‌ها ارتباط آشکاری دارند دو مسیر برای بعد از مرگ معرفی می‌شود: مراقبه در جنگل باعث می‌شود که فرد بعد از مرگ به مسیر آسمان برود و از میان خورشید به جهان‌های برهما رفته و در آنجا سکونت دائم یابد که این مسیر خدایان^۵ است. در مسیر دیگر، قربانی، فرد متوفی را به مسیری می‌برد که او را به ماه می‌رساند و سرانجام به زندگی دوباره در این جهان بازمی‌گرداند و این راه نیاکان^۶ است. در اینجا یک مسیر بر مسیر دیگر برتری ندارد؛ اما در اوپنیشدهای دیگر، عمل قربانی و نائل شدن به مسیر نیاکان به شدت تحقیر شده و جاهلان هستند که قربانی‌ها و هدایا را بهترین می‌شمارند. آنها مدتی با لذت در آسمان‌ها زندگی می‌کنند و دوباره به این جهان زیرین بازمی‌گردند (از طریق دود، باران، تولید گیاهان، منی و تولد). (Tull, 2005: p.320) در فضای براهمنی، اوپنیشدهای اعمال در دو مینا مورد ارزیابی قرار می‌گیرند که هیچ یک از آن دو در تقابل با دیگری نیست، یکی از طریق ماهیت عمل، همان گونه که هست و دوم از طریق شیوه‌ای که آن عمل انجام می‌شود.

1. śatapatha brāhmana
2. Brhadāranyaka Upa
3. chāndogya Upa
4. kaushitaki Upa
5. devayāna
6. Pitryāna

(Ibid, p. 319)

طرح اصل اعتقادی کرمه برای اولین بار به حکیم یاجنه‌ولکیه^۱ نسبت داده شده است. (Safra, 2006: p. 441) بنا بر گفته او «برطبق آنچه که فرد عمل می‌کند و رفتار می‌کند، پس آنگاه او همان خواهد شد. مرتکب خوب، خوب می‌شود و مرتکب بد، بد!» یاجنه‌ولکیه با تحلیل ماهیت و فرآیند کرمه، میل و آرزو را به عنوان علت غایی همهٔ اعمال و خاستگاه تولد مجدد مستمر معرفی می‌کند. (Ibid, p.1153) در اینجا ما شاهدیم که روند نگاه به کرمه از شکل آئینی آن که قربانی بود به جانب عمل اخلاقی متمایل می‌شود. در بریهده/آرنیکه/اوپنیشد (Brhadāranyaka Upa 1950: 3.2.13) پاسخ یاجنه‌ولکیه به سؤالی راجع به اینکه آنچه که بعد از مرگ باقی می‌ماند چیست؟ می‌گوید: آن کرمن^۲ یا عمل است. در جهان‌دوگیه/اوپنیشد (Chāndogya Up, 1984: 5. 10. 7) گفته شده که عمل خوب است که منجر به تولد به شکل یک برهن، کشتریه یا ویشیه می‌شود در صورتی که عمل بد منجر به تولد به شکل یک حیوان یا عضوی از پایین‌ترین طبقه^۳ می‌شود. در کنهه/اوپنیشد (Katha Upa, 2016: 5. 7) می‌گوید: برخی بر طبق رفتارشان و بر طبق معرفت‌شان به شکل گیاه تجسم می‌یابند. در این عبارت اخیر اشاره به معرفت ودایی به عنوان عاملی مؤثر در تولد مجدد می‌کند. (Klosternaier, 2005, p. 276)

کرمه قانونی خارجی نیست بلکه قانون و داوری درونی است. در شتهه‌پته اپانیشد آمده است که خدا قانون کرمه را بوجود آورده است. خدا هم عشق است و هم قانون، و عشق او از طریق قانون کرمه جاری می‌شود. از متون اوپنیشدی برمی‌آید که نفس پس از ترک جسم کنونی در قالب جسم جدید درمی‌آید. نفس خالق است به این معنا که اوست که جسمی را خلق می‌کند. نفس با هر تغییر جسم، شکل جدیدتری می‌یابد. دانش^۴ و رفتار فرد (کرمه) در زندگی قبلی است که شرایط فعلی او را مشخص می‌کند و نتایج آموختن و رفتار به نفس می‌چسبد. انسان بارها متولد می‌شود تا به معرفت حقیقی دست یابد از نظر رادها کریشنن، کرمه قانونی عادلانه است چرا که مجال اصلاح را برای فرد فراهم می‌سازد. (The Principal Upanishads, 2007, p. 113)

شایگان، نطفهٔ قانون کرمه را در اوپنیشدها می‌داند که بعدها تکامل و ترویج یافته است. اما کرمه اوپنیشدی با کرمه متأخر متفاوت است چرا که انگیزه و نتیجهٔ کردار در اوپنیشدها از همین حیات ناشی می‌شود و منشاء آن تمایل و ارادهٔ انسان است؛ چنان که اوپنیشد می‌گوید «هر آن گونه که اراده باشد کردار نیز بدان گونه خواهد بود» اما در کرمه متأخر، انسان در حیطهٔ نیروی آن اعمالی است که در زندگی‌های پیشین مرتکب شده و جبر و تقدیر نقش برجسته‌ای در

1. yājñavalkya
2. Karman
3. candāla
4. vidya

چگونگی احوال او دارد و انسان می‌تواند هرگاه بخواهد راه نجات و آزادی را پیش گیرد و خود را از گردونه تولد مجدد رهایی بخشد. از نظر اوپنیشدها ریشه زایش دوباره، تمایل روح جهت انجام دادن کارهاست و چون روح تمایل به انجام عمل دارد بار دیگر به این جهان برمی‌گردد تا کارهای تازه‌ای را انجام دهد. (شایگان، ۱۳۸۶: صص ۱۱۴، ۱۱۵) کرمه در اوپنیشدها از سویی قانونی اخلاقی است و اساس نظام اخلاقی را در هند بوجود می‌آورد و از سوی دیگر، فرد باید از آن خلاصی یابد تا تولدی مجدد نداشته باشد. (Krishnan, 1997: p. 17)

کرمه و تقدیر و آزادی انسان

اما اگر زندگی شخص بر طبق قانون کرمه است، آیا زندگی فرد از پیش مقدر نشده است؟ در این صورت جایگاه آزادی کجاست؟ کشمکش بین کرمه و آزادی را شاید بتوان در سه شکل از کرمه توضیح داد. ابتدا کرمهٔ پربرده^۱ که با تیری مقایسه می‌شود که از پیش رها شده است و به تمام چیزهای از پیش مقدر شده اشاره دارد؛ نظیر جنس، والدین، رنگ پوست. این نوع از کرمه مسئول شادی‌ها و دردهای این زندگی فعلی است. نوع دوم کرمهٔ سمجهیته^۲ است که شبیه تیری است که در کمان نشسته و منتظر رها شدن است و به‌ویژگی و تمایلات فطری اشاره دارد. در این نوع از کرمه امکان دارد تا ویژگی فرد تغییر یابد و بر تمایلات اش غلبه نماید. این تغییر می‌تواند از طریق اعمال آیینی و از طریق معرفت^۳ بدست آید. سمجهیته کرمه در طول زندگی‌های گذشته جمع شده است و در آینده نتیجه خواهد داد. سوم، کرمهٔ آگمی^۴ است که به‌مانند تیری است که هنوز در کمان جای نگرفته است و اشاره به هر عملی دارد که در این زندگی انجام می‌شود و ممکن است هم در این زندگی و هم در زندگی بعدی ببار نشیند. کرمهٔ آگمی‌ای که در این زندگی نتیجه ندهد به‌عنوان کرمهٔ سمجهیته تجمع می‌یابد. از طریق این اشکال گوناگون کرمه، هر یک از ما خالق و معمار آینده‌مان می‌شویم. ما زندگی خودمان را شکل می‌دهیم و هر کاری که انجام بدهیم نتایج طبیعی خود را ببار می‌آورد. سمساره یا چرخه تولد و تولد مجدد، توسعهٔ طبیعی مفهوم کرمه است. سمساره اشاره به چرخه تولد و تولد مجددی دارد که بدون وقفه و مادامی که کرمه وجود دارد، ادامه خواهد یافت. کرمه و سمساره هم چنین به توضیح مسئلهٔ رنج کمک می‌کنند. مادامی که فرد درگیر فرآیندهای رفتاری، احساسی و ذهنی منفی است، در این چرخه درد و رنج باقی خواهد ماند. (Sbabad, Sorajjakool, 2010: pp. 38,39)

شما مسئول سرنوشت خود هستید و شما سازندهٔ آیندهٔ خودتان هستید که این نمایانگر ارادهٔ

1. Prarabdha
2. Samchita
3. Jnana
4. agami

آزاد و اختیار در انسان است. (Sivananda, 1999: p. 48) تقدیر یا سرنوشت^۱ چیزی به غیر از مجموعه و گردآمده‌ای از نیروهای تولید شده از عمل خود شخص نیست که فرد در زندگی‌های گذشته اندوخته است؛ پس اگر او به اندازه کافی کوشش و مجاهدت کند و عادات نیک را در خود پرورش دهد و آنها را جایگزین عادات بد گذشته خود کند، می‌تواند سرنوشت خود را دگرگون سازد. (چاترجی و موهان داتا، ۱۳۸۴: ص ۱۰۶)

رهایی از کرمه بوسیله معرفت

در دنیای هندویی و بودایی، مفهوم کرمه کاملاً با سنت‌های توحیدی رایج تفاوت دارد. بر اساس این دیدگاه سرنوشت آدمی کاملاً تحت سیطره قانون علت و معلول است و هیچ مؤلفه دیگری در آن دخالت ندارد. در ساده‌ترین صورت، کرمه بیان می‌کند که هر آنچه امروز هستی، نتیجه مستقیم هر آن چیزی است که در زندگی گذشته انجام داده‌ای و این امر نیز حاصل تجمع کرمه‌های زندگی‌های پیشین است و رهایی از این چرخه نیز به وسیله مداخله فیض و لطف خداوند میسر نمی‌شود؛ بلکه در آئین هندویی این رهایی از طریق معرفت به حقیقت خود که همان آتمن است و معرفت به برهمن و این همانی آتمن و برهمن است که میسر می‌شود. (Smith, 2005: p. 129) هندوان معتقدند که بدن، حامل روح یا آتمن است و دنیا را از طریق آن روح تجربه می‌کند. در زمان مرگ، این بدن تخلیه می‌شود و آتمن به بدن دیگری می‌رود. آتمن جاودانه است و بدن جسمانی فناپذیر است. آنها معتقدند رنج زمان مرگ به خاطر کرمه بوده و اجتناب ناپذیر است. (Ibid, p. 43) برطبق نظر وادها، علم به این موضوع که ماهیت واقعی هر فردی ازلی است؛ یعنی «خود»^۲ تغییرناپذیر یا آتمن با ماده و «خود» تغییرپذیر تفاوت دارد، همان معرفت است و ما به سبب غفلت از ماهیت واقعی خود، به بخش دروغین یعنی خود جسمانی می‌چسبیم که سبب ایجاد عکس‌العمل کرمه‌ای می‌شود.

(Sbabad, Sorajjakool, 2010: p. 38)

اندیشه کرمه ارتباط نزدیکی با مفهوم جاودانگی روح دارد. در اوپنیشدها روح انسان در وراء مرگ نیز زندگی می‌کند. طبق اوپنیشدها، آزادی از تولدهای مجدد (سمساره) از طریق معرفتی متعالی، دگرگون کننده و تجربی به دست می‌آید. وقتی شخصی این معرفت دگرگون کننده را کسب کرد دیگر هرگز زاده نمی‌شود و هرگز نمی‌میرد و جاودانه می‌شود.

(Narayanan, 2006, vol. 1, p. 310)

در بخش بزرگی از تفکر دینی هند این اندیشه معمول است که دستیابی به معرفت «ویدیا»

1. daiva

2. self

یا «جنانه» باعث از بین رفتن کرمه می‌شود و تولد مجدد به پایان می‌رسد و رهایی^۱ رخ می‌دهد. (Jacobsen, 2011: p.78)

در تمام نظام‌های مهم، نبرد خیر در برابر شر، ویدیا^۲ در برابر آویدیا^۳، معرفت در برابر جهل و روشنایی در برابر تاریکی در روح انسان همواره برپاست. اگرچه ما در اوپنیشدها به عباراتی دست می‌یابیم که حاکی از آن است که کسی که به برهمن دست یافت در وراء خیر و شر سکنی می‌گزیند و یا اغلب در پورانه‌ها می‌خوانیم که چطور خدای متعال کرمه^۴ بد گناهکارانی را که به او پناه می‌برند را برطرف می‌کند؛ یعنی کسانی را که برای اعمال بدشان مستوجب کیفر بودند، به لطف خویش از عقوبت می‌رهاند. با این حال در سرتاسر سنت هندو، باور اخلاقی درخشانی حاکم است که در ضمن آن درستکاری در مفهوم اخلاقی را به‌مانند پیش‌نیازی برای ورود به مسیر رهایی به‌شمار می‌آورد. (Klosternaier, 2005: p. 295)

با این حال، طول مدت زندگی فرد در این دنیا بر مبنای کمیت و کیفیت اعمال انجام شده در زندگی گذشته^۵ فرد تعیین می‌شود و این اعمال شامل: ۱- سفید یا پارسایانه ۲- سیاه یا شرورانه ۳- سفید و سیاه یا بخشی پارسایانه و بخشی شرورانه ۴- نه سفید و نه سیاه که اعمال بدون چشم‌داشتی هستند که در نتیجه^۶ مراقبه یا چشم‌پوشی از نفسانیات حاصل می‌شود که در این صورت کرمه^۷ جدید پدید نمی‌آید و زندگی فرد تنها متأثر از اثرات کرمه‌های گذشته است. اگر در این زمان او معرفت واقعی را به‌دست آورد تمام اعمال گذشته او حبط می‌شود و بدین ترتیب او از بند کرمه رهایی می‌یابد. (Dasgupta, 1922: vol. 1, p. 74)

اما چگونه می‌توان نگرش‌های دینی گوناگون یعنی رهایی از طریق عمل و رهایی از طریق معرفت را با هم ترکیب کرد و به‌صورت نظامی برای دستیابی به مقاصد عملی در زندگی روزانه تبدیل کرد؟ در کتاب‌های درمه‌شاستره که دربردارنده^۸ وظایف دینی و اجتماعی دینداران است، توصیه‌هایی برای آریائیان (انسان‌های شریف) ارائه می‌شود که آنها باید عمر خود را در سه مرحله سپری کنند که نه‌تنها شامل کرمه‌مارگه، بلکه شامل جنانه‌مارگه هم می‌شود. یعنی در هر مرحله از زندگی که اشرمه^۹ نامیده می‌شود، او گامی به جلو برمی‌دارد. فرد در اولین مرحله که پسری ۸ تا ۱۰ ساله است به خانه^{۱۰} برهمن می‌رود و ودا یاد می‌گیرد. در اشرمه^{۱۱} بعد او تشکیل خانواده می‌دهد و بعد از اینکه پسرانش توانستند سرپرستی خانواده را برعهده بگیرند وارد اشرمه^{۱۲} سوم می‌شود و کرمه‌مارگه را پشت سر می‌نهد و در مسیر معرفت گام می‌گذارد؛ خانواده را رها ساخته و

1. mokṣā
2. vidyā
3. avidyā
4. āśrama

روستا به روستا می‌رود و به جنگل در آمده و گوشه‌ عزلت اختیار می‌کند؛ این مسیر از کار و عمل شروع شده و به معرفت ختم می‌شود که تا زمان مرگ که بار نهایی از دوش او برداشته می‌شود، ادامه می‌یابد. (Turner, 1912, vol. 7, pp. 677, 678)

در نهایت باید این نکته را مورد نظر داشت که کرمه در تمام جنبه‌های فردی و اجتماعی به صورت جدانشدنی در هم تنیده شده است. نظریهٔ ورنه یا کاست بر زندگی اجتماعی، و نظریهٔ اشرمه بر جنبه فردی آدمی تأکید می‌کنند. (رادها کریشنان، ۱۳۸۲، ص ۷۸) ملازمتی بین عمل و معرفت وجود دارد، بطوریکه از نظر کریشنا این کودکان و نه خردمندان هستند که علم را از عمل جدا می‌دانند (The Bhagavad Gita, 2007: 4:5) و در واقع عمل، مقدمه‌ای برای معرفت است چراکه «آنکس که حواس خود را رام کرده، معرفت را بدست آورد و با کسب معرفت به آرامش مطلق رسد» (Ibid, 4:39). و همچنین «یوگی که به مرحلهٔ نجات رسیده، عملش در آتش علم گذاخته و پاک شده است». (Ibid, 4:19) به گفتهٔ کریشنا، چشم‌پوشی از خواهش‌های نفسانی، منجر به رهایی از چرخهٔ تولد و مرگ می‌شود و در نهایت او سه مسیر را برای رهایی معرفی می‌کند:

کرمه‌یُگه^۱ یا طریق عمل، طریق معرفت یا جنانه‌یُگه^۲، و طریق اخلاص یا بهکتی‌یُگه^۳. کرمه‌یُگه طریقه‌ای است که در آن عمل، وقف خداوند و بدون تعلق و وابستگی به نتیجه آن انجام می‌شود. (Gaia, 2011: vol. 1, p. 306)

دومین یُگه، روش زندگی جنانه‌یُگه یا راه معرفت است که بر مبنای مراقبه و مطالعهٔ متون مقدس است. نظیر بهکتی‌یُگه، جنانه‌یُگه می‌تواند کرمهٔ بد فرد را خنثی کند. کریشنا می‌گوید: «همان‌گونه که آتش چوب و هیزم را می‌سوزاند، آتش معرفت نیز کرمهٔ بد را می‌سوزاند (The Bhagavad Gita, 2007: 4:37)» (Morreall, 2012: p. 221)

از نظر کریشنا، کسانی که جنانه‌یُگه و کرمه‌یُگه را مختلف می‌دانند در غفلت‌اند. چرا که هر دو به یک هدف نهایی منجر می‌شوند که همانا آزادی از چرخهٔ تولد مجدد است. عمل درست، عملی است که تنها اختصاص به خداوند دارد. یوگی‌ای که کرمه‌یُگه را پشت سر گذارد و سپس مرحلهٔ جنانه‌یُگه را طی کند، برهنه را سریع‌تر می‌یابد. (Gaia, 2011: vol. 1, p. 310)

کرمه و مکاتب فکری هندو

به استثناء چارواکه، تمام نظام‌های هندی با برخی نکات مهم مبنایی نظریهٔ کرمه توافق دارند. نظام‌های فلسفی در هند صرفاً به جهت رفع نیازهای انتزاعی ذهن انسان بوجود نیامده‌اند،

1. Karma Yoga
2. Jnana Yoga
3. Bhakti Yoga

بلکه آنها به‌عنوان مؤلفه‌های اساسی زندگی دینی مطرح‌اند. (Dasgupta, 1922: vol.1, p. 71)

مفهوم کرمه در ادیان هندو، بودا، جاین و سیک مطرح است. اگرچه کرمه به‌صورت تحت‌اللفظی به‌معنای عمل است ولی افکار و کردار را نیز دربر می‌گیرد. پیش‌فرض اساسی در وراء کرمه، جهانی‌پویاست که در آن هر عملی نتیجه خود را دارد. یعنی اعمال خوب نتایج خوب خواهد داشت و اعمال بد، نتیجه بد. از آنجایی که افکار هم عمل محسوب می‌شوند، انگیزه‌های فرد نیز در نظر گرفته می‌شود. از این رو عمل شایسته از فرد فرومایه هم عملی شایسته است، اما ثواب او به اندازه فردی که خودش پاک است، نیست. کرمه به‌عنوان روندی کاملاً مادی در نظر گرفته می‌شود، هم‌چون قانون جاذبه! و نیازی به ربوبیت خداوند ندارد؛ اگرچه در طریقت بهکتی هندویی، خدا می‌تواند کرمه گذشته شخص را لغو و بی‌اثر کند. اثرات عمل فرد ممکن است در حیات وی دیده شود که پذیرفتن آن آسان است، چون همه معتقدند که هرکسی نتیجه عمل خود را می‌بیند؛ ولی اثبات دومی یعنی دیدن نتیجه اعمال در حیات بعدی، به‌صورت عینی مشکل است. (Lochtefeld, 2002: pp. 351,352)

در دین‌های جینی و بودایی، خدایان نیز هم‌چون سایر مخلوقات در معرض قانون کرمه قرار دارند. (Lurker, 2004: p. 46) بودا دلیل رنج و نابرابری را در جامعه به کرمه افراد در زندگی پیشین‌شان نسبت می‌دهد و می‌گوید افراد شبیه هم نیستند؛ برخی با عمر طولانی و برخی دارای عمر کوتاه، برخی زشت و برخی زیبا، بعضی بیمار و بعضی سالم،... که همگی به علت کرمه آنان است و کرمه ثروت و میراث فرد است؛ چراکه هر عمل اثری دارد و اثر بنوبه خود منشأ عمل تازه‌ای می‌شود که این علیت اخلاقی است. (Krishnan, 1997: pp. 59-61)

بودایی ← قانون اثر و موثر، عمل، کردار.
 هندویی ← به‌معنای عمل، نظام پاداش و جزاء که به اعمال گوناگون مربوط است.
 جاین ← ذرات میکروسکوپی که در جهان شناورند و به ارواح می‌چسبند و بر طبق کیفیت اعمال، نتیجه خاصی را قبل از اینکه از آن ارواح جدا شوند، آشکار می‌کنند.
 سیک ← تاثیر اعمال گذشته شخص بر روی زندگی‌های آینده.

در مرحله‌ای تأکید بر عمل، راهی بود برای نجات از طریق پیشکشی به آتش یا خدایان و زندگی موفق و سالمی را به‌دنبال خود می‌آورد؛ ولی با تحول سنت، در متون بعدی ودایی، انجام آیین‌ها بدون همراهی معرفت باطنی منجر به تولد دوباره و سمساره می‌شود. اوپنیشدها و ادیان ناستیکه جین و بودایی اجرای مناسک مرسوم را تحقیر می‌کنند و از این‌جا به بعد دو تحول متفاوت در مورد مقدس بودن این مناسک دیده می‌شود. نخست در مکتب میمانسا که بر عدم غفلت از انجام آیین تأکید می‌شود و دستیابی به آسمان‌ها صرفاً از طریق انجام آیین میسر دانسته

می‌شود. دومین نظر بر عمل بدون تعلق تأکید دارد. چرا که در بهگودگیتا، کریشنا به ارجونا می‌گوید که او باید وظیفه طبقاتی و جنگ را با معرفت به تمایز بین پورشه^۱ و پرکرتی^۲ و با ایمان به کریشنا به مانند عامل راستین همه اعمال انجام دهد. برطبق این نظر هر فردی موظف به انجام دهرمه^۳ خود است. (Scharf, 2008: p. 413) در متون بعدی سنت هندی، در راماینه^۴ با کمال تعجب اشاره بسیار کمی به کرمه و تولدمجدد می‌شود؛ اما در مهابهارتته^۵ به مفهوم دهرمه یا زندگی درست در سنت هندو پرداخته شده و اشارات بسیاری به آموزه کرمه و تولدمجدد می‌شود و پورانه‌ها هم دیدگاهی همچون مهابهارتته دارند. (Lipner, 2010: Vol. II, p. 780) در بهگودگیتا قانون کرمه از اختیارات قانونی آن وجود متعالی است و شخص کریشنا به شاگردش ارجونا آموزش می‌دهد که عمل را باید انجام داد اما بدون ایجاد تعلق و وابستگی به نتیجه آن، و رهایی انسان از طریق وقف مخلصانه خود به پروردگار حاصل می‌شود. (Ibid, p. 782) کریشنا در بهگودگیتا می‌گوید: «کسانی که همه اعمال‌شان را وقف من کنند، نیت‌شان من باشم، با مجاهده‌ای راسخ و مراقبه بر من، و کسانی که مرا عزیز می‌شمارند، پس آنگاه من ناجی آنها خواهم بود و آنها را از تولدمجدد نجات خواهم داد.» (The Bhagavad Gita, 2007: 12:6-7) از نظر حکیمان بهکتی آزادی از قیود کرمه از طریق توقف انجام عمل نیست؛ بلکه زمانی است که عمل بدون چشم‌داشت انجام شود و شخص نتایج عمل را مد نظر نداشته باشد. (Mahony, 1987, Vol. 8, p. 265) به عبارت دیگر، حوزه عملکرد قانون کرمه در دایره اعمالی است که تحت تاثیر خواسته‌ها و غرایز انسان انجام می‌گیرد؛ همه کارهایی که به انگیزه رسیدن به هدفی ویژه صورت پذیرد، مشمول قانون کرمه است. لیکن آن دسته از اعمال نیک که بدون چشم‌داشت به پاداش و به‌خاطر نفس نیکی و با نیت خیر انجام گیرد هیچ نتیجه‌ای به دنبال نخواهد داشت و موجب پایبندی و گرفتار شدن انسان نمی‌شود. (چاترچی و موهان داتا، ۱۳۸۴: ص ۱۰۶)

قانون کرمه بر کسانی جاری می‌شود که بر پایه انگیزه‌های خودخواهانه، دست به عمل می‌زنند و چشم به دستاورد این جهانی و یا آن جهانی دارند. اعمالی که بدون انگیزه‌های فوق انجام گیرند، نه فقط پیامد و ثمرات گرفتار کننده ندارند، بلکه باعث محو و نابودی کرمه‌هایی می‌شوند که تحت تاثیر وابستگی‌ها، نفرت و دلبستگی‌ها و یا به امید چیزی انجام شده‌اند. انجام کارهای بدون چشم‌داشت به آزادی و رهایی می‌انجامد. وقتی که انسان از قید و بند رها شد،

1. puruṣa
2. prakṛti
3. Rāmāyana
4. Mahābhārata

نفس او بر فراز و ماورای قانون کرمه، در محیطی آزاد و رها می‌زید و عمل می‌کند. همان، ص ۱۰۵) اما عمل خودخواهانه منجر به تولدمجدد می‌شود و تولدمجدد نیز منجر به ایجاد کرمه جدیدی می‌شود. عمل عاری از خودپرستی شما را اسیر نمی‌کند و اگر کسی قلب خود را پاک کند به انوار الهی و فیض رهایی‌بخش دست می‌یابد. (Sivananda, 1999: p. 48)

در یک تقسیم‌بندی کلی، نظام‌های فکری هند به مکتب‌های آستیکه و ناستیکه تقسیم شده‌اند. مکتب‌های فلسفی «آستیکه» قائل به حجیت وداها و آسمانی بودن آنها هستند و در مقابل مکاتبی مانند جین و بودا قرار دارد که «ناستیکه» خوانده می‌شوند که قائل به حجیت وداها و آسمانی بودن آنها هستند. مکاتب آستیکه شامل شش مکتب اصلی است و عبارتند از: یوگا، سانکهییه، میمانسا، ودانته، نیایه، ویششیکه.

مکتب‌های سانکهییه و یوگا هر دو بر این باورند که نفس، حقیقتی جاودانه و به‌طور کامل جدای از بدن و ذهن است و فقط با بصیرت معنوی نسبت به این مطلب است که می‌توان به نجات نایل شد. زمانی که جهل ریشه رنج و گرفتاری باشد، راه نجات از آن نیز کسب معرفت و آگاهی نسبت به وجود و معنای روح و جداسازی آن از ماده خواهد بود.

در مکتب یوگا یا یُگه، پتنجلی در یُگه سوتره^۱، کرمه را این‌گونه تحلیل می‌کند: هر عملی باقیمانده کرمه‌ای و یا به تعبیری کرماشیه^۲ ایجاد می‌کند که تجمعی از کرم‌هاست که بسته به نوع عمل می‌تواند خوب یا بد باشد. کرماشیه را شاید بتوان به‌عنوان بذری در نظر گرفت که یا در این زندگی فرد و یا در زندگی دیگر فرد رشد می‌یابد. آن بذر دربرگیرنده خصلت‌های شخصی فرد است که شامل آن موضوعات یا خواطری می‌شود که در ذهن فرد در مراتب غیرهشیارانه نقش بسته است و به‌مانند منشاء رنج‌های شخصی همیشگی ایفای نقش می‌کند و از آن به کلهشه^۳، رنج جهل، نفس، کینه و میل به‌زندگی نیز یاد می‌شود. کلهشه فعالیت‌ها را در جهت اهداف مورد نظر هدایت می‌کند و مردم را در دام مرگ و نوزایی نگاه می‌دارد. اگر شخصی بمیرد قبل از اینکه همه باقیمانده‌های کرمه‌ای او از بین رفته باشد آن باقیمانده‌های کرمه‌ای به افکار محقق نشده، امیال و احساساتی که به‌دنبال بدن جدیدی هستند می‌پیوندند و آن بذر را رشد می‌دهد. به‌عنوان مثال کسی که به خوردن غذا حرص و ولع دارد در زندگی بعدی به شکل خوک متولد می‌شود. (Mahony, 1987, Vol. 8, p. 263)

سانکهییه در صدد دستیابی به رهایی پراکرتیتی یا (ماده ازلی) از قیود کرمه از طریق جنانه یا معرفتی برای تشخیص بین پورشه و پراکرتیتی و فهم نقش گمراه‌کننده حواس است و اینکه

1. *yoga sutra*
2. *karmāśaya*
3. *kleśa*

این عقل و ذهن است که واقعیت را درمی‌یابد. در صورتی که در سایر نظام‌های فلسفی هند، هدف دستیابی به رهایی روح است، هدف در سانکهایه، رهایی پراکریتی و این امر مستقل از اراده الهی است. (Krishnan, 1997: p. 144)

در مکتب نیایه، این اعتقاد وجود دارد که جسم کنونی، حیات روانی، نفسانی و امکانات عقلانی ما نتیجه تأثرات کردار نیک و بد حیات‌های پیشین است. تحقق نجات با از بین رفتن این تأثرات است؛ نفس و ذهن از روح جدا می‌شوند و روح تجرد و پاکیزگی فطری خود را به‌دست می‌آورد. (شایگان، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۴۷۳) از نظر نیایه و ویششکه، کرمه سبب ایجاد جسم در تولدی مجدد و همچنین پیوند جسم با روح می‌شود. (Krishnan, 1997: p. 150) در مکاتب نیایه و ویششکه معتقدند که هدایت و کنترل قانون کرمه در دست خدا یا آن وجود متعالی است که تمام هستی را در هماهنگی و مطابقت با این قانون آفریده است و این خداوند است که نظام پاداش عمل خیر و مکافات عمل شر را هدایت می‌کند. اما قانون کرمه در مکاتب‌های جین، بودا، سانکهایه، میمانسا، قانونی است که مستقل و آزاد از اراده الهی است. (چاترچی و موهان داتا، ۱۳۸۴: ص ۱۰۴)

در نزد متفکران میمانسا، اعمال آیینی همچون جادو عمل می‌کنند؛ یعنی اگر روحانی، اعمال توصیه شده را به‌درستی انجام دهد، او خدایان را مهار می‌کند و با فشار وارد کردن بر آنها از طریق اعمال آیینی، آنها را وادار می‌کند که طبق نظر روحانی عمل کنند. یعنی کرمه از نظر این متفکران، متضمن خواست خداوند نیست و بخشی از نظام متافیزیکی غیرمتشخص علت و معلولی است که باعث می‌شود عمل، پاسخ خودکاری داشته باشد و هر کنشی، واکنشی اجتناب‌ناپذیر دارد. (Mahony, 1987, Vol. 8, p. 262)

مکاتب ودانتا و ادوایت‌ودانتا نیز کرمه را باور دارند؛ اما مکتب ودانتا نتیجه می‌گیرد که این آموزه از واقعیت‌ها ناشی نمی‌شود و نمی‌توان آن را اثبات کرد و این نیز به‌دلیل ناتوانی بشر در توضیح شر، نابرابری و سایر واقعیات قابل مشاهده در جامعه است و به‌همین دلیل، نامعتبر و به‌جهت حل مشکلات در زمان اوپنیشدی، اختراعی مناسب بوده است. سوامی شیواناندا می‌گوید: کرمه نمی‌تواند همزمان با اجرای عمل بوجود بیاید و امکان فاعلیت کرمه در صورتی خواهد بود که موجودی هوشمند مانند خداوند آن را منتقل سازد. (BRAHMA SUTRAS, 2008: .) (topic 8: 38-41) در مکتب ادوایت‌ودانتا این اعمال زندگی فعلی ما هستند که نتایج اخلاقی دارند و رهایی در صورتی امکان دارد که فرد به مرتبه «جیوان موکتی»^۱ یا فهم خود برسد. (Halbfass, 2000: p. 28)

1. Jivanmukti

در یک نگاه کلی، روند طبیعت نه به‌وسیلهٔ امیال و شهوات و پیش‌داوری‌های ارواح متشخصی که در پشت آنها مخفی هستند، بلکه به‌وسیلهٔ عملکرد قوانین تغییرناپذیر تعیین می‌شود. نظریهٔ کرمه سیطرهٔ قانون را نه تنها در طبیعت بیرونی، بلکه در جهان ذهن (روح) و اخلاق نیز به رسمیت می‌شناسد. به‌واقع ما هر لحظه در حال ساختن شخصیت خود هستیم و به سرنوشت خود شکل می‌دهیم. (رادها کریشنان، ۱۳۸۲: ص ۷۰) همه چیز تحت سیطرهٔ قانون است با این حال، همه چیز مشمول ارادهٔ خداوند است. کرمه، اصلی خشک و مکانیکی نیست، بلکه ضرورتی معنوی است. این اصل مظهر فکر و ارادهٔ خداوند است. خدا ناظر یا کرمادهیکشه^۱ آن است و عدالت از صفات اوست. (همان، ص ۷۱) قانون کرمه گناهکار را تشویق می‌کند که هیچ وقت برای اصلاح دیر نیست و دریچه‌های امید را بر روی ناامیدی و رنج، گناه و خطر نمی‌بندد. ما را ترغیب می‌کند که نگرشی محبت‌آمیز نسبت به گناهکار اتخاذ کنیم زیرا انسان‌ها اغلب بیشتر ضعیف هستند تا بی‌رحم. (همان، ص ۷۳)

نظریه‌های کرمه‌ای خاص، وجود استثنا در این قانون کلی را در مورد تناظر بین کیفیت عمل و بازتاب آن، امکان‌پذیر می‌دانند. گاهی سخن از آن می‌رود که می‌توان آن را به نیاکان یا کودکان و یا حتی گروه‌های دیگری در سایهٔ یک تعامل انتقال داد. حتی نشانه‌های نظام‌مندی وجود دارد که حکایت از نابود شدن نتایج اعمال بدون مجازات دارد. یُگه نیز اجازه می‌دهد تا ثمردهی اعمال در زندگی‌های آینده به تأخیر بیفتد و این تأخیر ممکن است باعث سوزاندن و یا بی‌نتیجه ماندن آن شود. سنت‌های بهکتی‌محور نیز، بخشودن اعمال توسط خداوند یا دیگر موجودات رحیم را ممکن می‌دانند. اما این در حالی است که نگرش‌های نظام‌مند، انتقال کرمه و مرتفع کردن اثرات کرمه‌ای را انکار می‌کنند. حتی در نزد بوداییان به اندازه‌ای به عملی که توسط دو نفر به‌صورت مشترک انجام شده است دقت می‌شود که کرمهٔ هر فرد مانع از بوجود آمدن کرمهٔ فرد دیگر نمی‌شود به‌طوری که هر فرد به‌طور کامل نتیجهٔ هر آنچه را که انجام داده است را به‌صورت کامل می‌بیند. جین‌ها نیز همانند بوداییان بر این باورند که هر کسی فقط نتایج اعمال خودش را تجربه می‌کند. (Schrsrf, 2008: p. 412)

نتیجه گیری

آموزه کرمه تلاشی است از جانب حکیمان اولیه هند در تبیین چرایی و چگونگی بودن انسان در این جهان و تبیین فرجام‌شناسی انسان و بالا بردن کیفیت زندگی این جهانی از طریق تأمل و بکار گرفتن عقل در کشف و پیرایش انگیزه‌های اعمال آدمی هم در عرصه ذهن و هم در ساحت ظاهر. تکون مفهومی این آموزه در ارتباط با مفاهیمی همچون ریته و دهرمه در بستر تاریخ نشان می‌دهد که اخلاق در هند بشدت متأثر از نظریه کرمه است بطوریکه فرد باید با اصلاح رفتار، گفتار و نیت‌های خود در زندگی جاری، زمینه تولد بهتر در طبقه اجتماعی مناسب‌تر را برای خود فراهم آورد و تقدیر بهتری را برای خود رقم بزند. از مطالب مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت:

- اخلاق هندو به شدت تحت تأثیر قانون کرمه است.
- بر اساس این قانون، هر عملی نتیجه خوب یا بد خود را در تولدی دیگر به شکل بیشمار بدن (تناسخ) با توجه به کیفیت عمل نشان می‌دهد.
- بالاترین هدف فلسفه‌های هندی، رهایی یا خلاصی از نتایج عمل و تولد مجدد است.
- کرمه از ریشه کری (kri) به معنای عمل کردن است.
- هر عملی مطابق قانون علیت منجر به کرمه می‌شود.
- قانون کرمه تنها حاکم بر رفتار خارجی فرد نیست و شامل نیات نیز می‌شود.
- عمل انجام شده نشان‌دهنده سرنوشت فرد در زندگی بعدی اوست؛ یعنی تقدیر هرکس ساخته خود اوست.
- راه کسب کرمه خوب و پاک کردن بقایای کرمه‌ای و نجات از چرخه تولد مجدد (سمساره)، پیروی از دهرمه یا انجام وظیفه بر طبق نظم کیهانی است.
- کرمه سابقه روشنی در متون ودایی ندارد و با مناسک قربانی مرتبط می‌شود.
- در براهمنه‌ها نیز کرمه با قربانی‌هایی مرتبط می‌شود که در طی حیات فرد انجام می‌شود.
- در این دوره صحبت از متولد شدن دوباره در این زندگی می‌شود و اینکه این چرخه می‌تواند بارها تکرار شود.
- اولین نشانه از کرمه به عنوان پیش‌فرضی فرجام‌شناسانه در دوره اپنیشادی در قرن ششم قبل از میلاد و سپس در شکل کمال یافته‌اش در ادیان جین و بودا دیده می‌شود و بعد از این در همه ادیان هندی دیده می‌شود.
- اصل اعتقادی کرمه برای اولین بار به حکیم یاچنه‌ولکیه نسبت داده می‌شود.
- سه نوع کرمه وجود دارد: پربرده، سمچهیته، اگمی.

پربنده اشاره به چیزهای از پیش مقدر شده مثل والدین، جنس، ... دارد و مربوط به اعمال انجام شده در گذشته است. سمجهیته اعمال انجام شده‌ای است که منجر به ویژگی‌های فطری شده و امکان دارد از طریق اعمال آئینی و معرفت تغییر یافته و بر تمایلات فرد غلبه شود. اگمی اشاره به اعمالی دارد که در این زندگی انجام می‌شود و در زندگی‌های بعدی به بار می‌نشیند.

- هرکسی خالق سرنوشت خود در زندگی‌های بعدی‌اش است.
- دستیابی به معرفت باعث از بین رفتن کرمه و نجات فرد از سمساره می‌شود.
- در آئین هندویی، رهایی از طریق معرفت به حقیقت خود یا آتمن، و معرفت به برهمن و این همانی آتمن و برهمن امکان دارد.

- حوزه عملکرد کرمه در دایره اعمالی است که تحت تأثیر خواسته‌ها و غرائز با چشمداشت به رسیدن به هدفی ویژه انجام شود و اعمال نیکی که بدون چشمداشت به پاداش و با نیت خیر انجام شود، موجب گرفتاری انسان نمی‌شود.

- فرد باید در هر مرحله از زندگی که اشرمه نامیده می‌شود، گامی به جلو بردارد. در اولین گام، وداها را یاد بگیرد؛ در مرحله بعد تشکیل خانواده دهد و کرمه یگه را پشت سر نهد؛ در مرحله سوم وارد مسیر معرفت شده و با رها کردن خانواده و روستا به جنگل رفته و گوشه عزلت اختیار کند.

- به استثناء چارواکه تمام نظام‌های هندی با نظریه کرمه توافق دارند.
- در مکتب‌های جین، بودا، سانکھییه و میمانسا، کرمه مستقل از ارده الهی است.
- در دین‌های جین و بودایی، خدایان هم در معرض کرمه قرار دارند؛ در حالی که در بهگودگیتا، کرمه از اختیارات خداوند است و رهایی با وقف مخلصانه فرد به پروردگار و نیز به مداخله فیض و لطف او میسر می‌شود.

- همه چیز تحت سیطره قانون کرمه و با این حال، همه چیز مشمول اراده خداوند است.
- قانون کرمه گناهکار را تشویق می‌کند که هیچ وقت برای اصلاح دیر نیست و اینکه ما نگرشی محبت‌آمیز به سایر موجودات داشته باشیم چراکه شاید او هم انسانی بوده که در اثر گناه به این شکل درآمد است.

- در اخلاق هندویی، درستکاری مانند پیش‌نیازی برای ورود به مسیر رهایی است.

فهرست منابع

منابع فارسی:

۱. رادها کریشنن، سروپالی، (۱۳۸۲)، شیوه زندگی هندو، مترجم: سیدرضا حسینی آهی دشتی، تهران، نشر ماکان.
۲. شایگان، داریوش، (۱۳۸۶)، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، تهران، نشر امیرکبیر، ج ۱، ۲.
۳. چاترچی و موهان داتا، ساتیس چاندرا و دریندرا، (۱۳۸۴)، معرفی مکتب‌های فلسفی هند، ترجمه فرناز ناظرزاده کرمانی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

منابع لاتین:

1. BRAHMA SUTRAS, (2008), Sri Swami Sivananda(trans.), India, THE DIVINE LIFE SOCIETY.
2. Dasgupta, Surendranath, (1922), *A HISTORY OF INDIAN PHILOSOPHY*, New York, Cambridge University Press, vol. 1.
3. Firth, Shirley, (1977), *Dying, Death and Bereavement in a British Hindu Community*, Leuven, Peeters Publishers.
4. Gaia, Susan, (2011),” Exploring Traditions of Faith through Primary Sources”, *MILESTONE DOCUMENTS OF WORLD RELIGIONS*, (ed) David M. Fahey, U.S. A, Salem Press, vol. 1.
5. Hamilton, Sue, (2001), *A Very Short Introduction INDIAN PHILOSOPHY*, Newyork, Oxford University Press.
6. Halbfass, Wilhelms, (2000), *Karma und Wiedergeburt im Indischen Denken*, Munchen, Germany, Hugndubel.
7. Holdrege, Barbara A., (2005),” Dharma”, *The HINDU WORLD*, (ed) Sushil Mittal & Gene R. Thurs, USA & Canada, Routledge.
8. Jacobsen, Knut A., (2011),” Samkhya-Yoga Traditions”, *THE CONTINUM CAMPANION TO HINDU STUDES*, (ed) Jessica Frazier, London And New York, Continuum.
9. J. Jolly, (1912),” ETHIC AND MORTALITY”, *Encyclopedia of ReligionA and Ethics*, (ed) James Hasting, New York, Edinburgh: T. & T. Clark, vol. 5.
10. Klosternaier, Klaus K., (2005),” Moksa”, *The HINDU WORLD*, (ed) Sushil Mittal & Gene R. Thursby, U.S.A, Canada, Routledge.
11. Krishnan, Yuvraj, (1997), *The Doctrine of Karma*, Delhi, Motilal Banarsidass Publishers.
12. Lipner, Julius, (2010),” Karman”, *Brill’s Encyclopedia of Hinduism*, (ed) Knut A. jacobsen, Leiden, Boston, Brill, Vol. II.
13. Lochtefeld, James G., (2002), *The Illustrated Encyclopedia of Hinduism*, New York, The Rosen Publishing Group.

14. Lurker, Manfred, (2004), *The Rutledge Dictionary of Gods, Goddesses Devils & Demons*, London and New York, Routledge.
15. Mahony, William K., (1987), "KARMA", *The Encyclopedia of Religion*, (ed) Mircea Eliade, New York, London, Macmillan, Vol. 8.
16. Morreall, John & Sonn, Tamara, (2012), *THE RELIGION TOOLKIT, A COMPLETE Guide to Religious Studies*, U.K, Wiley-Blackwell.
17. Narayanan, Vasudha, (2006), "HINDUISM", *Worldmark Encyclopedia of Religious Practices*, (ed) Thomas Riggs, U.S.A, Gale, vol. 1.
18. Obeyesekere, Gananath, (2002), *IMAGINING KARMA*, California, The University of Chicago Press.
19. Pillai, Rupa, (2011), "LAWS OF MANU", *MILESTONE DOCUMENTS OF WORLD RELIGIONS*, (ed) David M. Fahey, U.S. A, Salem Press, vol.1.
20. Ramen, Fred, (2008), *INDIAN MITHOLOGY*, New York, Rosen Central.
21. Safra, Jacob E., (2006), *Britannica Encyclopedia of World Religions*, London, Encyclopedia Britannica.
22. Sbabad M., Sorajjakool S., (2010), "HINDUISM", *World Religions for Healthcare Professionals*, (ed) Siroj Sorajjakool & Mark F. Carr & Julius J. Nam, New York and LONDON, Routledge.
23. Scharf, Peter M., (2008), "KARMA", *Encyclopedia of Hinduism*, (ed) Denise Cush, Catherine Robinson, Michael York, U.S.A, Routledge.
24. Sivananda, Sri Swami, (1999), *ALL ABOUT HINDUISM*, India-Himalayas, The Divine Life Society.
25. Smith, Jane I., (2005), "AFTER LIFE.", *ENCYCLOPEDIA OF RELIGION*, (ed) Lindsay Jones, U.S.A, Macmillan Reference, USA, vol. 1.
26. *The BRIHADARNAYKA UPANISHAD*, (1950), Swami Madhavananda(trans.), India, Calcutta, Modern Art Press.
27. *THE CHHANDOGYA UPANISHAD*, (1984), Swami Krishnananda(trans.), India, THE DIVINE LIFE SOCIETY.
28. *The KATHA UPANISHAD*, (2016), Swami Gurubhaktananda (trans.), India, Chinmaya International Foundation.
28. *The Principal Upanishad*, (2007), (tran) S. Radhakrishnan, Harper Collins Publishers, India, Delhi.
29. Turner, B.L., "KARMA", (1912), *Encyclopedia of Religion and Ethics*, (ed) James Hasting, New York, Edinburgh: T. & T. Clark, vol. 7.
30. Tull, Herman W., (2005), "KARMA", *The HINDU WORLD*, (ed) Sushil Mittal & Gene R. Thursby, USA & Canada, Routledge.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۴۵ - ۵۸

معافیت از کیفر در فقه اسلامی؛ میانکنشی اخلاق، تربیتی و حقوقی

زهرا جمادی^۱

محمود مالمیر^۲

محمد رضا شادمان فر^۳

چکیده

یکی از اهداف جرم‌شناختی کیفر، هدف‌گیری اصلاح اجتماعی و تربیت مجرم می‌باشد به علاوه که کاهش آثار جرم هم مورد نظر است. همچنین تجربه نشان داده است که کیفرگرایی بیش از اندازه و افزودن به شمار پیروان حقوق کیفری که خواه ناخواه پیامدهای ناگوار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... را در بردارد، هیچ‌گاه نشان دهنده کارآمدی دستگاه عدالت کیفری در یک کشور نیست. لذا نظام عدالت کیفری با اتخاذ سیاست کیفری ارفاقی خاصه در جرائم سبک، علاوه بر کاهش تراکم پرونده‌های کیفری، افزایش اوقات قضات جهت رسیدگی با دقت بیشتر در پرونده‌های مهمتر، کاهش اطاله دادرسی، کاهش جمعیت کیفری، کاهش هزینه‌های بار شده بر دولت و نیز امتناع از برچسب زنی در وهله اول جهت‌گیری اخلاقی و تربیتی و اصلاح‌گری اجتماعی بوده است. در نوشتار حاضر به روش توصیفی تحلیلی به چستی معافیت از کیفر از نظر فقه و حقوق اسلامی و ارتباط آن با اخلاق و تربیت فردی و اصلاح‌گری اجتماعی پرداخته است.

واژگان کلیدی

اصلاح اجتماعی، تربیت اخلاقی، عدالت کیفری، معافیت از کیفر، ارفاق کیفری.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان (خوراسگان).

۲. عضو هیأت علمی گروه جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان (نویسنده مسئول).

Email: dr.malmir1@gmail.com

۳. استادیار و عضو هیأت علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان).

پذیرش نهایی: ۹۸/۱۰/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۷

طرح مسأله

با توجه به اینکه همواره جرم و مجازات و ساز و کارهای حمایتی آن در نظام کیفری ما بر گرفته از فقه و نتایج مکاتب علمی جرم‌شناسی می‌باشد. لذا معافیت از مجازات یکی از نوآوری‌های جدید در حقوق کیفری می‌باشد در این فصل با عنایت به اینکه از منظر حقوق کیفری نهاد معافیت از کیفر مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرد لذا ابتدا به سبک و سیاق حاکم بر آثار علمی ابتدا به تعریف جرم و بزه و مجازات از منظر حقوق و سپس نهاد معافیت از مجازات و چرا و چیستی و رویکرد نظام تقنینی در این مهم مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

برای شناخت شخصیت در مرحله اجرای حکم نیز به مأموران اجرا اجازه خواهد داد که با توجه به نتایج حاصل از اجرای حکم، تأثیر آن را در مورد هر محکوم مورد بررسی قرار داده و دریابند که آیا نتایج مطلوب بدست آمده و با اینکه بایستی در روش اجرای حکم متناسب با شخصیت محکوم تغییراتی داده شود؛ و بدین ترتیب با امعان نظر در نتایج بدست آمده اقدامات بعدی را پی‌ریزی نمایند باز هم در مقابل مقایسه مثل طبیعی است که در هر مورد با توجه به نتایج بدست آمده از داروهای قبلی، روش معالجه را تعیین و تعقیب می‌نماید. مجموع این اقدامات که بر مبنای شناسایی شخصیت محکوم استوار است، از مباحث بسیار مهم جرم‌شناسی بالینی بوده و به قاضی و مأمورین اجرا حکم فرصت خواهد داد که به نحوی اقدام نمایند که هم عکس‌العمل تعیین شده متناسب با شخصیت محکوم باشد و هم با بازسازی وی به نحوی اقدام گردد که فراتر از سازمان ملل است.

حقوق جزای ایران که اقتباس شده از فقه جزایی اسلامی که از نهادهای پیشرفته نظام حقوقی است می‌باشد؛ معافیت از کیفر را در راستای عدالت کیفری و اصلاح‌گری اجتماعی مورد توجه قرار داده است.

واژه‌شناسی تحقیق

مفهوم جرم

طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود. بنابر بر ظاهر ماده فوق اگر شخصی فعلی انجام دهد که از نظر قانون جرم شناخته شود، مجرم محسوب شده و مستحق مجازات خواهد بود. این تعریف به خوبی مبین ماهیت جرم نیست چه قصد مرتکب در آن نقشی ایفاء نمی‌کند بنابراین اگر کسی عملی انجام دهد که طبق قانون جرم بوده مجرم تلقی می‌گردد حتی اگر سهواً چنین فعلی از او سر زده باشد. علمای حقوق کیفری هر یک جرم را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند. (عارفیان، خسروی مرول، ۱۳۹۶، ۱۳) هر یک از این تعاریف با تمام ژرفکاوی اغلب از گرایش‌های نظری مکتب‌های خاصی ملهم بوده است. برای نمونه مکتب عدالت مطلق

جرم را «هر فعل مغایر اخلاق و عدالت» تعریف کرده است و یا بنا به تعریف گاروفالو «جریحه دار کردن آن بخش از حس اخلاقی که احساسات بنیادی نوع خواهانه یعنی شفقت و درستکاری را شامل می‌شود»

(اردبیلی، ۱۳۹۷، ۵۴) در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از جرم تعریف نشده است، فقط در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی در بیان اوصاف جرم آمده است: «ماده ۲- هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.

مفهوم معافیت از مجازات

مفهوم لغوی: معافیت در لغت به معنی شفقت، بخشیده و آمرزیده شده، عفو کرده، بخشوده و معاف معنی شده است. در ترمینولوژی حقوق به معنی عفو از حق، به معنی چشم پوشی از حق خود به نفع طرف آمده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ۱۷۴)

مفهوم اصطلاحی: عبارت است از نهادی است که قانون گذار در صورت احراز جهات تخفیف چنان چه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ اعمال نماید. از در تعیین نوع و مقدار مجازات برای عمل مرتکب قواعد متنوع کیفری مانند معافیت، سبب های تخفیف و تشدید مجازات مؤثر هستند. (ساوانی، ۱۳۹۵، ۳۳۹) معافیت در مفهوم لغوی عبارت است از بین رفتن کل و یا جزء چیزی که بر ذمه می‌باشد. در مفهوم حقوق کیفری تعریفی جامع از آن ارائه نگردیده است صرفاً قانون گذار در ماده ۳۹ قانون مجازات به ذکر انواع و شرایط آن بسنده کرده است. بنابراین سبب های معافیت مبنای واحدی ندارد و این سبب ها به طور حصری در قانون احصاء گردیده است. و هر جا تاثیر بگذارد مانع از اجرای مجازات می‌گردد. سبب های مذکور عبارت است از: عذرهای معاف کننده، معافیت قضایی، مصونیت ها و صغر، عوامل رافع مسئولیت کیفری و عوامل موجهه جرم (ساوانی، ۱۳۹۵، ۳۰۰)

مفهوم عفو

عفوی به تعبیر دقیق تر عفو شخصی، اسقاط حق و ابراء ذمه دیگری است از سوی ذیحق، نسبت به حقی که بر او دارد. عفو شخصی در حقوق کیفری مترادف «گذشت» است و در جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، عبارت از صرف نظر کردن مجنی علیه ی ورثه او از پیگیری حقوقی است که در اثر جرم و جنایت به آن تعلق گرفته است. عفو هم چون ابراء، عمل حقوقی یک جانبه و در زمره ایقاعات به شمار می‌رود و تحقق آن نیازی به تلاقی دو اراده ندارد. (ملا علی قزوینی، ۱۳۶۹، شهیدی، ۱۳۶۸)

اصلاح و درمان در معافیت از مجازات از منظر فقه جزایی

هرچند در گذشته نیاز چندانی برای مطرح کردن فلسفه احکام اسلامی بالاخص احکام جزایی نبود لکن امروزه از آنجا که احکام اسلامی مبنای اداره یک جامعه قرار گرفته است و کلیه روابط حقوقی مردم و ممالک اسلامی براساس آن تنظیم می‌گردد و همچنین این احکام اسلامی از طرف دشمنان اسلام و حتی از طرف برخی از مسلمانان مورد هجمه و تردید واقع شده است. از اینرو لازم است اندیشمندان مسلمان با یک تالش جدی در راستای دفاع از عقلانی بودن احکام شریعت گام بردارند و با بیان فلسفه احکام، برتری احکام اسلامی را بر هر قانون و حکم دیگری به اثبات رسانند. (عباس زاده مهینه، ۱۳۹۵، ص: ۵۰)

لکن ضرورت و اهمیت تلاش جهت تبیین فلسفه احکام جزایی اسلام بسیار بیشتر است زیرا اول اینکه: احکام جزایی اسلام با سایر قوانین و مقررات کیفری تفاوت زیادی دارد و بسیاری از احکام جزایی اسلام نسبت به سایر مکاتب حقوقی منحصر به فرد است چرا که یکی از مهمترین ساختارهای حقوقی هر جامعه، نظام جزایی آن است که قوانین و مقررات کیفری را در خود دارد. دوم اینکه: احکام کیفری به حقوق و آزادی‌های فردی مربوط می‌شود و حکومت اسلامی بر اساس این احکام در حقوق و آزادی‌های فردی دخالت می‌کند لذا این می‌تواند عاملی برای اعتراض مجامع بین‌المللی در خصوص عدم رعایت حقوق بشر در جوامع اسلامی باشد. همچنان که امروزه شاهد آن هستیم حتی برخی از کشورها به خاطر اجرای احکام اسلامی از سوی جوامع بین‌المللی مورد ستم و تحریم واقع شده‌اند. سوم اینکه: شبهه تحول در شرایط و خصوصیات زندگی اجتماعی، مانع از این است که احکام اسلام، برای تنظیم روابط مردم در یک زندگی ساده و ابتدایی وضع گردیده است بتواند در حال حاضر نیز به تنظیم روابط اجتماعی مردم بپردازد. چهارم اینکه: انسان همواره دارای کرامت و عزت نفس است پس چرا در اسلام به جای باز پروری مجرم، دست به مجازات و تنبیه او می‌زنند زیرا مجازات‌هایی مانند شلاق زدن و حبس کردن، شخصیت و کرامت انسان را زیر سؤال می‌برد و این در حالی است که انسان مجرم به صرف ارتکاب جرم از انسانیت ساقط نمی‌گردد. (عباس زاده مهینه، ۱۳۹۵، ص: ۵۰) امروزه کارکرد جدیدی مطرح شده است که با عنوان کارکرد ترمیمی شناخته می‌شود. در این میان در رسالت فایده‌گرا، سه رویکرد عمده وجود دارد که عبارتند از "عبرت‌آموزی و ارباب‌بازسازی و اصلاح" و "حذف و طرد". که اساس و مبنای هر دو رویکرد و آثار آن برگرفته از فقه امامیه و قرآن، احادیث و روایات به کرات این مهم را تایید کرده‌اند. بر همین اساس امروزه در میان پاسخ‌های کیفری مقرر در قانون و سیاست‌های مرتبط می‌توان مشاهده نمود که رویکرد اصلاح و درمان جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. نهادهای تخفیف و معافیت از مجازات، خود از جمله نهادهایی هستند که رویکرد اصلاح مدار در آنها بسیار پر رنگ

است. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۷، ۲۳)

جایگاه عفو در فقه اسلامی

بررسی منابع اسلامی نشان می دهد که (گذشت) یکی از اصول اساسی در برخورد با لغزش افراد با ایمان است. قرآن کریم، حتی در همان آیاتی که کیفر و مجازات را برای مجرمان و گناهکاران تشریح می کند و مؤمنان را از خطر و زبان آنان برحذر می دارد، گذشت و چشم پوشی از خطایشان را نیز به عنوان یک ارزش برتر مطرح می سازد. به عنوان مثال، در آیه ای، پس از بیان چگونگی حکم قصاص می فرماید: (فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ، فَأَتْبَاعُ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ...) (بقره (۲)، آیه ۱۷۸).

پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود مورد عفو قرار گیرد (و از قصاص او صرف نظر شود)، باید از راه پسندیده پیروی کند و (دیه را) با نیکی به عفو کننده بپردازد. نکته جالبی که از تعبیر (مِنْ أَخِيهِ) در آیه مزبور به دست می آید، این است که قرآن رشته برادری را در میان مسلمانان، حتی بعد از ریختن خونهای ناحق، همچنان برقرار می داند و برای تحریک عواطف، ولی مقتول را برادر قاتل معرفی می کند و با این تعبیر، آنان را به عفو و گذشت تشویق می نماید.

در آیه دیگری، گذشت در برابر خشونت نیازمندی که بر اثر هجوم گرفتاریها، گاهی پیمانه صبرشان لبریز شده و سخنان تند و خشونت آمیزی بر زبان می رانند را ستوده، می فرماید: (قَوْلُ مَعْرُوفٍ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أذى وَاللَّهُ عَنِي حَلِيمٌ) (بقره (۲)، آیه ۲۶۳). گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان) و عفو (و گذشت از خشونت های آنان) از بخششی که آزادی در پی آن باشد، بهتر است و خداوند، بی نیاز و بردبار است. بدیهی است که تحمل خشونت این گونه افراد و گذشت از برخوردهای زننده آنان، بویژه اگر با قول معروف، یعنی سخن نیک و دلداری، دلجویی و راهنمایی همراه باشد، از عقده هایشان می کاهد و به آنان آرامش می بخشد.

در آیه ای دیگر به مؤمنان توصیه می کند که حتی از لغزش کافران و منکران قیامت نیز (اگر مفسده نداشته باشد) بگذرند و کار آنها را به خدا واگذارند: (قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُ اللَّهُ وَرُوِيَ الَّذِينَ لَا يَزُجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ) (جاثیه (۴۵)، آیه ۱۴).

به آنان که ایمان آورده اند بگو: کسانی را که روزهای (واپسین) خدا را امید ندارند، عفو کنند.

در آیه دیگری از پیامبر (ص) می خواهد که با (صفح جمیل) یعنی به طریقه نیکو از مجازات مجرم درگذرد: (فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ) (حجر (۱۵)، آیه ۸۵).

به طریق نیکو گذشت کن

از علی علیه السلام در تفسیر این آیه چنین نقل شده است: (صفح جمیل، عفو بدون عتاب و سرزنش مجرم است.) [تفسیر مجمع البیان، ج ۶، ص ۳۴۴، بیروت]. پیشوایان بزرگوار اسلام از یکسو در سیره عملی خود، انسانهای باگذشت و بزرگواری بودند، چنان که نقل شده روزی ابوهریره نزد امام علی علیه السلام آمد و سخنان ناروایی درباره آن حضرت گفت. فردای آن روز شرفیاب شد و خواسته‌هایی را خدمت حضرت مطرح کرد. حضرت علی (ع) همه آنها را برآورده ساخت. این کار امام بر برخی از اصحاب گران آمد و موجب اعتراض آنان شد. آن حضرت به ایشان فرمود: (إِنِّي لَأَسْتَحْيِي أَنْ يُغْلَبَ جَهْلُهُ عَلَيَّ وَ ذَنْبُهُ عَفْوِي وَ مَسَاءَلْتُهُ جُودِي) [بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۴۹]. من از اینکه نادانی او بر علمم، گناه او بر عفووم و درخواست او بر بخشایشم چیره شود، شرم می‌کنم.

امام صادق علیه السلام فرمود: (إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ، مُرُوتُنَا الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمْنَا) [همان، ج ۷۱، ص ۴۰۱].

ما خاندانی هستیم که، جوانمردی مان گذشت از کسی است که بر ما ستم کرده است. و از سوی دیگر، پیروان خویش را به آن توصیه می‌کردند، چنان که امام علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر می‌نویسد: (فَأَعْطَيْهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تَتَّخِذُ إِنْ يَعْطِيكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ) آنان (مردم) را از عفو و اغماض خویش برخوردار ساز بگونه‌ای که دوست می‌داری خداوند تو را از عفو و اغماض خویش برخوردار سازد.

توبه و آثار تربیتی آن و معافیت از کیفر

تعزیر اگر از حقوق الهی باشد همه فقیهان عامه آن را مسقط تعزیر می‌دانند و اگر از حقوق مردم باشد با توبه از بین نمی‌رود. (حسینی، ۱۳۸۸، ۱۱) قانون‌گذار در قانون مجازات ۱۳۹۲ مجازات‌های تعزیری، مجازات‌هایی هستند که توسط شارع تعیین نشده و اختیار تعیین آن با توجه به شرایط زمان و مکان، به حاکم اسلامی داده شده است. در مجازات‌های تعزیری درجه ۵ تا درجه ۱ یعنی مجازات‌های حبس بالای دو سال تا حبس ابد و همچنین مجازات‌های موجب سلب حیات یا شلاق سنگین یا انفصال دائم از خدمات دولتی، توبه مجرم از جرم، موجب اعمال مقررات تخفیف در مجازات خواهد بود. البته دادگاه اجباری برای اعمال تخفیف ندارد و در صورتی که با ملاحظه وضع متهم، توبه وی را موثر بدانند، می‌تواند در مجازات وی تخفیف قائل شود. در مجازات‌های تعزیری درجه ۶ تا درجه ۸ که مجازات‌های سبک‌تری هستند؛ در صورت توبه مجرم، توبه موجب سقوط مجازات مجرم خواهد بود. در این مورد، دادگاه با احراز توبه مجرم،

باید مجازات فرد را ساقط کند. البته در دو مورد، در مجازات های تعزیری، مقررات توبه اعمال نخواهد شد. یکی اینکه اگر فرد مشمول مقررات تکرار جرم شده باشد، دیگر توبه وی پذیرفته نیست. و دیگری هم اینکه در تعزیرات منصوص شرعی، یعنی تعزیراتی که در شرع به آنها اشاره شده، مقررات توبه اعمال نخواهد شد. تعزیرات منصوص شرعی، آن دسته از جرایمی است که نصوص شرعی بر قابل تعزیر بودن و تعیین مجازات مرتکبین آنها وجود دارد، بدون اینکه این جرایم در زمره حدود شمرده شده باشند. یکی از تعزیرات منصوص شرعی در خصوص مجازات شهادت دروغ است که در زمره حدود ذکر نشده ولی بر تشهیر شخصی که به دروغ شهادت می‌دهد، تاکید شده است.

موقوفی تعقیب و مجازات به واسطه توبه در قوانین موضوعه

بر اساس بند (ج) ماده ۱۳ ق.آ.د.ک (کیفیات مخفف قانون آیین دادرسی کیفری) سال ۱۳۹۲ یکی از موارد صدور موقوفی تعقیب امر کیفری و همچنین موقوفی اجرای مجازات، توبه متهم در موارد پیش بینی شده در قانون مواد ۱۱۴ تا ۱۱۸ ق.م.ا. است. بر این اساس بند مذکور در ماده ۱۳ ق.آ.د.ک یکی از مواردی است که از طریق توبه هم تعقیب متهم و هم مجازات مرتکبین جرایم موقوف شده و مقام قضایی موظف است با احراز توبه مرتکب قرار مربوطه را صادر نماید. (عظیم زاده، ۱۳۹۶، ۶۳)

نقش توبه در جرائم بر ضد اخلاق و عفت عمومی

در بعضی از جرائم مستلزم حد، از قبیل زنا و مساحقه و غیره دادگاه دارای اختیاراتی برای تقاضای عفو و یا اعمال کیفر حد می باشد. مبحث پنجم از فصل یازدهم قانون مجازات اسلامی به موضوع "توبه مجرم" اختصاص دارد. بر اساس ماده ۱۱۴ این قانون، در جرایم موجب حد به استثنای قذف و محاربه، هر گاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می شود. همچنین اگر جرایم فوق غیر از قذف، با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می تواند عفو مجرم را توسط رییس قوه قضاییه از مقام رهبری درخواست کند.

تبصره ۱- توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است.

تبصره ۲- در زنا و لواط هرگاه جرم به عفت، اکراه یا با اغفال بزه دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آنها محکوم می شود. و نیز در تبصره یک ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی آمده است. این در حالی است که درباره سایر جرایم مستوجب حد از قبیل زنا، شرب خمر و موارد دیگری که در قانون آمده است، توبه تا قبل از اثبات جرم و نزد دادگاه اثر دارد، به این معنا که اگر فرد دستگیر و محاکمه شود و قرار مجرمیت نیز برای او صادر شود، اگر قبل از اثبات اتهام در

دادگاه توبه کند، حد از او ساقط می‌شود. درباره قذف نیز یک استثنا وجود دارد که در قانون نیز به آن اشاره شده است. در جرایم مستوجب حد به استثنای قذف و محاربه، هر گاه متهم قبل از اثبات جرم توبه کند، حد از او ساقط می‌شود.

تأثیر توبه بر عفو و یا تخفیف جرایم حدی علیه امنیت و نظم عمومی

با توجه به موارد فوق الذکر تأثیر توبه را بر سقوط، عفو یا تخفیف جرایم حدی علیه امنیت و نظم عمومی از نظر فقهای امامیه و قوانین موضوعیه ایران به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ماده ۲۷۹ ق.م.ا. محاربه را چنین تعریف می‌کند: «محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنهاست به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هر گاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود.» همچنین ماده ۲۸۱ ق.م.ا. راهزنان، سارقان و قاچاق‌چینی که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند را از مصادیق محارب می‌داند. (عظیم زاده، ۱۳۹۶، ۵۶)

شبهه ناسازگاری معافیت از کیفر با اصلاح و تربیت مجرم

بر اساس مواد ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷ ق.م.ا. سال ۱۳۹۲، توبه متهم باید برای مقام قضایی محرر گردد. در رابطه با نحوه و کیفیت احراز این امر چند احتمال وجود دارد؛ اول اینکه بنا را بر صحت نهاده اصل نیز بر صحت می‌باشد و در صورت توبه متهم و تصمیم بر ترک جرم و همچنین جبران مافات، توبه او پذیرفته و آثار حقوقی آن را که سقوط مجازات و در برخی موارد تخفیف مجازات است را اعمال نماییم. دوم اینکه با فرض شبهه در این مورد که آیا متهم در ادعای توبه خود صادق است یا نه؟ با توجه به قاعده دراء (محقق داماد، ۱۴۰۹، ۵۸) حدیث تدرء الحدود بالشبهات و اصل احتیاط، بنا را بر صدق گفتار متهم در توبه گذاشته و با عارض شدن شبهه، به جهت حفظ مال، جان و آبروی متهم، توبه او را پذیرفته و آثار حقوقی آنرا اعمال می‌کنیم.

اشکال شکست برنامه های اصلاح و درمان با اعمال معافیت از مجازات

یکی دیگر از اهداف مجازات‌ها بازپذیری مجدد اجتماعی بزهکار و اصلاح و درمان آنها می‌باشد. (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ۱۱) اندیشه اصلاح و درمان بزهکار و بازسازی مجدد وی یکی از آموزه های فکری مکتب دفاع اجتماعی جدید می‌باشد. برنارد بولک معتقد است که: «اصلاح مقصر با این هدف است که او دوباره به راه خطا بازنگردد». (بولک، ۱۳۸۵، ۱۰۶) اندیشه اصلاح و درمان و بازپذیری در اسناد بین‌المللی منعکس شده است همه این معاهدات و مقررات و طرح‌های بین‌المللی و داخلی در جهت انسانی کردن مجازات حبس و اصلاح و درمان مجرمین

پیش بینی و ارائه شده بودند اما به لحاظ مشکلات و ایراداتی که بر معافیت از مجازات و نحوه اجرای آن و آینده و نظارت و کارکردهای آن و همچنین ابزارهای آن وارد می‌باشد جنبه‌های اصلاحی و بازپروری کیفر آن دچار تردید است به گونه ای که معافیت از کیفر امروزه علی‌رغم تاکید بر جنبه‌های اصلاح و درمان و بازپروری آن، نه تنها نتوانسته در درمان و اصلاح بزهکاران موفق باشد بلکه بر نرخ تکرار جرم، تجری و بی‌اعتنایی و همچنین سایر موارد ارتكابی توسط شخص معاف شده بعد از آزادی از زندان افزوده شده است. از جمله مواردی را که می‌توان در تائید عدم کارایی این نهاد (معاف از مجازات) در جلوگیری از ارتكاب جرم و اصلاح و درمان مجرمین موثر واقع نگردیده است.^۱

اصلاح اجتماعی و بازپروری اخلاقی در معافیت از مجازات

به این سان، اعمال نهاد تخفیف در معنای عام یا معافیت از مجازات در جرایم کم اهمیت با بررسی جوانب جرم شناختی از جمله پیش بینی اقدام جنایی مجرمان بالقوه و ظرفیت جنایی آن‌ها می‌تواند اثرات والایی از جمله اصلاح و تربیت این دسته از مجرمان و پیشگیری از تکرار جرم را داشته باشد بدون آنکه نیازی به توسل به ضمانت اجراهای کیفری باشد. اصلاح و بازپروری بزهکاران برای نخستین بار از سوی بنیان گذاران مکتب تحقیقی با رویکردی مجرم مدار مورد توجه قرار گرفت. (دانش، ۱۳۷۶، ۳۷۸) از نظر بنیان گذاران این مکتب نظام عدالت کیفری، مانند یک بیمارستان یا درمانگاه است که جرم را بیماری، بزهکار را بیمار و دست اندر کاران عدالت کیفری را پزشک و یا پیراپزشک می‌پندارند. (نیازپور، ۱۳۹۴، ۱۱۲) بنابراین ان بازپروری بزهکاران از طریق مکتب تحقیقی و با ماهیتی پزشکی وارد گستره عدالت کیفری شد اما به تدریج تحت تاثیر مطالعات و یافته‌های جرم‌شناسی به ویژه با ظهور جنبش دفاع اجتماعی نوین بازپروری بزهکاران دیگر در برگرفته تدابیر و اقدام‌های پزشکی و بالینی نبوده، بلکه سایر تدابیر و

۱ - همچنین به گزارش خبرگزاری ایسنا در اینترنت، قسمت فقه و حقوق در تاریخ ۸۲/۹/۱۹ رئیس سازمان زندان‌ها در همایش ۳ روزه راهکارهای علمی و فعالیت‌های مراکز مراقبت بعد از خروج اعلام کرد ۴۰ درصد زندانیان در دنیا پس از آزادی مرتکب جرم شوند و این رقم در کشور ما ۳۰ درصد است. در توجیه این امر به نظر می‌رسد که اصلاح و بازسازگاری در محیط بسته و تحت اجبار کارایی‌های لازم را نداشته و زندان با هر کیفیتی باشد باز هم اثر اصلاحی آن نسبت به اصلاح و بازسازگاری در اجتماع کمتر است. قبل از اینکه به توضیح کامل عوامل شکست برنامه‌های اصلاح و درمان بپردازیم خاطر نشان می‌شود که برخی از این عوامل نظیر تراکم جمعیت زندان و کمبود فضای مناسب گویای همان جمله است که در ابتدا گفتار مورد اشاره قرار گرفت و آن اینکه این دلایل به نوعی به مشکل از نوع اول دامن می‌زنند و کیفر حبس نتوانسته هدف خود را برآورده کند. از جمله عواملی که تاثیر بسزایی در عدم موفقیت برنامه اصلاح و درمان بزهکار در زندان دارند.

اقداماتی بازپرورانه از جمله تدابیر آموزش و پرورشی و تربیتی را نیز شامل می‌شود. به این سان، بازپروری بزهکاران عبارت است از به کارگیری مجموعه تدابیر و اقدام‌های نظام عدالت کیفری که بر بهبود نظام رفتاری مجرمانه و بازسازی شخصیت آن‌ها متمرکز است.

برای این که بتوان بزهکاران را با ارزش‌ها و هنجاری‌های اجتماعی وفق داد و دوباره آن‌ها را به جامعه برگرداند باید نظام عدالت کیفری قبل از هر چیزی با این پیش‌فرض که بزهکاران مانند سایر شهروندان (ناکردگان بزه) دارای پیشینه، قابلیت‌ها و توانایی‌هایی هستند که پیش از به کارگیری هر نوع اقدامی باید در راستای آموزش و پرورش و درمان آن‌ها گام برداشت. (غلامی، ۱۳۹۲، ۵۳) از این رو، به نظر می‌رسد با به کارگیری نهاد معافیت از مجازات در جرایم کم‌اهمیت، تاثیرات قابل توجهی از جهت اصلاح و بازپروری می‌توان بر رفتار بزهکاران مشاهده کرد. به این سان، نهاد معافیت از مجازات در جرایم کم‌اهمیت درجه ۷ و ۸ با هدف اصلاح و درمان، درصد تقویت کارآمدی نظام عدالت کیفری در زمینه بازپروری مجرمان بزهکاران می‌باشد زیرا، این نهاد هنگامی اعمال می‌شود که مقام قضایی پس از بررسی و تشخیص شرایط مواد ۳۷ و ۳۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و بررسی جنبه‌های مختلف وضعیت فردی، خانوادگی، شغلی و محیطی بزهکاران و... با قطع فرآیند کیفری، گاهی در جهت اصلاح و بازپروری بزهکاران بر می‌دارند. در حقیقت نهاد معافیت از مجازات موضوع ماده ۳۹ و ۴۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ هنگامی از سوی مقام‌های قضایی اتخاذ می‌شود که آنان با بزهکارانی بدون سوء پیشینه، مرتکب جرم‌های غیر شدید، مایل به جبران خسارت‌های وارده بزه‌دیدگان و مواردی از این قبیل مواجه‌اند. بنابراین، آن‌گونه که طلایه دار نهضت دفاع اجتماعی نوین یعنی مارک آنسل معتقد است باید به قاضی این اجازه داده شود که هرگاه اجرای یک مجازات یا ادامه آن را نسبت به یک جرم بی‌نتیجه دانست، بتواند از اجرای آن خودداری کند که نهاد معافیت با ساز و کارهای مخصوص به خود این امکان را به مقام قاضی خواهد داد. (صلاحی، ۱۳۸۷، ۷۰)

سنجش معافیت از کیفر با تأکید بر اصلاح و تربیت اخلاقی مجرم

نهاد تخفیف و معافیت از کیفر از جمله نهادهای حقوق کیفری می‌باشند که به دنبال توسعه علوم جرم‌شناختی و لزوم برخورد هر چه صحیح‌تر با مجرمان و تأثیربخشی بیشتر به مجازات‌ها، آن‌هم متناسب با شرایط و اوضاع و احوال ارتکاب جرم و نیز خصوصیات مجرمان، از اهمیت بیشتری برخوردار شده و بیش از پیش مورد توجه قانون‌گذاران و مقامات کشورها قرار گرفته است. (علیزاده، ۱۳۹۲، ۲۵) با سازگارسازی و اصلاح مجرم همواره یکی از رسالت‌های مهم و اساسی قانون مجازات اسلامی محسوب می‌گردد در همین راستا قانون‌گذار در چارچوب مواد قانونی به تعریف و ایجاد نهادهایی پرداخته است. از جمله این نهادها، نهاد تخفیف و سقوط

مجازات است که تحت عنوان معاذیر قانونی قلمداد می‌گردد. حفظ مصالح عمومی و سیاست کیفری و توجه به مبانی جرم‌شناسی در مواجهه با پدیده مجرمانه ایجاب می‌کند، که مقنن انجام بعضی از امورات را به سببی، از مجازات معاف کند. گاهی شرایط ارتکاب جرم و یا خصوصیات فردی و اجتماعی مرتکب به نحوی است که ایجاب می‌نماید از مسئولیت مجرم کاسته شده و مجازات کمتری به او تحمیل گردیده و یا از مجازات معاف شود. در خصوص تخفیفات آنچه مورد توجه قرار می‌گیرد این است که قاضی می‌بایست در برخورد با آنها و به مجرد حصول یقین در اعمال آنها اقدام کند. حال اما آنچه در این بین مهم جلوه می‌کند این موضوع است که نقش قاضی در اعمال تخفیف چه میزان است و در صدور حکم به معافیت از کیفر اختیار قاضی تا چه میزان بر سرنوشت حکم اثرگذار می‌باشد.

نتیجه گیری

تاریخ تحولات کیفری نشانگر این واقعیت است که مقابله با جرم همواره یکی از دغدغه های جدی بشر بوده است و دولت ها همیشه تلاش می کرده اند با ابزارهای مختلف و راهکارهای جدید مانع ارتکاب و گسترش آن شوند. البته اصلاح‌گری اجتماعی و تربیت و بازپروری مجرم وجهه همت بوده است. در چند دهه گذشته دولت ها در پرتو تحول آموزه های حقوق کیفری و جرم شناسی در صدد متناسب سازی واکنش ها با شرایط جسمی و روانی بزهکاران هستند. یکی از ساز و کارهای متناسب سازی پاسخ های کیفری، توجه به توان تحمل کیفر بزهکاران می باشد. مبانی عدم تحمل کیفر را می توان در آموزه های فقهی، پزشکی، قضایی، اصول اقتصادی، مبانی اخلاقی و ... یافت(خانی، لکی، نصرآبادی، ۱۳۹۲: ۱۳۵). جایگاه معافیت از کیفر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در دو مفهوم عام و خاص قابل بررسی است. معافیت از کیفر در مفهوم عام را می توان شامل مواردی دانست که ممکن است قبل یا بعد از صدور حکم، مجازات نسبت به مجرم اجرا نگردد. این موارد عبارتند از: عفو، نسخ قانون، گذشت شاکی، مرور زمان و توبه و معافیت از کیفر در مفهوم خاص یعنی نهادهای مشابه نهادهای معافیت که شامل تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم است که از ابتکارات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می باشد(احدی، فتحی زاده، ۱۳۹۳: ۱۱۲). معاذیر معافیت از مجازات به طور کلی بستگی به وخامت و خطرناکی جرم ندارد بلکه مربوط به سیاست کیفری بعضی از امور که مقارن با ارتکاب بعضی از جرائم و موجب معافیت مرتکب از مجازات به شمار آمده است. به همین جهت یک دستور کلی در این زمینه وجود ندارد که مربوط به همه جرائم باشد، بلکه در مورد هر یک از جرائم کیفیات خاص بنا به ملاحظات سیاست کیفری به عنوان معاذیر معاف کننده از مجازات شناخته شده است.

فهرست منابع

کتاب

- ۱- آشوری، محمد، (۱۳۸۸)، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، چاپ اول، نشر گرایش
- ۲- آشوری، محمد، عدالت کیفری ۲ (مجموعه مقالات)، تهران: نشر دادگستر، چ دوم، ۱۳۹۴.
- ۳- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۹)، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، چاپ ۲۴، تهران، نشر میزان
- ۴- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، جلد ۳، تهران، نشر میزان
- ۵- الهام، غلامحسین، برهانی، محسن، درآمدی بر حقوق جزای عمومی (واکنش در برابر جرم)، تهران: نشر میزان، چ دوم، ۱۳۹۳.
- ۶- باهری، محمد، (۱۳۸۹)، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران، نشر مجد
- ۷- حق پناهان، عباس، (۱۳۸۳)، بررسی و تحلیل حقوقی و جرم‌شناسی قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی نوین، تهران، نشر جنگل
- ۸- شامیاتی، هوشنگ، (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، جلد ۳، تهران، نشر مجد
- ۹- صالح ولیدی، محمد، (۱۳۸۵)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ ۱۲، تهران، انتشارات سمت
- ۱۰- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹): از جرم مداری تا بزه دیده مداری، در: پنو ژرار و فیلیپو ولاژینا، بزه دیده و بزه دیده شناسی، ترجمه: روح الدین کرد علیوند و احمد محمدی، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد
- ۱۱- ولیدی، محمد صالح، (۱۳۷۴)، حقوق جزای عمومی، دفتر نشر داد

مقالات

- ۱۲- احدی، فاطمه؛ فتحی زاده، نوشین، (۱۳۹۳)، "آسیب شناسی نهاد بدیع معافیت از کیفر"، فصلنامه علمی - پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۲، ص ۹۷-۱۱۶
- ۱۳- افشین پور، مصطفی؛ نقوی، مهدی، (۱۳۹۷)، "سیاست کیفری امنیت مدار ایران در تعدیل مجازات ها"، فصلنامه حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۳۶، ص ۱۲۵-۱۴۵
- ۱۴- توجهی، عبدالعلی، (۱۳۹۳)، "درآمدی بر نهاد تعویق صدور حکم در حقوق ایران، آلمان و فرانسه"، مجله پژوهش حقوق کیفری، دوره ۲، شماره ۵، ص ۹۳-۱۱۹
- ۱۵- پورقهرمانی، بابک؛ نگهدار، ایرج، (۱۳۹۶)، "ارزیابی رویکرد قضات به اعمال نهادهای ارفاقی جدید (مطالعه موردی محاکم کیفری استان کردستان)"، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۸، شماره ۲، ص ۲۲۷-۲۵۵
- ۱۶- حاجی تبار فیروزجایی، حسن، (۱۳۸۷)، "جایگاه جایگزین های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده)"، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۲، شماره ۶۴، ص ۶۸-۸۸
- ۱۷- خانی، محمد؛ لکی، زینب؛ نصرآبادی، محمدعلی، (۱۳۹۲)، "عدم تحمل کیفر؛ مبانی و معیارهای حقوقی-پزشکی"، فصلنامه حقوق پزشکی، سال هفتم، شماره ۲۶، ص ۱۱۱-۱۳۸

- ۱۸- جمشیدیان، مهرداد، (۱۳۹۳)، "بررسی خاستگاه و جایگاه موارد معافیت از مجازات در فقه و حقوق کیفری"، طرح پژوهشی ویژه نخبگان نیروهای مسلح، سازمان قضائی نیروهای مسلح
- ۱۹- سلیمی، عبدالحکیم، (۱۳۸۱)، "تأملی بر حد و تعزیر جرائم با تکیه بر زمان و مکان"، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۷
- ۲۰- فرهمند، مجتبی؛ آقایی نیا، حسین، (۱۳۹۵)، "جلوه‌های عدالت ترمیمی در نهادهای موجب سقوط کیفر در قانون مجازات اسلامی"، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال ۱۸، شماره ۲۱- عبادی، حسین، (۱۳۹۴)، "امکان تعویق صدور حکم محکومیت در خصوص متهمان جرائم مواد مخدر و روان گردان"، فصلنامه اجتماعی و اعتیاد، دوره ۲، شماره ۵، ص ۱۱۵-۱۳۶
- ۲۲- عالی پور، حسن؛ توحیدی نافع، جلال، (۱۳۹۴)، "تعویق صدور حکم تأخیر در اجرای عدالت یا تغییر در اجرای عدالت؟"، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، شماره ۴، ص ۳۱۱-۳۳۱
- ۲۳- کاکو جویباری، علی، (۱۳۹۶)، "معافیت از کیفر در قانون مجازات ایران و فرانسه"، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۳، شماره ۱/۲، ص ۱۰۱-۱۱۵
- ۲۴- مرادی، قاسم؛ ملکی، سبحان، (۱۳۹۶)، "درآمدی بر نهاد معافیت از کیفر"، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۳، شماره ۴، ص ۱۱۲-۱۱۹
- ۲۵- نوریها، رضا، (۱۳۸۰)، "تعدیل شدت مجازات: تخفیف کیفر"، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۴، شماره ۱۲۹.
- ۲۶- یزدی، جلال، (۱۳۹۴)، "معافیت از کیفر از منظر حقوق کیفری"، دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق
- تقریرات**
- ۲۷- جمادی، علی، تقریرات حقوق کیفری عمومی مقطع دکتری، به کوشش رامین رستمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، نیمسال تحصیلی ۹۷-۹۶.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۸۰ - ۵۹

ساختار سازی عدالت اجتماعی - کیفری با نهادینه کردن نظام نیمه آزادی

نفیسه جلالی^۱

ایرج گلدوزیان^۲

حسین غلامی دون^۳

چکیده

نظام نیمه‌آزادی یکی از جلوه‌های اصل فردی کردن کیفر و از جمله روش‌هایی است که در راستای کاهش جمعیت کیفری زندان با آزادی نیمه‌وقت مجرم موافقت کرده اما بر نظارتی دائم بر آن تأکید می‌ورزد. این روش علاوه بر تأکید بر قراردادی شدن عدالت کیفری بر پایه توافق، از یکسو ثبات خانوادگی بزهکار را حفظ کرده و از سوی دیگر اصلاح گام‌به‌گام مجرم را در دستور کار قرار می‌دهد. با ترویج بیشتر فرهنگ قانون‌مداری و ارائه نظریه‌های مدرن، زندان نیز به عنوان یک مجازات، کالبدشکافی شد. در همین راستا نظام‌های مختلف حقوقی با در پیش گرفتن سازوکارهایی سعی کردند که از آثار منفی و مخرب زندان بکاهند و از آن تنها برای مجازات مجرم، بدون صدمه زدن به خانواده او، متمتع گردند. سؤالی که در این مقاله مورد نظر می‌باشد این است که کاربست نیمه‌آزادی از منظر پاسخ به کیفر چیست و این نظام از چه جایگاهی در سیاست کیفری برخوردار می‌باشد؟ نظام نیمه‌آزادی نهادی است که می‌توان آن را از منظر وظیفه‌گرایانه و فایده‌گرایانه با تکیه بر توجیه کیفر، بررسی و تبیین نمود. به دیگر سخن، سیاست کیفری نظام‌های مدرن از آن برای تنبیه و اصلاح مجرمان به گونه‌ای که کمترین فاصله را از اجتماع گرفته و بیشترین فایده را برای اجتماع سبب شوند، استفاده کرده‌اند. نظام حقوق کیفری ایران نیز بخشی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را به این نهاد نوین کیفری اختصاص داده است. در این مقاله، نگارندگان تلاش نموده‌اند تا ضمن تبیین نظام نیمه‌آزادی به ارزیابی ابعاد مختلف آن در سیاست کیفری ایران بپردازند.

واژگان کلیدی

عدالت اجتماعی، حبس، نیمه‌آزادی، مجازات، سیاست کیفری، عدالت قراردادی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، گرگان، ایران.
Email: Nafise.law@gmail.com
۲. استاد تمام دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی کرج، کرج، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: miramts@yahoo.com
۳. دانشیار دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبائی.
Email: Gholami1970@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۹/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۶

طرح مسأله

یکی از ابزارهای سیاست کیفری، نهادهایی هستند که راه را برای اعاده بزهکاران به اجتماع هموار می‌سازند. کیفر زندان هرچند ممکن است چنین فرصتی را ایجاد نماید، اما نباید فراموش کرد که محیط زندان با تمام امکانات بازپروری نظیر سوادآموزی و حرفه‌آموزی محیطی است اصولاً توانگیر و انس به آن به‌ویژه در محکومیت‌های درازمدت، بزهکار را به هنگام خروج از زندان با دشواری مواجه می‌کند. طرفداران کیفرزندان تنبیه بزهکار، اصلاح و بازپروری بزهکاران، اجرای آسان‌تر مجازات حبس، تأمین هدف تریبی و تزدیلی مجازات‌ها به وسیله زندان، حفاظت از جامعه و مجرم، ایجاد اطمینان از اجرای عدالت در بزه‌دیدگان را از محاسن کیفری زندان اعلام داشته‌اند و مخالفین کیفرزندان، ایجاد سابقه کیفری، تخطی از اصل شخصی بودن مجازات‌ها، بدآموزی و تأثیرات مخرب زندان، سوءاستفاده از زندان، گسترش بیماری‌های خطرناک، عدم موفقیت در تأمین اهداف اصلاحی، اربابی و پیشگیری، تراکم جمعیت کیفری و کمبود امکانات، افزایش خطرناکی بزهکاران و طبقه‌بندی نکردن زندانیان را از معایب کیفر حبس قلمداد می‌نمایند. (گودرزی، بی‌تا، ۱۰۶)

حتی عده‌ای با زندان‌های کوتاه‌مدت نیز به مخالفت برخاسته‌اند. (Sevdiren, 2011, 116) بر این اساس، کیفرشناسان از یک قرن پیش به این فکر افتادند که جنبه‌های آسیب‌زننده کیفرهای سالب آزادی را کاهش دهند و پاره‌ای از تدابیر اصلاحی را که در محیط عادی امکان به ثمر رسیدن آن‌ها بیشتر است، جایگزین تدابیری همانند در محیط زندان نمایند. به قول ایرینگ، جرم‌شناس معروف، تاریخ حقوق کیفری تاریخ مداوم حذف کیفر است. (گسن، ۱۳۶۵، ۱۵۷) لذا جنبش الغای مجازات حبس به دنبال العاگرایی کیفری اواسط سده بیستم و پس از جنگ جهانی دوم تا امروز سه نسل از ضمانت اجراهای کیفری را در تاریخ تحولات علوم جنایی معرفی نموده است. نسل اول جایگزین‌های حبس^۱ است. در این تفکر تندرو و افراطی، یک ضمانت اجرا جایگزین ضمانت اجرای دیگری می‌شود. مثل دوره مراقبت که در فصل نهم قانون مجازات اسلامی بدان اشاره شده است. نسل دوم ضمانت اجراهای بینابین یا میانه^۲ است. یعنی هر ضمانت اجرای کیفری که از یک سو اهداف سلب آزادی را تأمین کند و در عین حال حق آزادی محکوم یا بزهکار را هم به‌طور کامل سلب نکند، مثل نظام نیمه‌آزادی^۳ و آزادی مشروط موضوع فصول هفتم و هشتم قانون مجازات اسلامی. نسل سوم که در عصر حاضر به عنوان نسل جدید

-
1. Alternatives to imprisonment
 2. Intermediate sanction
 3. Semi-liberty

ضمانت اجراها و تحت عنوان کیفرهای اجتماعی یا جامعه محور^۱ معرفی شده، بدین گونه است که شکل و نحوه اجرای ضمانت اجراهای کیفری را از بطن نظام عدالت کیفری به بستر اجتماعی انتقال می دهند. در این شیوه ممکن است حتی آزادی بدهکار از او سلب گردد، مانند حبس خانگی. (گودرزی، ۱۳۸۴، ۸۱) سیاست کیفری ایران با تأثیرپذیری از فقه (گفتنی است که مشروعیت مجازات‌های جایگزین حبس، بینائی و اجتماعی در حقوق جزای اسلام بر مبنای قاعده منطقه الفراغ یا منطقه العفو قابل توجیه است که به موجب آن شارع مقدس وضع قواعد مناسب با اوضاع و احوال و مقتضیات زمان و مکان را با حفظ ضوابط و در چارچوبی به عهده ولی نهاده است. حکم کلی این قاعده نیز اصل اباحه است. در مقابل برخی معتقد به عرفی شدن مجازات‌ها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران هستند) (رهامی، ۱۳۸۹) و حقوق سایر کشورها و اسناد بین‌المللی و با توجه به سیاست حبس‌زدایی قوه قضاییه و تدوین لایحه قانونی مجازات‌های اجتماعی و در نهایت پس از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این رهاورد نایل گردید که زندان در بسیاری از جرایم و مجرمین کیفر مناسبی نیست و باید از مضرات و معایب آن احتراز نمود. (اهمیت این مسأله تا آنجا است که برخی از دست‌اندرکاران عدالت کیفری، زندان را عامل جرم و علم کیفر شناسی را شاخه‌ای از جرم‌شناسی اختصاصی یاد می‌کنند). (آشوری، ۱۳۸۲، ۷)

۱. پیشینه تاریخی و سیر تحول نظام نیمه‌آزادی

ظهور و پیدایش روش نیمه‌آزادی مدیون اجرای نظام تربیتی ویژه‌ای است که در اصطلاح کیفرشناسان نظام تدریجی یا ایرلندی شهرت دارد. به‌طور مختصر در این نظام محکومان به زندان با طی مراحل تدریجی و با اطمینان از پیشرفتی که در وضع روحی و اخلاقی آن‌ها پدید آمده، رفته‌رفته آمادگی لازم را برای پذیرش آزادی مشروط و سرانجام آزادی کامل کسب می‌کنند. این مراحل عبارتند از گذر از زندان مجرد به هنگام شب و انجام کار انفرادی به هنگام روز، سپس انجام کار دسته‌جمعی در روز و گذراندن شب در زندان انفرادی (نظام ابورنی) و سرانجام آزادی مشروط که با مراقبت‌های لازم همراه است. روش نیمه‌آزادی مانند پلی پیش از آن که محکومان به زندان از امتیازات آزادی مشروط بهره‌مند شوند، دوران زندان را به دوران آزادی متصل می‌کند. در این روش محکومان به زندان روزها در بیرون از زندان به کار می‌پردازند و شب‌ها دوباره به زندان بازمی‌گردند. معمولاً محل سکونت این گروه از زندانیان از دیگران جداست و بیشتر به محل اقامت خانوادگی آن‌ها شبیه است. در نظام جدید زندانبانی که اعطای نیمه‌آزادی بیش از پیش به‌طور مستقل متداول است، محکومان به زندان اجازه دارند ایام تعطیل

و تعطیلات آخر هفته را در بیرون از زندان بگذرانند. در سوئد سابقاً رژیم نیمه‌آزادی در مرحله‌ای از «روش تدریجی» به مورد اجرا گذارده می‌شد. در حال حاضر روش اصلاحی و تربیتی یا درمانی منطبق با شخصیت هر فرد اجرا می‌گردد. گاهی پیش از شناسایی شخصیت محکوم، روش نیمه-آزادی به عنوان مجازات اصلی اجرا می‌شود. در ایتالیا، روش نیمه‌آزادی در مورد محکومان به حبس تأدیبی، یا در مورد کسانی که بابت بدهی جرمه (کیفر نقدی) در زندان به سر می‌برند و نیز در مورد محکومانی که نیمی از مدت مجازات خود را گذرانده‌اند و محکومان جنایی که شش ماه یا بیشتر به اتمام محکومیتشان باقی نمانده است، اجرا می‌گردد؛ مشروط به اینکه تحت روش آزادی با مراقبت قرار نگرفته باشند. محکومان با لباس شخصی بدون مراقبت طبق برنامه تنظیم شده با رعایت شروطی که تعیین گردیده است، چند ساعتی از روز را در خارج از زندان به سر می‌برند و در رأس ساعت که معین بایستی به زندان یا مؤسسه‌ای که نگهداری می‌شوند، مراجعت نمایند. روش نیمه‌آزادی در مؤسساتی که جهت اجرای این روش تأسیس شده یا در قسمت کاملاً مجزا از سایر قسمت‌های زندان یا مؤسسات مختلف دیگر به مورد اجرا گذارده می‌شود. (دانش، ۱۳۶۶، ۱۹) در کشور فرانسه، روش نیمه‌آزادی با اصلاحاتی که پس از جنگ جهانی دوم در مقررات و اصول زندانبانی این کشور انجام گرفت، پذیرفته شد. این روش همزمان با گسترش نظام تدریجی (ایرلندی) به عنوان مرحله بینابین زندان و آزادی مشروط که طی آن محکومان به زندان از اعتماد کامل برخوردار می‌شدند، تلقی گردید. ماده ۷۲۳ آیین دادرسی کیفری این کشور در تشریح این مرحله مقرر می‌دارد: «روش نیمه‌آزادی شامل استقرار در خارج از زندان، بدون مراقبت دائمی و با شرایط کار مزدبگیران آزاد می‌باشد». قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ این روش را در دو جهت تعمیم داده است. نخست در جهت تمهید تدابیر اصلاحی جدید، و دوم در جهت حفظ علایق زندانی با محیط عادی. در حالت اول، زندانیان نه تنها می‌توانند از شرایط کار آزاد و از مزایای کارگری برخوردار شوند، بلکه می‌توانند به اشتغال به تحصیل نیز بپردازند یا به حرفه-آموزی مبادرت کنند، یا تحت درمان پزشکی قرار گیرند. در حالت دوم، دادگاه می‌تواند به محکومانی که مجازات آن‌ها از شش ماه زندان تجاوز نمی‌کند، اجازه دهد تا به ادامه فعالیت حرفه‌ای و یا کارآموزی حرفه‌ای و یا درمان پزشکی بپردازند و ارتباط خود را با محیط خارج از زندان حفظ نمایند. بدین ترتیب، روش نیمه‌آزادی در قوانین این کشور به دو شکل دیده می‌شود. روش نیمه‌آزادی به عنوان مرحله نهایی مجازات سالب آزادی که بازمانده نظام تدریجی که در سال ۱۹۷۵ ملغی شده است؛ و روش نیمه‌آزادی در مرحله شروع مجازات که با صدور حکم محکومیت از طرف دادگاه و یا با اجازه قاضی ناظر اجرای احکام در بدو محکومیت به اجرا گذاشته می‌شود. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ۱۷۸)

همچنین مطابق بررسی صورت گرفته در برخی دیگر از کشورهای اروپایی، مشاهده شد که

برخی از این کشورها نظام نیمه آزادی را مورد پذیرش قرار نداده‌اند. (کاپوتو، ۲۰۰۴، ۱۸۴-۱۶۹) جدول زیر نتیجه بررسی صورت گرفته را نشان می‌دهد. کشورهایی که «نظام نیمه آزادی» را مورد پذیرش قرار نداده‌اند با علامت × متمایز شده‌اند. نکته قابل توجه در این جدول، اجرایی نشدن نظام مورد اشاره در انگلستان می‌باشد:

جدول ۱- بررسی کشورهای دارای «نظام نیمه آزادی»

ردیف	کشور	نظام نیمه- آزادی	ردیف	کشور	نظام نیمه آزادی
۱	آندورا	✓	۱۴	لتونی	×
۲	اتریش	✓	۱۵	لیتوانی	×
۳	بلغارستان	×	۱۶	هلند	✓
۴	جمهوری چک	×	۱۷	لهستان	✓
۵	دانمارک	×	۱۸	پرتغال	✓
۶	فنلاند	×	۱۹	رومانی	✓
۷	فرانسه	✓	۲۰	اسلواکی	×
۸	آلمان	✓	۲۱	اسلوونی	✓
۹	یونان	✓	۲۲	اسپانیا	✓
۱۰	مجارستان	×	۲۳	سوئیس	✓
۱۱	ایسلند	✓	۲۴	جمهوری مقدونیه	✓
۱۲	ایرلند	×	۲۵	ترکیه	✓
۱۳	ایتالیا	✓	۲۶	بریتانیا، انگلیس، ولز	×

اقتباس از: (Council of Europe, and Committee of Ministers, 2000, p.58)

در نیز روش نیمه آزادی نخستین بار در آیین نامه زندان‌ها مصوب ۱۳۵۴ شمسی پیش‌بینی شد. طبق ماده ۵۱ این آیین‌نامه: «آن عده از زندانیانی که واجد شرایط اشتغال به کار در مؤسسات صنعتی و کشاورزی خارج از زندان می‌باشند، در صورتی که در مؤسسات مذکور برای آنان شغلی متناسب با استعداد و تخصص آن‌ها نباشد، می‌توانند با استفاده از روش نیمه آزادی در مؤسسات دولتی یا خصوصی به کار گمارده شوند. در این صورت علاوه بر شرایط مذکور در ماده ۵۰ باید از مابقی مجازات آنان بیش از یک سال باقی نمانده باشد.» بنابراین اجرای این روش در صورتی ممکن بود که در مؤسسات صنعتی و کشاورزی وابسته به زندان‌ها که نوعی زندان باز

تلقی می‌شد، شغلی متناسب با تخصص و استعداد محکومان یافت نمی‌شد. صرف نظر از اینکه شرط مذکور با اهداف روش نیمه‌آزادی منطبق نبود و اصولاً اشتغال به کار در خارج از زندان ضرورت اجرای این روش را توجیه نمی‌کند، معلوم نیست که چگونه این تأسیس در مقررات جدید زندان‌ها مصوب ۱۳۶۰ شورای عالی قضایی که از بسیاری جهات نسبت به آیین نامه قبلی مزیت و برتری دارد، لغو گردید. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ۱۸۳) بعد از انقلاب نیز تنها ماده ۲۹ آیین نامه اجرایی سازمان کانون اصلاح و تربیت در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار مقرر می‌داشت: «در مورد اطفالی که مدت توقف آن‌ها در قسمت اصلاح و تربیت و یا زندان بیش از شش ماه است، در آخرین ماه توقف، چنانچه مدیر کانون رفتار روحی و اخلاقی طفل را مناسب تشخیص دهد، می‌تواند با اطلاع و یا پس از تأیید قاضی دادگاهی که طفل را به کانون اعزام داشته است، موافقت کند که طفل روزها در خارج، نزد کارفرمای مربوط قراردادی منعقد خواهد نمود و در نحوه کار، تحصیل و حضور و غیاب اطفال به وسیله مددکاران اجتماعی یا نمایندگانی که برای مراقبت و هدایت تعیین می‌شوند، نظارت خواهند داشت.» در صورت نقض مقررات این ماده به وسیله طفل، مراتب فوراً جهت اتخاذ تصمیم مجدد به دادگاه مربوط اعلام خواهد شد. البته در روش فوق می‌توان در اجرای کیفر حبس به شیوه‌های مختلف، تغییراتی را اعمال کرد. به عنوان مثال موافقت با مرخصی زندانی در ایام تعطیلات و روزهای آخر هفته یا گذراندن روزها در زندان و شب‌ها در منزل، که کلیه اقدامات فوق می‌تواند تا حد زیادی از آثار و تبعات زیان‌بار زندان بر خانواده زندانی و شخص بزهکار بکاهد.

۲. نظام نیمه‌آزادی و دورنمای نظام کیفری ایران در زمینه چگونگی استفاده از آن

در این بند ابتدا به تعریف و جایگاه نظام نیمه‌آزادی در حقوق کیفری ایران خواهیم پرداخت و سپس در یک نگاه تطبیقی به دورنمای نظام کیفری ایران در زمینه چگونگی استفاده از آن می‌پردازیم.

۱-۲. تعریف و جایگاه نظام نیمه‌آزادی

ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی، نظام نیمه‌آزادی را شیوه‌ای می‌داند که بر اساس آن محکوم در زمان تحمل حبس می‌تواند برخی از فعالیت‌های زندگی خود را که به صورت تمثیلی در این ماده مقرر شده است در خارج از زندان انجام دهد. (مواد مربوط به نظام نیمه‌آزادی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. عمدتاً از قانون جزای فرانسه، به ویژه مواد ۲۵-۲۶ و ۱۳۲-۲۶ و ۱۳۳ اقتباس شده است). (زراعت، ۱۳۸۴، ۲۴۲) به عبارت دیگر نوعی نظام اجرای مجازات‌های سالب آزادی است که به محکوم اجازه می‌دهد تا در طول روز خارج از محیط زندان و بدون نظارت مأموران در شرایط طبیعی به منظور ورود به جامعه در آینده به یک فعالیت آموزشی، حرفه‌ای یا درمانی مشغول شود و پس از اتمام کار و ساعات تحصیل و درمان و همچنین در ایام بیکاری به

زندانباز گردد.

در نظام نیمه آزادی افرادی که محکوم به حبس‌های سبک هستند و به نوعی برای جامعه خطرناک نیستند، در صورت رضایت می‌توانند در بیرون از محیط زندان و بدون آنکه مأمور مراقبتی داشته باشند به کار و یا شرکت در فعالیت‌های آموزشی و درمانی بپردازند و شب‌ها، آخر هفته و ایام تعطیل به زندانبازگردند. ساعت دقیق ورود و خروج زندانبانان به زندان در دفتر مخصوص ثبت و کنترل می‌شود. این شیوه در راستای بازاجتماعی کردن بزهکار صورت می‌گیرد. در واقع در این شیوه با اعطای آزادی محدود به زندانی به وی امکان داده می‌شود که خود را با جامعه تطبیق دهد و به آغوش جامعه بازگردد. (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۶۹) در این نهاد به محکوم به عنوان یک انسان منافع نگریسته نشده است، بلکه او می‌تواند در اعمال یا عدم اعمال مقررات نظام نیمه آزادی مؤثر باشد. بنابراین می‌توان از این نظام به عنوان نوعی توافق بین محکوم و مقام قضایی صالح نام برد. تحول حقوق جزای معاصر که وجه بارز آن دغدغه شخصی کردن مجازات و انسانی نمودن آن است، قانون‌گذار را بر آن داشته تا حدی نظر مجرم را در انتخاب مجازات و اعمال آن دخالت دهد. این اندیشه از آنجا الهام می‌گیرد که عدالت کیفری یک عدالت تحمیلی و عمودی است، لیکن گرایش قانون‌گذاران کیفری و سیاست‌گذاران جنایی به سمت عدالت ترمیمی و مذاکره‌ای است. (غلامی، ۱۳۸۹، ۷۴۰-۷۱۴)

۲-۲. دورنمای نظام حقوق کیفری ایران در زمینه چگونگی استفاده از نظام نیمه آزادی

برخی از مؤلفان حقوق کیفری در خصوص چگونگی استفاده از شیوه نیمه آزادی و نهادهای اعطاکننده آن به مواد ۷ و ۶۶ آیین‌نامه اجرای سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ استناد می‌نمایند (نیازپور، ۱۳۹۰، ۳۰۷) و معتقدند که مواد مورد اشاره مربوط به نظام نیمه آزادی یا زندانباز است. طبق ماده ۷ آیین‌نامه مذکور، زندانباز نیمه‌باز زندانی است محصور که در پوشش خارجی دارای حفاظت مناسب باشد و در آن زندانبانان به‌طور گروهی با تعداد کافی مأمور مراقبت بدون اسلحه به کار اعزام می‌گردند و پس از خاتمه کار مجدداً به آسایشگاه خود عودت داده می‌شوند. (محمدی، ۱۳۸۴، ۶۹) به نظر برخی حقوق‌دانان: (زراعت، ۱۳۹۲، ۱۳۸)

«آنچه در مواد ۵۶ و ۵۷ آمده است شکل خاصی از نظام نیمه‌زندانی است و نیمه‌آزادی با نیمه‌زندانی تفاوت دارد. نیمه‌زندانی یعنی این که محکوم‌علیه در زمان حبس به فعالیت شغلی و حرفه‌ای می‌پردازد و آخر هفته به زندان می‌رود؛ اما نیمه‌آزادی آن است که محکوم مدتی را در زندان سپری کرده و چنانچه رفتار مناسبی داشته باشد، می‌تواند در برخی روزها به فعالیت شغلی بپردازد. شرایط مهمی که در نظام نیمه‌آزادی و نیمه‌زندانی وجود دارد، حضور زندانی در روزهای آخر هفته در زندان است؛ اما قانون مجازات اسلامی اشاره‌ای به این شرایط ندارد و احکام این

نظام باید به موجب آیین‌نامه‌ای تعیین شود که در ماده ۶۳ پیش‌بینی شده است». بنظر می‌رسد آیین‌نامه اجرایی وعده داده شده در ماده ۶۳ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲، مقررات مشابهی با نظام نیمه‌باز موضوع ماده ۶۵ و ۶۶ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در خصوص شورای طبقه‌بندی زندان‌ها (به عنوان مرجع اعطاکننده نظام نیمه‌آزادی) و ماده ۶۹ آیین‌نامه در خصوص شرایط استفاده از زندان نیمه باز (مانند سن، جنس، وضعیت جسمی و روحی و چگونگی شخصیت و پیشینه بزهکاران به عنوان شرایط فردی محکوم‌علیه) خواهد داشت. لذا به دلیل مشابهت دو نظام بهتر است تدوین‌کنندگان آیین‌نامه، توجه ویژه‌ای به مقررات مارالذکر داشته باشند.

به نظر نگارندگان، وقتی در زندان باز وفق ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۰ زندانی ضمن اشتغال به خدمت حق خروج از زندان را ندارد و شب‌ها را نیز در نزدیک‌ترین آسایشگاهی که به این منظور تعیین شده است، استراحت می‌نماید؛ به طریق اولی در زندان نیمه-باز حق خروج از زندان را نخواهد داشت. (Bacchtold, 1976, 31-43) مضافاً این‌که اعطای مرخصی ترمیمی برای اینگونه زندانیان جهت اعطای فرصت لازم به زندانی برای جلب رضایت شاکی در اجرای مواد ۲۲۰ و ۲۲۱ آیین‌نامه مصوب ۱۳۸۴ دلیل دیگری بر این مدعاست. در حالی که در نظام نیمه‌آزادی به دلیل حق خروج زندانی از زندان در اغلب ساعات نیازی به چنین مقرره‌ای جهت اخذ رضایت از بزه‌دیده نخواهد بود. به هر تقدیر، تهیه‌کنندگان قانون مجازات اسلامی طی مواد ۵۶ و ۵۷ به چگونگی استفاده از شیوه نیمه‌آزادی توجه داشته‌اند. این واکنش کیفری، بر اساس ماده ۵۶ صرفاً به جرایم دارای کیفر حبس تعزیری درجه پنج تا هفت اختصاص دارد. بنابراین از روش نیمه‌آزادی نمی‌توان در خصوص جرایم شدیدتر مثل جرایم دارای حبس تعزیری درجات یک تا چهار و نیز دیگر گونه‌های بزهکاری مثل جرایم مستوجب حد بهره جست. حکم به نظام نیمه‌آزادی مخصوص کسانی است که جزای نقدی در آنان تأثیری ندارد و مجازات حبس نیز برای آن‌ها مضر می‌باشد. این نظام برای اشخاصی مفید است که به صورت اتفاقی مرتکب جرایم خفیف یا غیرعمدی می‌شوند و چند روز محرومیت از آزادی موجب تنبیه آنان می‌شود. از طرف دیگر تعهد بزهکاران به سپردن تأمین مناسب و مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی، درمان اعتیاد یا بیماری، تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای و آموزشی و حرفه-آموزی برای اعطای تأسیس جزایی پیش‌بینی شده است. قانون مجازات اسلامی بر خلاف آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم به مسأله فسخ نظام نیمه‌آزادی که در اثر تخلف محکوم از اجرای تعهدات یا ارتکاب جرم عمدی جدید حاصل گردد، اشاره ننموده است. ماده ۵۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز این خلاء قانونی را مرتفع نکرده است. افزون بر این، دو شرط دیگر با رویکرد بزه‌دیده‌مدار برای بهره‌جستن از شیوه نیمه‌آزادی در

ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است. شرط نخست گذشت شاکی و شرط دوم مشارکت بزه‌کار در ترمیم خسارت‌های وارده بر بزه‌دیده است. از نظر تدوین‌کنندگان قانون، صرفاً آن دسته از مجرمان سزاوار برخوردار از ارفاق کیفری هستند که علاوه بر داشتن شرایط پیش‌گفته، در جهت ترمیم خسارت‌های وارده بر بزه‌دیده و جلب رضایت وی اقدام نمایند. مع‌الوصف، برخلاف گذشته که این روش تنها به عنوان یکی از شیوه‌های عدالت کیفری عمودی و با ماهیت بازپرورا نه به‌شمار می‌آمد، امروزه در پرتو قانون مجازات اسلامی جدید و پذیرش رویکرد اعتباربخشی به اراده بزه‌کار، شیوه نیمه‌آزادی به صورت یکی از جلوه‌های راهبرد مذکور شناسایی شده است.

۳. توجیه کیفر نیمه‌آزادی

پس از بیان مطالب مربوط به تبارشناسی کیفر نظام نیمه‌آزادی، اهتمام نگارندگان در این بند بر آن است تا با بررسی مبانی کیفر نظام نیمه‌آزادی به ارزیابی این کیفر در سیاست کیفری ایران بپردازد. از آنجا که اجرای نظام نیمه‌آزادی برای محکومان به حبس موجب تغییر ماهیت کیفر زندان می‌گردد، لذا مطالب مورد نظر در این بند به عنوان مرکز ثقل تحقیق، کارایی یا عدم کارایی این کیفر را بیش از پیش نشان خواهد داد. قبل از ورود به بحث چند نکته قابل توجه و امعان نظر است. نخست آن که کیفر و آثار آن پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است لذا کیفر نیاز به توجیه و مشروعیتی قوی دارد. از این رو آگاهی به ابعاد آن واجد اهمیت بسزایی است. دوم آن که اهداف سیاست کیفری و اعمال کیفر برای سیاست‌گذاران و مجریان آن نیز بایستی منقح و مشخص باشد و کیفر مذکور باید مورد واکاوی و ارزیابی همه‌جانبه قرار گیرد. سوم آن که نهادهای مجری کیفر اعم از دادسرا و کارکنان سازمان زندان‌ها باید ابزارها و امکانات متناسب با اهداف تعیین شده را در اختیار داشته باشند. چهارم آن که آگاهی عموم، و بالاخص اشخاصی که مجازات می‌شوند، از اهداف و انواع و آثار کیفرها ضرورت دارد. مضافاً اینکه مجازات‌ها باید مورد قبول مردم باشند. پنجم آن که برای شناخت کیفر نه تنها آگاهی از قوانین کیفری، بلکه شناخت فلسفه کیفر، علل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی ظهور و مرگ آن و نیز اهداف توجیه‌کننده آن اهمیت فراوانی دارد. این مهم هم در سطح قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری و هم در مقام تبیین، اجرا و اعمال کیفر و حتی پس از آن سرنوشت‌ساز است.

۳-۱. ارزیابی نظام نیمه‌آزادی از منظر توجیهات عام کیفر

در این قسمت از توجیهات عام به بررسی توجیهات سنتی و اصلی کیفر و توجیهات معاصر و فرعی کیفر در نظام نیمه‌آزادی بر اساس اندیشه‌های سترگ مکاتب حقوق کیفری خواهیم پرداخت.

۳-۱-۱. توجیهات سنتی و اصلی کیفر در نظام نیمه‌آزادی

کسانی که به وجود عدالت کیفری، چه در قالب سنتی و کلاسیک و چه در قالب جدید آن با جرح و تعدیل‌های فراوان، پایبند هستند، دلایل فلسفی عدیده‌ای را در توجیه کیفر بیان کرده‌اند که از منظری دیگر می‌توان آن‌ها را اهداف یا کارکردهای کیفر نیز دانست. در این بند، توجیهات سنتی بیان شده برای نظام نیمه‌آزادی که در واقع کارکردهای این نوع مجازات از دیدگاه سنتی نیز می‌باشد، مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳-۱-۱-۱. اثر سزادهی و ناتوان‌سازی کیفیت در نظام نیمه‌آزادی

ابتدایی‌ترین و بدیهی‌ترین هدف برای کیفر و در نتیجه توجیه نظام کیفری، سزا دادن مجرم و ناتوان‌سازی او برای ارتکاب جرم است. نظام عدالت کیفری در پرتو این هدف به دور کردن بزهکاران از جامعه توجه داشته و بر این فرض مبتنی است که طرد مجرمان، فرصت‌های مساعد جرم را از آنان سلب کرده و در نتیجه از روی‌آوری دوباره بزهکاران به ارتکاب جرم پیشگیری می‌کند. (غلامی، ۱۳۹۰، ۶۵)

ناتوان‌سازی بزهکاران علاوه بر اینکه در کاهش نرخ تکرار جرم نقش‌آفرین است، به مصون‌سازی بزه‌دیدگان احتمالی نیز می‌انجامد. این اثر سزادهی و ناتوان‌سازی در نظام نیمه-آزادی اگرچه کم‌رنگ است، اما قابل مشاهده است. چه آنکه یکی از نعمت‌هایی که خداوند متعال در نهاد آدمی قرار داده عشق آدمی به آزادی و اختیار است و بدیهی است که هر آنچه به آن خدشه وارد سازد، برای آدمی سخت و ناگوار است. سلب آزادی به عنوان شکنجه‌ای دردناک و آزاردهنده روح و جسم انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو محدودیت‌های ناشی از نظام نیمه‌آزادی در واقع تنبیهی سخت و بازدارنده خواهد بود و می‌تواند اثر سزادهی و ناتوان‌سازی کیفر را، هرچند معتدل، توجیه نماید.

۳-۱-۱-۲. ارعاب یا بازدارندگی کیفر در نظام نیمه‌آزادی

یکی دیگر از اهداف کیفر، ارعاب و بازدارندگی است که می‌تواند با ماهیت ترهیبی خود مرتکب یا دیگران را از ارتکاب به جرم بازدارد. بازدارندگی با رویکردی ارعاب‌انگیز و عبرت‌آموز به نظام عدالت کیفری به منزله بستری برای ترس و عبرت بزهکاران می‌نگرد. در پرتو این هدف با استفاده از ابزارهای واکنشی درصد مرعوب ساختن و عبرت‌آموزی تبهکاران است تا از روی-آوری مجدد آنان به بزهکاری پیشگیری شود. در نظام نیمه‌آزادی جنبه‌های ترهیبی و ترذیلی کیفر زندان کماکان حفظ می‌گردد و جدا از توأم بودن کیفر با رسوایی و فضاحت که به آن جنبه ترذیلی داده، شکنجه و رنج محرومیت از آزادی کامل جنبه ترهیبی آن را در مقایسه با اغلب کیفرها نمایان‌تر ساخته است و در نتیجه بازدارندگی آن نیز محقق می‌گردد. ترس از مجازات زندان در نظام نیمه‌آزادی موجب می‌گردد که بزهکاران احتمالی از اندیشه‌های شریرانه منصرف

شوند. البته از آنجا که همه بزهکاران از شخصیت واحد و ساختار روانی یکسانی برخوردار نیستند و در نتیجه به یک میزان از اجرای مجازات متأثر نمی‌شوند، لذا علمای حقوق برای اخذ بهترین نتیجه از اجرای مجازات سیاست شخصی کردن آن را پیشنهاد کرده‌اند.

۳-۱-۱-۳. اثر اصلاحی یا درمانی کیفر در نظام نیمه آزادی

اصلاح و درمان امروزه فراتر از مفهوم مضیق و موردنظر در مکتب تحقیقی است. به عبارت دیگر به تبع مردود یا محدود دانستن تأثیر علل جسمی در وقوع جرم و پذیرش علل دیگر از جمله عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره معانی گسترده‌تر و قابل قبول‌تری پیدا کرده که با واقعیات خارجی مربوط به ارتکاب جرم سنخیت بیشتری دارد. از آنجا که بعضی از مجازات‌ها مانند اعدام، رجم و مجازات‌های توان‌گیر فاقد کارکرد بازپرورانه هستند، لذا تنها مجازاتی که خصیصه تربیتی آن در ظاهر به نسبت به سایر مجازات‌ها آشکار است، کیفر حبس است. اصطلاح حبس تأدیبی در ماده ۹ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ زمانی شیوه‌ای از اجرای مجازات را تداعی می‌کرد که با سیاست یک نهاد تربیتی باید منطبق می‌بود. امروزه دیگر از اعجاز زندان‌ها سخنی نیست، بلکه تلاش بر این است که با مجازات‌های بینابین از جمله نظام نیمه‌آزادی و سازوکارهای دیگر، در حد امکان از یک سو از آثار زیان‌بار زندان کاسته شود و از سوی دیگر نسبت به حفظ ثبات خانواده و اصلاح بزهکار اقدام شود. (Leka, 2014, 87) در همین راستا، قانون‌گذار در ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی و حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر اینها را در دستور کار قرار داده است. البته اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه‌آزادی در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور صورت خواهد گرفت.

اساساً اقداماتی که پس از ارتکاب جرم به عنوان پیشگیری ثالث نسبت به بزهکاران اعمال می‌شوند، غالباً جنبه اخلاقی و اصلاحی دارند. مجرم از یک سو به دلیل ارتکاب خطای کیفری باید مکافات عمل خود را تحمل نموده و در عین حال متنبه شود و از سوی دیگر برای تقویت پیشگیری از ارتکاب جرم باید اجرای مجازات، به‌ویژه حبس، فرصتی جهت اصلاح و درمان و در نهایت نجات بزهکاران از دنیای بزهکاری باشد. (صلاحی، ۱۳۸۹، ۳۴) بنابراین نظام نیمه‌آزادی جلوه‌ای از اقدامات تربیتی در عرصه حقوق کیفری مدرن می‌باشد که به نوبه خود در کنار جلوه‌های دیگر مانند آزادی مشروط نقش بسزایی در اصلاح و درمان مجرمان ایفا می‌نماید.

۳-۲-۱. ارزیابی نظام نیمه‌آزادی از منظر توجیهات معاصر و فرعی کیفر

توجیهات رایج و غالباً فلسفی که در مقام توجیهات سنتی و اصلی کیفر ارائه شد، در ارائه چهره‌ای کاملاً مشروع از نظام کیفری چندان موفق نبودند و این امر موجب گردید که طرفداران لزوم کیفر به ارائه توجیهات نوین و مطلوب‌تری متوسل شوند. این توجیهات قرائت مناسب‌تری را با مذاق کیفری روز ارائه می‌دهند و در تحولات ملی و اسناد بین‌المللی در جهت رعایت حقوق

بزهکاران و بزه‌دیدگان هماهنگی بیشتری دارد. لذا ضرورت دارد که در این قسمت، کیفر نظام نیمه‌آزادی را با این توجیحات مورد ارزیابی قرار دهیم.

۳-۱-۲-۱. مشروعیت کیفر در نظام نیمه‌آزادی و اثر تقبیحی آن

مفهوم اثر تقبیحی کیفر آن است که کیفر و نظام کیفری نشان‌گر تنفر و انزجار مردم یک جامعه از برخی افعال و رفتارهاست که این امر وجود و عملکرد نظام کیفری را مشروعیت می‌بخشد. از یک طرف تقبیح کیفر و واکنش سامانه دادگری کیفری در قبال کنش جنایی باعث کاهش جرم گردیده که به تقبیح ابزاری اشتها دارد و از طرف دیگر اعمال مجازات نشانگر دید منفی و ارزشی قاطبه ملت نسبت به پدیده جنایی است که تقبیح بیانی یا تصریحی نامیده می‌شود. بر این اساس چنانچه مجازات به عنوان ابزاری برای کاهش عمل مجرمانه محسوب شود، برداشتی پیامدگرا از آن به عمل آمده است. با این توجیه که مجازات اثر آموزشی دارد اما اگر صرفاً بر جنبه الگویی یا معیار بودن مجازات تکیه شود و آن را به این دلیل موجه بشماریم که به همراه خود یک پیام اخلاقی و الگویی برای مرتکبان و دیگران ارسال می‌نماید و به همین دلیل آن عمل زشت و قابل سرزنش و مجازات است، در این صورت برداشتی غیرپیامدگرا و ضرورتاً سزاگرا از تقبیح مورد حمایت و دفاع قرار گرفته است. (صفاری، ۱۳۹۱، ۲۵۰) از این رو نظام نیمه‌آزادی به عنوان مجازات بینابین واجد هر دو خصوصیت مجازات غیرپیامدگرا و پیامدگرا است و مشروعیت این کیفر و اثر تقبیحی آن را اثبات می‌نماید. به طوری که با اعمال مجازات زندان، نشانگر تنفر و انزجار مردم جامعه از جرم خواهد بود و از طرف دیگر با توجه به اعمال برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌های حرفه‌ای و حرفه‌آموزی و مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده مؤثر است، مؤید پیامدگرا بودن این کیفر می‌باشد.

۳-۱-۲-۲. سلب صلاحیت مجرم و بازگشت سعادت‌مندان از گذر توسل به نظام

نیمه‌آزادی

برخی ارتکاب جرم را به منزله عاملی برای از دست دادن سرایت مرتکب به عنوان یک عضو کامل جامعه و مجازات را فرآیندی جهت بازگرداندن این صلاحیت از دست‌رفته مرتکب تعبیر می‌کنند. به عبارت دیگر نقض‌کنندگان قانون با ارتکاب جرم خود را خارج از جامعه و یا در مقابل آن قرار می‌دهند، اما جریان محاکمه و مجازات با هدف بازگرداندن آن‌ها به جامعه صورت می‌گیرد. سلب صلاحیت از مرتکب چیزی شبیه به اثر تقبیح است که بدون مرحله دوم آن یعنی بازگرداندن صلاحیت نمی‌تواند وجود نظام کیفری را به طور کلی توجیه نماید. خود تقبیح در این مورد قاصر است، اما بازگرداندن صلاحیت می‌تواند عامل موجه مثبتی برای نظام کیفری باشد تا با پیگیری آن از طریق اعمال اقدامات لازم مثل اصلاح مرتکب یا ترمیم خسارت بزه‌دیده و نه

ضرورتاً فقط کیفر، مرتکب را در جامعه بازپذیر می‌نماید. به شرط اینکه مرحله اول یعنی سلب صلاحیت آن چنان عمیق و قوی نباشد که مرحله دوم را منتفی کند یا تحت‌الشعاع خود قرار دهد و با برچسب‌زنی به مجرم به جای اعاده وی به اجتماع، زمینه تکرار جرم را فراهم نماید. (Gordon Scott, 2008, 113)

۳-۱-۲-۳. عدالت ترمیمی و شرمساری بازپذیرانه در آیین نظام نیمه‌آزادی

اگرچه عدالت ترمیمی به عنوان یک راهبرد کیفری مستقل در دهه‌های پایانی قرن بیستم تفکر و اندیشه‌های جزایی را مغروق خود نموده است، اما مشترکاتی با نظریه شرمساری بازپذیرانه^۱ ارائه شده از سوی جان بریث‌ویت دارد، لذا در این مقال توأمان مطمح نظر قرار خواهد گرفت. نظریه شرمساری بازپذیرانه مبنی بر این است که پاسخ‌های اجتماعی در برابر جرم در صورتی موفق خواهد بود که علاوه بر شرمسار کردن مرتکب بتواند وی را کاملاً به جامعه برگرداند. برخلاف شرمساری غیرسامان‌ده و بدنام‌کننده که انگ و داغ‌نگش باعث فرار فرد از جامعه یا عدم پذیرش وی در آن می‌گردد، شرمساری مورد نظر در این تفکر از طریق تدابیری مثل راضی کردن مرتکب به عذرخواهی از بزه‌دیده، ترمیم خسارت قربانیان، انجام خدمات عام‌المنفعه و امثال اینها موجب بازپذیری فرد در جامعه می‌شود. (Mihburn, 2014, 11)

از لحاظ فکری این نظریه مبتنی بر این است که به جای کیفر مرتکب، بازسازی و جبران خسارت را هدف اقدامات و تدابیر اتخاذی علیه جرم قرار دهیم تا از عوارض منفی کیفر بالابخسار زندان احتراز نموده و خسارات وارد بر اجتماع و بزه‌دیدگان تا اندازه زیادی جبران گردد و همزمان مجرم نیز از جامعه طرد نشود و به عنصری عنود و ناسازگار مبدل نگردد. (ولد و همکاران، ۱۳۹۲، ۴۱۲-۴۱۰) این رویکرد همان چیزی است که تصمیم‌گیران سیاست جنایی بدان توجه داشته و در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی به عنوان رهیافتی نوین، ترمیم خسارت بزه‌دیدگان را در دستور کار خود قرار داده‌اند. بدین طریق زمینه بازپذیری مجرم در این فرآیند فراهم خواهد شد. البته بدیهی است که عدالت ترمیمی را فی‌نفسه نمی‌توان به عنوان جایگزین مجازات مطرح کرد، اما می‌توان از سازوکارهای آن در اجرای تدابیر جایگزین مجازات بهره گرفت.

۳-۲. ارزیابی نظام نیمه‌آزادی از منظر توجیهات خاص کیفر

مطالبی که در این قسمت مطرح می‌گردد زیربنای اصلی یا مبانی توجیهات خاص برای مشروعیت بخشیدن واقعی به عمل کیفررسانی، یعنی تعیین و اعمال کیفر خاص است. همین مبانی منجر به طرح اندیشه‌هایی چون صورت‌سازی نظام کیفری چه در قالب معتدل و چه در

قالبی رادیکال (فروپاشی زندان) (Sim, 2009, 140-142) و به دنبال آن‌ها طرح جایگزین - های حبس، مجازات‌های بینابین و ... شده است. این در حالی است که عده‌ای همچنان نسبت به جایگزین‌های حبس انتقاداتی را مطرح می‌کنند. (Ben-Moshe, 2014, 259-260)

۳-۲-۱. پذیرش اجتماعی کیفر در نظام نیمه‌آزادی

مراد از پذیرش اجتماعی کیفر احتساب دید کلی ایجاد شده در جامعه نسبت به کیفر خاص یا نظام کیفری به طور کلی است. لذا توجه به افکار عمومی در قضاوت نسبت به خوب یا بد بودن یک نظام یا یک کیفر خاص ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. همان‌طوری که در نظر مردم ممکن است افعال یا تروک مجرمانه‌ای مانند صید و شکار نامشروع جلوه نکند، از طرفی هم ممکن است کیفر یا عقوبت اعمال مجرمانه مورد پذیرش عموم قرار نگیرد. به عنوان مثال امروزه نمی‌توان از مجازات‌هایی مانند داغ کردن پیشانی و شانه مرتکب یا گرداندن او در شهر به منظور ایداء و توهین توسط مردم استفاده نمود. لذا توجه به افکار عمومی در قضاوت نسبت به خوب یا بد بودن یک نظام یا کیفر خاص ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. نظام نیمه‌آزادی در عین حال آثار مخرب و زیان‌بار زندان را در حد وسیعی تعدیل و تلطیف می‌نماید و با ارائه برنامه‌های اصلاحی و آموزشی و حرفه‌ای، زمینه اصلاح و بازگشت مجرم به اجتماع را تسهیل می‌نماید.

۳-۲-۲. تناسب کیفر در نظام نیمه‌آزادی با جرم و مجرم

این اصل هم نه تنها بایستی به هنگام قانون‌نویسی مطمح نظر قرار گیرد، بلکه باید در زمان تعیین و تخصیص کیفر برای جرمی خاص و مرتکبی معین مورد توجه قرار گیرد، زیرا کیفر بایستی نشانگر میزان زشتی و خطر جرم ارتكابی باشد و عدم التفات به این مهم موجب افراط و تفریط در مجازات می‌گردد. در قوانین کشورهای مختلف به این امر توجه شده است. نمونه‌ای از درجه‌بندی‌ها در حقوق تطبیقی که به درجه‌بندی مرکب نزدیک است «مدل‌های راهنمای مجازات»^۱ در ایالات متحده آمریکاست. در این کشور، دادگاه‌ها جهت رعایت صدور حکم یکسان برای افراد و نهادها در مرحله صدور حکم الزاماً باید مقررات متحدالشکلی را در مورد جنایات و جنحه‌های مهم رعایت نمایند. این الزام که در حقیقت به نوعی به مقررات شکلی مربوط می‌شود، ابتدا در چند حالت اجرا شده بود. در سال ۱۹۸۴ جهت جلوگیری از تشتت آرا و تعارض احکام در موارد مشابه، مقررات مذکور توسط «کمیسیون تعیین مجازات ایالات متحده»^۲ مورد اصلاح قرار گرفت.^۳ هدف اصلی این رهنمودها کاهش نابرابری و تبعیض در صدور حکم بود که تحقیقات

1. Guideline models of Commission

2. United States Sentencing Commission

3. "Introduction to the Sentencing Reform Act", U.S. Sentencing Commission.

انجام شده شیوع آن را نشان داده بود.

قانون گذار ایران معمولاً با تعیین حداقل و حداکثر یک مجازات، تطبیق درجات مختلف هر جرم با کیفر متناسب آن را بر عهده قاضی تعیین کننده مجازات نهاده است و قاضی بر اساس نظام تدرج مجازات‌ها و ابزارهای قضایی، سیاست شخصی کردن مجازات‌ها را اعمال می‌کند. یکی از دلایل احتراز از حبس‌های طولانی مدت علاوه بر معایب روان‌شناختی و جرم‌شناختی، به چالش افتادن این اصل متقن و اولی است. لذا قانون‌گذار در پرتو داده‌های حقوق کیفری و رهیافت‌های جرم‌شناختی و کیفرشناختی به این مهم توجه نموده و در مواد ۵۶ و ۵۷ قانون مجازات اسلامی اعمال مجازات نیمه‌آزادی را صرفاً در حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت پذیرفته و دادگاه را مستغنی از اعمال این کیفر در سایر جرایم دانسته است. قاضی کیفری نیز با استمداد از شرایط و قیود قانونی، با رضایت مرتکب در فرآیند توافقی شدن و معامله اتهام، مجازات متناسب با شخصیت مرتکب را مورد حکم قرار خواهد داد.

۳-۲-۳. قابل اجرا بودن کیفر در نظام نیمه‌آزادی

یکی از عوامل موجهه برای داشتن نظام کیفری و مجازات کردن افراد، تصور آثار ارعابی و بازدارندگی کیفر است. چنین اثری فقط در زمانی به منصفه ظهور و بروز می‌رسد که کیفر تعیین شده در مورد مرتکب حتماً اجرا و اعمال گردد، زیرا قابل اجرا نبودن کیفر می‌تواند در طول زمان باعث زوال آثار مذکور و در نتیجه زوال مشروعیت آن و حتی نظام کیفری گردد؛ مانند جزای نقدی که در صورت عدم ملائمت محکوم‌علیه طبق ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی منجر به بازداشت خواهد شد. بدین توضیح، آثار مخرب زندان و تزییقات مالی و عاطفی و انقطاع شغلی محکوم‌علیه و هزینه‌های مادی و انسانی را بر مجرم و دولت خواهد گذاشت. (Bruinsma, 2014, 467) کیفر نیمه‌آزادی به عنوان مجازات بینابین، ایرادات مذکور را در حد وسیعی مرتفع می‌نماید. به‌ویژه آن که تعهد محکوم‌علیه به فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مساعدت در تداوم زندگی خانوادگی و درمان اعتیاد یا بیماری در این راستا قانون توجه قانون‌گذار قرار گرفته است.

۳-۲-۴. مفید بودن کیفری نظام نیمه‌آزادی و کارایی آن

فایده داشتن کیفر به معنی پدید آوردن آثار و نتایج مثبت برای مرتکب، جامعه و تنبیه مرتکب بدون تولید عوارض منفی و جانبی زیاد برای فرد و جامعه نظیر از هم‌پاشیدگی خانوادگی و بیکاری فرد و لکه‌دار شدن حیثیت خانواده وی در نتیجه اعمال مجازات است. مراد از کارایی کیفر نیز این است که کیفر به اهداف تعیین شده برای آن، مانند جلوگیری از ارتکاب جرم و کاهش و تقلیل جرایم و بازدارندگی مرتکب و دیگران از تکرار جرم، برسد. (صفاری، ۱۳۹۱، ۲۶۵) مشاهیر حقوق کیفری و صاحب‌نظران در این عرصه معتقدند که اعمال کیفر صرفاً خصوصاً در

شکل‌های سنتی آن نظیر زندان، اعدام، شلاق و جزای نقدی نه تنها مانع از تکرار جرم در آینده نمی‌شود بلکه پیامدهای سوء و ناگواری را در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی انسانی و حتی سیاسی به دنبال دارد.

در دهه‌های اخیر جهت‌گیری نظام کیفری به مدل سزادهی و کیفرهای استحقاقی به عنوان یک دیدگاه غیرپیامدگرا و بی‌توجه به نتایج مثبت از قبیل کاهش جرم و جلوگیری از تکرار جرم مطرح شده است. کیفرهای استحقاقی صرفاً برای مجرمان خطرناک و جرایم خشن به کار گرفته شده است و در مورد مرتکبان جرایم سبک از مجازات‌های جایگزین و بینابین استفاده می‌شود. از این رو نظام نیمه‌آزادی در جرایم درجه پنج تا هفت از نتایج این جهت‌گیری می‌باشد و گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی حرفه‌ای و حرفه آموزشی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارده بر بزه‌دیده مطرح شده است، به روشنی به مفید بودن کیفر و کارکردهای آن اشاره دارد.

۳-۲-۵. هزینه‌های انسانی و مادی کیفر در نظام نیمه‌آزادی

امروزه اصل میانه‌روی یا امساک در کیفر حکایت از استفاده از کیفر به عنوان آخرین راه-حل دارد. به عبارت دیگر در اعمال ضمانت اجرا می‌بایست راه‌حل‌های غیر کیفری را تا حد امکان جایگزین راه‌حل‌های کیفری یا ضمانت اجراهای با صیغه کیفری نمود. (غلامی، ۱۳۹۳، ۱۸)

امروزه دست‌اندرکاران عدالت کیفری اعمال مجازات‌هایی مانند زندان را صرفاً در خصوص مجرمان خطرناک و در جرایم خشن به کار می‌گیرند و اعمال مجازات‌های جایگزین و بینابین و اجتماعی را در خصوص جرایم سبک و مجرمان غیرخطرناک مطرح نموده‌اند. از جمله اینها کیفر نیمه‌آزادی است که در خصوص مجرمانی که به جرائم درجه پنج تا هفت محکوم شده‌اند، اعمال می‌شود.

۴. محاسن و چالش‌های فراروی نظام نیمه‌آزادی در بستر عدالت کیفری ایران

از آنجا که نظام نیمه‌آزادی در جهت کوچک‌سازی قلمرو عدالت کیفری با رویکرد پس‌روی کیفری از رهگذر سازوکار توافقی شدن آیین دادرسی کیفری و معامله اتهام یا چانه‌زنی قضایی ایجاد گردیده‌است، بخشی از دلایل روی‌آوری به داد و ستد اتهام را می‌توان از محاسن این نظام برشمرد. اول آنکه هویت بخشی به بزهکاران در بستر عدالت کیفری افقی و شهروندمدار موجبات تحقق اهداف کیفر را فراهم می‌نماید. دوم آنکه در پرتو این تأسیس نوپدید، پاسخ‌های عدالت کیفری با وضعیت بزهکاران متناسب می‌گردد و بدین‌سان تصمیم‌گیران سیاست‌جنایی با ایجاد تحول در ماهیت و رسالت فرآیند کیفری و نظام ضمانت اجراها درصدد تقویت کارکرد اصلاحی-درمانی کیفر و پیشگیری از برچسب‌زنی برمی‌آیند. (بولک، ۱۳۸۵، ۳۳) تشکیل پرونده شخصیت

در فرآیند کیفری، پذیرش اصل شخصی کردن پاسخ‌ها و تغییر کارکرد کیفر زندان از جمله سازوکارهایی هستند که برای بالینی کردن ماهیت نظام عدالت کیفری مورد توجه قرار می‌گیرد. سوم آنکه ترمیم خسارات بزه‌دیده و قربانیان جرم که از نقش آفرینان اصلی دعوی کیفری هستند، در این نظام مورد توجه تهیه‌کنندگان قانون قرار گرفته و به نظام عدالت کیفری کارکردی بزه-دیدمدار نیز بخشیده است. علاوه بر اینها سرعت‌بخشی به رسیدگی‌های کیفری، کاهش میزان استفاده از ضمانت اجراهای کیفری با توسل به سازوکارهایی چون کیفرزدایی، افزایش دقت در رسیدگی‌های کیفری و کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری را می‌توان از محاسن توسل به نظام نیمه‌آزادی برشمرد.

۴-۲. چالش‌های فراروی نظام نیمه‌آزادی در بستر عدالت کیفری ایران

عدالت کیفری، قهرآمیزترین شاخه حقوقی است که از ارزش‌های جوامع بشری حمایت می‌کند. این شاخه برای حمایت از این ارزش‌ها از سازوکارهای متعدد قهرآمیز در مرحله‌های مختلف فرآیند کیفری، بهره می‌گیرد. سیاست‌گذاران جنایی به این جهت که حمایت از ارزش‌ها به بستری برای تهدید بیش از اندازه حقوق و آزادی شهروندان تبدیل نشود، الزاماتی را پیش‌بینی کرده‌اند تا از این رهگذر چارچوب مداخله‌های کیفری به منظور حراست از ارزش‌های بنیادین جوامع بشری به دقت تبیین گردد. با وجود این، گزینش و اجرای راهبرد مذکور تردیدهایی نسبت به شماری از اصول فراگیر عدالت کیفری مانند اصل برابری شهروندان (به دلیل اینکه توسل به این نظام برای مقام قضایی اختیاری است) ایجاد می‌نماید. صرف‌نظر از ایجاد تبعیض در میان شهروندان، سلیقه‌ای شدن عدالت کیفری که عطف به نظریه توافقی شدن ایجاد می‌گردد، مانع شکل‌گیری سیاست قضایی منسجم و یکسان در نظام عدالت کیفری خواهد شد. این سرگردانی در پرتو به راهبرد مذکور به شکل‌های مختلف متبلور شده که بارزترین آن‌ها صدور آرای متهاافت است. مخدوش شدن اقتدار نظام عدالت کیفری که به‌دنبال توافقی شدن ایجاد می‌گردد، موجب می‌شود تا هیبت نظام عدالت کیفری شکسته شود و جنبه ارعاب‌انگیزی آن مخدوش گردد. در نهایت ممکن است بستری برای سوءاستفاده دست‌اندرکاران عدالت کیفری فراهم گردد. (نیازپور،

نتیجه‌گیری

افزایش بزهکاری و عدم کارایی بسیاری از کیفرهای سنتی، سیاست‌گذاران جنایی را بر آن داشت تا در شیوه‌های پاسخ‌دهی به رفتار مجرمانه تغییراتی را پدید آورند. از جمله آن‌ها مجازات‌های بینابین است که به دنبال جنبش الغای کیفر حبس و به عنوان یکی از شیوه‌های کاهنده کیفر ایجاد گردید. در این راستا برای پاسخ‌دهی به شماری از گونه‌های بزهکاری و برخی از بزهکاران، وفق اصل حداقلی کیفر می‌توان از روش‌های جدیدی حتی با صیغه غیرقهرآمیز بهره جست. نظام نیمه‌آزادی، کاربست مجازات‌های بینابینی است برای پاسخ‌دهی به محکومان مجازات‌های سالب آزادی، که ثمره آن، حبس‌زدایی و کاهش جمعیت کیفری می‌باشد. از سوی دیگر، این نظام برای پاسداری از محکومان، با رعایت موازین حقوق بنیادین آن‌ها در پرتو عدالت کیفری کرامت‌مدار، بازگشت سعادت‌مندان به جامعه، کاهش آثار برجسب‌زنی و هزینه‌ها را در پی داشته است.

در ساحت سیاست جنایی ایران، این راهکار در ادوار مختلف قانون‌گذاری برای پاسخ‌های سالب آزادی شناسایی شده است. پیش از انقلاب، وفق ماده ۵۱ آیین‌نامه زندان‌ها و مؤسسات صنعتی و کشاورزی وابسته به زندان‌ها مصوب ۱۳۵۴، شیوه نیمه‌آزادی در ایران نمود پیدا کرد. پس از انقلاب در سال ۱۳۸۴ (آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مصوب ۲۰/۹/۱۳۸۴) این نظام به منصفه بروز رسید، لیکن، عنوان آن به «مراکز حرفه-آموزی و اشتغال» دگرگون شد. تدوین‌کنندگان قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز در ماده ۵۶ به نظام نیمه‌آزادی اعتبار قانونی بخشیدند.

نظام نیمه‌آزادی مستلزم تدوین سیاست (یا قانون) جامعی است که در آن، نهادهای متولی، شرایط کنش‌گران اصلاح بزهکار از قبیل مددکاران اجتماعی، مدت بهره‌مندی از این نظام بر حسب نوع جرم ارتكابی، مجازات و نیز شخصیت بزهکار به طور دقیق تبیین شود. در همین راستا ماده ۶۳ قانون پیش‌گفته مقرر داشت که آیین‌نامه اجرایی مواد مربوط به نظام نیمه‌آزادی بایستی ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون، تهیه و تصویب شود. در حالی که پس از گذشت قریب به سه سال از تصویب قانون، این آیین‌نامه هنوز تصویب نشده است. افزون بر این، کنش‌گران عدالت کیفری باید با قاطعیت تفهیم شوند که استفاده از این نظام به معنای نادیده گرفتن کیفرهای سنتی نمی‌باشد، بلکه به این معنا است که جامعه آن به آن حد از عقلانیت، انصاف و عدالت رسیده که در برخورد با مرتکب، انسانیت وی را فراموش نکند. بدینسان، تمسک به این نظام، امتیازی جهت اصلاح عادلانه بدهکار می‌باشد. لذا جهت اجرای هرچه بهتر قانون پیشنهادهای زیر قابل طرح است:

- اولویت بخشی به رفاه و اتخاذ رویکرد حمایتی نسبت به محکومان. حمایت از محکومان

و رفاه آنان باید در تمامی برخوردهای قضایی و غیرقضایی در مرحله پساکیفری از اولویت برخوردار باشد. این موضوع بایستی در تصمیمات مأخوذه توسط نهادهای غیرقضایی و اجرای تدابیر لحاظ شود.

- تخصص گرایی. یکی دیگر از ملزوماتی که در رویکرد نظام نیمه آزادی حائز اهمیت می باشد، استفاده از مددکار اجتماعی (مطابق ماده ۴۸۷ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مددکاران اجتماعی از بین فارغ التحصیلان رشته های مددکاری اجتماعی، علوم تربیتی، روان شناسی، جامعه شناسی، جرم شناسی و حقوق استخدام می شوند) و میانجی گر متخصص و بامسئولیت می باشد. وانگهی عدم رعایت تخصص گرایی می تواند هم منافع محکومان و هم بزه دیده احتمالی جرم را به خطر بیندازد.

- فرهنگ سازی و جلب مشارکت مردمی. فرهنگ سازی برای استقبال افکار عمومی در زمره مهم ترین ضرورت های اجرایی نظام نیمه آزادی می باشد، زیرا از یک سو موجب جلب مشارکت مردمی و تخصصی اقشار مختلف مردم می شود و از سوی دیگر زمینه را برای روی گردانی از خشونت و استقبال بزه دیده از راهکارهای عدالت ترمیمی فراهم می سازد.

- پیش بینی ضمانت اجرای نظام نیمه آزادی. نظام نیمه آزادی در سیاست تقنینی ایران در مرحله پساکیفری پیش بینی شده است، لذا مستلزم بسترهای اجتماعی از قبیل فعالیت شغلی و مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی است که از شرایط پیش بینی شده در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی می باشد، سیاست تقنینی ایران در صورت عدم اجرای شرایط ماده مارالذکر، هیچ گونه ضمانت اجرایی لحاظ نکرده است لذا می بایست ضمانت اجرایی عدول از دستورات در آیین نامه مشخص شود. (در این خصوص، ضمانت اجرای ماده ۵۷ آیین نامه زندان ها و مؤسسات صنعتی و کشاورزی وابسته به زندان ها، مصوب ۱۳۵۴، قابل توجه است).

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- آشوری، محمد، ۱۳۸۲، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، انتشارات گرایش.
- ۲- آنسل، مارک، ۱۳۹۱، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، انتشارات گنج دانش.
- ۳- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، چاپ سی و سوم، انتشارات میزان.
- ۴- بولک، برنار، ۱۳۸۵، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم، انتشارات مجد.
- ۵- پرادل، ژان، ۱۳۹۲، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هفتم، انتشارات سمت.
- ۶- دانش، تاج زمان، ۱۳۶۶، «طرز اجرای مجازات حبس و اقدامات تأمینی و تربیتی سالب آزادی در سوئد و ایتالیا»، مجله حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۳.
- ۷- رهامی، محسن، ۱۳۸۹، «عرفی شدن مجازات‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران»، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ سوم، انتشارات سمت.
- ۸- زراعت، عباس، ۱۳۸۴، حقوق جزای عمومی تطبیقی، انتشارات فکرسازان.
- ۹- زراعت، عباس، ۱۳۹۲، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، چاپ اول، انتشارات ققنوس.
- ۱۰- شمس ناتری، محمد ابراهیم؛ زارع، ابراهیم؛ کلانتری، حمیدرضا، و زینب ریاضت، ۱۳۹۲، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، جلد اول، انتشارات میزان.
- ۱۱- صفاری، علی، ۱۳۹۱، مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی، انتشارات جنگل.
- ۱۲- صفاری، علی، ۱۳۸۷، کیفرشناسی، چاپ سوم، انتشارات جنگل.
- ۱۳- صلاحی، جاوید، ۱۳۸۹، کیفرشناسی، چاپ دوم، انتشارات میزان.
- ۱۴- غلامی، حسین، ۱۳۹۰، بررسی حقوق - جرم‌شناختی تکرار جرم، چاپ سوم، انتشارات میزان.
- ۱۵- غلامی، حسین، ۱۳۸۹، «عدالت ترمیمی»، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ سوم، انتشارات سمت.
- ۱۶- غلامی، حسین؛ و همکاران، ۱۳۹۳، اصل حداقل بودن حقوق جزا، انتشارات میزان.
- ۱۷- کلارکسون، کریستوفر، ۱۳۹۱، حقوق جزای اختصاصی انگلستان و نقش حقوق جزا در جامعه، ترجمه حسین میرمحمدصادقی، انتشارات جنگل.

- ۱۸- گسن، ریموند، ۱۳۶۵، «گرایش‌های نو در جرم‌شناسی انگلیس و آمریکای شمالی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲.
- ۱۹- گودرزی، محمدرضا؛ لیلا، مقصدادی، ۱۳۸۴، کیفرشناسی نوین یا کیفر های اجتماعی، انتشارات مجد.
- ۲۰- گودرزی، محمدرضا، ۱۳۸۳، «نارسائی‌های زندان» الهیات و حقوق، شماره ۹ و ۱۰.
- ۲۱- محمدی، داود، ۱۳۸۴، مجازات‌های جایگزین: نقدی بر کیفر زندان، چالش‌ها و راهکارها، انتشارات عود.
- ۲۲- نیازپور، امیرحسن، ۱۳۹۰، توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، انتشارات میزان.
- ۲۳- ولد، جورج؛ برنارد، توماس؛ و جفری اسنیپس، ۱۳۹۲، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، ویراست ششم، انتشارات دادگستر.
- ۲۴- یزدیان جعفری، جعفر، ۱۳۹۱، چرایی و چگونگی مجازات، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

منابع انگلیسی

- 25- Bachtold, Andrea, 1976, "Semi-Liberty and Smei-Detention in the Correctional System in Swiss Law", *Revue Internationale De Criminologie et De Police Technique* 29, no. 1, pp.31-43
- 26- Bruinsma, Gerben, and David Weisburd (eds), 2014, *Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice*, New York, Springer, p.467
- 27- Ben-Moshe, Liat; and Allison Carey (eds), 2014, *Disability Incarcerated: Imprisonment and Disability in the United States and Canada*, New York, Palgrave Macmilan, pp. 259-260
- 28- Caputo, Gail, 2004, *Intermediate Sanctions in Corrections, Texas*, University of North Texas Press, pp. 169-184.
- 29- Council of Europe, and Committee of Ministers, 2000, *Prison Overcrowding and Prison Population Inflation: Recommendation No. R (99)22*, Adopted By the Committee of Ministers of the Council of Europe on 30 September 1999 and Report, Strasborg, Council of Europe Pub, p.58.
- 30- Gordon Scott, David, 2008, *Penology*, SAGE Course Companions, Los Angeles, p. 113.
- 31- Leka, Adrian, 2014, "Alternative Measures of Punishment and the Role of the Probation Service, for Their Right Implementation",

- European Journal of Social Law, no. 2, p. 87.
- 32- Mihburn, Philip, and Ludovic Jamet, 2014, "Prevention de la recidive: les services de probation et d'insertion francais dans la tourmente", Champ Penal/Penal field, vol. 11.
- 33- Sevdiren, Ozgur, 2011, Alternatives to Imprisonment in England and Wales, Germany and Turkey, New York, Springer, p.116.
- 34- Sim, Joe, 2009, Punishment and Prisons: Power and the Carceral State, California, Thousand Oaks, pp.140-142
- 35- Stefanovska, Vesna, 2015, "Some Restorative Justice Benefits to Offenders and Victims of", Balkan Social Science Review, no. 4, p. 8.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۰۸ - ۸۱

نظام نامه اخلاق پژوهش پژوهشکده برنامه ریزی درسی و نوآوریهای آموزشی: یک مطالعه کیفی

سید علی خالقی نژاد^۱ // محمد حسینی^۲ // شهره حسین پور^۳
احد نویدی^۴ // فرشته زینی وند نژاد^۵ // اشرف السادات شکر باغانی^۶
حیدر تورانی^۷ // مجید ثقفی^۸

چکیده

در سال‌های اخیر با افزایش تولیدات علمی در کشور و گسترش فزاینده موسسات آموزش عالی، خطر شیوع بد اخلاقی در انجام پژوهش همه نهاد‌های پژوهش محور را تهدید می‌کند. پژوهشکده برنامه ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی (یکی از پژوهشکده‌های پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش) از این ضرورت مستثنی نبوده است و به صورت بالقوه در معرض تهدید سرایت بد اخلاقی پژوهشی قرار دارد. این مطالعه با هدف تدوین نظام‌نامه اخلاق پژوهش پژوهشکده برنامه ریزی درسی و نوآوریهای آموزشی صورت گرفته است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و در چارچوب رویکرد کیفی با استفاده از روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شده است. داده‌های احصاء شده از جلسات بحث گروه کانونی و مصاحبه رو در رو بوسیله تحلیل محتوای تماتیک تحلیل گردید. تحلیل یافته‌ها منجر به شناسایی دو مقوله اصلی منش اخلاقی پژوهشگر شامل ۴ زیرمقوله تواضع و فروتنی، صبر و بردباری، حساسیت فرهنگی، مشارکت‌جویی و اصول اخلاقی حاکم بر پژوهش شامل ۹ زیرمقوله سودمندی پژوهش، اصالت علمی، رعایت حقوق همکاران، رعایت حقوق شرکت‌کنندگان، اجتناب از سرقت علمی، انتشار یافته‌ها، ساده نویسی گزارش، سپاسگزاری، نقدپذیری و نقادی علمی گردید. در مجموع، یافته‌های این پژوهش می‌تواند گامی برای اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی‌تر در انجام پژوهش و ایجاد فضای اعتماد و احترام در میان ذینفعان پژوهشگاه بازی کند و مبنایی برای گفتگوهای بیشتر و توسعه‌ی فرهنگ اخلاق پژوهش فراهم نماید.

واژگان کلیدی

اخلاق، پژوهش، آموزش و پرورش، نظام نامه اخلاقی، بحث گروه کانونی.

۱. دکتری مطالعات برنامه درسی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش. (نویسنده مسئول)
Email: Sali_khaleghi@ut.ac.ir
۲. دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
Email: hosseini261@gmail.com
۳. دکتری مدیریت آموزشی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
Email: shohrehhossienpour@yahoo.com
۴. دکتری روانشناسی عمومی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
Email: anaveedy@gmail.com
۵. دکتری آموزش ریاضی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
Email: f_zeynivand@yahoo.com
۶. دکتری فیزیک، عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
Email: a20.baghani@gmail.com
۷. دکتری مدیریت آموزشی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
Email: heidar_toorani@yahoo.com
۸. کارشناسی ارشد روانشناسی کودک، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
Email: majid_saghafi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۴/۱۹

طرح مسأله

اهمیت علم در تحول اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، علمی و اخلاقی جوامع در عصر حاضر سبب شده است که مراکز پژوهشی و دانشگاهی به عنوان منابع تولید علم اصیل جایگاه ویژه ای را پیدا کنند. همچنین، این باور که «دانش علمی» موتور قدرتمند رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی است به رسمیت شناخته شود (استفن^۱، ۲۰۱۳؛ رومر^۲، ۱۹۹۰؛ نقل از کری، لاسترا، زیرولیا^۳، ۲۰۱۵). بدین ترتیب، کشورهای مختلف سیاست‌های راهبردی برای توسعه علم تدوین کرده‌اند. موفق‌ترین کشورها در زمینه تولید علم در سطح جهانی آمریکا و انگلستان هستند که بهترین جایگاه را در کیفیت و تاثیر فعالیت های علمی به خودشان اختصاص داده اند و چین نیز در حال تجربه رشد فزاینده در تولیدات علمی است (آخوندزاده، ۲۰۱۳؛ مانروی و دایاز^۴، ۲۰۱۸). براساس تحلیل های پایگاه اطلاعاتی اسکپوس ایران در سال ۲۰۱۲ رتبه ۱۷ تولید علم در سطح جهان را به خود اختصاص داده است و در سال ۲۰۱۱ عنوان سریع‌ترین رشد علمی در سطح جهان را به دست آورده است (آخوندزاده، ۲۰۱۳). اما، آیا در ایران ما واقعاً در حال تجربه رشد علمی اصیل، بارورکننده و باکیفیت هستیم یا ما با پدیده ای به نام شبه علم دست و پنجه نرم می کنیم؟

روایت ریچارد استون از «بازار سایه»^۵ فروش مقاله ۴۰۰ دلار و پایانه نامه ۶۰۰ دلار در خیابان انقلاب تهران و مشاهده روزانه این پدیده کریه در جلوی دانشگاه تهران به عنوان نماد آموزش عالی ایران گویای اتفاقی تلخ و ناگوار و غیراخلاقی برای جامعه علمی و حکایت از وجود خطر شبه علم در ایران است (استون^۶، ۲۰۱۶). این بداخلاقی‌ها مجلس را وادار به تصویب قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی کرد و پس از تأیید شورای نگهبان در سال ۱۳۹۶ این قانون اکنون لازم الاجرا است. بر اساس این قانون تهیه، عرضه، یا واگذاری آثاری از قبیل رساله، پایان نامه، مقاله، طرح پژوهشی، کتاب، گزارش، آثار مکتوب یا ضبط شده پژوهشی-علمی و یا هنری اعم از الکترونیکی و غیرالکترونیکی توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به قصد انتفاع و به عنوان حرفه یا شغل یا هدف ارائه کل اثر و یا بخشی از آن توسط دیگری به عنوان اثر خود جرم بوده و ارتکب و مرتکبان مشمول مجازات خواهند شد (قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی، ۱۳۹۵). البته، سوءاستفاده از علم و تولید شبه علم و بداخلاقی در انجام

1. Stephan, P.
2. Romer,
3. Kiri, B., Lacetera, N., & Zirulia, L.
4. Monroy, S. E., & Diaz, H.
5. shady market
6. Richard Stone

پژوهش‌های علمی فقط مختص ایران نیست. آزمایش‌های غیراخلاقی نازی‌ها در آلمان، مطالعه هپاتیت‌های ویلاوبروک کراگمن^۱، و بعضی از پژوهش‌های غیراخلاقی در کشورهای در حال توسعه مواردی از تجارب تلخ گذشته و چالش‌های کنونی بداخلاقی در انجام پژوهش است (بین، ابویونوی، اکیوکو^۲، ۲۰۱۸). به هر حال، علمی که با چپاول حقوق دیگران یا بی‌دقتی در فرایند پژوهش یا کوتاهی در ارزیابی قراین مختلف یا نقض‌های مکرر قانون و اخلاق همراه باشد نمیتواند اطمینان‌کاربر را به خود جلب کند و در حل مسئله‌ها و آسیب‌ها ناتوان است (جوادپور، ۱۳۹۶). طبیعی است در چنین فضایی علم با حملات زیادی دسته و پنجه نرم می‌کند و حتی دانشمندان در استرالیا، آمریکا و اروپا در معرض بی‌اعتمادی قرار دارند (هاریس، ۲۰۰۵). یکی از راهکارهای کلیدی برای مقابله با سوءاستفاده از علم و مبارزه با بی‌اعتمادی کنونی توجه جدی به اخلاق پژوهش در سطح فردی و اجتماعات علمی است.

اخلاق پژوهش، قوانین اجرای پژوهش با قلمروی وسیع از مرحله تعیین مسئله تا گزارش یافته‌ها را در بر می‌گیرد. شکی نیست که انجام پژوهش اخلاقی مستلزم فراهم کردن بسترهای لازم برای آگاهی پژوهشگران از چیستی و مولفه‌های آن است. زیرا، واضح است که مشکلات اخلاقی هنگام اجرای پژوهش خود را نشان می‌دهند و تصور پروژه پژوهشی بدون مواجهه با مشکلات اخلاقی بسیار سخت است. رالفلا، علی، کاس، و هایدرا (۲۰۱۸) از آموزش اخلاق پژوهش به پژوهشگران به عنوان یکی از این بسترها نام بردند. آنها از آمار ۸۰٪ موافقین آموزش اخلاق در مصاحبه خود با پژوهشگران جامعه پژوهش سخن گفتند و به نظر موافقین آموزش اخلاق پژوهش می‌تواند به آنان کمک کند که فهم بهتری از الزامات اخلاق پژوهش به دست آورند. به هر حال، شکی وجود ندارد که رفتارهای اخلاقی از افراد، جوامع و محیط‌ها محافظت می‌کند و قابلیت‌هایی برای گسترش فضیلت‌ها و ایجاد فضای اعتماد در جهان را سبب می‌گردد (ازرائل و هی، ۲۰۰۷: ۲۰۰۷). از دیگر راهکارهای مهم مورد توجه قرار در سطح بین‌المللی تدوین نظام نامه‌های اخلاقی است. نظام‌نامه‌های متعددی در سطح بین‌الملل از قبیل کد نورنبرگ^۴، بیانیه هلسینکی^۵، گزارش بلمونت^۶، شورای بین‌المللی نظام نامه‌های علوم پزشکی^۱ برای هدایت پژوهش در جهت تعامل مناسب شرکت‌کنندگان پژوهش مطرح شده است (رالفلا،

1. Krugman's Willowbrook hepatitis study
2. Bain, L. E., Ebuenyi, I. D., Ekuwe, N. C., & Awah, P. K.
3. Israel, M., & Hay, I.
4. the Nuremberg Code
5. the Declaration of Helsinki (World)
6. the Belmont Report
1. the Council for International Organizations of Medical Sciences Guidelines (CIOMS),

علی، کاس، و هایدر^۱، (۲۰۱۸). در سطح ملی و خاص‌تر نیز تلاش‌ها صورت گرفته و در انگلستان از اواخر ۱۹۸۰ در حوزه علوم اجتماعی بعضی از انجمن‌های حرفه‌ای شروع به تدوین یا اصلاح بیانیه‌های اخلاقی برای اعضای خویش نمودند (میلر، برچ، ماتر، جوزف^۲، ۲۰۱۲: ۱۴). همچنین، در قاره آفریقا نیز بسیاری از کمیته‌های اخلاقی از سال ۲۰۰۸ شروع به فعالیت کرده‌اند (روابینهاما، گیره، و داگت^۳، ۲۰۱۰؛ نقل در رالفالا، علی، کاس، و هایدر، ۲۰۱۸).

نظام‌نامه‌های اخلاقی پژوهش‌مبنایی برای مدیریت فرایند پژوهش، رعایت قوانین اخلاقی، پاسخگویی پژوهشگران و اجتناب از استثمار آزمودنی‌ها توسط پژوهشگران تدوین شده‌اند و در آنها پیوستاری از پیش‌نیازها از قبیل ارتباط روش‌شناسی پژوهش با پرسش‌های پژوهش، رضایت آگاهانه هر آزمودنی، مراقبت ویژه از شرکت‌کنندگان آسیب‌پذیر مورد تأکید قرار می‌گیرد (سازمان بهداشت جهانی^۴، شورای سازمان‌های بین‌المللی علوم پزشکی^۵، ۲۰۰۲؛ نقل از از گری و همکاران^۶، ۲۰۱۷). این نظام‌نامه‌ها رشته‌های علمی (دیسپلین‌ها) مختلف دانشگاهی و حتی در فرهنگ‌های مختلف و موسسات دانشگاهی و پژوهشی می‌توانند متفاوت باشد، تعداد زیاد نظام‌نامه‌های اخلاق پژوهش موجود گویایی این موضوع است. برای مثال، گروهی در نیوزیلند، کانادا، استرالیا نظام‌نامه‌های موجود را مورد انتقاد قرار داده‌اند و مدعی هستند که آنها برای انجام پژوهش در باره اقلیت‌های قومی نامناسب هستند (گری و همکاران^۶، ۲۰۱۷). همچنین، شواهدی دال بر تفاوت ملاحظات اخلاقی در علوم پزشکی و علوم اجتماعی به علت تنوع و تفاوت مسائل در هر دو حوزه گزارش شده است (کریگر و هالدون^۷، ۲۰۱۰). نکته دیگر تغییر در جهت‌گیری نظام‌نامه‌های اخلاقی از گذشته تا اکنون است. گری و همکاران^۶ (۲۰۱۷). معتقدند که در گذشته نظام‌نامه‌ها توجه زیادی به رضایت آگاهانه داشته‌اند ولی اکنون تأکید ویژه‌ای بر وابستگی متقابل و اعتماد است.

در ایران نیز تلاش‌هایی برای تعیین استانداردهای اخلاقی از طریق تدوین نظام‌نامه‌های اخلاقی در جریان است. برای مثال، نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای سازمان نظام روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۶ مصوب گردید و هدف از آن تصریح حقوق مراجعان یا استفاده کنندگان از خدمات روانشناسی و مشاوره متخصصان ذکر گردید (سازمان نظام روانشناسی و

1. Ralefala, D., Ali, J., Kass, N., & Hyder, A.
2. Miller, T., Birch, M., Mauthner, M., & Jessop, J.
3. Rwabihama J-P, Girre C and Duguet A-M
4. World Health Organisation,
5. Council for International Organizations of Medical Sciences and
6. Gray, B.,
7. Creager and Haldon,

مشاوره جمهوری اسلامی، ۱۳۸۷). همچنین، در زمینه اخلاق در پژوهش، نصیری همراه (۱۳۹۶) پس از مصاحبه با صاحبان نظران روش‌شناسی در علوم رفتاری اصول اخلاقی در فرایند پژوهش را در ۵ مولفه قرار داد: انتخاب و تبیین مسئله (تشخیص درست مساله، عدم تحریف در انتخاب مسئله، توانایی و تخصص پژوهشگر، اهمیت و ضرورت مساله)، اخلاق در جمع‌آوری داده‌ها (روش نمونه‌گیری و اعتبار آن، دقت در جمع‌آوری داده‌ها، استفاده از ابزار مناسب و استاندارد، عدم سوگیری، رعایت حریم خصوصی و رازداری، رضایت آگاهانه)، اخلاق در تحلیل و تفسیر (صحت داده‌ها، امانت‌داری و پرهیز از داده‌سازی، استفاده از روش تحلیل مناسب، پذیرش نتایج و سعه صدر)، اخلاق در تدوین و نشر نتایج (عدم تحریف گزارش، در نظر گرفتن حقوق نویسندگان، استناد به منابع علمی معتبر، امانت‌داری در استناددهی)، و توجه به ارزش‌ها و هنجارهای علمی.

علاوه بر این پژوهش‌های متعددی به تحلیل، آسیب‌شناسی پدیده اخلاق پژوهش پرداخته‌اند. برای مثال، ایمان، جلیلی، غفاری‌نسب، طبعی (۱۳۹۵) در پژوهشی کیفی با عنوان «داوری اخلاقی بر مبنای استثنایی‌سازی موقعیت: کاوشی پدیدارشناختی اخلاق پژوهش» فهم دانشجویان دکتری از اخلاق پژوهش را مورد بررسی قرار دادند، استثنایی‌سازی موقعیت مضمون کلیدی اکتشافی بین‌الذهانی این مطالعه بود که بر تفسیر مطلوب شخصی از مفاهیم و انتخاب گزینشی از موقعیت‌های چندگانه هنگام مواجهه با شرایط متعارض اخلاقی تأکید داشت. جمیلی کهنه‌شهریری و سدیدپور (۱۳۹۳) در واکاوی کدهای اخلاقی در تجربه‌های زیسته نخبگان علوم اجتماعی دریافتند که امانت‌داری حرفه‌ای، صداقت حرفه‌ای، و مدیریت عقلانی سه مفهوم کلیدی برای خلق مناسبات اخلاقی و اخلاق فردی عاملان پژوهشی می‌باشند. قادری، سلیمی و بلندهمتان (۱۳۹۴) در بررسی میزان آگاهی و توجه اساتید و دانشجویان نسبت به استانداردهای اخلاق در پژوهش دریافتند که اساتید نسبت به این پدیده آگاهی متوسطی دارند و دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیز در خصوص دستورالعمل‌های اخلاقی اطلاعات ناچیزی دارند. یاری‌قلی (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی اخلاق پژوهش دانشگاهی: مطالعه پدیدارشناسی» با رویکرد کیفی به تحلیل دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه شهیدمدنی آذربایجان پرداختند، یافته‌ها نشان داد که بی‌اخلاقی در حین نگارش، ارزیابی و داوری، پژوهش برای ترفیع و تثبیت موقعیت شغلی، رشد نشریات بی‌کیفیت علمی، استفاده از روش‌های پژوهش زودبازده و کم‌هزینه، افت کیفیت آموزش به دلیل مشغولیت بیش از حد به پژوهش از معضلات و آسیب‌های پژوهش در دانشگاه‌ها است. وی دلایل این آسیب‌ها را ضعف اخلاق پژوهش، عدم نظارت صحیح، کمیت‌گرایی دانشگاه‌ها و بی‌توجهی به کیفیت پژوهش‌ها، ضعف در ملاک‌های جذب اعضای هیئت علمی دانسته و کاهش تاثیر کمیت مقالات در ترفیع و تبدیل وضعیت

استخدامی، برگزاری دوره‌های اخلاق پژوهش و اخلاق حرفه‌ای برای اعضای هیئت علمی، نظارت بیشتر در حوزه نگارش و چاپ مقاله، و مسئولیت‌پذیری محتوای پژوهش را به عنوان راهکارهای حل این آسیب‌ها مطرح کرده است. همان طور که ملاحظه می‌شود این مطالعات به صورت جامع به تدوین یک نظام‌نامه اخلاق پژوهش نپرداخته‌اند، در این مطالعه با باور کنشگری و تفسیر در ساخت اخلاق پژوهش (ایمان و همکاران، ۱۳۹۵)، به دنبال تدوین نظام‌نامه جامع اخلاق پژوهش خاص پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش با تکیه بر تجارب عملی چندین ساله پژوهشگران این نهاد است.

پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش به عنوان بازوی علمی وزارت آموزش و پرورش بیش از دو دهه در عرصه‌ی پژوهش‌های ملی و بین‌المللی فعال است. این جایگاه مدیون انجام پژوهش‌های مهم و اثرگذار پژوهشگران این نهاد علمی بوده است. در سال‌های اخیر به دلیل افزایش تولیدات علمی در کشور، خطر شیوع بداخلاقی‌ها در انجام پژوهش‌ها همه نهاد‌های پژوهش محور را تهدید می‌کند و پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش نیز در معرض چنین تهدیدی قرار دارد. در این مرکز پژوهشگران در تدوین، اجرا و انتشار یافته‌های پژوهش، هنگام تعامل با نهاد‌های بهره‌بردار و پیشنهاددهنده، برگزاری نشست‌های علمی-تخصصی، و انجام مسائل اداری با چالش‌های اخلاقی متعددی روبرو هستند. جنس فعالیت پژوهشگران به دلیل تعاملات متفاوت با ذینفعان متعدد آموزش و پرورش از قبیل والدین، دانش‌آموزان، مدیران واحدهای آموزشی، منتقدان سیاست‌های آموزشی، سیاستگذاران آموزشی خاص است و ضرورت پرداختن به ضوابط و استانداردهای اخلاقی مکتوب برای اتخاذ تصمیم‌گیرهای اخلاقی به شدت احساس می‌شود. از لحاظ ساختاری نیز پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش به دلیل ارتباط با بخش‌های مختلف وزارت آموزش و پرورش دارای ویژگی‌های سازمانی و فرهنگی منحصر به فردی است. در نهایت، فارغ از دو جنبه مهم یادشده، اخلاق پژوهش به بافت فرهنگی وابسته است و در بافت‌های فرهنگی مختلف پژوهشگران با ارزش‌های مختلفی - ایران کشوری چند فرهنگی است و بیشتر پژوهش‌های پژوهشگران در پژوهشگاه در استان‌های مختلف کشور صورت می‌گیرد - سر و کار دارند. از این رو، آگاهی از مقتضیات بوم‌شناختی در هنگام اجرای پژوهش در تسهیل روند پژوهش و تعامل مناسب گره‌گشاست. پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی به عنوان یکی از بخش‌های این نهاد پژوهشی نیز در چنین شرایطی قرار دارد. اعضای هیئت علمی این پژوهشکده حسب احساس نیاز به توسعه اخلاق حرفه‌ای خود در این راستا تلاشی جمعی را آغاز نمودند که این نوشتار روایت‌کننده چنین تکاپویی است.

به نظر می‌رسد تدوین نظام‌نامه اخلاق در پژوهش بتواند در برانگیختن پژوهشگران پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی برای تأمل در خصوص شأن و جایگاه

اخلاق پژوهش، ایجاد آگاهی در باره مسئولیت‌ها و تعهدات اخلاقی پژوهشگر در برابر شرکت‌کنندگان، همکاران و بهره‌برداران، بالا بردن اعتماد عمومی در باره پژوهش‌های صورت گرفته در این مرکز، ایجاد چشم اندازی مشترک در باره ابعاد اخلاق پژوهش بسیار مفید خواهد بود. بنابراین، با ملاحظه ارزش‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی و همچنین چالش‌های اخلاقی فزاینده‌ای که پژوهشگران هنگام اجرای با آن روبرو می‌شوند، در مطالعه حاضر از رویکرد کیفی استفاده شده است. این رویکرد امکان ورود و نزدیک شدن به جهان اجتماعی افراد در باره پدیده‌ها و درک پیچیدگی‌های درون یک زمینه اجتماعی را تسهیل می‌کند (مریام، ۱۹۹۸). در مجموع، مطالعه حاضر قصد دارد با رویکردی کیفی و تکیه بر تجربیات زیسته پژوهشگران به ترسیم نظام‌نامه اخلاق در پژوهش برای پژوهشگرانه برنامہ ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی و بالمآل برای پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش بپردازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و در چارچوب رویکرد کیفی با استفاده از روش پدیدارشناسی توصیفی^۲ (ون منن^۳، ۲۰۱۶) برای پاسخ به هدف پژوهش_تدوین نظام نامه اخلاق پژوهش_انجام شده است. ابزارهای مورد استفاده در این مطالعه «مصاحبه بحث گروه کانونی» و «مصاحبه رو در رو» بوده است. در روش بحث گروهی کانونی، گروهی بر یک پدیده جمعی متمرکز می‌شوند و آن را منظرهای مختلف مورد مذاقه قرار می‌دهند (کیتزینگر^۴، ۱۹۹۴). نوع بحث گروه کانونی مورد استفاده در این مطالعه «گروه کانونی کامل» بوده است که در آن به طور میانگین در هر جلسه بین ۸ تا ۱۱ نفر شرکت می‌کردند (گرین بائوم^۵، ۱۹۹۹: ۲). همه اعضای گروه کانونی تجارب خوبی در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی (فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های ملی و بین‌المللی)، داشتند. سن اعضای شرکت‌کننده بین ۳۴ تا ۶۰ متغیر بود؛ ۴۵٪ از شرکت‌کنندگان زن و بقیه مرد بودند؛ رشته‌های دانشگاهی اعضاء متنوع (از قبیل آموزش ریاضی، فیزیک، مدیریت آموزشی، فلسفه تعلیم و تربیت، روانشناسی، مطالعات برنامہ ریزی، زبان شناسی) بود و آنها به صورت هدفمند (همه اعضای پژوهشگرانه) انتخاب شده بودند. ساعت شروع جلسات ۸ تا ۹.۳۰ صبح در نظر گرفته شد تا افراد با ذهن آرام در جلسات شرکت کنند. همچنین، حضور تمامی اعضای گروه به صورت داوطلبانه بوده است و به همه اطمینان داده شد که تمامی مسائل اخلاقی

1. Merriam, S.B

۲. روش پدیدارشناسی توصیفی به تحلیل پدیده‌ها مستقل از مفروضه‌های از قبل مشخص شده می‌پردازد و در آن پژوهشگر به دنبال درک تجربیات زیسته عمیق از آن پدیده می‌باشد (ون منن، ۲۰۱۶).

3. Van Manen, M.

4. Kitzinger

5. Greenbaum, T. L.

مرتبط با پژوهش_ محرمانگی دیدگاه‌ها و تجارب_ رعایت خواهد شد.

سازماندهی جلسات و جمع‌آوری یافته‌های مطالعه به وسیله دو «تسهیل‌گر»^۱ با نقش‌های متفاوتی صورت می‌گرفت. تسهیل‌گر نخست بر انتخاب موضوع یا پرسش و هدایت بحث‌ها توجه می‌کرد و تسهیل‌گر دوم به یادداشت‌برداری از بحث‌ها و تحلیل داده‌ها، به اشتراک‌گذاری بحث‌های هر جلسه و در صورت لزوم پرسشگری در خصوص بعضی از دیدگاه‌ها می‌پرداخت. موضوع‌ها و پرسش‌ها طی ۱۵ جلسه_ مدت زمان بحث هر جلسه متغیر بود و با توجه به ماهیت موضوع بحث بین ۱ تا ۲ ساعت_ در نوسان بود. موضوع‌های مورد بحث بر چستی اخلاق پژوهش، قلمرو اخلاق در پژوهش، حریم خصوصی، نحوه‌ی مواجهه با دستاوردهای علمی گذشتگان، سرعت علمی و اشکال آن، ضوابط اخلاقی گزارش پژوهش، مسئولیت اجتماعی پژوهشگران پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و غیره متمرکز بود. پیش از برگزاری جلسات اعضای گروه کانونی موضوع بحث گروه کانونی از طریق شبکه مجازی_ کانال اختصاصی گروه_ به اطلاع تمامی اعضاء رسانده می‌شد. در طول برگزاری هر نشست با وجود تعیین موضوع مورد گفتگو، پرسش‌ها و موضوع‌های دیگری نیز شکل می‌گرفت به بحث گذاشته می‌شد. دیدگاه‌ها در پایان هر جلسه به سرعت ثبت می‌شد و در پایان جمع‌بندی مطالب در قالب یادداشت از طریق گروه مجازی با اعضاء به اشتراک گذاشته می‌شد، تا امکان رسیدن به اجماع حاصل و گفتگوها در خصوص نظام‌نامه تداوم داشته باشد.

در این مطالعه برای مدیریت داده‌های گردآوری شده از تحلیل تماتیک استفاده شد. تحلیل تماتیک فرایند شناسایی الگوها و مقوله‌ها (تم‌ها) در درون داده‌های کیفی است و می‌توان از آن در تحلیل بسیاری از داده‌های کیفی استفاده کرد (مگوایر و دلهانن^۲، ۲۰۱۷). بارون و کلارک^۳ (۲۰۱۳: ۸۴) معتقد به وجود دو شکل از مقوله (تم) در تحلیل تماتیک هستند که در این مطالعه به تناسب از هر دو سطح استفاده گردید. نخست، نشانه‌ای (سیمانتیک) است که ظاهر داده یا کد گویا و واضح است و می‌توان همان را به عنوان مقوله در نظر گرفت. دوم، مقوله مکنون است که پژوهشگر باید به پس‌پشت داده‌ها نگاه کند و مفروضه‌ها و ایده‌های اصلی را پیدا کند. تحلیل تماتیک داده‌های بحث گروه کانونی، در این مطالعه، بر اساس چارچوب بارون و کلارک (۲۰۱۳) طی شش مرحله صورت گرفت: (۱) در گام نخست آشنایی با داده‌ها (خواندن مداوم متن یادداشت‌ها) انجام انجام شد. (۲) در گام دوم کدهای اولیه (کاهش حجم زیاد داده‌ها و تبدیل آنها به مفاهیم انتزاعی و جامع‌تر)، استخراج گردید. (۳) در گام سوم مقوله‌ها (کدهای اولیه‌ای که

1. Moderator
2. Maguire, M., & Delahunt, B.
3. Braun, V. & Clarke, V.

دارای ارتباط معنایی نزدیکی با هم بودند در زیر یک زیرمقوله قرار گرفتند یا گاهی بعضی از کدها به عنوان زیرمقوله در نظر گرفته می‌شد، شناسایی گردید. (۴) مقوله‌ها همراه با کدهای شناسایی شده طی سه جلسه بحث گروه کانونی با حضور همه اعضاء با طرح پرسش های متعدد مورد بحث قرار گرفت. علاوه براین، از آنجایی که اخلاق در پژوهش موضوعی حساس است و امکان بیان همه تجربه‌ها در جلسه گروه کانونی فراهم نبود، چارچوب حاصل از مصاحبه‌های گروه کانونی از طریق مصاحبه رو در رو با ۶ نفر از اعضای گروه کانونی مجدد به بحث گذاشته شد و در مواردی اصلاحات جزئی در زیرمقوله‌ها و کدهای مفهومی اعمال گردید. (۵) در مرحله پنجم مقوله‌ها تعریف گردید. (۶) در نهایت نوشتن مقوله‌ها و زیرمقوله‌های مرتبط در مرحله ششم پایان یافت.

در این مطالعه تلاش گردید که «قابلیت اعتماد»^۱ یافته‌های این پژوهش با تکیه سه بعد «روش جمع‌آوری داده»، «استراتژی نمونه‌گیری»، و «انتخاب واحد تحلیل» تا حد زیادی تضمین گردد (نول، نوریس، وایت، میولس.^۲، ۲۰۱۷؛ الو و همکاران.^۳، ۲۰۱۴). در خصوص روش جمع‌آوری داده‌ها، تجربیات حرفه‌ای تسهیل‌گران پژوهش به آنها کمک می‌کرد که به صورت هدفمند به دنبال داده‌های مفید بگردند و با اطلاع رسانی پیش و بعد بحث گروه کانونی تلاش گردید که نظرات اعضای گروه کانونی به خوبی دریافت و تحلیل گردد، همچنین مصاحبه‌های رو در رو گوشه‌های دیگری از ابهام‌ها را برطرف کرد. در خصوص استراتژی نمونه‌گیری، اعضای شرکت کننده در بحث گروه کانونی همگی مطلع و تجارب پژوهشی خوبی در سطح ملی و بین‌المللی داشتند و انتخاب آنها بر اساس امکان دسترسی، علاقه و تجربیات آنها صورت گرفت و هیچ اجباری برای حضور در جلسات وجود نداشت. در خصوص واحد تحلیل نیز تسهیل‌گر دوم تلاش کرد با ذهنی باز از مفاهیم به سمت مقوله‌های انتزاعی تر گام بردارد و این سیر تولید مفهوم نیز طی فرایند پژوهش برای رسیدن به یک ذهنیت مشترک مورد بحث قرار گرفت.

نتایج

تحلیل دیدگاه جلسات بحث‌های گروهی در خصوص نظام‌نامه اخلاق در پژوهش منجر به شناسایی دو مقوله اصلی گردید: (۱) منش اخلاقی پژوهشگر شامل ۴ زیرمقوله تواضع و فروتنی، صبر و بردباری، حساسیت بین فرهنگی، مشارکت جوئی. (۲) اصول اخلاقی حاکم بر پژوهش شامل ۹ زیرمقوله سودمندی پژوهش، اصالت علمی، رعایت حقوق همکاران، رعایت حقوق شرکت کنندگان، اجتناب از سرقت علمی، انتشار یافته‌ها، ساده نویسی گزارش، سپاسگزاری،

1. Trustworthiness

2. Nowell, L. S., Norris, J. M., White, D. E., & Moules, N. J.

3. Elo et al.

نقدپذیری و نقادی علمی (ر.ک. جدول ۱). در ادامه به ترتیب دو مقوله اصلی و زیرمقوله‌های مرتبط تشریح شده است.

۱. منش اخلاقی پژوهشگر

بر اساس دیدگاه شرکت‌کنندگان، پژوهشگر تعلیم و تربیت فارغ از حوزه تخصصی برای انجام موفقیت‌آمیز رسالت خویش _ تولید علم اصیل _ باید به صفات و خصوصیات از قبیل تواضع و فروتنی، صبر و بردباری، حساسیت بین فرهنگی، مشارکت جوئی مجهز باشد. بخشی از این ویژگی‌ها بر ظرفیت‌های درونی و بخشی دیگر بر مهارت‌های اجتماعی متمرکز است. جدول ۱. نظام نامه اخلاق در پژوهش پژوهشگر برنامه‌ریزی درسی و نوآوری آموزشی

مقوله (ابعاد)	زیرمقوله (مولفه)	کدهای مفهومی (مصادیق اخلاقی)
منش اخلاقی پژوهشگر	۱. تواضع و فروتنی	پرهیز از خودبرتربینی، شجاعت در بیان حقایق، انعطاف پذیری، تعهد به آرمان‌های انسانی،
	۲. صبر و بردباری	تحمل عقاید مخالف، شنیدن تجارب دیگران، تحمل تنش برای حل مسئله، پیگیری و صبوری در برابر فرایندهای اداری، پشتکار
	۴. حساسیت بین فرهنگی	دانش بین فرهنگی، مهارت بین فرهنگی ^۱ ، حس همدلی، پرهیز از قضاوت‌های فرهنگی، پذیرش تفاوت‌های فرهنگی، خیرخواهی فرهنگی ^۲
	۴. مشارکت جوئی	به اشتراک گذاری اطلاعات، اجتناب از فردمحوری، کاهش بیم ارزشیابی
اصول اخلاقی حاکم بر پژوهش	۱. سودمندی پژوهش	انتخاب پژوهش‌های اثرگذار، تحلیل هزینه - فایده پژوهش، زمانمندی پژوهش، پژوهش درون‌زا ^۳ ، پژوهش در راستای منافع ملی، انتخاب موضوع‌های با اولویت بالا، مسئله‌یابی در نظام آموزشی،
	۲. اصالت علمی	صداقت در انجام فعالیت علمی، اجتناب از داده‌سازی، اجتناب از پرده‌پوشی در انتشار یافته‌ها، پرهیز از گزافه‌گویی
	۳. رعایت حقوق همکاران	اجتناب از اضافه کردن افراد به صورت افتخاری، توجه به میزان مشارکت، مسئولیت در برابر انتشار یافته‌ها

۱. منظور از مهارت بین فرهنگی توانایی پژوهشگر در به کار گیری آگاهی، دانش و حساسیت فرهنگی هنگام کار با آگاهی‌دهندگان پژوهش

2. cultural benevolence

۳. پژوهش‌درون‌زا: پژوهشی است معطوف به مسئله‌های بومی و تولید روش‌شناسی‌های بومی برای حل آنها

اطلاع رسانی در باره هدف پژوهش، توضیح و تصریح دستاوردهای پژوهش، توضیح و تصریح خطرات احتمالی شرکت در پژوهش، رازداری، پذیرفتن حق انصراف شرکت کننده، ارائه مدارک هویتی پژوهشگر، معرفی سازمان حامی پژوهش، جلب رضایت شرکت کنندگان، اجتناب از ورود به حریم خصوصی، احترام به استقلال فردی	۴. رعایت حقوق شرکت کنندگان
پرهیز از سوء استفاده آثار دیگران، پرهیز از سرقت از خود	۵. اجتناب از سرقت علمی
انتشار یافته‌ها برای کمک به جامعه، انتشار برای گفتگوی علمی، اشاعه یافته‌ها، پرهیز از انتشار عمومی یافته‌های آسیب‌زا، اختصار در نوشتار، پرهیز از به کارگیری واژه‌های پیچیده، تصریح یافته‌های پژوهش، رعایت قواعد درست نویسی، ساده نویسی و زیبانویسی	۶. انتشار یافته‌ها ۷. ساده نویسی گزارش
قدردانی از اندیشه‌های گذشتگان، قدردانی از افراد سهیم در تکوین پژوهش، قدردانی از حامی مالی پژوهش، نقد معطوف به اندیشه، استفاده از واژه‌گان مناسب در نقد، پرهیز از توهین به شخصیت افراد، درک شأن نقادی، نقد به عنوان نظارت عمومی، نقد به عنوان مسئولیت شهروندی، پذیرش نقد، توجه مساوی به کاستی‌ها و قوت‌ها ایده‌ها،	۸. سپاسگزاری ۹. نقدپذیری و نقادی علمی

(الف) تواضع و فروتنی

با توجه به گستره ملی پژوهش‌های پژوهشگرانه، پژوهشگران بالضروره با معلمان، مدیران، خانواده‌ها و سایر نهادهای علاقه‌مند به مسئله آموزش و پرورش در تعامل خواهند بود. تواضع علمی در برخورد با چنین ذینفعانی و شرکت‌کنندگانی نقطه شروع یک پیوند علمی برای درک پدیده پیش‌رو و شاید شناسایی مسئله‌های جدید باشد. این زیر مقوله پژوهشگران را به پرهیز از خودبرتربینی، نخوت علمی، و شجاعت در بیان اشتباهات تشویق می‌کند. باور گروهی از شرکت کنندگان بر این بود که تعهدی نسبت به آرمانهای بلند بشری و حقوق پژوهشگر را به صورت طبیعی به دفاع از حقیقت تلاش فزاینده برای کشف آن تشویق می‌کند. در خصوص یکی از کدهای مفهومی، برای مثال، عبدالله^۱، محقق تعلیم و تربیت، پرهیز از هر گونه نخوت علمی پژوهشگران پژوهشگرانه را خواستار شده است و از ضرورت نزدیکی به بدنه اجرایی سخن گفته‌اند:

۱. تمام اسامی ذکر شده مستعار هستند، اسامی بر اساس پیشنهاد خود شرکت کنندگان انتخاب گردید.

« پژوهشگران پژوهشکده به پرهیز از هر گونه خود برتر بینی، غرور و نخوت علمی توصیه می‌شوند. متأسفانه رابطه پژوهشگران با بدنه اجرایی نظام آموزشی (مدرسه) ضعیف است و این موضوع توانایی عقل عملی ما را عملاً فلج کرده است. بهتر است سر را از برف بیرون آوریم و ببینیم در نظام آموزشی خوب یا بد دقیقاً چه خبر است...» (مورد، ۱۰).

(ب) صبر و بردباری

انجام پژوهش به ویژه در موسسات پژوهشی نیازمند تعامل بخش‌های مختلف اداری برای تصویب پروژه و سایر فعالیت‌های اداری است و بدون تردید عبور از چنین مراحل نیازمند صبوری پژوهشگر و پیگیری مداوم خواهد بود. فراتر از این موضوع، حل مسئله‌های پژوهش نیازمند صبوری و تحمل تنش ناشی از اندیشه ورزی برای حل یک مسئله است. در نهایت، در طول فرایند تصویب هر پروژه علمی بحث‌های متعددی در شوراها و پژوهشکده و پژوهشگاه در خصوص پیشنهاد پژوهش صورت می‌گیرد، بدون تردید گوش دادن به توصیه‌های همکاران و تحمل ایده‌های نامرتبب نیازمند صبوری پژوهشگر، به ویژه تازه کاران، است. فرهنگ، متخصص تعلیم و تربیت، در این خصوص معتقد است:

«گاهی اوقات در جلسات نقد طرحنامه پژوهش در شورای پژوهشکده و همچنین شورای پژوهشگاه پیشنهادهایی برای اصلاح مطرح می‌شود که نه تنها کمکی نمی‌کند، بلکه مسیر پژوهش را عوض می‌کند. بهتر است در جلسه شوراها اعضایی که در خصوص یک موضوع اطلاعات دقیقی ندارند یا پروژه در حوزه کاری آنها قرار نمی‌گیرد از ارائه پیشنهاد اجتناب کنند و شاید مدیر جلسات در اینجا نقش مهمی داشته باشند» (مورد ۱۱).

(پ). مشارکت جوئی

پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش باید روابط خود را با همکاران خویش تقویت کند و از هر گونه بداخلاقی در برخورد با همکاران اجتناب ورزد. چرا که تشکیل تیم‌های بین‌رشته‌ای برای دیدن زوایای گوناگون یکی از ضرورت‌های مهم امروزی انجام پژوهش در تعلیم و تربیت به عنوان یک حوزه بین رشته‌ای است. در فضای مشارکت جوئی است که امکان گردش اطلاعات و بالتبع توسعه افراد به وقوع می‌پیوندد. نکته دیگر، عرضه و گفتگوی منطقی با ذینفعان کلیدی به ویژه در مطالعات ارزشیابی برای کاهش هر گونه تنش است، که بدون روحیه مشارکت جوئی پژوهشگر به سختی می‌توان آنها را برای به اشتراک گذاری اطلاعات متقاعد کرد. برای مثال، پدram، پژوهشگر حوزه آموزش و پرورش، در این خصوص معتقد است که:

«تعاملات مناسب در سطح پژوهشکده وجود ندارد. حتی در سطح گروه پژوهشی تعامل وجود ندارد. من اگر به مشاوره یا یکی از اعضای گروه نیاز داشته باشم، همکاران من به راحتی اطلاعات خود را به دیگران انتقال نمی‌دهند و به قولی گردش اطلاعات صورت نمی‌گیرد»

(مورد، ۴)

(ت) حساسیت بین فرهنگی

حساسیت بین فرهنگی به معنی همسویی ذهن، قلب و رفتار عملی در احترام به تفاوتها است. بر اساس این زیرمقوله پژوهشگران به داشتن دانش کافی در باره فرهنگ شرکت کنندگان در پژوهش تشویق می‌شوند. آنها باید از تحمیل ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورها خود بر آگاهی دهنده اجتناب کنند و هوشیار باشند که از هر گونه قضاوت فرهنگی اجتناب ورزند. پژوهشگر بهتر است تلاش کند که ظرفیت‌های انسانی و اخلاقی خرده فرهنگ‌ها را ستایش و با شرکت کنندگان این ظرفیت‌ها را به اشتراک بگذارند و از قدرت همدلی و همراهی با افراد دارای فرهنگ‌های مختلف برخوردار باشند. در خصوص مقوله حساسیت فرهنگی، برای مثال، یکی از این شرکت کنندگان که تاکنون از ۲۴ استان کشور برای انجام پژوهش بازدید کرده و با مدیران، معلمان، دانش آموزان گفتگو کرده است، می‌گوید:

«من از صمیم قلب خرده فرهنگ‌های کشورم را دوست دارم و سعی می‌کنم ظرفیت‌های آنها را بدانم. هنگام مواجهه با آنها به صورت مداوم از ظرفیت‌های آنها تمجید می‌کنم، بدون شک ظرفیت‌های زیادی در این خرده فرهنگ‌ها وجود دارد» (مورد، ۱۰).

(۲). اصول اخلاقی حاکم بر پژوهش

مقوله اصول اخلاقی حاکم بر پژوهش بر رعایت استانداردهای اخلاقی در فرایند اجرا و انتشار یافته‌ها متمرکز است و زیرمقوله‌های سودمندی پژوهش، اصالت علمی، رعایت حقوق همکاران، رعایت حقوق شرکت کنندگان، اجتناب از سرقت علمی، انتشار یافته‌ها، ساده نویسی گزارش، سپاسگزاری نقدپذیری و نقادی علمی را در بر می‌گیرد. اصول اخلاقی حاکم بر پژوهش به عنوان آینه‌ای است که واقعیت‌ها را به پژوهشگر می‌نمایاند.

(الف). سودمندی پژوهش

سودمندی پژوهش به معنی انتخاب مسئله‌های دارای اولویت مهم و بومی و تلاش فزاینده برای حل آنها با ملاحظه اصول هزینه و فایده و زمامندی است. براین اساس، با توجه به هزینه‌های زیاد انجام پژوهش و مسائل زیاد نظام آموزش و پرورش پژوهشگران پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش موظف هستند که مطالعات خود بر روی انجام فعالیت‌های علمی ضروری متمرکز کنند که در برنامه ریزی و سیاستگذاری‌های قابلیت کاربست دارند. همچنین، اصل هزینه-فایده را در انتخاب و اجرای پژوهش‌های خود ملاحظه کنند و در نهایت بهره برداران به زمامندی پژوهش توجه کنند، یعنی این مطالعه برای چه زمانی مناسب است. برای مثال، شأن پژوهیدن دارد یا نه؟ ژاله، با تجربه ۲۷ ساله در عرصه‌ی پژوهش و تدریس در دانشگاه از بی‌صدایی بسیاری از پژوهش‌ها به ویژه در علوم انسانی شکوه می‌کند. او معتقد است:

« در بافت موضوع های زیادی هستند که به شما چشمک می زنند. هر موضوعی اولویت ندارد و پژوهشگر باید اولویت ها را تشخیص دهد. بسیاری از یافته ها پیش پا افتاده هستند و شأن پژوهش ندارند و بعضی چیزها بدون این که پژوهشی صورت گرفته باشد را هم می توان گفت. یافته های پژوهش باید صدا داشته باشند، صدایی از جنس تحول و پیامی موثر. پیام موثر مثل پیام پیامبر است. پیامبر از چیزهایی خبر می دهد که مردم عادی نمی دانند. پیامی که روشنی می بخشد و پرده های ظلمانی را فرو می افکند» (مورد، ۵).

(ب). اصالت علمی

اصالت علمی یعنی این که پژوهشگران در فعالیت های خویش منصف باشند و باید بدانند که در برابر جامعه خویش مسئولیت علمی و حرفه ای دارند. آنها باید همواره از پرده پوشی در خصوص یافته های پژوهش، دستکاری داده ها و کم فروشی و دزدی علمی اجتناب ورزند. پرهیز از گزافه گویی یعنی مبالغه گویی در بیان یافته های پژوهش نیز مورد تأیید نیست. برای مثال، ژاله فقدان نظارت و نبود تعهد در میان برخی از پژوهشگران دانشگاهی را مورد نقد قرار می دهد. او معتقد است که:

« متأسفانه خیل عظیمی از پژوهش بر اساس داده سازی بنا شده اند و داده جمع آوری نشده است. کسانی که چنین کارهایی را انجام می دهند احساس شرم نمی کنند و وقتی که استاد دانشگاه کتاب ترجمه شده را به عنوان تألیف چاپ کرده است. دیگر چه باید گفت» (مورد، ۵).

(پ). رعایت حقوق همکاران:

زیرمقوله رعایت حقوق همکاران بر اهمیت و توجه به حقوق همکاران به عنوان یک انسان متمرکز است. براین اساس این زیرمقوله، حضوری افتخاری افراد در تیم پژوهش یا در جمع نویسندگان یافته های پژوهش به شدت نفی می شود. همچنین، ترتیب نویسندگان بر اساس میزان مشارکت آنها در کار پژوهشی صورت می گیرد و همه آنها در برابر انتشار یافته ها مسئولیت دارند. فرهنگ _ مورد ۱۱_ از وجود یک ضعف بزرگ در خصوص تیم پژوهش در ایران سخن می گوید. به زعم او:

« امروزه شاهد آنیم که در دانشگاه های ایران، رفتارهای اخلاقی نقض می شوند؛ چنان که کسانی نام خود را بر مقاله هایی می نهند که در آنها کوششی بذل نکرده اند، یعنی حق دیگران را غاصبانه از آن خود می کنند. نقض رفتارهای اخلاقی به معنای غلتیدن در ورطه ی بی اخلاقی است و در این تردیدی نیست».

(ت). رعایت حقوق شرکت کنندگان:

کسانی که در پژوهش شرکت می کنند، به عنوان یک شهروند دارای حقوق اجتماعی

هستند. بر اساس حقوق شرکت کنندگان گفتن چيستی هدف پژوهش و مخاطرات پیش روی اجرای پژوهش، معرفی هویت پژوهشگر و سازمانی که مطالعه برای آن انجام می شود و نحوه دریافت اطلاعات و حفظ اسرار و رازداری لایه نخست ورود به دریافت رضایت شرکت کننده برای شرکت در پژوهش از طرف پژوهشگر است. علاوه بر این، پژوهشگر باید بپذیرد که شرکت کننده در هر مرحله از پژوهش حق انصراف دارد. از آنجایی که شرکت کنندگان برای شرکت در پژوهش زمانی اختصاص می دهند، تعیین حق الزحمه شرکت در پژوهش بخش دیگری از حقوق او به شمار می آید. بالاخره، پژوهشگر اجازه ورود به حریم خصوصی شرکت کننده را ندارد و یا ورود به آن مشروط به اجازه پژوهشگر است. ورود نامناسب به حریم خصوصی عزت و استقلال فردی را مورد تعرض قرار خواهد داد. همچنین، در چنین فضایی شرکت کننده امکان نظارت بر افشای اطلاعات شخصی درباره خود را از دست دهند، مورد بهره کشی پژوهشگر قرار گیرند. برای مثال، م، پژوهشگر مطالعات اجتماعی تعلیم و تربیت در این خصوص معتقد است:

«در پژوهش هایی که وارد مسائل شخصی می شویم، باید خیلی مراقبت کنیم، حساسیت و بازخوردهای افراد مختلف متفاوت است، ما باید حساسیت آنها را در نظر بگیریم. ما باید روحیه و شخصیت شرکت کنندگان را درک کنیم» (مورد، ۶)

(ج). انتشار یافته ها:

انتشار دانش به نحوی مناسب و با سرعتی قابل قبول بدون تردید نقش بسیار مهمی در کاربست یافته ها و رفع مشکلاتی که پژوهش برای آنها انجام شده، خواهد داشت. از دیدگاه شرکت کنندگان در این پژوهش انتشار آثار برای کمک به جامعه علمی، ایجاد گفتگوی علمی و استفاده از صور مختلف از جمله سخنرانی برای رساندن صدا و پیام پژوهش بسیار مهم است. همچنین، توجه به پیامدهای انتشار یافته ها، به ویژه اگر باعث سوءاستفاده از یافته ها گردد، مذمت شده است. فرهنگ، متخصص تعلیم و تربیت، عدم انتشار یافته ها را مساوی با از بین دستاوردهای پژوهش می داند. به زعم او:

« به هر حال کسی که به کار علمی می پردازد برای این که اندیشه های او از بین نرود ((perish) باید اقدام به نشر تلاش های علمی خود نماید؟ (publish)، او نباید رسالت اجتماعی خود را نیز فراموش کند و به اشکال مختلف (ویدئو، سخنرانی در کنفرانس، آموزش) به گسترش علم در جامعه کمک کند» (مورد، ۱۱)

(چ). اجتناب از سرقت علمی:

سرقت علمی یعنی استفاده از کلمات و آثار یا ایده های دیگران بدون اشاره به نام آنها است. سرقت علمی دارای اشکال مختلفی است: وقتی که شخصی متن اصلی یک اثر را ندیده ولی به آن ارجاع دهد؛ اگر شخصی واژه های کلیدی متنی را انتخاب و به زبان خودش تفسیر

کنید، و به آن متن ارجاع ندهد؛ اگر نویسنده ای مقاله یا کتابی را چاپ کرده است و دو باره در اثرهای جدید خود بدون ذکر نقل قول به خودش عیناً همان مطالب را تکرار می کند. در این مقوله استفاده از اندیشه های دیگران براساس قوانین علمی به وسیله شرکت کنندگان توصیه و سوء استفاده از اندیشه ها و آراء دیگران مورد نکوهش قرار گرفت. مریم، از فقدان آگاهی در باره سرقت علمی به عنوان یکی از دلایل مرتکب شدن این عمل در آغاز دوره پژوهشگری خویش نام می برد.

« من بیش از هشت سال است که کار پژوهشی انجام می دهم، در سال های آغازین خیلی آگاهی در باره سرقت علمی نداشتم و حتی استادهاى ما چیزی در این باره نمی گفتند (شاید خودشان هم آگاهی کاملی نداشتند)، در نقل قول ها الان که مفهوم سرقت علمی را متوجه شدم، اشتباهاتی داشته ام ولی واقعاً غیر عمد و از روی ناآگاهی بوده است» (مورد، ۵)

(ح). ساده نویسی گزارش

ساده نویسی به معنای بیان پیام پژوهش به زبانی مشترک و قابل فهم است. پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش به ساده نویسی و پرهیز از کاربست واژه های سخت، نامأنوس و پیچیده در نوشتن تشویق می شود و ساده نویسی و ساده گویی را در نوشتن و ارائه متن در نظر می گیرد. او اختصار را رعایت می کند و در گزارش تحقیق با خواننده ارتباط مناسب برقرار کند. او به قدرت متن برای آموزش و تغییر اذهان و رفتارها باور دارد و تلاش می کند از طریق درست نویسی، و زیبانویسی از این ابزار به بهترین شکل ممکن بهره گیرد. برای مثال، مریم که تجارب خوبی از تعامل و گفتگو با معلمان دارد، می گوید:

« خیلی از نوشته های ما آنقدر پیچیده و ناموزن نوشته شده اند که درک آنها حتی برای خود پژوهشگران هم مشکل است. ما باید متن هایی تولید کنیم که برای معلمان قابل درک باشد، ما به متن هایی ساده و روایتی نیاز داریم...»

(خ). سپاسگزاری

تجلیل از دستاوردهایی اندیشه ورزان جامعه علمی که تنش تلاش برای فهمیدن را تحمل کرده اند و نقل و نقد اندیشه های آنان تلاشی اخلاقی برای پاسداشت تلاش ها و اندیشه های آنان است. بی توجهی به آثار آنان می تواند نشانی از قدرشناسی به شمار آید. از طرفی دیگر، در تکمیل هر فعالیت علمی ممکن است در اشکال مختلف (از قبیل: مساعدهای فنی، دادن نقدهای ارزنده، تسهیل اجرای پژوهش، حمایت مالی برای اجرای پژوهش)، افراد یا گروهها یا سازمان مختلفی نقش داشته باشند. برای مثال، فرهنگ، از بی توجهی به آراء اثرگذار دیگران به عنوان یک ردیلت یاد می کند، او می گوید:

«ما همواره باید روح علمی خود را از ردیلتها بزداييم و به خود بگوئيم اندیشه های امروز

من حاصل سکوهایی است که دیگران در زیرپای من قرار داده اند تا دورتر بنیم و اخلاقی است که من همواره قدردان گذشتگان و تسهیل گر فهم آیندگان باشم» (مورد، ۱۱).

(د). نقدپذیری و نقادی علمی

ذهن نقاد و اندیشیدن نقادانه پدیده ای است که اگر در جامعه رشد نکند، ما شاهد دانش سطحی خواهیم بود. بر اساس دیدگاه شرکت کنندگان، از پژوهشگران انتظار می‌رود که نقد اندیشه را نه شخصیت فرد را سرلوحه کار خود قرار دهد. برای او، این که صاحب اثر چه مرام فکری و فلسفه ای دارد و منتقد چه تفکری است در نقد آثار هیچ جایگاهی نباید داشته باشد. او از واژه‌گانی که حامل پیام توهین به شخصیت صاحبان اثر است، اجتناب می‌کند. در نقد آثار هم به نقاط قوت و ضعف توجه می‌کند و برای ضعف‌ها راه حل هم ارائه می‌کند. همچنین، جایگاه نظارتی نقد و پذیرفتن آن به عنوان یک مسئولیت شهروندی همواره مورد توجه است. در این خصوص، ژاله، که تجربیات زیادی هم در نقادی و هم در نقد شدن دارد، عقیده دارد:

« در بحث نقد هم نقادها و هم کسانی که مورد نقد قرار می‌گیرند، مشکل دارند. افراد به راحتی از نقد شدن شانه خالی می‌کنند ... نقد نباید نوازشگرایانه باشد بلکه باید گزنده و اثرگذار باشد. نقد نوعی نظارت عمومی و در خدمت منافع عمومی و نوعی مسئولیت شهروندی می‌باشد. شأن نقاد کمتر از شأن پژوهشگر نیست. او باید تکلیف خود را خودش در باره این که چه تعهدی نسبت به بیان شدن حقایق دارد را روشن کند. اگر واقعا متعهد است او باید صریح و با روشی که آسیب به شخصیت فرد وارد نشود، به نقد اثر بپردازد» (مورد، ۴).

نتیجه گیری

مطالعه حاضر با هدف تدوین نظام نامه اخلاق پژوهش پژوهشکده برنامه ریزی درس و نوآوری آموزشی انجام شده است. تحلیل یافته‌های این مطالعه منجر به شناسایی دو مقوله کلی منش اخلاقی پژوهشگر و اصول اخلاقی حاکم بر پژوهش گردید. منش اخلاقی پژوهشگر به معنای این است که خود پژوهشگر فارغ از اتفاقاتی که در اجرای پژوهش پیش خواهد آمد، باید دارای چه باورها و توانایی‌ها و نگرش‌هایی باشد تا از آمادگی مناسب برای ورود به صحنه انجام پژوهش برخوردار باشد. بر اساس دیدگاه شرکت‌کنندگان تواضع و فروتنی، صبر و بردباری، حساسیت بین‌فرهنگی، و مشارکت‌جوئی از جمله خصوصیات کلی است که پژوهشگر تعلیم و تربیت باید به آنها مجهز باشد. تواضع و فروتنی بیانگر دور انداختن هر گونه غرور و خودبرتربینی و انعطاف‌پذیری و پذیرش دیگری است. پژوهشگر متواضع برای همگان احترام قائل است و از بالا به پایین به انسان‌ها نگاه نمی‌کند. او متعهد به آرمانهای بلند انسانی و اخلاقی است و تلاش دارد از آنچه کشف می‌کند در این راستا استفاده کند. او همواره آماده فهمیدن و درک پدیده‌ها است و در مسیر کشف حقیقت هر گاه دچار اشتباهی شود با شجاعت مسیر خود را عوض می‌کند و به بیان اشتباه خویش اعتراف می‌کند. همسو با این یافته، بیگار و بائر-وو^۱ (۲۰۰۳) تجهیز پژوهشگر به «تواضع فرهنگی»^۲ را ابزاری برای ساختن اعتماد و روابط محترمانه نام می‌برد که ورود به جهان اجتماعی شرکت‌کنندگان را تسهیل می‌کند.

صبر و بردباری صفتی دیگری از منش پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت است. در این زیرمقوله تحمل کردن و گذشت کردن، استقامت و تلاش خستگی‌ناپذیر بسیار پررنگ است. صبوری پژوهشگر ابعاد مختلفی دارد، به این معنی که پیدا کردن پاسخ به پرسش‌های پژوهش به صورت نظام‌مند نیازمند تحمل تنش است. دوم، در طول اصلاح و تصویب پروژه در پژوهشگاه شوراهای مختلفی تشکیل می‌شود و افراد مختلفی مرتبط و غیرمرتبط به نقد یا ارائه توصیه‌هایی می‌پردازند، در اینجا نیز صبوری و چگونگی مواجهه شدن با پیشنهادهای مرتبط و نامرتبط بسیار مهم است. سوم، فرایندهای اداری تصویب یک پروژه ممکن است وقت‌گیر باشند و در اینجا نیز شکیبایی پژوهشگر مهم است. لاوراک و براوان^۳ (۲۰۰۳) تحمل ابهام، صبوری، گشادگی، و ظرفیت یادگیری ضمنی از مهارت‌ها برای موفقیت پژوهشگر برای انجام یک پژوهش را ضروری می‌داند که به نوعی همسو با دیدگاه شرکت‌کنندگان ایرانی است. حساسیت بین‌فرهنگی

-
1. Yeager, K. A., & Bauer-Wu, S.
 2. Cultural humility
 3. Laverack and Brown 2003

چهارمین خصوصیت یک پژوهشگر در حوزه تعلیم و تربیت است که مستلزم تمایل درونی برای غور در خرده فرهنگ‌ها و گاهی نگاه از لنز خرده فرهنگ‌ها به شرکت کنندگان و آنچه آنها می‌اندیشند به شمار می‌آید. بنابراین، ضرورت دارد که پژوهشگر برای فهم فرهنگ‌ها گشوده باشد و ذهن او از هر گونه پیشداوری فرهنگی خالی باشد. پژوهشگر تعلیم و تربیت نه تنها تلاش می‌کند که خرده فرهنگ‌ها را خوب درک کند، بلکه با افراد متناسب با خرده فرهنگ‌هایشان ارتباط برقرار می‌کند و از ظرفیت‌های آنها سخن می‌گوید. برای او در دل فرهنگ‌ها گنج عظیمی نهفته است و او برای ورود و غور در آن گنجینه بی‌تابی می‌کند. توجه به مجهز بودن پژوهشگران به درک بین فرهنگی در پژوهش لینینگر^۱ (۱۹۹۵؛ نقل در پاپادوپولوس و لیز^۲، ۲۰۰۲) نیز مطرح گردید. او معتقد بود که فقدان آگاهی فرهنگی، پژوهشگران را به سمت تحمیل باورها، ارزش‌ها، و الگوهای رفتاری خویش سوق می‌دهد.

مقوله اصول اخلاقی حاکم بر اجرای پژوهش ناظر به حضور پژوهشگر در صحنه عمل، تحلیل داده‌ها و گزارش پژوهشگر از پدیده مورد مطالعه است. اصول حاکم بر پژوهش زیرمقوله‌های سودمندی پژوهش، اصالت علمی، رعایت حقوق همکاران، رعایت حقوق شرکت کنندگان، اجتناب از سرقت علمی، انتشار یافته‌ها، ساده نویسی گزارش، سپاسگزاری، و نقدپذیری و نقادی علمی را در برمی‌گیرد. سودمندی پژوهش و پژوهش سودمند معطوف به ملاحظه اولویت‌ها و این که بافت از پژوهشگر چه می‌خواهد، متمرکز است. پژوهشی که نتواند به مسئله‌ای پاسخ بگوید، منجر به مسئله‌سازی نشود، فراتر از باورهای موجود حرکت نکند و باورها و اندیشه‌های موجود را با تعارض روبرو نکند، و صدای رسایی برای تغییر و اصلاح و تقویت پدیده مورد مطالعه نداشته باشد، انجام ندادن آن بر دادن آن اولی‌تر است. به هر حال اگر چه تحلیل دقیق یک پژوهش مهم و اثرگذار به دلیل موقعیت‌ها و دیدگاه‌های متفاوت کاری بسیار سخت است، ولی پژوهشگر تعلیم تربیت همواره به داشتن نگاه محلی و ملی و پیدا کردن بهترین جواب برای مسئله‌ها متعهد است. توجه به موضوع‌هایی از قبیل پرداختن به موضوع‌های محلی به جای پرداختن به علایق شخصی پژوهشگر با موضوع‌های طبقات سلطه‌گر و بهره‌روی هزینه‌هایی که برای پیشبرد علم صرف می‌شود در پژوهش‌های مختلف (فرره و مور^۳، ۲۰۱۶؛ کونکانن^۴، ۲۰۱۰) همسو با این یافته نیز در جوامع دیگر مطرح شده است. زیر مقوله اصالت علمی به عنوان یک اصل اخلاقی پذیرفته شده در سطح جهانی مطرح است (ر.ک. بوش و

1. Leininger
2. Papadopoulos, I., & Lees, S.
3. Forero, D. A., & Moore, J. H.
4. Kuokkanen, R.

بیگین^۱، ۲۰۱۴؛ کاتوچ، ۲۰۱۳)، هر چند مفاهیمی که در زیر آن قرار می‌گیرند در بافتارهای مختلف تفاوت‌هایی دارند و بافتار ایران نیز تا حدودی متفاوت بوده است. در این مطالعه نیز این مفهوم اعتمادساز و همسو با حقیقت علم نیز بارها به وسیله شرکت‌کنندگان مطرح گردید. اصالت علمی همان شفافیت یافته‌ها است و بیانگر نوعی تعهد درونی بالا به استانداردهای جهانی در اجرای پژوهش است. در لوای اصالت علمی هرگز پژوهشگر تعلیم و تربیت به داده‌سازی و دستکاری عامدانه دست نخواهد زد، برای او معرفت ارزشی دارد که حاضر نیست آن را با هر چیزی مبادله کند. در اصالت علمی سوءاستفاده و نگاه ابزاری به علم به شدت منکوب می‌شود و تلاش فزاینده برای کشف حقیقت با هر زحمتی وظیفه پژوهشگر به شمار می‌آید.

زیرمقوله رعایت حقوق همکاران از دیگر موضوع‌های کشف شده در این مطالعه بوده است. رعایت حقوق همکاران نخست بر تعهد مجری پژوهش و همکاران به مدیریت فرایند پژوهش از لحظه تدوین تا انتشار یافته‌ها در قالب‌های مختلف تأکید دارد. به این معنی که پژوهشگران با زیست همکارانه خویش برای انجام یک پژوهش باکیفیت متعهد باشند و از قدرت فکری لازم برای تبیین‌های یافته‌های پژوهش برخوردار و برای رسیدن به آن تلاش کنند. همچنین، باید به خاطر داشت که در انتشار یافته‌ها، تلاشی که هر کدام اعضای تیم پژوهش در تحلیل، اصلاح و ویراستاری یک اثر داشته‌اند، مبنای ترتیب اسامی شرکت‌کنندگان قرار گیرد. از طرفی دیگر، مجری پژوهش از پذیرفتن حضور افتخاری افراد در پژوهش باید به شدت اجتناب ورزد و به یاد داشته باشد که ارزش یک پژوهش در صدای رسایی است که با خود حمل می‌کند نه در اسامی افتخاری است که در پژوهش هیچ نقشی نداشته‌اند. همسو با این یافته در سطح بین‌الملل تیم نویسندگان نیز یکی از کدهای اخلاق پژوهش مطرح است و در این اصل اخلاقی پژوهش بر این نکته تأکید شده که تنها کسانی به عنوان اعضای تیم پژوهش در نظر گرفته شوند، که در انجام کار علمی نقش داشته باشند (رابرتس^۲، ۲۰۱۷). علاوه بر رعایت حقوق همکاران، ملاحظه حقوق شرکت‌کنندگان نیز باید در ابعاد مختلفی صورت گیرد. شرکت‌کنندگان از آنجایی که در یک پژوهش نقش شهروندی علم را بازی می‌کند بر پژوهشگران تکلیف است که آنچه به دنبال کشف آن هستند صادقانه با آنان به اشتراک بگذارند، به آنها بگویند که چه کسی هستند و از طرفی چه کسی یا نهادی به دنبال جمع‌آوری اطلاعات هستند؛ مخاطرات احتمالی شرکت در پژوهش با وضوح تمام به شرکت‌کننده انتقال دهد و تمام تلاش خود را برای پیشگیری از ایجاد هر مشکلی انجام دهد؛ پژوهشگر به یاد داشته باشد که حضور شرکت‌کنندگان در یک پژوهش نهایت لطف آنها است و آنها در هر لحظه‌ای که دوست داشته باشند، می‌توانند محیط پژوهش را

1. Busch, P., & Bilgin, A.

2. Roberts, L. W.

ترک کند و یک پژوهشگر اخلاقی باید با روی باز این موضوع را بپذیرد. علاوه بر این، از پژوهشگر انتظار می‌رود که حریم خصوصی و حساسیت شرکت‌کنندگان را به خوبی تشخیص دهد و بدون اجازه آنها هرگز به فضای شخصی عامدانه نفوذ نکند و به استقلال و عزت نفس شرکت‌کننده احترام بگذارد. در سطح بین‌المللی نیز توجه رضایت آگاهانه، رازداری، احترام به حریم خصوصی، پرهیز از فریب شرکت‌کنندگان، و مواظبت از شرکت‌کنندگان در موقعیت‌های غیرقابل پیش‌بینی مورد تأکید قرار گرفته است (گودوین، پوپ، مورت، اسمیت، ۲۰۰۳؛ کارتر^۲، ۲۰۰۲).

اجتناب از سرقت علمی به عنوان یک اصل اخلاقی یکی دیگر از مقوله‌های کشف‌شده در این پژوهش بوده است. بر اساس استانداردهای اخلاقی هر گونه سوءاستفاده از اندیشه‌های دیگران در جهت منافع شخصی بدون رضایت صاحبان فعلی اثر نامناسب و پذیرفتنی نیست. سرقت علمی منحرف‌کننده مسیر انجام درست یک پژوهش است و چنانچه پژوهشگران فارغ از هر گونه نظارتی آن را تمرین کنند و به بخشی از هویت پژوهشی تبدیل کنند، می‌توان به تولیدات فکری اعتماد بیشتری داشت. سرقت از خود نیز موضوعی بود که به دلیل شیوع وسیع آن در پیام‌های مختلف شرکت‌کنندگان در این پژوهش تکرار گردید. به این معنی به صورت ایده‌های خود بدون هر گونه تغییر یا ارجاع به خویش در اثری جدید مجدد تکرار می‌کند. همسو با این یافته سرقت علمی از اندیشه‌های دیگران و خود به صورت گسترده در سطح بین‌المللی مطرح است و نگرانی‌ها در سال‌های اخیر منجر به طراحی نرم‌افزاری برای پیدا کردن هر گونه تخلف در دزدی آثار دیگران شده است (ر.ک. رنسیک^۳، ۲۰۱۱؛ مارتین^۴، ۲۰۱۳).

انتشار یافته‌ها زیرمقوله دیگری از نظام‌نامه اخلاق پژوهش است که بر اساس مفاهیم ذکر شده در گفتگوهای شرکت‌کنندگان جایگاه بارزی در ایجاد تغییرات مناسب و کمک به تحول در جامعه عهده دار است. شاید بتوان گفت که انتشار یافته‌های علمی اصیل از حقوق شهروندان هر جامعه است که می‌تواند برای آنها در دنیای فناوری اطلاعات که حجم انبوهی از اطلاعات به صورت روزانه در جلوی آنها قرار می‌گیرد، در تشخیص مطلوب از نامطلوب اثرگذار است. اشاعه یافته‌های علمی، همچنین، ابزاری قوی برای گفتگوهای علمی در سطح حداقلی و گفتمان‌سازی در سطح حداکثری برای ایجاد تغییرات به شمار می‌آید. البته، پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت باید با نکته‌سنجی دقیق مواظب باشد که انتشار یافته‌ها برای هر یک از شرکت‌کنندگان، یا خرده

1. Goodwin, D., Pope, C., Mort, M., & Smith, A.
2. Carter, S.
3. Resnik, D. B.
4. Martin, B. R.

فرهنگ آسیبی ایجاد نکند. در مطالعات متعددی نیز توزیع و انتشار یافته‌های پژوهش به عنوان یکی از وظایف پژوهشگران نام برده شده است که باعث ارزیابی علمی پژوهش و استفاده از دستاوردهای علمی در سطح جامعه خواهد شد (پروژه رسپکت^۱، ۲۰۱۸).

ساده‌نویسی گزارش بخش دیگری از اصول حاکم برای اجرای پژوهش است. از آنجایی که متن زبان تعامل بین نویسنده و خواننده است و رسالت آن توسعه آگاهی برای تصمیم‌گیری بهتر است، پژوهشگر تعلیم و تربیت باید از هر گونه ممتنع‌نویسی پرهیز کند و قواعد رایج درست‌نویسی و زیبانویسی را رعایت کند. او باید به متن به عنوان صدای یافته‌ها نگاه کند و همیشه در هنگام تدوین آثار به این فکر کند که چگونه می‌توانم بدون این که هیچ بخشی از یافته‌های پژوهش از بین برود، ارتباط کارآمدتر و مناسب‌تری با ذینفعان برقرار کند. پژوهشگر باید به نوشتن به چشم یک هنر بنگرد و به قدرت روایت کردن پدیده‌های به صورت ساده و روان باور داشته باشد. همسو با این یافته، تامپسون^۲ (۲۰۰۱) معتقد است که بین متن و موقعیت‌ها ارتباط بسیار پیچیده‌ای وجود دارد و موقعیت‌های مختلف متن‌های مختلف را طلب می‌کند. سپاسگزاری بخش دیگری از وظایف اخلاقی پژوهشگر تعلیم و تربیت است. سپاسگزاری نوعی قدردانی عملی از ایده‌های صاحبان اندیشه و اثرگذاران در حوزه مورد مطالعه پژوهشگر است و باید بدانند که بخشی از پژوهش مرهون تلاش‌ها و گنجینه‌های معرفتی برجای مانده از آنها است. سپاسگزاری در هر شکلی از متن_ کتاب، مقاله، یادداشت، پروژه، آزمایشگاه_ امروزه امری پذیرفته شده است و به بخشی از فرهنگ آکادمیک تبدیل شده است و در این مطالعه نیز بر لزوم نام‌بردن از نام کسانی که به صورت غیررسمی در انجام پژوهش مساعدت کردند، یاد شده است. همسو با این یافته، مک‌کین^۳ (۱۹۹۱) در مطالعه ۲۴۱ پژوهش منتشر شده دریافته‌اند که پژوهشگر به دلیل دسترسی به اطلاعات مرتبط با پژوهش، دسترسی به اسناد علمی منتشر نشده، اجتماع تعاملی همتایان، مساعدت‌های فنی، و آماده‌سازی نسخه اولیه کار علمی خود از دیگران تقدیر کرده‌اند. این موارد هم‌گواهی بر ماهیت و سلوک اجتماعی پژوهش است و هم بیان‌گویایی از لزوم پرداختن و اشاره به این موضوع در آثار علمی است. علاوه بر سپاسگزاری که بیشتر جنبه تحسین دارد، نقدپذیری و نقادی علمی (زیرمقوله دیگر نظام‌نامه اخلاق پژوهش) مفهوم دیگری است که می‌تواند بخش دیگری از اهمیت نیاز به عقلانیت جمعی را روشن کند. نقد نوعی نظارت عمومی خردمندانه برای پرهیز از انحراف و رسیدن به درکی بین‌الذهانی از پدیده‌ها و مسیر سبزی برای توانمندسازی پژوهشگران و ذینفعان پژوهش است. یافته‌های این

1. RESSPECT Project
2. Thompson, G.
3. McCain, K. H.

مطالعه حاکی از این است که نقد در محافل علمی ما بیشتر بر نقاط ضعف متمرکز است و نقاط قوت آثار علمی یا انکار می‌شود یا مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد. همچنین، در کنار بیان ضعف‌ها به ندرت شاهد ارائه راه‌حل هستیم. به طور کلی، در نقد یک ایده و اثر علمی باید توجه داشت که تنها اندیشه‌ها را مورد بررسی قرار دهیم و به هیچ روی به حریم شخصی و شخصیت صاحبان ایده تعرض نشود. همسو با این یافته، درودی (۱۳۹۳) از نقد به عنوان سازوکاری برای اصلاح و بهبود کیفیت آثار و اندیشه‌ها، شناخت مناسب و سودمند اطلاعات می‌داند. وی از نقدسازنده به عنوان یک نیاز اساسی در محافل علمی نام می‌برد و معتقد است که نقد سازنده به معنی اشتباه شمردن نیست و در آن ناقد به دنبال ارائه پیشنهادهایی برای بهبود است، وی نقد مخرب که در آن هدف نابود کردن و از بین بردن طرف مقابل و بی‌اعتبار کردن و بی‌ارزش نشان دادن اندیشه صاحب اثر است را مورد مذمت قرار می‌دهد.

در مجموع، نظام نامه اخلاق پژوهش روایتی از دغدغه‌های پژوهشگران یک موسسه پژوهشی است که بخشی از آن ریشه در سه دهه‌ای تجربیات پژوهشی زیسته آنها دارد و بخشی دیگر حاصل تعامل با دستاوردهای جهانی در عرصه اخلاق پژوهی در حوزه پژوهش علوم انسانی می‌باشد. این نظام‌نامه مدعی ترسیم روایتی کامل از اخلاق پژوهش نیست ولی در آن تلاش شده است که به زبانی ساده به ترسیم ابعاد، مولفه‌ها و مصادیق قلمرو اخلاق پژوهش در یک موسسه پژوهشی بپردازد. به نظر می‌رسد این نظام‌نامه بتواند به عنوان مبنایی برای کمک به تصمیم‌گیری اخلاقی در موقعیت‌های چالش‌زا مورد استفاده قرار بگیرد. علاوه بر این، این نظام نامه از ظرفیت خوبی برای آموزش اخلاق پژوهش به پژوهشگران و دانشجویان حوزه تعلیم و تربیت برخوردار است. موضوعی که به نظر می‌رسد جای آن در فضای موسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور خالی است و خلاء آموزش‌های کارآمد ممکن است یکی از دلایل بداخلاقی‌های کنونی در عرصه پژوهش در ایران باشد. مطالعه حاضر تنها گام اولیه‌ای برای بیان چارچوب یک نظام‌نامه اخلاقی در فضای پژوهش‌های تربیتی است و نیاز است که بتوان با تأملات بیشتر قلمروی آن را برای دربرگرفتن تحولات نوین در حوزه پژوهش‌های وب محور و جایگاه خود موسسات پژوهشی در اخلاق پژوهش گسترش داد. به هر حال، این نظام نامه بیش از آنچه ابزاری برای کنترل فعالیت پژوهشی یک پژوهشگر باشد، برای بالا بردن حساسیت پژوهشگران تعلیم و تربیت در خصوص انتظارات از آنها و چگونگی برخورد با مسئله‌ها هنگام اجرای یک پژوهش تربیتی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

فهرست منابع

۱. اترک، حسین. (۱۳۹۶). چيستی علم‌ریایی در اخلاق پژوهش، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۲ (۳)، ۱۹-۹.
۲. ایمان، محمدرقی، جلیلی، روح‌الله، غفاری نسب، اسفندیار، طبیعی، منصور (۱۳۹۵) داوری اخلاقی بر مبنای استثنایی‌سازی موقعیت: کاوشی پدیدارشناختی اخلاق پژوهش، پژوهش‌های اخلاقی، ۷ (۱)، ۳۷-۱۹.
۳. درودی، فریبرز (۱۳۹۳). درآمدی بر انواع نقد و کارکردهای آن، مجله نقد کتاب و اطلاع‌رسانی و ارتباطات، ۳ (۴)، ۲۳۴-۲۲۱.
۴. جمیلی کهنه‌شهریری، فاطمه، سدیدپور، سمانه (۱۲۹۳) کدهای اخلاق پژوهش در تجربه‌های زیسته نخبگان علوم اجتماعی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۹ (۴)، ۱۲-۱.
۵. جوادپور غلامحسین. (۱۳۹۶) تعیین معرفتی و مبانی نظری «بایسته‌های اخلاقی دانشجویی» (اخلاق علم)، پژوهش‌نامه اخلاق، ۱۳۹۶؛ ۱۰ (۳۷): ۸۵-۱۰۶.
۶. حسینیان، سیمین. (۱۳۸۶) بررسی و مقایسه نظام‌نامه‌های اخلاقی مشاوره در کشورهای مختلف، فصلنامه تازه‌های و پژوهش‌های مشاوره، ۴ (۱۳)، ۳۴-۹.
۷. سازمان نظام روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی (۱۳۸۷) نظام‌نامه اخلاقی، تازه‌های روان‌درمانی، ۵۰ (۴۹)، ۱۴۸-۱۳۷.
۸. قادری، مصطفی؛ سلیمی، مریم؛ و بلندهمتان، کیوان (۱۳۹۴). آگاهی و توجه اساتید و دانشجویان نسبت به استانداردهای اخلاق در پژوهش، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۰ (۴)، ۹۷-۸۵.
۹. نصیری همراه، عاطفه. (۱۳۹۶). اخلاق در پژوهش‌های علوم رفتاری: دیدگاه صاحب‌نظران روش‌شناسی، مجله اخلاق پزشکی، ۱۱ (۴۱)، ۳۶-۲۵.
۱۰. ویژه، محمدرضا، رضائی، آزاد. (۱۳۹۷). استانداردهای اخلاقی و رفتاری: خوانش حقوقی و آثار اجتماعی آن‌ها، پژوهش‌های اخلاقی، ۹ (۱)، ۲۶۸-۲۴۳.
۱۱. یاری قلی، بهبود. (۱۳۹۷) آسیب‌شناسی اخلاق پژوهش دانشگاهی: مطالعه پدیدارشناسی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۳ (۱)، ۱۳۴-۱۲۷.
12. Akhondzadeh S. Iranian science shows world's fastest growth: ranks 17th in science production in 2012. *Avicenna J Med Biotechnol* 2013;5(3):139.
13. Bain, L. E., Ebuenyi, I. D., & Ekukwe, N. C. (2018). Rethinking research ethics committees in low- and medium-income countries. <http://doi.org/10.1177/1747016117692026>
14. BERA (British Educational Research Association) (2018). Ethical guidelines for educational research. *London: British Education Research Association*. <https://www.bera.ac.uk/researchers->

resources/publications/ethical-guidelines-for-educational-research-2018.

15. Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3, 77-101.
16. Burrows, D., & Kendall, S. (1997). Focus groups: What are they and how can they be used in nursing and health care research? *Social Sciences in Health*, 3, 244-253.
17. Busch, P., & Bilgin, A. (2014). Student and staff understanding and reaction: Academic integrity in an Australian university. *Journal of Academic Ethics*, 12(3), 227-243.
18. Carter, S. (2002). *How much subjectivity is needed to understand our lives objectively?* *Qualitative Health Research*, 12, 1184-1201.
19. Cornwall, A., & Jewkes, R. (1995). What is participatory research? *Social Science and Medicine*, 14, 1667-1676.
20. Charmaz, K. (2006). *Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis*. London, UK: Sage Publications Inc.
21. Clarke, V. & Braun, V. (2013) Teaching thematic analysis: Overcoming challenges and developing strategies for effective learning. *The Psychologist*, 26(2), 120-123.
22. Cornwall, A., & Jewkes, R. (1995). What is participatory research? *Social Science and Medicine*, 14, 1667-1676
23. Creager A and Haldon J (2010) Responsible conduct of research workshop, 14-15 June. Available at: www.princeton.edu/gradschool/about/docs/academics/HIS-HOS_503_RCR_syllabus_Final.pdf (accessed 1 April 2015).
24. Elo, S., Kääriäinen, M., Kanste, O., Pölkki, T., Utriainen, K., & Kyngäs, H. (2014). Qualitative content analysis: A focus on trustworthiness. *SAGE open*, 4(1), 2158244014522633.
25. Forero, D. A., & Moore, J. H. (2016). Considerations for higher efficiency and productivity in research activities.
26. Giraud, C., Cioffo, G. D., & Chaves, C. R. (2018). Navigating research ethics in the absence of an ethics review board: The importance of space for sharing. <http://doi.org/10.1177/1747016117750081>
27. Goodwin, D., Pope, C., Mort, M., & Smith, A. (2003). Ethics and ethnography: An experiential account. *Qualitative Health Research*, 13, 567-577.
28. Gray, B., Hilder, J., Macdonald, L., Tester, R., Dowell, A., & Stubbe, M. (2017). Are research ethics guidelines culturally competent?. *Research Ethics*, 13(1), 23-41.

29. Greenbaum, T. L. (1998). *The handbook for focus group research*. Sage.
30. Israel, M., & Hay, I. (2007). Research ethics for social scientists. *Social Work & Social Sciences Review*, 12(3), 79-83.
31. Katoch, K. S. (2013). Academic dishonesty: Issues and challenges. *Pedagogy of Learning*, 1(2), 104-110.
32. Kiri, B., Lacetera, N., & Zirulia, L. (2018). Above a swamp: A theory of high-quality scientific production. *Research Policy*, 47(5), 827-839.
33. Kitzinger, J. (1994). Focus groups: method or madness?. *Challenge and innovation. Methodological advances in social research on HIV/AIDS*, 159-75.
34. Krueger, R. A., & Casey, M. A. (2000). *Focus groups: A practical guide for applied research*, 4th ed. Thousand Oaks, CA: Sage Publications Inc.
35. Kuokkanen, R. (2010). The responsibility of the academy: A call for doing homework. *Journal of Curriculum Theorizing*, 26(3).
36. Laverack, G. R., & Brown, K. M. (2003). Qualitative research in a cross-cultural context: Fijian experiences. *Qualitative Health Research*, 13(3), 333-342.
37. Lewis JD and Weigert A (1985) Trust as a social reality. *Social Forces* 63: 967-985.
38. Maguire, M., & Delahunt, B. (2017). Doing a thematic analysis: A practical, step-by-step guide for learning and teaching scholars. *AISHE-J: The All Ireland Journal of Teaching and Learning in Higher Education*, 9(3).
39. Martin, B. R. (2013). Whither research integrity? Plagiarism, self-plagiarism and coercive citation in an age of research assessment.
40. McCain, K. H. 1991. Communication, competition and secrecy: the production and dissemination of research-related information in genetics. *Science, Technology & Human Values*, Vol.16: 4, 491-516.
41. Miller, T., Birch, M., Mauthner, M., & Jessop, J. (Eds.). (2012). *Ethics in qualitative research*. **London: Sage**.
42. Monroy, S. E., & Diaz, H. (2018). Time series-based bibliometric analysis of the dynamics of scientific production. *Scientometrics*, 1-21.
43. Morgan, D. L. (2002). Focus group interviewing. In J. F. Gubrium, & J. A. Holstein (Eds.), *Handbook of interviewing research: Context & Method*

- (pp. 141–159). Thousand Oaks, CA: Sage Publications Inc.
44. Nowell, L. S., Norris, J. M., White, D. E., & Moules, N. J. (2017). Thematic Analysis: Striving to Meet the Trustworthiness Criteria. *International Journal of Qualitative Methods*, 16 (1), 1-13.
45. Papadopoulos, I., & Lees, S. (2002). Developing culturally competent researchers. *Journal of advanced nursing*, 37(3), 258-264.
46. Peterson, R. L., Peterson, D. R., Abrams, J. C., Stricker, G., & Ducheny, K. (2010). The National Council of Schools and Programs of Professional Psychology Educational Model—2009. In M. B. Kenkel & R. L. Peterson (Eds.), *Competency-based education for professional psychology* (pp. 13–42). Washington, DC: American Psychological Association.
47. Ralefala, D., Ali, J., Kass, N., & Hyder, A. (2016). A case study of researchers' knowledge and opinions about the ethical review process for research in Botswana. *Research Ethics*, 1747016116677250.
48. Resnik, D. B. (2011). What is ethics in research & why is it important. *National Institute of Environmental Health Sciences*, 1-10.
49. Roberts, L. W. (2017). Addressing authorship issues prospectively: a heuristic approach. *Academic Medicine*, 92(2), 143-146
50. Stone, R. (2016) In Iran, a shady market for papers flourishes, retrieved from: <http://science.sciencemag.org/content/353/6305/1197>.
51. Sugiura, L., Wiles, R., & Pope, C. (2017). Ethical challenges in online research: Public / private perceptions. <http://doi.org/10.1177/1747016116650720>
52. Thompson, G. (2001). Interaction in academic writing: Learning to argue with the reader. *Applied linguistics*, 22(1), 58-78.
53. Van Manen, M. (2016). *Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy*. Routledge.
54. Wiles, R., Charles, V., Crow, G., & Heath, S. (2006). Researching researchers: lessons for research ethics. *Qualitative Research*, 6(3), 283-299.
26. Yeager, K. A., & Bauer-Wu, S. (2013). Cultural humility: Essential foundation for clinical researchers. *Applied Nursing Research*, 26(4), 251-256.

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۱۲۴ - ۱۰۹

چالش‌های اخلاقی کاربرد فناوری نانو تکنولوژی در کشف جرم

^۱ رضا سعودی
^۲ سید قاسم زمانی
^۳ ابومحمد عسگرخانی

چکیده

پیچیدگی‌های موجود در روابط اجتماعی در جهان امروز، نحوه ارتکاب جرایم را پیچیده کرده و کشف جرایم پیچیده نیازمند ابزارهای اخلاقی، پیچیده و فنی است و دیگر از طرق سنتی و دیرین نمی‌توان به همه نیازهای جامعه برای کشف جرم پاسخ داد. به همین روی فناوری نانو همانند دیگر زمینه‌های علمی، در علوم جنایی نیز وارد شده است و از شناسایی گرفته تا منحصراًسازی و ارزیابی اسناد و ادله جمع‌آوری شده در صحنه جرم کاربرد فراوان پیدا کرده است. فناوری نانو با توجه به قابلیت‌های فراوان آن در تشخیص و آشکارسازی سریع و دقیق آثار جرم، می‌تواند در راستای جلوگیری از وقوع جرم و شناسایی متخلفان موثر باشد. استفاده از این فناوری در تشخیص DNA و انگشت‌نگاری می‌تواند راه‌های جدید و علمی برای آشکارسازی و بهبود آثار پنهان حاوی DNA و انگشت ارائه نماید که در غیر این صورت کشف نشده باقی خواهند ماند. امروزه گستره فعالیت‌های پلیس جنایی با بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین تجهیزات و امکانات فناوری زیستی و نانو، وسیعتر شده و امروزه استفاده از میکروسکوپ الکترونی، نانوحسگرها، حسگرهای زیستی و روش‌های گوناگون طیف بینی، در آزمایشگاه‌های جنایی معتبر پلیس رایج شده است و کشف حقیقی جرم بدون باقی‌ماندن کوچکترین ابهام و با پیشرفت فناوری نانو همراه گردیده است. همچنین، ملاحظات اخلاقی در بهره‌گیری از این فناوری مورد توجه پژوهشگران است.

واژگان کلیدی

چالش‌های اخلاقی، فناوری نانو، تکنولوژی، مالکیت فکری، کشف، جرم.

-
۱. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد امارات متحده عربی، دبی.
Email: dr.rezasoudi@gmail.com
 ۲. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول).
Email: Drghzamani@gmail.com
 ۳. استادیار دانشگاه تهران.
Email: asgarkhani@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۶ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۲/۷

طرح مسأله

فناوری نانو یا موج آینده، هنر و علم تغییر چیزها در سطح اتمی یا مولکولی است. ذرات نانو همه جا در طبیعت وجود دارند؛ آنها را می‌شود در آتش، دود، ویروس‌ها، پروتئین‌ها، فوران آتشفشانی، مواد معدنی، خاک رس، مه، شر و خون، پوست، شاخ، مو، منقار، بال حشرات، برگ سدر، پای مارمولک و غیره یافت. این نانوذرات طبیعی، به صورت طبیعی خطرناک نیستند و به راحتی از طریق سیستم دفاعی بدن انسان دفع می‌شوند. همچنین نانوذراتی نیز وجود دارند که محصول فرعی ساخته‌های بشری‌اند، مثل ذرات حاصل از دود پخت و پز، فاضلاب‌های صنعتی و غیره. با این حال این شرایط با تغییر آگاهانه نانوذرات طبیعی به نانو مواد مهندسی شده تغییر می‌کند. نانومواد طبیعی موضوع علم نانوی مدرن و فناوری نانو نیستند و بنابراین مطالعه علم نانو و فناوری نانو درباره نانوذرات طبیعی نیست. در عوض پژوهش‌های مدرن علم نانو و فناوری نانو به نانومواد مهندسی شده‌ای می‌پردازد که می‌توانند آگاهانه و با هدفی خاص در محیط آزمایشگاهی اصلاح شوند و خاصیت‌های متفاوتی پیدا کنند. بر همین اساس قرن ۲۱، قرن فناوری نانو نام یافته است و با شتابی فوق‌العاده، تمدن بشر را تغییر خواهد داد. علم کشف جرایم نیز با توجه به تجهیز مجرمین به فناوری روز باید خود را به فناوریهای نانو مجهز نماید.

در صحنه‌های انفجار عمدی و یا بمباران، مواد منفجره عمل کرده و این مواد در این حالت در مقادیر بسیار جزئی و میکروسکوپی هستند که نانو تکنولوژی با افزایش حد تشخیص و بالا بردن حساسیت می‌تواند در شناسایی این مقادیر، ولو در حد بسیار جزئی و ناچیز، برای کارشناسان علوم جنایی راهگشا باشد.

بدیهی است که افزایش جرم و جنایت، احساس امنیت را از جامعه می‌زداید؛ به طوری که این امر باعث وحشت و اضطراب عموم مردم خواهد شد. همین امر عاملی شد تا احساس نیاز به تقویت توان مقابله علمی با مجرمان در نیروی پلیس ایجاد شود و تشخیص هویت پلیس آگاهی با هدف جمع‌آوری پیشینه مجرمان از طریق حفظ و نگهداری آثار انگشت آنان، تعیین هویت، بررسی علمی صحنه جرم، جمع‌آوری صحیح دلایل و مدارک باقی مانده در صحنه جرم به خصوص آثار بیولوژیکی حاوی DNA و روش‌های آزمایشگاهی نوین با تجزیه و تحلیل آثار به دست آمده از صحنه جرم پایه‌گذاری شود.

قانونگذار نیز موضوع کشف علمی جرایم با دانش روز را جدی گرفته و ظاهراً خلأیی در این رابطه به نظر نمی‌رسد. کشف جرم و جمع‌آوری دلایل علیه فرد مشخص به عنوان متهم جرم از وظایف دادستان‌هاست. امروزه از طریق علم و با کمک میکروسکوپ، آزمایشات خونی، آثار انگشت و لکه‌ها و سیستم میکروبیولوژی انواع و اقسام روش‌های شیمیایی و آناتومی و علوم طبیعی و روش‌های روانشناسی می‌توان محل وقوع جرم را کاملاً و به صورت دقیق بررسی و

مجرم را شناسایی کرد.

اخیراً فناوری جدید تجزیه و تحلیل نمونه در مقیاس نانو نیز در حوزه ژنتیک، پزشکی، شیمی تجزیه در شاخه‌های مختلف علوم جنایی کاربرد فراوانی پیدا کرده است. ورود نانوتکنولوژی به علوم جنایی از دو مسیر می‌باشد. کاربرد نانوتکنولوژی می‌تواند به صورت تشخیص و تجزیه و تحلیل نمونه‌ها در ابعاد و مقیاس نانو باشد که با روش‌های مرسوم و روتین تجزیه و تحلیل اسناد و شواهد کمی در مقادیر بسیار کم امکانپذیر نمی‌باشد. علاوه بر این مواد نانو، با داشتن خواص ویژه و منحصر به فرد خود، می‌توانند به جمع‌آوری و تشخیص اسناد و شواهدی که قبلاً قابل شناسایی و تجزیه و تحلیل نبودند کمک شایانی کنند.

بررسی کاربرد فناوری نانو تکنولوژی در کشف جرم جنبه نوآوری تحقیق را آشکار می‌سازد و مهمترین هدف این پژوهش در بررسی این موضوع دادن بینش جهت انتخاب روشهای ارتقاء فنی تجهیزات مراجع علمی کشف جرم همچون اداره تشخیص هویت و انگشت‌نگاری، مطابق فناوری روز در عرصه نانو می‌باشد.

لازم به ذکر است با توجه به رفتارهای غیر قابل پیش بینی ساختارهای نانو نسبت به اشکال اولیه و عدم دانش فعلی نسبت به عملکرد این ساختارها در محیط‌های بیولوژیک و رسمیت بالقوه آنها، به نظر می‌رسد ضوابط اخلاقی بر نحوه ساخت و اثرات آن در محیط زیست پیرامونش، نیاز به تدوین راهکارهایی دارد تا از وقوع فجایعی که می‌تواند از کشف مواد خاص عناصر سنگین و ارتباط آن یا ایجاد سرطان، خطرناک تر باشد جلوگیری به عمل آید.

۱- مفاهیم

استفاده از مواد نانو برای بهبود محصولات گوناگون پیشینه‌ای دراز دارد. تاریخ حاکی از آن است که دست کم در قرن ۴ میلادی، مردم تکنیک استفاده از نانوذرات را در حوزه‌های گوناگون می‌دانسته‌اند. کاریکاتوربست‌ها و نویسندگان داستان‌های علمی تخیلی عصر مدرن نیز به معرفی برخی مفاهیم و ایده‌ها در این حوزه کمک کرده‌اند. با این حال تاریخ مدرن نانوتکنولوژی با سخنرانی تاریخ ساز نابغه و برنده جایزه نوبل، "ریچارد فاینمن" در جلسه انجمن فیزیک آمریکا، در موسسه فناوری کالیفرنیا در ۲۹ دسامبر ۱۹۵۹، با عنوان «آن پایین‌ها یه عالمه جا هست» آغاز شد. در این سخنرانی، فاینمن از امکان جابجا کردن اتم‌های اشیاء سخن گفت. نانوتکنولوژی نخستین بار به وسیله "نوریو تانی گوچی" پروفیسور ژاپنی، در سال ۱۹۷۴ البته در حوزه ماشین‌کاری مافوق نرم ابداع شد. "کی اریک" در کسلر از افراد برجسته‌ای است که این مفهوم را به عموم شناساند.^۱

1- Wasson, Andrew, *protecting the next small thing: nanotechnology and the reverse doctrine of equivalents*, DUKEL. & TECH.REV, 2004, p 62.

فناوری نانو واژه‌ای است کلی که به تمام فناوری‌های پیشرفته در عرصه کار با مقیاس نانو اطلاق می‌شود که ذیلاً قابل بررسی است.

۱-۱- تعریف نانو

نانو، یک واحد اندازه‌گیری است مشابه متر، کیلومتر، سانتیمتر، میلی‌متر، فوت، اینچ، بایت، کیلوبایت، گیگابایت، ترابایت، ... واژه نانو همچون بسیاری پیشوندهای اندازه‌گیری دیگر از واژه یونانی نانوس^۱ به معنی کوتوله/مرد بسیار کوتاه قامت، گرفته شده است و معادل یک بیلیونیم است. نانومتر یعنی یک بیلیونیم متر یا یک میلیونیم میلی‌متر. کلمه نانو اکنون ارزش تجاری فراوانی یافته و جامعه تجاری از این واژه اغلب در معنای چیز بسیار کوچک و چیزی که در مقیاس کم کار می‌کند یاد می‌کند. یکی از نکات مهمی که در اینجا باید اشاره شود این است که در مقیاس نانو ذرات در مقایسه با حالتی که در جسم مجتمع هستند رفتار متفاوتی دارند و همین امر مانع از این شده است که مسئولین بتوانند به تصمیم جمعی برای کنترل و نظارت بر مواد نانو برسند.^۲

۱-۲- تعریف فناوری نانو

فناوری نانو، علم دستکاری ماده در محدوده ۱۰۰-۱ نانومتر است. این فناوری قابلیت‌ها و مزایای زیادی را برای بهتر زیستن و پیشرفت‌های سریع پزشکی و اقتصادی فراهم کرده است. از این فناوری برای ساخت نانو لوله‌های کربنی، انتقال دارو، درمان، تشخیص بیماریها و اندازه‌گیری مواد استفاده می‌شود.^۳ علوم و فناوری مقیاس نانو، زیست‌شناسی و ژنتیک ملکولی و علوم رایانه و فناوری اطلاعات مولفه‌های انقلاب علمی - صنعتی سوم را تشکیل می‌دهند.^۴

در تعریفی بیان شده است که نانو تکنولوژی، توانمندی تولید مواد، ابزارها و سیستم‌های جدید با در دست گرفتن کنترل در سطوح ملکولی و اتمی و استفاده از خواص است که در آن سطوح ظاهر می‌شود. از همین تعریف ساده بر می‌آید که نانو تکنولوژی یک رشته جدید نیست، بلکه رویکردی جدید در تمام رشته‌هاست. برای نانو تکنولوژی کاربردهایی را در حوزه‌های مختلفی از غذا، دارو، تشخیص پزشکی و بیوتکنولوژی تا الکترونیک، کامپیوتر، ارتباطات، حمل و نقل، انرژی محیط زیست، مواد، هوا فضا و امنیت ملی بر شمرده‌اند. کاربردهای وسیع این عرصه

1- Nannos.

2- Sylvester, Douglas, *not again, public perception, regulation and nanotechnology*, REG. & Governance, 2009, p 18.

۳- حیدری، علی احسان، «ملاحظات اخلاقی در به کارگیری فناوری نانو»، اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۸۶، ص ۲۳.

۴- رفیعی تبار، هاشم، «یجاد و گسترش علوم و فناوری نانو در ایران»، مجله پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۵، ۱۳۸۱، ص ۱۸۷.

به همراه پیامدهای اجتماعی، سیاسی و حقوقی آن، این فناوری را به عنوان یک زمینه فرا رشته‌ای و فرابخش مطرح کرده است.^۱

عمده موارد کاربرد علم نانو شامل موارد ذیل می باشند:

- ۱- کنترل بهداشت و بیماریها
- ۲- مبارزه با عوامل بیماری زا در مقاطع مدت‌دار زمانی
- ۳- تولید واکسن‌های دامی با استفاده از نانومولکولها مورد توجه زیادی می‌باشد.
- ۴- تعیین و شناسایی بسیار جزئی آلودگی‌های شیمیایی، ویروسی یا باکتریایی
- ۵- تولید دندریمر
- ۶- تولید پلیمرهای سنتزی^۲

اکنون تعاریف زیادی از فناوری نانو در دست است. دو تعریف عمده این واژه از این قرار است:

الف) تعریف تک محور که به وسیله سازمان‌های مختلفی همچون کمیسیون اروپا ارایه می‌شود و دلالت‌هایی در زمینه سیاست‌گذاری در این حوزه دارد؛

ب) تعریف فهرست محور که به وسیله اداره ثبت اختراعات اتحادیه اروپا تهیه شده و شامل فهرستی از کاربردهای نانوتکنولوژی است؛ مواردی چون نانوبیوتکنولوژی، نانوالکترونیک، نانومواد و غیره، و برای شرکت‌های فعال در این حوزه مفید است.

تحلیل دقیق تمامی تعاریف تک محور موجود حاکی از آن است که عمده این تعاریف از تعریفی ناشی می‌شود که ستاد ویژه توسعه فناوری نانو در ایالات متحده^۳ ارایه داده است. با این حال، NNI در اطلاق نانوتکنولوژی به چیزها، محدودیت‌هایی قائل است و این واژه را تنها در صورتی به کار می‌برد که تمامی ویژگی‌های زیر وجود داشته باشد:

- توسعه فناوری تحقیقات در سطوح اتمی، مولکولی و یا ماکرومولکولی در مقیاس اندازه ای ۱ تا ۱۰۰ نانومتر

- خلق و استفاده از ساختارها و ابزار و سیستم‌هایی که به خاطر اندازه کوچک یا حد میانه آنها، خواص و عملکرد نوینی دارند؛

- توانایی کنترل یا دستکاری در مقیاس اتمی^۴

۱- عباسی، ایمان، «فناوری نانو چیست؟»، کتاب ماه علوم و فنون، شماره ۸۷ و ۸۸، ۱۳۸۴، تیر و مرداد، ص ۹۲.
۲- مرادی، محمدحسین، دیگران، «جایگاه فناوری نانو در توسعه صنعت کشاورزی»، فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، شماره ۱۵، ۱۳۸۶، ص ۳۹-۳۶.

3- NNI.

۴- نقدی، یزدان و دیگران، «ثرات گسترش فناوری نانو تکنولوژی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب»، مدلسازی اقتصادی، سال هفتم، شماره ۲۱، ۱۳۹۲، ص ۸۶.

تمامی این ویژگی‌ها، یعنی داشتن مقیاس نانو، ساخت و کاربرد ساختارها و ابزار و توانایی کنترل، نانوتکنولوژی عصر حاضر را از نانوتکنولوژی طبیعی، تصادفی یا زیست محیطی متمایز می‌کند.

۱-۳- تعریف نانوذره

نانوذره را رشته معجزه آسا یا جادویی می‌دانند. این ذرات بر سه نوعند: نانوذرات مهندسی شده (به آنها نانوذرات صنعتی یا تولیدشده یا غیرارگانیک هم می‌گویند مثل نانوذرات طلا یا نقره)، نانوذرات تصادفی (مثل ذراتی که در بخارهای حاصل از جوشکاری، آسپزی یا آگروز ماشین وجود دارد)، و دیگری نانوذرات حاصل از جریان‌ات طبیعی (مه نمک حاصل از اقیانوس، یا آتش سوزی در جنگل‌ها). از سه بعد یک ماده یعنی طول، عرض و ارتفاع، موادی که یکی از ابعاد آنها در مقیاس نانومتر باشد، نانولایه نامیده می‌شوند؛ موادی که دو بعد این چینی داشته باشند نانو رشته و موادی که هر سه بعد آنها در این مقیاس باشد نانوذره نام دارند.

۱-۴- نانو مواد

نانو مواد، موادی هستند که دست کم یکی از ابعاد آنها در مقیاس نانومتر باشد و حداقل نیمی از ذرات آنها نانو ذره باشند یعنی اندازه آنها بین ۱۰۰-۱ نانومتر باشد. به عبارت ساده، نانو ماده، به موادی اطلاق می‌شود که با استفاده از نانوذرات ساخته شده‌اند. کمیسیون اروپا^۱ در گزارشی درباره ملاحظاتی در تعریف نانو ماده با اهداف نظارتی، کلیه تعاریف ارائه شده توسط سازمان‌های بین‌المللی نظیر OECD، اتحادیه اروپا، هیات علمی رسیدگی به مخاطرات تازه ظهور در عرصه سلامت، سازمان نظارت بر محصولات آرایشی اتحادیه اروپا و غیره را در نظر گرفته است؛ همچنین تعاریفی که در تدوین قوانین شهرداری در کشورهای مختلف نظیر استرالیا، کانادا، دانمارک، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا وجود دارد لحاظ شده‌اند. EC نانو ماده را موادی تعریف می‌کند که ابعاد ساختارهای داخلی و یا خارجی آنها در محدوده نانومتر قرار می‌گیرد؛ در این محدوده اغلب ۱۰۰ نانومتر، حد و اندازه‌ای است که مقیاس نانو را از مقیاس‌های میکرو و ماکرو جدا می‌کند. هر چند تلاش اتحادیه اروپا مورد استقبال واقع شده، این تعریف مورد انتقادهایی هم قرار گرفته است. شورای صنایع شیمیایی اروپا^۲ که مرکز آن در بروکسل واقع است، به این نتیجه رسیده که این تعریف، تعریف گسترده‌ای است و نمی‌توان از آن به شکل معناداری در تدوین قوانین استفاده کرد چرا که محدودیت‌های غیرضروری برای شرکت‌ها ایجاد می‌کند، هزینه‌های اضافی بر آنان تحمیل می‌کند، باعث کاهش استفاده موثر از منابع و موادی می‌شود که عمرشان به چندین دهه می‌رسد؛ مثلاً طبق این تعریف رنگدانه‌های معدنی مورد

1- European Commission. (EC)

2- Cefic European Chemical Industry Council. (CEFIC)

استفاده در رنگ ها و سایر محصولات می شود که هر روزه تولید می شوند جز دسته نانومواد قرار می گیرند.

هر چند قاعدتاً پیش بینی می شود که تعریف نانو مواد لازمه هر نوع عملیات نظارتی است، این تعریف باز هم نمی تواند همه مشکلات را برطرف کند. "اندروماینارد" یکی از کارشناسان برجسته که معتقد بود باید تعریفی از نانو به دست داده شود بعدها متوجه شد برای این فناوری ممکن است یک اندازه مناسب برای همه مناسب نباشد، بنابراین بهتر است مواد نانو را به صورت موردی تعریف کرد. کمیسیون اروپا نیز از لحاظ جنبه ایمنی نانومواد مهندسی شده، روش موردی را ترجیح می دهد.^۱

۲- کاربرد نانو تکنولوژی در کشف آثار انگشت صحنه جرم

محققان، روش های جدیدی را برای تشخیص اثر انگشت بر پایه نانو ذرات و به خصوص نانو ذرات عامل دار شده ارایه داده اند. یکی از این کارها، ارایه پودرهایی است که در مقایسه با پودرهای کلاسیک بسیار پیشرفته اند. استفاده از نانو ذرات فلزی برای تشخیص اثر انگشت در انواع سطوح از سال ۲۰۰۸ مورد توجه محققان علوم جنایی قرار گرفته است. در این میان بیشترین توجه به نانو ذرات فلزی طلا و نقره معطوف گشته است. اخیراً فناوری چند فلزی بر اساس نانو ذرات طلا و بهبود دهنده های فیزیکی براساس نانو ذرات نقره بسیار مورد توجه قرار گرفته اند. که در ذیل به تشریح آن خواهیم پرداخت.

۲-۱- استفاده از نانوذرات اکسید تیتانیوم برای ظهور آثار انگشت

پژوهشگران استرالیایی موفق به کشف روش جدیدی برای ظهور آثار انگشت پنهان روی سطوح بدون حفره، مانند پلاستیک، فلز و سطوح شیشه ای رنگی و... شده اند. معمولاً برای ظاهر کردن آثار انگشت پنهان روی سطوح بدون حفره از پودرهای معمولی استفاده می شود. این پودرها به باقی مانده چربی یا آبی اثر انگشت چسبیده، یک اثر پایدار و مرئی را برای عکاسی تشکیل می دهد. ترکیب کشف شده شامل نانوذرات اکسید تیتانیوم است که به دلیل داشتن خواص بصری، الکتریکی و فوتوکاتالیزوری، به طور گسترده ای مطالعه شده است.^۲

ممکن است بتوان از این نانوذرات به صورت یک خمیر نقاشی، اسپری محلول یا حتی به صورت شناور در یک شناساگر ویژه استفاده کرد، حتی شاید بتوان با استفاده از آن اثر انگشت روی سطوح چسبناک و خارجی نوارهای الکتریکی تیره رنگ و نوارهای لوله ای را نیز آشکار ساخت. به هر حال از خواص مهم این ماده، جذب سطحی ترکیب ها و عمل کردن آن به عنوان

1- Ju-Nam, Yon, *manufactured nanoparticles in related to pleural effusion*, respiratory journal, 2009, p 61.

۲- گذری بر فناوری نانو در علوم مختلف، ۱۳۸۷، ماهنامه فناوری نانو، شماره ۱۳۴، آذر، ص ۷۸.

یک درخشان کننده نوری است که می‌تواند برای کارشناسان قانونی بسیار جالب توجه باشد. در این پژوهش دانشمندان استرالیایی از مزدوج شدن نانوذرات اکسید تیتانیوم با رنگ دانه‌های بسیار پایدار مثل پرلین و پرلین دی آمین استفاده کرده‌اند. محدوده جذبی این رنگ دانه‌ها در گستره طول موج‌های قرمز تا بنفش و حتی سیاه قرار می‌گیرد. این پژوهشگران پیش‌بینی کرده‌اند که ترکیب کردن ذرات اکسید تیتانیوم با یک رنگ دانه فلورسنت قوی حاوی استخلاف‌های چربی دوست، کارآیی اکسید تیتانیوم را در آشکار کردن آثار انگشت پنهان افزایش می‌دهد. در پایان این بررسی، پژوهشگران با استفاده از اولئیل آمین و ۱۰، ۹، ۴، ۳- پرلین تراکربوکسیلیک دی انیدرید، موفق به تهیه مشتق جدید پرلین دی ایمید شدند و پس از پوشش دادن نانو ذرات اکسید تیتانیوم با این رنگ دانه جدید، متوجه شدند که این ترکیب چندسازه در محدوده ۷۰۰-۶۵۰ نانومتر، فلورسانس قوی‌ای را نشان داده، در طول موج ۵۰۵ نانومتر (سبز - آبی) برانگیخته می‌شود. با وجود این ویژگی‌ها اما نمی‌توان از آن برای ظهور آثار انگشت روی سطوح چوبی استفاده کرد. بر این اساس دانشمندان در حال بررسی دیگر نانوذرات اکسید فلزی قابل استفاده برای سطوح چوبی و سطوح دیگر هستند.^۱

دکتر Menzel، از نانو کریستال‌های نیمه هادی کادمیم - سولفید پوشش‌دار شده با دیوکتیل سولفوسوکسینات برای افزایش وضوح اثر انگشت استفاده کرد و هدف آن از استفاده از نانوذرات، افزایش وضوح اثر انگشت مرئی شده با سیانواکریلات بود.^۲

Worley و همکارانش در آزمایشگاه لس آلامس یک روش جدید با استفاده از میکرو فلورسانس اشعه ایکس برای تشخیص تصویر اثر انگشت توسعه دادند. در روش‌های رایج، که در آن از مواد شیمیایی برای تشخیص اثر انگشت استفاده می‌شود، اثر انگشت از واکنش بین واکنشگرهای شیمیایی و آمینواسیدها و اسیدهای چرب اثر انگشت مرئی می‌شود، حال آنکه در روش میکرو فلورسانس اشعه ایکس، اجزای معدنی اثر انگشت تشخیص داده می‌شود و از مزایای عمده آن، ماهیت غیر تخریبی بودن روش و پایداری بالای اجزای معدنی برشمرده می‌شود. در طول تجزیه و تحلیل، اثر انگشت دست نخورده باقی می‌ماند و می‌تواند برای تجزیه و تحلیل‌ها و آزمایش‌های بیشتری مورد استفاده قرار گیرد. بیشتر اجزای معدنی تشکیل دهنده اثر انگشت، یون‌های کلرید و پتاسیم می‌باشد. سایر اجزای معدنی اثر انگشت که توسط روش میکرو

۱- همان، ص ۷۸.

۲- مرادی، نسرین سادات و معروفی، یونس، ۱۳۹۳، کاربرد نانوتکنولوژی در کشف علمی جرم، مجله کارآگاه، دوره دوم، سال هفتم، شماره ۲۸، پاییز، ص ۹۱.

فلورسانس اشعه ایکس تشخیص داده می شود سیلیکون، کلسیم و آلومینیم می باشد.^۱ نانو ذرات اکسیدی به دلیل ویژگی های نوری شان، یعنی رنگ و فلورسانس، برای شناسایی اثر انگشت مناسب هستند؛ زیرا هم به صورت پودرهای سفید موجود می باشند مانند: تیتانیم دی اکسید و روی اکسید و یا ذرات سیاه هستند مانند اکسید آهن. چنین معرف هایی به عنوان پودرهای متداول در شناسایی به کار می روند. همچنین برای شناسایی اثر انگشت ها روی سوبستراهای غیر متخلخل، روی سطح چسبنده نوارها یا به عنوان پودرهای متداول در سطوح خیس از معرف های ذرات کوچک استفاده می شود. به جای استفاده از برس، نمونه ها در سوسپانسیونی از ذرات غوطه ور می شوند. در این فرآیند اثر انگشت ها می توانند با به دام افتادن ذرات اکسید فلزی در ماتریکس چربی ترشحات انگشت شناسایی شوند.^۲

۲-۲- استفاده از نانوذرات طلا برای ظهور آثار انگشت

آشکارسازی مطمئن و سریع اثر انگشت را باید قدردان دو توسعه در فناوری نانو بود. در این روش آشکارسازی اثر انگشت، ابتدا سطح علامتگذاری شده با محلول سوسپانسیون نانو ذرات طلا که توسط یونهای سیترات پایدار شده باشد، پوشش داده می شود که تحت محیط اسیدی، ذرات طلا به مولکول های بار مثبت اثر انگشت می چسبند، سپس خطوط اثر انگشت با محلول یونهای نقره تحت واکنش شیمیایی، احیاء شده و سپس اثرات تیره فلز نقره در محل خطوط برجسته اثر انگشت پدیدار می شود. ولی محلول طلا بسیار ناپایدار است و تکرار روش از یک آزمایش به آزمایش دیگر مشکل است.^۳ نانو ذرات طلا که زنجیره های آلیفاتیک به آنها گرفت شده است می توانند توانایی پودر برای برهم کنش با ترشحات انگشت سبابه را افزایش دهد.^۴ "لین" و همکارانش دریافته اند که نانو ذرات طلا می تواند به طور اساسی بازده واکنش PCR^۵ را افزایش دهد. زمانی که نانو ذرات طلا در ابعاد ۰/۷ تا ۱۳ نانومتر به واکنشگر PCR اضافه می شود، زمان واکنش کاهش می یابد. در حالیکه تعداد چرخه های سرد شدن - گرم شدن افزایش می یابد. نتایج نشان می دهد که حساسیت این روش در مقایسه با PCR معمولی ۵-۱۰ برابر و نسبت به PCR حقیقی ده هزار برابر افزایش می یابد. علت این افزایش حساسیت به

۱- همان، ۹۱.

۲- خانجانی، سمیه و نبوی فرد، سمانه، ۱۳۹۳، کاربرد نانو ذرات در تشخیص دقیق اثر انگشت، مجله کارآگاه، دوره دوم، سال هفتم، شماره ۲۸، پاییز، ص ۸۴.

۳- آگند، فریما و نادری، نادر، ۱۳۸۸، آشکارسازی اثر انگشت مبتنی بر فناوری نانو، مجله کارآگاه، دوره دوم، سال دوم، شماره ۶، بهار، ص ۱۰۹.

۴- خانجانی، سمیه و نبوی فرد، سمانه، پیشین، ص ۸۱.

انتقال گرمایی بسیار بالای نانو ذرات نسبت داده‌اند.^۱

۲-۳- جایگزینی انگشت نگاری نانو به جای نمونه خون

سالهاست که بانک اطلاعاتی اثر انگشت، به عنوان یک سیستم پذیرفته شده توسط دادگاهها و مؤثر در جهت پیشبرد فرآیند تحقیقات جنایی در خدمت محققان این رشته قرار دارد. اما امروزه با پیشرفت گسترده‌ای که در زمینه رایانه صورت گرفته امکان ایجاد بانک‌های اطلاعاتی قابل جستجو در زمینه‌های دیگری مانند DNA و... فراهم گشته است. در جرم‌هایی که هیچ مظنونی وجود نداشته باشد، بانک اطلاعاتی DNA در تعیین هویت آثار بیولوژیکی باقی مانده در صحنه جرم بسیار مهم است.

تا به امروز انگشت نگاری برای دستگیری مجرم یا شناسایی شخص به کار گرفته می‌شد. دانشمندان بریتانیایی که با "دیوید راسل" کار می‌کنند می‌خواهند استفاده از انگشت نگاری را برای کشف مواد مخدر، دوپینگ و تشخیص بیماری ممکن سازند. همچنین تیمی از دانشگاه انگلیا شرقی در نورویچ و کالج کینگز در لندن انگشت نگاری هوشمند، شناسایی همزمان سوخت و ساز مواد مخدر از افراد به وسیله پادتن نانو ذرات فعال شده را در مجله *gewondte chemie*-An گزارش کرده‌اند که آنها اکنون قادر هستند با استفاده از آنتی بادی‌های مشخص، اثر انگشت افراد سیگاری را از غیر سیگاری تشخیص دهند.^۲ یک اثر انگشت برای تحقیق کننده مورد استفاده‌ای نخواهد داشت مگر اینکه بتوان آنرا با یک نمونه در پایگاه داده‌ای تطبیق داد و یا مستقیماً با اثر انگشت یک مظنون مورد مقایسه قرار داد. راسل و تیم او انتظار دارند که به زودی بتوانند اطلاعات وضعیت زندگی شخص انگشت نگاری شده را به دست آورند که موجب کاهش مظنونان خواهد شد. در این حالت استفاده از اثر انگشت برای پیدا کردن مواد مخدر، داروها و یا خوراکی که مصرف شده ممکن می‌شود و همچنین بعضی از بیماری‌ها را می‌توان تشخیص داد. محققان می‌خواهند تمام اسرار را از اثرهای بسیار کوچک تعرق که اثر انگشت بر روی سطح باقی می‌گذارد به دست بیاورند. تیم تحقیق سادگی و امکان پذیری این روش را با تمیز دادن اثر انگشت سیگاری‌ها از غیر سیگاری‌ها نمایش دادند. برای جلوگیری از نتایج غیر واقعی از امکان تماس مستقیم محصولات دخانی، آنها سیستم را به گونه‌ای طراحی کردند که بتوان ماده کوتینین را که بر اثر استفاده از مواد نیکوتین در بدن به وجود می‌آید، تشخیص داد. با به

۱- مرادی، نسرین سادات و معروفی، یونس، پیشین، ۹۱.

2- Richard Leggett, Emma E. Lee-Smith, Sue M. Jickells, Dr., David A. Russell, Prof.; Intelligent Fingerprinting: Simultaneous Identification of Drug Metabolites and Individuals by Using Antibody-Functionalized Nanoparticles; *Angewandte Chemie International Edition*; Volume 46 Issue 22, Pages 41 00 - 41 03.

کارگیری فناوری نانو محققان اثر انگشت را که پادتن کوتینین به آنها چسبیده بود با محلول حاوی نانو ذرات طلا خیس کردند و این ذرات به کوتینین متصل شدند؛ سپس یک پادتن دیگر که با رنگ فلورسنت همراه بود و به پادتن کوتینین متصل شده بود را به اثر انگشت اضافه کردند، از آنجایی که تعداد زیادی پادتن کوتینین به نانو ذرات کروی چسبیده اند در بزرگنمایی تأثیر بسزایی دارد. در حقیقت شیارهای اثر انگشت سیگاری‌ها نورانی شده در صورتی که اثر انگشت غیر سیگاری‌ها نورانی نمی‌شوند. مانند روش‌های معمول با برداشتن اثرات انگشت که به صورت کاملی آشکار شده‌اند می‌توان آنها را برای مقایسه با اثرات شناخته شده به کار گرفت، وقتی که بزرگنمایی صورت می‌گیرد حتی سوراخ‌های بسیار ریز عرق کرده همراه با شیارهای بزرگ انگشتان قابل مشاهده می‌شوند که می‌توان به طور واضح آنرا به شخص منتصب کرد.

۳- کاربرد نانو تکنولوژی در کشف DNA

بیشتر کلیدهایی که منجر به کشف جرم می‌شود به صورت مدارک بیولوژیکی در صحنه‌های جرم وجود دارد. کارکنان جمع‌آوری کننده این نوع آثار باید این آگاهی را داشته باشند که چه نوع مدرک زیستی در یک نوع خاص از صحنه جرم بیشتر یافت می‌شود و یا چگونه این نوع مدارک را جمع‌آوری، حفظ و پردازش کنند تا کشف علمی جرم و شناسایی هویت مجرم امکان پذیر گردد. هدف اصلی بررسی مدارک زیستی، ارائه اطلاعات سودمند برای محققان جنایی در حل پرونده‌ها می‌باشد. یکی از موارد مهم استفاده از مدارک بیولوژیکی در کشف علمی جرایم تعیین رابطه بین یک شخص (مظنون، قربانی یا حتی یک شاهد) با صحنه جرم می‌باشد. رابطه یک مظنون با یک قربانی متداول‌ترین و مهمترین نوع رابطه‌ای است که استفاده از مدارک بیولوژیکی می‌تواند به اثبات آن کمک کند.^۱

در پزشکی قانونی نیز، شناسایی متهم از روی آثار جزئی باقیمانده در صحنه مانند خون، مو، بافت و... امری مهم و ضروری به شمار می‌رود. با توجه به منحصر به فرد بودن الگوی DNA هر شخص، می‌توان با استخراج DNA از آثار زیستی باقیمانده در صحنه و مقایسه آن با DNA افراد مظنون، به این مهم نایل آمد. یکی از روش‌های مورد استفاده در این کار، تهیه تعداد نامحدودی کپی از هر بخش DNA است که هم‌اینک در آزمایشگاه‌های جنایی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به «واکنش‌های زنجیری پلیمرز» یا PCR معروف است. واکنش‌های زنجیری پلیمرز را گاهی «فتو کپی مولکولی» نیز می‌نامند.

فناوری نانو استفاده از مواد نانوحفره و دستگاه‌هایی که نسبت جرم به بار را تعیین می‌کنند، پیشنهاد می‌کند. هنگام عبور یک رشته DNA از حفره ماده نانوحفره هر نوکلئوتید آن شناسایی

می‌شود. استفاده از این روش، فناوری تعیین الگوی DNA را متحول خواهد کرد.

۴- کاربرد نانوتکنولوژی در کشف جرم جعل

هم اکنون برای تشخیص اصالت اسکناس، گذرنامه، اسناد بانکی و... از ترکیبات فلورسانس استفاده می‌شود. مقاومت کم این ترکیبات در برابر گرما و مواد شیمیایی، امکان استفاده از آن را جعل اسناد مذکور فراهم ساخته است. بنابراین تهیه موادی که از پایداری بالایی برخوردار باشند و امکان تهیه آنها به وسیله جاعلان وجود نداشته باشد، از اهمیت بالایی برخوردار است. پژوهش‌های کنونی روی نانو محلول‌هایی صورت می‌گیرد که شامل نقاط کوانتومی بوده، به صورت محلول با جوهر مخلوط می‌شود و از آنجا که به رغم ترکیبات کنونی کوچک هستند، می‌توان از آن در چاپگرهای معمولی استفاده کرد. ذرات چاپ شده را پس از تبخیر حلال نمی‌توان با چشم غیرمسلح مشاهده نمود و تنها زیر نوری با طول موج معین، تصویرهایی با رنگ‌های مشخص ایجاد می‌کنند که متناسب با طول موج می‌توانند ظاهر یا ناپدید شده و یا به رنگ‌های مختلفی درآیند که باعث سهولت تشخیص آنها بین رنگ‌های آلی می‌گردد. استفاده از این ترکیبات هزینه بالایی را در بر نداشته، امکان جعل را هم بسیار کاهش می‌دهد. همچنین از این نانوذرات می‌توان در بارکدهای غیرقابل مشاهده ظاهری استفاده کرد؛ مثلاً می‌توان تاریخچه کامل ساخت و مالکیت خودرو را به وسیله این نانوذرات بر روی خودرو ثبت کرد به طوری که به غیر از شرایط نوری معین قابل تشخیص نباشد.^۱

همچنین گروه "خامنی - ویتال" در سوئیس برای نخستین بار از میکروسکوپ نیروی اتمی برای تعیین پیوستگی نیرو و ضربه قلم خودکار استفاده کردند. میکروسکوپ نیروی اتمی می‌تواند مورفولوژی سطوح را به صورت سه بعدی مطالعه و بررسی کند که این قابلیت برای تعیین توالی و پیوستگی نیروی اعمالی به قلم و خودکار برای نوشتن بسیار حائز اهمیت می‌باشد. آنها پیشنهاد کردند که تصویر به دست آمده از میکروسکوپ نیروی اتمی همان کیفیت و وضوح تصاویر میکروسکوپ الکترونی روبشی را دارد با این تفاوت که میکروسکوپ نیروی اتمی در شرایط معمولی کار می‌کند و مانند میکروسکوپ الکترونی روبشی نیاز به شرایط خلأ را ندارد.^۲

۵- کاربرد نانوتکنولوژی در تعیین زمان جنایت قتل

هدف کالبدگشایی در پزشکی قانونی تعیین علت و چگونگی مرگ برای گزارش به مقامات دادگستری است بدین علت لازم است نتیجه کالبدشکافی واضح و کامل و گویا باشد و پزشکی که این عمل را انجام می‌دهد فقط باید حقیقت آنچه را که می‌بیند و درک می‌کند گزارش نماید.

۱- گذری بر فناوری نانو در علوم مختلف، پیشین، ص ۷۸.

۲- مرادی، نسرین سادات و معروفی، یونس، پیشین، ۹۳.

نه اینکه علتی به حدس برای مرگ پیدا نماید چه در غالب اوقات ممکن است نتیجه کالبدشکافی منفی بوده یا علایم و آثار عادی و بی ارزشی روی جسد پیدا شود. در این صورت لازم است جریان کالبدشکافی را عیناً گزارش داده و آزمایش های لازم از نظر سم شناسی و غیره را برای روشن شدن علت مرگ توصیه نماید.^۱

برای تشخیص وقوع قتل آزمایش های متفاوتی وجود دارد، که در طول زمان متغییر بوده است. تغییراتی که در زمان مرگ یا چند دقیقه بعد از مرگ رخ می دهند اهمیت کاربردی فراوانی دارند، چرا که برای مشخص کردن اینکه مرگ رخ داده یا خیر و رد کردن مرگ ظاهری مورد استفاده قرار می گیرند. هیپوستاز یا کبودی نعشی چگونگی استقرار و انتشار هیپوستاز، به جاذبه زمین و حالت قرار گرفتن جسد بعد از مرگ بستگی دارد.

"کای" و "چن" برای نخستین بار کاربرد میکروسکوپ نیروی اتمی برای حیاتی ترین مسأله علوم جنایی، یعنی تخمین زمان قتل گزارش کردند. تغییرات مورفولوژی سلول های خون برای تخمین زمان مرگ می تواند مفید و کارآمد باشد. تغییر فرم سلول ها و سطح غشا اریتروکیت ها با گذشت زمان مشاهده شده است. چروکیدگی، جمع شدن و ترک سلولها در نیمی از روز بعد از مرگ اتفاق می افتد. بادکردگی و ورم روی اریتروکیت ها در ۲/۵ روز بعد از مرگ آشکار می شود. شمار برآمدگی و ورم سلولها می تواند برای تخمین زمان مرگ استفاده شود. "چن" و "کای" با استفاده از میکروسکوپ نیروی اتمی و دنبال کردن تغییرات مورفولوژی و شکل سلول، توانستند روشی برای تعیین زمان مرگ ارائه دهند.^۲

۱- رشادتی، جعفر، ۱۳۸۷، اهمیت کالبدشکافی در دادرسی های قضایی، مجله علمی پزشکی قانونی، دوره ۱۴،

شماره ۵۱، پاییز، ص ۱۸۶.

۲- مرادی، نسرین سادات و معروفی، یونس، پیشین، ۹۳.

نتیجه گیری

دانشمندان علوم جنایی با پیشرفت و توسعه نانوتکنولوژی اقدام به تجزیه و تحلیل ادله و اسناد مختلف در ابعاد نانو کردند. فناوری نانو قابلیت آشکارسازی وجود هر نوع ماده‌ای را که پادتن آن وجود داشته باشد، دارد و به طور کلی می‌توان امیدوار بود فناوری نانو در حال غلبه بر جرایم است. کشورهای پیشگام در عرصه نانوتکنولوژی توانستند ثابت کنند که از نانو تنها در زمینه تحقیقاتی نمی‌توان استفاده کرد، بلکه کاملاً به شکل کاربردی و عملیاتی می‌تواند یاری‌رسان دانشمندان علوم جنایی در تشخیص، شناسایی و کشف جرم نیز باشد.

البته باید توجه نمود در صورتی که مجرمان، تبهکاران و گروه‌های تروریستی زودتر به فناوری نانو مسلح شوند، تمام فرصت‌های بالقوه این فناوری می‌تواند به تهدیدی جدی حتی برای امنیت ملی کشورها بدل شود که مقابله با آن کاری دشوار خواهد بود. همین فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از این فناوری باعث به وجود آمدن رقابتی جدی بین نیروهای امنیتی کشورهای مختلف جهت کسب پیشتازی در این فناوری شده است به نحوی که در مدت زمان کوتاه رشد این فناوری، چندین همایش و همایش علمی با موضوع نقش فناوری نانو در جلوگیری از وقوع جرم در کشورهای مختلف برگزار شده است.

این مقاله نشان داد که بررسی نانوذرات فلزی طلا و نقره و فناوری‌های تک فلزی و چند فلزی بر اساس نانوذرات طلا و بهبود دهنده‌های فیزیکی بر اساس نانوذرات نقره در ظهور اثر انگشت بسیار موثر بوده و نانوذرات اکسیدی به دلیل ویژگی‌های نوری‌شان، یعنی رنگ و فلورسانس برای شناسایی اثر انگشت مناسب هستند.

همچنین به لحاظ ارتباط فناوری DNA با کشف علمی جرایم از طریق نانوذرات، اثرات مفید و مثبت روش‌های مولکولی و مارکرهای ژنتیکی در گره‌گشایی از پرونده‌های جنایی به گونه‌ای بوده است که امروزه رویکرد مقامات قضایی را به این فن افزایش داده است به طوری که تعداد نمونه‌های بیولوژیکی ارسالی به آزمایشگاه بیولوژی جنایی از هر ساله در حال افزایش است. با توجه به افزایش روزافزون بهره‌وری از علم نانو در جنبه‌های گوناگون زندگی انسان که تاثیر مستقیمی بر اخلاق دارد و اثرات ذرات نانو در اکوسیستم‌های طبیعی، توصیه جدی می‌گردد که قبل از کاربردی نمودن هر آنچه که کاربردی می‌شود خصوصاً در موارد خاص و سنگین مانند رادیو اکتیویته در سطح جامعه و جهانی، کمیته‌ای متشکل از کارشناسان حقوق، محیط زیست، حوزه نانو، پژوهشگران اخلاق زیستی و ... تشکیل گردد که بر پروسه تولید، توزیع و مصرف محصولات منتج از فن‌آوری نانو، مستقیماً نظارت داشته باشند. همچنین بررسی ابعاد مختلف موضوع از منظر اخلاق زیستی نیز یکی از ضرورت‌های اساسی است که باید با مذاقه بیشتری بررسی گردد.

فهرست منابع

(الف)

منابع فارسی

۱. آگند، فریما و نادری، نادر، (۱۳۸۸). «آشکارسازی اثر انگشت مبتنی بر فناوری نانو»، مجله کارآگاه، دوره دوم، سال دوم، شماره ۶، بهیا.
۲. حیدری، علی احسان، (۱۳۸۶). «ملاحظات اخلاقی در به کارگیری فناوری نانو»، اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره ۳.
۳. خانجانی، سمیه و نبوی فرد، سمانه، (۱۳۹۳). «کاربرد نانو ذرات در تشخیص دقیق اثر انگشت»، مجله کارآگاه، دوره دوم، سال هفتم، شماره ۲۸، پاییز.
۴. رشادتی، جعفر، (۱۳۸۷). «اهمیت کالبدشکافی در دادرسی‌های قضایی»، مجله علمی پزشکی قانونی، دوره ۱۴، شماره ۵۱، پاییز.
۵. رفیعی تبار، هاشم، (۱۳۸۱). «ایجاد و گسترش علوم و فناوری نانو در ایران»، مجله پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۵.
۶. عباسی، ایمان، (۱۳۸۴). «فناوری نانو چیست؟»، کتاب ماه علوم و فنون، شماره ۸۷ و ۸۸، تیر و مرداد.
۷. گذری بر فناوری نانو در علوم مختلف، (۱۳۸۷). ماهنامه فناوری نانو، شماره ۱۳۴، آذر.
۸. مرادی، نسرین سادات و معروفی، یونس، (۱۳۹۳). «کاربرد نانوتکنولوژی در کشف علمی جرم»، مجله کارآگاه، دوره دوم، سال هفتم، شماره ۲۸، پاییز.
۹. مرادی، محمدحسین، دیگران، (۱۳۸۶). «جایگاه فناوری نانو در توسعه صنعت کشاورزی»، فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، شماره ۱۵.
۱۰. نقدی، یزدان و دیگران، (۱۳۹۲). «اثرات گسترش فناوری نانو تکنولوژی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب»، مدل‌سازی اقتصادی، سال هفتم، شماره ۲۱.

(ب) منابع انگلیسی

11. Ju-Nam, Yon, (2009). *manufactured nanoparticles in related to pleural effusion*, respiratory journal.
12. Kostoff, Ronald N., (2008). *quality vs. quality of publications in nanotechnology field from the peoples republic of China*, journal of Chinese science bulletin.
13. Richard Leggett, Emma E. Lee-Smith, Sue M. Jickells, Dr., David

- A. Russell, Prof.; Intelligent Fingerprinting: *Simultaneous Identification of Drug Metabolites and Individuals by Using Antibody-Functionalized Nanoparticles*; *Angewandte Chemie International Edition*; Volume 46 Issue 22 ,
14. Sylvester, Douglas, (2009). *not again, public perception, regulation and nanotechnology*, REG. & Governance.
15. Wasson, Andrew, (2004). *protecting the next small thing: nanotechnology and the reverse doctrine of equivalents*, DUKEL. & TECH.REV

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۴۲ - ۱۲۵

شناسایی و اعتبار یابی اصول اخلاقی و سلوک حرفه‌ای وکالت از نظر موکلان^۱

ولی شیرپور^۲

چکیده

پژوهش حاضر باهدف شناسایی و اعتبار یابی اصول اخلاقی و سلوک حرفه‌ای وکالت از نظر موکلان انجام شده است. در این پژوهش از دو روش تحلیل اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. جامعه پژوهش دودسته شامل: الف) کتب و مراجع و منابع مکتوب و الکترونیک موجود در زمینه حقوق و وکالت می‌باشد که به منظور دستیابی به شاخص‌ها و اصول اخلاقی و سلوک حرفه‌ای وکالت مورد بررسی قرار گرفت، ب) دسته دوم متشکل از موکلان (افراد) که حداقل یک‌بار وکیل دادگستری انتخاب کرده بودند) در استان اردبیل می‌باشند. نمونه پژوهش ارباب‌رجوع شامل ۵۰ نفر بودند که از بین افراد مراجعه‌کننده به دادگستری شهرهای اردبیل، مشکین‌شهر و پارس‌آباد که دارای پرونده قضایی و وکیل بودند، به صورت تصادفی انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری اطلاعات فرم فیش‌برداری و فرم پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد که پایایی آن از فرمول آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ به دست آمد. برای تحلیل داده‌های حاصل از متون از تحلیل کیفی و کدگذاری و برای تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه از آمارهای توصیفی و آمار استنباطی شامل؛ آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که مهم‌ترین اصول اخلاقی وکالت از نظر موکلان شامل: رعایت حدود اختیارات در وکالت، عدم ایجاد اخلال در روند کاری جلسه دادگاه، پیگیری لازم در تعقیب دعوی، صداقت، حفظ اسرار موکل، عدم استفاده از راه‌های غیراخلاقی، اعلام صریح و شفاف حق‌الوکاله و... می‌باشند.

واژگان کلیدی

اصول اخلاقی، وکالت، اخلاق، سلوک حرفه‌ای، موکل.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری آقای ولی شیرپور در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی می‌باشد.
۲. مربی گروه الهیات و حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

طرح مسأله

اخلاق از مباحث مهم قرآنی است؛ چرا که این کتاب آسمانی یکی از اهداف انبیاء را تزکیه مردم معرفی کرده است. انسان بدون دستیابی به اخلاق شایسته، مقام خلیفه‌الله را درک نخواهد کرد. انسان منهای اخلاق، مانند حیوان خطرناکی است که میان ظلم و عدل فرق نمی‌گذارد و همه چیز را به آتش می‌کشد و موجب فساد عالم می‌شود (کشمیری، ۱۳۸۸).

اخلاق همواره مقوله‌ای محوری در عرصه حیات اجتماعی انسان بوده است. رعایت اصول اخلاقی در همه ابعاد زندگی بشر یکی از مهم‌ترین راه‌های حفظ و ارتقای سلامت زندگی اجتماعی است (ساکی، ۲۰۱۱). اینکه در ارتباط با دیگران، طبیعت، موجودات غیرانسانی و دیگر پدیده‌های عالم هستی، چگونه باید فکر و عمل کرد از جمله مباحث و سؤالاتی است که اخلاق را در جایگاه مهم‌ترین امور زندگی بشری قرار می‌دهد. این امر به‌ویژه در دوران معاصر که گسترش فناوری‌های علمی، انسان را هرروز با مفاهیم و مقولات جدیدی آشنا می‌سازد که پیش‌ازین حتی تصور آن را نیز نمی‌کرد اهمیتی دوچندان می‌یابد (مرادی، ۱۳۹۰).

اخلاق در معنای اصل اخلاقی، عبارت از اصولی درست و خطاست که به‌وسیله یک شخص و گروهی پذیرفته می‌شود و اخلاق در معنای کُد اخلاقی، نظامی از اصول حاکم بر اخلاق و رفتار قابل قبول محسوب می‌گردد. در مفهومی خاص، اخلاق در معنای فلسفه اخلاق یا علم اخلاق به مطالعه فلسفی ارزش‌ها و قواعد اخلاقی تعبیر شده است. اخلاق شاخه‌ای از فلسفه است که پرسش‌هایی راجع به اخلاق علمی را مورد بررسی قرار می‌دهد. یعنی مفاهیمی نظیر خیر در مقابل شر، اصالت در مقابل عدم اصالت، درست در مقابل خطا و مسائل عدالت، عشق، صلح و فضیلت؛ اخلاق، تصمیم‌گیری درباره بایدها و نبایدهاست و مردم از زمان‌های دیرین همواره به دنبال یافتن بهترین رهگذرها برای رفع مشکلات اجتماعی در پرتو اخلاق و به‌واقع تصمیم‌گیری‌های اخلاق بوده‌اند و سرانجام اینکه اخلاق، علم نسبت‌های موجود میان اذهان و اراده‌ها و اعمال انسان‌هاست؛ به همان وجه که هندسه علم نسبت‌های بین اجسام است. درواقع به زبانی ساده‌تر، اخلاق نوعی هنر است؛ هنر انجام رفتارهای آزاد و مبتنی بر خرد (ساعد، ۱۳۹۰).

کلمه Ethics به معنای اصول اخلاقی برای اولین بار در قرن چهارم قبل از میلاد توسط فیلسوف یونانی ارسطو به‌کاربرده شد که این کلمه ریشه در کلمه یونانی "ethos" دارد. "ethos" به معنی عادت و شخصیت معنوی می‌باشد. اصول اخلاقی، عبارت از آموزش فلسفی اخلاق، توسعه آن، اصول و هنجارهای مربوط به آن و نقش آن در جامعه است. به عبارتی بهتر، Ethics یا اصول اخلاقی مجموعه هنجارهای رفتاری و اخلاقی هر گروه اجتماعی می‌باشد. رعایت اصول اخلاقی در همه ابعاد زندگی بشر یکی از مهم‌ترین راه‌های حفظ و ارتقای سلامت زندگی اجتماعی است (آهنگچیان و همکاران، ۱۳۹۵).

اصول اخلاق کاری به‌عنوان وظایف اخلاقی در واقع تعهداتی است که اشخاص بر اساس وجدان و اخلاق، خود را ملزم به انجام آن می‌دانند. این‌گونه وظایف دامنه بسیار وسیع و گسترده‌ای دارند و در جوامع مختلف بر اساس شرایط فرهنگی، اجتماعی و دینی دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد. البته در مشاغلی که برحسب نوع خدماتی که به مردم ارائه می‌نمایند از قبیل پزشکی، وکالت، معلمی، اصول مأموران انتظامی و قضات دارای اهمیت و حساسیت خاصی می‌باشند. یکی از مسائل اساسی مربوط به اصول اخلاقی حقوقی که به‌عنوان یکی از انواع مختلف اصول اخلاقی کاری محسوب می‌شود هنجارهای اخلاق کاری یک حقوق دان و مقرراتی کردن و همچنین اجرای آن می‌باشد. حقوقدان نه‌تنها باید در کار خود حرفه‌ای باشد، بلکه همچنین باید از کیفیت‌های معنوی و اخلاقی بالایی نیز برخوردار باشد. اصول اخلاقی وکیل یکی از انواع مختلف اصول اخلاقی حقوقی می‌باشد که شامل رفتارهای حرفه‌ای او در حدی است که شایسته نماینده بودن سازمان حقوقی یا کانون وکلا باشد.

با توجه به کم‌رنگ شدن نظام سنتی اخلاقی در جوامع و رشد پرشتاب علم و فناوری، توجه به نقش اخلاق موضوع بسیار مهمی تلقی می‌شود (جباری، ۲۰۱۰).

وکلا بازوی تقویتی قضات و دادرسان در دادگستری و دفاع از ستم‌دیدگان به شمار می‌آیند. کار وکیل فقط دفاع از متهم بی‌نگاه به محق بودن یا نبودن او نیست. وکیل در راهنمایی موکل برای گام برداشتن در راه درست و به‌نجار قانونی و یاری‌رسانی به دادگستری و آشکاری حق و حقیقت سهم سهمگینی بر دوش می‌کشد و از این رهگذر یار و یاور دادرسان و مجریان عدالت خواهد بود. به‌راستی آینده وکالت و توفیق وکیل در گرو پاسداشت شرف و شأن این حرفه است که همگام با اوضاع و احوال گوناگون جوامع بشری نمودار می‌گردد (ساکت، ۱۳۸۵).

لازم به ذکر است که مسائل و مشکلات مربوط به اصول اخلاقی وکیل مدت طولانی است که در مرکز توجه و دقت نظریه‌پردازان و فعالان حقوقی قرار دارد و هم‌اکنون نیز توجه به این مسائل و مشکلات ادامه دارد. با این وجود، متأسفانه هنوز هم این مسائل و مشکلات به‌طور جامعی مورد حل و فصل قرار نگرفته‌اند. اصول اخلاقی را می‌توان به‌مثابه‌ی سکه‌ای دورو تلقی نمود که از یکسو حاوی حق و از سوی دیگر حامل تکلیف است. حق مزبور متعلق به موکل بوده و آن عبارت است از ضرورت رعایت اخلاق حرفه‌ای وکالت نسبت به وی در مراودات و مناسبات با وکیل خویش و تکلیف مزبور نیز ناظر بر وکیل بوده و آن الزام او دایر بر رعایت موازین اخلاقی در مواجهه با موکل، کانون و تشکیلات قضایی و افراد طرف دفاع در پرونده می‌باشد. با توجه به آنچه بیان شد هدف از انجام پژوهش حاضر شناسایی و اعتباریابی اصول اخلاقی و سلوک حرفه‌ای وکالت از نظر موکلان می‌باشد.

روش پژوهش

در این پژوهش از دو روش تحلیل اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. جامعه پژوهش حاضر دودسته می‌باشند: دسته اول شامل اسناد، کتب و مراجع و منابع مکتوب و الکترونیک موجود در زمینه حقوق و وکالت می‌باشد که به منظور دستیابی به شاخص‌ها و اصول اخلاقی و سلوک حرفه‌ای وکالت مورد بررسی قرار گرفت، دسته دوم جامعه پژوهش متشکل از موکلان (ارباب رجوع یا کسانی که دارای پرونده قضایی و وکیل می‌باشند) استان اردبیل می‌باشند. نمونه پژوهش ارباب رجوع شامل ۵۰ نفر بودند که از بین افراد مراجعه کننده به دادگستری شهرهای اردبیل، مشکین شهر و پارس آباد که دارای پرونده قضایی و وکیل بودند، به صورت تصادفی انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری اطلاعات در این پژوهش فرم فیش برداری و فرم پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد که روایی صوری و محتوایی فرم پرسشنامه از دید صاحب نظران دانشگاهی و پایایی آن از فرمول آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ به دست آمد. برای تحلیل داده‌های حاصل از متون، از تحلیل کیفی و کدگذاری و برای تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه از آمارهای توصیفی شامل؛ میانگین، انحراف استاندارد و خطای انحراف استاندارد و آمار استنباطی شامل؛ آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

ابتدا شاخص‌ها و اصول اخلاقی و سلوک حرفه‌ای وکالت از کتب و مراجع و منابع مکتوب و الکترونیک موجود در زمینه حقوق و وکالت با استفاده از فرم فیش برداری استخراج و جمع‌آوری شد. بدین صورت که تمام عبارات، کلمات و جملاتی که در رابطه با شاخص‌ها و اصول اخلاقی و سلوک حرفه‌ای وکالت بود از اسناد، کتاب‌ها، مقالات علمی - پژوهشی، مقالات ارائه شده در همایش‌های علمی خارجی و فارسی شناسایی و استخراج گردید. هدف از این مرحله دستیابی به فهرست جامعی از مصادیق مورد توجه در ارتباط با شاخص‌ها و اصول اخلاقی و سلوک حرفه‌ای وکالت بود که در نهایت فهرستی مشتمل بر ۳۱ مصداق گردآوری شد؛ که در جدول شماره (۱) آورده شده‌اند.

جدول شماره (۱). شاخص‌ها و اصول اخلاقی و سلوک حرفه‌ای وکالت

۱.	رعایت حدود اختیارات در وکالت
۲.	پیگیری و مراقبت‌های لازم در تعقیب دعوی
۳.	رعایت مصلحت موکل
۴.	وفاداری و امانت داری نسبت به موکل
۵.	تشویق به صلح و سازش
۶.	رعایت و حفظ شأن وکالت

۷.	صداقت، درستکاری و حسن نیت
۸.	احترام و فروتنی و قاطعیت و شجاعت توأم با انعطاف‌پذیری بجا
۹.	دارا بودن صلاحیت علمی مطلوب و متعارف در حرفه وکالت
۱۰.	رعایت محرمانگی اطلاعات و حفظ اسرار موکل
۱۱.	نپذیرفتن وکالت از جانب طرفین دعوا و نیز راهنمایی نکردن هر دو باهم (تعارض منافع)
۱۲.	عدم استفاده از راه‌های غیراخلاقی و غیرقانونی جهت جمع‌آوری مدارک
۱۳.	اعلام صریح و شفاف حق‌الوکاله به موکل
۱۴.	احساس مسئولیت در مقابل حرفه و صنف وکلا
۱۵.	رفتار مسئولانه و رسمی در انظار عمومی
۱۶.	رفتار مسئولانه در قبال کارآموزان به‌عنوان وکیل سرپرست
۱۷.	رفتار مسئولانه توأم باادب و نزاکت در مقابل مقامات اداری و قضایی
۱۸.	دوری از ایجاد مزاحمت و سوءاستفاده از همکاری، کارمند، موکل و مشاوره‌جو
۱۹.	دفاع از منافع موکل خود و کمک حقوقی لازم به او
۲۰.	استفاده بجا از ادله مربوط به منافع مادی و معنوی موکل در مراجع قضایی، اداری و انتظامی
۲۱.	حفظ وجدان کاری، بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای قانونی درراه کمک حقوقی بهتر به موکل خود
۲۲.	برخورداری از قابلیت‌های کاری، معنوی و روان‌شناختی بالا و در حد شایسته برای یک وکیل
۲۳.	برخورداری وکیل از راهبردهای معنوی در انتخاب راهکار تحت شرایط درگیری
۲۴.	رعایت ادب و احترام و نزاکت در لویح و مذاکرات شفاهی در دادگاه
۲۵.	رفتار احترام‌آمیز با قاضی و دیگر افراد درگیر در پرونده
۲۶.	اجرای کامل مسئولیت‌های تعیین‌شده توسط قانون
۲۷.	عدم سو استفاده از اسراری که در اختیار او گذاشته‌شده برای منافع شخصی خود و دیگران
۲۸.	اجتناب از دعوت و تحریک کردن موکل یا افراد دیگر به انجام کارهای غیرقانونی و متناقض با شأن وکالت
۲۹.	عدم مانع‌تراشی برای کار قضاوت در جلسات دادگاهی
۳۰.	صبر و بردباری در جلسات دادگاه و عدم قطع کردن حرف طرفین
۳۱.	عدم ایجاد اختلال در روند کاری جلسه دادگاه

توضیح و تشریح شاخص‌ها و اصول اخلاقی و سلوک حرفه‌ای در شغل وکالت
- رعایت ادب و احترام و رفتار احترام‌آمیز با مقامات اداری و قضایی و دیگر افراد درگیر در پرونده و عدم ایجاد اخلال در روند کاری جلسه دادگاه

حفظ حرمت اشخاص و مقامات قضایی، اداری، همکاران و دیگر اصحاب دعوی از تکلیف وکالت می‌باشد که در سوگندنامه نیز آمده است. این تکلیفی است که وکلا می‌بایست در دفاتر، لوائح و مذاکرات کتبی و شفاهی خود آن را رعایت کنند. بخصوص زمانی که تحت تأثیر فشارهای روحی و روانی و هیجانات ناشی از امر دفاع قرار می‌گیرند. این تکلیف علاوه بر سوگندنامه در ماده ۴۲ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ و ماده ۸۰ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال قانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۲۴ نیز آورده شده است.

- رعایت و حفظ شأن وکالت و رفتار مسئولانه و رسمی در انظار عمومی

در مقام «شأن وکالت» همان بس که در قرآن کریم خداوند چندین بار خود را وکیل خطاب نموده است. مردم قشر وکلا را دارای ارزش والا و فرهیخته می‌دانند. استفاده مردم از وکیل و وزیر در مقام سخن‌نشان از بزرگی این واژه دارد. رفتار و کردار وکیل از قبیل نظم و انضباط کار، پوشش، حرف زدن، خندیدن، غذا خوردن، رانندگی کردن و... از دیدگاه مردم می‌تواند بیانگر شان وکلای دادگستری باشد.

- وفاداری و امانت‌داری نسبت به موکل و نپذیرفتن وکالت از جانب طرفین دعوا و نیز راهنمایی نکردن هر دو باهم (تعارض منافع)

امانت‌داری یکی از خصایص پسندیده است که تمام جوامع بشری آن را ارج می‌نهند زیرا امانت‌داری یک حسن عقلی است و تمام آحاد مردم مکلف به رعایت این وظیفه شرعی و قانونی و اخلاقی می‌باشند. در عقود مانند وکالت وجود این خصیصه در وکیل یک شرط ضمنی است و از اهمیت بسزایی برخوردار است. در دین مبین اسلام نیز توصیه و سفارش‌های موکدی به امانت‌داری شده است. چنانچه خداوند در قرآن به ادای آن دستور می‌دهد (نساء: ۵۸) و آن را یکی از صفات پیامبران (شعراء: ۶۳، ۷۸، ۱۴۳، ۱۲۵، ۱۰۷) و مؤمنان (مؤمنون: ۸) ذکر می‌کند در این باب رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «کسی که امانت‌دار نیست، دین ندارد» (مرادی، ۱۳۹۰: ۳۹).

اگر وکیل به موکل وفادار نبوده و نسبت به او خیانت نماید در صورت اثبات برای همیشه از شغل وکالت محروم می‌گردد و موکل نیز می‌تواند کلیه زبان‌های وارده را از وکیل مطالبه نماید (ماده ۴۱ قانون وکالت ۱۳۱۵).

- پیگیری و مراقبت‌های لازم در تعقیب دعوی

وکیل موظف است پیگیری‌های لازم را جهت تعقیب و پیشبرد دعوی انجام دهد و به نحو شایسته وظایف خود را در این مورد به انجام رساند. وکیل باید نهایت تلاش خود را در پیشبرد

دعوی و دفاع از موکل خود بنماید و در مورد دعوی که اطلاعات لازم و تخصصی در آن ندارد از قبول وکالت بپرهیزد زیرا این عدم علم و آگاهی می‌تواند نقش مؤثری در سرنوشت دعوی داشته باشد و باعث تضییع حقوق موکل گردد. وکیل باید همیشه در جریان پرونده باشد و با مطالعه و توجه کامل به تنظیم لوایح دفاعیه پرداخته و در جلسات رسیدگی حضور بهم رساند و همچنین از اعمالی که باعث اطاله دادرسی می‌گردد خودداری نماید.

– رعایت مصلحت موکل

بر اساس ماده ۶۶۷ قانون مدنی، وکیل ملزم به رعایت مصلحت موکل می‌باشد و حتی باید مصالح موکل را بر منافع خود ترجیح دهد. این ماده مقرر می‌دارد که «وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید...».

– صداقت و درستکاری

وکیل ملزم به رعایت صداقت در انجام کلیه فعالیت‌های وکالتی خود نسبت به موکل می‌باشد در انجام مشاوره حقوقی وکیل باید با صداقت کامل اظهار نظر نماید (قهرمانی، ۱۳۷۷: ۱۴۴). در تنظیم لوایح کتبی و مدافعات و اظهارات شفاهی در دادگاه نیز وکیل موظف است به رعایت صداقت و درستکاری می‌باشد و در این موارد در واقع انجام وظیفه قانونی وکیل نسبت به موکل و دادگاه او را ملزم به رعایت درستی در مدافعات شفاهی و لوایح کتبی در محکمه می‌نماید. درستکاری و صداقت از اصول بنیاد وکالت است که وکلا دادگستری هنگامی که به شغل وکالت نائل می‌شوند باید مطابق ماده ۳۹ آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری به خداوند متعال سوگند یاد کنند که در امور شخصی و کارهایی که از طرف اشخاص انجام می‌دهند راستی و درستی را رویه خود قرار دهند. وکلا و مشاوران حقوقی قوه قضائیه نیز برابر ماده ۱۷ آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۲۳ ه.ش رئیس قوه قضائیه سوگند یاد می‌کنند که راستی و درستی را رویه خود قرار داده و مدافع حق باشند.

– حفظ اسرار موکل و عدم سو استفاده از اسراری که در اختیار او گذاشته شده برای منافع شخصی خود و دیگران

وکیل باید در دفاع از موکل خود امین و رازدار باشد و در دادگاه و نزد دادرس با روش و آیین درست و بهنجار به ارائه مسائل و حقایق پرونده بپردازد؛ چراکه هرگونه کوتاهی در این زمینه، خیانت به این امانت به شمار می‌رود.

بنابر ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، رازداری و حفظ اسرار موکل یکی از وظایف قانونی وکیل دادگستری است. وکلا در برابر موکلین خود موظف به حفظ اسرار می‌باشد و این وظیفه حرفه‌ای حتی پس از پایان یا قطع رابطه وکالتی با موکل نیز باید استمرار یابد حتی

اگر اختلافی بین آن‌ها به وجود آمده باشد و یا وکالت قبل از انجام موضوع آن از طرف وکیل یا موکل مرتفع شده باشد؛ بنابراین وکیل منعزل نیز موظف به حفظ اسرار موکل خود می‌باشد. وکلا باید در حفظ اسرار و اطلاعات محرمانه موکل خود نهایت تلاش خود را به عمل آورده، به‌طور مثال در نگهداری پرونده‌های موکلین و در دسترس نبودن آن‌ها دقت لازم مبذول فرموده و از مکالمات دور از احتیاط درباره موکل اجتناب نمایند.

در مورد حفظ اسرار موکل ماده ۳۰ قانون وکالت ۱۳۱۵ چنین مقرر می‌دارد: «وکیل باید اسراری را که به‌واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوط به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید».

در آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴ برای افشاء اسرار موکل مجازات انتظامی درجه ۵ یعنی ممنوعیت از ۳ ماه تا یک سال از شغل وکالت در نظر گرفته شده است (ماده ۸۱ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری).

- رعایت حدود اختیارات در وکالت

همان‌گونه که در ماده ۳۵ آیین دادرسی مدنی بیان شده است، وکیل موظف است حدود اختیارات خود در وکالت‌نامه را رعایت کند و از آن تجاوز ننماید (احمد پور و احمدی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲)؛ زیرا وکالت نیابت در تصرف است و هرگونه عمل وکیل خارج از حدود اذن و اختیارات تفویضی از طرف موکل در واقع فضولی بود و تابع احکام فضولی است. دامنه اختیارات وکیل آن مواردی است که در وکالت‌نامه صراحتاً قیدشده و یا برحسب قرائن، عرف و عادت جزء اختیارات وکیل می‌باشد چنانچه ماده ۶۶۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «وکیل باید در تصرفات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آنچه موکل بالصراحه به او اختیار داده یا حسب قرائن و عرف و عادت داخل اختیارات اوست تجاوز نکند» (محمدی، ۱۳۸۳: ۲۳۲).

- دارا بودن صلاحیت علمی مطلوب و متعارف در مورد وکالت

همان‌گونه که در قرآن کریم در آیه ۲۴۷ سوره بقره نیز بدان تأکید شده است، شاخصه اصلی در انتخاب فرد اصلح و شایسته، علم و توانمندی او می‌باشد زیرا دفاع از حق و حمایت از مظلومین بدون تردید نیازمند علم، تخصص و درایت می‌باشد (شوشتری، ۱۳۹۰: ۳۹). نظام حقوقی ما مدون و نوشته شده می‌باشد، لذا وکیل حرفه‌ای باید ضمن آموختن قانون از آخرین آراء و قوانین مصوب و تغییرات روز آگاه باشد (کشاورز، ۱۳۹۰: ۷).

- صبر و بردباری و حوصله وکیل در شنیدن شرح مواقع موکل و درک صحیح آن

صبر و بردباری وکیل در شنیدن سرگذشت و شرح مواقع موکل و درک صحیح آن و اخذ توضیحات لازم از موکل یکی از فاکتورهای اساسی در قبول وکالت می‌باشد. وکیل خوب شخصی است که موضوع و توضیحات آن را با سعه‌صدر و حوصله بشنود و از موکل بخواهد

بدون سوءنیتی به‌درستی تمام اطلاعات لازم را در اختیار وی قرار دهد.

- عدم استفاده از راه‌های غیراخلاقی و غیرقانونی جهت جمع‌آوری مدارک و بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای قانونی در راه کمک حقوقی به موکل خود

وکیل یاری‌دهنده کشف حقیقت و دفاع‌کننده از حقوق افراد می‌باشد. این کشف حقیقت در خدمت تأمین منافع خصوصی افراد و حمایت از مصالح عمومی می‌باشد؛ اما این حقیقت نمی‌تواند به هر شیوه و وسیله‌ای، به‌ویژه طرق و شیوه‌های نامشروع و غیرقانونی به دست آید (تدین، ۱۳۸۸: ۴۴).

- احترام و فروتنی و قاطعیت و شجاعت توأم با انعطاف‌پذیری بجا

شجاعت و شهامت یکی از اوصاف لازم جهت تصدی وکالت و قضاوت می‌باشد. علی‌رغم آن‌که اصل بر عدالت و بی‌طرفی مقامات قضایی است؛ اما در برخی مواقع به علل مختلف ممکن پرونده از مسیر عدالت منحرف گردد. در چنین مواقعی وکیل می‌بایست شجاعت، درایت و پشتکار و با رعایت ادب و احترام و حرمت دادگاه مورد را به دادگاه تذکر دهد و در صورت عدم توجه به تذکرات و دفاعیات، وکیل باید برای احقاق حقوق و جلوگیری از تضییع حقوق موکل از طرق قانونی اقدام نماید (انصافداران، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

- تشویق به صلح و سازش

اسلام سفارشات موکدی بر اصلاح ذات‌البین و ایجاد سازش میان مردم دارد و روایات و احادیث متعددی در این زمینه موجود می‌باشد. تلاش جهت ایجاد سازش در بعضی از دعاوی یکی از وظایف قانونی وکیل دادگستری است که ماده ۳۱ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری (مصوب ۱۳۵۶/۳/۲۵) در این باره مقرر می‌دارد: «وکلائی دادگستری در دعاوی حقوقی و یا در دعاوی جزایی که باگذشت شاکی تعقیب قانونی آن موقوف می‌شود قبل از اقامه دعوی سعی نمایند بین طرفین دعوا سازش دهند و انجام این وظیفه را در دادخواست و یا ضمن دفاع تصریح نمایند همچنین بعد از طرح دعوا و در جریان رسیدگی نیز مساعی خود را در این زمینه معمول دارند».

- اعلام صریح و شفاف حق‌الوکاله به موکل

یکی از مسائل اساسی در شغل وکالت بحث حق‌الوکاله می‌باشد. اعلام صریح و شفاف حق‌الوکاله از ضروریات لازم جهت پیشگیری از هر نوع اختلاف بین وکیل و موکل می‌باشد. یک قاضی انگلیسی گفته است: وکیل دادگستری دو دشمن دارد، یکی طرف دعوی و دیگری موکل که معتقد است وکیل برای گرفتن حق او، بی‌جهت از او حق‌الوکاله گرفته است (کشاورز، ۱۳۹۰: ۴۲).

پس از استخراج و جمع‌آوری شاخص‌ها و اصول اخلاقی و سلوک حرفه‌ای وکالت با بهره-

گیری از اصطلاحات مناسب ۳۱ مؤلفه استخراجی در ۱۶ مقوله کلی که توضیحات آن‌ها بیان شده است و برای ارباب‌رجوع و افراد مراجعه‌کننده به دادگستری که دارای پرونده قضایی و وکیل بودند، قابل فهم باشند و بتوانند در آن مورد اظهار نظر کنند، ادغام و دسته‌بندی شد و جهت ارزیابی وکلای استان اردبیل به صورت پرسشنامه در اختیار آن‌ها قرار گرفت. در پرسشنامه طراحی شده سعی شد تا از اصطلاحات کلی، شفاف و جامع استفاده شود تا درک اصول اخلاقی وکالت را قابل فهم‌تر و آسان‌تر سازد.

جدول شماره (۲). شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای اعتباریابی اصول اخلاقی و سلوک حرفه‌ای وکالت از دیدگاه موکلان

ردیف	گویه	میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف استاندارد	t	df	sig
۱	پیگیری و مراقبت‌های لازم در تعقیب دعوی	۴/۹۲	۰/۲۷	۰/۰۳	۱۲۶/۹۴	۴۹	۰/۰۰
۲	دارا بودن صلاحیت علمی مطلوب و متعارف در مورد وکالت	۴/۷۲	۰/۵۷	۰/۰۸	۵۸/۲۶	۴۹	۰/۰۰
۳	اعلام صریح و شفاف حق الوکاله به موکل	۴/۶۶	۰/۵۱	۰/۰۷	۶۳/۴۳	۴۹	۰/۰۰
۴	رعایت مصلحت موکل	۴/۶۴	۰/۵۲	۰/۰۷	۶۲/۴۶	۴۹	۰/۰۰
۵	وفاداری و امانت داری نسبت به موکل و نپذیرفتن وکالت از جانب طرفین دعوا و نیز راهنمایی نکردن هر دو باهم (تعارض منافع)	۴/۶	۰/۷۸	۰/۱۱	۴۱/۵۷	۴۹	۰/۰۰
۶	حفظ اسرار موکل و عدم سو استفاده از اسراری که در اختیار او گذاشته شده برای منافع شخصی خود و دیگران	۴/۶	۰/۵۷	۰/۰۸	۵۹/۹۲	۴۹	۰/۰۰
۷	دوری از ایجاد مزاحمت و سوءاستفاده	۴/۵۶	۰/۵	۰/۰۷	۶۴/۳۰	۴۹	۰/۰۰

						از موکل	
۰/۰۰	۴۹	۳۲/۷۲	۰/۱۲	۰/۹۱	۴/۲۴	صبر و بردباری و حوصله و کیل در شنیدن شرح ماوقع موکل و درک صحیح آن	۸
۰/۰۰	۴۹	۳۴/۶۴	۰/۱۱	۰/۸۲	۴/۰۲	احترام و فروتنی و قاطعیت و شجاعت توأم با انعطاف‌پذیری بجا	۹
۰/۰۰	۴۹	۶۰/۰۱	۰/۰۶	۰/۴۹	۴/۰۲	صداقت، درستکاری	۱۰
۰/۰۰	۴۹	۳۰/۰۴	۰/۱۳	۰/۹۳	۳/۹۸	رعایت حدود اختیارات در وکالت	۱۱
۰/۰۰	۴۹	۳۵/۳۹	۰/۱۱	۰/۷۹	۳/۹۸	عدم استفاده از راه‌های غیراخلاقی و غیرقانونی جهت جمع‌آوری مدارک و بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای قانونی در راه کمک حقوقی به موکل خود	۱۲
۰/۰۰	۴۹	۲۹/۷۴	۰/۱۲	۰/۹	۳/۸	رعایت ادب و احترام و رفتار احترام‌آمیز با مقامات اداری، قضایی و دیگر افراد درگیر در پرونده	۱۳
۰/۰۰	۴۹	۵۴/۲۹	۰/۰۶	۰/۴۹	۳/۸	عدم ایجاد اخلاخل در روند کاری جلسه دادگاه	۱۴
۰/۰۰	۴۹	۳۸/۰۹	۰/۰۹	۰/۶۹	۳/۷۴	رعایت و حفظ شأن وکالت و رفتار مسئولانه و رسمی در انظار عمومی	۱۵
۰/۰۰	۴۹	۲۳/۳۲	۰/۱۵	۱/۰۷	۳/۵۴	تشویق به صلح و سازش	۱۶

$P \leq 0.05^*$ $P \leq 0.01^{**}$

نتایج بیانگر آن است که از دیدگاه موکلان و ارباب رجوع، مؤلفه «پیگیری و مراقبت‌های لازم در تعقیب دعوی» ($t=126/94$; $sig=0/00$)، «دارا بودن صلاحیت علمی مطلوب و متعارف در مورد وکالت» ($t=58/26$; $sig=0/00$)، «اعلام صریح و شفاف حق‌الوکاله به موکل» ($t=63/43$; $sig=0/00$)، «رعایت مصلحت موکل» ($t=62/46$; $sig=0/00$)، «وفاداری و امانت داری نسبت به موکل و نپذیرفتن وکالت از جانب طرفین دعوا و نیز راهنمایی نکردن هر دو باهم (تعارض منافع)» ($t=41/57$; $sig=0/00$)، «حفظ اسرار موکل و عدم سو استفاده از اسراری که در اختیار او گذاشته شده برای منافع شخصی خود و دیگران» ($t=59/92$; $sig=0/00$)، «دوری از ایجاد مزاحمت و سوءاستفاده از موکل» ($t=64/30$; $sig=0/00$)، «صبر و بردباری و حوصله و کیل در شنیدن شرح ماقوع موکل و درک صحیح آن» ($t=32/72$; $sig=0/00$)، «احترام و فروتنی و قاطعیت و شجاعت توأم با انعطاف‌پذیری بجا» ($t=34/64$; $sig=0/00$)، «صداقت، درستکاری» ($t=60/01$; $sig=0/00$)، «رعایت حدود اختیارات در وکالت» ($t=30/04$; $sig=0/00$)، «عدم استفاده از راه‌های غیراخلاقی و غیرقانونی جهت جمع‌آوری مدارک و بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای قانونی در راه کمک حقوقی به موکل خود» ($t=35/39$; $sig=0/00$)، «رعایت ادب و احترام و رفتار احترام‌آمیز با مقامات اداری، قضایی و دیگر افراد درگیر در پرونده» ($t=29/74$; $sig=0/00$)، «عدم ایجاد اخلال در روند کاری جلسه دادگاه» ($t=54/29$; $sig=0/00$)، «رعایت و حفظ شأن وکالت و رفتار مسئولانه و رسمی در انظار عمومی» ($t=38/09$; $sig=0/00$) و «تشویق به صلح و سازش» ($t=23/32$; $sig=0/00$) می‌باشد. همگی مؤلفه‌ها در سطح $0/01$ معنادار می‌باشند.

با توجه به نتایج حاصل از جدول شماره (۲)، بر اساس میانگین‌های به‌دست‌آمده برای هر مؤلفه می‌توان بیان کرد که مؤلفه‌های پیگیری و مراقبت‌های لازم در تعقیب دعوی با میانگین $4/92$ و دارا بودن صلاحیت علمی مطلوب و متعارف در مورد وکالت با میانگین $4/72$ بیشترین میانگین را داشتند که بدین معنی می‌باشد که این دو مؤلفه بیشتر از سایر مؤلفه‌ها و اصول اخلاقی از نظر موکلان اهمیت دارند. همچنین تشویق به صلح و سازش با میانگین $3/54$ و مؤلفه رعایت و حفظ شأن وکالت و رفتار مسئولانه و رسمی در انظار عمومی با میانگین $3/74$ کمترین میانگین را داشتند، که به معنای آن است که این مؤلفه‌ها و اصول اخلاقی کمتر مورد توجه موکلان می‌باشد.

آنچه از مجموعه شاخص‌ها و اصول اخلاقی و سلوک حرفه‌ای در شغل وکالت در این پژوهش شناسایی و موردبررسی قرار گرفت در نمودار شماره (۱) آورده شده است.

وظایف و
اخلاقیات
وکیل

۱- وظیفه و اخلاقیات در برابر دادگاه و مراجع قضایی

- رعایت ادب و احترام و رفتار احترام‌آمیز با مقامات اداری و قضایی و دیگر افراد درگیر در پرونده
- عدم ایجاد اختلال در روند کاری جلسه دادگاه
- رعایت حدود اختیارات در وکالت

۲- وظیفه و اخلاقیات نسبت به خود، جامعه و آحاد مردم

- رعایت و حفظ شأن و کالت و رفتار مسئولانه و رسمی در انظار عمومی
- صداقت، درستکاری
- احترام و فروتنی و قاطعیت و شجاعت توأم با انعطاف‌پذیری بجا
- دارا بودن صلاحیت علمی مطلوب و متعارف در مورد وکالت
- صبر و بردباری و حوصله و کیل در شنیدن شرح ماوقع موکل و درک صحیح آن

۳- وظیفه و اخلاقیات نسبت به موکل

- وفاداری و امانت داری نسبت به موکل و نپذیرفتن وکالت از جانب طرفین دعوا و نیز راهنمایی نکردن هر دو باهم (تعارض منافع)
- پیگیری و مراقبت‌های لازم در تعقیب دعوی
- رعایت مصلحت موکل
- حفظ اسرار موکل و عدم سوء استفاده از اسراری که در اختیار او گذاشته شده برای منافع شخصی خود و دیگران
- دوری از ایجاد مزاحمت و سوء استفاده از موکل
- عدم استفاده از راه‌های غیر اخلاقی و غیرقانونی جهت جمع‌آوری مدارک و بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای قانونی در راه کمک حقوقی به موکل خود
- تشویق به صلح و سازش
- اعلام صریح و شفاف حق‌الوکاله به موکل

نتیجه‌گیری

وکالت یکی از نهادهای حقوقی قدیمی است که سابقه تاریخی طولانی دارد. تاریخ تمدن و سرنوشت و تکامل اقوام و ملل نشان می‌دهد مساعدت حقوقی به مردم و ارشاد و راهنمایی آن‌ها در این زمینه، در مواردی که اختلافات مالی یا خانوادگی پیدا می‌نمودند و همچنین دفاع از آن‌ها در مواردی که به نقض آداب و رسوم یا ارتکاب جرمی علیه اجتماع یا اشخاص متهم گردیده و تحت تعقیب قرار می‌گرفتند، هم‌زمان با داوری و قضا پا به عرصه‌ی وجود گذاشته است. نظر به اینکه هر کشوری برای داشتن کشوری باثبات می‌بایست با درک تحولات حقوقی سایر کشورها، از نقاط مثبت حقوقی آن‌ها در شکل‌گیری قواعد حقوقی خود کمک بگیرد و از طرفی تحکیم پایه‌های تئوریک و عملی آیین دادرسی کیفری که در چهارچوب دفاع از حقوق یک متهم توسط یک وکیل به منظور برقراری حقوق و آزادی بشری اجرائی می‌شود، لذا انجام تحقیقات و مطالعات علمی برای شناسایی حقوق و وظایف و کلا ضرورت پیدا می‌کند.

در پژوهش حاضر اصول اخلاقی و سلوک حرفه‌ای وکالت شناسایی و از نظر موکلان مورد اعتباریابی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که مهم‌ترین اصول اخلاقی وکالت شامل: پیگیری و مراقبت‌های لازم در تعقیب دعوی، دارا بودن صلاحیت علمی مطلوب و متعارف در مورد وکالت اعلام صریح و شفاف حق الوکاله به موکل، رعایت مصلحت موکل، وفاداری و امانت داری نسبت به موکل و نپذیرفتن وکالت از جانب طرفین دعوا و نیز راهنمایی نکردن هر دو باهم (تعارض منافع)، حفظ اسرار موکل و عدم سو استفاده از اسراری که در اختیار او گذاشته شده برای منافع شخصی خود و دیگران و... می‌باشند که در جدول شماره (۲) به صورت کامل آورده شده است. با توجه به اینکه معیار مطلوبیت میانگین ۴ به بالا در نظر گرفته شد؛ نتایج نشان می‌دهد که ۱۰ شاخص دارای میانگین ۴ به بالا بودند که نشان می‌دهد این اصول اخلاقی از نظر موکلان دارای اهمیت بالایی می‌باشند که شامل: پیگیری و مراقبت‌های لازم در تعقیب دعوی، دارا بودن صلاحیت علمی مطلوب و متعارف در مورد وکالت، اعلام صریح و شفاف حق الوکاله به موکل، رعایت مصلحت موکل، وفاداری و امانت داری نسبت به موکل و نپذیرفتن وکالت از جانب طرفین دعوا و نیز راهنمایی نکردن هر دو باهم (تعارض منافع)، حفظ اسرار موکل و عدم سو استفاده از اسراری که در اختیار او گذاشته شده برای منافع شخصی خود و دیگران، دوری از ایجاد مزاحمت و سوءاستفاده از موکل، صبر و بردباری و حوصله وکیل در شنیدن شرح موقوف موکل و درک صحیح آن، احترام و فروتنی و قاطعیت و شجاعت توأم با انعطاف‌پذیری بجا، صداقت و درستکاری می‌باشند.

سایر مؤلفه‌ها و سلوک اخلاقی حرفه‌ای که دارای میانگین کمتر از ۴ می‌باشد، نشان می‌دهد که این مؤلفه‌ها و اصول اخلاقی کمتر مورد توجه موکلان می‌باشند از جمله: رعایت حدود

اختیارات در وکالت، عدم استفاده از راه‌های غیراخلاقی و غیرقانونی جهت جمع‌آوری مدارک و بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای قانونی در راه کمک حقوقی به موکل خود، رعایت ادب و احترام و رفتار احترام‌آمیز با مقامات اداری، قضایی و دیگر افراد درگیر در پرونده، عدم ایجاد اختلال در روند کاری جلسه دادگاه، رعایت و حفظ شأن وکالت و رفتار مسئولانه و رسمی در انتظار عمومی، تشویق به صلح و سازش.

ایفای مسئولیت در کسوت مشاغلی به‌مانند قضاوت و وکالت، سرنوشت و حقوق افراد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و حتی گاهی زیر و رو می‌کند. پس این‌گونه مشاغل، متفاوت از دیگر شغل‌های اداری و آزاد می‌باشند. این تفاوت نه در اسم و رسم بلکه در میزان تأثیر بر سرنوشت افراد و اجتماع است. از این رو وکیل و وکالت یکی از ابزارهای اساسی در زمینه آگاهی از حقوق و اجرای عدالت و احقاق حق مردم جامعه به شمار می‌رود. علیرغم اینکه حقوق و وظایف وکلا در قوانین و آیین‌نامه‌های مختلف مشخص شده است اما قوانین نانوشته زیادی وجود دارد که بر اساس اصول اخلاق و رفتار حرفه‌ای رعایت آن‌ها بر عهده وکلا می‌باشد. وظایف اخلاقی در واقع تعهداتی است که اشخاص بر اساس وجدان و اخلاق، خود را ملزم به انجام آن می‌دانند. این‌گونه وظایف دامنه بسیار وسیع و گسترده‌ای دارد و در جوامع مختلف بر اساس شرایط فرهنگی، اجتماعی و دینی دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد که در پژوهش حاضر برخی از آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

لازم به ذکر است که وکیل به‌عنوان یک انسان بایستی به اصول اخلاقی مطلوب و به دیدگاه‌ها در خصوص اصول اخلاقی مطلوب اولویت و اهمیت دهد؛ اما به‌عنوان یک عضو کانون وکلا و سازمان حقوقی بایستی مجموعه‌ای از استانداردهای رفتار کاری در سیستم ارزش‌های کاری خود را رعایت کند.

در اکثر مشاغل علی‌الخصوص مشاغل حساسی مثل وکالت، قضاوت، پزشکی و... نظامنامه‌هایی برای این حرف به‌عنوان مرامنامه‌های وظایف حرفه‌ای تدوین می‌گردد. این نظامنامه‌ها در بعضی مواقع دارای ضمانت اجرایی است ولی در اکثر مواقع فقط به‌صورت یک مرامنامه می‌باشد که دارای ضمانت اجرای قانونی نبوده و شاغلین به این حرفه تنها از نظر اخلاقی خود را ملزم به آن می‌دانند. به همین منظور خصائل و فضایل اخلاقی به تدریج وارد قانون گشته تا آنجا که امروزه بیشتر وظایف اخلاقی به‌مانند صداقت و درستکاری، پاک‌دامنی، وفاداری و امانت داری، رازداری و ... علاوه بر چهره اخلاقی، چهره قراردادی و قانونی نیز به خود گرفته‌اند. همان‌طور که اشاره شد وکیل با قبول حرفه وکالت در قبال موکل، دادگاه و مراجع قضایی، جامعه و آحاد مردم و همکاران خود دارای مسئولیت قراردادی، قانونی و اخلاقی دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. احمد پور، ایوب؛ احمدی نژاد، زهرا (۱۳۹۵). تبیین رعایت حدود وکالت از سوی وکیل در فقه و نظام حقوقی ایران، کنفرانس بین‌المللی هزاره سوم و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، www.SID.ir
۲. انصافداران، محمدرضا (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی وظایف حرفه‌ای وکیل دادگستری، تهران: انتشارات جنگل.
۳. آهنگچیان، محمدرضا؛ حسینی، مجتبی؛ هاشمی، فروزان سادات؛ طاطاری، یونس (۱۳۹۵). پدیدارشناسی تقلب در امتحانات: تجارب زیسته دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۲(۲)، صص ۲۴-۱.
۴. تدین، عباس (۱۳۸۸). مشروعیت تحصیل دلیل در حقوق ایران و فرانسه، تازه‌های علوم جنایی، تهران: نشر میزان.
۵. ساعد، محمدجعفر (۱۳۹۰). "اخلاق حرفه‌ای وکالت و رابطه آن با حقوق شهروندی"، مجموعه مقالات نخستین اجلاس کنگره ملی وکلا، انتشارات کانون وکلای اصفهان.
۶. ساکت، محمدحسین (۱۳۸۵). دادکاوی؛ روزه‌ای به اندیشه‌نگاری حقوقی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۱.
۷. شوشتری صحنه، سحر (۱۳۹۰). نظام حقوقی وکالت در اسلام، مجموعه مقالات همایش نواندیشی در قلمرو وکالت، تهران: انتشارات فکر سازان.
۸. کشاورز، بهمن (۱۳۹۰). "اسبب‌شناسی وکالت دادگستری"، خبرنامه کانون وکلای دادگستری استان اصفهان، ش ۶۳.
۹. کشمیری، الریان حسین لون (۱۳۸۸). اخلاق در قرآن از دیدگاه امام خمینی، مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های قرآنی امام خمینی، موسسه نشر و عروج، چاپ اول.
۱۰. محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۳). مبانی استنباط حقوق اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱۷.
۱۱. مرادی، امیر (۱۳۹۰). "اخلاق حرفه‌ای وکالت با تأکید بر اندیشه‌های اخلاقی امام خمینی (ره)"، مجموعه مقالات همایش نواندیشی در قلمرو وکالت، تهران: انتشارات فکر سازان.
۱۲. نصرالله قهرمانی (۱۳۷۷). مسئولیت مدنی وکیل دادگستری، تهران: نشر گندم، چ ۱.
۱۳. واحدی، قدرت الله (۱۳۸۴). آیین دادرسی مدنی، تهران، نشر میزان، چ ۴.

14. Jabbari H, Rahmani H. (2010). *Assessing of ethical considerations in accounting*. Journal of Ethics in Science and Technology; 5(3, 4): 47-56. (In Persian).
15. Saki, R. (۲۰۱۱). *Ethics in educational research and its components*. Ethics in Science and Technology Journal, ۶ (۲), ۴۷-۵۸ (in Persian).

آیین‌نامه‌ها و قوانین

۱۶. آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴ و اصلاحات بعدی.
۱۷. آیین‌نامه "نظام‌نامه" قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶.
۱۸. قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶.
۱۹. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵.
۲۰. قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵.
۲۱. لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۶۰ - ۱۴۳

امکان سنجی صیانت از حقوق بشر با ورود ثالث در دعاوی سرمایه گذاری بین المللی

محسن عبدالهی^۱

نفیسه شاکری^۲

چکیده

حقوق سرمایه گذاری بین المللی و قواعد شکلی و ماهوی حل اختلافات ناشی از آن با استفاده از شیوه داوری در مسیر تجربه و تحول است و در این مسیر استدلال‌ات نظری و رویه عملی نقش مهمی ایفا می کند. یکی از مواردی که در موضوعات مطرح در این حیطه از دانش حقوق مورد بررسی است امکان در نظر گرفتن حقوق بشر بین الملل بعنوان قسمتی از قانون حاکم، و به تبع آن در نظر گرفتن تعهدات حقوق بشری برای طرفین رابطه ی سرمایه گذاری است. با توجه به اینکه التزام به تعهدات حقوق بشری اغلب با منافع اقتصادی طرفین همسویی ندارد، احتمال عدم تمایل به جدی گرفتن و ایفا آنها وجود دارد. به همین جهت طرح بحث چگونگی نظارت بر رفتارهای حقوق بشری طرفین سرمایه گذاری بین المللی ضرورت دارد. یکی از طرقی که این نیاز را می توان برآورد توجه به نظارت هایی است که در خارج از رابطه قرارداد سرمایه گذاری و توسط طرف ثالث ذی نفع انجام می شود. در این پژوهش با توجه به توجیهات نظری و رویه ای، شرایط کنونی امکان ورود ثالث به دعاوی سرمایه گذاری از موضع مدافع حقوق بشر، مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

حقوق شهروندی، سرمایه گذاری بین المللی، حقوق بشر، داوری سرمایه گذاری بین المللی.

۱. دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

Email: Mo_abdollahi@sbu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی.

Email: Shirin_shakeri@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۱/۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۳

طرح مسأله

سرمایه‌گذاری بین‌المللی یا خارجی شامل جریان‌های فرامرزی منابع مالی است که از یک سو با هدف ایجاد منافع پایدار برای سرمایه‌گذار در یک کشوری غیرمتبوع، به اشکالی همچون خرید یا ساخت کارخانه، تاسیس شرکت یا خرید و توسعه امکانات موجود از قبیل دارایی‌ها، کارخانجات و تجهیزات؛ و از سوی دیگر برای بهره‌مندی دولت سرمایه‌پذیر از منافع سرمایه‌گذاری ایجاد می‌شود. بنا بر این مفهوم سرمایه‌گذاری بین‌المللی، همواره با دو رکن سرمایه‌گذار و کشور میزبان به عنوان طرفین اصلی رابطه سرمایه‌گذاری خارجی عجین گردیده است. این رابطه کاملاً اقتصادی است و شرایط آرمانی این است که هر دو سوی آن منافع غیرمتعارض داشته باشند اما در عمل چنین تجربه‌ای نادر است. سرمایه‌گذار خارجی معمولاً فعالیت خود را در حالی آغاز می‌کند که در خصوص عدم تعرض به سرمایه‌گذاری و اموال خود از سوی دولت میزبان، و اتخاذ تصمیماتی چون ملی‌سازی و مصادره از یک سو، و امکان بازگرداندن اصل و سود سرمایه خود به کشور متبوعشان، با تردیدهای معقولی مواجه است. پیشینه طولانی این نگرانی‌ها، ضرورت وجود سازکارهای حمایتی از سرمایه‌گذاری خارجی را بوجود آورده است و سابقه‌ی قابل توجهی از حمایت‌های دیپلماتیک و نظامی گرفته تا انعقاد پیمانهای دو یا چندجانبه حمایت از سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده‌ی تلاشهایی برای برطرف کردن این نگرانی‌هاست. از جمله‌ی اقدامات اخیر الذکر پیشنهاد ایجاد نهاد تخصصی رسیدگی برای حل و فصل اختلافات و نیز حقوق خاص تنظیم‌کننده‌ی روابط سرمایه‌گذار خارجی و دولت بوده که با تاسیس مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی و به اقتضای آن حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی عملی شده است.

مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری، موسوم به ایکسید، از سال ۱۹۶۵ و با هدف جلوگیری از تحمیلات دولتی و حفظ نقش ارادی طرفین در داوری، فراهم آوردن تضمینات مستقیم حقوقی برای سرمایه‌گذاران خارجی، و نیز فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای حل و فصل حقوقی منصفانه‌ی اختلافات مربوط تاسیس گردیده است. این مرکز برای حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری از شیوه داوری استفاده می‌کند. داوری بین‌المللی شیوه‌ای از حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طریق صدور تصمیم لازم‌الاجرا برای طرفین، از جانب داور بی‌طرفی که طرفین، اختلاف خود را به او ارجاع داده‌اند است.^۲ در موضوع سرمایه‌گذاری بین‌المللی استفاده از داوری به جهت تردید در بی‌طرفی نظام قضایی کشور سرمایه‌پذیر، مورد

۱- قاسمی حامد، عباس، حقوق اقتصادی، انتشارات دراک، چاپ دوم، ۱۳۹۶، ص ۴۰۹

۲- تقی زاده انصاری، مصطفی، ترمینولوژی حقوق بین‌الملل، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴، ص ۳۱

اقبال زیادی بوده است.

هر نهاد رسیدگی، به مجموعه مقررات حاکم مورد توافق طرفین نیاز دارد. ایکسید هم از این قاعده مستثنا نیست. به همین منظور حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی ایجاد شده که مجموعه ای است از هنجارها که قانون حاکم لازم برای داوری را فراهم می‌آورد. این حقوق متشکل از معاهدات حمایت از سرمایه‌گذاری، قواعد حقوق بین‌الملل عام، اصول کلی حقوق بین‌الملل، استانداردهای کلی حقوق بین‌الملل اقتصادی، و در نهایت قواعدی که مشخصاً به موضوع سرمایه‌گذاری بین‌المللی مرتبط می‌باشد. نباید از نظر دور داشت که قواعد سرمایه‌گذاری بین‌المللی، بنابر ضرورت به جنبه‌هایی از حقوق ملی کشور میزبان نیز توجه داشته است.^۱

در فرآیند رخداد یک اختلاف سرمایه‌گذاری بین‌المللی آنچه مشاهده می‌شود اختلاف میان منافع متعارض طرفین است. یک طرف از داور خواهد خواست که در مورد موجه یا غیر موجه بودن رفتار طرف مقابل در موضوع مربوط به سرمایه‌گذاری تحقیق نماید. بنابر منطق علم حقوق، کسی می‌تواند تقاضای رسیدگی به امری را داشته باشد که در آن امر ذی‌نفع باشد. حال با توجه به اینکه در مجموعه قوانین حاکم بر روابط سرمایه‌گذاری حقوق بین‌الملل عام نیز گنجانده شده است، می‌توان شرایطی را در نظر گرفت که، بویژه در موضوع حقوق بشر، ذی‌نفعی بغیر از طرفین اختلاف نیز در میان باشد. این پژوهش به هدف بررسی امکان ورود ثالث در دعای سرمایه‌گذاری با استناد به قواعد حقوق بشری صورت گرفته است. به این منظور ابتدا تعهدات حقوق بشری در معاهدات سرمایه‌گذاری مورد بررسی قرار گرفته و به تعهدات زیست‌محیطی و توسعه محور اشاره رفته است. سپس مسئله ورود اشخاص ثالث و دلایل موجه کننده آن طرح و بررسی شده است. در قسمت بعد رویه قضایی دو دهه اخیر در مورد میزان استقبال دادگاه‌های داوری از ورود ثالث در پرونده‌های سرمایه‌گذاری مورد تحلیل قرار گرفته است و نهایتاً با توجه به همه‌ی این موارد جمع‌بندی و نتیجه‌گیری صورت گرفته است.

۱. تعهدات حقوق بشری در معاهدات سرمایه‌گذاری

ضرورت رعایت موازین حقوق بشر، بویژه آن قسمت که قواعد آمره شمرده می‌شود، از سوی سرمایه‌گذار خارجی در کشور سرمایه‌پذیر از منظر حقوق بین‌الملل قابل انکار نیست. سند مصوب سال ۲۰۰۳ سازمان ملل متحد در مورد هنجارها و مسئولیت‌های شرکت‌های فراملی و دیگر فعالان تجاری در مورد حقوق بشر، علاوه بر دولت‌ها، دیگر ارگان‌های جامعه را نیز در مورد رعایت حقوق بشر مسئول می‌داند.^۲ در این سند آمده است: هرچند دولت‌ها مسئولیت

۱- دالرز، رودلف و شروتر، کریستف، اصول حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، انتشارات شهردانش، ۱۳۹۱، ص ۲۸.
 2- Norms and the Responsibilities of Transnational Corporations and other Business Enterprises with regard to Human Rights, U.N.Doc.

اصلی و اولیه ارتقا، اجرا، تضمین مراعات و حمایت از حقوق بشر را برعهده دارند، شرکت‌های فراملی و سایر مؤسسات تجاری به عنوان «سایر ارگان‌های جامعه» نیز مسئول ارتقا و تأمین حقوق بشر مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشرند.^۱

این سند دربردارنده پنج گروه از تعهدات ماهوی است: دسته اول، حقوق مدنی و سیاسی؛ دسته دوم، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ دسته سوم، نسل سوم حقوق بشر و به ویژه حق بر محیط زیست و توسعه که باید مورد احترام شرکت‌های فراملی باشد و به علاوه، این شرکت‌ها باید درجهت ارتقا و حمایت از حقوق اقشار آسیب‌پذیر و گروه‌های بومی نیز کوشا باشند؛ دسته چهارم مقررات مطرح در این هنجارها، به مشکلات ناشی از اقدامات فعالان تجاری و راه‌های تحقیق مطرح در سه دسته اخیر می‌پردازد. این دسته از مقررات به ایمنی و ترتیبات امنیتی شرکت‌ها اختصاص یافته است و مطابق آن، ترتیبات امنیتی به کارگرفته شده باید مطابق با هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر و نیز حقوق و استانداردهای کشور میزبان باشد؛ و نهایتاً دسته پنجم مقررات ماهوی که از حوزه حقوق بشر متعارف فراتر می‌رود و به طور کلی به فعالان تجاری می‌پردازد. با توجه به موضوع مورد بررسی پژوهش پیش رو، تعهدات نسل سوم حقوق بشری فعالان تجاری مرکز توجه خواهد بود. از سویی رویه و سابقه‌ی پرونده‌های مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی نشان می‌دهد که دو مسئله‌ی حقوق محیط زیست و توسعه بیش از سایر عناوین حقوقی در این دعاوی تکرار شده است. تعهدات محیط زیستی را می‌توان اصلالتاً تعهدی منفی، و تعهدات مربوط به توسعه را تعهدی مثبت تلقی نمود. در این قسمت این دو حق/تعهد مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱.۲ - حق بر محیط زیست و مسئله سرمایه‌گذاری بین‌المللی

پرهیز از فعالیت‌ها مخرب محیط زیستی در کشور میزبان، از جمله تعهدات فعالان بخش تجاری و از جمله سرمایه‌گذاران است. اعلامیه ریو درباره محیط زیست و توسعه و برنامه ۲۱ - برنامه عمل برای توسعه پایدار -، مسئولیت مستقیمی برای شرکت‌های فراملی در توسعه و انتقال فناوری‌های دوستدار محیط زیست قائل شده است و تعهداتی را در این باره متوجه هم دولت‌ها و هم شرکت‌ها می‌داند. در این اعلامیه از دولت و شرکت‌های فراملی خواسته شده است برای ترویج و به کارگیری تکنولوژی سالم تر با یکدیگر تشریک مساعی کنند. به ویژه از شرکت‌های فراملی خواسته شده است در گزارش سالانه خود به اقدامات زیست محیطی خویش اشاره نمایند. قواعدی را درباره رویه زیست محیطی بهتر وضع کنند، تولیدات خود را از راه

E/CN.4/Sub.2/2003/12/Rev.2.(2003)

۱- یزدانی، غلامرضا، ایکسید و نقض قرارداد سرمایه‌گذاری، ۱۳۹۶، مشهد، انتشارات آستان قدس، ص ۱۸۷.

فناوری‌های سالم‌تر سامان دهند و با اتحادیه‌های کارگری و بازرگانی و دیگر فعالان اقتصادی برای ارتقای دانش و مهارت‌های زیست‌محیطی همکاری کنند. دستورالعمل سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه برای شرکت‌های چندملیتی نیز به این‌ها توصیه کرده است که در حمایت از محیط زیست، به سلامت و ایمنی عمومی توجه نمایند و اقدامات خود را با محوریت توسعه پایدار ساماندهی کنند. مطابق این دستورالعمل، شرکت‌های خارجی باید در برنامه ریزی‌های خود ملاحظات زیست‌محیطی را در نظر بگیرند و نسبت به آثار مخرب فعالیت‌های خود بر محیط زیست حساس بوده و به کنترل آن بپردازند.

علاوه بر اسناد حقوق بشری، مراعات ملاحظات زیست‌محیطی در معاهدات تجاری و سرمایه‌گذاری نیز مورد توجه بوده است. برای نمونه می‌توان به پیمان نفتا اشاره کرد. «در متن موافقتنامه نفتابه طور رسمی ارتباطی میان حقوق بشر در این منطقه مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین مقررات حمایتی نفتا در خصوص سطح حداقل دستمزدها، کارکردک، مقررات ایمنی، شرایط محیط کار قابل توجه است، چراکه نقض شدید این مقررات حمایتی می‌تواند تحریم‌های تجاری را به موجب موافقت‌نامه به همراه داشته باشد»^۱. اعضای پیمان نفتا به رعایت قوانین زیست‌محیطی، حفظ حقوق کارگران توجه خاصی مبذول داشته و در این راستا موافقتنامه‌های جانبی به پیمان الحاق شده که قابل تأمل است. در سال ۱۹۹۳، در پی فشار داخلی، دولت آمریکا درباره دو موافقتنامه جانبی با شرکایش در نفتا مذاکره کرد که قرار بود امنیت حقوق کارگران و محیط زیست را تأمین کند.

آنچه ملاحظات زیست‌محیطی را شایسته توجه و نظارت بیشتری می‌نماید آثار گسترده مخاطرات آن هم در بعد مکانی و هم زمانی است. از منظر آثار مکانی، صدمات زیست‌محیطی امکان عبور از مرزها و تهدید سلامت پهنه‌ی وسیعی از سرزمین‌ها و انسانها را دارند. آنچه در ادبیات محیط زیستی اثر پروانه‌ای^۲ خوانده می‌شود، اشاره به ویژگی فرا مرزی مسئله محیط زیست است. از بعد زمانی نیز با خلق مفهوم خطر توسعه^۳، به آثار احتمالی طولانی مدت بر محیط زیست اشاره رفته است.

۱- شریفی طرازکوهی، حسین و سیه جانی، نازیلا، ۱۳۹۴، نقش و جایگاه موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای نفتا و آسه آن در پیشبرد و تضمین ابعاد و انواع حقوق بشر، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶ شماره ۱، ص ۱۸۶

2 - Butterfly Effect

3 - Development Risk

۲.۲- حق بر توسعه و مسئله سرمایه‌گذاری بین‌المللی

یکی دیگر از اهداف و در عین حال تعهدات فعالیت‌های سرمایه‌گذاری یاری رساندن به فرآیند رشد و توسعه اقتصادی کشور میزبان است که تامین‌کننده‌ی سهمی از حق بر توسعه مردمان متبوع این دولت هاست. مطالعات اقتصادی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عاملی مهم در بالا رفتن سطح اشتغال کشور سرمایه‌پذیر محسوب می‌شود. علاوه بر این، این نوع سرمایه‌گذاری از طریق انتقال فناوری‌های جدید و انتقال مهارت‌های مدیریتی و دانش روز و سرریزهای ناشی از آنها، به افزایش قدرت رقابت، ارتقای دانش نیروی کار، افزایش بهره‌وری نیروی کار، افزایش تولید و بهبود تراز پرداخت‌ها می‌انجامد.^۱

با توجه به توضیحات فوق در معاهدات و اسناد مربوط به سرمایه‌گذاری، فرض بر این است که سرمایه‌گذاری خارجی، در صورت تحقق صحیح و با حسن نیت، علاوه بر اینکه تامین‌کننده‌ی منافع سرمایه‌گذار است، سبب رونق اقتصادی و توسعه اقتصادی کشور میزبان نیز خواهد بود. اهمیت این مطلب به حدی است که دولت‌های متبوع سرمایه‌گذاران خارجی نیز به موجب معاهدات بین‌المللی سرمایه‌گذاری، متعهد شده‌اند تضمین کنند که شرکت‌های تابع آنها اهداف اصلی این معاهدات، یعنی رونق اقتصادی کشور میزبان را خدشه دار نکنند یا دست کم مانعی در مسیر توسعه کشور سرمایه‌پذیر ایجاد ننمایند. چنانچه سرمایه‌گذار خارجی مانع توسعه کشور میزبان شود میتوان ادعا کرد که از مسیر حسن نیت خارج شده و قواعد مربوط به حمایت از سرمایه‌گذار خارجی، مشمول وی نشده است و وی از امتیازات تعهد شده محروم خواهد شد. به دیگر سخن معیار بهره‌مندی از حمایت‌ها و مشوق‌ها در کشورهای سرمایه‌پذیر، مشارکت موثر و مثبت^۲ فرآیند سرمایه‌گذاری خارجی در تحقق توسعه آن کشورها است.

۲. اشخاص ثالث به مثابه ذی‌نفعان معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی

هرگاه میان دو شخص توافقی در می‌گیرد که آثار آن به خود آن افراد محدود نیست، عدالت اقتضا می‌کند که به ذی‌نفع خارج از دعوا (ثالث) اجازه‌ی دفاع از حقوق خود داده شود. به جهت وسعت تاثیر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی، تبعات آن ممکن است آثار مهمی بر حیات افراد غیر طرف قرارداد سرمایه‌گذاری داشته باشد. ضروری بوده است که برای حفظ حقوق ثالث چاره‌اندیشی شود. یک دسته از حقوق مورد تهدید حق‌های بشری این افراد است و به همین جهت تعهدات حقوق بشری مضمّن در حقوق سرمایه‌گذاری خارجی، امکان حضور افراد را

۱- سید نورانی، سید محمدرضا و محمدپور، حسن، ۱۳۹۵، تاثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اشتغال در کشورهای عضو OECD و کشورهای در حال توسعه، در اقتصاد و تجارت نوین، سال یازدهم شماره سوم، صص ۱۱۹-۱۴۸.

بعنوان صاحبان حق و ذی نفعان حقوق بشر در فرآیند نظارت بر اجرای معاهدات سرمایه‌گذاری فراهم آورده است. برای نمونه قواعد داوری ایکسید، مبنایی را برای ورود ثالث در دعوی سرمایه‌گذاری ایجاد نموده است: کسانی که طرف دعوا نیستند و تمایل دارند موضوعاتی را مطرح سازند باید دادخواستی را تحویل دیوان نمایند و این دادخواست باید شامل موارد ذیل باشد:

الف. هویت و پیشینه دادخواست، ماهیت عضویت در یک سازمان، و اگر ارتباطی وجود داشته باشد، ماهیت ارتباط با طرفین اختلاف، شخص ثالث باید در چارچوب موضوع اختلاف مساله جدیدی را بیان نماید که طرفین اختلاف به آن را مدنظر قرار نداده اند.

ب. ماهیت منافع دادخواست دهنده در دعوی؛

ج. اینکه آیا دادخواست دهنده حمایت مالی یا مادی را از طرفین اختلاف که با آن ارتباط دارد دریافت می‌کند یا خیر؛

د. استدلال در این راستا که چرا دیوان باید دادخواست مکتوب او را بپذیرد.

ماده ۴۶ منشور آفریقایی حقوق بشر سال ۱۹۸۱ نیز به کمیسیون آفریقایی حقوق بشر اجازه میداد که به هرگونه ابزار مناسب برای تحقیق متوسل شود و اظهارات دبیرکل سازمان اتحادیه آفریقایی یا هر شخص دیگری که قابلیت روشن سازی موضوع را دارد، بشنود.^۱

داوری سرمایه‌گذاری براساس موافقت نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) نیز از این امر بی‌نصیب نمانده است و حضور اشخاص ثالث را در جهت شفافیت اختلاف مدنظر قرارداشته است. شایان ذکر است که در قواعد شفافیت آنسیترال هم مساله ورود ثالث مورد توجه قرار گرفته است البته در این قواعد اشخاص ثالث دولتی و غیر دولتی و مسائل شکلی و ماهوی مورد مورد تفکیک قرار گرفته اند.^۲

این گرایش محدود به معاهدات چندجانبه و کنوانسیون‌ها نیست و حتی در تعدادی از معاهدات دوجانبه ی سرمایه‌گذاری نیز امکان ورود ثالث پیش بینی شده است.^۳

ممکن است این ایراد طرح شود که دولت‌های طرف قرارداد به نمایندگی از ملت خود، وظیفه ی صیانت از حقوق آنها را انجام میدهند و در نظر گرفتن امکان ورود ثالث، دوباره کاری بنظر می‌رسد. به نظر نگارنده هر چند دولت‌ها بعنوان نماینده ی ملت‌های متبوع خود در این قراردادهای حضور دارند، اما این حضور به دو دلیل مانع از ورود طرف ثالث بعنوان مدعی نیست.

1 - African Charter on Human and Peoples' Rights, Article 46

2 - UNCITRAL Rules on Transparency, 2014,

3 - Canada Model BIT Art.39, 2004, USA BIT Art.28 paraa3,2012.

۱.۳ - ثالث غیر متبوع دولت سرمایه پذیر

نخستین دلیلی که میتوان برای پذیرش ثالث مدعی نقض حقوق بشر در دعاوی سرمایه گذاری در نظر گرفت این است که ثالث ذی نفع، غیر متبوع دولت طرف قرارداد باشد. در این شرایط امکان حمایت دیپلماتیک از حقوق اتباع را غیر قابل طرح می سازد. این امر بویژه در مسائل زیست محیطی که دامنه تاثیر غیر قابل کنترل دارند، و یا مواردی که تاثیر اقدامات با تاخیر و غیر فوری بروز می باید، و نیز مسئله ی حقوق کارگران خارجی، قابل تصور است.

۲.۳ - کوتاهی یا ناتوانی دولت در حمایت از حقوق بشری اتباع شان در فعالیت های سرمایه گذاری

دلیل دوم توجیه ورود طرف ثالث این است که مسئولیت دولت دلیلی برای عدم صلاحیت خود افراد برای نظارت بر محتوا و فرآیند سرمایه گذاری خارجیو دیدبانی نقض حقوق بشر نیست. دولتها ممکن است به طور غیر عامدانه و به جهت فقدان اطلاعات لازم، و یا بطور عامدانه و به طمع منافع اقتصادی قابل توجه، مخاطرات زیست محیطی برخی فعالیت ها را نادیده بگیرند. حضور افراد و سازمان های غیردولتی برای نظارت بر اقدامات سرمایه گذاران و دولت ها، بر شفافیت رفتارهای مورد اشاره می افزایند. به همین دلایل است که برخی رشته هاو صنایعی که پتانسیل سرمایه پذیری بیشتری دارند، بیشترین حجم توجهات را نیز به خود جلب می کنند و زیر ذره بین نظارت های عمومی هستند؛ از جمله صنایع سبک مانند کفش و پوشاک که به کار ارزان وابسته اند و همچنین فعالیت های استخراج از منابع طبیعی و پروژه های عمرانی و نیز عملیات های مربوط به لوله های نفت و گاز نیز به دلیل آثار جدی آنها بر وضعیت سلامت و محیط زیست. باید توجه داشت که ورود ثالث همیشه مورد استقبال و پذیرش نبوده و نقدهای متفاوتی نیز درباره آن مطرح شده است. از آن جمله به این موضوع توجه شده که ورود ثالث می تواند باعث توسعه موضوع دعوا، پیچیده تر شدن آن، افزایش زمان داوری ونهایتاً بالاتر رفتن هزینه رسیدگی برای طرفین شود. در هر حال باید به خاطر داشت که داوری معاهده ای سرمایه گذاری، علی رغم وجود مؤلفه های عمومی و حضور دولت، نوعی رسیدگی خصوصی است و برقراری رابطه میان جنبه های عمومی و حقوق بشری دعاوی معاهده ای سرمایه گذاری از یک سو و منافع و حقوق طرفین دعوا(وعلی الخصوص شخص خصوصی) ازسوی دیگر درتصمیم دیوان داوری برای پذیرش یا عدم پذیرش اظهار نظر شخص ثالث می بایست به دقت سنجیده شود. بنظر می رسد با در نظر گرفتن همین نگرانی است که در مقررات داوری ایکسید پیش بینی شده است که

۱- گمانه زنی ها در مورد منشا خارجی ریزگردهای جنوب غرب ایران نمونه دیگری از تاثیر بی مرز فعالیت های موثر بر محیط زیست است.

مشارکت شخص ثالث نباید باعث ایجاد وقفه در روند داوری شود یا تکالیف اضافی غیر موجه بر طرفین دعوی اصلی تحمیل نماید و نیز طرفین دعوا اصلی باید به صورت عادلانه مجال کافی برای پاسخ به لایحه ارسالی را داشته باشد.^۱ در واقع تأثیر گذاری منافع عمومی و حقوق بشر در دعوی سرمایه گذاری خارجی غالباً درخلاف جهت منافع شخص خصوصی عمل می کند. در مورد اظهار نظر ثالث و با نظر به انگیزه اظهار نظرکنندگان ثالث که اصولاً حفظ منافع عمومی و یا منافع گروه خاصی است نیز این قاعده کلی صادق است. لذا در مواردی که امکان انتخاب برای سرمایه گذاری خارجی از میان سازوکار های داوری تجاری و سرمایه گذاری وجود داشته باشد، همین مسأله می تواند سرمایه گذاری خارجی را برای حل اختلافات سرمایه گذاری از نظام دادگستری دور و به نظام داوری تجاری متمایل مینماید.

برای سنجش میزان پذیرش دلایل له و علیه حضور ثالث به عنوان مدعی العموم حقوق بشر توسط قضات و داوران بین المللی، در بخش آتی به بررسی رویه مربوط داوری های صورت گرفته در پرونده های مطرح شده در موضوع سرمایه گذاری می پردازیم.

۳. رویه داوری در ورود شخص ثالث به دعوی سرمایه گذاری با استناد به نقض حقوق بشر

بررسی پرونده های مختوم و در دست رسیدگی در موضوع سرمایه گذاری خارجی، روندی رو به افزایش از دخالت نهادهای غیر دولتی و گروه های مدنی هم بعنوان ثالث ذی نفع (اصلی)، و هم بعنوان همکاران افتخاری^۲ (ثالث تبعی) داور/دادگاه ها در پرونده های سرمایه گذاری را نشان می دهد. گستره ی این حضور در پرونده های جدیدتر اشکال متفاوتی به خود گرفته و حتی شامل گروه هایی چون کمیسیون اروپایی و قبیله های بومی آمریکایی نیز شده است.

نخستین تجربه ورود ثالث در پرونده ی متانکس علیه دولت ایالات متحده در سال ۲۰۰۱ رخ داد. در این قضیه دولت ایالتی کالیفرنیا استفاده از مواد گازوئیلی تحت عنوان ام تی بی ای را در قلمرو خویش به دلیل سمی بودن ممنوع نمود. شرکت متانکس یک شرکت کانادایی

1. ICSID Arbitration Rules of Procedure, Rules 37(2).

با همین مبنا، دیوان های داوری ایکسید بعضاً ارسال لایحه از سوی ثالث را نپذیرفته اند به عنوان نمونه:

Bernhard von Pezold and Others v. Republic of Zimbabwe, ICSID Case No. ARB/10/15, Procedural Order No 2, 26 June 2012; Border Timbers Limited, Border Timbers International (Private) Limited, and Hangani Development Co. (Private) Limited v. Republic of Zimbabwe, ICSID Case No. ARB/10/25 – Procedural Order No 2, 26 June 2012.

2- Amicus curiae briefs جناب دکتر شهاب جعفری ندوشن این عبارت را دوست دادگاه ترجمه کرده اند. نگارنده به جهت تفاوت سلیقه، عبارت همکار افتخاری را برگزیده ام. بنگرید به جعفری ندوشن، شهاب، حقوق حل اختلافات سرمایه گذاری های خارجی، ۱۳۹۷، نشر میزان، تهران

تولیدکننده متانول است. این ماده متشکل از مواد تجزیه ناپذیر گازولین به نام ام تی بی ای است. هرچند شرکت متانکس تولیدکننده ام تی بی ای نبود ولی بخش اعظمی از متانولی که تولید می‌نمود در ساخت ام تی بی ای بکار می‌رفت. این شرکت متانول را برای بازارهای آمریکایی تولید می‌نمود ولی ۴۷ درصد بازار در دست تولیدکنندگان داخلی آمریکایی بود.

آنچه منجر به این اختلاف گردید از این قرار بود که بعد از مشکلاتی که توسط گروه‌های محیط زیست ابراز گردید و در مطالعات کارشناسان هم به اثبات رسید، دولت ایالتی کالیفرنیا استفاده از ام تی بی ای را به عنوان یکی از مواد افزودنی گازولین ممنوع نمود زیرا این مواد موجب آلوده شدن سطح آب‌های زمینی و زیرزمینی می‌شد. در مقابل، شرکت متانکس اعلام داشت که «ام تی بی ای» عنصری مؤثر، اقتصادی و است. این شرکت حتی ادعا نمود که محصولش آثار مفید زیست محیطی نیز می‌تواند داشته باشد و هیچ خطری برای سلامت بشری یا محیط زیست ندارد و به مبنای قانونگذاری‌های انجام شده در این خصوص ایراد گرفت. در پاسخ، ایالات متحده اعلام نمود اقدامات تقنینی منجر به ممنوعیت کامل متانول نشده است و ممنوعیت‌های صرفاً محدود به عدم ایجاد آثار مخرب قابل توجه بر سلامت عمومی و محیط زیست است. متانکس معتقد بود بر مبنای دستورات اجرایی و تقنینی از سوی کالیفرنیا این شرکت بخش قابل توجهی از مشتریان و بازار خود را در کالیفرنیا از دست داده است و جبران خسارت وارده را درخواست کرد. شرکت متانکس مدعی بود که این ایالات این ممنوعیت را به دلایل سیاسی مربوط به شرکت رقیب که اتانول تولید می‌نمود و می‌توانست جایگزین متانول و ام تی بی ای باشد، این تصمیم را اتخاذ نموده است و این اقدام نقض فصل ۱۱ نفتا در خصوص حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی می‌باشد که سه تعهد را دربردارد:

۱- تعهد به رفتار ملی ماده ۱۱۰۲ نفتا که مقرر می‌دارد دول عضو نفتا باید نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی رفتاری مانند سرمایه‌گذاران داخلی که در شرایط با آن‌ها می‌باشند اتخاذ نماید.

۲- تعهد به اعمال حداقل استاندارد بین‌المللی رفتار در حمایت از سرمایه‌گذاران از جمله رفتار منصفانه و عادلانه.

۳- تعهد به عدم اتخاذ اقداماتی که بمثابة مصادره بدون پرداخت غرامت تلقی می‌شود. بر اساس ماده ۱۱۰۲ نفتا مقرر می‌دارد که سرمایه‌گذاران خارجی نباید در مقایسه با سرمایه‌گذاران داخلی، در اوضاع و احوال مشابه، از رفتاری که از مطلوبیت کمتری برخوردار است بهره‌مند گردد.

در این پرونده که در چهارچوب معاهده نفتا و قواعد آنستیرال مورد بررسی قرار می‌گرفت، مقررات آئین دادرسی حاکم در مورد ورود ثالث ساکت بود، با این وجود دادگاه اعلام کرد که با توجه به ضرورت در نظر گرفتن منافع عمومی، این اختیار را دارد که طرف ثالث را بپذیرد. تحت تاثیر این رای بود که در سال ۲۰۰۳ کمیسیون تجارت آزاد نفتا و ورود ثالث را پذیرفت.^۱

در پرونده ی سوئز/ووندی علیه دولت آرژانتین در سال ۲۰۰۵ علی‌رغم اعتراض طرفین درگیر، دادگاه ورود سازمانهای مدنی را پذیرفت. دادگاه ابراز داشت که ماهیت پرونده چنان ارتباطی با منافع عمومی دارد که هر دادگاه و داوری را قانع می‌کند که از ورود طرف ثالث قابل اعتماد استقبال نماید. با این وجود دادگاه تاکید کرد ورود ثالث در تمام پرونده‌ها مجاز نیست، بلکه این امر بستگی به ماهیت موضوع دارد. در پرونده ی مورد بحث، چون موضوع حقوق آب و منابع آن مربوط بود که با حق بر دسترسی به آب آشامیدنی سالم در ارتباط است، دادگاه اجازه ورود ثالث را داد.^۲

در پرونده ی یو پی اس علیه دولت کانادا در سال ۲۰۰۷، دادگاه حتی بدون ذکر ارتباط موضوع پرونده با حقوق بشر و منافع عمومی، ورود ثالث را پذیرفت. به همین نحو در پرونده ی گلامیس گلد علیه دولت ایالات متحده، دادگاه باز هم بدون ذکر دلیل خود، ثالث را در فرآیند داوری پذیرفت.^۳ در پرونده آگواس دلتوناری علیه دولت بولیوی، تقاضای ورود ثالث رد شد. در پرونده ی سوز علیه دولت آرژانتین در سال ۲۰۰۶ دادگاه با این استدلال که عملیات سرمایه‌گذاری مربوط به آب و سیستم بهداشتی، به حقوق بشر مربوط است، اجازه ورود ثالث را صادر نمود. همین خط استدلال را می‌توان در تصمیم دادگاه در پرونده ی بای واتر گاف علیه دولت تانزانیا دید که به پذیرش ثالث منجر شد. هر چند این دادگاه در حکم نهایی، ذکر از حقوق بشر به میان نیاورد.^۴

در دو پرونده ی مشهور گراندربور علیه دولت ایالات متحده در سال ۲۰۱۳، و پرونده ی فیلیپ موریس علیه دولت اروگوئه در سال ۲۰۱۵، علت پذیرش ثالث به وضوح، کمک به افزایش

1- Methanex Corporation v. US, UNCITRAL, Decision of the Tribunal on Petitions from Third Persons to intervene as "Amici Curiae", 15 January 2001

2- Suez, Sociedad General de Aguas de Barcelona, S.A. and Vivendi Universal, S.A. v. Argentina, ICSID ARB/03/19, October in Response to a Petition for Transparency and Participation as Amicus Curiae of May 19, 2005

3- United Parcel Services of America, Inc. v. Canada, UNCIRAL, Award on the Merits, 24 May 2007, para. 3.

4- Suez, Sociedad General de Aguas de Barcelona S.A., and InterAguaServicios Integrales del Agua S.A. v. Argentina, ICSID Case No. ARB/03/17/, order in Response to a Petition for Participation as Amicus Curiae, 17 May 2006, para. 18

شفافیت در فرآیند رسیدگی و نیز افزایش پذیرندگی آن در طرفین به طور کلی اعلام شد.^۱ در پرونده ی پیرو فورستی علیه دولت آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۵، درخواست ورود ثالث پذیرفته شد. دلیل این امر در نظر گرفتن افکار عمومی در این پرونده ذکر شد. در این پرونده رفتار دولت آفریقای جنوبی به جهت رفع اثر از رفتار رژیم سابق نژاد پرست حاکم بر کشور بود. استدلال این دولت این بود که نه تنها وظیفه داشته اینگونه عمل کند بلکه دولت متبوع سرمایه گذار نیز با توجه به تعهدش به همکاری بین المللی در مورد ارتقای رفتارهای بدون تبعیض و برابر، باید حامی این رفتار باشد. نکته جالب در این پرونده این بود که دادگاه در پی دریافت بازخورد عمومی در مورد منصفانه و موثر بودن پذیرش ثالث بود. در این قضیه ۲ دادخواست ارائه شده بود، یکی از طرف کمیسیون بین المللی حقوقدانان که یک سازمان حقوق بشری است^۲ و دیگری از طرف یک گروه کاری از ۴ سازمان غیردولتی که دوتای آن بر حفاظت از محیط زیست تمرکز دارند. دیوان نه تنها دفاعیات مکتوب آن ها را دریافت نمود بلکه شرایطی را برای استماع مطالب آن ها به صورت شفاهی فراهم نمود و از آن ها درخواست نمود در خصوص موثر بودن و عادلانه بودن روندی که برای مشارکت اعضایی که طرف اختلاف نیستند ارائه دهند و دیوان در رای خویش بخشی را به ثبت نظریات آنان و نتایجی که دیوان از آن گرفته بود اختصاص دهد.^۳ این توجه دیوان به دلیل حساسیت هایی بود که این قضیه به همراه داشت ولی این اقدامات دیوان بی همتا نبود و دیوان های قبلی و اسناد بین المللی هم چنین اقداماتی را مقرر داشتند.^۴ دعاوی زیست محیطی مانند آن چه مرتبط است با خدمات آب، استخراج منابع طبیعی، مدیریت پسماندها و ... ملاحظات عمومی گسترده ای را مطرح می سازد که دیوان باید در تصمیم گیری بدان توجه نماید. در این راستا کارکرد مهم این مداخلات این است که منجر به کمک به دیوان در استنباط عکس العمل عمومی و ارتقاء مشروعیت پروسه داوری با مشارکت نهادهای مدنی خواهد شد. برای نیل به چنین اهدافی، این مداخلات باید توسط مقامات صالح و کسانی که به نحوی با قضیه درگیر هستند صورت گیرد.

هر چند این دادگاه به نتیجه نرسید اما مذاکرات آن نشان دهنده ی گرایش به ارتقای

1- Grand River Enterprises Six Nations, Ltd., et al. v. United State of America, UNCITRAL, Amicus Curiae Submission of the Office of the National Chief of the Assembly of First Nations, 19 January, 2009, <http://www.italaw.com/cases/510#sthash.0n3vmJKm.dpuf>.

2- Petition for Participation as Non-disputing Party Pursuant to Article 41 (3) of the ICSID Arbitration Rules, Presented by the International Commission of Jurists, available at www.icj.org/IMG/ICJ-Petition-Foresti-V-RSA-19-Aug2009.Pdf

3- Foresti, OP.Cit

4 - See Suez V. Argentina, ICSID Case NO.ARB/02/3, order in Response to a Petition for Transparency and Participation Amicus Curia, 19 May 2005

سیستماتیک حضور ثالث در دادگاه‌های داوری است.^۱ خلاف همین روند را می‌توان در پرونده‌های شورون علیه دولت اکوادور در سال ۲۰۱۰،^۲ و نیز پزلد علیه دولت زیمباوه در سال ۲۰۱۲،^۳ مشاهده کرد. پرونده‌ی اخیر الذکر و استدلال رد ورود ثالث در آن شایسته‌ی بررسی است.

در پرونده پزلد علیه دولت زیمباوه مسئله اصلی بررسی نحوه تفسیر قواعد مربوط به ورود ثالث در کنوانسیون حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری، به عنوان نمونه ماده ۳۷ آن است. باید توجه داشت که علی‌رغم مخالفت هر دو طرف، دادگاه در این پرونده ابتدا تقاضای ورود ثالث را بررسی نمود و سپس با این استدلال که ثالث مستقل نیست، این تقاضا را رد کرد. دادگاه بیان داشت که این دولت طرف قرارداد است که باید بحث حقوق بشری تابعانش را پیش بکشد. البته در آن مقطع هنوز هیچ دفاع ماهوی صورت نگرفته بود و مشخص نبود دولت زیمباوه این کار را به انجام خواهد رساند یا خیر. محتوای این اظهار نظر نشان می‌دهد که دادگاه موضوع را مرتبط به حقوق بشر دانسته اما در مورد امکان استماع چنین ارتباطی از سمت ثالث مطمئن نبود و این به احراز شرط استقلال ثالث بر میگشت. دادگاه اظهار داشت که هدف از ورود ثالث کمک به دادگاه برای اخذ تصمیم صحیح است و این امر از طریق فراهم آوردن اطلاعات و تجربه‌ی مستقل و غیر جهت‌دار محقق می‌شود که به تنهایی در اختیار دادگاه نیست و به همین جهت به کمک ثالث نیاز پیدا می‌کند. پس ثالث برای توجیه ورود خود باید چنین ویژگی‌هایی را اثبات نماید. در این پرونده استناد طرف ثالث به قوانین داخلی و نیز اصرار دولت بر ورود آن، استقلال ثالث را نزد دادگاه زیر سوال برد. این استدلال قابل نقد به نظر می‌رسد. اینکه هیچ ارتباطی بین یک نهاد غیر دولتی و دولتی که در سرزمین آن فعالیت می‌کند نبوده باشد، منطقی نیست. در یک پرونده قدیمی میان متانکس علیه دولت ایالات متحده استدلالی وجود دارد که بنظر مربوط می‌آید. در آن پرونده نماینده شرکت متانکس اظهار می‌دارد که ثالث نقش کارشناس را برای دادگاه ایفا نمیکند، بلکه توجه او را به ابعاد متفاوت و منافع متعارض در پرونده

1- Petition for participation as a Non-disputing party pursuant to Article 41(3) of the ICSID Arbitration Rules by the International Commission of Jurists, 19 August, 2009, accessible via <http://icj.wpengine.netdna-cdn.com/wp-content/uploads/2012/06/SouthAfrica-foresti-advocacy-2001.pdf>, Accessed 9 July 2015.

2- Chevron Corporation and Texaco Petroleum Corporation v. The Republic of Ecuador, UNCITRAL, PCA Case No. 2009-23, Submission of Amici, 5 November 2010. http://italaw.com/documents/Chevron_v_Ecuador_SubmissionOfAmici_5Nov2010.pdf.

3- Bernhard von Pezold and others v. Republic of Zimbabwe, ICSID Case No. ARB/10/15, Procedural Order No. 2, 26 June 2012.

جلب می نماید.^۱

در پرونده داوری گلامیس، دیوان داوری با در نظر گرفتن شرط منفعت شخص ثالث که یک گروه بومی از هند بودند حضور اشخاص ثالث را به رسمیت شناخت و مقرر داشت که حق مردم یک سرزمین این است که از امکان مقدس مذهبی و فرهنگی خود بهره مند گردند. در آخرین مورد بررسی به پرونده ی گابریل ریسورسز علیه دولت رومانی در سال ۲۰۱۹، سه سازمان مردم نهاد رومانیایی تقاضای ورود به پرونده را بعنوان ثالث داشتند. دادگاه ورود محدود را پذیرفت. اجازه ورود تنها به مباحثی داده شد که اولاً در تخصص ثالث متقاضی ورود بود و ثانیاً به مواردی که آنها بعنوان قصد خود از ورود اعلام کرده بودند ارتباط داشته باشد. سه نهاد متقاضی ورود مدعی حمایت از حقوق خانواده های بومی ساکن منطقه مورد سرمایه گذاری، منابع محیط زیستی منطقه، و نیز آثار باستانی آن بودند. در این پرونده نیز در اظهار نظر دادگاه از ماده ۳۷ ایکسید سخن به میان آمد و نهایتاً اجازه ورود مشروط به توضیحات فوق صادر شد.^۲

1- Methanex Corporation v. United States of America, UNCITRAL, Decision of the Tribunal on Petition from Third Persons to Intervene as "amici curiae, 15 January 2001, para. 38

2- <https://www.lexology.com/library/detail.aspx?g=92038966-e18c-4a97-9593-29d20091e474>

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هنوز ابهاماتی زیادی در مسئله‌ی ورود ثالث وجود دارد. هنوز هیچ رویه‌ی یکسان و راهنمای روشنی برای نقش ثالث در فرآیند تصمیم‌سازی دولت وجود ندارد. پذیرش و تاثیر استدلالات حقوق بشری ثالث نیز کماکان موقوف به صلاحدید داوران دادگاه است که حاصل آن فقدان رویه و روش شناسی روشن می‌باشد. در بسیاری از پرونده‌ها نقش استدلالات حقوق بشری مبهم است. با این وجود گرایش نهادهای غیر دولتی و سازمانهای اجتماعی به ورود به پرونده‌های سرمایه‌گذاری از موضع حقوق بشری، نوید دهنده‌ی آینده‌ی بهتری برای درج این ملاحظات در آرا داوری است. ضرورت ادامه‌ی این روند در این نکته نهفته است که گهگاه دولتها گرایشی به نادیده گرفتن معضلات حقوق بشری سرمایه‌گذاری‌ها در قبال منافع اقتصادی متصور از آن‌ها هستند.

در مقام جمع بندی و نتیجه‌گیری بنظر می‌رسد که با در نظر گرفتن استدلالات نظری و رویه عملی بتوان این نکات را، هر چند نه بعنوان قواعد الزام آور، بلکه به عنوان عرف و رویه در حال شکل‌گیری، استنتاج کرد؛ نخست اینکه، برای پذیرش ثالث موضوع پرونده باید حاوی سهمی از منافع عمومی باشد. در این قسمت می‌توان اطمینان داشت که حق‌های بشری حاوی چنین ویژگی هستند و ملاک پذیرفته‌ای برای سنجش وجود نفع عمومی در استماع اظهارات ثالث می‌باشند. در عین حال باید توجه داشت که سرمایه‌گذاری خارجی‌ای که حاوی منافع عمومی اتباع دولت سرمایه‌پذیر نباشد، در جهان معاصر امر پذیرفته‌ای بنظر نمی‌آید. دوم اینکه تخصص و تجربه‌ی ثالث باید به نحوی باشد که به یاری دادگاه در اخذ بهترین تصمیم ممکن بیاید. در آخرین پرونده بررسی شده در قسمت قبل مشاهده شد که پذیرفته شدن ثالث به جهت تخصص آن (آنها) در امور محیط زیست و میراث فرهنگی بود که از قضا هر دو در شمول مسائل حقوق بشری قرار می‌گیرند. سوم اینکه دخالت ثالث باید به شفافیت و مشروعیت تصمیم دادگاه بیفزاید. به تعبیر دیگر میتوان گفت که دلیل موجه کننده‌ی ورود ثالث، بهبود کارکرد نهاد رسیدگی کننده است.

فهرست منابع

فارسی

۱. تقی زاده انصاری، مصطفی، ترمینولوژی حقوق بین الملل، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴.
۲. جعفری ندوشن، شهاب، حقوق حل اختلافات سرمایه گذاری های خارجی، ۱۳۹۷، نشر میزان، تهران.
۳. دالرز، رودلف و شروتر، کریستف، اصول حقوق بین الملل سرمایه گذاری، انتشارات شهردانش، ۱۳۹۱.
۴. سید نورانی، سید محمدرضا و محمدپور، حسن، ۱۳۹۵، تاثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در اشتغال در کشورهای عضو OECD و کشورهای در حال توسعه، در اقتصاد و تجارت نوین، سال یازدهم شماره سوم.
۵. شریفی طرازکوهی، حسین و سیه جانی، نازیلا، ۱۳۹۴، نقش و جایگاه موافقت نامه های منطقه ای نفتا و آسه آن در پیشبرد و تضمین ابعاد و انواع حقوق بشر، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶ شماره ۱.
۶. قاسمی حامد، عباس، حقوق اقتصادی، انتشارات دراک، چاپ دوم، ۱۳۹۶.
۷. یزدانی، غلامرضا، ایکسید و نقض قرارداد سرمایه گذاری، ۱۳۹۶، مشهد، انتشارات آستان قدس،

انگلیسی

1. Bernhard von Pezold and Others v. Republic of Zimbabwe, ICSID Case No. ARB/10/15, Procedural Order No 2, 26 June 2012; Border Timbers Limited, Border Timbers International (Private) Limited, and Hangani Development Co. (Private) Limited v. Republic of Zimbabwe, ICSID Case No. ARB/10/25 – Procedural Order No 2, 26 June 2012.
2. Canada Model BIT Art.39, 2004, USA BIT Art.28 paraa3, 2012.
3. Chevron Corporation and Texaco Petroleum Corporation v. The Republic of Ecuador, UNCITRAL, PCA Case No. 2009-23, Submission of Amici, 5 November 2010.
http://italaw.com/documents/Chevron_v_Ecuador_SubmissionOfAmici_5Nov2010.pdf.
4. CMS Gas Transmission Company v. Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/01/08, Award (12 May 2005)
5. Grand River Enterprises Six Nations, Ltd., et al. v. United State of America, UNCITRAL, Amicus Curiae Submission of the Office of the National Chief of the Assembly of First Nations, 19 January, 2009, <http://www.italaw.com/cases/510#sthash.0n3vmJKm.dpuf>.

6. ICSID Arbitration Rules of Procedure, Rules 37(2).
7. Methanex Corporation v. US, UNCITRAL, Decision of the Tribunal on Petitions from Third Persons to intervene as “Amici Curiae”, 15 January 2001
8. Norms and the Responsibilities of Transnational Corporations and other Business Enterprises with regard to Human Rights, U.N.Doc. E/CN.4/Sub.2/2003/12/Rev.2.(2003)
9. Petition for Participation as Non-disputing Party Pursuant to Article 41 (3) of the ICSID Arbitration Rules, Presented by the International Commission of Jurists , available at www.icj.org/IMG/ICJ-Petition-Foresti-V-RSA-19-Aug2009.Pdf
10. Sempra Energy v. Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/02/16, Award (28 September 2007) ;Sempra Energy v. Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/02/16, Decision on Annulment (29 June 2010)
11. Suez, Sociedad General de Aguas de Barcelona, S.A. and Vivendi Universal, S.A. v. Argentina ,ICSID ARB/03/19, October in Response to a Petition for Transparency and Participation as Amicus Curiae of May 19, 2005
12. United Parcel Services of America, Inc. v. Canada, UNCIRAL, Award on the Merits, 24 May 2007, para.3.
13. United Nations Secretary General, Objectives and themes of UN Conference on Sustainable Development, P. 3, UN. Doc. A/CONF. 216/ PC 17(Dec, 2010)

الکترونیک

1. <https://www.lexology.com/library/detail.aspx?g=92038966-e18c-4a97-9593-29d20091e474>

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۷۶ - ۱۶۱

تبعات و آثار اجتماعی اصل منع توقف اجرای احکام مدنی

علی حسن عسکری^۱
مسعود رضا رنجبر^۲
حکمت الله عسکری^۳

چکیده

اجرای حکم، ادامه‌ی مرحله دادرسی است؛ لذا توقف بی‌مورد آن، نقض غرض قانون‌گذار و عقل سلیم است؛ و نتیجه‌ای جز بی‌نظمی و هرج‌ومرج در جامعه نخواهد داشت. بر این اساس عدم وقفه در اجرای حکم در حقوق ایران با تصریح در مواد قانونی به‌عنوان یک اصل پذیرفته‌شده است. قلمرو این اصل، از لحاظ زمانی بعد از قطعیت حکم و ابلاغ دادنامه تا اجرای کامل حکم و خاتمه‌ی عملیات اجرایی می‌باشد و از لحاظ موضوعی نیز شامل احکام مدنی صادره از محاکم دادگستری یا مراجع دیگر که دارای خصیصه مدنی هستند، می‌شود. قرارها مشمول موضوع نیست مگر، قرارهای لازم‌الاجرا، مانند دستور موقت و تأمین خواسته. آثار اصل نسبت به طرفین اجراییه، اشخاص ثالث، مسئولین و مأمورین و قضات اجرای احکام می‌باشد، که در قوانین متعدد با ضمانت اجرای کیفری و مسئولیت مدنی بیان گردیده است. از فواید اصل، سرعت در اجرای حکم و مؤثر ساختن آن، با رعایت احترام به تراضی طرفین اجراییه و احترام به نظر محکوم‌له و رعایت غبطه و صلاح محکوم‌علیه است.

واژگان کلیدی

مفهوم اصل، آثار اصل، نتایج اصل، منع توقف اجرای احکام.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

Email: alihassanaskari1111@gmail.com

۲. استادیار، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: masoodrezaranjbar@gmail.com

Email: hekmat_askari@yahoo.com

۳. استادیار، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۳

طرح مسأله

منع توقف اجرای احکام مدنی هم به لحاظ عقل و فلسفه‌ی رسیدگی و صدور حکم، و هم به لحاظ اصول (قاعده) منطبق بر واقع است و از منظر قانونی در مواد متعدد قانون اجرای احکام مدنی و مواد دیگر در قوانین پراکنده از جمله قانون امور حبسی قانون آئین دادرسی مدنی و قانون مجازات اسلامی ذکر شده است و این که هدف نهایی از رسیدگی و صدور حکم اجرای آن است والا کاری عبث و بی نتیجه خواهد بود که با اجرای حکم مراحل یک دادرسی در حقیقت کامل و پایان می‌پذیرد. از لحاظ شرعی هم به این موضوع تأکید شده است: (کل ما حکم به العقل حکم به شرع و کل ما حکم به شرع حکم به عقل)

عدم توقف اجرای احکام مدنی به عنوان یک اصل و قاعده و توقف آن به عنوان استثناء مطرح است و فوایدی بر این موضوع مترتب است که هم برای مأمورین اجرا و هم در عمل برای طرفین اجرا مثمر ثمر خواهد بود (مردانی و قهرمان، ۱۳۹۰: ۳۵).

بررسی مفهوم اصل، مبنا و دامنه‌ی آن ضروری است؛ چراکه می‌بایست مرز بین مرحله‌ی دادرسی و مرحله‌ی اجرای حکم تعیین گردیده و زمان شروع اجرا و خاتمه‌ی اجرا مشخص شود. اگر قبل از شروع عملیات اجرای حکم دعوایی تحت عنوان (توقیف عملیات اجرا) مطرح شود، قابلیت استماع ندارد و می‌بایست از طرق فوق‌العاده یا عادی، اعتراض به رأی اقدام شود و یا اگر پس از ختم عملیات اجرای حکم، چنین دعوایی مطرح شود با توجه به این که دیگر عملیات اجرای حکم وجود ندارد این دعوا مسموع نیست؛ زیرا عملیات اجرا پایان یافته و موضوع مشمول عنوان دیگر است که از این مقوله خارج می‌باشد. لذا مفهوم، دامنه، قلمرو، فواید و آثار اصل در اینجا بررسی می‌گردد.

مفهوم اصل

اجرای حکم، ادامه‌ی فرایند رسیدگی است؛ که حسب خواسته‌ی ذی‌حق، مراجع قانونی اتخاذ تصمیم نموده. دادرسی و صدور حکم بدون اجرا، فایده‌ی عقلایی ندارد و مراد مراجعین و محاکم و قانون‌گذار، اجرای حکم در کم‌ترین زمان می‌باشد (مدنی، ۱۳۷۸: ۱۸۹).

تصمیم دادگاه در قالب رأی پس از قطعیت یا لازم‌الاجرا شدن می‌بایست در زمان معقول و عرفی به اجرا درآید. هرچند، هیچ اصلی نیست که بدون استثناء باشد؛ لیکن جهت رعایت حقوق محکوم‌له و نظم جامعه، باید در موارد استثناء که قانون مقرر نموده، در محدوده‌ی نص عمل نمود (مهجری، ۱۳۸۸: ۳۱۰-۳۰۷).

مسئولیت کیفری و انتظامی برای مسئولین اجرا، طرفین اجراییه دال بر این مدعاست، که در قوانین متعدد از جمله مجازات اسلامی، دیوان عدالت اداری، اجرای احکام مدنی، نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و نظارت بر رفتار قضات مقرر شده است.

- شروع و خاتمه عملیات اجرایی حکم: چون دعوای اجرایی یک دعوا به معنای درست کلمه است می‌بایست دارای تمامی عناصر عمومی یک دعوا باشد. این دعوا از اجرای یک حکم یا سند لازم‌الاجرای ثبتی ناشی می‌شود و این عنصر است که این دعوا را از سایر دعوای جدا می‌کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۶۱۱).

دعوای اجرایی که از اجرا یک حکم یا سند لازم‌الاجرا سر می‌زند باید مربوط به عملیات اجرایی باشد. در قوانین کشور ما تعریفی از عملیات اجرایی نشده است بنابراین چاره‌ای نیست جز آن که مفهوم لغوی عبارت (عملیات اجرایی) را در نظر بگیریم و برای این که این مفهوم را خوب تصور کنیم ناچاریم آن را از مفهوم (صدور اجرائیه) جدا کنیم: صدور اجرائیه همان طور که از کلمه (صدور) فهمیده می‌شود با امضاء مسئول، صدور اجرائیه خاتمه می‌پذیرد و ناگزیر عملیات اجرایی با ابلاغ اجرائیه آغاز می‌شود یعنی خود ابلاغ هم مصداق عملیات اجرایی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۴۷).

ختم عملیات اجرایی حسب مورد عبارت از الف- وصول کلیه طلب بستانکار و حقوق دولتی و هزینه‌های قانونی ب- تحویل مال منقول به برنده مزایده؛ ج- تنظیم و امضاء سند انتقال اجرایی اموال غیرمنقول در دفاتر اسناد رسمی؛ د- تحقق تخلیه یا تحویل در مواردی که اجرائیه برای تخلیه یا تحویل صادر شده باشد؛ ه- اجرای تعهد متعهد می‌باشد. در صورتی که مال از طریق مزایده به شخص ثالث فروخته شود ختم عملیات اجرایی تاریخ تنظیم صورت‌مجلس مزایده خواهد بود.

مبانی اصل

مبانی اصل شامل مبانی قانونی و مبانی عقلی است که در ذیل به شرح آن پرداخته می‌شود:

الف- مبانی قانونی اصل

قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ موضوع اصل و مجازات توقف اجرای حکم بیان شده است.

کلیه اشخاص و مراجع مذکور در ماده ده این قانون مکلفاند آراء دیوان را پس از ابلاغ به‌فوریت اجرا نمایند.

هرگاه پس از انتشار رأی هیئت عمومی دیوان در روزنامه رسمی کشور مسئولان ذی‌ربط از اجرای آن استنکاف نمایند به تقاضای ذینفع یا رئیس دیوان و با حکم یکی از شعب دیوان مستنکف به انفصال موقت از خدمات دولتی به مدت سه ماه تا یک سال و جبران خسارات وارده محکوم می‌شوند.

در قانون منع توقیف اموال شهرداری‌ها برای شهردار در صورت عدم اجرای حکم باوجود

داشتن اعتبار، مجازات انفصال مقرر گردیده است. قانون مجازات اسلامی هم برای مسئولینی که باعث عدم اجرای حکم گردند مجازات پیش‌بینی نموده است.

مطابق قانون اجرای احکام مدنی دادورز (مأمور اجرا) بعد از شروع به اجرا نمی‌تواند اجرای حکم را تعطیل یا توقیف یا قطع نماید، یا به تأخیر اندازد؛ مگر به‌موجب قرار دادگاهی که دستور اجرای حکم را داده، یا دادگاهی که صلاحیت صدور دستور تأخیر اجرای حکم را دارد؛ و یا ابراز رسید محکوم‌له دایر به وصول محکوم‌به؛ یا رضایت کتبی او در تعطیل، توقیف، قطع و یا تأخیر اجرا. پس از ابلاغ اجرائیه، مدیر اجرا نام دادورز را در ذیل اجرائیه نوشته و عملیات اجرایی را به عهده‌ی او محول می‌کند. دادورز بعد از شروع به اجرا نمی‌تواند اجرای حکم را تعطیل، توقیف، قطع و یا به تأخیر اندازد؛ مگر به‌موجب قرار دادگاهی که دستور اجرای حکم را داده؛ یا دادگاهی که صلاحیت صدور دستور تأخیر اجرای حکم را دارد؛ یا ابراز رسید محکوم‌له دایر به وصول محکوم‌به، یا رضایت کتبی او در تعطیل، توقیف، قطع و یا تأخیر اجرا (حیاتی، ۱۳۹۰: ۲۵).

لازم به ذکر است قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ به‌عنوان قانون مادر در خصوص اجرای احکام مدنی بوده و در صورت خلأ در قوانین دیگر و یا ابهام در موارد اجرای احکامی که خصیصه مدنی دارند، قابلیت استناد دارد. در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ هیچ‌مقام رسمی یا سازمان یا اداره دولتی نمی‌تواند حکم دادگاه را تغییر داده یا از اجرای آن جلوگیری کند، مگر دادگاهی که حکم صادر نموده یا مرجع بالاتر، آن هم در مواردی که قانون معین نموده باشد (عسکری، ۱۳۸۱: ۳۱).

قانون اجرای احکام مدنی و قوانین دیگر به‌صراحت اصل تداوم و عدم وقفه در اجرای حکم را پذیرفته است.

ب- مبنای عقلی اصل

این‌که اصل و قاعده بر عدم توقف اجرای حکم و استمرار آن است ناشی از حکم عقل سلیم است که مبنای آن هم ناشی از بنای عقلا و اندیشمندان و عرف جامعه و مصالح عامه می‌باشد. بنای عقلا، کار عبث و بدون نفع و فایده را نمی‌توان به قانون‌گذار منتسب کرد همان‌گونه که در مرحله دادرسی یکی از شرایط پذیرفتن دادخواست ذی‌نفعی خواهان است و همین‌طور اجرای یک حکم نیز منوط به درخواست محکوم‌له است، لذا توقف اجرای این حکم را بدون رضایت ایشان نمی‌توان معقول دانست؛ یعنی هم حق‌الناس است و توقف اجرای حکم با حقوق اشخاص (محکوم‌له) در تعارض است، و هم به‌نوعی از حقوق عامه و یا جامعه می‌باشد و بانظم عمومی مرتبط است و فلسفه دادرسی که ماه‌ها و یا سال‌ها به طول کشیده را نمی‌توان بدون دلیل پذیرفت. یعنی دلیلی برای عدم اجرا و توقف آن وجود ندارد. لذا هدف، سرعت در رسیدگی و اجرای حکم و احقاق حق است و با وقفه در اجرای حکم این موضوع نادیده گرفته

می‌شود. مراد از اصل یعنی قاعده و نه اصل به معنای اصولی آن است لذا باید گفت این موضوع که اجرای یک حکم بعد از شروع قابل توقیف نیست یک اصل است.

قلمرو اصل

عملیات اجرایی ممکن است مربوط به قرار یا حکم باشد. اگر مربوط به احکام باشد که پس از قطعیت آن امکان‌پذیر است. اما در مورد قرارها این امر منتفی است. و چه بسا به جهت ضرورت، قبل از ابلاغ به خواننده هم قابلیت اجرا داشته باشد.

موضوع بحث مقاله احکام صادره از محاکم دادگستری و احکامی که از مراجع غیر از دادگستری صادر می‌شود، لیکن ماهیت مدنی داشته و توسط اجرای احکام دادگاه به اجرا گذاشته می‌شود؛ لذا اصولاً شامل قرارها نمی‌شود. اصولاً احکام هستند که قابلیت اجرا دارند، بنابراین قرارها راجع به ماهیت دعوا نمی‌باشند و اگر هم باشند قاطع دعوا به صورت کلی یا جزئی نمی‌باشند. اما در خصوص قرارهای لازم‌الاجرا مانند تأمین خواسته و دستور موقت نیز این اصل جاری است. در غیر این صورت نقض غرض قانون‌گذار است. آراء مراجع اداری قابل اعتراض در دیوان عدالت هم از طریق دستور موقت قابل توقیف است.

الف- قرارها

- **تأمین خواسته:** قرار تأمین خواسته همچنان که از معنای لغوی آن پیداست به معنای در امان قرار دادن و حفظ خواسته است (شمس، ۱۳۸۸: ۴۱۴) و خواسته آن چیزی است که خواهان در دادخواست خود به طرفیت خواننده از دادگاه می‌خواهد. لذا قبل از طرح دعوی یا در حین رسیدگی قابل طرح است. برخلاف اجرای حکم که بعد از قطعیت و ابلاغ رأی و صدور اجرائیه امکان توقیف اموال وجود دارد. به همین خاطر است که باوجود این‌که دادگاه در وقت فوق‌العاده و بدون تشکیل جلسه و دعوت طرفین اقدام به صدور قرار تأمین خواسته می‌نماید؛ و چه بسا به جهت ضرورت قبل از ابلاغ، اقدام به اجرای قرار نماید، لکن این قرار خواننده را در وضعیتی قرار می‌دهد که دیگر امکان فرار از دین یا انتقال اموال خود را ندارد. یعنی آثار حکم ولی بدون رسیدگی و تشریفات ابلاغ به اجرای حکم.

- **دستور موقت (دادرسی فوری):** دستور موقت در قوانین مختلف غیر از آیین دادرسی مدنی به صورت پراکنده هم مطرح شده است (زینالی، ۱۳۹۵: ۱۹۸). برابر ماده ۷۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ از طریق دستور موقت امکان توقف اجرای احکام دادگاه‌ها وجود داشت که با قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و ذکر موارد توقیف اجرای حکم و نیز حذف این قسمت در قانون مؤخر یعنی قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ در حال حاضر امکان توقف اجرای احکام محاکم از طریق این نهاد منتفی است (مردانی و قهرمان، ۱۳۷۲: ۹۲). آراء مراجع اداری قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری برابر ماده ۳۴ این قانون مصوب ۹۲

می‌باشد. در صورتی که در اجرای این آراء خسارت جبران‌ناپذیر باشد، و یا احتمال جبران خسارت در آتیه متعسر یا متعذر گردد، از طریق دستور موقت می‌توان اجرای حکم را متوقف کرد. آنچه در اینجا مطرح است، آن است که خود قرار دستور موقت با توجه به فلسفه این نهاد، قابل توقیف نیست، و نیاز به تصریح دارد. این موضوع، در صورت اعتراض ثالث به اجرای قرار، قابل طرح است.

احکام

احکام صادره از محاکم دادگستری و دیگر مراجعی است که برابر قانون اجرای احکام مدنی به اجرا گذارده می‌شود، یا احکامی که ماهیت مدنی دارند که شامل احکام محاکم حقوقی، کیفری و ... به شرح ذیل می‌باشد:

آراء محاکم

هرچند که اصطلاح دعوی حقوقی و مرجع حقوقی و دعوی مدنی و مرجع صلاحیت‌دار مدنی به صورت مترادف نوشته می‌شود و در میان مردم و بعضاً حقوقدانان رایج است لیکن باید گفت: «دعوی حقوقی اعم از دعوی مدنی و کیفری است و شامل هر دو می‌شود و مرجع حقوقی هم به همین صورت شامل مرجع مدنی و کیفری هر دو می‌شود فلذا بهتر و صحیح‌تر دعوی مدنی است که در مقابل آن دعوی کیفری است و به کار بردن دعوی حقوقی به جای دعوی مدنی صحیح نیست» (شمس، ۱۳۸۸: ۱۶).

- آراء دادگاه خانواده در حال حاضر چون شعب رسیدگی کننده به مسائل خانوادگی از شعب حقوقی باصلاحیت عام مدنی است لیکن فقط ابلاغ ویژه در خصوص مسائل خانواده از رئیس قوه قضائیه برای قضات آن لازم است لیکن منعی جهت رسیدگی به پرونده‌های مدنی و حقوقی ندارد و آراء این دادگاه‌ها در خصوص مهریه، نفقه، جهیزیه و اجرت‌المثل و ... از طریق اجرای احکام مدنی و بر اساس قانون اجرای احکام مدنی اجرا می‌شود.

- در آراء مربوط به امور تجاری با توجه به اینکه در مبادلات و معاملات تجاری چه داخلی و چه بین‌المللی، زمان بسیار مهم است، دلیلی جهت تأخیر اجرای حکم وجود ندارد و به همین خاطر است قانون‌گذار رسیدگی خارج از نوبت را در دعوی مربوط به اسناد تجاری پیش‌بینی کرده است، غیر از مواردی که در قانون تجارت و قانون تصفیه امور ورشکستگی مطرح شده از جمله مواد ۵۳۶ و ۵۳۷ در خصوص اعتراض ثالث به اعلان تاریخ توقیف و یا مواد ۵۶۸ و ۵۷۰ آن قانون در خصوص اعاده اعتبار تاجر ورشکسته یا مواد ۳۵، ۳۶ و ۳۷ قانون تصفیه امور ورشکستگی در خصوص تعیین صورت بستانکاران یا تشخیص اموال تاجر و مستثنیات دین او.

آراء صادره از محاکم کیفری (جزایی)

- مطابق ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند شاکی، و

هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند مدعی خصوصی نامیده می‌شود شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول را مطالبه کند.

حکم دادگاه در موارد فوق نیز می‌بایست بدون وقفه اجرا شود، چراکه احکام مربوط به ضبط، توقیف یا معدوم کردن اموال دارای دو وجهه کیفری و حقوقی بوده و در امور کیفری سرعت در اجرای حکم زمینه تأثیر رأی و بازدارندگی ارتکاب جرم را در پی دارد. لذا به طریق اولی دلیلی جهت توقف اجرا وجود ندارد، مگر در موارد تصریح شده قانونی.

- آراء دادگاه انقلاب که جنبه مدنی دارند نیز از شمول اصل منع توقف اجرا مستثنی نبوده لکن ممکن است بنا به دلایلی از جمله اعتراض ثالث، اجرای حکم متوقف شود. برابر رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۵۸۱، ۱۳۷۱/۱۲/۲ رسیدگی به ادعای شخص ثالث حقیقی و یا حقوقی نسبت به اموالی که دادگاه انقلاب نامشروع دانسته و مصادره نموده در صلاحیت دادگاه انقلاب است و بند ۶ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و ماده ۴۲۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ با مفاد این رأی مغایرتی ندارد. لذا رسیدگی به اعتراض ثالث در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی صادره کننده حکم مورد اعتراض می‌باشد.

آراء دیگر مراجع

- آراء شوراهای حل اختلاف: در مورد تصمیمات و آراء شوراهای حل اختلاف نیز چه در خصوص حکم و چه در خصوص گزارشات اصلاحی عدم توقف اجرای حکم جاری است.

- هرگونه اختلاف فردی بین کارفرما و کارگر یا کارآموز که ناشی از اجرای این قانون و سایر مقررات کار و قرارداد کارآموزی موافقت‌نامه‌های کارگاهی یا پیمان‌های دسته‌جمعی کار باشد در مرحله اول از طریق سازش مستقیم بین کارفرما و کارگر یا کارآموز و یا نمایندگان آنها در شورا اسلامی کار و در صورتی که شورای اسلامی کار در واحدی نباشد از طریق انجمن صنفی کارگران و یا نماینده قانونی کارگران و کارفرما و حل‌وفصل خواهد شد و در صورت عدم سازش از طریق هیئت‌های تشخیص و حل اختلاف به ترتیب آتی رسیدگی و حل‌وفصل خواهد شد (کامیار، ۱۳۸۵: ۳۱۶-۳۰۵) و مطابق ماده ۱۶۶ این قانون آراء صادره از طرف مراجع حل اختلاف کار لازم‌الاجرا بوده و به‌وسیله اجرای احکام دادگستری به مورد اجرا گذارده می‌شود (زابلی، ۱۳۹۲: ۳۰).

اجرای این احکام برابر ق. ا. ا. م. است که توسط دایره‌ی اجرای احکام دادگاه‌ها اجرا می‌شود.

نتایج و آثار اصل منع توقیف اجرای احکام

۱- نتایج اصل

از جمله نتایج منع توقف اجرای احکام اصل فوریت اجرای حکم، اصل تداوم عملیات اجرای حکم و عدم تأخیر اجرای حکم است و اصل ممنوعیت دخالت اشخاص و مقامات دولتی و عمومی در جلوگیری از اجرای حکم است. طولانی شدن جریان دادرسی و اجرای حکم به‌نوعی باعث کاهش اعتبار احکام می‌شود. اجرای احکام بخشی از بدنه اجرای عدالت در دادرسی است و نباید جای آن در مجموعه‌ای که به اصول دادرسی می‌پردازد خالی باشد. به عبارتی تمام تلاش‌ها در مرحله مرافعه و رسیدگی نهایتاً با اجرای رأی تکمیل می‌شود. حتی اگر بهترین آراء صادر شوند تا زمانی که امکان اجرای صحیح آنها فراهم نیست رضایت مراجعه‌کنندگان به دستگاه قضائی جلب نخواهد شد. در اسناد بین‌المللی «حق اجرای مؤثر آراء» به‌عنوان یکی از اصول حقوق بنیادین شناخته می‌شود که امروز در کنار اصول: اصل رعایت حق دادخواهی شهروندان، اصل بی‌طرفی و استقلال دادگاه‌ها، اصل رعایت حقوق دفاعی قرار گرفته و یکی از عناصر چهارگانه مفهوم دادرسی منصفانه می‌باشد. اجرای مؤثر آراء، سرعت در اجرا را هم در برمی‌گیرد و مفهومی بسیار منعطف است. به‌گونه‌ای که روشن نمودن حدود و ثغور آن تا حدی مشکل به نظر می‌رسد.

برای مؤثر ساختن اجرا فراهم آوردن سازوکارهای روشن و مفید، سریع و کم‌هزینه دخیل است. یعنی از یک‌سو نیاز به مقرراتی در کنار مقررات آئین دادرسی است که در حد امکان، جامع‌ومانع و روشن و قابل فهم باشند و از سوی دیگر این مقررات با سرعت مطلوب قانونی، کم‌هزینه‌ترین راهکارهای اجرای آراء را پیش‌بینی کنند. در کنار این معیارها باید به نقش نیروی انسانی در امر اجرا نیز اشاره کرد. اجرای مؤثر احکام جز با وجود قضات و داوران متخصص در امر اجرا میسر نیست. هرچند مقررات ناظر بر اجرا روشن باشند و روش‌های سریع و کم‌هزینه را پیشنهاد کنند. در آئین دادرسی مدنی فراملی در خصوص «اصل اجرای مؤثر آراء» و شیوه اجرای احکام، مقرراتی پیش‌بینی نشده است و فقط به این نکات بسنده می‌کند که مقررات ناظر بر اجرای احکام باید بتوانند اجرای احکام مالی، خسارات و قرارها و اقدامات تأمینی و موقتی را به‌طور مؤثر و سریع تضمین نمایند (محسنی، ۱۳۹۰: ۲۵).

در مورد نحوه وصول مطالبات شهرداری‌ها یا وصول محکوم‌به از دولت مشمول قوانین خاص می‌باشد. در مورد آراء غیابی محکوم‌له موظف است که به دادگاه جهت اجرای حکم تضمین بسپارد.

در خصوص اجرای قرارهای ناشی از اقدامات تأمینی و موقتی لازم است شرط‌هایی فراتر از شروط اجرای آراء قطعی و نهایی در مقررات اجرای احکام پیش‌بینی شود. چون ممکن است در غیر این صورت در همان آغاز کار صدور رأی نهایی بی‌فایده گردد. یعنی اجرای مؤثر یک رأی با

اجرای موقت یک رأی محقق شود که با دیگر اصول دادرسی در تعارض است (زابلی و غمامی، ۱۳۹۲: ۳۱).

ارزش و اهمیت اصل بدان است که در موارد شک و شبهه در ادامه عملیات اجرای حکم یا توقف آن بنا را بر ادامه‌ی عملیات اجرا و عدم امکان توقف اجرای حکم بگذاریم این موضوع باعث دلگرمی و ثبات قدم مأمورین اجرا و نیز محکوم‌له در اجرای حکم و رسیدن به حقوق محکوم‌له است. باعث رفع اطاله دادرسی در مرحله اجرای حکم و نیز مانع سوءاستفاده، جهت عدم پرداخت دین و بدهی محکومین است. اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ۱۳۷۷، و ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ۹۴ در همین راستا می‌باشد. اگر محکوم‌علیه از پرداخت دین باوجود ابلاغ اجرائیه و انقضای مهلت ده‌روزه، خودداری و مالی معرفی نکند و یا حکم اعسار ارائه نماید یا گواهی تقدیم دادخواست اعسار ارائه ننماید در صورت درخواست محکوم‌له تا پرداخت دین بازداشت می‌شود. رعایت این اصل باعث ثبات و اعتبار ارزش آراء قضائی است باعث حفظ نظم بیش‌تر جامعه و جلوگیری از تشکیل پرونده‌های جدید در محاکم است و نیز باوجود امیدواری به صدور و اجرای حکم، راه‌های غیر مشروع جهت وصول دین و طلب از جمله انتقام و غیره..... بسته و کم‌رنگ می‌شود. همین‌طور وضع مقررات کیفری و مجازات برای افرادی که از پرداخت دین خودداری می‌کنند نتیجه این اصل می‌باشد. اجرای حکم به درخواست محکوم‌له است و معرفی اموال محکوم‌علیه هم از وظایف ایشان دانسته شده است درحالی‌که اینجا بار اثبات موضوع نداشتن اموال بر عهده کسی است که مدعی نداشتن است یعنی محکوم‌علیه و ایشان می‌بایست لیست اموال خود را ارائه نماید. البته قانون اجرای احکام مدنی از این جهت دارای خلأ می‌باشد و با نیازهای روز جامعه هماهنگ نیست (مکرمی، ۱۳۷۰: ۱۲؛ الماسی، ۱۳۹۰: ۱۰۱-۶۹).

این قانون مربوط به سال ۵۶ است که شاید اموال هر شخص برای مردم کاملاً روشن بود. و ارتباط مردم آن قدر زیاد و نزدیک بود که تقریباً کسی چیزی برای پنهان کردن نداشت. اما حالا چه؟ باین همه بانک دولتی، خصوصی، صندوق‌های قرض‌الحسنه، شرکت‌های مختلف و خصوصاً که ارتباطها آن قدر کم شده که بعضاً افراد نزدیک مثل برادر و خواهر خیلی اطلاع از زندگی و امورات و از جمله اموال یکدیگر ندارند. این واقعاً یک نقص است در ثانی به خاطر قوانین خاص بانک‌ها که به حق هم می‌باشد آنها اسرار مشتریان خود را به دیگران نمی‌دهند حالا چگونه یک شخص از اموال محکوم‌علیه مطلع شود؟ این بود که در قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ استعلام از سازمان‌ها، ادارات، و مراجع ذی‌صلاح را وظیفه و تکلیف دادگاه و اجرای احکام دانسته است. لیکن هنوز این امر آنچنان که باید جا نیفتاده و مخصوصاً در مورد بانک‌ها که امکان استعلام از همه آنها و وصول جواب در مهلت مناسب وجود ندارد. این است که باید بانک

مرکزی یا نهادی در این سازمان‌ها تکلیف به اجرای این قانون در قالب دستورالعمل یا آیین‌نامه مشخصی می‌شد. نتیجه این اصل باعث کاهش تشکیل پرونده‌ها در محاکم و تشویق مردم به انجام و اجرای عقود و تعهدات خود باشد.

سرعت در اجرای حکم باعث مؤثر بودن اجرای حکم هم نسبت به محکوم‌له هم محکوم‌علیه و هم دیگر افراد جامعه است توجه خواص جامعه از جمله حقوقدانان قضات و قانون‌گذاران به اندیشه برای تصویب قوانین کارآمد و متناسب و نهایت باعث شکوفایی و رونق اقتصاد در کسب‌وکار مردم است. کاهش بی‌نظمی در جامعه یعنی این‌که افراد خود دنبال احقاق حق خود نباشند و با اعتماد به دستگاه قضا و اجرای احکام مربوطه متوسل شوند.

جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی محکوم‌علیه از وقفه‌های که در جریان اجرا به وجود می‌آید. و یا به تبع گذشت زمان ممکن است بر محکوم‌له تحمیل شود مثلاً فوت و حجر محکوم‌علیه که می‌بایست مجدداً اجرائیه و عملیات اجرایی حکم به ورثه محکوم‌علیه ابلاغ شود ابتکار عمل مأمور اجرا در صحنه اجرا و در موارد شک استناد به اصل که منع توقیف بوده است تضمین حقوق محکوم‌له و محکوم‌علیه خاصه محکوم‌له که در صحنه اجرا ذی‌حق است و خلاصه نتیجه این اصل اجرای مؤثر آراء است که در اسناد بین‌المللی به آن اشاره شده است یعنی دنبال اجرای صرف یک رأی نباید بود اجرای یک حکم باید هم منطبق بر قانون باشد و هم آنچنان با سرعت و فوریت اجرا شود که مؤثر باشد تأثیر رأی از جهات نیروی متخصص و ابزار و آلات اجرای حکم و قانون مناسب حاصل و نسبت به محکوم‌له سنجیده می‌شود اگر پس از صدور حکم فسخ معامله و استرداد ثمن یا مثنی فاصله‌ای باشد که آن قدر، ثمن کم‌ارزش یا مثنی چندین برابر افزایش قیمت داشته باشد نمی‌تواند این اجرا را مؤثر دانست چراکه محکوم‌له حقیقتاً به حق شرعی و قانونی و عرفی خود نرسیده است.

رفع اطاله دادرسی، سرعت در اجرای حکم، افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی؛ پیوستگی و ترتب اجرا، استمرار، احترام به تراضی طرفین اجرائیه، احترام به نظر محکوم‌له و رعایت غبطه و صلاح محکوم‌علیه از اصولی هستند که از آثار و نتایج این اصل بشمار می‌آیند (موسوی، ۱۳۹۵: ۳۷).

۲- آثار اصل نسبت به طرفین و اشخاص ثالث

اصل عدم توقف اجرا دارای تکالیفی برای طرفین اجرائیه، اشخاص ثالث، ادارات دولتی، قضات و مدیران اجرای احکام می‌باشد که به شرح ذیل بیان می‌گردد:

- **مسئولیت اشخاص ثالث در مقابل توقف اجرای حکم:** اگر اشخاص ثالث به صورت تبانی و عمداً سبب توقف اجرای حکم شوند، غیر از مسئولیت مدنی مجازات حبس درجه‌ی ۶ و جزای نقدی، معادل نصف محکوم‌به یا هر دو محکوم خواهند شد. این حکم مربوط به انتقال مال

به قصد فرار از دین است، که اگر منتقل علیه مطلع باشد، شریک جرم محسوب می‌گردد. هر کس به قصد فرار از ادای دین و تعهدات مالی موضوع اسناد لازم‌الاجرا و کلیه محکومیت‌های مالی، مال خود را به دیگری انتقال دهد به نحوی که باقی‌مانده اموالش برای پرداخت بدهی او کافی نباشد عمل او جرم تلقی و مرتکب به چهار ماه تا دو سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد و در صورتی که انتقال گیرنده نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد شریک جرم محسوب می‌گردد و در این صورت اگر مال در ملکیت انتقال گیرنده باشد عین آن و در غیر این صورت قیمت یا مثل آن از اموال انتقال گیرنده بابت تأدیه دین استیفا خواهد شد. البته در قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ۱۳۹۴ به این موضوع اشاره نشده است.

- مسئولیت طرفین اجرائیه در مقابل توقف اجرای حکم: محکوم‌له که ذینفع است بعید است که خود زمینه توقف اجرای حکم بشود البته قانون اجازه ایشان جهت توقف یا تأخیر را به جهت ذینفع بودن برابر ماده ۲۴ قانون اجرای احکام مدنی مجاز دانسته است (نهرینی، ۱۳۹۲: ۲۰۵). در این صورت اگر ضرری متوجه محکوم‌له گردد، مسئولیت متوجه خود ایشان است (قاعده اقدام). لکن اگر حق خود را وسیله اضرار به محکوم‌علیه قرار دهد در صورت اثبات مطابق اصل ۴۰ قانون اساسی مسئولیت مدنی خواهد داشت. این موضوع در موارد دیگر نیز قابل طرح است. مثلاً آن‌جا که اموال گران‌قیمت محکوم‌علیه را در قبال مبلغ ناچیز توقیف می‌نماید که این توقیف سبب خسارت به محکوم‌علیه گردد، مسئولیت مدنی خواهد داشت. این بدان معناست که اجرای حکم به هر قیمت مطلوب نمی‌باشد. رعایت حسن نیت همین امر را ایجاب می‌نماید. مسئولیت محکوم‌علیه در توقف اجرای حکم به عناوین مختلف ممکن است صورت گیرد. مثلاً آن‌جا که جهت بررسی ادعای اعسار اموال خود را مکتوم و یا دقیق ذکر نکند و یا بعد از رسیدگی به ادعای اعسار داشتن اموال محکوم‌علیه ثابت شود مطابق ماده ۱۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۹۴ مسئولیت کیفری حبس تعزیری درجه ۷ و محرومیت‌های اجتماعی موضوع ماده ۱۷ قانون مذکور را خواهد داشت. مسئولیت محکوم‌علیه ممکن است در قالب مقاومت جهت عدم اجرای حکم در مقابل مأمورین اجرا و یا نیروی انتظامی در مقام ضابطین قضایی باشد که عنوان کیفری تمرد را در پی خواهد داشت.

- مسئولیت ادارات دولتی در مقابل توقف اجرای حکم: در مواد ۵۷۶ و ۵۷۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مجازات انفصال پیش‌بینی شده است (رفیعی، ۱۳۹۰: ۲۳). و ماده واحده مربوط به منع توقیف اموال شهرداری‌ها مصوب ۱۳۶۱ برای شهردار در صورت اثبات، داشتن اعتبار جهت پرداخت محکوم‌به و اعلام نداشتن اعتبار مجازات انفصال یک‌ساله در نظر گرفته شده است. مطابق ماده ۱۰۹ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ نیز هرگاه مسئولین ذی‌ربط پس از انتشار رأی هیئت عمومی دیوان در روزنامه رسمی از اجرای آن

استنکاف نمایند، به تقاضای ذینفع یا رئیس دیوان مستنکف به انفصال موقت از خدمات دولتی از سه ماه تا یک سال و جبران خسارت وارده محکوم می‌شود.

- مسئولیت قضات و مدیران اجرا در مقابل توقف اجرای حکم: چنانچه بدون دلیل و علت موجه قانونی اجرای حکم توسط قاضی اجرای احکام یا مدیران اجرای احکام متوقف شود، موضوع از موارد تخلف انتظامی و اداری خواهد بود (کریم زاده، ۱۳۷۶: ۶۸). و از جهت خسارت وارده نیز مقصر بر طبق قواعد مسئولیت مدنی می‌بایست از عهده خسارت وارده برآید. تأخیر غیرموجه بیش از یک ماه در صدور و اجرای آن مستوجب محکومیت انتظامی درجه ۴ تا ۷ که شامل کسر حقوق تا تنزل دو پایه قضایی است می‌باشد.

نتیجه‌گیری

از آن‌جا که غایت و هدف اصلی رسیدگی دادگاه و صدور رأی اجرای آن است و با اجرای حکم حق به ذی‌حق مسترد می‌شود، لذا مرحله اجرای حکم را باید مرحله تکمیل مرحله رسیدگی دانست؛ و با اجرای حکم وظیفه دادگاه پایان یافته و عدالت کامل می‌شود. آن‌چه امروز در کشورهای مترقی مطرح است، اجرای مؤثر رأی است؛ یعنی حکم باید به‌گونه‌ای اجرا شود که مؤثر باشد، هم در سریع‌ترین زمان ممکن و هم با رعایت اصول حقوقی و قانونی بدون زیر پا گذاشتن قوانین و یا هرگونه سوءاستفاده از جانب طرفین یا مأمورین اجرا. اگر اجرای حکم آن‌قدر به درازا بکشد، مؤثر نیست. همچنان که اگر بدون رعایت مقررات مثلاً قطعیت رأی یا عدم ابلاغ صحیح صورت گیرد، اجرای حکم، بی‌موقع خواهد بود؛ و اقدامات مأمورین اجرا می‌بایست با رعایت تمام اصول حقوقی انصاف، و با حسن نیت باشد. لذا اجرای رأی در ایام تعطیل، شبانه و یا خارج از مکان اقامتگاه محکوم‌علیه، فاقد وجاهت قانونی است.

از لحاظ قانونی در مواد متعدد از آیین دادرسی کیفری، قانون مدنی و اجرای احکام مدنی موضوع عدم توقف اجرای رأی به‌عنوان یک اصل ذکر شده است.

مطابق ماده ۲۴ قانون اجرای احکام مدنی که بیان داشته مأمور اجرا بعد از شروع به اجرا نمی‌تواند اجرای حکم را تعطیل، توقیف یا قطع نماید، یا به تأخیر اندازد، مگر به‌موجب قرار دادگاهی که دستور تأخیر اجرای حکم را داده، و یا دادگاهی که صلاحیت صدور دستور تأخیر اجرای حکم را دارد، یا ابراز رسید محکوم‌له دایر به وصول محکوم‌به یا رضایت کتبی او در توقیف، تعطیل یا تأخیر اجرا. البته رسید ابرازی محکوم‌علیه باید مورد تأیید محکوم‌له باشد، و عقل و عرف نیز چیزی جز تأیید این مطلب ندارد. زیرا در غیر این صورت صدور حکم کاری عبث و بیهوده است؛ و کاری که بدون منفعت باشد، از عقلا سر نمی‌زند؛ اما با همه این اوصاف که حکم صادره باید بدون وقفه اجرا شود، البته از اصل منع توقف اجرای حکم، اصول دیگری استنتاج می‌شود از جمله: اصل تضمین حقوق محکوم‌له، اصل رعایت حسن نیت طرفین در مرحله اجرا حکم، اصل سرعت در اجرا و عدم اطاله و

دامنه احکام موضوع این تحقیق شامل تمام احکام مدنی صادره از محاکم دادگستری و کلیه آرای است که خصیصه مدنی دارند. هرچند مرحله اجرای حکم منوط به وجود حکم قطعی است؛ اهمیت اجرای یک حکم اگر از صدور این حکم بیش‌تر نباشد، کم‌تر نیست.

اصل رعایت غبطه و صلاح محکوم‌علیه که می‌توان در قالب تئوری موازنه حقوقی نیز مطرح کرد، ایجاب می‌کند که در صورت عدم حضور محکوم‌علیه در زمان اجرای حکم رعایت غبطه ایشان از حیث قیمت اموال موضوع فروش، اطلاع نامبرده و حق اعتراض به نظریه

کارشناس لحاظ شود، که حضور نماینده دادستان در جریان مزایده نیز، بدین منظور می‌باشد. رعایت حسن نیت طرفین اجرائیه در مراحل مختلف اجرا ضروری است، نه محکوم‌له می‌تواند از حق خود جهت توقیف اموال و ... سوءاستفاده نماید، و نه محکوم‌علیه می‌تواند با عدم صداقت و حسن نیت دعوای اعسار مطرح یا قصد فرار از پرداخت را با لطایف‌الحیل جامه عمل بپوشاند، که در هر صورت قانون به صورت پراکنده مقررات و ضمانت اجرای حقوقی و کیفری مقرر داشته است. مقررات آئین دادرسی مدنی در خصوص رسیدگی و صدور رأی صریح بوده و تخطی از آن ممکن نیست، لیکن قانون اجرای احکام مدنی به دلایل مختلف که شاید یکی از آنها به‌روز نبودن قانون اجرای احکام مدنی است، امکان سوءاستفاده وجود دارد.

اجرای حکم به هر قیمتی ولو بازداشت محکوم‌علیه مطلوب و مراد نیست نه در قوانین داخلی، نه منابع فقهی و نه قوانین بین‌المللی. چراکه حبس محکوم‌علیه جهت اجرای حکم مالی، خلاف اصل می‌باشد. به این دلیل که اصل اعمال مجازات در مقابل ارتکاب جرم است؛ لذا تسری آن به محکومیت‌های مالی صحیح نبوده، مگر آنجاها که سوءنیت محکوم‌علیه در عدم اجرای حکم محرز شود. مثلاً عدم معرفی کامل اموال خود یا اثبات تمکن ایشان بعد از طرح دعوای واهی اعسار. تا آنجا که قانون‌گذار در قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ صرف تقدیم دادخواست اعسار، در مهلت یک ماه از تاریخ ابلاغ اجرائیه را در صورت اعلام ریز صورت اموال مانع از بازداشت و حبس محکوم‌علیه دانسته، و بعد از تاریخ مذکور نیز در صورت رضایت محکوم‌له به آزادی محکوم‌علیه به همین کیفیت؛ در غیر این صورت با اخذ تأمین یا وثیقه محکوم‌علیه بازداشت نخواهد شد.

در انتها اصلاح قوانین مربوطه از جمله قانون اجرای احکام مدنی از جهت مطابقت با مسائل مربوط به اجرا که در زمان تصویب این قانون یعنی سال ۵۶ وجود نداشته در خصوص توقیف اموال، اموال قابل توقیف، افزایش اختیارات و مسئولیت مسئولین اجرای احکام مدنی، پیشنهاد می‌گردد.

فهرست منابع

- ۱- الماسی، نجادعلی. (۱۳۹۰). شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق ایران. انتشارات فکر سازان.
- ۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۶). دانشنامه حقوقی. جلد ۳، تهران: امیرکبیر.
- ۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸). ترمینولوژی حقوق. چاپ دهم، تهران: گنج دانش.
- ۴- حیاتی، علی عباس. (۱۳۹۰). اجرای احکام مدنی در نظم حقوقی کنونی. نشر میزان.
- ۵- رفیعی، علی. (۱۳۹۰). اجرای احکام مدنی علیه دولت. انتشارات فکر سازان.
- ۶- زابلی، حسن، غمامی، مجید. (۱۳۹۲). آیین دادرسی مدنی. شرکت سهامی انتشار آموزش قوه قضاییه.
- ۷- زینالی، توحید. (۱۳۹۵). دستور موقت در رویه دادگاهها. انتشارات چراغ دانش.
- ۸- شمس، عبدالله. (۱۳۸۸). آیین دادرسی مدنی. جلد سوم، انتشارات دراک.
- ۹- عسکری، علی حسن. (۱۳۸۱). توقیف و ابطال اجرایی موضوع احکام و اسناد لازم الاجرا. پایان نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشگاه آزاد خوارسگان.
- ۱۰- کامیار، محمدرضا. (۱۳۸۵). حقوق شهری و شهرسازی. تهران: مجد.
- ۱۱- کریم زاده، احمد. (۱۳۷۶). نظارت انتظامی در دستگاه قضائی. تهران: آیدا.
- ۱۲- محسنی، حسن؛ غمامی، مجید. (۱۳۹۰). آیین دادرسی مدنی فراملی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۱۳- مدنی، جلال الدین. (۱۳۸۸). آیین دادرسی مدنی. جلد سوم، تهران: پایدار.
- ۱۴- مردانی، نادر. (۱۳۷۲). آیین دادرسی مدنی. چاپ اول، تهران: یلدا.
- ۱۵- مردانی، نادر؛ قهرمان، محمد. (۱۳۹۰). اجرای احکام مدنی و احکام و اسناد لازم الاجرای خارجی در ایران. تهران: میزان.
- ۱۶- مکرمی، علی محمد. (۱۳۷۰). شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی در حقوق ایران. مجله: دیدگاههای حقوق قضایی، شماره ۴، صص ۲۱-۸.
- ۱۷- موسوی، عباس. (۱۳۹۵). اجرای احکام مدنی. جلد اول، تهران: انتشارات دادگستری.
- ۱۸- مهاجری، علی. (۱۳۸۸). شرح جامع قانون اجرای احکام مدنی. جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: فکر سازان.
- ۱۹- نهرینی، فریدون. (۱۳۹۲). ایستایی حکم دادگاه. تهران: گنج دانش.

نقش مکانیزم های حقوقی و اخلاقی

در پیشبرد اهداف صنعت بیمه های دریایی P&I Club

^۱ امیر قیصر زاده

^۲ محمود عرفانی

^۳ مرتضی شهبازی نیا

چکیده

توجه به صنعت بیمه های دریایی P&I Club با تمام مزایای خود در ایران نسبتاً ناشناخته مانده است. توجه به تعهدات قراردادی بیمه دریایی و اطلاع از شمول مفاد قراردادی بیمه شرکت های بیمه دریایی و دسترسی به اطلاعات تفسیری آن نسبت به مالکان کشتی از اصول وظایف حقوقی و اخلاقی شرکت های بیمه محسوب می شود و عدم توجه به این موضوع یک خلاء آشکار در توضیح حقوق مالکان کشتی دریایی بشمار می رود. بنابراین بررسی و شناخت اثرات مکانیزم های حقوقی و اخلاقی در پیشبرد اهداف صنعت بیمه مرکزی حوزه دریایی P&I Club به منظور رعایت و جلوگیری از بداخلاقی شرکت های بیمه و پیامدهای ناشی از آن در جبران خسارت و غرامت و اثرات قهری و جبری نامطلوب طرفین بیمه گر و بیمه گذار، ضروری به نظر می رسد. بررسی ها حاکی از خلاهای قانونی و اخلاقی فرار روی صنعت بیمه دریایی بدلیل عدم استحکام و کارایی لازم نسبت به ایفای تعهدات می باشد. ضرورتاً استفاده از نتایج این پژوهش و سیر پژوهش های مشابه که در این زمینه بکار رفته، می توان مشکلات حقوقی و اخلاقی صنعت بیمه را با بکاربردن استراتژیک های مدیریتی بصورت کلان بویژه در مناطق ساحلی - تجاری و بندرگاه های مناطق آزاد در راستای ارتقای کیفیت اخلاق گرایانه بیمه دریایی در برابر مالکان کشتی - رعایت اصول بیمه دریایی - تجربه و الگو گیری از صنعت دریایی کشورهای جهان - روش های مطمئن و بدور از بداخلاقی در ایفای تعهدات نسبت به حوادث ناشی از آن و... را در کشور، شاهد تحول عظیمی را خواهیم بود. لذا این پژوهش بدلیل توصیف و تحلیل مسائل و تدقیق در منابع از پیش آمده به روش کتابخانه ای استقرار دارد که امید است اعتلای مرزهای صنعت بیمه دریایی حوزه های وسیع تجاری را گسترش دهد.

واژگان کلیدی

اخلاق سازمانی، بیمه دریایی، حمل و نقل تجاری، P&I Club.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق خصوصی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

Email: Amir.GheisarZadeh@Yahoo.Com

۲. استاد، گروه حقوق تجارت بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Ir Merfany@Ut.ac.Ir

۳. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس، ایران.

Email: Shahbazinia@Modares.ac.Ir

پذیرش نهایی: ۹۸/۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۹

طرح مسأله

بی‌شک‌رشد و توسعه موفق تجارت از طریق صنعت حمل و نقل دریایی در بهبود تحولات اقتصادی کشورهای که از نعمت دسترسی به دریا بهره‌مند هستند، بسیار حائز اهمیت است. شناورهای دریایی پیوسته در معرض انواع خطرهای و اتفاقات غیرمنتظره و زیانبار قرار دارند. در این میان زیان‌های سنگین ناشی از سوانح متنوع کشتیرانی، تامین پوشش‌های بیمه‌ای را برای مالکان کشتی‌ها و کالا را بوجود آورده و حوادث مختلفی همواره کشتیرانان را مورد تهدید قرار داده و حمایت از آنان بصورت مالی و گاه معنوی در برابر مخاطرات گوناگون جهت رفع این دغدغه خطیر را بوسیله کلپ‌های بیمه دریایی بین‌المللی مانند P&I Club با گستردگی خطرات و پرهزینه بودن ریسک‌ها، تشکیل شده و اکنون بصورت غیرانتفاعی تجاری اداره می‌شود، مالکان همان اعضای هستند که مسئولیت یکدیگر را بصورت متقابل در برابر ریسک‌های دریایی پوشش می‌دهند. بیمه دریایی P&I Club؛ زائیده دغدغه‌های همین آسیب‌دیدگان از حوادث خطرناک جانی و مالی در دریا بود.

سقوط اخلاقی در صنعت بیمه عواقبی سلسله وار می‌آفریند. مانند عقیم ماندن برنامه‌های راهبردی و بلند مدت شرکتها به دلیل عدم حمایت از خسارت‌های غیر قابل جبران و غرامت از بیمه گذار عرصه ایفای تعهد را تنگ تر کرده و از سوی بی‌اعتمادی نسبت به بازار رقابت و کنترل بازار را با مخاطره مواجه می‌سازد. امروزه ۱۸ کلپ P&I بین‌المللی تحت-عنوان IGA فعالیت دارند. پوشش بیمه‌ای P&I کشتی‌ها با ورود و عضویت آنها در یکی از کلپ‌ها مطابق با میزان تعهدات و جبران خسارت طبق لایه بندی صورت گرفته، آغاز می‌گردد. در این مقاله تلاش شده نظام حقوقی حاکم بر بیمه‌های دریایی P&I Club شامل ساختار کلپ‌های P&I، خطرات و تصادم‌های تحت پوشش و نحوه جبران خسارت در این نوع بیمه‌ها از دیدگاه حقوقی و کارکردهای اخلاقی شرکت‌های بیمه مورد بررسی قرار گیرد. سؤالات این مقاله عبارتند از: ماهیت نظام حقوقی بیمه دریایی تحت حاکمیت و صلاحیت ملی دولت‌ها با تاکید بر P&I Club بر چه پایه و اساسی اخلاقی حاکم می‌باشد؟ در پاسخ باید گفت که به نظر می‌رسد در نظام حقوقی بیمه‌های دریایی برخوردار از P&I Club بر دو عنصر مهم حقوقی و اخلاقی بیمه گذار و زیان دیده، بر صنعت بیمه دریایی حاکم می‌باشد. سوال دوم نیز چنین است که: مطابق قوانین حقوقی و اخلاقی کلپ P&I چگونه متصدی حمل و نقل دریایی مسئول خسارات وارده می‌باشد؟ در پاسخ باید گفت که به نظر می‌رسد، متصدی حمل و نقل نیز با شرایطی مسئول خسارات است که بر خلاف تعهد اخلاقی و قانونی خود کشتی خود را مطابق قوانین P&I Club بیمه نماید. (بیمه کشتی جنگی، دعاوی ناشی از فعالیتهای غیرقانونی و فعالیت تجاری خطرناک مشمول این انجمن نخواهد بود و... اما در سایر موارد پیش بینی شده در این انجمن ضامن

متصدی حمل نقل خواهند بود.) لذا نتایج پژوهش بیانگر این امر است که در حقوق ایران، تاسیسی بنام بیمه‌های دریایی P&I Club از تاسیسات بیمه‌ای ناشناخته است و قانون‌مدونی در خصوص این کلوپ‌ها وجود ندارد. لذا اهم اهداف این پژوهش عبارتند از:

۱- نیاز به مشخص نمودن ماهیت نظام حقوقی و اخلاقی بیمه دریایی تحت حاکمیت و صلاحیت ملی دولت‌ها با تاکید بر P&I Club و وضعیت و جایگاه آن در قراردادهای حمل نقل دریایی و جبران خسارت‌های ناشی وارده در دریا و...

۲- تعیین اصول حاکم بر غرامت‌های بیمه دریایی در نظام اخلاقی - حقوقی و استفاده از نظریات و تئوری‌های حقوقدانان بسیار مهم ارزیابی شده است. با توجه به اینکه هدف از پژوهش، حل یک سؤال یا پاسخ یک ابهام از نظر نگارنده پژوهش است؛ لذا نوع پژوهش تحلیلی کاربردی برای از بین بردن موضوعات نافی اخلاق بیمه‌گری و بیمه‌گذاری خواهد بود، زیرا عموماً هدف قانونگذار این است که قوانین و مقررات ایجاد شده در عمل مورد استفاده و کاربرد جامعه قرار گیرد. کتبی از قبیل کتابهای ارزشمند همچون آقای دکتر عرفانی در زمینه حقوق تجارت بین الملل - "حقوق تجارت بین‌الملل" ترجمه دکتر بهروز اخلاقی "و حقوق بیمه دریایی" تالیف دکتر امیر صادقی نشاط جزء سوابق این موضوع بشمار می‌روند. خاطر نشان می‌سازد با توجه به اینکه کتاب یا پایان‌نامه‌ای در خصوص موضوع وجود ندارد این موضوع می‌تواند اقدامی موثر در تحول بیمه دریایی کشورمان باشیم. در یک مقاله، نوع روش پژوهش نیز همگام و همسان با آن باید در برگیرنده تطبیق بین قاعده یا قواعد حقوقی باشد، زیرا در علوم انسانی برخلاف سایر علوم، با توجه به نظری بودن آن نیاز به تحلیل، امعان نظر و دقت در توصیف حالت یا حالتهاست. لذا با توجه به توضیحات فوق، روشن است که روش پژوهش به صورت تحلیلی - توصیفی خواهد بود.

۱- ادبیات پژوهش

بسیاری از مسایل نظام اخلاقی و حقوقی بیمه دریایی مبتنی بر مسایل حقوق دریایی و حقوق تجارت است و اساساً توسعه روز افزون آن به سبب رشد و گسترش حمل و نقل دریایی و تجارت بین‌الملل می‌باشد. مفهوم بیمه دریایی، تفاوت اصولی با بیمه‌های غیردریایی ندارد. در تعریف این صنف از بیمه گفته اند: "قرارداد بیمه دریایی قراردادی است که بوسیله آن، بیمه‌گر متعهد می‌شود به طریق و تا حدودی که توافق می‌شود خسارات دریایی بیمه‌گذار یعنی زیانهای ناشی از مخاطره دریایی را جبران کند (ماده ۱ قانون بیمه دریایی انگلیس) ماده ۱ قانون بیمه ایران نیز مقرر می‌دارد: بیمه، عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازای پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر، در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارت وارده بر او را جبران نموده و یا وجه معینی را بپردازد. متعهد را بیمه‌گر، طرف تعهد را بیمه‌گذار، وجهی را که

بیمه گذار به بیمه گر می پردازد، حق بیمه و آنچه را که بیمه می شود، موضوع بیمه می نامند. "بنابراین بیمه دریایی وسیله ای برای تامین جبران خسارت ناشی از کشتیرانی و سایر فعالیت های دریایی مرتبط در چارچوب توافق طرفین قرارداد بیمه است.

برای فهم رابطه اخلاق و حقوق بیمه دریایی باید مفهوم آنها و کارکردهایشان را بشناسیم. حقوق مجموعه قواعد الزام آور کلی است که به منظور ایجاد نظم و عدالت بر یک جامعه حکومت می کند و از طرف دولت تضمین شده است. بنابراین قواعد حقوقی بیمه دریایی در مقابل جبران خسارت و غرامت ناشی از تصادم کشتی های دریایی و مخاطرات دریا برای شرکت های بیمه در هنگام انعقاد قراردادهای بیمه دریایی الزام آور است. حقوق مجموعه ای از باید و نباید است. قاعده ای رفتاری و کلی است. بنابراین تصمیماتی که قوه مقننه در مورد خاص می گیرند، حقوق نیست زیرا حقوق باید کلی باشد، تمام کسانی که مصداق آن هستند باید تابع آن باشند. علم حقوق ۲ هدف دارد که گاه با هم متعارض هستند: ۱- ایجاد نظم ۲- استقرار عدالت. این دو بدون دیگری فایده مطلوب را ندارند. اساس عدالت باید بر زمینه نظم باشد. اما موضوع اصلی مورد بحث اخلاق است: قواعد اخلاقی تکیه بر وجدان شخص دارد، یعنی اعتبار این قواعد از درون تضمین می شوند نه از برون در حالی که قواعد حقوق از طرف دولت تضمین می شود که منشاء این موضوع کاوش این موضوع در بیمه های دریایی و پرداخت غرامت است. لذا ذیلاً به بررسی ماهوی این موضوع خواهیم پرداخت و سپس نقش کارکردی موضوع را با توجه به اخلاق و قانون در قانون بیمه دریایی ایران و کشورهای پیشرو در این صنعت مورد کنکاش قرار می دهیم.

۱-۱- مفهوم پیوندی اخلاق و بیمه دریایی

ظهور اخلاق نه تنها در برخی اصول، (که فلسفه وجودی آن وجود خود اخلاق است)، قابل مشاهده می باشد، بلکه در رشته های مختلف بازرگانی نیز قابل تأمل است. همچنین در حقوق بازرگانی، صداقت و حُسن نیت، اصولی که حاصل از اصل کلی شفاف سازی، مفهومی که از اخلاق به حقوق راه یافته است اکنون در حقوق خصوصی و بالاخص در حقوق قراردادها در زمان اجرای قرارداد نقشی اساسی ایفا می نماید. این مفهوم، همچنین طرفین را ملزم می دارد که در زمان انعقاد عقد نیز دارای حُسن نیت باشند زیرا عدم آن، نتایج منفی حقوقی به بار می آورد. همین گونه است که در جریان اجرای این اصل، حفظ اسرار حرفه ای می تواند نقش ناقص اصل حُسن نیت را ایفا نماید. در این راستا، و در مورد اسرار قرارداد بیمه دریایی، عدم آگاه نمودن یک بیمه گذار از مفاد قراردادی به موقعیت مدیران در هنگام ورود خسارت به کشتی و خدمه و.. خطر مالی بودن وی توسط بیمه گر، دلیل اصلی عدم پرداخت غرامت خواهد بود. در حقیقت، این حُسن نیت بیمه گر را نشان می دهد که به بیمه گذار اجازه ندهد که بدون آگاهی از موقعیت

قراردادی و پرداخت غرامت مالی، مبادرت به امضای قرارداد بیمه بنماید.

بیمه در اصطلاح حقوقی عبارت است از توزیع و تحمیل خسارات و زیان ناشی از حادثه- معین یا غیر معین اتفاقی یا احتمالی برای فرد یا افراد یا اموال و اشیاء به عهده شخص یا اشخاص غیر متضرر. در واقع، بیمه، عملیاتی است که به موجب آن یک طرف (بیمه گر)^۱ تعهد می کند در برابر دریافت مبلغی^۲ (حق بیمه یا سهم مشارکت)^۳، در صورت تحقق خطر معین (حادثه) به طرف دیگر (بیمه گذار یا ذی نفع مربوطه)^۴ غرامت (سرمایه یا مستمری) بدهد. (حیاتی: ۱۳۷۹: ۶۸)

بر اساس این نگرش «اخلاق غالباً به عنوان راهی برای قانونمند ساختن افراد در جوامع، پنداشته شده است. اخلاق عکس العملی است نسبت به مشکل همکاری در میان افراد یا گروه های رقیب، و هدفش فرو نشاندن نزاع هایی است که ممکن است در ظروف اجتماعی رخ دهد. البته اعمال قدرت هم راهی است برای داوری در مقام تنازع، ولی اخلاق با اعمال قدرت فرق می کند: اخلاق به اصول و قواعدی از عمل متمسک می شود که قانونی موجه به شمار می آیند؛ یعنی در نماد خود با نوعی وجاهت و تایید همراهند که بالقوه مورد قبول آحاد جامعه اند.» (خرمشاهی: ۱۳۷۴: ۵-۶).

۱-۲- مفهوم کلوپ های بیمه دریایی P&I Club

بیمه دریایی P&I Club، امروزه یکی از معمول ترین و با اهمیت ترین نوع از شرکتهای تخصصی بیمه کشتی هستند که گوناگونی پوششهای قابل عرضه آنها به علاوه ساختار عملیاتی- مخصوص به خود، آنها را به صورت یکی از مهمترین ابزار ایمنی در کشتیرانی بین المللی در آورده است. این کلوپ ها، هم در ارتباط با خدمه کشتی و هم در ارتباط با عملیات کشتی به منزله نوعی بیمه شخص ثالث عمل می کنند و تعهدات مالکان کشتی را در گستره ای مانند: آلودگی- دریا، قرنطینه و... تا جریمه بعضی از تخلفات کشتیرانی مورد پوشش قرار می دهند. کلوپ های P&I Club تعاونی هایی هستند که مالکان کشتی به وجود آورده اند تا ریسکهایی را که در بازارهای معمولی بیمه های دریایی بیمه نمی شوند پوشش دهند. هر مالک، کشتی خود را به کلوپ- وارد می کند و گواهی ورود دریافت می دارد. مالک کشتی برای ورود باید مبلغی با توجه به تناژ کشتی یا کشتیهای خود بپردازد که معمولاً درصدی از آن را پیش پرداخت می کند و درصدی از آن را در قسط بعدی، بعد از احتساب کل درآمد و هزینه کلوپ در آخر هر سال مالی خواهد پرداخت. این کلوپ غیر انتفاعی را یک مدیر اداره می کند و کمیته ای که اعضای کلوپ منصوب-

1. Insurer.
2. Remuneration.
3. Cotisation.
4. Insurant.

کرده‌اند، بر کار وی نظارت دارد، شایسته یادآوری است که نرخ و شرایط حق بیمه‌ای که در قانون ۱۹۰۶ بیمه‌های دریایی اعمال می‌شوند در اینگونه بیمه‌های تعاونی مصداق پیدا نکرده است بلکه در آخر سر، حق بیمه با موافقت اعضاء تعدیل می‌شود. (کشتیرانی و حمل و نقل دریایی: ۱۳۶۱: ۱۵۸).

در حال حاضر، ۱۴ انجمن در سراسر جهان بطور جدی فعالیت می‌کنند و نظر به تبعات مالی بسیار مساعد عضویت در این مجامع، اکثر کشتی‌هایی که وارد بنادر کشورهای مختلف از جمله بنادر ایران می‌شوند، در یکی از انجمنها ثبت شده و دارای پوشش بیمه‌ای هستند. البته بیمه کشتی، کالا و کرایه حمل، عملاً بوسیله شرکتها و موسسات انتفاعی بیمه‌گر انجام می‌شود و مسئولیت به عنوان یکی از موضوعهای قابل بیمه، عمدتاً تحت پوشش مجامعی غیرانتفاعی که در بازار بیمه جهانی به "انجمنهای حمایت و جبران خسارت" یا "کلوپهای P&I Club" مشهور هستند قرار می‌گیرد. این انجمنها که پیدایش آنها نتیجه مقتضیات کشتیرانی و تجارت دریایی در قرن گذشته است، برخلاف شرکتهای بیمه، به معنای واقعی، عملیات بیمه انجام نمی‌دهند بلکه نظر به اینکه در قلمرو کشتیرانی، مالکان کشتی‌های عضو این انجمنها متقابلاً ملتزم می‌شوند که خسارت وارده به هر یک از اعضاء را با شرایطی جبران کنند، در معنای عام، بیمه‌گر محسوب می‌شوند. گروه بین‌المللی P&I، تحت‌نظام‌نامه‌ای که حقوق و وظایف اعضاء کلوپها و هماهنگی‌های اجرایی گروه را مشخص می‌کند، اداره می‌شود. بمنظور آشنایی عضو گروه بین‌المللی کلوپهای P&I و سایر کلوپهای متقابل غیرعضو در گروه بین‌المللی و همچنین کلوپهای تجاری به‌مراه مقایسه‌اجمالی از نحوه فعالیت آنها ارائه خواهد شد. با توجه به موارد بالا می‌توان دریافت که چگونه این کلوپ‌ها سیر تکاملی خود را تا به امروز ادامه داده و به شرکتهای بیمه‌ء فوق‌العاده تخصصی و پیشرفته تبدیل گشته‌اند. ترتیب تاریخی بعضی از کلوپ‌ها که در آغاز کار بر اساس دریافت حق بیمه ثابت برای هر کشتی کار می‌کرده‌اند و امروز آنها به علاوه چندین کلوپ دیگر «گروه بین‌المللی» را تشکیل داده‌اند - که خود نوعی صندوق اتکایی است - به ترتیب زیر عبارتند از:

۱. اتحایه بیمه تعاونی انگلستان که در سال ۱۸۷۱ به باشگاه P&I Club تبدیل گشت؛

۲. اتحادیه سوئدی ۱۸۷۲: (کلوپ حمایت و جبران خسارت سوئد)^۱

۳. P&I Club ساندرلند ۱۸۷۹؛

۴. اتحادیه بیمه تعاونی لندن که در سال ۱۸۸۹ به باشگاه P&I Club تبدیل شد؛

۵. اتحادیه نروژی ۱۸۹۷: (گارد P&I (برمودا) با مسئولیت محدود - انجمن بیمه‌های

1. Sveriges Ångfartygs Assurans Förening / The Swedish Club.

اسکالد^۱ - کشور نروژ)^۲

۶ P&I Club امریکا ۱۹۱۷؛^۳

۷. اتحادیه بیمه تعاونی لیورپول که در سال ۱۹۲۴ به باشگاه پی.اند.آی تبدیل شد؛

۸. P&I Club ژاپن^۴؛ ۱۹۵۰ (Marime...:1991:P.32)

۹. انجمن متقابل بیمه گران (برمودا) با مسئولیت محدود؛^۵

۱۰. انجمن متقابل بیمه مالکان کشتی های بخار بریتانیا (برمودا) با مسئولیت محدود؛^۶

۱۱. انجمن متقابل بیمه مالکان کشتی غرب انگلستان (لوگزامبورگ)؛^۷

۱۲. انجمن متقابل حمایت و پرداخت خسارت مالکان کشتی (لوگزامبورگ)؛^۸

۱۳. انجمن متقابل حمایت و پرداخت خسارت صاحبان کشتی های بخار امریکا؛^۹

۱۴. انجمن بیمه کشتی های بخار بریتانیا با مسئولیت محدود؛^{۱۰}

۱۵. انجمن متقابل حمایت و پرداخت خسارت مالکان کشتی ژاپن؛^{۱۱}

۱۶. انجمن متقابل بیمه مالکان کشتی های بخار لندن با مسئولیت محدود؛^{۱۲}

۱۷. انجمن متقابل حمایت و پرداخت خسارت شمال انگلستان با مسئولیت محدود؛^{۱۳}

۱۸. انجمن متقابل استاندارد حمایت و پرداخت خسارت مالکان کشتی (برمودا) با مسئولیت

محدود.^{۱۴}

با توجه به مطالب فوق اجمالاً باید گفت که کلپ های P&I تعاونیهایی هستند که مالکان کشتی آن را به دلیل مخاطرات دریایی متنوع و عدم پوشش بیمه دریایی داخلی در هر کشور آن را تاسیس نموده اند. هر مالک، کشتی خود را به کلپ وارد می نماید و گواهی ورود دریافت می - دارد. مالک کشتی برای ورود باید مبلغی با توجه به تناژ کشتی یا کشتیهای خود بپردازد که معمولاً درصدی از آن را پیش پرداخت (First Call) می کند، و درصدی از آنرا در قسط بعدی، بعد

-
1. Assuranceforeningen Skuld.
 2. The Britannia Steam Ship Insurance Association Limited.
 3. American Steamship Owners Mutual Protection and Indemnity Association, Inc.
 4. The Japan Ship Owners' Mutual Protection & Indemnity Association.
 5. The Steamship Mutual Underwriting Association (Bermuda) Limited.
 6. United Kingdom Mutual Steam Ship Assurance Association (Bermuda) Limited.
 7. The West of England Ship Owners Mutual Insurance Association (Luxembourg).
 8. The Shipowners' Mutual Protection & Indemnity Association (Luxembourg).
 9. American Steamship Owners Mutual Protection and Indemnity Association, Inc.
 10. Gard P&I (Bermuda) Ltd.
 11. The Japan Ship Owners' Mutual Protection & Indemnity Association.
 12. The London Steam Ship Owners' Mutual Insurance Association Limited.
 13. The North of England Protecting & Indemnity Association Limited.
 14. The Standard Club Ltd.

از احتساب کل درآمد و هزینه کلپ در آخر هر سال مالی خواهد پرداخت. این کلپها غیرانتفاعی را یک مدیر اداره می کند و کمیته ای که اعضای کلپ منصوب کرده اند، بر کار وی نظارت دارد. شایسته یادآوری است که نرخ و شرایط حق بیمه ای که در قانون ۱۹۰۶ بیمه های دریایی اعمال می شود در اینگونه بیمه های تعاونی، مصداق پیدا نکرده است، بلکه در آخر سرحق بیمه با موافقت اعضاء تعدیل می شود. (Brown, Robert H; 1993, .132) صدور گواهی بیمه (پوشش نامه) و الحاقیه مدیریت دعاوی نیز که به شکل عمده به شرح ذیل تقسیم می شود مورد پوشش کلپ بین المللی:

- رسیدگی به دعاوی مربوط به تصادم کشتیها و فرد یا افراد مسئول؛^۱
 - مباحث و دعاوی حوزه حقوق دریایی در آن و رژیمهای دریایی را دارا باشند؛^۲
 - رسیدگی به دعاوی مطرح شده توسط مقامات بندری در خصوص آلودگی آب دریا^۳ و پاکسازی آن و همچنین صدور گواهی؛^۴
 - رسیدگی به دعاوی مطرح شده توسط مقامات بندری جهت بیرون کشیدن لاشه کشتی غرق شده و یا متعلقات آن؛^۵
 - رسیدگی به خسارات وارده به محمولات و یا کسری کالا؛^۶
 - رسیدگی به دعاوی مربوط به اجسام ثابت و شناور؛^۷
 - رسیدگی به مصدومیت، فوت و هزینه های پزشکی خدمه کشتی؛^۸
 - هماهنگی های لازم با مقامات مسوول جهت بازگرداندن مسافر قاچاق؛^۹
 - رسیدگی به جرائم مطرح شده توسط مقامات بندری و یا سایر مراکز به هنگام نقض مقررات؛^{۱۰}
 - رسیدگی به دعاوی مطرح شده توسط مقامات بندری یا دادگاهها در ارتباط با قاچاق ناشی از عملکرد خدمه کشتی.^{۱۱}
- با وجود آنکه هیچ نوع الزام حقوقی مالکان کشتی را متعهد به بیمه کردن در قبال خسارت

-
1. Collision Liability.
 2. Admiralty.
 3. Pollution.
 4. Blue Card.
 5. Wreck Removal.
 6. Cargo Claim.
 7. Fix & Floating Objects.
 8. Stowaway & Crew Claim.
 9. Stowaway.
 10. Fines.
 11. Smuggling.

نمی کند معهذاً روش های جدید مالی کشتیرانی و تجارت دریایی راهی جز بیمه کردن برای آنها باقی نگذاشته است. حال با توجه به موضوع مقاله پیش رو تدقیق در این موضوع بسیار ارزشمند کمکی شایان در تلاش دریانوردان و صنعت گران بیمه در جهت تعالی و ارتقای پوشش های حمایتی و غرامت جبران خسارت مالکان در کلپ های بین المللی را مفتوح گذاشته و بهره گیری از نیروهای - متخصص و کارشناس همراه با شعب مختلف در بندرگاه های دنیا چالش های پیش روی حقوقی و بیمه ای کشتیرانان - مالکان در قبال تصادم - آلودگی - تلف مال و کالا در دریا و... را بصورت کامل مورد پوشش قرار دهد.

۱-۳- مفهوم بداخلاقی در نظام بیمه دریایی

موضوع بداخلاقی در بازار رقابت شرکت های بیمه دریایی معمولاً براساس قرارداد کارفرما و عاملی که برای او فعالیت می کند، در نظام بیمه دریایی با توجه به نوع سوانح پیش خواهد آمده، مطرح شود که این عامل و یا نماینده بیمه می تواند افراد حقیقی و یا حقوقی باشند. در کلیه مواردی که مساله مخاطره بداخلاقی بیمه مطرح می شود بدین معنا که مقدار کاری را که عامل روی یک قرارداد بیمه دریایی مانند P&I منعقد نماید، بازپرداخت خسارت های احتمالی و پرداخت غرامت ها و... را تحت تاثیر قرار دهد و کارفرما نمی تواند مستقیماً کار عامل را تحت نظر بگیرد و نظام اخلاقی بیمه را در مقابل بیکه گذار تحت شعاع قرار دهد.

۲- عوامل حقوقی - اخلاقی موثر بر برتری بیمه دریایی P&I Club نسبت بر بیمه گران ثابت

در زمان صدور بیمه نامه مجموعه ای از اصول عمومی باید استانداردهای اساسی حمایت از فعالیت های بیمه ای را تهیه نماید. این مجموعه بایستی فعالیت های بیمه ای، تشویق رقابت و حمایت از بازار سالم را آسان سازد. چارچوب اصول هدایت را مهیا ساخته به طوری که مشخص سازد چه بخشی از فعالیت های بیمه ای بارز قابل قبول و قانونی است. اگر این اصول بین المللی بتواند به صورت واحد مورد پذیرش واقع شود، وظایف قانون گذاران محلی راحت تر خواهد بود. این موضوع بر اینکه هر قلمرو قضایی بایستی بر اساس قوه مقننه خود تصمیم گیری، اجرا و پاسخگوی اصول باشد، دلالت دارد. ابطال پروانه بایستی با اخطار، تاکید و در صورت نیاز با به اجرا گذاردن ضمانت های اجرایی همراه باشد. حسب اهمیت قرارداد بیمه و به دلیل ویژگی خاص آن و همچنین با توجه به تاثیر نظام بیمه در سیستم اقتصاد ملی، حقوق بیمه دارای بایسته ها و الزاماتی است که تقریباً در تمام نظام های حقوقی جهان پذیرفته شده است و به صورت اصول حاکم بر نظام بیمه در نظر حقوقی و اخلاقی اعمال می شوند:

۲-۱- بررسی کارکردی حقوقی و اخلاقی نفع بیمه‌ی در P&I - عدم در نظر گرفتن سود دهی^۱

کلوپ های P&I بدلیل غیرانتفاعی بودنشان سودرسانی به شخص یا سرمایه گذاری را ندارند. اعتبارات کلوپ ها تنها از طریق اعضاء و برای تامین هزینه خسارت‌ها، خرید بیمه اتکایی و اداره کلوپ فراهم می‌شود. اعتبار مازاد پس‌انداز و به ذخایر اضافه می‌شود. اما در مقابل بیمه‌گران تجاری / تسهیلات حق بیمه ثابت در شرکت‌های تجاری بیمه، سهام‌دارانی دارند که انتظار سود دهی در سرمایه‌گذاری دارند. به‌طور مشابه، سندیکاهای لویزر سرمایه‌گذارانی دارند که برای اخذ حق بیمه، سرمایه خود را به خطر می‌اندازند. در قوانین کلیه کشورها تصریح شده که هر کس بدون داشتن نفع مشروع اقدام به بیمه کردن مال بنماید مجرم شناخته شده و ملزم به پرداخت جرایم معینه در قانون می‌باشد. بیمه نامه‌هایی که تحت عنوان «P.P.I.» (یعنی بیمه نامه دلیل ذینفع بودن در بیمه است) صادر می‌گردید، به کلی ممنوع است. ماده ۴ قانون بیمه دریایی انگلیس مصوب ۱۹۰۶، بیمه نامه‌های شرط بندی و قمار و بیمه نامه‌هایی که در آنها جمله «وجود یا عدم وجود منافع» ذکر شده باشد، باطل و فاقد اعتبار دانسته است. (E.R.Hardy, ivamy:1979:p. 25) اصولاً هیچ کس حاضر نیست مالی را بیمه کند که در آن هیچ گونه نفعی ندارد زیرا بیمه مستلزم هزینه و انجام تعهداتی است که از آن جمله پرداخت حق بیمه است. (هوشنگی: ۱۳۶۹:۲۸) بیمه خسارت تحت تأثیر مفهوم نفع نیز است که خود موضوع این عملیات است. در واقع فرض بر آن است که بیمه گذار یا ذی نفع در عدم تحقق خطر نفعی دارد. (کریمی: ۱۳۷۷: ۴۶).

۲-۲- نظارت^۲

کلوپ‌های P&I توسط صاحبان کشتی که عضو کلوپ هستند اداره می‌شود و هیئت مدیره با رای گیری از میان مالکان عضو انتخاب می‌شوند. اما در مقابل بیمه‌گران تجاری / تسهیلات حق بیمه ثابت شرکتهای بیمه، بیمه‌های تجاری را تنظیم و کنترل می‌کنند. مالکیت کلوپ‌ها از آن اعضاء و توسط نمایندگان آنها اداره می‌شوند و این امتیاز را دارند که پوشش‌های واقعی مورد نیاز اعضاءیشان را در اختیارشان قرار دهند. در کلوپ های P&I مالکان کشتی باهم یک صندوق تشکیل می‌دهند که هر زمان خسارتی برای یکی از کشتی‌های اعضاء پیش آمد از محل صندوق جبران و طی سال‌های بعد آن مالک با پرداخت بیشتر حق عضویت آن را جبران کند. این اتفاق مربوط به ۱۵۰ سال پیش در انگلستان است و تا امروز ادامه دارد. از آنجا که ۹۰ درصد کالاهای دنیا از طریق دریا حمل و نقل و انتقال می‌شوند اهمیت کلوپ‌های P&I نیز بیشتر شده و ناوگان

1.Profit.

2.Control.

دریایی کشورها از آن استقبال می کنند. در منطقه نیز ترکیه ۲ سال است که کلوپ P&I را راه اندازی کرده و به تازگی هند نیز آن را آغاز کرده است و چین و کره جنوبی که قبلاً این فعالیت را شروع کرده اند. نکته قابل توجه این است که سال های گذشته ۹۰ درصد متخصصان دریا در کشورمان خارجی بودند. اما در حال حاضر در خصوص دانش دریا، ایران یکی از کشورهای پیشرفته در سطح جهان و اول در منطقه است. در کلوپ P&I بیمه گر و بیمه گذار خود مالکان کشتی و اعضای هیات مدیره هستند. در این کلوپ سوددهی و انتفاعی بودن معنا ندارد زیرا سهامداری وجود ندارد.

۲-۳- نقش جبران خسارت و غرامت ناشی از حوادث دریایی همگام در برابر اخلاق قراردادی طرفین

مشخصه مشترک بیمه های خسارت آن است که همگی در صدد جبران خسارت ناشی از حادثه اند. بنابراین در این بیمه ها تکلیفی که بر عهده بیمه گر قرار دارد محدود به جبران خسارت وارد است و از آن تجاوز نمی کند. همچنین توافق طرفین عقد بیمه می تواند میزان تعهدات و پوشش خسارت توسط بیمه گر را محدود کند. اصل جبران خسارت (اصل غرامت) منشأ آثار و احکام بسیاری در بیمه های خسارت است. هدف این بیمه حفظ سطح دارایی زیان دیده و پوشش خسارت وارده است و موجب افزایش دارایی بیمه گذار نمی شود. این اصل از طرفی - چهارچوب کلی نحوه جبران خسارت را تعیین می کند و از طرف دیگر موجب محدودیت تعهدات - بیمه گر تا سقف میزان خسارت می شود. توافق طرفین نیز می تواند تعهدات بیمه گر را محدود کند. (Noussia:2007:73.)

۲-۴- امتیازات حقوقی و اخلاقی P&I در برابر مالکان کشتی

تمام کسانی که در صنعت دریانوردی فعالیت دارند به این نکته واقفند که در بیشتر سفرهای دریایی حوادث پیش بینی نشده ای اتفاق می افتند. برای پذیرش مسئولیت این حوادث، بیمه حمایت و جبران خسارت P&I توسط موسسات بیمه متقابل (کلوپها) عرضه شده است. کلوپهای P&I به اجتماعی از مالکان کشتی اطلاق می شوند که برای بیمه کردن تعهدات یکدیگر در قبال اشخاص ثالث، در یک ساختار تعاونی و غیرانتفاعی گرد هم جمع شده اند. کلوپ P&I هزینه های خود را از درآمدهای حاصل از گرفتن حق عضویت از اعضا، باز یافت خسارت و سود ناشی از سرمایه گذاری هایی که از طرف اعضا انجام می دهند تامین می کنند. مالکین شناورها برای مدیریت هزینه ها، به پیش بینی منطقی و دقیقی برای هزینه های عملیات خود از جمله هزینه انتقال ریسک از طریق خرید بیمه نامه P&I که انتظار می رود در طی سال پرداخت شود، نیاز دارند. همچنین یک کلوپ P&I نیاز به تخمین درستی از تعهدات احتمالی سال بیمه ای دارد تا بتواند پشتوانه مناسبی برای پرداخت خسارات و هزینه های دیگر تامین کند. امروزه داشتن بیمه نامه

P&I از کلوپ‌های ۱۳ گانه بین‌المللی در تامین منابع مالی مورد نیاز از طریق بانکها، دریافت استاندارد از موسسات اعتبارسنجی، بستن قراردادهای اجاره کشتی و ورود به بنادر و ترمینال‌های مهم نفتی برای مالکان شناورها که قصد ورود به بازارهای جهانی دارند الزامی است. در بیمه خسارت - به عنوان اصلی بنیادین - پذیرفته شده است که بیمه نمی‌تواند مبلغی بیش از خسارت واقعی را پرداخت نموده و باعث افزایش دارایی شود. این امر مانع از آن نیست که بیمه موارد عدم النفع را تحت پوشش قرار دهد، چون عدم النفع از جمله خسارات به شمار می‌رود. (Noussia:2007:84). روشی که قانون برای جبران خسارت معین کرده، تضمین کننده عدم پرداخت مبلغی مزاد بر خسارت واقعی است. در واقع محدود کردن تعهد بیمه‌گر تا سقف مال قبل از وقوع حادثه مبین آن است که در هر حال بیمه خسارت موجب پرداختی علاوه بر خسارت واقعی نخواهد بود. (Kristiansen, S:2005:p.142).

۲-۵- محدوده پوشش اخلاقی و بیمه ای کلوپ های P&I Club

دامنه پوشش‌های کلوپ تنها به ریسک‌هایی که در کتابچه قانون کلوپ آورده شد، ختم نمی‌گردد و در زمانی که حادثه ای خارج از ریسک‌های عنوان شده در متن کتابچه قوانین حادث گردد، مدیران کلوپ پس از بررسی‌های لازم دارای صلاحیت تصمیم‌گیری برای تخصیص پوشش در آن مورد خاص هستند. در کلوپ‌های P&I کارها توسط اعضای کلوپ انجام می‌شود و کارمندان قادر هستند با مناسب‌ترین هزینه‌ها و به صورت حرفه‌ای به خسارتهای بزرگ رسیدگی کنند. رابطه کاری نزدیکی بین این کارمندان و اعضای کلوپ وجود دارد. کلوپ‌های P&I طیف گسترده ای از خدمات جانبی را به اعضا ارائه می‌دهند.

۳- مشکلات حقوقی و اخلاقی ارائه پوشش بیمه ای از طریق کلوپ

با توجه به مطالب آمده، کلوپ‌های P&I Club^۱ امروزه یکی از معمولی‌ترین و با اهمیت‌ترین نوع از شرکتهای تخصصی بیمه کشتی تضمین کننده اخلاق قراردادی در مقابل اشخاصی هستند که با توجه به حوادث قهریه و... تمام حقوق و تعهداتشان را پایمال می‌نمایند. توجه به گستره و گوناگونی پوشش‌های قابل عرضه آنها به علاوه ساختار عملیاتی مخصوص به خود را بصورت یکی از مهمترین ابزار ایمنی در کشتیرانی بین‌المللی در آورده است. کشورهای آلمان، ژاپن، یونان و هنگ کنگ در بیمه P&I پیشرفته هستند. این کلوپ‌ها، هم در ارتباط با خدمه کشتی و هم در ارتباط با عملیات کشتی به منزله نوعی بیمه شخص ثالث عمل می‌کنند و تعهدات مالکان کشتی را در گستره ای مانند آلودگی دریا، قرنطینه و... تاجر بیمه‌بعضی از تخلفات کشتیرانی مورد پوشش قرار می‌دهند.

1. Protection and Indemnity Clubs.

اصولاً در حدود ۹۵٪ تمام کشتی های بازرگانی جهان پوشش مسئولیت در قبال اشخاص ثالث را از کلپ های P&I خریداری کرده اند. هر یک از کلپ ها عضو گروه بین المللی کلپ های P&I هستند. این گروه بین المللی شامل شانزده کلپ مختلف است که در سراسر دنیا پراکنده شده اند. تعداد اندکی از کلپ های P&I وجود دارند که بدلائل مختلف عضو این گروه بین المللی نیستند.

۳-۱- امکان سنجی کلپ های P&I در ایران

در پی اعمال برخی محدودیت های بین المللی برای پوشش بیمه کشتی های ایرانی، شرکت بیمه معلم با راه اندازی شرکت مستقل بیمه P&I توانست ضمن اخذ مجوزهای لازم بین المللی با تشکیل کنسرسیوم بیمه مشترک، کشتی های ایرانی را تحت پوشش انواع بیمه ها قرار دهد. بیمه P&I یا همان بیمه حمایت و غرامت مخصوص تحت پوشش قرار دادن تمام اجزای کشتی ها، مسئولیت کشتی ها در برابر آلودگی آب ها با مواد سوختی و نفت، خسارت به کالاها و جرح پرسنل روی کشتی است. این بیمه به صورت کلپ (صندوق) اداره می شود و بیمه گذاران P&I پرداخت حق بیمه عضو کلپ خواهند شد. در صنعت بیمه کشور ما کاری نو و البته کاملاً تخصصی است. این بیمه فقط کشتی ها و خطرات دریایی را تحت پوشش قرار می دهد. بیمه P&I به صورت یک صندوق که اعضای آن شرکت های کشتیرانی هستند و خطرات خود را با عضویت در آن به بیمه گر اصلی واگذار می کنند که در واقع مالک آن صندوق است. در کشور ما نیز شرکت بیمه معلم گام مهمی را برداشت و توانست با اخذ مجوزهای لازم از بازارهای بین المللی بیمه P&I را در کشور اجرایی کند. راه اندازی بیمه P&I اصلاً کار ساده ای نبوده و بیمه معلم برای اخذ مجوزهای مورد تایید کشورهای دنیا پروسه ۵ ماهه و مشکلی را پشت سر گذاشت. هیچ کشتی در دنیا بدون داشتن بیمه نامه معتبر نمی تواند در آب ها تردد داشته باشد و به دنبال تحریم های صورت گرفته علیه ایران، گرفتن این مجوزها و صدور بیمه نامه معتبر کشتی های ایرانی برای بیمه معلم ضمن یک اعتبار بین المللی، می تواند یادگاری با ارزش برای صنعت بیمه کشورمان در دوران آتی باشد. کشورهای آلمان، ژاپن، یونان و هنگ کنگ در بیمه P&I پیشرفته هستند و گرفتن مجوزهای لازم برای اولین شرکت بیمه ایرانی نیازمند مدارک کامل و مطابق با استانداردهای بین المللی است که از جمبه بیمه های ایران می توان از بیمه معلم یاد کرد که توانست نظر مساعد وزارت راه و ترابری آلمان را بگیرد؛ پس از آن موافقت ژاپن را هم گرفت و امروز نام بیمه معلم به عنوان یک بیمه ایرانی در فهرست گروه بیمه گران P&I ثبت شده است و کشتی ها می توانند تحت پوشش انواع بیمه ها قرار بگیرند و آزادانه به تمام آب های دنیا سفر کنند. این موفقیت بزرگی برای صنعت بیمه ایران محسوب می شود.

در حال حاضر ۱۴۰ کشتی تحت پوشش بیمه P&I معلم هستند و به ۶۰ کشور دنیا تردد

دارند. شرکت‌های کشتیرانی با پرداخت حق عضویت یا همان حق بیمه برای یک سال، کشتی‌ها و تمام خطراتی که آنها را تهدید می‌کند تحت پوشش قرار می‌دهند و به‌عنوان عضوی از صندوق چنانچه هر اتفاقی برای کشتی‌ها در هر نقطه از دنیا رخ دهد، با اطلاع به بیمه معلم خسارات خود را دریافت می‌کنند. ارزیابی خسارت کشتی‌ها توسط کارگزاران خارجی که بومی بودن آنها در اولویت است، انجام می‌شود. تمام دنیا با کارگزاران متخصص کار می‌کنند. چون راه‌اندازی دفاتر و باجه‌های بیمه‌گری در سایر کشورها کارهای پرهزینه‌ای است و اصلاً توجیه اقتصادی ندارد. بنابراین با انعقاد قرارداد با شرکت‌های کارگزاری، این بخش از فرآیند ارزیابی خسارت انجام می‌شود و پس از ارسال گزارش کارگزار به دایره بیمه تا P&I معلم مراحل بعدی پرداخت خسارت انجام می‌شود. P&I، کاملاً تخصصی است و دارای پیچیدگی‌های خاص آن می‌باشد، از این رو P&I بیمه معلم با بهره‌مندی از نیروهای متخصص میهمان این فعالیت را انجام می‌دهد. ضمن آنکه به زودی دوره‌های آموزش تخصصی نیروهای بیمه معلم آغاز می‌شود. نیروهای مهمان کاپیتان‌های ایرانی هستند که با داشتن سال‌ها تجربه از کشتیرانی به بیمه معلم ملحق شدند. در بیمه P&I معلم ضمن رعایت شرایط و نرخ‌های حق بیمه مندرج در (ROOL BOOK) کتاب مخصوص صندوق‌های P&I برای تعیین حق بیمه سابقه ۵ سال گذشته کشتی را بررسی می‌کند و البته با درصدی بالاتر از قبل حق بیمه را تعیین می‌کند، این درصد بالاتر به خاطر ریسک‌های بیشتری است که در مقایسه با گذشته (شرایط قبل از تحریم) تحت پوشش قرار می‌گیرند.

۳-۲- چالش‌های پیش روی کلوپ‌های حمایت در ایران

عمر فعالیت باشگاه حمایت و غرامت در ایران بسیار کم و تجربه در این زمینه ناچیز است. شهریور ماه ۱۳۹۰ آغاز کار اولین باشگاه حمایت و غرامت در ایران بوده است. (روزنامه دنیای اقتصاد: شماره ۲۲۲۱، ۱۶ آبان ۱۳۸۹: ۱۲) در شرایطی که باشگاه‌های بین‌المللی دارای سال‌ها تجربه کاری می‌باشند. بنابراین مهمترین چالش پیش روی باشگاه‌های داخلی نبود تجربه کاری لازم برای آن‌ها می‌باشد. بیمه‌های ایرانی از ابتدای تشکیل خود نیز فعالیتی در زمینه‌های دریایی نداشته‌اند، لذا فقدان کارشناسان و متخصصان آموزش دیده و مجرب در بیمه دریایی نیز در کشور احساس می‌شود. یکی دیگر از چالش‌های باشگاه‌های حمایت و غرامت در ایران مشکلات و مسائل مالی می‌باشد. در ابتدای تاسیس باشگاه حمایت و غرامت در قشم و کیش، دولت با کمک مالییک میلیارد دلاری شرایط راه‌اندازی آنها را بوجود آورد. اما بدلیل تعداد کم اعضا در این باشگاه (۱۴۰ کشتی) و عدم استقلال مالکان کشتی‌ها (کشتی‌ها مرتبط به بخش دولتی هستند)، موجودی صندوق باشگاه‌ها افزایش ناچیزی دارد. بدلیل نبود اعضای خارجی، سرمایه ارزی نیز وارد صندوق باشگاه نمی‌شود. از طرفی به علت تحریم‌ها شرایط برای سرمایه‌گذاری کردن موجودی صندوق در خارج از کشور و بدست آوردن درآمد ارزی نیز مهیا نیست.

قدرت مالی پایین در باشگاه های حمایت و غرامت موجب کاهش توان پرداخت خسارت های احتمالی از طرف باشگاه ها می گردد. در صورت بروز حادثه، باشگاه قادر به انجام مهمترین وظیفه خود یعنی جبران خسارت مالکان نخواهد بود. لذا مسائل و مشکلات مالی دومین چالش پیش روی باشگاه های حمایت و غرامت در ایران می باشد. مسائل ذکر شده، مشکلات اساسی باشگاه های حمایت و غرامت در داخل کشور بودند، اما مشکلاتی برای باشگاه های بین المللی نیز وجود دارد که همگانی و فراگیر هستند. مسئله دزدی دریایی و عدم پوشش خسارت های ناشی از آن همواره مورد بحث بین شرکت های بیمه و باشگاه های حمایت و غرامت بوده است. کمبود ارتباطات بین باشگاه های مختلف و عدم اشتراک گذاری جامع و گسترده اطلاعات از دیگر مسائل موجود در ابعاد جهانی می باشند.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که یکی از هدف‌های حقوقی و اخلاقی تاسیس کلپ P&I حمایت از صاحبان کشتی و بیمه کردن مسئولیت‌های مالکان و اجاره کنندگان کشتی است. حوزه تاثیرگذاری اخلاق در بیمه بسیار گسترده است و گستردگی آن همه را در بر می‌گیرد. از یک بازرگان حمل و نقل دریایی جزء قوانین کشتی و قواعد حاکم بر آن از مبدا تا مقصد، همه تابع یک سلسله قواعد اخلاقی هستند. این قواعد همه جانبه، حُسن کارکرد، پیشگیری از بی‌نظمی و فعالیت شرکت‌های بیمه دریایی - بازرگانی سالم و صحیح را در راستای تحکیم و اعتمادسازی شرکت‌های بیمه تجاری در جامعه صنعتی تضمین می‌کنند. عینی‌ترین حضور اخلاق در دنیای بازرگانی، همان مجموعه قواعد رفتاری با کدهای اخلاقی است. امروزه با پوشش‌های وسیعی که توسط شرکت‌های بیمه و انجمن‌های حمایت و غرامت (P&I) در اختیار مالکان کشتی‌ها قرار گرفته است، بخش اعظم خسارت‌ها و تعهدات مالی ناشی از وقوع حوادث مختلف قابل جبران می‌باشد، منتهی استفاده از این پوشش‌ها باید با بررسی کامل در چارچوب نظرات و توصیه‌های متکی به کارشناسی صورت‌پذیرد و خط مشی به نحوی باشد که با پرداخت حداقل حق بیمه به بیمه‌گر و یا حق عضویت به انجمن تامین لازم و کافی تحصیل گردد. اخلاق تجاری پدیده‌ای است که در دنیای تجارت وجود داشته و کارکرد آن نیز به خوبی حضور آن را در محیط بازرگانی و حمل و نقل دریایی توجیه می‌کند. با این حال حقوق بیمه دریایی صحنه را به طور کامل ترک ننموده و آنجا که ضرورت داشته بر پایه اخلاق بیشتر از پیش، در دنیای اقتصادی و بازرگانی حضوری فعال دارد. اصولاً عملیات شرکت‌های بیمه بازرگانی عملیاتشان براساس سود دهی تنظیم گردیده است. اینکه شرکت‌های بزرگ بیمه دریایی اکنون بر اخلاق گرای تأکید ورزند و خود را متعهد به مسایل حقوق دریایی در پرداخت‌های خسارت و غرامت ویژه دانسته از یکدیگر پیشی گیرند، بسیار مهم و قابل تحسین است. اما به نظر می‌رسد که این خود به تنهایی کافی نیست و گاهی اوقات شاید این پیشی گرفتن و نمایش دادن رقابتی و بدون شفاف سازی در مفاد قرائت قرارداد و ورود ضرر و زیان قطعی ناشی از عدم تدقیق در انعقاد بیمه دریایی ضروری بنظر می‌رسد و تا کنون اقدامات صورت گرفته پیش از آنکه حقیقی و صادقانه باشد، ژستی تجاری - اخلاقی است که قابل تقدیر نیست. هرچند که تا همین اندازه گرایش به تهذیب‌گرایی در شرکت‌های تجاری، قابل تأمل است. در اینجا به برخی تفاوت‌های شرکت‌های تجاری بیمه با کلپ‌های بیمه اشاره می‌کنیم:

۱. نگاه به رویکرد اخلاق گرایانه و روحیه قانونی این کلپ‌ها در کشورمان احساس می‌شود که به نوعی حق و حقوق مالکان کشتی در راستای بیمه نمودن کشتی در مقابل حوادث ناقل در حمل و نقل تاثیر خود را به مراتب افزون تر نماید.

۲. شرکت های بیمه و بیمه گران لویدز که سرمایه های خود را در عملیات بیمه گری به خطر انداخته اند انتظار سود معقول و متناسبی را دارند، در حالی که کلوپهای P&I با اهداف سوددهی تشکیل نشده اند و این مصداق بارز اخلاقی و قانون مداری تعهد این کلوپ نسبت به مالکان کشتی دریایی را بوجود آورده که خود از اعتماد بالای این کلوپ ها و قدمت تاریخی آنها حکایت دارد.

۳. شرکتهای بیمه بازرگانی براساس شرایط موجود در بازار فعالیت می نمایند و در واقع تابع اصل عرضه و تقاضا بوده و هر زمان که شرایط ایجاب نماید، تمایل دارند- که سود و منافع خود را به حداکثر برسانند تا جبران خسارات وارده در سال های بد را بنمایند و به همین دلیل دیده شده که نوسانات فوق العاده زیادی در هزینه های بیمه گری، بدون در نظر گرفتن ضریب خسارات- ایجاد شده است لذا بصورت غیر مستقیم در راستای تکمیل رسالت قانونی و اخلاقی خود کوشیده شده تا تعهدات مالکان کشتی را با خیالی راحت به ارمغان برسانند و مالکان کشتی را از آفت های تهدید آمیز حوادث باز دارد.

۴. شرکتهای بیمه بخش بازرگانی معمولاً از نرخ های حق بیمه ثابت غیرقابل برگشت استفاده می نمایند در حالی که کلوپ های P&I این حق را برای خود محفوظ داشته اند که در صورت نیاز، طلب حق بیمه اضافی دیگری از اعضاء بنمایند شاید این مسئله یکی از جنبه های منفی عملیات کلوپ های P&I باشد، اما در عوض، کلوپ پوشش نامحدودی در اختیار اعضاء خود برای هر حادثه قرار می دهد. این سیستم باعث می گردد که کلوپ هرگز با مشکلات اعسارپذیری مواجه نگردد لذا تعهدات این کلوپ از اعتماد اخلاقی بالا و روحیه قانون مداری و تعادل آن نسبت به طرف خود و ظرفیت حقوقی آن برخوردار است.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

۱. آراف. اتکینسون، ۱۳۷۰، درآمدی به فلسفه اخلاق، ترجمه سهراب علوی نیا، مرکز ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۲. بابائی، ایرج، ۱۳۸۶، حقوق بیمه، انتشارات سمت، تهران، چ ۶.
۳. حیاتی، محمد، ۱۳۷۹، حقوق بیمه، بیمه مرکزی ج.ا.ا، تهران، چ ۲.
۴. خرمشاهی، بهالدین، ۱۳۷۴، دین و اخلاق - فرهنگ و دین، طرح نو، تهران.
۵. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۲۲۱، ۱۶ آبان ۱۳۸۹، ص ۱۲.
۶. کشتیرانی و حمل و نقل دریایی، ۱۳۶۱، انتشارات کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران.
۷. کریمی، آیت، ۱۳۷۷، کلیات بیمه، بیمه مرکزی ج.ا.ا، تهران، چ ۳.
۸. هوشنگی، محمد، ۱۳۷۲، کلپ های P&I، مشکلات حمل و نقل دریایی در دهه هفتاد، سمینار مربوط به کشتی میرزا کوچک خان در دریای خزر، انتشارات سازمان کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران.
۹. هوشنگی، محمد، ۱۳۶۹، بیمه حمل و نقل کالا، شرکت سهامی بیمه ایران، تهران، چ ۱.

ب. منابع لاتین

1. Brown, Robert H; Marime Insurance-Hull Practice London: Witherby Co LTD, 1993.
2. E.R.Hardy, ivamy, General principles of insurance law, fourth edition , London, butter worth's, 1979.
3. MarimeRisks and TheirAssessment(London:The Chartered Ins.Institutue, 1991.
4. Noussia, K, The principle of indemnity in marine insurance contracts, a Comparative Approach, Springer, London. 2007.
- Kristiansen, S, Maritime transportation safety management and risk analysis, Elsevier Butterworth.Heinemann, 2005.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۱۲-۱۹۵

بررسی نقش بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای حساب‌برسان بر ریسک شهرت اخلاقی و کیفیت حساب‌رسی با استفاده از رویکرد دلفی و معادلات ساختاری

^۱ علی گلی

^۲ علی خوزین

^۳ مجید اشرفی

^۴ آرش نادریان

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای حساب‌برسان بر ریسک شهرت اخلاقی و کیفیت حساب‌رسی با استفاده از رویکرد دلفی پرداخته است. یکی از روش‌های از بین بردن ریسک، انتقال ریسک می‌باشد و از آنجائیکه حساب‌برسان به دلایل مختلف از جمله قصور ممکن است با ریسک‌هایی مواجه شوند، بیمه مسئولیت حرفه‌ای در این بین برای آنها راهگشا است. این مطالعه از طریق رویکرد دلفی و براساس ۹۵ پرسشنامه تکمیل شده توسط حساب‌برسان در سال ۱۳۹۷ صورت گرفت. با استفاده از روش معادلات ساختاری نتایج فرضیه اول نشان داد که حساب‌برسان مستقل بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای را بر کاهش ریسک شهرت خود مؤثر می‌دانند و ارتباط مثبت و معناداری میان بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای و کاهش ریسک شهرت اخلاقی حساب‌برسان وجود دارد. در ارتباط با فرضیه دوم نتایج نشان داد که بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای منجر به کاهش کیفیت حساب‌رسی می‌شود.

واژگان کلیدی

ریسک شهرت اخلاقی، کیفیت حساب‌رسی، بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای حساب‌برسان، معادلات ساختاری.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران.

۲. استادیار، گروه حسابداری، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. استادیار، گروه حسابداری، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران.

۴. استادیار، گروه حسابداری، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران.

طرح مسأله

طبقه‌بندی موضوعی: M14, G32

هدف کلی حساب‌رسان حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریفات و اشتباهات بااهمیت موجود در صورت‌های مالی است. حساب‌رسان به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت اخلاق حرفه‌ای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند. ورشکستگی شرکت‌های بزرگ تجاری از قبیل انرون، آدلفیا، ورلد کام، گلوبال کراسینگ و تایکو به دلیل اعمال مدیریت سود در حجم وسیعی اتفاق افتاده است. ورشکستگی شرکت انرون را اولین شکست بزرگ مالی در قرن اخیر و بزرگ‌ترین شکست در تاریخ اقتصادی دنیا از بدو تأسیس واحدهای تجاری بزرگ داشته‌اند. ارزش سهام این شرکت در اواسط سال ۲۰۰۱ میلادی به شدت شروع به کاهش نمود و در دسامبر همان سال این شرکت رسماً اعلام ورشکستگی نمود و در این میان سرمایه‌گذاران، بازار سرمایه و دنیای اقتصاد را مات و مبهوت نمود. موضوع به قدری مهم بود که در کنگره آمریکا مورد بحث قرار گرفت و مدیران ارشد شرکت و حساب‌رسان آن تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند (تندلو و ون استرایلن، ۲۰۰۸). اما هنگامی که یک موسسه حسابرسی به دلیل شکایت‌های قانونی در معرض خطر ورشکستگی قرار می‌گیرد، اولین موضوعی که مطرح می‌شود بیمه مسئولیت حرفه‌ای آن‌ها است. چند استدلال در مورد نقش بیمه مسئولیت حسابرسی وجود دارد. یک دیدگاه این است که بیمه مسئولیت نقش نظارتی ایفا می‌کند، چراکه بیمه مسئولیت، بیمه‌گرها را به طور کامل بیمه کرده و محدودیت پوشش را موشکافی می‌کند (گریفیث، ۲۰۰۵؛ هلدرنس، ۱۹۹۰؛ اسولیوان، ۱۹۹۷). دیدگاه دیگر این است که بیمه مسئولیت اثربخشی دعاوی مطروحه را به عنوان یک دستگاه برای نظارت بر حساب‌رسان کاهش می‌دهد، و حساب‌رسان را از تهدید دعاوی مطروحه جدا می‌کند (چانگ و وین، ۲۰۰۸؛ کور، ۱۹۹۷؛ وین، ۲۰۰۸). اگرچه شواهد تجربی در این موضوع ترکیب شده است و بیمه مسئولیت هنوز هم به عنوان یک حفاظت مهم برای مؤسسات حسابرسی از دفاع و حل و فصل پرونده‌های حقوقی است. از سوی دیگر از آنجاکه در نتیجه حسن شهرت حساب‌رسان، اعتبار اطلاعات صورت‌های مالی افزایش یافته و بر اثر نظارت و مراقبت حرفه‌ای حساب‌رسان کیفیت حسابرسی و در نتیجه کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی افزایش خواهد یافت، بنابر این این مطالعه به بررسی نقش بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای حساب‌رسان بر ریسک شهرت و کیفیت حسابرسی با استفاده از رویکرد دلفی می‌پردازد.

ادبیات تحقیق و مروری بر پیشینه تحقیق

امروزه تجارت در بسیاری از موارد با حقوق بشر و اخلاق مرتبط است. بدین معنا که نهاد های تجاری ممکن است در جهت دستیابی به اهدافشان اخلاقیات، محیط و اجتماع را نادیده

بگیرند. در درازمدت اثرات این موضوع گسترده بوده و به دلیل تناقض پیش آمده ثبات در جامعه از بین می‌رود. رویکردهای متداول به مسئولیت اجتماعی شرکتها با تعریف مدلی سرو کار دارد که مکانیزمهایی را برای پذیرش ابزارهای مدیریتی و رویه‌های مسئولیت اجتماعی توسط شرکتهای برای عملکرد اقتصادی بهتر از طریق کاهش ریسک و هزینه، حداکثر سازی سود، مزیت رقابتی، شهرت و مشروعیت و هم افزایی در ایجاد ارزش شناسایی کند. برخی رویکردها، روی مزایا و منافع کوتاه مدت و میان مدت تاکید دارند و برخی دیگر با چشم انداز بلند مدت، به دنبال کسب منافع و ایجاد ارزش پایدار هستند. (گالی، ۲۰۱۳) و (داوودی نصر و همکاران، ۱۳۹۷) گسترش روزافزون شرکتها، موجبات کثرت اشخاص درگیر را که منافع آنها به نحوی با شرکت عجین است، فراهم آورده است. این امر، بخصوص در شرکت‌های سهامی عام مشهود است. مالکان این شرکتها اقبال مختلف جامعه با سلايق و منافع متفاوت می‌باشند، ولی قطعاً همگی آنها بر هدف مشترکی که آنها را به شرکت پیوند داده است اذعان خواهند داشت و آن هدف، جزء منافع شخصی نیست (مرچانت و ون در استدا، ۲۰۱۱). آنها با این هدف، پول و سرمایه انسانی خود را در شرکت سرمایه‌گذاری کرده‌اند که به مطلوبیت و بازدهی بیشتری دست یابند و توان مصرف آتی آنها نسبت به آنچه در حال حاضر قادر به مصرف آن هستند، افزایش یابد و گر نه قطعاً در حال حاضر وجوه خود را صرف احتیاجات فعلی می‌نمودند و یا در موقعیت مناسب دیگری بکار می‌گرفتند (تئوری مصرف در اقتصاد). به عبارت دیگر در انتظار کسب بازده مازاد هستند. به‌طور کلی می‌توان بازده مازاد را به عنوان فزونی مطلوبیت مورد انتظار شخص با توجه به وضعیت فعلی او در نظر گرفت که قطعاً از دید اشخاص مختلف، کاملاً متفاوت خواهد بود و تا حدود زیادی تحت تأثیر ویژگی‌های فردی قرار دارد (همان منبع). در متون مالی و اقتصادی، مطلوبیت مورد انتظار شخص جهت تصمیم‌گیری، تابعی از دو عامل اصلی در نظر گرفته می‌شود: بازده مورد انتظار و ریسک مورد انتظار (همان منبع). ریسکی که اغلب افراد یا مؤسسات با آن مواجه می‌باشند ناشی از رفتاری است که می‌تواند منجر به صدمات جانی و مالی به سایرین بشود. در حقیقت، ریشه این ریسک به خاطر مسئولیتی است که قانون و مقررات برای آنها وضع نموده است و بر مبنای آن افراد را مسئول صدمات و خسارت به دیگران دانسته است. بسیاری از مردم با خریدن بیمه شخص ثالث اتومبیل با ریسک مسئولیت ناشی از وسیله نقلیه در مقابل اشخاص ثالث، مقابله می‌کنند؛ اما بسیاری از آنها از این واقعیت بی‌خبر می‌باشند که سایر اقداماتشان که هیچ ربطی نیز با اتومبیل ندارد، می‌تواند ایجاد مسئولیت قانونی حتی با بار مالی و اعتباری بیشتری بنماید. مسئولیت حسابداران رسمی، بخصوص مسئولیت رفتار حرفه‌ای آنها از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود؛ زیرا اولاً تعداد بالقوه زیان دیدگان ناشی از عملکرد نادرستشان نسبت به سایر حرفه‌ها از جمله پزشکان و وکلا بسیار بیشتر می‌باشد. هزاران

سرمایه گذار یا اعتباردهنده می توانند زبان دیدگان ناشی از کوتاهی حسابداران رسمی در انجام وظایفشان باشد. ثانیاً هزینه، تنها موضوع مورد توجه در این زمینه نخواهد بود. این کوتاهی می تواند حسن شهرت وی و جامعه حرفه ایی آن را که شرط بقا حرفه می باشد، به شدت به خطر بی اندازد. به منظور دوری جستن از آسیب وارده و مخاطرات آن، منطق حکم می کند تا افراد با ریسک برخورد معقولانه داشته باشند که یکی از این فرآیندها انتقال ریسک است؛ از طریق این فرآیند یک نفر با ریسک تغییرات قیمت دارایی یا سهام خود با خریدن دارایی یا سهام دیگری که تغییرات قیمت آن برعکس دارایی اول است، مقابله نماید. بیمه، طریقه دیگر انتقال ریسک می باشد. در این رابطه، با پرداخت مبلغ ناچیز و مشخصی تحت عنوان حق بیمه از طرف یک نفر، نفر دوم یعنی شرکت بیمه و طبق قرارداد منعقد، تعهد می نماید در محدوده مشخصی زیان وارده به نفر اول یا وارده از طرف وی به نفر سوم (شخص ثالث) را جبران نماید. از سوی دیگر، در طول دو دهه اخیر مسئله شکایت علیه حسابرسان، تبدیل به یکی از اساسی ترین مشکلات حسابرسان شده است؛ همچنان که آمار ارائه شده این امر را تأیید می کند؛ برای مثال در آمریکا شش مؤسسه بزرگ حسابرسی در سال ۱۹۸۳ با سه شکایت روبه رو بودند، این در حالی است که شکایت علیه همین مؤسسات در سال ۱۹۹۳، ۲۱۰ مورد بوده است. این شش مؤسسه گزارش کرده اند، مبالغی که آن ها بابت خسارت، کاهش شکایت های احتمالی و حفظ اعتبار خود پرداخت کرده اند، از ۲/۶ درصد کل درآمد در سال ۱۹۸۳، به ۱۲ درصد در سال ۱۹۹۳ میلادی افزایش یافته است. پرات و استیس (۱۹۹۸) گزارش کرده اند، میزان دادخواهی حسابرسان در آمریکا از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۹۴، ۳۰۰ درصد افزایش یافته است. طبق گزارش مرکز کیفیت حسابرسی (۲۰۰۸) خسارت های پرداختی از سوی حسابرسان آمریکایی، بابت شکایت علیه آن ها، در ۳۶۲ مورد جمعاً به مبلغ ۵ / ۶۶ میلیارد دلار بوده است. همچنین در این دوره ۱۴۷ مورد ادعای خسارت علیه حسابرسان وجود داشته است و هر کدام حداقل ۱۰۰ میلیون دلار ادعای خسارت کرده اند که در مجموع نزدیک به ۲۱۰ میلیارد دلار می شود. در دیگر کشورهای توسعه یافته نیز این روند، حالت صعودی به خود گرفته است؛ برای مثال طبق گزارش بنیاد حسابداران رسمی انگلستان و ولز (۱۹۹۴) در انگلستان شکایت علیه حسابرسان به طور روزافزون در حال افزایش است. در ایران هر چند آمار رسمی در خصوص شکایت علیه حسابرسان در دسترس نیست، اما شواهد نقلی نشان می دهد در سال های اخیر میزان شکایت علیه حسابرسان افزایش یافته است. شکایت علیه حسابرسان علاوه بر تحمیل خسارت های هنگفت، هزینه های غیرمستقیمی را نیز بر حسابرسان و حرفه تحمیل می کند. شکایت علیه حسابرسان می تواند به شهرت اخلاقی و اعتبار حرفه ای آن ها آسیب برساند و بدین طریق باعث شود حسابرسان شبهه درآمدهای هنگفتی را از دست دهند. همچنین شکایت علیه حسابرسان ممکن است منجر به

افزایش حق بیمه مسئولیت آن‌ها گردد. تاکنون مطالعات بسیار محدودی در خصوص بیمه مسئولیت حرفه‌ای و بویژه بیمه مسئولیت حرفه‌ای حساب‌رسان صورت پذیرفته است لذا در این پژوهش به مطالعاتی که مرتبط با کیفیت کار حساب‌رس و شهرت می باشد پرداخته می شود.

فردریک و فیشر (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای به بررسی جنبه‌های تکنیکی دعاوی بیمه مسئولیت حرفه‌ای پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که روش‌های مختلفی برای نظارت، مدیریت و بررسی دعاوی بیمه مسئولیت حرفه‌ای به دلیل وجود بیمه‌های مسئولیت حرفه‌ای متعدد وجود دارد. نهایتاً در این تحقیق مسائل کلیدی مرتبط با بررسی و حل دعاوی بیمه‌های مسئولیت حرفه‌ای پزشکی و غیرپزشکی ارائه شده است.

کاترین (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای به پیاده سازی بیمه مسئولیت حرفه‌ای تولیدکنندگان محصولات غذایی در امریکا پرداخت. او در این مطالعه به منظور ضرورت ایجاد این رشته بیمه‌ای بیان داشت که ۴۶ درصد بیماری‌ها و ۲۳ درصد مرگ و میر مرتبط با مصرف مواد غذایی می باشد. همچنین، هزینه‌های پزشکی، کاهش کارایی و مرگ و میر زود هنگام به دلیل مرتبط با مصرف مواد غذایی سالانه حدود ۵۱ میلیارد دلار می باشد. در نهایت وی در مطالعه خود پیشنهادات و راهکارهای ایجاد این رشته بیمه‌ای در آمریکا را ارائه داده است.

گرانپولم و روس (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای به ارزیابی بازار بیمه مسئولیت حرفه‌ای پزشکی در ایالت میشیگان امریکا پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که بیشتر دعاوی در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ مربوط به پزشکان جراح بوده است. علاوه بر این، متوسط وقفه زمانی برای خاتمه بررسی یک ادعا برای سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ تقریباً ۴/۵ سال بوده و در سال‌های اخیر این مدت زمان در حال افزایش می باشد.

نیکبخت و محمودی خوشرو (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان بررسی عوامل موثر بر کیفیت حساب‌رسی در ایران با توجه به شاخصهای هیئت نظارت بر حسابداری شرکتهای سهامی عام (PCAOB) با بهره گیری از نظر خبرگان و استفاده از منطق فازی چنین نتیجه گیری نمودند که بیشترین تاثیر بر کیفیت حساب‌رسی از شاخصهای میانگین سابقه کاری، تخصص و تجربه صنعت، زمان بندی در ساعات کار شرکا، مدیران و بازمینی های کیفی به نسبت کل کار حساب‌رسی، شاخصهای مرتبط با استقلال و رعایت آن شاخص ها، انتشار مجدد صورتهای مالی و تاثیر آن بر بازار، حجم کار شرکا و کارکنان و جابجایی مکرر شرکا و مدیران ارشد موسسه نشات می گیرد. این هشت شاخص در مجموع نزدیک به ۸۰ درصد از درصد تجمعی شاخص ها را به خود اختصاص می دهند.

آقاسی و قانع (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به بررسی نقش بیمه‌های اعتباری ناشی از عدم توانایی پرداخت در مدیریت ریسک اعتباری بانک‌ها با مطالعه موردی شعب بانک ملت استان اصفهان

پرداختند. جامعه آماری مورد مطالعه، کلیه کارکن اعتباری، مدیران و معاونین شعب بانک ملت استان اصفهان می‌باشد. جامعه تحت مطالعه ۲۴۰ نفر بوده و از نمونه تصادفی ۱۲۷ نفری استفاده گردیده است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته به دست آمده که روایی آن به روش محتوایی تأیید و پایایی گویه‌های پرسشنامه با آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۶ تأیید گردید. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که در حالت کلی، استفاده از بیمه‌های اعتباری ناشی از عدم توانایی پرداخت منجر به مدیریت ریسک اعتباری بانک و کاهش مطالبات معوقه بانک می‌شود. تأثیر میزان تحصیلات پاسخگویان بر نگرش به نقش بیمه‌های اعتباری ناشی از عدم توانایی پرداخت در مدیریت ریسک اعتباری بانک ملت تأیید شده ولی تأثیر متغیرهای فردی نظیر جنسیت، سن و سابقه کاری پاسخگویان تأیید نشده است.

صالحی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای به بررسی چالش‌ها، ضرورت‌ها و فرصت‌های بیمه مسئولیت مشاغل پزشکی پرداخت. او در این مطالعه در یافت که در ایران آمارها حاکی از آن است که در طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۸ به طور متوسط فقط حدود ۲۳ درصد از پزشکان بیمه نامه مسئولیت مدنی را اخذ کرده‌اند. در این نوشتار ضمن بیان کلیاتی در خصوص بیمه مسئولیت حرف پزشکی و مصادیق تحت پوشش این نوع از بیمه‌ها، اهم استثنائات بیمه مسئولیت حرف پزشکی که در این قبیل موارد بیمه گر تعهدی به جبران خسارات وارده ندارد بررسی شده و پیشنهاداتی در این زمینه ارائه شده است.

قنبری و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای به تخمین تابع تقاضای بیمه مسئولیت حرفه‌ای پزشکان در ایران پرداختند. برای این منظور از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی و مدل تصحیح خطای دوره ۸۵-۱۳۶۹ بهره جسته شده است. نتایج حاصل از تخمین مدل نشان داد که در میان متغیرها، نرخ حق بیمه بالاترین اثر را بر تقاضای بیمه مسئولیت حرفه‌ای پزشکان داشته و بعد از آن به ترتیب متغیرهای تعداد شعب و نمایندگی‌ها، درآمد ملی و در نهایت خسارت پرداختی، بر تقاضای بیمه اثر می‌گذارند. با توجه به نتایج حاصل از تخمین مدل، فرضیه‌های مربوط به مثبت بودن رابطه تقاضای بیمه مسئولیت حرفه‌ای پزشکان با متغیرهای خسارت پرداختی، درآمد ملی و تعداد شعب و نمایندگی‌ها تأیید شده و رابطه معکوس نرخ حق بیمه با تقاضای بیمه اثبات شده است.

حبیب و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی رابطه هزینه‌های سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته بر کیفیت حسابرسی پرداختند. در این تحقیق کاربردی که با رویکرد توصیفی - همبستگی انجام گردید، ۴۰۵ شرکت در طول دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اندونزی مورد بررسی گرفت. جهت بررسی معیار کیفیت حسابرسی در این پژوهش انتخاب حساب‌برسان بزرگ معیار برازش فرضیه‌ها قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی از آن

است وجود ارتباطات سیاسی باعث افزایش در میزان معاملات با اشخاص وابسته می‌شود که در نتیجه آن عملکرد صحیح شرکت می‌تواند دچار اختلال گردد. علاوه بر آن نتایج نشان داد شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی کمتر تمایل به داشتن حساب‌رسان بزرگ می‌باشند.

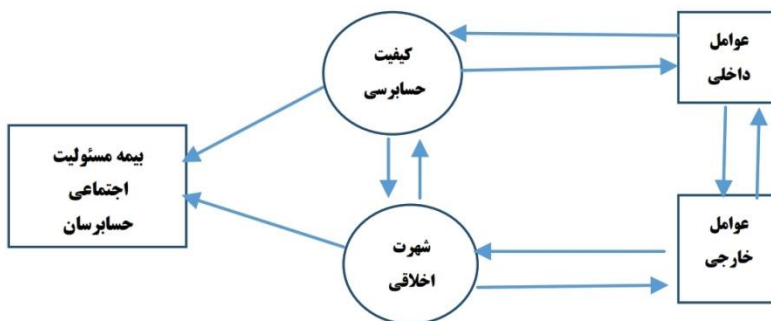
هوق، احمد و وان زیجل (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی تاثیر کیفیت حساب‌رسی بر کیفیت سود و هزینه سرمایه پرداختند و به این نتیجه رسیدند که افزایش کیفیت حساب‌رسی به افزایش هزینه سرمایه منجر می‌شود.

فونگ، رامان و زو (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای به تاثیر شاخصهای نظارتی (PCAOB) در کشورهای خارج آمریکا پرداختند و در پژوهش خود ۵۵ کشور را آزمودند. هدف آنها این بود که شاخصهای مزبور را در بهبود کیفیت حساب‌رسی کشورهای غیر آمریکایی بررسی کنند، طبق نتایج بدست آمده استفاده از برنامه بازرسی بین المللی (PCAOB) سبب ارتقای کیفیت حساب‌رسی در کشورهای غیر آمریکایی خواهد شد.

بهار مقدم و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر کیفیت حساب‌رسی بر کیفیت اطلاعات حسابداری و عدم اطمینان اطلاعاتی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد افزایش کیفیت حساب‌رسی منجر به بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری و کاهش عدم اطمینان اطلاعاتی می‌شود. همچنین نتایج پژوهش نشان داد از میان معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حساب‌رسی، نوع گزارشات حساب‌رس معیار مناسب‌تری برای اندازه‌گیری کیفیت حساب‌رسی است.

نیکبخت و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی رابطه بین حق الزحمه حساب‌رسی و تجربه حساب‌رس با کیفیت حساب‌رسی پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که بین حق الزحمه حساب‌رس و کیفیت حساب‌رسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد

مدل مفهومی پژوهش



نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ادبیات پژوهش، فرضیه‌های زیر تدوین و مورد آزمون قرار خواهند گرفت:
فرضیه اول: حساب‌برسان مستقل بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای را بر کاهش ریسک شهرت اخلاقی خود مؤثر می‌دانند.

فرضیه دوم: حساب‌برسان مستقل بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای را بر کیفیت حسابرسی خود مؤثر می‌دانند.

این تحقیق از نظر هدف و غایت کاربردی - توسعه‌ای و از نظر روش اجرای تحقیق توصیفی و پیمایشی است. روش اجرای این تحقیق از لحاظ ماهیت، پیمایشی است. با توجه به اینکه متغیرها شناسایی نشده‌اند با روش تحلیل محتوا، ساختار اولیه و عوامل تأثیرگذار در هر یک از ابعاد الگو با تحلیل اسناد سازمانی و مصاحبه دقیق با خبرگان عوامل مؤثر شناسایی می‌شوند. لازم به ذکر است برای دستیابی به این مهم از رویکرد دلفی استفاده خواهد شد. جامعه آماری تحقیق حاضر (در دوره زمانی سه ماهه اول ۱۳۹۷) خبرگان مدیران بیمه و اعضای جامعه حسابداران رسمی می‌باشد و روش نمونه‌گیری روش قضاوتی است. لازم به ذکر است، در مورد انتخاب خبرگان و حساب‌برسان بایستی یکسری ویژگی‌ها از جمله موارد زیر را مدنظر قرار گیرد:

- ✓ با موضوع بیمه مسئولیت آشنا باشند.
- ✓ تجربه کافی در زمینه حسابرسی داشته باشند.
- ✓ دارای انگیزه برای شرکت در فرآیند دلفی را داشته باشند.
- ✓ احساس کنند که اطلاعات به‌دست‌آمده از یک توافق گروهی برای آن‌ها نیز ارزشمند خواهد بود.

پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای و شناسایی و با استفاده از مدل تحقیق دلفی، اجماع صاحب نظران در مورد نقش بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای حساب‌برسان بر ریسک شهرت اخلاقی و کیفیت حسابرسی به دست آمد تا بدین وسیله نظر حساب‌برسان مستقل به وسیله تحقیق پیمایشی کسب گردد و رابطه همبستگی این عوامل مورد آزمون قرار گیرد.

در پرسشنامه‌ای که برای مدل تحقیق دلفی تهیه و برای اعضای گروه دلفی ارسال شد عواملی که بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای تهیه شده بود، همراه با سوالاتی که بنا به تجربه شخصی محققان بیشتر مرتبط با محیط ایران است و ممکن است در سایر کشورها به لحاظ شرایط دیگری صادق نباشد، در قالب ۱۲ سؤال، برای نظرخواهی خبرگان (طی سه ماهه ابتدای سال ۱۳۹۷) مطرح شد و ابتدا نظر آنان در مورد موافقت یا مخالفت با اثرگذاری هر یک از عوامل خواسته شد و سپس شدت موافقت یا مخالفت مورد پرسش قرار گرفت. طیف پنج‌گزینه‌ای

پرسشنامه شامل گزینه‌های "خیلی مؤثر"، "مؤثر"، "نسبتاً مؤثر"، "کم‌اثر" و "بی‌تأثیر" بوده و به ترتیب نمرات ۱ تا ۵ برای کمی شدن به آنها اختصاص داده شد. همچنین از ۱۱۵ پرسشنامه ارسالی برای اعضای گروه دلفی، پاسخ ۹۵ پرسشنامه در موقع تعیین شده دریافت شد (۵۰ نفر شریک مؤسسات حسابرسی، ۲۴ نفر مدیران ارشد بیمه‌ای و مدیران سازمان حسابرسی و ۲۱ نفر حسابداران رسمی شاغل در مؤسسات حسابرسی). در نهایت پس از بررسی مشخص شد همه عوامل پیشگفته مورد تأیید گروه دلفی قرار گرفته و ۱ سؤال باز نیز غالباً توسط گروه دلفی پاسخ داده نشد؛ لذا همان عوامل شناسایی شده قبلی همراه با دسته بندی صورت گرفته بین جامعه آماری توزیع شد.

در ارتباط با روایی پرسشنامه، به دلیل آن که ساختار و عبارت بندی سؤال‌های پرسش‌نامه می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر روایی پرسش‌نامه و آزمودنی‌ها داشته باشد، آزمایش مقدماتی پرسش‌نامه انجام شد، بدین ترتیب که قبل از تکثیر و توزیع پرسش‌نامه بین افراد جامعه آماری، پرسش‌نامه بین تعدادی از افراد مجرب در این زمینه توزیع و از آنان خواسته شد که ضمن پاسخ دادن به سؤال‌های پرسش‌نامه، نظر خود را در رابطه با محتوای سؤال‌ها بیان کنند تا هرگونه اشکال و ابهام موجود در نحوه بیان سؤال‌ها رفع شده و همچنین تجدیدنظر نهایی در سؤال‌های پرسش‌نامه انجام شود. همچنین در این پژوهش، به منظور ارزیابی پایایی پرسش‌نامه این تحقیق از روش آلفای کرون باخ استفاده شده است. با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS 24 آزمون آلفای کرون باخ برای تمام سؤال‌های پرسش‌نامه انجام شد، که نتایج آن به شرح زیر است:

جدول ۱. مقدار ضریب آلفای کرون باخ

تعداد سؤالات	آلفای کرون باخ بر اساس مقادیر استانداردشده	آلفای کرون باخ
۱۲	۰/۸۵۹	۰/۸۳۶

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول شماره ۱، مقدار ضریب آلفای کرون باخ به تفکیک مؤلفه‌های پرسشنامه به همراه مقدار مشابه آن که بر اساس مقادیر استانداردشده محاسبه می‌گردد (این معیار کمتر تحت تأثیر خطای نظام‌دار - پراکنش غیرمعارف - قرار می‌گیرد) ارائه شده است، با بررسی مقادیر موجود در جدول بالا می‌توان دریافت که میزان آلفای کرون باخ ارائه شده از نظر مقدار مناسب هست، به عبارت ساده‌تر پرسش‌ها دارای همبستگی متقابل نسبتاً مناسبی هستند و می‌توان اظهار داشت که پرسش‌های موردنظر همگی یک متغیر (یک صفت) را اندازه‌گیری می‌کنند.

روایی پرسشنامه نیز توسط دومعیار روایی همگرا و واگرا که مختص مدل‌سازی معادلات ساختاری است، بررسی (با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی آل اس ۳) شد. روایی همگرا به میزان توانایی شاخص‌های یک بعد در تبیین آن بعد اشاره دارد و روایی واگرا نیز بیانگر این مطلب است که سازه‌های مدل پژوهش بایستی همبستگی بیشتری با سؤالات خود داشته باشند تا با سازه‌های دیگر. در این پژوهش برای ارزیابی روایی از روایی همگرا با استفاده از معیار AVE (میانگین واریانس استخراج‌شده) مربوط به متغیرهای پژوهش استفاده شد که نتایج این معیار در جدول ۲ نشان داده شده است:

جدول ۲. نتایج میانگین واریانس استخراج‌شده متغیرهای پژوهش

متغیر	مسئولیت اجتماعی	ری ریسک حسابرسی	کیفیت حسابرسی
AVE	۰/۵۲۳	۰/۵۴۶	۰/۷۵۵

منبع: یافته‌های پژوهش

مقدار ملاک برای سطح قبولی AVE، ۰/۴ هست. همان‌گونه که در جدول (۲) آمده است، تمامی مقادیر AVE مربوط به سازه‌ها از ۰/۴ بیشتر بوده و این مطلب، مؤید این است که روایی همگرای پرسشنامه حاضر در حد قابل قبول است.

برخی از عوامل داخلی و عوامل خارجی که توسط خبرگان طبق تکنیک دلفی به‌عنوان نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید بیمه مسئولیت اجتماعی حسابرسان شناسایی شده‌اند که این نقاط بیانگر نیاز به تدوین بیمه‌نامه‌های مسئولیت در جهت ارتقای کیفیت حسابرسی و شهرت اخلاقی می‌باشد که با تحلیل سلسله‌مراتبی AHP به شرح ذیل رتبه بندی شده‌اند.

شناسایی نقاط ضعف، نقاط قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای توسعه بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای حسابرسان

جدول ۳. نتایج شناسایی نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدیدهای توسعه بیمه مسئولیت حسابرسان در ایران را نشان می‌دهد:

جدول ۳: ماتریس عوامل داخلی و خارجی

رتبه	میانگین امتیاز	نقاط قوت (S)
۱	۴۰۰	انتقال ریسک‌های اخلاقی، حرفه‌ای فعالان حرفه حسابداری و حسابرسی
۳	۳۰۰	جمعیت بالقوه حسابداران و حسابرسان و تشکیلات وابسته
۶	۱۸۳	ارتقاء کیفیت سیستم‌های رایانه‌ای شرکت‌های بیمه جهت صدور این بیمه‌نامه
۵	۲۵۷	وجود تخصص بیمه‌های حرفه‌ای در شرکت‌های بیمه کشور

۴	۲.۷۰	بهره‌گیری از مکانیسم بیمه جهت مدیریت دعاوی فعالیت‌های حسابرسی	S5
۲	۳.۵۳	امکان ارتقای فعالیت‌های حسابرسی در جامعه و کاهش ریسک حسابرسی	S6
رتبه	میانگین امتیاز	نقاط ضعف (W)	
۱	۳.۷۳	ناقص و مبهم بودن قوانین و مقررات کنونی مسئولیت حرفه‌ای حسابران	W1
۵	۲.۷۷	اعتماد پائین جامعه و از جمله حسابران به پرداخت خسارت بیمه	W2
۶	۱.۶۰	تأخیر در پرداخت خسارت	W3
۴	۲.۸۳	عدم تبلیغات	W4
۲	۳.۵۳	کیفی بودن مبانی تشخیص خسارت بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای حسابرسی	W5
۳	۳.۳۳	عدم اجرای کامل استانداردهای حرفه‌ای حسابرسی در ایران	W6
رتبه	میانگین امتیاز	فرصت‌ها (O)	
۱	۳.۹۰	نیاز جامعه به انواع بیمه‌های جدید در آینده	O1
۴	۳.۵۷	افزایش آگاهی جامعه از حرفه حسابرسی	O2
۲	۳.۷۰	اهمیت یافتن بازار بورس و نیاز سرمایه‌گذاران به گزارش‌های حسابران	O3
۶	۲.۱۷	کاهش تحریم‌های بین‌المللی	O4
۵	۲.۵۷	افزایش تمایل سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاری در کشور	O5
۳	۳.۶۷	توسعه بازار بیمه‌ای در ایران	O6
رتبه	میانگین امتیاز	تهدیدها (T)	
۷	۲.۶۰	رکود حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی	T1
۱	۳.۹۳	فرهنگ پائین بیمه‌ای و ریسک اخلاقی در ایران	T2
۶	۲.۹۷	اعتقاد به قضا و قدر الهی و فداکاری در بین ایرانیان	T3
۳	۳.۷۳	ناآگاهی جامعه و به‌ویژه سرمایه‌گذاران از قوانین مسئولیت حسابرسی	T4
۵	۳.۴۰	جدی نگرفتن رعایت الزامات حسابرسی توسط حسابران	T5
۲	۳.۸۷	نامعلوم بودن مفهوم ریسک حسابرسی برای دستگاه قضایی	T6
۴	۳.۶۰	عدم وجود افراد خبره برای بیمه مسئولیت حسابرسی در ایران	T7

مأخذ: یافته‌های پژوهش

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که در میان نقاط قوت بیمه مسئولیت حساب‌برسان در ایران به ترتیب: ۱. انتقال ریسک‌های فعالان حرفه حسابداری و حسابرسی، ۲. امکان ارتقای فعالیت‌های حسابرسی در جامعه و کاهش ریسک حسابرسی ۳. جمعیت بالقوه حسابداران و حساب‌برسان و تشکیلات وابسته، دارای بیشترین امتیاز می‌باشند. همچنین، در میان نقاط ضعف به ترتیب: ۱. ناقص و مبهم بودن قوانین و مقررات کنونی مسئولیت حرفه‌ای حساب‌برسان، ۲. کیفی بودن مبانی تشخیص خسارت بیمه مسئولیت حرفه‌ای حسابرسی ۳. عدم اجرای کامل استانداردهای حرفه‌ای حسابرسی در ایران دارای بیشترین امتیاز می‌باشند. همچنین در میان فرصت‌ها به ترتیب: ۱. نیاز جامعه به انواع بیمه‌های جدید در آینده، ۲. اهمیت یافتن بازار بورس و نیاز سرمایه‌گذاران به گزارش‌های حساب‌برسان ۳. توسعه بازار بیمه‌ای در ایران دارای بیشترین امتیاز می‌باشند. در نهایت، در میان تهدیدهای بیمه مسئولیت حساب‌برسان در ایران به ترتیب: ۱. فرهنگ پائین بیمه‌ای و ریسک اخلاقی در ایران، ۲. نامعلوم بودن مفهوم ریسک حسابرسی برای دستگاه قضایی ۳. ناآگاهی جامعه و به‌ویژه سرمایه‌گذاران از قوانین مسئولیت حسابرسی دارای بیشترین امتیاز می‌باشند.

آمار توصیفی پاسخ‌دهندگان

مشخصات پاسخ‌دهندگان در این مطالعه با استفاده از سه متغیر جمعیت شناختی سن، جنسیت و سطح تحصیلات صرفاً جهت گزارش سیمای آزمودنی‌ها، مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. آمار توصیفی پاسخ‌دهندگان

متغیر	سطوح	فراوانی	درصد فراوانی
سن	۳۰-۴۰ سال	۱۹	۲۰
	۴۱-۵۰ سال	۲۸	۲۹/۴
	۵۱-۶۰ سال	۳۸	۴۰
	بالتر از ۶۱ سال	۳	۳/۲
جنسیت	پاسخ داده نشده	۷	۷/۳
	مرد	۴۳	۴۵/۳
	زن	۵۰	۵۲/۶
سطح تحصیلات	پاسخ داده نشده	۲	۲/۱
	کارشناسی	۳۰	۳۱/۷
	کارشناسی ارشد	۵۲	۵۴/۷
	دانشجوی دکتری	۸	۸/۴
	دکتری	۵	۴/۲

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج پژوهش

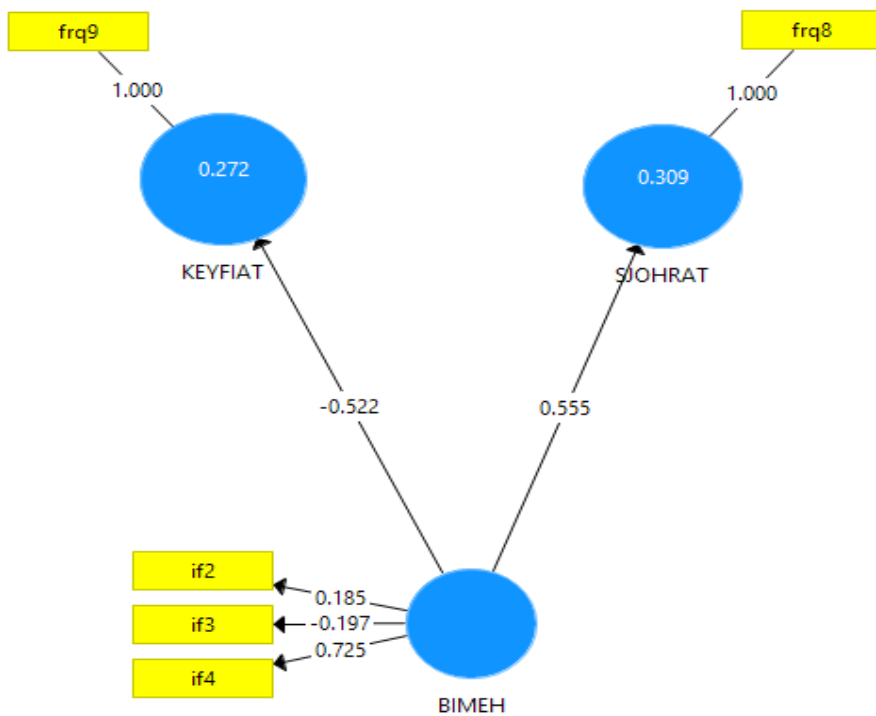
به منظور اطمینان یافتن از وجود و یا عدم وجود رابطه علی میان متغیرهای پژوهش و بررسی تناسب داده‌های مشاهده شده با مدل‌های مفهومی پژوهش، فرضیات پژوهش با استفاده از مدل معادله‌های ساختاری آزمون شدند. در این پژوهش از مدل یابی معادلات ساختاری و روش حداقل مربعات جزئی (PLS) جهت آزمون فرضیات و برازندگی مدل استفاده شده است. PLS نگرشی مبتنی بر واریانس است که در مقایسه با تکنیک‌های مشابه معادلات ساختاری مانند لیزرل و آموس، نیاز به شروط کمتری دارد. به عنوان مثال، برعکس لیزرل، مدل یابی مسیر PLS برای کاربردهای واقعی مناسب‌تر است؛ به ویژه هنگامی که مدل‌ها پیچیده‌تر هستند و یا توزیع داده‌ها غیر نرمال می‌باشد؛ استفاده از این نگرش مناسب‌تر خواهد بود. البته مزیت اصلی مدل یابی PLS نسبت به لیزرل در این است که به تعداد کمتری از نمونه نیاز دارد. هرچند که در این تحقیق از حجم نمونه نسبتاً بالایی استفاده شده است. PLS هم‌زمان دو مدل را بررسی می‌نماید: مدل بیرونی (مدل اندازه‌گیری) که ارتباط متغیرهای آشکار با متغیرهای پنهان را بررسی می‌کند و مدل درونی (مدل ساختاری)، که ارتباط متغیرهای پنهان با متغیرهای پنهان دیگر را اندازه‌گیری می‌کند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها در جدول (۵) ارائه گردیده است.

جدول ۵- نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش

ردیف	فرضیه‌ها	ضریب مسیر	نتیجه آزمون
۱	اول	۰/۰۱۵	تائید آزمون
۲	دوم	۰/۰۳۰	تائید آزمون

منبع: یافته‌های پژوهش

بنابراین با توجه به آزمون فرضیه‌های پژوهش در جدول ۵ این طور استنباط می‌شود که فرضیه‌های پژوهش به دلیل اینکه ضریب مسیر برای فرضیه ۱ عدد ۰/۰۱۵ بوده و فرضیه دوم عدد ۰/۰۳۰ می‌باشد بنابراین چون کمتر از ۰/۵ است. بنابراین هر دو فرضیه تایید می‌گردد. همچنین مدل تحقیق در حالت تخمین استاندارد به شرح ذیل شکل شماره ۲ حاصل شده است.



شکل ۲. مدل تحقیق در حالت تخمین استاندارد

نتیجه‌گیری

به دنبال رسوایی‌های مالی شرکتها و بحران‌های مالی طی دو دهه اخیر، انگشت اتهام تا حدودی به سمت حسابرسان و کیفیت حسابرسی نشانه رفته است. در ایران نیز پس از کشف تقلب بانکی در سال ۱۳۹۰، برخی کارشناسان، ادعای شکست حسابرسی را مطرح کردند. در پاسخ به این رویدادها، از یک طرف، قانون‌گذاران تغییراتی را در دستور کار قرار دارند. برای مثال، قانون ساربنز آکسلی در سال ۲۰۰۲ در آمریکا وضع شد تا شرکتها و موسسات حرفه‌ای به اصول اخلاقی و آیین رفتار حرفه‌ای پایبند شوند و همچنین به بی‌نظمی‌های گزارشگری مالی سروسامان دهد. در این باره تحولاتی نیز در زمینه‌های حاکمیت شرکتی انگلستان رخ داد. که باعث افزایش رعایت اخلاق و موازین حرفه‌ای گردید از طرف دیگر، سیاست‌گذاران بار دیگر بر روی اهمیت حسابرسی مؤثر و کارآمد به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی بازارهای سرمایه تمرکز نمودند و تلاش‌هایی را برای شناسایی محرک‌های کلیدی کیفیت حسابرسی و در نتیجه حفظ و بهبود شهرت اخلاقی و حرفه‌ای حسابرسان انجام دادند. سرمایه‌گذاران معتقدند در صورتی که در نتیجه استفاده از صورت‌های مالی همراه‌کننده به آن‌ها زیان وارد شود، حسابرسان باید تاوان آن را بپردازند و زیان آن‌ها را جبران کنند. بنابراین ممکن است در مواردی که به سرمایه‌گذاران زیان وارد شود، حسابرسان مورد بازخواست قرار گیرند. در نتیجه، حسابرسان باید در خدمات خود این ریسک را لحاظ کنند و لذا بیمه مسئولیت حرفه‌ای در این میان مطرح شد.

نتایج فرضیه اول نشان داد که حسابرسان مستقل بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای را بر کاهش ریسک شهرت اخلاقی خود مؤثر می‌دانند و ارتباط منفی و معناداری میان بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای و ریسک شهرت اخلاقی حسابرسان وجود دارد. این یافته نشان می‌دهد که حسابرسان از بیمه مسئولیت حرفه‌ای به‌عنوان ابزاری در جهت کاهش ریسک شهرت اخلاقی و خسارات استفاده می‌نمایند. در ارتباط با فرضیه دوم نتایج نشان داد که حسابرسان مستقل بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای را بر کیفیت حسابرسی خود مؤثر می‌دانند. این یافته نشان می‌دهد که حسابرسان به بیمه به‌عنوان سپر مالی در برابر مخاطرات ناشی از کیفیت حسابرسی پایبند می‌نگرند. به مؤسسات حسابرسی پیشنهاد می‌شود علاوه بر اینکه به کیفیت حسابرسی اهمیت دهند و همچنین در ارتباط با بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای خود اقدام نمایند. و به سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان پیشنهاد می‌شود به نتایج این پژوهش از دیدگاه عدم تأثیرگذاری بیمه مسئولیت بر کیفیت حسابرسی توجه نمایند. برای پژوهش‌های آتی، بررسی تأثیر اندازه حسابرس بر رابطه میان بیمه مسئولیت حرفه‌ای و ریسک شهرت؛ بررسی نقش بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای حسابرسان بر ریسک شهرت و کیفیت حسابرسی از دیدگاه صاحب‌کاران؛ بررسی نقش بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای حسابرسان بر ریسک شهرت اخلاقی و کیفیت حسابرسی با استفاده از رویکرد دلفی فازی؛ بررسی نقش بیمه مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای حسابرسان بر عملکرد عملیاتی حسابرسان با استفاده از رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها، پیشنهاد می‌شود. همچنین مهم‌ترین محدودیت این پژوهش را می‌توان وجود پژوهش‌های محدود در ارتباط با موضوع حاضر نام برد.

فهرست منابع

۱. آقاسی، سعید، قانع، مریم، (۱۳۹۴)، بررسی نقش بیمه‌های اعتباری ناشی از عدم توانایی پرداخت در مدیریت ریسک اعتباری بانک‌ها با مطالعه موردی شعب بانک ملت استان اصفهان، کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و سامانه‌های مالی، دبی.
۲. بهارمقدم، مهدی؛ جوکار، حسین؛ شمس‌الدینی، کاظم. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر کیفیت اطلاعات حسابداری و عدم اطمینان اطلاعاتی. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی.
۳. صالحی حمیدرضا. (۱۳۹۳). بیمه مسؤولیت مدنی مشاغل پزشکی؛ چالش‌ها، ضرورت‌ها و فرصت‌ها. فصلنامه علمی - پژوهشی حقوق پزشکی. ۸ (۲۹): ۱۳۱-۱۶۶.
۴. علی قنبری، مهدی صادقی شاهدانی، نوشین خانی قریه گبی. (۱۳۸۹). تخمین تابع تقاضای بیمه مسؤولیت حرفه‌ای پزشکان در ایران. صنعت بیمه، سال بیست و پنجم بهار ۱۳۸۹ شماره ۱ (پیاپی ۹۷).
۵. نیکبخت، محمدرضا؛ شعبان زاده، مهدی؛ کنار کار، امین. (۱۳۹۵). رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و تجربه حسابرس با کیفیت حسابرسی. فصلنامه مدیریت و حسابداری. دوره دوم-شماره ۱، ص ۱۹۰ - ۲۰۸.
۶. داوودی نصر، مجید، طالب نیا، قدرت الله، زویایی، رمضان علی، صالحی امیری، سید رضا (۱۳۹۷)، تبیین الگوی مناسب حسابرسی مسؤولیت اجتماعی (اخلاق اجتماعی) شرکت‌ها از دیدگاه حقوق بشر و ارزش‌های اجتماعیا استفاده از رویکرد تحلیل عاملی اکتشافی و مدل‌سازی معادلات ساختاری فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال هفتم، شماره ۲۵.
7. Chung, H. H.& Wynn, J. P. (2008). Managerial legal liability coverage and earnings conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 46(1), 135-153.
8. Core, J. E. (1997). On the corporate demand for directors' and officers' insurance. *The Journal of Risk and Insurance*, 64(1), 1636-1669.
9. Frederick J. Fisher, J.D. (2014), TECHNICAL ASPECTS OF PROFESSIONAL LIABILITY CLAIMS, professional Liability insurance, 1-15.
10. Fung, S.Y.K., Raman, K.K. and Zhu, X. (2017), Does The (PCAOB) international inspection program forign clients? *Journal of accounting and Economics*, 64(1), 15-36
11. Golli, D, Elefanti, M, Valotti, G (2013), From Corporate To Shared Social Responsibility Community Governance and Social Capital Creation Through Collaboration.
12. Granholm, J.M. ross, k. (2009), evaluation of the Michigan Medical Professional Liability insurance Market, State of Michigan, Office of financial and insurance regulation, Department of Energy, labor and economic growth, Stanley "SKIP" Pruss, director.
13. Griffith, S. J. (2005). Uncovering a gatekeeper: Why the SEC should mandate disclosure of details concerning directors' and officers' liability

- insurance policies. *University of Pennsylvania Law Review*, 154(5), 1147–1208.
14. Habib, A., Muhammadi, A H., Jiang, H. (2018). Political connections, related party transactions, and auditor. *International Journal of Accounting & Information Management*, Vol. 26 Issue: 1, pp.59-80, <https://doi.org/10.1108/IJAIM-08-2016-0086>
15. Holderness, C. (1990). Liability insurers as corporate monitors. *International Review of Law and Economics*, 10(2), 115–129.
16. Houque, N., Ahmed, K. and Vanzijl, T. (2015), Effect of Audit Quality on earnings quality and cost of equity capital : evidence from india . victoria university of wellington . available online at : [http:// research archarchive . www.ac.nz/handle/ 10063/4173](http://research.archarchive . www.ac.nz/handle/ 10063/4173).
17. Kathryn, A. B. (2013), Food Product Liability Insurance: Implications for the Marketing of Specialty Crops, *The magazine of food, farm, and resource*, 28(4).
18. Merchant, Kenneth & Van der Stede, W.A. (2011). *Management Control Systems: Performance Measurement, Evaluation and Incentives*.
19. O'Sullivan, N. (1997). Insuring the agents: The role of director's and officers' insurance in corporate governance. *The Journal of Risk and Insurance*, 64(3), 545–556.
20. Pratt, J., and J. Stice. (1994). The Effects of Client Characteristics on Auditor Litigation Risk Judgments, Required Audit Evidence and Recommended Audit Fees. *The Accounting Review*. Vol. 69, Pp. 639–656.
21. Tevdello, R., Vanstralen, M. (2008). The effect of audit quality on firm governance. *International Journal of Law and Management*, Vol. 12 Issue: 2, pp.439-452.
22. Wynn, J. P. (2008). Legal liability coverage and voluntary disclosure. *The Accounting Review*, 83(6), 1639–1669.

پی‌نوشت‌ها

1. Structural Equation Modeling (SEM)
2. Partial least Squares (PLS)

سازکارهای اخلاقی در حمایت از «رنج‌دیدگان در سکوت» با رویکرد کاهش رقم سیاه جرائم علیه اطفال

مریم محمدی نوقی‌زاده^۱

نسرین مهرا^۲

محمد آشوری^۳

امیر سماواتی پیروز^۴

چکیده

هدف از نگارش این مقاله بررسی راهکارهایی در راستای کاهش رقم سیاه جرائم علیه اطفال و کشف و نمایان‌سازی این جرائم با لحاظ خصیصه آسیب‌پذیری آنان می‌باشد. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. مطالعات انجام شده درباره موضوع، مبین آن است که بنا به علل مختلفی اطفال بزه‌دیده، جرائم ارتكابی علیه خود را گزارش نمی‌نمایند و از این رهگذر نه تنها مورد حمایت‌های پیش‌بینی شده در قانون قرار نمی‌گیرند بلکه آسیب‌های مضاعفی را در قالب بزه‌دیدگی ثانوی و تکرار بزه‌دیدگی متحمل می‌گردند. اطفال بزه‌دیده که از آنها تحت عنوان «قربانیان خاموش» و یا «رنج‌دیدگان در سکوت» یاد شده، برای بهره‌مندیشان از حمایت‌های کیفری و غیرکیفری، باید توان بازتاب وقایع رخ داده نسبت به آنان که منجر به نقض حقوقشان شده است را داشته باشند. لذا در این نوشتار تلاش گردیده تا ضرورت فرهنگ‌سازی و حساسیت‌سازی عمومی در جهت شناخت حقوق بنیادین اطفال و گزارش‌دهی موارد نقض این حقوق، همچنین حق بر بیان بزه‌دیدگی و حق بر شنیده شدن آنها در جهت شکستن سکوت اطفال، و نیز جلب اعتماد اطفال بزه‌دیده به سیستم عدالت کیفری با ایجاد تسهیلاتی در فرآیند رسیدگی به تصویر کشیده شود. نتیجه چنین اقداماتی، کشف و نمایان‌سازی بیشتر جرائم علیه اطفال می‌باشد.

واژگان کلیدی

سازکار اخلاقی، حق بر بیان بزه‌دیدگی، حق بر شنیده شدن، سیستم عدالت کیفری.

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: docnas@mail.com

۳. استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۱ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۴/۱۶

طرح مسأله

سوء رفتار نسبت به اطفال و نادیده گرفتن حقوق بنیادین آنها به اشکال مختلف، در همه جوامع به چشم می‌خورد. مقرراتی در راستای حمایت‌های کیفری و غیرکیفری از اطفال بزه‌دیده در قوانین ملی و اسناد بین‌المللی منعکس است. قوانین ملی و همچنین اسناد بین‌المللی، در جهت تقویت بزه‌دیده شناسی حمایتی و حمایت‌های بزه‌دیده‌مدار گام برمی‌دارند. در خصوص اطفال که قطعاً نقش منفعلی در بزه‌دیدگی‌شان دارند به طریق اولی قوانین و الگوهای سازنده این قوانین جایگاه ویژه‌ای از دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی حمایتی دارند. در این راستا حمایت‌هایی از اطفال در قوانین به چشم می‌خورد و حمایت‌های دیگری نیز می‌تواند با جرم‌انگاری‌هایی در چشم‌انداز آینده صورت گیرد. النهایه لازمه اعمال این حمایت‌ها کشف موارد تضییع حقوق بنیادین اطفال می‌باشد.

به طور کلی، هر چه آسیب‌پذیری اجتماعی بزه‌دیده و خصوصی یا شخصی بودن زمینه ارتکاب جرم بیشتر باشد، نمایان‌پذیری جرم کمتر خواهد بود (رایجیان اصل، ۱۳۹۰، الف: ۹۵). بین سطوح کشف و نمایان‌سازی جرم با عواملی مانند سن قربانی، جنسیت او، نوع جرم، انگیزه و ... ارتباط و پیوستگی وجود دارد (Bunting, 2014: 16). اطفال بلحاظ وابستگی‌شان به بزرگسالان برای رشد و نمو، آسیب‌پذیری آنها و نادیده گرفته شدنشان اصولاً قادر به احقاق حق خود، اعتراض، راه‌اندازی کمپین و ... نیستند، به همین لحاظ از آنها به عنوان «قربانیان خاموش» یاد می‌شود.

از این قربانیان خاموش در تحقیقی که توسط دفتر کمیسیونر قربانیان^۱ صورت گرفته، تحت عنوان «رنج دیدگان در سکوت»^۲ یاد شده است. گزارش سال ۲۰۱۴ این دفتر از «رنج دیدگان در سکوت»، نشان می‌دهد که اکثریت جرائم علیه کودکان و نوجوانان گزارش نمی‌شوند. در این گزارش علل مختلفی برای عدم گزارش جرائم علیه کودکان ذکر شده است، از جمله در بسیاری از موارد کودکان نمی‌دانند جرمی علیه آنها واقع شده؛ به ویژه وقتی که رفتار کیفری توسط گروه همسالان آنها شکل می‌گیرد و یا در مواردی که آنها برای سوء استفاده و بهره‌کشی از آنان، پرورنده می‌شوند. بسیاری از کودکان نمی‌دانند چطور باید گزارش جرم واقع شده را بدهند. معلمان و متخصصین دیگر، همیشه نمی‌دانند چه پاسخی باید به کودکان، وقتی بزه‌دیده واقع شده‌اند و آن را بیان کرده‌اند، بدهند. وقتی جرم در خانه و همچنین مدرسه توسط افراد خانواده یا

1 - Victimes Commissioner's office

دفتر کمیسیونر قربانیان یک سازمان دولتی بریتانیایی است. نقش این کمیسیونر قربانیان، ارتقاء مصلحت و منفعت قربانیان و گواهان جرم و مرور منظم و مکرر کد مربوط به قربانیان است که تعیین کننده خدماتی است که انتظار می‌رود به قربانیان جرم داده شود.

2 - Suffering in Silence

معلمان و مربیان و ... واقع می‌شود، کودکان کمتر تمایل به گزارش کردن آنها دارند. کودکان اغلب از پلیس هراس دارند. آنها از تهدیدهایی که توسط مرتکب جرم صورت می‌گیرد نیز می‌ترسند (Victim's Commissioner's Office, 2017: 13-14).

اصولاً به دلیل اینکه اطفال در موقعیت بسیار ضعیف‌تری به لحاظ جسمی، بلوغ فکری و ... در مقایسه با بزهکاران قرار دارند، یکی از شیوه‌های رفتاری بزهکاران برای واداشتن اطفال به سکوت، تهدیدهایی است که به سمت اطفال بزه‌دیده روانه می‌سازند؛ همچنین اغلب در سوء رفتارهای جنسی از عدم بلوغ فکری آنها سوء استفاده کرده و به گونه‌ای وانمود می‌کنند که در صورت افشای وقایع رخ داده آبروی آنها - اطفال بزه‌دیده - خواهد رفت و اطفال بزه‌دیده علاوه بر تحمل صدمات ناشی از جرم واقع شده نسبت به آنها، صدمات روانی ناشی از این تهدیدات و تلقینات را نیز متحمل می‌گردند و سکوت را بر بیان وقایع رخ داده ترجیح می‌دهند.

در بسیاری از نقاط جهان هیچگونه محمل و سامانه‌ای که مسئول ثبت و پیگیری و بررسی کامل موارد گزارش خشونت علیه کودکان باشد وجود ندارد. در مواردی نیز که آمار رسمی براساس گزارشات خشونت در خانه و سایر موقعیت‌ها وجود دارد، این آمار و ارقام به میزان فاحشی با اندازه اصلی این معضل تفاوت دارد. بسیاری از کودکان از گزارش نمودن موارد خشونت واهمه دارند؛ چرا که از قرار گرفتن در معرض خشونت بیشتر توسط عامل خشونت و یا مداخله مقامات و مسئولان که ممکن است به بدتر شدن وضعیت کلی آنان منجر شود، وحشت دارند. در بسیاری از موارد والدین که باید از کودکان خود مراقبت نمایند، هنگامی که خشونت توسط همسر یا یکی از اعضای خانواده و یا عضوی قدرتمندتر از آنها در جامعه از قبیل کارفرما، افسر پلیس و یا رهبران محلی و افراد سرشناس اعمال شود، سکوت می‌کنند. ترس در این زمینه با انگلی که در نتیجه گزارش خشونت بر فرد زده می‌شود نیز ارتباط نزدیکی دارد. (سرچیو پینه‌رو، ۱۳۸۷: ۱۰).

علاوه بر اینها، جامعه نیز با مشروع و موجه شمردن برخی از سوء رفتارها نسبت به اطفال به این وضعیت دامن زده و افراد جامعه نیز در بسیاری از موارد، آگاه به وقوع جرم علیه اطفال نیستند، یا در مواردی وقوع این جرائم برایشان محرز است ولیکن بلحاظ اجباری نبودن گزارش‌دهی موارد سوء رفتار علیه اطفال، به دلایل مختلف از جمله مشغله کاری، ترس از عاملین خشونت علیه اطفال و ... خود را مکلف به اعلام جرم نمی‌دانند و به سادگی از کنار این امور می‌گذرند. گاهی نیز چه اطفالی که آماج جرم قرار گرفته‌اند و چه افرادی که نظاره‌گر آن بوده‌اند، اطمینان خاطر ندارند که در صورت گزارش، سیستم عدالت کیفری قادر به پاسخگویی به موقع به نیازهای طفل بزه‌دیده و برداشتن گامی مؤثر در این جهت باشد.

برای حصول اطمینان از دسترسی اطفال بزه‌دیده به عدالت و برخورداری از حمایت‌های

کیفری و غیرکیفری پیش‌بینی شده در قوانین ملی و اسناد بین‌المللی باید امکان دسترسی آنها به عدالت فراهم گردد. از جمله علل عدم دسترسی اطفال بزه‌دیده به عدالت، سکوت آنها به دلایل پیش‌گفته، شنیده نشدن اطفال، عدم مشارکت آنها در بررسی نیازهایشان و اتخاذ تدابیر لازم، عدم شناخت یا عدم اعتماد اطفال بزه‌دیده و گاهاً خانواده آنها و افراد جامعه به سیستم عدالت کیفری، ترس از عواقب سوء و بزه‌دیدگی ثانوی طفل در روند دادرسی و ... می‌باشد. در جهت از بین بردن علل مذکور، از یک سو اقدامات زیرساختی لازم است که نیازمند تلاش کارشناسانه، جدی و بی‌وقفه دولت، سرمایه‌گذاری، گردآوری دقیق اطلاعات و همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد و ... می‌باشد و از سوی دیگر دادن آموزش‌های لازم به اطفال و خانواده‌های آنها، همچنین به عموم جامعه و حساسیت‌سازی عمومی و وجود مراجعی برای شنیدن حرف‌های کودکان ضروری است. لازمه این اقدامات «در اولویت قرار دادن نیازهای کودکان» در دستور کار مسئولین مربوط، اعم از قوه مقننه در مقام قانونگذاری، قوه مجریه در مقام پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و قوه قضائیه در برقراری عدالت و پاسخ به نیازهای طفل بزه‌دیده می‌باشد؛ امری که به شدت مغفول مانده است.

الف) فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی

آشنایی با حقوق بنیادین اطفال به منظور عدم تعرض به این حقوق و شناخت موارد تعرض به آنها، گام اولی است که می‌بایست با فرهنگ‌سازی و حساسیت‌سازی عمومی، برداشته شود. تا زمانی که افراد، کارفرمایان، معلمان و مربیان، مددکاران اجتماعی، والدین و خود طفل از این حقوق آگاهی نداشته باشند در بسیاری موارد اصلاً سوء رفتار نسبت به طفل دیده و شنیده نمی‌شود. تنها سطحی از سوء رفتارها نسبت به اطفال، در نظر همگان قبیح بوده و مورد نکوهش قرار می‌گیرد.

بسیاری از این سوء رفتارها خاص اطفال نیست؛ قتل، ضرب و جرح، تعرض جنسی و ... نسبت به قربانیان بزرگسال نیز مورد نکوهش و جرم می‌باشد؛ با این تفاوت که چون اطفال در موقعیت ضعیف‌تری بلحاظ جسمی و بلوغ فکری قرار دارند موضوع از حساسیت بیشتری برخوردار است. سطح دیگری از سوء رفتارها نسبت به اطفال در جامعه شناخته شده نیست؛ گاهی سوء رفتارهایی را جامعه مشروع و موجه نیز می‌پندارد. به عنوان مثال در بسیاری جوامع تنبیه بدنی معقول برای تربیت کردن فرزندان مورد پذیرش اجتماعی است؛ اما اینکه منظور از «معقول بودن تنبیه» چیست، خود امری مبهم و بسته به فرهنگ جامعه محلی، خانواده و ... از خانه‌ای به خانه دیگر متفاوت است. گاهی سوء رفتارها به منظور به جا آوردن برخی سنت‌های غلط و آسیب‌رسان، مورد پذیرش بعضی جوامع قرار می‌گیرد مانند ختنه دختران، ازدواج اجباری دختران در سنین پایین و ... در جوامعی که عقاید پدرسالارانه حاکم است قتل‌های حیثیتی دختران که

مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند نه تنها مشروع بلکه مورد تحسین نیز می‌باشد. بسیاری از غفلت‌ها، سهل‌انگاریها، تخریب روانی اطفال با انگها و الفاظی نامناسب، همگی سوءرفتارهایی هستند که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. بسیاری از غفلت‌ها و بی‌توجهی‌ها و ... نسبت به اطفال، اصلاً جایگاهی در اذهان عمومی به عنوان یک سوء رفتار ندارند. این بی‌توجهی‌ها در تمامی سطوح خانوادگی ملاحظه می‌گردد. خانواده‌های مرفه تمام توجه خود به کودک را در تأمین نیازها و خواسته‌های مالی او می‌دانند و به دلیل مشغله کار پدر و مادر، ساعات بسیاری از روز را کودک در مراکز نگهداری مانند مهدکودک به سر می‌برد، همچنین با کلاسهای آموزشی متعدد و اجباری و تحمیلی به کودک، علاوه بر تحمل فشارهای روانی، این طفل از برقراری روابط عاطفی با والدین خود محروم می‌ماند. حتی فاصله عاطفی بین والدین در این خانواده‌ها نیز، به لحاظ روحی و روانی، ضربه عاطفی دیگری برای فرزند خانواده می‌باشد. در خانواده‌های غیرمرفه نیز والدین برای تأمین احتیاجات اولیه اعضای خانواده و فراهم کردن رفاه نسبی برای فرزندان از بسیاری نیازهای عاطفی فرزندان غافل می‌مانند.

با این وصف آشنایی با حقوق کودکان امری بسیار ضروری می‌نماید تا در صورت تعرض به این حقوق، متوجه صدمه و لطمه‌ای که به کودکان وارد می‌شود باشیم و در صدد مبارزه با آن برآئیم.

کنوانسیون حقوق کودک که در سال ۱۹۸۹ به تصویب رسید حقوقی را که کودکان تا سن ۱۸ سال دارند برشمرده است. این کنوانسیون دارای ۵۴ ماده می‌باشد که بیشتر این مواد به بیان حقوق کودکان و نوجوانان اختصاص یافته و مواردی نیز به چگونگی کار کشورها در این حوزه پرداخته است. حق داشتن هویت، اطلاعات، ارزش برابر، آموزش، بازی و تفریح و استراحت، فعالیت‌های فرهنگی، بیان نظرات و آزادی بیان، حفاظت از تمام اشکال خشونت، داشتن حال خوب و پیشرفت، زندگی در محیط خانواده و مسئولیت‌های والدین نسبت به آنها و ... مفصلاً در کنوانسیون مذکور تشریح شده است.

با توجه به عدم آشنایی کافی جوامع با حقوق کودکان، اهمیت فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی درباره حقوق اطفال روشن است؛ اما آنچه چالش برانگیز است، سیاست‌گذاری‌هایی است که در این راستا باید صورت گیرد و همچنین برنامه‌های عملیاتی که بر پایه این سیاست‌گذاری‌ها می‌بایست اجرایی گردد. حذف سنت‌ها و باورهای نادرست جامعه کاری سهل و آسان نیست؛ ورود به حریم خصوصی خانواده و وضع بایدها و نبایدهایی برای والدین نیز بسیار دشوار بوده و با موانعی روبرو خواهد بود. نداشتن اطلاعات و آمارهای قابل اطمینان نیز اجرای این سیاست‌گذاری‌ها را دچار مشکل می‌نماید.

دولت‌ها باید در سطح جامعه و جوامع محلی از راهکارهایی حمایت کنند که با هدف

افزایش آگاهی در زمینه حقوق کودک انجام می‌شود و همچنین برای ایجاد تغییر در مسائلی از قبیل رویه‌های اجتماعی و فرهنگی، برابری و تساوی جنسیتی و رفع تبعیض، فعالیت و جلب مشارکت کنند. چنین برنامه‌هایی باید با تمرکز بر کارکنان دولت از جمله کارکنان پلیس و نظام‌ها و مراکز قضائی، دست‌اندرکاران آموزش، بهداشت و درمان و همچنین والدین و عموم مردم اجرا شود. دولت‌ها باید برنامه‌های افزایش آگاهی برای جلب مشارکت و ترویج روابط و برقراری ارتباط عاری از خشونت‌ها با کودکان برگزار کنند و از انجام آنها حمایت نمایند. همچنین دولت‌ها می‌بایست نظام‌های گردآوری اطلاعات و داده‌ها را ارتقا سطح بخشند تا بتوان زیرگروه‌های آسیب‌پذیر را شناسایی نمود، به دست‌اندرکاران سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در کلیه سطوح اطلاعات داد، و پیشرفت را به سمت هدف اصلی یعنی پیشگیری از بروز خشونت علیه کودکان سوق داد. کشورها باید از شاخص‌های ملی براساس معیارهای مورد توافق بین‌المللی استفاده کنند و از اینکه اطلاعات و داده‌ها در طول زمان گردآوری، تجزیه و تحلیل و منتشر می‌شود اطمینان حاصل نمایند. در کشورها می‌بایست ثبت تولد، مرگ و ازدواج به درستی انجام گیرد و اطلاعات نگهداری شود. دولت‌ها باید اطلاعات و داده‌هایی در مورد کودکانی که از مراقبت والدین محروم‌اند و کودکانی که در مراکز تأدیبی و اصلاح و تربیت هستند گردآوری و نگهداری نمایند. داده‌ها باید براساس جنسیت، سن، شهری / روستایی، خانواده و ویژگی‌های خانواده، آموزش و قومیت دسته‌بندی و طبقه‌بندی شوند. دولت‌ها باید همچنین تحقیق و پژوهش ملی در زمینه خشونت علیه کودکان در همه موقعیت‌هایی که خشونت در آنها بروز می‌کند را در دستور کار قرار دهند و این کار را از طریق پژوهش از طریق مصاحبه با کودکان و والدین با توجه ویژه به گروه‌های آسیب‌پذیر دختران و پسران انجام دهند (سرجیو پینه‌رو، ۱۳۸۷: ۲۳ و ۹۷).

متخصصین، در امر کشف سوء رفتار نسبت به اطفال می‌توانند نقش به‌سزایی ایفا نمایند. از آنجا که کشف خشونت همیشه آسان نیست، وجود اصول راهنمای استاندارد شده و واحد و ابزارهایی برای کمک به متخصصان در امر ارزیابی ضروری است. آموزش کشف و مدیریت خشونت علیه کودکان به کارکنان امور بهداشت و درمان به‌ویژه در مورد کودکانی که هنوز حرف نمی‌زنند، همواره مؤثر و کارآمد بوده است؛ چرا که کودک قادر به توضیح آنچه برایش رخ داده نیست و همچنین برای مواردی که کشف خشونت در آن بیشتر به مشاهده دقیق و ریزبینی بستگی دارد تا توضیح خود شخص قربانی. در راستای گزارش‌دهی سوء رفتار نسبت به اطفال، هنگامی که متخصصان مانند پرستاران، پزشکان، مددکاران اجتماعی و معلمان به وجود موردی از خشونت علیه کودکان در خانواده مشکوک می‌شوند ممکن است قانوناً موظف و ملزم باشند که

مورد را به مقامات گزارش کنند و یا از آنها انتظار برود بدون وجود وظیفه و الزام قانونی مورد مشکوک را گزارش نمایند. در صورتی که ساختارهای گزارش‌دهی همواره با ساختارهای کارا و موثر حمایت، کمک و درمانی برای کودکان و خانواده توأم باشند می‌توان آنها را ساختارهای گزارش‌دهی مؤثری قلمداد کرد. گزارش‌دهی اجباری می‌تواند رابطه‌ای خصمانه بین خانواده‌ها و مقامات حمایت از کودکان ایجاد کند و حتی ممکن است باعث شود خانواده‌ها از تصمیم به دریافت حمایت و کمک رسمی منصرف شوند؛ با این حال اهمال و عدم اطمینان متخصصان و کارشناسان و عموم مردم در بسیاری از نقاط جهان برای گزارش خشونت در خانه، نشان دهنده این است که بدون قوانینی که طبق آنها گزارش‌دهی موارد خشونت حداقل برای گروه‌های خاصی از متخصصان اجباری و الزامی باشد، تعداد زیادی از کودکان که نیازمند حمایت هستند هرگز شناسایی نخواهند شد و حمایتی را که به آن نیاز مبرم دارند دریافت نخواهند داشت. النهایه هر رویکردی که انتخاب شود باید به نحوی ارائه و معرفی شود که عموم، آن را خدمتی مبتنی بر کمک‌رسانی و ارائه دهنده حمایت‌های بهداشت عمومی و اجتماعی تلقی کنند و نه خدمتی که اساساً برای تنبیه و مجازات ایجاد شده است (سرجیو پینه‌رو، ۱۳۸۷: ۸۹-۸۷).

ب- حق بر بیان بزه‌دیدگی و حق بر شنیده شدن

بدیهی است کاهش رقم سیاه جراثیم به طور کلی در خصوص اطفال به طور خاص، با «حق بر بیان بزه‌دیدگی» و «حق بر شنیده شدن» ارتباط مستقیم دارد. لازم به توضیح است که «شنیده شدن» لزوماً مسبوق به «گفتن» و «گفتن» نیز لزوماً به معنای «شنیده شدن» نیست. بعضاً بزه دیده قادر به بیان آنچه برایش رخ داده، می‌باشد و علیرغم ابراز آن، به دلایل مختلفی تظلم‌خواهی او شنیده نمی‌شود و بالعکس.

یکی از زیر بناهای هر مداخله راهبردی، شکستن سکوتی است که طی آن کودکان موارد خشونت جسمی، روانی یا جنسی را تحمل می‌کنند. کودکان - علیرغم میزان ترس و نفرت آنها از خشونت که تجربه می‌کنند - احساس می‌کنند در جایگاهی نیستند که احساسات و افکار خود را اعلام کنند. بسیاری از آنها احساس شرمساری دارند و برخی دیگر ترس برانگیختن خشونت بیشتر یا مداخلات حساب نشده که بدون در نظر گرفتن حساسیت موضوع می‌تواند موقعیت کلی آنها را وخیم‌تر نماید، سکوت اختیار می‌کنند (سرجیو پینه‌رو، ۱۳۸۷: ۸۵).

تحقیقی که توسط مجمع اصلاحات کیفری هوارد^۱ صورت گرفته نشان می‌دهد که کودکان

۱ - مجمع اصلاحات کیفری هوارد در انگلستان یک خیریه ثبت شده می‌باشد، که قدیمی‌ترین سازمان اصلاح کیفری در جهان است. تمرکز این خیریه بر اصلاح کیفر در انگلستان و ولز است. این مجمع مستقل از دولت بریتانیا بوده و با کمک‌های داوطلبانه تأمین می‌گردد.

در صورت عدم سکوت و بیان وقایع رخ داده، احساس می‌کنند که بزرگسالان هنگامی که می‌بایست به عنوان یک قربانی به آنها نگاه شود، آنها را مرتکب جرم می‌انگارند. (The Howard League for Penal, 2008: 8).

از طرفی شکستن سکوت اطفال بزه‌دیده نیازمند توجه خاص و دقیق والدین یا مراقبین دیگر می‌باشد. کودکی از رفتن به مدرسه گریزان است، اُفت تحصیلی ناگهانی دارد، برای رفتن به دستشویی مشکل دارد، گوشه‌گیر و منزوی گردیده یا به ناگاه پرخاشگر و عصبی شده، ترسها و هراسهای بی‌مورد دارد، وسواس پیدا کرده، شب‌ها کابوس می‌بیند و ...، با هوشیاری و آگاهی والدین و مراقبین خود، می‌تواند بر ترس خود فائق آمده و لب به سخن بگشاید.^۱ این هوشیاری و آگاهی والدین و مراقبین نیازمند آموزش‌های لازم به آنها می‌باشد. در واقع والدین و مراقبین با غفلت و سهل‌انگاری، که خود گونه‌ای از سوء رفتار نسبت به اطفال است، به وضعیت وخیم طفل بزه‌دیده دامن زده و با عدم توجه به موقع به این علائم، زمینه را برای خلاصی بزهکار که طفل مذکور را آماج جرم خود قرار داده فراهم می‌کنند. در بسیاری از سوء رفتارها نسبت به اطفال خصوصاً تعرضات جنسی زمان برای تشخیص و انتساب بزه به بزهکار، نقش اساسی دارد؛ این زمان را اغلب والدین به دلیل ترس از آبروریزی، و صرف وقت برای مشورت با خانواده و ... برای انتخاب عملکردی به نظر خود، مناسب، از دست می‌دهند یا اینکه از شدت خشم به جستجوی مرتکب و اقداماتی تلافی‌جویانه دست می‌زنند و همه اینها فرصت اولیه و مناسب امکان پاسخگویی صحیح مراجع مربوطه مانند پزشکی قانونی را از بین می‌برد. پس بهتر آنست راهکارهایی برای عدم سکوت اطفال بزه‌دیده و بیان موضوع به افرادی متخصص برای اقدامات لازم، بدون فوت وقت اندیشیده شود و آموزش‌های لازم به طرق مقتضی به خانواده‌ها داده شود. بدیهی است چالش پیش‌رو در بیان بزه دیدگی و شکستن سکوت در سنین مختلف اطفال و نوع سوء رفتار علیه آنها متفاوت است.

به لحاظ سنین مختلف، کودک در زمان نوزادی و مراحل اولیه رشد خود، اصلاً قادر به اعلام وقایع رخ داده علیه او نیست و توانایی لازم را در این خصوص ندارد. حال اگر متجاوز به حقوق او، فرد بیگانه باشد، ممکن است خانواده طفل، در صورت اطلاع، نسبت به اعلام جرم اقدام نمایند ولیکن اگر این تعرض توسط افراد خانواده باشد احتمال اطلاع مراجع قضایی از آن به حداقل می‌رسد.

کودکان در سنین بالاتر، اگرچه توان صحبت کردن و توضیح دادن اتفاقاتی که برای آنها رخ داده را دارند اما باز به دلایل مختلف از بیان آن وقایع ابا دارند. همانطور که در این

۱- مواردی که از باب مثال ذکر شده و عدم توجه به موقع والدین نسبت به آن، به کرات مشاهده گردیده است.

نوشتار گذشت، در مواردی اطفال متوجه اینکه نسبت به آنها سوء رفتاری صورت گرفته نیستند؛ بسیاری از غفلت‌ها و سهل‌انگاری‌هایی که نسبت به اطفال صورت می‌گیرد، امری طبیعی جلوه می‌نماید؛ نه کودک و نه خانواده این آشنایی و اطلاعات را ندارند که حقوقی از طفل در حال ضایع شدن می‌باشد. حتی از آن فراتر، در مواردی جامعه نیز بسیاری از سوءرفتارها را که نسبت به اطفال در قالب «تربیت» و «سنت» صورت می‌گیرد موجه و مشروع می‌پندارد. نهایتاً دولت‌ها نیز گاهاً با وضع مجازات‌هایی همچون اعدام، برای اطفال و نوجوانان، این قشر آسیب‌پذیر را مورد خشونت قرار می‌دهند.

همچنین در مواردی در سنین بالاتر که کودک کاملاً قادر به بیان جرم واقع شده علیه او می‌باشد، امیدی به وضعیت بهبود شرایط خود در صورت اعلام جرم و گزارش مواقع ندارد. در بسیاری از موارد کودکان به بیان نقض حقوقشان می‌پردازند ولیکن مشاورین امین و آگاه در اختیار ندارند و بزرگسالی که مخاطب کودک قرار گرفته، نمی‌داند چگونه او را راهنمایی کند.

به لحاظ نوع سوء رفتار علیه اطفال، غالباً وقتی سوء رفتار خانگی است مسلماً تدابیری که می‌بایست برای بیان بزه‌دیدگی اتخاذ شود بسیار متفاوت از سوء رفتارهایی است که در جامعه رخ داده و کودک گاهاً، حداقل از حمایت خانواده در بیان بزه‌دیدگی خود و پیگیری آن، برخوردار است. در الگوهای برنامه‌ریزی جدید برای تأکید بیشتر بر مشاوره با کودکان به عنوان بخش تفکیک‌ناپذیر از برنامه‌ریزی و مداخلات با کودکان، روش‌های دوستدار کودک برای مشاوره و پژوهش‌های کاربردی تدوین شده است. این روش‌ها توأم با مهارت‌های مشاوره و برقراری ارتباط مورد استفاده قرار گرفته‌اند تا کودکان قادر باشند در مورد تجربیات خصوصی و دردناک خود با بزرگسالانی که قابل اطمینان هستند حرف بزنند. خطوط یاری‌رسان کودک به تدریج معمول می‌شوند؛ صحبت محرمانه از طریق تلفن با یک مشاور به کودکان این امکان را می‌دهد که آنچه را برایشان اتفاق افتاده است گزارش کنند و کمک بخواهند. خطوط یاری‌رسان توسط سازمان‌های غیردولتی مختلفی برای کمک به کودکان به منظور خلاصی از موقعیت‌های خشونت‌آمیز ایجاد و راه‌اندازی شده‌اند (سرجیوپینه‌رو، ۱۳۸۷: ۸۵).

یکی از مهمترین اقدامات برای حمایت کودکان و نوجوانان، شناسایی کودکان مستعد بزه‌دیدگی است. شناسایی کودکان در معرض خطر از طریق گزارش بستگان، همسایگان، مسئولین مدرسه و غیره می‌تواند صورت پذیرد. بنابراین وجود مراکز گزارش‌دهی کودکان در معرض خطر، تسهیل‌کننده این امر می‌باشد (عباچی، ۱۳۸۳: ۷۸-۷۷).

همانطور که پیشتر گفته شد ارتقا سطح گردآوری اطلاعات و داده‌ها از اهمیت به‌سزایی برخوردار است؛ چرا که در صورت ثبت دقیق اطلاعات چون تولد، مرگ، ازدواج، بیان بزه‌دیدگی توسط طفل بزه‌دیده یا اولیاء او را راحت‌تر می‌سازد و موانعی مانند ترس از کتمان حقیقت (عدم

اطلاع وقایع فوق به مراجع ذیربط) و ... را از سر راه برمی‌دارد.

بلحاظ عدم ثبت وقایعی چون تولد، مرگ، ازدواج که خصوصاً در ازدواج‌های در سنین پایین رخ می‌دهد، بسیاری از تولد نوزادان و سپس مرگ آنها چه بلحاظ غفلت و سهل‌انگاری و چه بلحاظ اقدامات عامدانه، در هیچ سامانه‌ای ثبت نمی‌گردد و هرگز چنین مواردی مورد پیگرد قانونی قرار نمی‌گیرند. در ازدواج‌های زود هنگام دختران نیز که مباحثی مانند کودک همسری، کودک مادری را در پی دارد، خود این ازدواج‌ها، سوء رفتار نسبت به دختران خردسال را بلحاظ جسمی و روانی به دنبال دارد، عدم ثبت ازدواج، عدم ثبت تولد کودکان ناشی از این ازدواج را نیز در بردارد. تمامی این موارد می‌تواند رقم سیاه جرائم علیه اطفال را بالا ببرد.

همچنین «حق بر شنیده شدن» از جمله حقوقی است که به موجب آن کودکان می‌بایست قادر باشند نقطه نظرات، دیدگاه‌ها و نگرانی‌های خود را بیان کنند و به شکل مؤثری، خود کودکان یا نمایندگان آنها، در موارد ضروری، در اعلام جرم و جریان دادرسی سهیم باشند و مشارکت نمایند (Penal Reform International, 2013: 14).

کودکان نقطه نظرات روشن و واضحی درباره آنچه باید در مورد جرائم علیه اطفال انجام شود دارند؛ به همین دلیل نگرش و عقاید آنها در مورد جرم و پیشگیری از جرم نیازمند این امر است که آنها مخاطب قرار بگیرند و شنیده شوند. نقطه نظرات آنها باید در راه‌حل‌ها، سیاست‌ها، عملکردها و خدمات به منظور کمک به پیشگیری از جرم و قربانی شدن، گنجانده شود (The Howard League for Penal Reform, 2007: 5).

کمیته حقوق کودک^۲ بر اجرای کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل‌های اختیاری آن نظارت می‌کند. در ۱۹ دسامبر ۲۰۱۱، مجمع عمومی سازمان ملل پروتکل اختیاری سومی را در مورد آیین مکاتبات تصویب کرد که به کودکان اجازه می‌دهد شخصاً شکایات خود در مورد تجاوزات خاصی که نسبت به حقوق آنها صورت می‌گیرد را به استناد کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل اختیاری آن تسلیم کنند. در این راستا کمیته حقوق کودک می‌تواند به شکایت شخصی کودکان در مورد ادعاهای تخلف از کنوانسیون حقوق کودک و دو پروتکل اختیاری آن توسط دولت‌های عضو، رسیدگی کنند؛ همانطور که می‌تواند رسیدگی به ادعاهای مهم و سنگین و نقض‌های سیستماتیک حقوق موضوع کنوانسیون و دو پروتکل اختیاری آن را انجام دهد.

۱ - «نهاد بین‌المللی اصلاح و بهبود کیفر» که یک سازمان مستقل از دولت و دفتر مرکزی آن در لندن مستقر است، در تحقیقی تحت عنوان «حمایت از حقوق کودکان در سیستم عدالت کیفری» در سال ۲۰۱۴، نکات کلیدی را برای توجه سیاست‌گذاران عنوان می‌کند.

ج) ایجاد تسهیلات در فرایند رسیدگی

نسبت به اطفال که طیف آسیب‌پذیری از جامعه هستند می‌بایست سیاست جنایی افتراقی اعمال گردد. سیاست جنایی افتراقی را می‌توان اتخاذ سازوکارهای متفاوت نسبت به سایر سازوکارها دانست که نظر به وضعیت متفاوت مخاطبان سامانه عدالت کیفری با سایر افراد، به هر دلیل نظیر صغر سن، ناتوانی و ... اعمال می‌گردد. (نجفی ابراند آبادی، ۴-۱۳۷۳: ۷)

یکی از جهات عمده اهمیت موقعیت و نقش بزه‌دیده این است که در بسیاری از پرونده‌ها، این اطلاعات بزه‌دیدگان بوده که منجر به شروع به تحقیقات از سوی دادستان شده است (Cohen, 2007: 358).

ورود به سیستم عدالت کیفری خود زمینه‌ساز بزه‌دیدگی ثانوی اطفال بوده و آنها را در تمامی مراحل - پلیس، دادرس، دادگاه، اجرای احکام - در معرض خطر قرار می‌دهد. اگر سکوت اطفال بزه‌دیده و خانواده آنها شکسته شده و حرفهای آنها شنیده شود، در اتخاذ تدابیر لازم نیز مشارکت داده شوند ولیکن در مرحله آخر، مقامات و مسئولین مربوط با سوء عملکرد، منجر به وخیم‌تر شدن وضعیت طفل بزه‌دیده گردند، چیزی جز سرخوردگی و یأس و ناامیدی بیشتر و بزه‌دیدگی ثانوی برای اطفال بزه‌دیده در بر نخواهد داشت.

در این راستا لازم است تا به دست اندرکاران سیستم عدالت کیفری آموزش‌های لازم و تخصصی داده شود. سیستم عدالت کیفری می‌بایست مصالح عالیه طفل بزه‌دیده را در همه حال لحاظ نماید. اقدامات اولیه‌ای که پس از اعلام جرم و گزارش وقایع رخ داده باید صورت گیرد، بسیار حائز اهمیت است؛ علاوه بر نیازهای طفل بزه‌دیده، اصولاً در جرائم علیه اطفال، خصوصاً در تعرضات جنسی، ابتدا با انکار بزه‌کار روبرو هستیم و از طرفی معمولاً شاهد جرم نیز وجود ندارد، لذا در مراحل اولیه، پلیس و مراجع تحقیق ضمن پاسخگویی به نیازهای طفل بزه‌دیده و خارج نمودن او از موقعیت مخاطره‌آمیز، پیگرد قانونی بزه‌کار به شیوه‌ای حرفه‌ای می‌بایست صورت گیرد؛ چرا که اگر در این مرحله ادله مناسب جمع‌آوری نگردد، دادگاه با عدم کفایت ادله روبرو خواهد بود؛ هر چند که به نظر می‌رسد توضیحات خود طفل بزه‌دیده از مآوقع، با بررسی‌های روانشناختی و روانشناسانه در خصوص کشف حقیقت کفایت می‌کند ولیکن در این وضعیت نتیجه مطلوب حاصل نمی‌گردد و یا با تأخیر فراوان شکل می‌گیرد.

همچنین در جرائم علیه اطفال می‌بایست دادگاه، از نهادهایی مانند تعلیق تعقیب که می‌توانند موجبات برخورداری سیل‌قه‌ای مقام قضایی را فراهم آورند، پرهیز نماید. ضمن اینکه دادرسی عادلانه باید انجام شود و حقوق دفاعی متهم لحاظ گردد، از چنین اقداماتی برای جبران آسیب‌پذیری اطفال و موقعیت ضعیف آنها، باید خودداری گردد. زیرا اولویت اصلی و کلیدی در کلیه اقداماتی که در ارتباط با کودکان انجام می‌شود، منافع و مصالح عالیه کودک است؛ بنابراین کلیه نهادها و سازمان‌های دولتی و خصوصی، دادگاه‌ها و مقامات و مسئولان اداری متعهد هستند

که برای حصول اطمینان از در نظر گرفتن منافع و مصالح عالیه کودک، تأثیر اقداماتی را که در ارتباط با کودکان اتخاذ می‌شود در نظر بگیرند.^۱

در نظام حقوقی انگلستان، سرویس دادستانی سلطنتی^۲ به عنوان نهاد تعقیب عمومی، ابتدا کفایت ادله را بررسی می‌نماید، مبنی بر اینکه آیا دلایل کافی در خصوص توجه اتهام به فرد وجود دارد یا خیر و سپس معیار منافع عمومی را لحاظ می‌نماید؛ بدین معنی که آیا علیرغم وجود دلایل کافی، منفعت عمومی^۳ اقتضا می‌نماید که تعقیب صورت گیرد یا خیر؛ لذا به نوعی قاعده مقتضی بودن یا موقعیت داشتن تعقیب در قانون انگلستان اعمال می‌گردد مبنی بر اینکه چنانچه جرم ارتكابی آن چنان خفیف باشد که منفعت عمومی ایجاب نماید که از پیگرد آن جرم صرف نظر گردد، مقام تعقیب می‌تواند با آنکه دلایل کافی را در اختیار دارد، تعقیب جرم را مغایر با منفعت عمومی تشخیص داده و از آن خودداری نماید. افزون بر این، از آنجا که علاوه بر تصمیم‌گیری در خصوص ورود یا عدم ورود اتهام، اتخاذ تصمیم در مورد ماهیت اتهام وارده نیز با سرویس دادستانی سلطنتی می‌باشد؛ همواره این احتمال وجود دارد که مقام تعقیب از جرم ارتكابی علیه فرد ناتوان وصف‌زایی نموده و یا آن را با وصف مجرمانه بسیار خفیفی در نظر بگیرد، به طوری که ضرورتی به تحت پیگرد قرار گرفتن آن احساس نگردد. از این رو، در کنفرانس جرائم علیه ناتوانان در انگلستان تأکید گردید که همواره جرائم علیه ناتوانان به عنوان جرائم شدید^۴ محسوب گردیده و لذا به محض آنکه معیار کفایت ادله احراز گردید، مقام تعقیب بدون هیچ‌گونه تردیدی در خصوص ملاک دوم، یعنی منفعت عمومی، مبادرت به تعقیب نماید. در واقع مقام تعقیب در جرائم علیه افراد ناتوان^۵ نباید به قاعده مقتضی بودن تعقیب تمسک نموده و از تعقیب چنین جرائمی صرف‌نظر نماید. بدین ترتیب باید در جرائمی که مرتکب با سوء استفاده از ناتوانی فرد، وی را آماج جرم قرار داده، فرض بر این نهاده شود که همواره منافع عمومی ایجاب می‌کند که این جرائم تحت پیگرد قرار گیرند. لذا به نظر می‌رسد باید در مورد جرائمی که بزه‌دیده در آنها مبتلا به ناتوانی می‌باشد، اصل قانونی بودن تعقیب بدون امکان اعمال صلاح‌دید مقام تعقیب حکم فرما شده و اختیار اتخاذ تصمیم مبنی بر عدم تعقیب چنین جرائمی از مقام تعقیب سلب گردد (سماواتی پیروز، ۱۳۸۸: ۳۴۸-۳۴۷).

عملکرد صحیح دست‌اندرکاران سیستم عدالت کیفری در گرو حمایت‌هایی از قبیل عدم افشای هویت طفل بزه‌دیده، تحصیل درکی جامع از طفل بزه‌دیده با همکاری متخصصین

۱- ماده ۳ پیمان نامه حقوق کودک

2 - Crown Prosecution Service

3 - Public Interest

4 - Serious Offences

۵- اطفال نیز قشر آسیب‌پذیر و ناتوان می‌باشند.

مربوطه، سرعت در رسیدگی به جرائم علیه اطفال، اتخاذ تصمیمات فوری و به موقع برای خروج طفل از وضعیت مخاطره آمیز، کاهش صعوبت دادرسی با استفاده از ضبط ویدیویی اظهارات طفل در مراحل اولیه و حتی الامکان استفاده از آن در مراحل مختلف رسیدگی به منظور عدم حضور بی مورد طفل بزه دیده در جلسات متعدد و عدم مواجهه وی با بزهکار، همراهی طفل بزه دیده توسط یک حامی و ... می باشد.

طفل بزه دیده همانطور که در زمان بزه دیده واقع شدن معمولاً در موقعیتی ضعیف تر از بزهکار می باشد، در مرحله محاکمه نیز، این ضعف و آسیب پذیری او ادامه دارد؛ لذا شرکت در جلسات متعدد و طولانی مدت، مواجه شدن با بزهکار، نداشتن حامی و ... تماماً موجبات صدمات روحی به طفل بزه دیده و احتمالاً بزه دیدگی ثانوی را فراهم خواهد کرد.

در دهه ۱۹۸۰، «اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت»^۱، در زمینه حمایت از بزه دیدگان تصویب گردید و متعاقباً نیز مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۵ قطعنامه شماره ۳۴/۴۰ را تصویب کرد که در پیوست آن، اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه دیدگان، گنجانده شده است. در این اعلامیه، تدابیر لازم برای بهبود دسترسی به عدالت، رفتار منصفانه، جبران خسارت، پرداخت غرامت و کمک، ارائه شده است.

در خصوص اطفال بزه دیده سند دیگری تحت عنوان «رهنمودهای سازمان ملل راجع به عدالت برای کودکان بزه دیده و شاهد جرم»^۲ در سال ۲۰۰۴ به تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل رسیده است. این سند اشاره می کند به اینکه کلیه متولیان نظام عدالت کیفری باید با اطفال بزه دیده و شهود صغیر بر مبنای کرامت، عدم تبعیض و در نظر گرفتن بهترین منافع، رفتار نموده و از آنها حمایت نمایند و شرایط حضور فعال در فرآیند دادرسی را برای ایشان فراهم آورند. حقوقی که در رهنمودهای این قطعنامه برای اطفال آمده است عبارتند از: حق برخورداری از رفتار احترام آمیز، حق عدم تبعیض، حق اطلاع رسانی، حق اظهار نظر و بیان نگرانی های خود، حق مساعدت در فرآیند دادرسی، حق حفظ حریم شخصی، حق کاهش صعوبت دادرسی، حق برخورداری از امنیت، حق بازپروری و حق برخورداری از تدابیر ویژه در فرآیند دادرسی.

لازم به ذکر است که انگلستان حتی قبل از صدور رهنمودهای سازمان ملل راجع به عدالت برای کودکان بزه دیده و شاهد جرم در «قانون عدالت صغار و ادله کیفری ۱۹۹۹»^۳، ضرورت

1 - Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power General Assembly, Resolution 40/34.

2 - UN Guidelines on Justice in Matters Involving Child Victims and Witnesses of Crime

3 - Youth Justice and Criminal Evidence Act 1999

دادرسی افتراقی در خصوص اطفال بزه‌دیده و لزوم مساعدت طفل در فرآیند دادرسی را به رسمیت شناخته است.

برای بیان نگرانی‌ها و نیازهای طفل بزه‌دیده در فرآیند دادرسی، برقراری رابطه و دادن فرصت به طفل ضروری است. با این ارتباط می‌توان شیوه مناسب بازپرسی را تعیین نمود. در انگلستان در خصوص تدابیر مقدماتی که در این راستا باید شکل گیرد، از توصیه‌نامه‌ای که در سال ۲۰۰۷ توسط وزارت کشور و با همکاری کلیه نهادها تحت عنوان جمع‌آوری بهترین دلایل در فرآیند دادرسی کیفری، راجع به بازپرسی از بزه‌دیدگان و شهود استفاده از تدابیر ویژه^۱، صادر شده است، استفاده می‌شود. این توصیه‌نامه جنبه الزامی ندارد اما راهنمای مناسبی از شیوه رسیدگی به جرائم علیه اطفال می‌باشد؛ از جمله در توصیه‌نامه مذکور، به مکان بازپرسی و ابعاد اتاق بازپرسی اهمیت به سزایی داده شده است. دکور اتاق باید دلپذیر باشد، اسباب‌بازی‌هایی متناسب با سن و جنس اطفال موجود باشد. زمان بازپرسی و شیوه انجام بازپرسی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نیازهای اطفال بزه‌دیده با صدور حکم محکومیت بزهکار پایان نمی‌پذیرد. حتی در مرحله اجرای حکم و بعد از آن نیز طفل بزه‌دیده نیازمند حمایت و شنیدن نگرانی‌هایش می‌باشد. ممکن است بزهکار در مرحله اجرای حکم یا پس از آزادی به لحاظ اتمام مجازات یا استفاده از نهادهایی مانند آزادی مشروط، اعطای مرخصی و ... دست به تهدید طفل بزه‌دیده بزند و یا مجدداً او را آماج جرم قرار دهد.

در حقوق انگلستان، نیاز طفل بزه‌دیده در مرحله اجرای مجازات، به برقراری ارتباط با دستگاه قضایی، و اظهار نگرانی‌ها و مشکلات به رسمیت شناخته شده است. بند ۲ ماده ۱۱ آئین‌نامه اجرایی بزه‌دیدگان، امکان برقراری تماس بزه‌دیدگان با این نهاد را فراهم آورده تا چنانچه، بزهکار در طول دوران حبس، با بزه‌دیده ارتباط برقرار نماید و موجبات آزرده‌گی و یا تهدید وی را فراهم آورد، با برقراری تماس با نهاد زندان، نگرانی خود را اعلام کرده و متعاقباً نهاد زندان نیز تدابیری که برای پیشگیری از وقوع مجدد چنین تماسی لازم است را اتخاذ نماید. همچنین اداره تعلیق مراقبتی و هیأت آزادی مشروط نیز، با انتصاب مأموری جهت برقراری ارتباط با بزه‌دیده، تحت عنوان افسر ارتباط با بزه‌دیده^۲، امکان استمرار ارتباط بین بزه‌دیده و دستگاه قضایی را فراهم نموده‌اند.

مراحل گوناگون فرآیند جنایی باید به گونه‌ای باشد که هراس بزه‌دیده را از تهدیدها و اقدامات تلافی‌جویانه متهم به پایین‌ترین سطح برساند و با حفاظت از زندگی خصوصی وی در او احساس امنیت ایجاد کند (رایجیان اصل، ۱۳۹۰، ب: ۵۸).

1 - Home Office, 2007, Achieving Best Evidence in Criminal Processing: Guidance on Interviewing Victims and Witnesses, and Using, Special Measures
2 - Victim Liaison Officer

نتیجه گیری

اطفال در همه کشورها با هر نژاد و فرهنگ و قومیت و با هر سطح درآمد و طبقه اجتماعی، مورد سوء رفتار قرار می‌گیرند. این سوء رفتار می‌تواند در سطوح پایین باشد به گونه‌ای که حتی خود طفل متوجه اینکه مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرد، نبوده و گاهی مرتکب نیز متوجه اینکه نسبت به حقوق طفل تعرض می‌نماید نباشد. همچنین سوء رفتار می‌تواند در سطوح بالا که منجر به صدمات شدید و یا مرگ طفل می‌گردد و یا در قالب جرائم سازمان یافته باشد. به هر روی دولتها در قوانین ملی خود برای مبارزه با کودک‌آزاری حمایت‌های کیفری و غیرکیفری را تصویب نموده‌اند. در اسناد بین‌المللی هم حمایت‌هایی از کودکان و نوجوانان به چشم می‌خورد. هر چند در بسیاری موارد این قوانین دارای خلاهای اساسی بوده و بعضاً در مرحله اجرا، چندان موفق عمل ننموده‌اند، مع الوصف برای برخورداری اطفال از همین حداقل حمایت‌ها، ابتدائاً باید سوء رفتار نسبت به آنها کشف و نمایان‌سازی گردد.

با بررسی انواع سوء رفتار نسبت به اطفال در محیط‌های مختلف - خانه، مدرسه، محیط کار، جامعه - ملاحظه می‌گردد که در غالب موارد، این سوء رفتارها گزارش نمی‌شوند و اتفاقات رخ داده به سکوت برگزار می‌گردد.

کودک در زمان نوزادی و مراحل اولیه رشد خود، اصلاً قادر به اعلام وقایع رخ داده علیه او نیست و توانایی لازم را در این خصوص ندارد. حال اگر متجاوز به حقوق او، فرد بیگانه باشد، ممکن است خانواده طفل، در صورت اطلاع، نسبت به اعلام جرم اقدام نمایند ولیکن اگر این تعرض توسط افراد خانواده باشد احتمال اطلاع مراجع قضایی از آن به حداقل می‌رسد.

کودکان در سنین بالاتر، اگرچه توان صحبت کردن و توضیح دادن اتفاقاتی که برای آنها رخ داده را دارند اما باز به دلایل مختلف از بیان آن وقایع ابا دارند. همانطور که در این نوشتار گذشت، در مواردی اطفال متوجه اینکه نسبت به آنها سوء رفتاری صورت گرفته نیستند؛ بسیاری از غفلت‌ها و سهل‌انگاری‌هایی که نسبت به اطفال صورت می‌گیرد، امری طبیعی جلوه می‌نماید؛ نه کودک و نه خانواده این آشنایی و اطلاعات را ندارند که حقوقی از طفل در حال ضایع شدن می‌باشد. حتی از آن فراتر، در مواردی جامعه نیز بسیاری از سوءرفتارها را که نسبت به اطفال در قالب «تربیت» و «سنت» صورت می‌گیرد موجه و مشروع می‌پندارد. نهایتاً دولت‌ها نیز گاهی با وضع مجازات‌هایی همچون اعدام، برای اطفال و نوجوانان، این قشر آسیب‌پذیر را مورد خشونت قرار می‌دهند.

همچنین در مواردی در سنین بالاتر که کودک کاملاً قادر به بیان جرم واقع شده علیه او می‌باشد، امیدی به وضعیت بهبود شرایط خود در صورت اعلام جرم و گزارش موقوف ندارد. در بسیاری از موارد کودکان به بیان نقض حقوقشان می‌پردازند ولیکن مشاورین امین و آگاه در

اختیار ندارند و بزرگسالی که مخاطب کودک قرار گرفته، نمی‌داند چگونه او را راهنمایی کند. بهر حال کودکان به دلایل شایعی که قبلاً ذکر شد و در مواردی به دلایل نادر و شخصی، از گزارش کودک‌آزاری خودداری می‌کنند و این امر موجب می‌گردد رقم سیاه این جرائم بسیار بالا و بزهکاران در محاسبه سود و زیان جرمی که می‌خواهند انجام دهند، در هنگام ارتکاب آن با هدفی کاملاً بی‌دفاع و ضعیف - کودک - روبرو هستند و در خصوص پیگرد قانونی نیز با توجه به سکوت کودکان و یا خانواده آنها، به راحتی خلاصی یافته و مورد پیگرد قرار نمی‌گیرند. با این اوصاف می‌بایست راهکارهای حمایتی اتخاذ نمود تا ریسک ارتکاب بزه برای بزهکار بالا رفته و در نتیجه عامل بازدارنده‌ای، بزهکار را تهدید نماید. برای پایین آمدن رقم سیاه این جرائم و کشف و نمایان‌سازی آن راه‌های مختلفی می‌تواند چاره‌ساز باشد، مانند حساسیت‌سازی عمومی، گزارش اجباری موارد کودک‌آزاری و جرم‌انگاری عدم گزارش و راه‌های حمایتی که منجر به شکستن سکوت اطفال بزه‌دیده می‌شود.

ابتدا می‌بایست کودکان و خانواده‌های آنها آموزش‌های لازم را جهت شناخت موارد سوء رفتار ببینند. کودکان باید حریم خصوصی خود را بشناسند و تعلیم داده شوند که چگونه از این حریم خصوصی محافظت نمایند و در صورت تعرض به آن، چگونه و به چه کسانی این تعرض را گزارش کنند تا وضعیت آنها وخیم‌تر از قبل نگردد.

راه‌اندازی محمل‌ها و سامانه‌هایی که در این راستا بتواند به کودکان کمک نماید الزامی است. کودکان باید به راحت‌ترین روش و در کوتاه‌ترین زمان قادر به گزارش اتفاقات رخ داده علیه آنها، باشند. متصدیان این امر می‌بایست افرادی آموزش دیده، امین و با مسئولیت‌پذیری بالا باشند.

کودکی که با شکستن سکوت، گزارش سوء رفتار نسبت به خود را اعلام می‌کند، می‌بایست حرف‌ها و نگرانی‌هایش شنیده شود. کلیه دست‌اندرکاران از مرحله گزارش کودک تا رسیدگی قضایی، صدور حکم و اجرای آن و پس از آن، می‌بایست افرادی آموزش دیده و واجد صلاحیت بوده و حق بر شنیده شدن اطفال بزه‌دیده را محترم شمارند. اطفال بزه‌دیده با بیان نگرانی‌ها، ترس‌ها، شرایط و اوضاع و احوال خود، می‌توانند کمک بزرگی برای اتخاذ تصمیمات مناسب باشند تا روند بزه‌دیدگی‌شان قطع شده و دچار بزه‌دیدگی مکرر و یا بزه‌دیدگی ثانوی نشوند. در صورت موفق نبودن ما در شنیدن حرف‌های کودکان بزه‌دیده و احترام به حرف‌های آنها، تأمین نیازهای این کودکان با مشکل مواجه خواهد شد. اگر طفل بزه‌دیده که بهترین شاهد وقوع جرم با جزئیات آن بوده، مخاطب قرار نگیرد، تشخیص نیازهای او امری غیرممکن است. شرایط هر طفل بزه‌دیده با طفل بزه‌دیده دیگر متفاوت و نیازهای آنها نیز گوناگون می‌باشد، لذا نمی‌توان به همه آنها به یک شکل پاسخ

داد. شنیدن نقطه نظرات آنها، ما را در انتخاب عملکرد و خدماتی که باید به آنها ارائه گردد یاری می‌نماید.

علاوه بر شنیده شدن اطفال بزه‌دیده، نظر به اینکه آنها بزه‌دیدگی را تجربه کرده‌اند، مسلماً مشارکت دادنشان در اتخاذ برخی تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند سودمند باشد. تصمیماتی که اتخاذ می‌شود، اثر مستقیم بر اطفال بزه‌دیده دارد، پس اگر از طریق تعامل با تجارب و نظرات آنها باشد، قطعاً نتیجه مطلوب‌تری را به دنبال خواهد داشت.

خصیصه آسیب‌پذیری اطفال و ناتوانی آنها در بیان وقایع رخ داده علیه ایشان، با بالا بردن احساس مسئولیت افراد جامعه و دادن آگاهی‌های لازم به آنها به طرق مقتضی برای شناخت موارد سوء رفتار نسبت به اطفال و گزارش‌دهی، به میزان چشمگیری قابل جبران است.

در خصوص مشاغلی که به طور خاص با اطفال سروکار دارند، و یا به لحاظ حرفه‌ای امکان کشف موارد کودک‌آزاری را دارند قطعاً دیدن این آموزشها در راستای کشف خشونت علیه اطفال و گزارش‌دهی اجباری آن الزامی است و می‌بایست عدم انجام این تکلیف جرم‌انگاری گردد. برای افراد عادی نیز حداقل تا جایی که خطری آنها را تهدید ننماید، به نظر اجباری کردن گزارش‌دهی موارد کودک‌آزاری منطقی است. در این راستا علاوه بر آموزش افراد جامعه در خصوص مسئولیت‌پذیری و آگاهی دادن به آنها برای شناخت موارد سوء رفتار علیه اطفال و حساسیت‌سازی عمومی، با توجه به نقش بسیار حائز اهمیت سازمان‌های مردم‌نهاد، می‌بایست نسبت به معرفی این سازمانها که در حوزه حقوق کودک فعالیت مؤثر و قانونی دارند به افراد جامعه و نحوه دسترسی آسان به آنها اقدام نمود؛ چرا که نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دهه‌های اخیر، با وجود موانع قانونی و نداشتن اختیارات برای انجام اقدامات فوری، بدون دستور مقام قضایی در موارد حاد و مواجه بودن با مشکلات عدیده در راستای تأمین بودجه و امکانات لازم برای خدمت‌رسانی به اطفال بزه‌دیده یا در معرض خطر، بر فعالین در حوزه حقوق کودک پوشیده نیست.

حال پس از گزارش کودک‌آزاری توسط طفل یا افراد جامعه، نوبت به ورود به چرخه سیستم عدالت کیفری می‌رسد؛ سیستمی که می‌تواند سزادهنده بزهکار و حمایت‌کننده کودک بزه‌دیده به نحو مطلوب باشد؛ در عین اینکه می‌تواند، موجبات بزه‌دیدگی ثانوی را فراهم نماید. باید پس از ورود طفل بزه‌دیده به سیستم عدالت کیفری، او احساس امنیت نماید و از نگرانی‌هایش کاسته شود. حقوق او در فرآیند دادرسی به شرح پیش گفته می‌بایست رعایت گردد. محیط دادسرا و دادگاه و اداره پلیس باید محیطی دوستانه، برای طفل بزه‌دیده بوده تا طفل قادر به بازگویی وقایع رخ داده باشد.

پس از دادرسی و محکومیت بزهکار، همچنان اقدامات حمایتی نسبت به طفل بزه‌دیده

می‌بایست ادامه داشته باشد؛ چرا که بزهکار می‌تواند با تهدید طفل بزه‌دیده به تلافی‌جویی، موجبات نگرانی‌های جدیدی را برای او فراهم نماید. حسب اینکه بزهکار از خانواده و مراقبین طفل باشد یا شخص بیگانه، مسلماً اقدامات حمایت در زمان اجرای حکم و پس از پایان یافتن دوره مجازات، بسیار متفاوت است.

به هر تقدیر، اگرچه قوانین ملی و اسناد بین‌المللی در حمایت‌های کیفری و غیرکیفری نسبت به اطفال بزه‌دیده دارای خلاءهایی هستند، النهایه همین میزان حمایت‌ها نیز نباید با سکوت اطفال بزه‌دیده، شنیده نشدن آنها و عدم اعتمادشان به سیستم عدالت کیفری به لحاظ سوء عملکرد در موارد مشابه، از اطفال بزه‌دیده دریغ شود. این امر مستلزم آموزش‌های لازم به ترتیب پیش گفته و دستیابی اطفال بزه‌دیده به موقعیتی بهتر و امن‌تر می‌باشد. کودکان انتظار دارند که در کوتاه‌ترین زمان ممکن و بدون فوت وقت از حقوق خود بهره‌مند گردند و با موارد تضییع حقوقشان به نحو مؤثری برخورد شود. تا زمانی که آنها نتیجه مطلوبی از اعلام جرم نگیرند، بدبینی آنها به وعده‌های پوچ و توخالی بزرگسالان پایان نمی‌پذیرد و کشف و نمایان‌سازی این جرائم همچنان با رقم سیاه بالایی باقی می‌ماند.

فهرست منابع

فارسی

۱. رایجیان اصل، مهرداد، (۱۳۹۰)، الف، بزه‌دیده‌شناسی، جلد یکم، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش
۲. رایجیان اصل، مهرداد، (۱۳۹۰)، ب، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، چاپ دوم، تهران: دادگستر.
۳. سرجیو پینه‌رو، پائولو، (۱۳۸۷)، گزارش جهانی در مورد خشونت علیه کودکان، ترجمه علیرضا یارپرور، (۲۰۰۶)، تهران: یونیسف (صندوق کودکان سازمان ملل متحد)
۴. سماواتی، پیروز، امیر، (۱۳۸۸)، ناتوانان بزه‌دیده در پرتو رهیافت‌های جرم‌شناسی و قوانین کیفری در حقوق ایران و انگلستان، رساله دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی
۵. عباچی، مریم، (۱۳۸۳)، «پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان»، مجله حقوقی دادگستری، تابستان، شماره ۴۷، صفحه ۸۶-۴۹
۶. نجفی ابراندآبادی، علی حسین، (۴-۱۳۷۳)، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

لاتین

7. Bunting, L.,(2014), Invisible Victims: Recorded Crime and Children in The UK. Child Abuse Review. 23 (3), 200-213, DOI: 10. 1002 / Car. 2252, Publishe in: Child Abuse Review.
8. Cohen, Miriam,(2007), "Victims Participation Rights Within the International Criminal Court: a Critical Overview", Cohen, Denver Journal of International Law an Policy, No 37, Pp. 351-377
9. Committee on the Rights of the Child,(2016), Advance Unedited Version
10. Convention on the Rights of the Child
11. Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power General Assembly, Resolution 40/34
12. Home Office,(2007), Achieving Best Evidence in Criminal Proceeding: Guidance on Interviewing Victims and Witnesses, and Using, Special Measures
13. Penal Reform International,(2013), Protecting Children' s Rights in Criminal Justice Systems
14. Porteous, David,(2016), Victims Reference Group, "Offenders as Victims", Youth Justice Board, This Publication is Available at <http://victimscommissioner.org.uk/>
15. The Howard League for Penal Reform,(2007), "children as Victims", Design by barbed @ howard league.Org
16. UN Guidelines on Justice in Matters Involving Child Victims and Witnesses of Crime.
17. Victims' Commissioner's Office,(2017), A Review of Children's Entitlements in the Victim's Code.

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۲۶۲ - ۲۳۳

تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه دینی و هویت اخلاقی (مورد مطالعه: شهر اصفهان)

سارا مدنیان^۱
سیدعلی هاشمیان فر^۲
مقصود فراستخواه^۳

چکیده

یکی از دغدغه‌های مهم در جوامع انسانی، که همواره مورد توجه دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی قرار داشته است، وجود جامعه‌ای با کنشگران اخلاقی است. بر اساس نظریه استتس هویت اخلاقی مقدمه کنش اخلاقی است و بنابراین شناخت عوامل مؤثر بر آن حائز اهمیت است. بر این اساس، هدف از نگارش این مقاله بررسی تأثیر متغیر سرمایه دینی بر هویت اخلاقی است. برای بررسی این رابطه، داده‌های مورد نیاز با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه و با انتخاب نمونه ۵۴۶ نفری از شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر اصفهان به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای متناسب با حجم بر اساس متغیرهای گروه سنی، جنس و منطقه سکونت به دست آمد. یافته‌های پژوهش نشان داد نمره هویت اخلاقی و ابعاد آن و همچنین سرمایه دینی بالاتر از میانگین است. همچنین متغیر سرمایه دینی ۲۹ درصد از واریانس متغیر هویت اخلاقی را تبیین می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت متغیر سرمایه دینی در حد بالایی توان تبیین واریانس متغیر هویت اخلاقی را دارد.

واژگان کلیدی

هویت اخلاقی، سرمایه دینی، کنش اخلاقی، دینداری، نظریه هویت.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

Email: madanian.s@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. (نویسنده مسئول).

Email: seyedalihashemianfar@yahoo.com

۳. دانشیار گروه برنامه‌ریزی آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

Email: m_farasatkah@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۲۶

طرح مسأله

اخلاق و زیست اخلاقی به‌مثابه عناصر جدایی‌ناپذیر زندگی اجتماعی انسان از اهمیت بسیاری برخوردارند و از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده‌اند. این موضوع، در دوران معاصر نیز به‌واسطه روبه‌روشدن جوامع با سبک تازه‌ای از زندگی و نوع جدیدی از تعاملات اجتماعی، نه‌تنها اهمیت پیشین خود را از دست نداده که با توجه به درهم‌تنیدگی‌های بیشتر روابط اجتماعی، جایگاه مهم‌تری نیز یافته و محمل پژوهش‌های جدی‌تری در علوم مختلف و ازجمله جامعه‌شناسی قرار گرفته است. موضوع اخلاق امری مربوط به انسان و روابط اجتماعی است و از آنجایی که رابطه اجتماعی رکن اصلی «ما» و اجتماع است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۴۷)، پایبندی به اخلاق باعث قوام و ادامه حیات اجتماعی انسان‌ها می‌گردد و نویدبخش تحقق زندگی خوب برای شهروندان است.

امروزه از جمله مسائل مطرح در جامعه، مصادیقی از بی‌اخلاقی‌هایی است که افراد در تعاملات روزمره خود با آن روبه‌رو می‌شوند. نتایج برخی پژوهش‌ها نیز حاکی از نگرانی‌هایی درباره وضعیت اخلاقی جامعه است. چنان‌که در موج دوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، درباره آینده وضعیت اخلاقی جامعه، در پاسخ به دو پرسش مطرح شده «فکر می‌کنید رواج صفات بد اخلاقی مثل دورویی، تظاهر، تقلب و کلاهبرداری بین مردم در پنج سال آینده بیشتر خواهد شد یا کمتر؟» و «فکر می‌کنید رواج صفات خوب اخلاقی مثل صداقت، راستگویی، گذشت و امانتداری بین مردم در پنج سال آینده بیشتر خواهد شد یا کمتر؟»، ۸۷/۴ درصد پاسخگویان بر این باور بودند که در پنج سال آینده رواج صفات منفی بیشتر خواهد شد و ۱۵/۷ درصد در پاسخ به سؤال دوم به رواج بیشتر صفات خوب اخلاقی در آینده باور داشتند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲: ۱۲۷)، همچنین در پیمایشی که فرستخواه (۱۳۹۴) در میان اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور درباره وضعیت خلق و خوی ایرانیان انجام داده است، ۹۵/۷ درصد کم‌وبیش موافق بودند که خلیقات ایرانی ضعف‌هایی دارد و مواردی مانند ضعف فرهنگ کار جمعی، آزدگی از انتقاد، رودربایستی زیاد، پنهان‌کاری، خودمداری، رواج دروغ و ناتوانی در گفت‌وگو را از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های بحث‌انگیز خلیقات ایرانی معرفی نمودند. بنابراین از مجموع نگرانی‌های عمومی و تخصصی در این حوزه، لزوم پرداختن به موضوع اخلاق در ایران ضروری به نظر می‌رسد.

در حوزه پژوهش‌های اخلاقی و شناسایی عوامل ارتقای اخلاقی جامعه، بحث‌های مختلفی مطرح است که از میان آنها، این مقاله بر مفهوم «هویت اخلاقی»^۱ متمرکز می‌شود. این مفهوم

طی چهار دهه اخیر در میان صاحب‌نظران روان‌شناسی اجتماعی مطرح شده است. ادعای این نظریه‌پردازان (بلاسی^۱، ۱۹۸۴؛ آکوئینو^۲ و رید^۳، ۲۰۰۲؛ استتس^۴، ۲۰۱۰؛ هاردی و کارلو^۵، ۲۰۰۵؛ لاپسلی و نارواز^۶، ۲۰۰۴)، که در پژوهش‌های تجربی نیز به اثبات رسیده است، این است که داشتن «هویت اخلاقی» به کنش اخلاقی^۷ منجر می‌شود. به عبارتی، وقتی اخلاق نقش محوری در تعریف فرد از هویتش داشته باشد، ارزش‌های اخلاقی به‌مثابه بخش جدایی‌ناپذیر کنش‌های اخلاقی فرد در نظر گرفته می‌شوند و می‌توان امیدوار بود که وی در موقعیت‌های مختلف کنش اخلاقی داشته باشد.

بنابراین، با توجه به اهمیت کنش‌های اخلاقی برای بقای روابط اجتماعی سالم در جامعه، و از آنجا که بر اساس نظریات جدید در حوزه روان‌شناسی اجتماعی وجود هویت اخلاقی در افراد می‌تواند مقدمه کنش اخلاقی و پرکننده شکاف میان نظر و عمل در حوزه اخلاق باشد، بررسی عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت اخلاقی در افراد ضروری به نظر می‌رسد. با این حال چنان‌که شلنکر^۸، میلر^۹ و جانسون^{۱۰} (۲۰۰۹)، معتقدند با وجود اهمیتی که هویت اخلاقی در پژوهش‌های اخلاقی دارد، درباره عوامل شکل‌دهنده آن مطالعات اندکی انجام شده است (لاندبرگ، ۲۰۱۴: ۱۵).

در میان اجزای متعدد محیط اجتماعی، که در شکل‌دادن و تأثیر گذاشتن بر فرد و زندگی‌اش اهمیت دارند، دین یکی از مهمترین‌ها است؛ چراکه ارزش‌ها، هنجارها و، به‌طور خلاصه، فرهنگ دینی عمیقاً بر چگونگی فهم افراد از خودشان و دیگران تأثیر می‌گذارد (زاکرم، ۱۳۹۴: ۴۹). اگرچه درباره حضور دین در دنیای معاصر، جامعه‌شناسان دین نظریات متفاوتی با یکدیگر دارند و مثلاً برخی مانند بروس^{۱۱} معتقدند با پیشرفت و بسط فرهنگ و تمدن مدرن، دین به‌نحوی اجتناب‌ناپذیر هم در سطح کلان و هم در سطح خرد افول می‌کند، برخی دیگر مانند برگر^{۱۲}،

-
1. Blasi
 2. Aquino
 3. Reed
 4. Stets
 5. Hardy and Carlo
 6. Lapsley and Narvaez
 7. Moral Action
 8. Schlenker
 9. Miller
 10. Johnson
 11. Bruce
 12. Burger

دیوی^۱، کزانو^۲، گرچه تغییرات دین در جهان جدید را ناگزیر می‌دانند، به افول اجتناب‌ناپذیر آن باور ندارند (جلائی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۲). در ایران نیز دین همچنان یکی از نیروهای قدرتمند جامعه است و در عرصه‌های گوناگون خرد و کلان تأثیرگذار است. بحث‌های گوناگونی دربارهٔ انواع روابط میان دین و اخلاق در ابعاد نیاز این دو به یکدیگر، وسیله و هدف بودن یکی نسبت به دیگری، جدایی یا یکی بودن قلمروهای آنها توسط آنان مطرح شده است (ملکیان، ۱۳۸۷). زگربسکی^۳ می‌نویسد که اخلاق دست‌کم از سه جنبهٔ فراهم‌آوردن هدف زندگی اخلاقی، فراهم‌آوردن انگیزه برای اخلاقی بودن و فراهم‌آوردن بنیان و توجیه برای اخلاق، ممکن است نیاز به دین داشته باشد (زگربسکی، ۱۳۹۰). در ادبیات مربوط به حوزهٔ دین موضوعات گوناگونی چون دینداری، هویت دینی، جامعه‌پذیری دینی و سرمایهٔ دینی مطرح می‌شوند که از میان آنها در این پژوهش، سرمایهٔ دینی به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است.

با توجه به نتایج برخی پژوهش‌ها در حوزهٔ اخلاق در اصفهان، برای مثال پژوهش ربانی و شهبابی (۱۳۸۹) دربارهٔ ارزش‌های اخلاقی جوانان شهر اصفهان که حاکی از این است که ارزش‌هایی چون راستگویی، درستکاری، انصاف، گذشت، پایبندی به قول و قرار، کمک به دیگران و امانتداری، فارغ از خصوصیات زمینه‌ای، از اهمیت زیادی در میان جوانان اصفهانی برخوردار نیستند و همچنین جدیدترین گزارش تحلیل وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی کشور (فروردین ۱۳۹۸)، در شهر اصفهان که بیانگر این است که بیش از ۵۰ درصد مردم به کم‌رواج بودن صفاتی مانند گذشت، انصاف، اعتماد به یکدیگر، راستگویی، یکرنگی، درستکاری و دیگرخواهی و در مقابل شیوع ویژگی‌هایی چون دو رویی و بدبینی و تجمل‌گرایی و رباخواری در میان مردم اشاره کرده‌اند، این پژوهش برای واکاوی بیشتر موضوع، درصدد بررسی وضعیت هویت اخلاقی در میان شهروندان اصفهان و پاسخ به سؤالات زیر است:

- سطح هویت اخلاقی و ابعاد آن در میان شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر اصفهان چقدر است؟

- سطح سرمایهٔ دینی و ابعاد آن در میان شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر اصفهان چقدر است؟

- سرمایهٔ دینی تا چه حد توان تبیین هویت اخلاقی و ابعاد آن را دارد؟

مبانی نظری پژوهش

بحث دربارهٔ رشد اخلاقی ریشه در پژوهش‌های پیازه^۱ دربارهٔ «سنت مراحل اخلاقی»^۲ (۱۹۶۵) داشته و بعدها با مطالعات کولبرگ^۳ (۱۹۷۱) دربارهٔ داوری اخلاقی^۴ ادامه یافته است. مفهوم داوری اخلاقی، مبتنی بر این فرض بود که هرچه استدلال اخلاقی فرد دقیق‌تر باشد، بیشتر می‌توان از او انتظار رفتار اخلاقی داشت (بلاسی ۱۹۸۰ به نقل از استتس و کارتر^۵، ۲۰۰۶). پس از چندی، انتقاداتی به این نظریه وارد شد و از آن جمله اینکه تضمینی نیست که استدلال اخلاقی فرد لزوماً با سطح رفتار اخلاقی او، همخوانی داشته باشد. این قبیل انتقادات به طرح مفهوم هویت اخلاقی به‌منزلهٔ منبع رفتار اخلاقی (بلاسی، ۱۹۸۴؛ آکوئینو و رید، ۲۰۰۲؛ آکوئینو و همکاران، ۲۰۰۹؛ لاپسلی و ناروائز، ۲۰۰۴)، منجر گردید. بلاسی، حلقهٔ مفقود شکاف بین استدلال اخلاقی و کنش اخلاقی، را خود اخلاقی^۶ می‌داند. از نظر وی، آنچه که نیروی محرک برای اخلاقی رفتار کردن را فراهم می‌آورد وفاداری به خود اخلاقی است. بنابراین، وقتی خود فرد بر محور دغدغه‌های اخلاقی تعریف می‌شود، این میل به‌عنوان نیروی انگیزشی اصلی برای رفتار اخلاقی عمل می‌کند (ریمر، ۲۰۱۴). همچنین «مدل شناختی-اجتماعی»^۷ که عمدتاً توسط آکوئینو و رید (۲۰۰۲، ۲۰۰۹) و همچنین لاپسلی و ناروائز (۲۰۰۴؛ ۲۰۱۶) مورد بررسی قرار گرفته، بر اساس این فرض شکل گرفته است که انسان‌ها به‌واسطهٔ محدودیت‌های شناختی خود در پردازش اطلاعات، برای خود نظام‌های مقوله‌بندی از جمله طرحواره^۸ها را شکل می‌دهند. به این ترتیب، در این مدل عناصری از طرحواره‌هایی که رمزگذاری‌های خاصی از محیط اطراف فرد را (مانند رمزگذاری جهان با چارچوب اخلاقی) برای استفاده در موقعیت‌ها در حافظه در دسترس‌تر می‌سازند، گردآوری می‌شوند و به این طریق، هویت اخلاقی به نحو آماده‌تری برای به‌کارگیری در موقعیت‌ها در دسترس قرار می‌گیرد (آکوئینو و فریمن ۲۰۰۹، آکوئینو و همکاران ۲۰۰۹، لاپسلی و ناروائز ۲۰۰۴؛ استتس و کارتر، ۲۰۱۱).

در جامعه‌شناسی، استتس با رویکرد روان‌شناسی اجتماعی هویت اخلاقی را نوعی هویت شخصی معرفی می‌کند که تحت تأثیر موقعیت‌ها، بافتارها و ساختارهای اجتماعی است. وی ضمن مدنظر قراردادن «خود» به عنوان هستهٔ اصلی مفهوم هویت اخلاقی، با مرور دو چشم‌انداز

1. Piaget
2. Moral stage tradition
3. Kohlberg
4. Moral judgment
5. Carter
6. Moral self
7. Social-Cognitive Model
8. Schema

عقلانیت^۱ و شهودی^۲ در مطالعات اخلاقی، چارچوب توأمانی^۳ از این دو را فراهم می‌آورد؛ به این صورت که جنبه‌های مختلف «خود» را به ساختار نظری منسجمی پیوند می‌دهد و به این ترتیب با فراتر رفتن از داورهای اخلاقی عقلانی و شهودی، شکاف مهمی را در مطالعات اخلاقی پر می‌کند. استتس، بدین منظور، از نظریه هویت استرایکر^۴ استفاده می‌کند (استتس، ۲۰۱۶). نظریه هویت، که ذیل چارچوب کنش متقابل نمادین ساختاری (استرایکر ۱۹۸۰) قرار دارد، بر اهمیت خود تأملی به صورت اجتماعی تولید شده تأکید می‌کند، و بدین ترتیب، روشی منطقی برای پیوند ابعاد متنوع خود اخلاقی، یعنی هویت اخلاقی، عواطف اخلاقی^۵ و رفتار اخلاقی پیشنهاد می‌دهد. فرض راهنما در اینجا این است که انسان‌ها به مثابه هستی‌های خودتنظیم^۶ فعالانه در کنش‌های معطوف به هدف که هدفشان تأیید هویت است درگیر می‌شوند. اگر افراد نتوانند ادراکاتشان را در سطح استاندارد هویت درونی‌شان کنترل کنند، عواطف منفی (شرم و گناه) را تجربه خواهند کرد. این عواطف منفی آنها را تحریک خواهد کرد که رفتارشان در محیط را به گونه‌ای تنظیم کنند که به هماهنگی بهتری با استانداردهای هویت درونی‌شان منجر شود (استتس، ۲۰۱۰: ۱۲۰).

بر این اساس مشخص است که آنچه برای کنش اخلاقی انگیزه ایجاد می‌کند وفاداری به هویت اخلاقی است، به این معنا که افراد اساساً خودشان را هستی‌هایی اخلاقی تصور کنند که در موقعیت‌های مختلف به واسطه تعریفی که از کیستی خود دارند و آن را در ارتباط با اخلاقی بودن تعریف می‌کنند، اقدام به کنش اخلاقی می‌کنند. استتس هویت اخلاقی را شامل معانی‌ای می‌داند که با اخلاقی بودن در ارتباط است و مشخص می‌کنند که تصور هر شخص از پابندی‌های اخلاقی‌اش به چه صورت است (استتس، ۲۰۱۰: ۳۹۵) و این هویت اخلاقی در متن بافتار جامعه

1. Rationalist

ریشه‌های چشم‌انداز عقل‌باور در روان‌شناسی اخلاق به زمان فیلسوفان باستان، افلاطون و ارسطو برمی‌گردد. در فلسفه اخلاق مدرن نیز، کانت (۱۷۸۵) در توسعه جهت‌گیری عقلانی به اخلاق تأثیرگذار بود. کانت نیز بعداً، به این موضوع اشاره داشت که برای افراد مهم است که اصولی را برای چگونگی عمل در موقعیت‌ها کشف کنند که ذاتاً از طریق استدلال ظاهر می‌شوند (استتس، ۲۰۱۶).

2. Intuitionist Perspective

چشم‌انداز شهودباور که با آثار هیوم (۱۷۳۹) آغاز می‌شود، در واکنش به چشم‌انداز عقل‌باور توسعه یافت. فلسفه اخلاق هیوم به جای مهارت‌های استدلالی روی احساسات^۲ افراد تأکید می‌کرد. به این صورت که مردم از کنش‌هایی که مورد تأییدشان بود، احساس لذت و از کنش‌هایی که عدم تأییدشان را به دنبال داشتند، احساس عدم لذت می‌کردند (استتس، ۲۰۱۶).

3. A dual Process Approach

4. Stryker

5. Moral Emotions

6. Self-regulating entities

شکل می‌گیرد و عمل می‌کند.

به اعتقاد هیتلین و ویزی، تمرکز روی ذهن اخلاقی فرد، مجزای از زمینه، شبکه‌ها، تاریخ، موقعیت اجتماعی به‌تنهایی کفایت نمی‌کند چراکه تعهدات و استانداردهای اخلاقی فقط شخصی نیستند بلکه در زمینه موقعیت‌ها، هویت‌ها و روابط جاری فرد، شکل می‌گیرند (هیتلین و ویزی، ۲۰۱۰: ۱۱). در همین راستا، استتس بر نقش دین و منابع دینی بر هویت اخلاقی افراد جامعه تأکید می‌کند. وی، با اتکا به نظریات کنش متقابل ساختاری و از جمله نظریه هویت استرایکر و برک^۱، بر این باور است که قوی‌ترین هویت اخلاقی برخی افراد و حساسیت آنها نسبت به معانی اخلاقی به‌طور مشخص تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی و برخی منابع و موقعیت‌ها قرار دارد. استتس از میان ساختارها و منابع اجتماعی، که در تکوین هویت اخلاقی انسان‌ها مؤثرند، به دین نیز اشاره می‌کند (استتس، ۲۰۱۰: ۴۰۴).

قابل توجه است که در جامعه‌شناسی رویکردهای نظری از یک‌سو و پژوهش‌های تجربی از سوی دیگر بر نقش و تأثیر دین در زمینه اخلاق و هویت اخلاقی جامعه صحنه گذاشته‌اند. به عنوان نمونه، دورکیم با نگاه کارکردی معتقد بود دین به‌طور مداوم جمع را می‌سازد و بازسازی می‌کند و این کار را با محکم‌کردن پیوندهایی که فرد را به جامعه متصل می‌کند انجام می‌دهد (جلالی مقدم، ۱۳۹۴: ۷۶). از نظر او دین در تکوین «وجدان جمعی» یا وجدان و آگاهی اخلاقی جامعه اهمیت فراوان دارد و برای کارکرد درست زندگی اخلاقی ما ضروری است (دیویس^۲ به نقل از جلالی مقدم، ۱۳۹۴: ۶۴). دورکیم دین را نیرویی می‌داند که در درون افراد احساس الزام اخلاقی را ایجاد می‌کند (کوزر^۳، ۱۳۸۳: ۱۹۷). در اندیشه وی آرمان اخلاقی امری پیوسته با دین است. او معتقد است در طی قرن‌ها، حیات اخلاقی و زندگی دینی پیوندهای ناگسستنی با یکدیگر داشته و حتی یکسره با هم درآمیخته‌اند (دورکیم، ۱۳۹۱: ۸۰). دورکیم در کتاب *صور بنیانی حیات دینی*، به نقش مناسک مذهبی در حفظ اخلاق اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد که این قبیل مراسمات و وظیفه اجتماعی حفظ جماعت، تر و تازه نگهداشتن حس تعلق به گروه و مراقبت از اعتقاد و ایمان افراد را عهده‌دارند (آرون^۴، ۱۳۷۰: ۳۸۶). از نظر وی، از طریق مشارکت در مناسک و مراسم مذهبی است که قدرت اخلاقی جامعه احساس می‌شود و احساسات اخلاقی و اجتماعی از همین طریق تقویت و تجدید می‌شوند (همیلتون^۵، ۱۳۷۷: ۱۷۷).

و بر نیز ضمن تأکید بر عنصر معنا در اعمال و کنش‌های آدمی، تأکید می‌کند که دینداران

1. Burke
2. Davis
3. Coser
4. Aron
5. Hamilton

به واسطه ایمان و اعتقاد بهتر می‌توانند بر خواہش‌های نفسانی و غریزی خود غلبه کنند و احتمال کمتری دارد که به رفتارهای پرخطر روی آورند. از نظر او، دین عامل مهمی برای کنترل خواہش‌های غریزی است (ترنر^۱، ۱۹۹۶؛ به نقل از سراج‌زاده، ۱۹۹۸).

صاحب‌نظران دیگر این حوزه نیز به نوعی به اهمیت نقش دین در حفظ اخلاق می‌پردازند. برای مثال برگر به نقش دین در جلوگیری از بیگانگی فرد از نظام ارزش‌ها و هنجارهای جامعه (سراج‌زاده، ۱۳۹۱)، رابرتسون اسمیت^۲ به نقش تنظیم‌کنندگی دین در رفتار فرد برای خیر همگان (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۷۰)، توماس اُدی^۳ (سراج‌زاده، جواهری و ولایتی‌خواجه، ۱۳۹۲) و دیویس (سراج‌زاده، ۱۳۸۸) به نقش دین در تشویق افراد به مقدم دانستن اهداف گروهی بر اهداف فردی، یینگر^۴ به نقش دین در پایداری به ارزش‌های اخلاقی (سراج‌زاده، ۱۳۹۱) اشاره می‌کنند.

هارت و آتکینس^۵ ضمن ارائه مدلی از مجموعه عوامل مؤثر بر هویت اخلاقی، دین را زیرمجموعه عوامل فرهنگی در این حوزه قرار می‌دهند. آنها با اشاره به نقشی که جانسون^۶ (۱۹۹۷، ۱۹۹۸) برای فرهنگ در چهارچوب‌بندی زندگی اخلاقی مطرح می‌کند، توضیح می‌دهند که دین به منزله یکی از زمینه‌های فرهنگی، تأثیر بزرگی روی رشد هویت اخلاقی دارد. به باور آنان، دین می‌تواند پیوندهایی را بین اهداف اخلاقی و حس از خود ایجاد کند. زیرا هر دینی جهان‌بینی‌ای می‌سازد که پاسخ‌هایی را به سؤالات هستی‌شناختی از معنا و هدف زندگی ارائه می‌دهد. درعین حال، به اعتقاد آنان افراد با شرکت در آئین‌های مذهبی، به‌طور منظم در معرض توصیه‌های اخلاقی قرار می‌گیرند و به این ترتیب ایده‌ها و مباحث اخلاقی برای‌شان پررنگ‌تر شده، فرصت بیشتری برای تأملات متفکرانه درباره مباحث اخلاقی خواهند داشت. همه این مسائل به مرور سبب درونی شدن ارزش‌های اخلاقی در آنها می‌شود. همچنین شرکت در فعالیت‌های مذهبی باعث گسترش شبکه ارتباطات اجتماعی گشته، و بدین ترتیب برای افراد، فرصت تطبیق بهتر با ارزش‌های اخلاقی جامعه را فراهم می‌کند (هارت و آتکینس، ۲۰۰۴).

1. Turner

2. Robertson Smith

3. Thomas O'dea

4. Yiger

5. Hart and Atkins

۶ جانسون با طرح چهار سؤال «ما کیستیم؟»، «کجاییم؟»، «چرا رنج می‌بریم؟»، «چگونه بهبود می‌یابیم؟»، توضیح می‌دهد که براساس مطالعاتش، پاسخ‌های فرهنگ به این چهار سؤال دآوری اخلاقی افراد را در مجموعه متنوعی از ایده‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ویتل^۱ و همکاران (۲۰۰۹) بر اساس نظریه اخلاقی هانت- ویتل^۲ (۱۹۸۶، ۱۹۹۳)، معتقدند دینداری بر تصمیم‌گیری‌های اخلاقی^۳ و همچنین هویت اخلاقی مقدم است. واکر و پیتس^۴ (۱۹۹۸) نیز معتقدند دینداری و اخلاق با یکدیگر پیوند دارند و بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که دینداری پیش‌بین هویت اخلاقی در نظر گرفته شود. همچنین گِیر و بامیستر^۵ (۲۰۰۵: ۴۲۱) اشاره کرده‌اند که دین نظم‌ی از دلایل متقاعدکننده را برای سلوک اخلاقی فراهم می‌کند. جورجی و مارش^۶ نیز نشان داده‌اند که دین و سطح اشتیاق دینی فرد تأثیر مثبتی بر اخلاقیات او دارد (ویتل و همکاران، ۲۰۰۹). و در نهایت اینکه نگاهی به متون دینی و آموزه‌های شخصیت‌های مذهبی نشان از آن دارد که همه ادیان بر اهمیت ارزش‌های اخلاقی تأکید دارند (وارد و کینگ^۷، ۲۰۱۸؛ مک‌کی و وایت‌هاوس^۸، ۲۰۱۵؛ ویتل و همکاران، ۲۰۰۹).

مرور پیشینه‌ها نشانگر آن است که در میان پژوهش‌های داخلی، عظیم‌پور و همکاران (۱۳۹۳)، محمدی مصیری و همکاران (۱۳۹۲)، و توکلی و همکاران (۱۳۸۸)، به بررسی رابطه میان دینداری و هویت اخلاقی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش‌ها حاکی از رابطه مثبت و معنادار میان دینداری و هویت اخلاقی است. بر اساس جمع‌بندی این پژوهش‌ها بسیاری از روابط انسانی که از اصول اخلاقی تبعیت می‌کنند، نیاز به مهار درونی دارند که دین عهده‌دار آنهاست. در پژوهش‌های خارجی نیز، وارد و کینگ (۲۰۱۸)، ویتل و همکاران (۲۰۰۹)، هارت و آتکینس (۲۰۰۴)، فارو و همکاران (۲۰۰۴)، فارو و واگنر (۲۰۰۰)، کولبای و دیمون^۹ (۱۹۹۵)، ووثنو (۱۹۹۴) به بررسی این رابطه پرداخته‌اند. وارد و کینگ (۲۰۱۸) اظهار می‌دارند که ایمان مذهبی می‌تواند محیط مناسبی را برای تحقق هدف اخلاقی بودن برای شخص فراهم کند. کولبای و دیمون (۱۹۹۵) نیز توضیح می‌دهند که بیشتر نمونه‌های اخلاقی مطالعه‌شان، ادعا کرده‌اند که تعهدات ایمانی نقش مهمی را به‌عنوان مبنای کنش اخلاقی‌شان ایفا می‌کنند. یافته‌های آنها نشان داده است که دین به‌مثابه سازه وحدت‌بخشی در زندگی کسانی که هویت اخلاقی برجسته دارند عمل می‌کند و یکپارچگی اهداف شخصی و ملاحظات اخلاقی را ارتقا می‌دهد. ووثنو (۱۹۹۴)^۱ نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که کسانی که تجارب دینی عمیقی را درباره

1. Vitell
2. Hunt-Vitell Theory of Ethics
3. Moral decision-making
4. Walker & Pitts
5. Geyer & Baumeister
6. Giorgi & Marsh
7. King
8. McKay and Whitehouse
9. Colby and Damon
10. Wuthnow

خودشان گزارش کرده‌اند، بیشتر متمایل به مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه، که نمودی از هویت اخلاقی است، بوده‌اند (پارک و اسمیت، ۲۰۰۲: ۲۷۴).

همچنین بر اساس یافته‌های وارد و کینگ (۲۰۱۸)، بسیاری از افراد مذهبی باوری را دربارهٔ خدایی ماوراطبیعی و قدرتمند در خود درونی می‌کنند که رفتارهای انسان را رصد کرده، و آنهایی را که از قوانین اخلاقی سرپیچی می‌کنند، مجازات می‌کند. آنها طی پنج مطالعه به این نتیجه رسیدند که افرادی که وفاداری عمیقی نسبت به باورهای دینی‌شان دارند، هنگامی که تصویر خود اخلاقی‌شان مورد تهدید قرار می‌گیرد، عواطف اخلاقی بالاتری از خود نشان می‌دهند و تلاش می‌کنند رفتارهای مطلوب جامعه را انجام دهند.

پژوهش‌های ویتل و همکاران (۲۰۰۹)، حاکی از آن بوده‌اند که اهتمام مذهبی^۱ و همچنین تعلق مذهبی، به‌واسطهٔ توانایی درونی‌سازی ویژگی‌های اخلاقی و افزایش خودکنترلی، از جمله زمینه‌هایی‌اند که می‌توانند باعث فعالسازی ذهنی هویت اخلاقی و تکوین هویت اخلاقی در افراد بشوند. به عبارت دیگر، چارچوب‌های ایدئولوژیک از طریق ایجاد حس تعهد و تعلق به دیگران و جامعه، باورها، ارزش‌ها و جهان‌بینی‌هایی را در افراد درونی می‌کنند که به هویت‌یابی اخلاقی آنها کمک می‌کنند. به عبارتی از نظر آنها دین به‌واسطهٔ توانایی در فراهم کردن تصویری از شکوفایی انسان و پذیرش و دنبال کردن استانداردهای اخلاقی در افراد، می‌تواند پیش‌بین هویت اخلاقی باشد.

طبق نتایج تحقیقات فارو و واگنر (۲۰۰۰)^۲ مشخص شده است که رفتارهای مسئله‌دار در جوانان مذهبی نسبت به جوانان غیرمذهبی کمتر است. از نظر آنها این موضوع به دلیل پشتیبانی بیشتری است که این جوانان از طریق روابط اجتماعی دریافت می‌کنند. مشارکت در امور مذهبی، فرصت‌های در دسترس جوانان برای روابط اجتماعی را افزایش می‌دهد. جوانان مذهبی به‌طور منظم در نشست‌هایی با همسالان و بزرگسالانی که باورهای مشترکی با آنها دارند حاضر می‌شوند. این تعامل پیوسته با یک شبکهٔ اجتماعی همساز و موافق پایه‌های شکل‌گیری روابط معنادار را فراهم می‌کند. مهم‌تر اینکه روابطی که به‌عنوان پیامد مشارکت مذهبی شکل می‌گیرند، زمینه‌ای را فراهم می‌کنند که در آن افراد می‌توانند کنش‌های جامعه‌پسند^۳ را دنبال کنند (هارت و آتکینس، ۲۰۰۴).

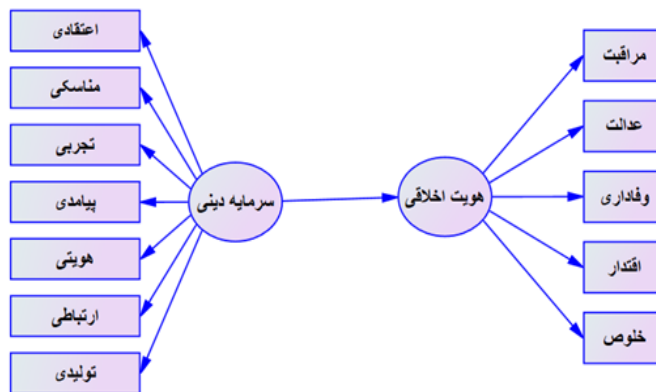
سرمایهٔ دینی از دههٔ ۱۹۹۰ و به‌ویژه دهه ۲۰۰۰ توسط پژوهشگران مطرح شده است

1. Religious Involvement
2. Furrow and Wagener
3. Prosocial

(حبیب‌پور کتابی و بابایی همتی، ۱۳۹۳). استارک و فینک^۱ (۲۰۰۳)، بارکر^۲ (۲۰۰۸)، یاناکون^۳ (۲۰۰۸)، آلبا^۴ (۲۰۱۰)، ماسلکو^۵ (۲۰۱۱)، پالمر و ونگ^۶ (۲۰۱۳) معروف‌ترین افرادی‌اند که در این حوزه کار کرده و به ابزارسازی برای سرمایه‌دینی دست پرداخته‌اند (حبیب‌پور کتابی و بابایی همتی، ۱۳۹۳). سپیدنامه، فراستخواه و رحمانی (۱۳۹۷) با مرور تعاریف این صاحب‌نظران، سرمایه‌دینی را احساس تعلق و تعهد نسبت به فرهنگ مذهبی خاص که ریشه در اعتقاد، معرفت و تجارب مذهبی فرد داشته و به مشارکت وی در فعالیت‌های مذهبی، عضویت در اجتماعات مذهبی، رعایت هنجارهای مذهبی، انجام اعمال خداپسندانه، تولید و مصرف کالاهای مذهبی منجر می‌شود، تعریف می‌کنند و معتقدند مهمترین کارکرد سرمایه‌دینی افزایش بهسازی، سلامت و پیشرفت جوامع بشری است (سپیدنامه، فراستخواه و رحمانی، ۱۳۹۷).

در پژوهش حاضر به منظور بررسی دقیق‌تر و همه‌جانبه‌تر نقش و تأثیر نهاد دین در شکل‌گیری و تقویت هویت اخلاقی افراد جامعه، سرمایه‌دینی متغیر مستقل و هویت اخلاقی متغیر وابسته در نظر گرفته شدند. در اینجا فرض اصلی آن است که دین به‌مثابه نهادی اجتماعی، موجب شکل‌گیری گونه‌ای از باورها، رفتارها و فعالیت‌ها، به‌منزله نوعی سرمایه، در افراد می‌شود و افراد با داشتن این سرمایه‌دینی، در وضعیت خاصی قرار می‌گیرند که به تقویت هویت اخلاقی آنها منجر می‌گردد.

مدل نظری پژوهش

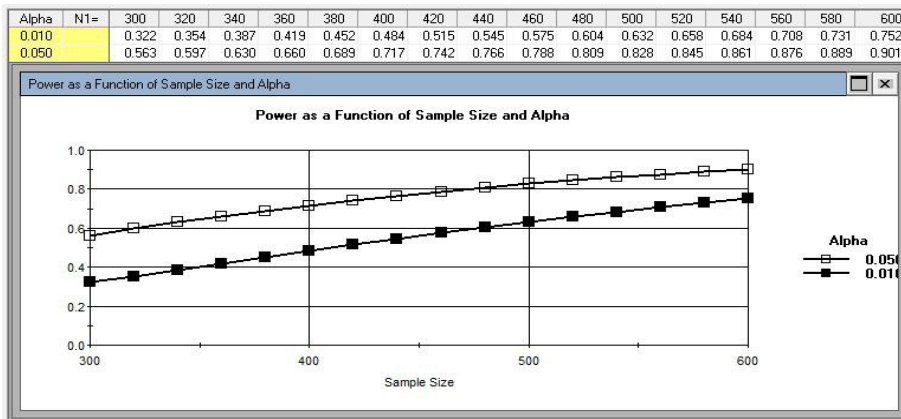


شکل ۱. مدل نظری پژوهش

1. Stark & Fink
2. Barker
3. Iannaccone
4. Albaugh
5. Maselko
6. Palmer and Wong

روش پژوهش

این پژوهش به روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام گرفته است. واحد تحلیل در آن فرد و سطح تحلیل خرد است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شهروندان ۱۵ سال به بالای (۱۵۶۴۵۱۶) ساکن در مناطق پانزده گانه شهر اصفهان بودند. لازم به ذکر است که اصل محرمانه بودن اطلاعات با عدم الزام پاسخگویان به ثبت مشخصات فردی رعایت شد. حجم نمونه با استفاده از نرم افزار SPSS Sample Power^۲ برآورد گردید. با توجه به اهداف و سؤالات پژوهش و همچنین پیش فرض‌های مربوط به نمونه‌گیری احتمالی (سطح اطمینان، توان آزمون، حجم اثر و تعداد متغیرهای درگیر در تحلیل) حجم نمونه آماری پژوهش ۵۴۶ نفر برآورد گردید.



شکل ۲. برآورد حجم نمونه پژوهش

شایان ذکر است با مدنظر قراردادن روش اصلی آزمون فرضیه‌های پژوهش و برازش مدل نظری (رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری^۳) حجم بهینه نمونه مربوط به این رویکرد نیز مورد توجه قرار گرفت.

شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای متناسب با حجم بر اساس متغیرهای جنس، گروه سنی و منطقه محل سکونت بوده است. به این صورت که نسبت هر کدام به کل جمعیت محاسبه شده و همان نسبت نیز در نمونه در نظر گرفته شد و بر همین اساس پرسشنامه‌ها میان پاسخگویان توزیع شد.

۱. شهرداری اصفهان

۲- نرم افزار Sample Power با در نظر گرفتن عوامل تاثیرگذار بر حجم نمونه در موقعیت‌های مختلف و متناسب با روش‌های آماری تحلیل داده حجم بهینه نمونه را برآورد می‌کند.

3- Structural Equation Modeling

شاخص‌سازی متغیرها

هویت اخلاقی

بر اساس تعریف استتس هویت اخلاقی شامل معانی‌ای است که با اخلاقی بودن در ارتباط‌اند و مشخص می‌کنند که تصور هر شخص از پایبندی‌های اخلاقی‌اش به چه صورت است (استتس، ۲۰۱۰: ۳۹۵). هویت اخلاقی تاکنون در اکثر پژوهش‌های داخلی و خارجی، بر اساس دو بعد عدالت^۱ و مراقبت^۲ سنجیده شده است (استتس و کارتر، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲؛ آکوئینو و رید، ۲۰۰۲؛ ۲۰۰۹). اما در این پژوهش براساس مدل پیشنهادی میلز و اوپنیکس^۳ (۲۰۱۸) که بر اساس نظریهٔ بنیادهای اخلاقی^۴ تدوین و اعتبارسنجی شده است، علاوه بر این دو بعد، ابعاد وفاداری به گروه‌ها^۵، احترام به مراجع اقتدار^۶ و خلوص و حس قداست شخصی^۷ نیز در نظر گرفته شده‌اند. به اعتقاد میلز و اوپنیکس تمرکز صرف روی دو بعد عدالت و مراقبت، تنها بخشی از چشم‌انداز اخلاق را به ما نشان می‌دهد و ما را محدود می‌کند. این سه بعد اضافی از هویت اخلاقی پیش‌بین گسترهٔ وسیعی از رفتارهایی‌اند که در هویت اخلاقی متمرکز بر عدالت و مراقبت در نظر گرفته نمی‌شوند. این موضوع مورد تصدیق پژوهشگران هویت اخلاقی نیز قرار گرفته (آکوئینو و رید، ۲۰۰۲؛ استتس و کارتر، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲) ولی مورد آزمون قرار نگرفته است (میلز و اوپنیکس، ۲۰۱۸).

همچنین در مقایسه با مدل مشهور آکوئینو و رید (۲۰۰۲) که هویت اخلاقی را در دو بعد درونی‌سازی و نمادی‌سازی مورد توجه قرار می‌دهند و مجموعه‌ای از معانی اخلاقی در قلمرو مراقبت و عدالت را ذیل این دو بعد مورد سنجش قرار می‌دهند، مدل این پژوهش هرکدام از این قلمروهای اخلاقی را به‌طور جداگانه سنجیده است. میلز در مقایسهٔ مقیاس خود با مقیاس آکوئینو و رید، توضیح می‌دهد که در این مقیاس به جای اینکه از پاسخگویان بخواهیم به خودشان با توجه به مجموعه‌ای از صفات به‌عنوان یک کل نمره بدهند، تنوعات اخلاقی آنها به رسمیت شناخته شده است (میلز و اوپنیکس، ۲۰۱۸).

بنابراین در این پژوهش، در بعد مراقبت، معانی اخلاقی‌ای چون مهربانی، غمخواری، کمک‌کاری، دیگرخواهی، از خودگذشتگی؛ در بعد عدالت، معانی اخلاقی‌ای مانند درستکاری،

1. Justice
2. Caring
3. Miles & Upenieks
4. Moral Foundations Theory
5. Loyalty
6. Authority
7. Purity

راستگویی، انصاف، سخت‌کوشی، پایبندی به اصول؛ در بعد وفاداری به گروه‌ها، معانی اخلاقی‌ای چون وفاداری، فداکاری، قابل‌اتکا بودن، قابل‌اطمینان بودن، اهل همکاری بودن؛ در بعد احترام به مراجع اقتدار، معنای اخلاقی‌ای چون وظیفه‌شناسی، فرمانبرداری، سازگاری، احترام به عرف و قوانین و در بعد خلوص، معانی اخلاقی‌ای مانند نجابت، معصومیت، متانت، حجب و حیا به‌وسیله ۲۳ گویه در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفتند.

سرمایه دینی

در این پژوهش با استفاده از مدل بومی سپیدنامه، فراستخواه و رحمانی (۱۳۹۷) سرمایه دینی مجموعاً دارای هفت بعد در نظر گرفته شد. بدین ترتیب که سازه سرمایه دینی با ابعاد اعتقادی (شامل اعتقاد به خدا، قرآن، نبوت، معاد)، مناسکی یا عبادات (شامل انجام عبادات واجب و مستحب)، عاطفی یا تجربی (شامل احساس آرامش به هنگام نیایش، احساس مثبت به خدا و اولیای الهی، احساس نزدیکی به خداوند، درخواست یاری و کمک از خداوند)، پیامدی یا پایبندی به شریعات (مانند پرهیز از تقلب، خودداری از خوردن مشروبات الکلی، اهمیت کسب روزی حلال و رعایت حریم در ارتباط با جنس مخالف)، هویتی یا میزان دل‌بستگی‌ها و وابستگی‌های دینی (شامل اولویت ارتباط با افراد مذهبی، اهمیت معیار دینی در انتخاب همسر، مطالعه کتب و نشریات مذهبی، افتخار به مسلمانی)، ارتباطی (شامل مشارکت در فعالیت‌های دینی و عضویت در آنها و مصاحبت و مجالست با هم‌کیشان) و تولیدی (شامل تولید و مصرف و عرضه کالای مذهبی و سرمایه‌گذاری‌های بی‌چشم‌داشت مذهبی) با ۲۷ گویه و در قالب طیف لیکرت سنجیده شد. لازم به ذکر است که برای ساخت سازه سرمایه دینی، با مراجعه به پژوهش‌های پیشین درباره دینداری (برای مثال شجاعی زند، ۱۳۸۵، ۱۳۹۳؛ سراج‌زاده ۸۶، ۸۸ الف، ۸۸ ب، ۹۱)، ملاحظات مفهومی این حوزه مورد توجه قرار گرفت و تلاش شد از اختلاط مفهومی ابعاد مختلف حوزه دین (شجاعی زند، ۱۳۹۵)، پرهیز شود.

اعتبار و پایایی (قابلیت اعتماد) پرسشنامه

اعتبار پرسشنامه مربوط به سنجش متغیرهای پژوهش از طریق شیوه اعتبار محتوا^۱ (صوری) (پرسشنامه در اختیار صاحب‌نظران و محققان مختلف قرار گرفت و با اعمال نظرات آنها و تغییر و اصلاح برخی گویه‌ها از اعتبار صوری پرسشنامه اطمینان حاصل شد) و اعتبار سازه^۲ (رویکرد تحلیل عاملی^۳ و تکنیک‌های اعتبار همگرا^۱ (شاخص AVE)^۲ و اعتبار ممیز^۱ (معیار فورنل

1. Content validity
2. Construct validity
3. Factor Analysis
4. Convergent Validity
5. Average Variance Extracted

و لارکر^۲، بارهای عاملی متقاطع^۳ و شاخص^۴ HTMT) و پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ^۵ و پایایی ترکیبی بررسی شد. در جدول زیر مقادیر مربوط به شاخص AVE، ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی گزارش می‌شود:

برحسب مقادیر جدول بالا، مقدار شاخص AVE دلالت بر اعتبار ابزار سنجش متغیرهای پژوهش و ضریب آلفای کرونباخ و همچنین قابلیت اعتماد ترکیبی نشان‌دهنده این است که همبستگی درونی گویه‌های مربوط به متغیرها و ابعاد آنها در وضعیت مطلوبی قرار دارد و به عبارت دیگر، ابزار سنجش متغیرهای پژوهش از دقت اندازه‌گیری - قابلیت اعتماد لازم برخوردار است.

جدول ۱. برآورد مقادیر شاخص AVE، ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی

مفهوم	بعد	AVE	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
سرمایه دینی	اعتقادی	۰/۸۳	۰/۹۳	۰/۹۵
	مناسکی	۰/۶۷	۰/۸۳	۰/۸۹
	تجربی	۰/۵۹	۰/۷۴	۰/۸۴
	پیامدی	۰/۵۸	۰/۷۶	۰/۸۵
	هویتی	۰/۷۰	۰/۸۶	۰/۹۰
	ارتباطی	۰/۸۱	۰/۸۸	۰/۹۳
	تولیدی	۰/۷۱	۰/۸۷	۰/۹۱
هویت اخلاقی	مراقبت	۰/۵۴	۰/۷۶	۰/۸۴
	عدالت	۰/۵۱	۰/۷۱	۰/۸۱
	وفاداری	۰/۵۳	۰/۷۶	۰/۸۴
	اطاعت از اقتدار	۰/۵۰	۰/۷۰	۰/۷۵
	خلوص	۰/۷۰	۰/۸۶	۰/۹۰

یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی به‌انجام رسید، در بخش توصیفی ابتدا بر حسب متغیرهای جمعیت‌شناختی توصیفی از نمونه آماری پژوهش ارائه و در ادامه با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش (سرمایه دینی و هویت اخلاقی) توصیف

1. Discriminant Validity
2. Fornell and Larcker
3. Cross Loading
4. Hetero .Trait Mono .Trait Ratio
5. Cronbach
6. Composite Reliability

گردیدند. در بخش استنباطی نیز با توجه به اهداف و سؤالات پژوهش از آزمون تی تک‌نمونه‌ای^۱ و رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری کوواریانس محور استفاده شد. به منظور انجام محاسبات آماری از نسخه ۲۳ نرم‌افزارهای SPSS و Amos Graphic استفاده گردید.

یافته‌های توصیفی

در این پژوهش از نمونه مورد مطالعه، ۵۲ درصد از پاسخگویان را زنان و ۴۸ درصد را مردان تشکیل داده‌اند. همچنین از تعداد کل نمونه آماری، ۵۳ درصد متأهل، ۳۹ درصد مجرد و ۸ درصد بی‌همسر (فوت کرده یا جدا شده) هستند. از نظر سنی حداقل سن نمونه آماری ۱۵ سال، حداکثر سن ۸۷ سال و میانگین ۳۸ سال است.

از حیث تحصیلات، ۲/۸ درصد از پاسخگویان بیسواد، ۲۱/۲ درصد زیردیپلم، ۲۸/۹ درصد دیپلم، ۱۴/۶ فوق دیپلم، ۲۳/۶ لیسانس، ۶/۸ درصد فوق لیسانس و ۲/۱ درصد دکترا هستند. برحسب مقادیر جدول بالا میانگین متغیر سرمایه دینی و هویت اخلاقی در نمونه آماری پژوهش بالاتر از حد متوسط (۳) برآورد شده است. بر این اساس می‌توان گفت سرمایه دینی و هویت اخلاقی در بین نمونه مورد مطالعه در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارند.

جدول ۲. توصیف متغیرهای سرمایه دینی و هویت اخلاقی با استفاده از شاخص‌های توصیفی

شاخص				متغیر
کشیدگی	چولگی	واریانس	میانگین	
-۰/۶۶	-۰/۰۵	۰/۶۳	۳/۱۹	سرمایه دینی
-۰/۳۳	-۰/۲۱	۰/۳۹	۳/۶۷	هویت اخلاقی

یافته‌های استنباطی

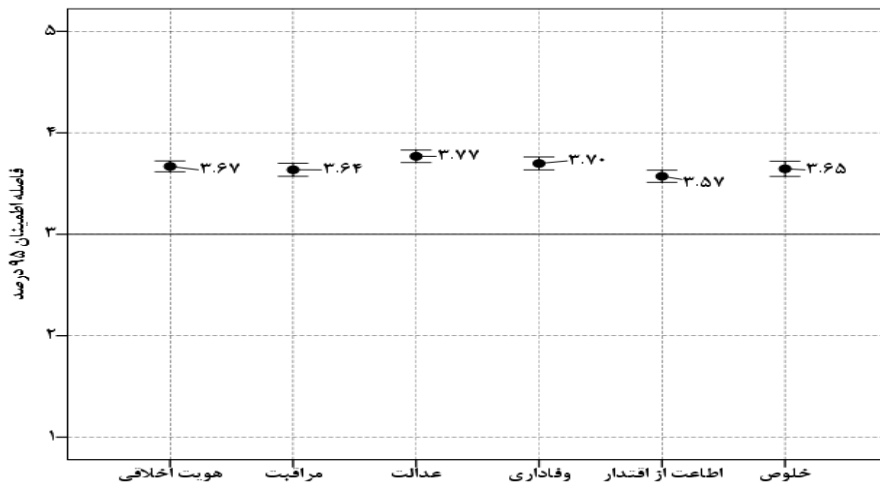
با توجه به اهداف پژوهش در این قسمت ابتدا با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای برآوردی از وضعیت هویت اخلاقی و ابعاد آن ارائه و در ادامه از طریق رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری کوواریانس محور^۲ فرضیه‌های پژوهش آزمون و مدل مفهومی پژوهش برآزش می‌شود. سؤال ۱. هویت اخلاقی و ابعاد آن (مراقبت، عدالت، وفاداری به گروه‌ها، احترام به مراجع اقتدار و خلوص) در بین جامعه آماری پژوهش دارای چه وضعیتی است؟

1. One Sample T- test
2. CB- SEM

جدول ۳. برآورد مقادیر آزمون تی تک‌نمونه جهت تعیین وضعیت میانگین متغیر هویت اخلاقی و ابعاد آن

آمار استنباطی		آمار توصیفی			متغیر
Test Value: 3		آماره t	انحراف معیار	میانگین	
Sig	Df				
۰/۰۰۱	۵۲۷	۲۴/۶۰	۰/۶۲	۳/۶۷	هویت اخلاقی
۰/۰۰۱		۱۹/۳۹	۰/۷۵	۳/۶۴	مراقبت
۰/۰۰۱		۲۴/۶۳	۰/۷۲	۳/۷۷	عدالت
۰/۰۰۱		۲۱/۴۷	۰/۷۵	۳/۶۰	وفاداری
۰/۰۰۱		۱۸/۵۴	۰/۷۱	۳/۵۷	اطاعت از اقتدار
۰/۰۰۱		۱۶/۸۳	۰/۸۸	۳/۶۴	خلوص

بر حسب مقادیر برآوردشده در جدول بالا، میانگین متغیر هویت اخلاقی و ابعاد آن به طور معناداری بالاتر از حد متوسط برآورد شده است، به عبارت دیگر در پاسخ به این سوال که هویت اخلاقی و ابعاد آن (مراقبت، عدالت، وفاداری به گروه‌ها، احترام به مراجع اقتدار و خلوص) در بین جامعه آماری پژوهش دارای چه وضعیتی است، می‌توان گفت میانگین این متغیر و ابعاد آن نشان‌دهنده وضعیت مطلوب این متغیر در جامعه آماری مورد مطالعه است.



نمودار ۱. برآورد میانگین متغیر هویت اخلاقی و ابعاد آن

جدول ۴. برآورد مقادیر آزمون تی تک‌نمونه جهت تعیین وضعیت میانگین متغیر سرمایه دینی و ابعاد آن

آمار استنباطی			آمار توصیفی		متغیر
Test Value: 3			انحراف معیار	میانگین	
Sig	Df	آماره t			
۰/۰۰۱	۵۲۷	۹۲/۵۰	۰/۷۹	۳/۱۹	سرمایه دینی
۰/۰۰۱		۱۰۶/۶۰	۰/۹۱	۴/۲۲	اعتقادات
۰/۰۰۱		۵۶/۹۶	۱/۱۶	۲/۸۸	مناسک
۰/۰۰۱		۱۰۴/۲۳	۰/۸۵	۳/۸۸	عواطف
۰/۰۰۱		۷۶/۴۶	۱/۰۴	۳/۴۹	پیامدها
۰/۰۰۱		۶۸/۳۱	۱/۰۶	۳/۱۵	هویت
۰/۰۰۱		۴۵	۱/۱۵	۲/۲۵	ارتباطات
۰/۰۰۱		۵۰	۱/۰۳	۲/۲۴	تولید

بر حسب مقادیر برآوردشده در جدول بالا، میانگین متغیر سرمایه دینی و ابعاد اعتقادی، عاطفی، پیامدی و هویتی آن به طور معناداری بالاتر از حد متوسط برآورد شده است و به عبارتی می‌توان گفت میانگین این متغیر و چهار بعد آن نشان‌دهنده وضعیت مطلوب این متغیر در جامعه آماری مورد مطالعه است. همچنین میانگین در ابعاد مناسکی، ارتباطی و تولیدی زیر مقدار متوسط برآورد شده است.

جدول ۵. برآورد ضریب همبستگی جهت بررسی رابطه بین متغیر سرمایه دینی و ابعاد آن با هویت اخلاقی

متغیر	هویت اخلاقی	
	ضریب پیرسون	سطح معناداری
سرمایه دینی	۰/۴۷	۰/۰۰۱
اعتقادی	۰/۴۵	۰/۰۰۱
مناسکی	۰/۳۴	۰/۰۰۱
تجربی	۰/۴۶	۰/۰۰۱
پیامدی	۰/۵۵	۰/۰۰۱
هویت	۰/۳۴	۰/۰۰۱
ارتباطی	۰/۲۳	۰/۰۰۱
تولیدی	۰/۱۸	۰/۰۰۱

* اختلاف نمونه آماری با حجم نمونه پژوهش ناشی از حذف موارد پرت است.

برآورد مقادیر ضریب همبستگی پیرسون در جدول بالا نشان‌دهنده این است که بین متغیر سرمایه دینی و ابعاد آن با متغیر هویت اخلاقی رابطه معناداری وجود دارد ($\text{Sig} \leq ۰/۰۵$). به عبارت دیگر، با توجه به مقادیر ضریب پیرسون رابطه بین متغیر سرمایه دینی و ابعاد آن

(مناسکی، پیامدی، اعتقادی، تجربی و هویتی) با متغیر هویت اخلاقی مستقیم و در حد متوسط به بالا و رابطه بین ابعاد (ارتباطی و تولیدی) با متغیر هویت اخلاقی مستقیم و در حد ضعیف برآورد می‌شود.

جدول ۶. برآورد ضریب همبستگی جهت بررسی رابطه بین متغیر سرمایه‌دینی با ابعاد هویت اخلاقی

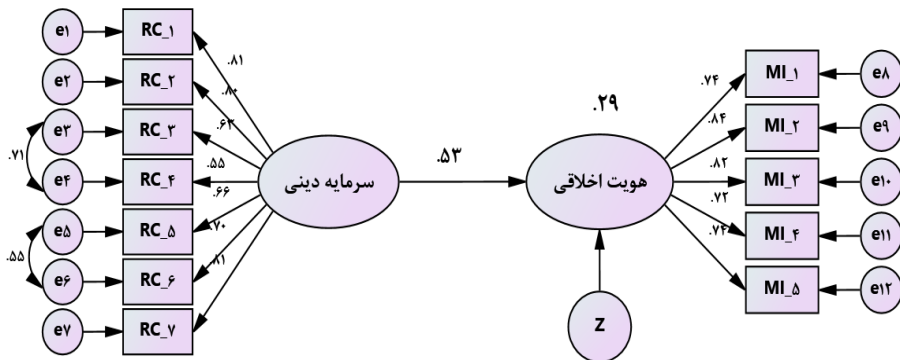
سرمایه دینی			متغیر
حجم نمونه	سطح معناداری	ضریب پیرسون	
۵۲۸*	۰/۰۰۱	۰/۳۵	مراقبت
	۰/۰۰۱	۰/۳۸	عدالت
	۰/۰۰۱	۰/۳۰	وفاداری
	۰/۰۰۱	۰/۴۱	اطاعت از اقتدار
	۰/۰۰۱	۰/۵۱	خلوص

* اختلاف نمونه آماری با حجم نمونه پژوهش ناشی از حذف موارد پرت است.

برآورد مقادیر ضریب همبستگی پیرسون در جدول بالا نشان‌دهنده این است که بین متغیر سرمایه‌دینی و ابعاد متغیر هویت اخلاقی رابطه معناداری وجود دارد ($Sig \leq 0/05$). به عبارت دیگر، با توجه به مقادیر ضریب پیرسون رابطه بین متغیر سرمایه‌دینی با ابعاد متغیر هویت اخلاقی مستقیم و در حد متوسط به بالا برآورد می‌شود.

فرضیه، متغیر سرمایه‌دینی بر هویت اخلاقی تأثیر دارد.

به منظور آزمون فرضیه بالا از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری کوواریانس محور استفاده گردید، برآوردهای مربوط به برازش کلیت مدل معادله ساختاری و همچنین پارامتر اصلی این مدل (اثر متغیر سرمایه‌دینی بر هویت اخلاقی) در شکل و جداول زیر گزارش می‌شود:



شکل ۳. مدل معادله ساختاری اثر متغیر سرمایه‌دینی بر هویت اخلاقی

جدول ۷. برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

هتلتر	برازش مقتصد			برازش تطبیقی			برازش مطلق		شاخص
	RMSEA	CMIN/DF	DF	PCFI	CFI	TLI	GFI	CMIN	

مقدار	۲۴۴/۸	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۲	۰/۷۱	۵۱	۴/۸۰	۰/۰۸	۱۰۳
-------	-------	------	------	------	------	----	------	------	-----

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر، برازش داده‌ها به مدل برقرار و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۸. برآورد مقادیر اثر متغیر سرمایه دینی بر هویت اخلاقی

P. Value	نسبت بحرانی	برآورد		ضریب تعیین	متغیر وابسته	مسیر	متغیر مستقل
		استاندارد	غیراستاندارد				
۰/۰۰۱	۱۰/۴۳	۰/۵۳	۰/۳۲	۰/۲۹	هویت اخلاقی	<---	سرمایه دینی

مقادیر برآورد شده در جدول بالا نشان دهنده این است: ۱. متغیر سرمایه دینی ۲۹ درصد از واریانس متغیر هویت اخلاقی را تبیین می‌کند، با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار بزرگ برآورد می‌شود، به عبارت دیگر، متغیر سرمایه دینی در حد بالایی توان تبیین واریانس متغیر هویت اخلاقی را در جامعه آماری پژوهش دارد. ۲. اثر متغیر سرمایه دینی بر هویت اخلاقی به لحاظ آماری معنادار است ($p \leq 0/05$). بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه سرمایه دینی بر هویت اخلاقی تأثیر دارد تأیید می‌شود. به عبارت دیگر، با توجه به مقدار ضریب تأثیر می‌توان گفت اثر متغیر سرمایه دینی بر هویت اخلاقی مستقیم و در حد بالا برآورد می‌شود.

در ادامه تأثیر متغیر سرمایه دینی بر ابعاد هویت اخلاقی با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری بررسی و گزارش می‌شود:

جدول ۹. برآورد مقادیر ضریب تأثیر متغیر سرمایه دینی بر ابعاد متغیر هویت اخلاقی

P. Value	نسبت بحرانی	برآورد		ضریب تعیین	متغیر وابسته	مسیر	متغیر مستقل
		استاندارد	غیراستاندارد				
۰/۰۰۱	۷/۲۱	۰/۳۷	۰/۳۱	۰/۱۳	مراقبت	<---	سرمایه دینی
۰/۰۰۱	۸/۴۲	۰/۳۷	۰/۴۷	۰/۲۲	عدالت		
۰/۰۰۱	۶/۷۷	۰/۲۸	۰/۳۶	۰/۱۳	وفاداری		
۰/۰۰۱	۷/۳۵	۰/۵۸	۰/۲۸	۰/۳۴	اقتدار		
۰/۰۰۱	۱۱/۰۶	۰/۵۹	۰/۴۳	۰/۳۵	خلوص		

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است: ۱. اثر متغیر سرمایه دینی بر ابعاد متغیر هویت اخلاقی به لحاظ آماری معنادار است ($p \leq 0/05$). با توجه به مقادیر ضریب تأثیر متغیر سرمایه دینی بر ابعاد متغیر هویت اخلاقی تأثیر این متغیر مستقیم و در حد متوسط و متوسط به بالا برآورد می‌شود. ۲. با توجه به مقادیر مربوط به شاخص ضریب تعیین می‌توان گفت متغیر

سرمایه دینی در حد متوسط توان تبیین ابعاد مراقبت، عدالت و وفاداری و در حد بالایی توان تبیین ابعاد اقتدار و خلوص را دارد.

نتیجه‌گیری

هدف از مطالعه حاضر تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه دینی و هویت اخلاقی بود. اهمیت مطالعه هویت اخلاقی و شناخت عوامل مؤثر بر آن از آنجا ناشی می‌شود که بر اساس نظریات جدید روان‌شناسی اجتماعی، داشتن نگاه هویتی به اخلاق در افراد و به عبارتی تعریف و تلقی آنها از کیستی خودشان مبتنی بر پابندی به ارزش‌های اخلاقی باعث می‌شود که در موقعیت‌های مختلف به ارزش‌های اخلاقی وفادارتر باشند و بیشتر احتمال داشته باشد که کنش اخلاقی از آنها سر بزند. از آنجا که یکی از دغدغه‌های اندیشمندان علوم انسانی و از جمله جامعه‌شناسان، داشتن جامعه‌ای با روابط اجتماعی مبتنی بر اصول اخلاقی است، شناسایی عوامل مؤثر بر هویت اخلاقی به عنوان مقدمه کنش اخلاقی لازم به نظر می‌رسد. از میان عوامل و منابع تأثیرگذار بر هویت اخلاقی، در این پژوهش تأثیر سرمایه دینی، به عنوان یکی از منابع در اختیار کنشگران، بر تقویت هویت اخلاقی بررسی شد.

لازم به ذکر است که هویت اخلاقی در اکثر پژوهش‌های پیشین بر اساس دو بعد عدالت و مراقبت سنجیده شده بود، اما با توجه به محدودبودن آن به بخشی از قلمرو اخلاق، در این مطالعه مناسب‌تر تشخیص داده شد که از مقیاس هویت اخلاقی میلز و اوپنیکس که به نوعی گسترش یافته مقیاس استتس و کارتر است و حوزه وسیع‌تری از قلمرو اخلاق را دربرمی‌گیرد، استفاده گردد. بدین ترتیب، در پژوهش حاضر، مقیاس هویت اخلاقی در پنج بعد شامل عدالت؛ مراقبت؛ وفاداری به گروه‌ها؛ احترام به مراجع اقتدار و خلوص در نظر گرفته شد و سپس با استفاده از نرم‌افزار ایموس اعتبارسنجی گردید. همچنین در حوزه دین، مفهوم سرمایه دینی که به نوعی به یکی از منابع مهم در اختیار افراد اشاره می‌کند و از جدیدترین سازه‌ها در حوزه دین است، در هفت بعد اعتقادی؛ مناسکی؛ تجربی؛ پیامدی؛ هویتی؛ ارتباطی و تولیدی در نظر گرفته شد. این سازه نیز از اعتبار و پایایی قابل قبول برخوردار بود. درنهایت، مدل علی پژوهش به کمک نرم‌افزار ایموس سنجیده شد و تأثیر سرمایه دینی بر هویت اخلاقی افراد بررسی شد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میانگین متغیر هویت اخلاقی و ابعاد آن در جامعه آماری به‌طور معناداری بالاتر از حد متوسط است. در میان ابعاد متغیر هویت اخلاقی نیز، بالاترین میانگین مربوط به بعد عدالت، مراقبت و خلوص بوده است. که به عبارتی می‌توان گفت میانگین این متغیر و ابعاد آن نشان دهنده وضعیت نسبتاً مطلوب این متغیر در جامعه آماری مورد مطالعه است. این نتیجه همسو با نتایج پژوهش‌های پیشین درباره هویت اخلاقی است که در آنها میانگین این متغیر بالاتر از حد متوسط گزارش شده است (برای مثال استتس و کارتر، ۲۰۱۱؛ استتس و کارتر، ۲۰۱۲؛ توکلی و همکاران، ۱۳۸۸؛ محمدی مصیری و همکاران، ۱۳۹۲؛ عظیم‌پور و همکاران، ۱۳۹۳). در توضیح تفاوت میان وضعیت هویت اخلاقی یعنی آن تلقی‌ای که مردم از

کیستی خودشان با توجه به معانی اخلاقی دارند، با رفتارهای اخلاقی که بر اساس نتایج برخی پژوهش‌ها و مطالعات (برای مثال ربانی و شهابی، ۱۳۸۹؛ تحلیل وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی کشور، ۱۳۹۸) پایین‌تر از حد متوسط است، باید گفت اولاً با اینکه بر اساس نتایج پژوهش‌های پیشین، داشتن هویت اخلاقی باعث رفتار اخلاقی می‌شود، اما استتس به لحاظ جامعه‌شناختی توضیح می‌دهد که اگرچه انتظار این است که این اتفاق همیشه صادق باشد، اما از آنجا که هویت در خلاء تبدیل به رفتار نمی‌شود و همه چیز در بافتار اجتماعی اتفاق می‌افتد، نقش عوامل ساختاری محدودکننده را نیز باید در این میان در نظر گرفت که خود پژوهش جداگانه‌ای را می‌طلبد.

علاوه بر این، درباره‌ی این گزارش‌ها، ذکر این نکته لازم است که در آنها از پاسخگویان خواسته شده است درباره‌ی میزان رواج ویژگی‌های اخلاقی در جامعه پاسخ دهند و نه درباره‌ی میزان پایبندی‌های اخلاقی خودشان. چنانچه در پژوهش ربانی و شهابی (۱۳۸۹) نیز که از پاسخگویان خواسته شده وضعیت اخلاقی را هم درباره‌ی دیگران گزارش کنند و هم درباره‌ی خودشان، یافته‌ها حاکی از تفاوت نسبتاً زیاد میان این دو نتیجه است. یا برای مثال در پیمایش موج سوم ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۴)، در حالی که حدود ۶۱ درصد مردم با این موضوع که «بیشتر مردم اگر موقعیتی گیرشان بیاید سر همدیگر کلاه می‌گذارند»، موافق و کاملاً موافق بوده‌اند، حدود ۷۵٪ از آنها با گزاره «در اوضاع فعلی آدم باید فقط به فکر خودش باشد» و حدود ۹۲٪ با گزاره «مهم پول درآوردن است اینکه از چه راهی به‌دست بیاید مهم نیست»، مخالف و کاملاً مخالف بوده‌اند. در این ارتباط به نظر می‌رسد لازم است برای بررسی این تفاوت داوری، که مردم در عین حال که نسبت به خودشان تصور نسبتاً مثبتی دارند وضعیت هم‌شهریان خود را به‌لحاظ اخلاقی منفی می‌بینند و در قضاوت‌های خود کمتر سوبه‌های مثبت اخلاقی را روایت می‌کنند، به غیر از برخی ویژگی‌های روان‌شناختی افراد، تأثیر عواملی چون برخی نارضایتی‌ها و بی‌اعتمادی‌ها نیز بررسی شوند.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میانگین متغیر سرمایه‌دینی و ابعاد اعتقادی، عاطفی، پیامدی و هویتی آن در جامعه آماری به‌طور معناداری بالاتر از حد متوسط است که نشان دهنده وضعیت مطلوب آنها در جامعه آماری مورد مطالعه است. اما در این میان میانگین ابعاد مناسکی، ارتباطی و تولیدی کمتر از متوسط به‌دست آمده‌اند. این یافته‌ها همسو با نتایج مطالعات پیشین درباره‌ی دینداری است که در ایران انجام شده‌اند (برای مثال سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۸ ب، سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱؛ شجاعی زند و همکاران، ۱۳۸۵؛ قاسمی و امیری، ۱۳۹۰). در این مطالعات نیز همواره بعد اعتقادی دارای بالاترین میانگین و بعد مناسک دارای پایین‌ترین میانگین گزارش شده‌اند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، متغیر سرمایه دینی در مجموع ۲۹ درصد از واریانس متغیر هویت اخلاقی را تبیین می‌کند که با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار بزرگ برآورد می‌شود. به عبارت دیگر، متغیر سرمایه دینی در حد بالایی توان تبیین واریانس متغیر هویت اخلاقی را در جامعه آماری پژوهش دارد و همچنین اثر متغیر سرمایه دینی بر هویت اخلاقی به لحاظ آماری معنادار است. به علاوه، با توجه به یافته‌های به دست آمده از آزمون مدل علی پژوهش، مشاهده گردید که مدل سرمایه دینی و هویت اخلاقی از برآزش مناسب برخوردار است. بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه سرمایه دینی بر هویت اخلاقی تأثیر دارد، تأیید می‌شود. چنانچه دورکیم نیز دین را در تکوین وجدان و اخلاق جامعه و پابندی به الزامات اخلاقی حائز اهمیت فراوان می‌داند. از نظر او اخلاق و دین با هم در پیوند نزدیک‌اند و احساسات اخلاقی و اجتماعی انسان‌ها از طریق مشارکت در مناسک و مراسم مذهبی تقویت و تجدید می‌شوند. استتس نیز بر اهمیت نقش دین در تقویت هویت اخلاقی افراد تأکید می‌کند. همسو با این نتایج می‌توان به نتایج برخی پژوهش‌ها اشاره کرد. به عنوان نمونه، عظیم‌پور و همکاران (۱۳۹۳)، محمدی مصیری و همکاران (۱۳۹۲) و توکلی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که دین مهارکننده‌ای درونی در روابط انسانی است و به پیروی افراد از اصول اخلاقی کمک می‌کند. واکر و پیئتس (۱۹۹۸)، کولبای و دیمون (۱۹۹۵)، ویتل و همکاران (۲۰۰۹)، گیر و بامیستر (۲۰۰۵) نیز در پژوهش‌های خود دریافتند که دین پیش‌بین قوی برای هویت اخلاقی است و منابع دینی و تعلقات دینی به واسطه توانایی‌شان در درونی‌سازی ویژگی‌های اخلاقی و افزایش خودکنترلی، از جمله زمینه‌هایی‌اند که می‌تواند باعث فعالسازی ذهنی هویت اخلاقی و تکوین هویت اخلاقی در افراد بشوند.

همچنین همان‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهد متغیر سرمایه دینی بر همه ابعاد هویت اخلاقی تأثیر معناداری دارد. اما در این میان تأثیر آن روی بعد خلوص بیشترین مقدار را نشان می‌دهد. طبق نظریه بنیادهای اخلاقی و همچنین توضیحات میلز و اوپنیکس، بعد خلوص و پاکی یا قداست شخصی در هویت اخلاقی در واقع بیشتر در حوزه جنسی حافظ کنش‌های شخص‌اند و باعث رفتارهای درست و مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی در این حوزه می‌شوند و از کجروی‌های جنسی جلوگیری می‌کنند. همان‌طور که مشخص است سازه سرمایه دینی به میزان بالایی بر تقویت هویت اخلاقی در این بعد اثرگذار است که این نتیجه با اقتدار نسبتاً بالای دین در این حوزه به‌ویژه در جامعه ایران همخوانی دارد. همچنین در بعد عدالت و اقتدار یافته‌ها نشان می‌دهد که افزایش سرمایه دینی منجر به تقویت هویت اخلاقی افراد در این ابعاد می‌شود. به عبارتی فردی که سرمایه دینی بالاتری دارد و بیشتر در معرض آموزه‌های دینی قرار دارد به‌میزان بیشتری معانی اخلاقی‌ای چون انصاف، درستکاری، راستگویی، احترام به مراجع اقتدار را در خود

درونی کرده و بالتبع در این حوزه‌ها رفتارهای درست‌تری نیز خواهد داشت. اما در بعد مراقبت و وفاداری به گروه‌ها، سرمایه‌دینی اگرچه تأثیر معناداری دارد، اما در مقایسه با دیگر ابعاد، این تأثیر کمتر است که شاید نشانگر این باشد که با اینکه آموزه‌های دینی ما مملو از توصیه‌ها در این موارد ولی نسبت به انتقال این آموزه‌های اخلاقی به مردم و برقراری پیوند درست میان آموزه‌های دینی و اهمیت ارزش‌های اخلاقی‌ای چون کمک‌کاری، دلسوزی و وفاداری، ضعیف‌تر عمل کرده‌اند. با توجه به اینکه نتایج برخی پژوهش‌های پیشین و از جمله (فارو و همکاران، ۲۰۰۴) حاکی از این است که دین حساسیت معنوی به ملاحظه دیگران را به فرد می‌دهد، به نظر می‌رسد که آموزه‌های دینی مبتنی بر ملاحظه و رعایت دیگران در جامعه آماری مورد مطالعه بیشتر در بعد عدالت متجلی شده‌اند و کمتر در بعد مراقبت نمود عینی یافته‌اند. مناسب است که این قسمت مورد پژوهش جداگانه قرار گیرد تا علل آن مورد واکاوی دقیق‌تر قرار گیرند.

مطابق با یافته‌های به‌دست آمده، در میان ابعاد سرمایه‌دینی نیز ابعاد اعتقادی، تجربی و پیامدی تأثیر قوی‌تری را بر هویت اخلاقی نشان می‌دهند. این موضوع بیانگر این است که هرچه فرد از حیث اعتقاد به وجود خداوند ناظر بر این جهان و به دنبال آن اصول دیگر دین، محکم‌تر باشد و علاوه بر آن در این‌باره دارای تجارب و احساسات قوی‌تری باشد و نیز این موضوع را به صورت عملی در زندگی روزمره از طریق میزان پایبندی‌هایش به دستورات دینی در خود درونی سازد، بیشتر هویت اخلاقی‌اش تقویت می‌شود. در همین رابطه، وبر ضمن تأکید بر عنصر معنا در اعمال و کنش‌های انسان، تأکید می‌کند که دینداران به‌واسطه ایمان و اعتقاد، بهتر می‌توانند بر خواست‌های نفسانی و غریزی خود غلبه کنند و احتمال کمتری دارد که به رفتارهای پرخطر گرایش داشته باشند. از نظر او، دین عامل مهمی برای کنترل خواست‌های غریزی است. همچنین وارد و کینگ (۲۰۱۸) در پژوهش‌های خود نشان داده‌اند که ایمان و تعهد عملی مذهبی می‌تواند محیط مناسبی را برای تحقق هدف اخلاقی بودن برای شخص فراهم کند (وارد و کینگ، ۲۰۱۸). همچنین از آنجا که ابعاد ارتباطی و مناسکی تأثیر ضعیف‌تری را بر هویت اخلاقی نشان می‌دهند، لازم است با توجه به اهمیت این دو بعد بررسی‌های دقیق‌تر صورت گیرد که مثلاً چگونه می‌توان کیفیت مراسم مذهبی را به گونه‌ای ارتقا داد که افراد جامعه از طریق شرکت در این جلسات و برنامه‌ها و برقراری ارتباط با هم‌کیشان خود بیشتر بتوانند درباره موضوعات و مباحث اخلاقی تأمل جدی داشته باشند و از این طریق معانی اخلاقی را در خود درونی سازند.

در مجموع، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که دین منبع مهمی در شکل دادن به هویت اخلاقی افراد جامعه است. به‌ویژه چنانکه مشاهده گردید، ابعاد اعتقادی، تجربی و پیامدی سرمایه‌دینی، قوی‌تر از سایر ابعاد آن، در شکل دادن به هویت اخلاقی عمل می‌کنند. همچنین سرمایه‌دینی از میان ابعاد پنج‌گانه هویت اخلاقی، بر سه بعد خلوص یا پاکی، احترام به مراجع اقتدار و

عدالت تأثیر بیشتری داشته است. بر این اساس می‌توان گفت لازم است ابعادی که تأثیر بزرگتری را نشان می‌دهند تقویت شده و علل تأثیر ضعیف‌تر برخی ابعاد دیگر نیز مورد شناسایی و واکاوی قرار گیرند. با در نظر داشتن این نکات، ضروری به نظر می‌رسد که نهادهای متولی و مرتبط با امور دینی - از جمله حوزه‌های علمیه، آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، و سایر نهادها و سازمان‌های مرتبط - به منظور تقویت هویت اخلاقی و اخلاق‌مداری شهروندان، نگاهی دوباره به نگرش‌شان نسبت به دین و نحوه تبلیغ آن داشته باشند و در جهت تقویت سرمایه‌های دینی شهروندان در همه ابعاد حرکت نموده و به این نکته توجه داشته باشند که در این مسیر دچار مناسک‌گرایی بیش از حد نشوند. تأکید بیش از حد بر ظواهر دین بدون توجه به اهداف و ذاتیات دین و به نوعی مؤسسه‌سازی در مقابل نهادسازی، که کارکرد درونی‌سازی ارزش‌ها را بر عهده دارد، از دین تنها پوسته‌ای ظاهری برجای می‌گذارد که آن را از کارکردهای اصلیش که یکی از آنها نیز درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی است باز می‌دارد. چنانکه مرتون نیز درباره مناسک‌پرستان آنها را کسانی معرفی می‌کند که بدون درک درستی از ارزش‌ها و داشتن هدف بزرگتری، فقط به رعایت قواعد و ظواهر مشغولند. در این حالت دین نمی‌تواند اهداف والای خود را محقق کند. علاوه بر این، تقویت سرمایه دینی شهروندان در دنیای مدرن کنونی نیازمند به‌کارگیری روش‌های جدید و اقتناعی در تبلیغ و اشاعه دین، همچنین تأکید بیشتر بر اجتماعات دینی کارآمد و گشوده‌ای است که فضای گفت‌وگو و تبادل نظر را برای شهروندان فراهم می‌کنند و فضای لازم را برای تأمل و کاوش درباره موضوعات گوناگون و از جمله موضوعات اخلاقی فراهم می‌کنند و از این طریق به هویتی‌تر شدن هرچه بیشتر اخلاق در میان شهروندان کمک می‌کنند.

فهرست منابع

۱. آرون، ریمون (۱۳۷۰). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی* (باقر پرهام، مترجم). تهران: آموزش انقلاب اسلامی (شرکت سهامی).
۲. پوررستمی، حامد؛ رضایی هفتاد، حسن (۱۳۹۱). گونه‌شناسی و اعتبارسنجی طیف‌های اخلاقی در جامعه دینی، پژوهشنامه اخلاق، سال پنجم، شماره ۱۷، ۸۷-۱۰۰.
۳. توکلی، ماهگل؛ لطیفی، زهره؛ امیری، شعله (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ابعاد مختلف دینداری و هویت اخلاقی در دانشجویان دانشگاه اصفهان، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۵، ۶۵-۷۷.
۴. جلائی‌پور، محمدرضا (۱۳۹۲). *دین و نظریه اجتماعی*، تهران: کویر.
۵. جلالی مقدم، مسعود (۱۳۹۴). *درآمدی به جامعه‌شناسی دین و آراء جامعه‌شناسان بزرگ درباره دین*. تهران: مرکز.
۶. چلبی، مسعود (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نی.
۷. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی اخلاق (تحلیل وضعیت اخلاق اجتماعی در ایران)*. تهران: جامعه‌شناسان.
۸. حبیب‌پور کتابی، کرم؛ بابایی همتی، زرنوش (۱۳۹۳). رابطه بین دینداری و مصرف‌نمایی زنان شهر تهران (مطالعه موردی منطقه ۵). *مطالعات راهبردی زنان*. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۷(۶۵)، ۳۷-۶۸.
۹. دورکیم، امیل (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی و فلسفه: تعریف پدیده‌های دینی* (مرتضی ثاقب‌فر، مترجم). تهران: علم.
۱۰. ربانی، رسول؛ شهایی، سیامک (۱۳۸۹). بررسی ارزش‌های اخلاقی جوانان شهری اصفهان. *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۵، ۷۷-۹۲.
۱۱. رصدخانه فرهنگی اجتماعی استان اصفهان (۱۳۹۸). *تحلیل وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی کشور، استان و شهر اصفهان*.
۱۲. زاکرمن، فیل (۱۳۹۴). *درآمدی بر جامعه‌شناسی دین (خشایار دیهیمی، مترجم)*. تهران: حکمت.
۱۳. زاگزبسکی، لیندا (۱۳۹۰). *جستار: دین و اخلاق (ترجمه شهاب‌الدین عباسی)*. کتاب ماه دین، ۱۷۱، ۱۰۰-۱۱۱.
۱۴. سپیدنامه، بهروز؛ فراستخواه، مقصود؛ رحمانی، جبار (۱۳۹۷). *تبارشناسی مفهوم سرمایه دینی و شاخص‌سازی آن متناسب با جامعه ایران*. *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۶(۱)، ۳۱-۶۱.
۱۵. سراج‌زاده، سیدحسین؛ پویافر، محمدرضا (۱۳۸۶). دلالت‌های روش‌شناسانه کاربرد سه سنجه در یک جمعیت. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۸(۴)، ۳۷-۷۰.
۱۶. سراج‌زاده، سیدحسین؛ پویافر، محمدرضا (۱۳۸۸ الف). *سنجش دینداری با رهیافت بومی، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱(۲)، ۱-۱۸.

۱۷. سراج‌زاده، سیدحسین؛ پویافر، محمدرضا (۱۳۸۸ ب) دین و نظم اجتماعی: بررسی رابطه دینداری با احساس انومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان. *مسائل اجتماعی ایران*، ۶۳، ۷۱-۱۰۶.
۱۸. سراج‌زاده، سیدحسین؛ قصابی، رضوان؛ چمنی، سولماز (۱۳۹۱). بررسی رابطه دینداری و بیگانگی اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس). *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۲ (۵)، ۱۰۳-۱۲۵.
۱۹. سراج‌زاده، سیدحسین؛ جواهری، فاطمه؛ ولایتی خواجه، سمیه (۱۳۹۲). دین و سلامت: آزمون اثر دینداری بر سلامت در میان نمونه‌ای از دانشجویان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۴ (۴۹)، ۷۷-۵۵.
۲۰. شجاعی‌زند، حسین؛ شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۹۵). بررسی روایی در پیمایش‌های سنجش دینداری در ایران. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۶۳ (۳)، ۱۶۸-۱۹۶.
۲۱. -عظیم‌پور، علیرضا؛ نیسی، عبدالکازم؛ شهنی بیلاق، منیجه؛ ارشدی، نسرین؛ بشلیده، کیومرث (۱۳۹۳). اعتباریابی مقیاس «اهمیت برای خویشتن هویت اخلاقی» برای دانشجویان. *فصلنامه شخصیت و تفاوت‌های فردی*، ۳ (۴)، ۱۹-۳۸.
۲۲. فراسخواه، مقصود (۱۳۹۴). *ما ایرانیان، زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی*. تهران: نی.
۲۳. قاسمی، وحید؛ امیری اسفرجانی، زهرا (۱۳۹۰). تبیین جامعه‌شناختی تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی درون گروهی (مطالعه موردی شهر اصفهان). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۴۲، ۲۱-۴۶.
۲۴. کوزر، لوئیس (۱۳۸۳). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی* (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: علمی.
۲۵. محمدی مصیری، فرهاد؛ حاجلو، نادر؛ عباسیان، مینا (۱۳۹۲). دین داری و کیفیت رابطه با والدین با هویت اخلاقی نقش تعدیل کننده خودتنظیمی. *روانشناسی و دین*، ۲۴، ۱۰۹-۱۲۲.
۲۶. ملکیان، مصطفی (۱۳۸۷). دین و اخلاق. *آئین*، ۱۶، ۱۲-۱۶.
۲۷. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲). *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج دوم*. تهران: دفتر طرح‌های ملی.
۲۸. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۴). *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج سوم*. تهران: دفتر طرح‌های ملی.
۲۹. همیلتون، ملکم (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی دین* (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: ثالث.
30. Aquino, K. & Reed, A. (2002). The self-importance of moral identity, *Journal of Personality and Social Psychology*, 83 (6), 1423-1440.
31. Aquino, K., Freeman, D., Reed, A., Lim, V. K. G. & Felps, W. (2009). Testing a Social-Cognitive Model of Moral Behavior: The Interactive Influence of Situations and Moral Identity Centrality. *Journal of Personality and Social Psychology*, 97 (1), 123-141.
32. Blasi, A. (1984). Moral identity: Its role in moral functioning. In Kurtines, W. M. & Gewirtz, J. L. (Eds.), *Morality, moral behavior, and moral development*, (pp. 128-139), New York: Wiley.
33. Colby, A., & Damon, W. (1995). The Development of Extraordinary Moral Commitment. In Killen, M. & Hart, D. (Eds.),

- Morality in Everyday Life: Developmental Perspectives* (pp. 342-370). New York, NY, US: Cambridge University Press.
34. Furrow, J. L., King, P. E., White K. (2004). Religion and Positive Youth Development: Identity, Meaning, and Prosocial Concern. *Applied Developmental Science*, 8(1), 17-26.
35. Geyer, A. L. & Baumeister, R. F. (2005). Religion, Morality, and Self-Control, in F. P. Raymond and L. P. Crystal (eds.), *The Handbook of Religion and Spirituality* (pp. 412–432). New York: The Guilford Press.
36. Hardy Sam A. & Carlo G. (2005). Identity as a Source of Moral Motivation. *Human Development*, 48(4), 232- 256.
37. Hart D., Atkins R. (2004). Religious Participation and the Development of Moral Identity in Adolescence. In Thorkildsen T.A., Walberg H.J. (Eds.), *Nurturing Morality* (pp. 157-172), Issues in Children's and Families' Lives, vol. 5. Springer, Boston, MA.
38. Hitlin, Steven & Vaisey, Stephen (2010). Back to the Future. In Steven Hitlin & Stephen Vaisey (Ed.), *Handbook of the Sociology of Morality* (pp. 3-15). New York: Springer.
39. Lapsley, Daniel K. & Narvaez, Darcia. (2004). A social-cognitive approach to the moral personality. In Lapsley, Daniel K. & Narvaez, Darcia (Eds.), *Moral development, self and identity* (pp. 189–212), Mahwah, NJ, US: Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
40. Lapsley, Daniel K., & Narvaez, Darcia. (2005). Moral psychology at the crossroads. In Lapsley Daniel K. & Power, F. Clark (Eds.), *Character Psychology And Character Education* (pp. 18-35), Notre Dame: University of Notre Dame Press.
41. -Lapsley, Daniel k. (2016). Moral Self-Identity and the Social-Cognitive Theory of Virtue. In Annas, Julia, Narvaez, Darcia & Snow, Nancy E. (Eds.), *Developing the Virtues* (pp. 34-68), New York: Oxford.
42. Lundberg W.Kathleen. (2014). A Story of Virtue: Moral Identity in Students, Attending a Midwestern Evangelical College, A Dissertation Presented in Partial Fulfillment Of the Requirements for the Degree Doctor of Education, Liberty University.
43. McKay R. & Whitehouse, Haryey. (2015). Religion and Morality, *American Psychological Association*, 141(2), 447-473.
44. Miles, Andrew & Upenieks, Laura (2018). An Expanded Model of the Moral Self: Beyond Care and Justice, *Social science Research*, 72, 1-19.
45. Palmer, D. A. & Wong, M. (2013). *Clarifying the Concept of Spiritual Capital*. Prepared for the Conference on the Social Scientific Study of Religion. The Chinese University of Hong Kong, 10-13 July.
46. Park Jerry Z. & Smith, Christian. (2002). To Whom Much Has Been Given...': Religious Capital and Community Voluntarism

- Among Churchgoing Protestants, *Journal for the Scientific study of Religion*, 39(3), 272-286.
47. Reimer, K. S. (2014). Moral identity. In Levesque, Roger J. R. (Ed.), *Encyclopedia of Adolescence* (pp.1785-1790), New York: Springer.
48. Serajzadeh, Seyed Hossein (1998). Muslims, Religiosity and Delinquency: an Examination of Iranian Youth, Ph.D. diss., University of Essex.
49. Stets, Jan E. & Carter M. (2006). The Moral Identity: A Principle Level Identity. In McClelland, K & Fararo, T.J. (Eds.), *Purpose, Meaning, and Action: Control Systems Theories in Sociology* (pp. 293-316). New York: Palgrave Macmillan.
50. Stets, Jan E. (2010). The Social Psychology of the Moral Identity. In Steven Hitlin & Stephen Vaisey (Ed.), *Handbook of the Sociology of Morality* (pp. 385-409). New York: Springer.
51. Stets, Jan E. (2011). Applying Identity Theory to Moral Acts of Commission and Omission. *Advances in Group Processes*, 28, 97-124.
52. Stets, Jan E. & Carter Michael J. (2011). The Moral Self: Applying Identity Theory. *Social Psychology Quarterly*, 74 (2), 192-215.
53. Stets, Jan E. & Carter. Michael J. (2012). A Theory of the Self for the Sociology of Morality. *American Sociological Review*, 77 (1), 120-140.
54. Stets Jan. E. (2016). Rationalist vs. Intuitionist Views on Morality, A Sociological Perspective. In Brand, Cordula (Ed.), *Dual-Process Theories in Moral Psychology, Interdisciplinary Approaches to Theoretical, Empirical and Practical Considerations* (pp. 345-366). Springer VS Wiesbaden.
55. Vitell, S. John, Bing, Mark N., Davison, H. Kristl, Ammeter, Anthony P., Garner, Bart L, Novicevic, Milorad M. (2009). Religiosity and Moral Identity: The Mediating Role of self-Control. *Journal of Business Ethics*, 88(4), 601-613.
56. Walker, L. J. & Pitts, R. C. (1998). Naturalistic Conceptions of Moral Maturity, *Developmental Psychology*. 34, 403-419.
57. Ward, Sarah J. and King, Laura A. (2018). Moral Self-Regulation, Moral Identity, and Religiosity, *Journal of Personality and social Psychology*, 115 (3), 495-525

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۸۶ - ۲۶۳

مبانی کیفرزدایی میان کنشی اخلاقی فلسفی و حقوقی

^۱ گلناز مرادی پسند

^۲ تهمورت بشیریه

^۳ حسین غلامی

چکیده

نقض حقوق اجتماعی و مختل کردن نظم اجتماعی باعث می‌شود که جامعه واکنش خود را نسبت به شخص منحرف نمایان سازد. این واکنش از دیر باز و در اغلب نظام‌های کیفری به صورت اعمال کیفر بوده است. همانطور که میدانیم در اجرای کیفرها هدف خاصی دنبال می‌گردد و آن تربیت و اصلاح مجرمین و باز اجتماعی شدن آنان است و بر اساس تجربه ثابت شده است که نظام عدالت کیفری به تنهایی نمی‌تواند این هدف را محقق نماید. در نتیجه سیاستگذاران کیفری برای تحقق این هدف، طیفی از ابزارهای سیاست جنایی (از تخفیف تا حذف یا اعمال متناوب کیفر و یک اقدام غیر کیفری در قبال پدیده مجرمانه) را تحت عنوان کیفر زدایی به رسمیت شناخته‌اند. اگر تاکنون نظریه‌ها و مبانی حقوق کیفری در تلاش برای توجیه مداخله کیفری، جرم‌انگاری و کیفرگذاری بوده‌اند، اینک نیازمند نظریه‌ها و مبانی دیگری جهت توجیه عدم مداخله کیفری هستیم چرا که در حال حاضر سیر تکامل حقوق جزا به سمت حذف کیفر، ملایم نمودن کیفرها و توزیع آن میان نظام‌های حقوقی متمایل است تا بدینوسیله از یک سو حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان مورد حمایت قرار گرفته و از سوی دیگر هدف غایی مجازات‌ها تحصیل گردد. در این مقاله سعی شده است تا با اشاره به مبانی کیفرزدایی از جمله مبانی فلسفی، جرم‌شناختی و مبانی اقتصادی توجیهاتی مبنی بر لزوم گسترش این فرایند ارائه گردد و بر این موضوع تاکید شود که پاسخ‌های کیفری لزوماً بهترین شیوه پاسخگویی به جرایم نیست و برای رسیدن به آرمان اصلی در مجازات‌ها که اصلاح و بازپروری مجرمین میباشد میتوان از نهادهای جایگزین کیفر و فرایندهای کیفرزدایانه استفاده نمود.

واژگان کلیدی

میانکنش اخلاقی، کیفر، کیفرزدایی، مداخله کیفری.

۱. گروه حقوق، واحد ادبیات، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

Email: golnaz.moradipasand67@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: tahmoores_b@yahoo.com

۳. دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: gholami1970@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۷

طرح مسأله

مدلهای تنبیهی سزا دهنده از حدود چهار دهه پیش به این سو با ایرادهای کارکردی سیاسی، اقتصادی و علمی فراوانی روبه رو شده اند چرا که توسل بیش از حد به ضمانت‌اجراهای کیفری موجب محدود شدن آزادیهای فردی، تحمیل هزینه زیاد به دولت، اخلال در عملکرد دستگاه قضا و تورم کیفری بالا شده است. در نتیجه از آنجا که کیفرگذاری و کیفرگرایی پاسخ مناسبی برای تامین اهداف جامعه در طولانی مدت نمیباشد، زمینه حل این معضلات به طریق دیگر فراهم گردید و اندیشمندان حقوقی را بر آن داشت تا با رویکردی دیگر به کیفرها توجه کنند. این رویکرد در قالب کیفرزدایی جلوه گر شد. کیفرزدایی یک جنبش نوین در چهارچوب سیاست کیفری نظام مند است که اهداف اساسی آن تعدیل و متناسب نمودن خاصیت کیفری مجازات و یا حذف کیفر از یک رفتار مجرمانه و جایگزین نمودن اقدامات غیر کیفری در جهت اصلاح و تربیت مجرم است به طوری که با نیازها و تحولات جامعه هماهنگ باشد. مبدع این اندیشه انریکو فری از اندیشمندان مکتب دفاع اجتماعی بوده که بعدها عقاید او توسط بنیانگذاران مکتب دفاع اجتماعی نوین گسترش یافت. در این فرایند واکنش جامعه در قبال جرائم حتی الامکان غیر کیفری شده و با این نگرش که مجازات تنها پاسخ مناسب برای اعمال خلاف مقررات اجتماعی نمیباشد میتوان با حذف یا کاهش کیفر - در مواردی که موثرتر و مفیدتر از کیفر دادن است - به نتایج مطلوبتری دست یافت. علی الاصول در راستای اعمال این نظریه اصول و مبانی محکمی باید وجود داشته باشد تا بتواند جایگزین نمودن پاسخهای غیر کیفری با پاسخهای کیفری - که قرن ها به عنوان واکنش رسمی نسبت به نقض مقررات کیفری اعمال شده اند - را توجیه نمایند.

۱- مبانی کیفر زدایی

مبنا در اصطلاح حقوق دانان عبارت است از اصل یا قاعده ای کلی که نظام حقوقی مبتنی بر آن است و قواعد و مقررات حقوقی مشروعیت خود را از آن به دست می آورند. در هر نظام حقوقی منشا الزامی بودن قوانین آن دسته از مبانی است که ایجاد آنها را توجیه می نماید لذا دانستن مبانی برای مقنن ضروری بوده و بر اساس آن می تواند در چهارچوب های از قبل تعیین شده برای نیل به اهداف معین به وضع قوانین بپردازد. منظور از کیفرزدایی این نیست که خاصیت جرم بودن عملی را از آن سلب نماییم بلکه هدف آن است که اگر چنین تعبیری صحیح باشد آنرا موزون سازیم. این بدان معنی است که در اکثر موارد از شدت آن بکاهیم و یا خاصیت کیفری مجازات را از آن سلب کنیم (آشوری، محمد، ۱۳۸۸، ص ۳۴) بنابراین برای توجیه استفاده از این فرایند مبانی آن میبایست بررسی گردد.

فلسفه علم تعمق و روش بررسی چستی و چرایی یک موضوع است. فلسفه وقتی پدیدار می شود که درباره مسائل مختلف سوالهای بنیادینی می پرسیم و به کمک آن اشیا، حوادث و امور مختلف را از دیدگاهی بالا و گسترده بررسی و کارکرد آنها را مورد ارزیابی قرار می دهیم. بنابراین برای نیل به هدف سودمند بودن کیفر زدایی بایستی فلسفه آن مورد توجه قرار گیرد. لیکن قبل از بررسی فلسفه کیفرزدایی لازم است تا ابتدا فلسفه کیفر مورد مطالعه قرار گیرد.

۱-۱-۱- فلسفه کیفر

در شناخت فلسفه کیفر دیدگاه های بسیاری ارائه گردیده است که هریک از زاویه ای به بررسی ماهیت آن پرداخته اند. با توجه به اینکه مجازات به طور کلی برای محکوم دردناک و ناگوار است این پرسش مطرح میشود که "چه چیزی تحمیل مجازات بر مردم را توجیه میکند؟" پاسخ به این سوال در توجیه کیفرزدایی موثر خواهد بود. با این توضیح که هر قدر توجیه کیفر سهل تر باشد، اعمال آن هم سهل تر خواهد بود و در نتیجه کیفرزدایی دشوارتر میشود و در مقابل در صورت سخت گیری در توجیه کیفر و تاکید بر محدود بودن آن کیفرزدایی نیز با مانع کمتری مواجه بوده و راحت تر اجرا خواهد شد.

به طور خلاصه مناقشه توجیه کیفر، اندیشمندان را به دو گروه سزاگرایان و فایده گرایان تقسیم نموده است. سزاگرایان معتقد به مشروعیت ذاتی کیفر هستند (تبییت، مارک ۱۳۸۴، ص ۲۵۱). از نظر آنان نتایجی که بعد از مجازات حاصل میشود مد نظر نیست و آنچه که مورد تاکید قرار میگیرد این است که مجرم مرتکب خطایی شده و میبایست مجازات شود. بر اساس این دیدگاه مشروعیت مجازات ناشی از جرم ارتكابی است لذا نه تنها هیچ اعتقادی به کیفرزدایی در این دیدگاه وجود ندارد بلکه اجرای کیفر را عامل ثبات در جامعه میندازند. اما دیدگاه فایده گرا به تبیین مشروعیت کیفر از رهگذر سودمندی حاصله از آن پرداخته است و حسن ذاتی مجازات را مردود می شمارند. آنها معتقدند که کیفر مستلزم تحمل رنج و مشقت بر افراد است و از آنجا که تحمیل رنج و عذاب بر یک انسان، صرف نظر از ارتكاب رفتار خطا از سوی او امری ناپسند است بنابراین نمیتوان کیفر را ذاتا نیکو دانست. از نگاه این حقوق دانان خصوصیت اصلاح گری مجازات است که وجود آن را توجیه میکند. به نظر آنان با اجرای مجازات کوشش میشود تا مجرم اصلاح و تربیت شده و دوباره امکان باز اجتماعی شدن پیدا کند. این دسته از اندیشمندان مجازات را به عنوان ابزاری برای حل مشکلات جامعه و یا شاید برخی از مشکلات جامعه قلمداد میکنند (Bennet, Christopher, 2008, p14). به نظر میرسد دو رویکرد گذشته نگر و آینده نگر نمیتوانند به تنهایی برای توجیه کیفر زدایی مد نظر قرار گیرند زیرا هر یک از این دو رویکرد دارای پیروان فکری با تفاوت های کم و بیش متفاوت هستند. (صابری، علی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۴) و از این رو نمیتوان یکپارچگی مبنایی را بر آنها استوار ساخت چرا

که در رویکرد سزاگرا مشروعیت کیفر ذاتی است و به همین دلیل امکان تغییر یا جایگزینی کیفر با نهاد دیگر وجود ندارد و به چیزی غیر از تحمیل کیفر اندیشیده نمی‌شود و در نتیجه بحث از کیفرزدایی در این چارچوب دشوار است هرچند که در سزاگرایی جدید (کلاسیک نو) بحث از متناسب سازی کیفر مطرح شده است و این مبنا می‌تواند تا حدودی به زدایش کیفر با توجه به اوضاع مرتبط با جرم، مجرم، جامعه و بزه دیده منجر شود، اما توجیه کیفرزدایی با توجه به رویکرد فایده گرایی منطقی تر به نظر می‌آید.

۲-۱-۱- مبانی اخلاقی

از واژه اخلاق معانی گوناگونی اراده می‌شود گاه منظور از اخلاق مجموعه قواعدی است که راهنمای رفتار آدمی است و رفتار خوب از بد را به او می‌شناساند و رعایت آنها می‌تواند موجب کمال انسان شود (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۶، ص ۵۴۶) گاه نیز منظور از اخلاق دانش اخلاقی است و رشته ای است که درباره خلق و خوی انسانی صحبت میکند و فضائل اخلاقی را از رذایل اخلاقی می‌شناسد و گاه به معنای ویژگی روحی و صفتی است که از آن با عنوان خلق یاد می‌شود. رفتارهای اخلاقی که می‌توانند به عنوان فضیلت اخلاقی تلقی شوند دو دسته اند: دسته اول به گونه ای مستقیم بر دیگران اثر گذار است و در اصطلاح در حوزه رفتارهای اجتماعی قرار می‌گیرند و دسته دوم رفتارهایی اند که به گونه مستقیم بر دیگران اثرگذار نیستند و در اصطلاح در حوزه رفتارهای فردی قرار دارند.

غالباً مداخله کیفری برای انجام رفتارهای دسته نخست بی اشکال تلقی می‌شود. نخستین اصلی که زمینه ساز مداخله کیفری است وجود ارزش های فراگیر به عنوان واقعیت های اخلاقی است که عمل به آنها مایه تعالی اخلاقی انسان است. از دیدگاه ارسطو پذیرش این امر موجب می‌شود که وظیفه قانون رشد و تعالی فرد و فراخواندن او به این ارزش شمرده شود و کسانی که از این دعوت سرباز زنده نا فرمان شمرده شده و شایسته کیفر شوند. او هدف دولت را کمک به نیک زیستن مردم میدانند و این کمک را بیشتر از راه الزام و کیفر میدانند و باور دارد که دولت برای بهبود احوال آدمیان باید برنامه داشته باشد. پس درست است که در هر جنبه ای از زندگی آنها مداخله ورزد و اتباع خود را به هرکاری وا دارد تا آنها را به سعادت برساند (نوسبام، مارتا، ۱۳۷۴، ص ۱۲۶). در واقع از نظر او دولت یک کارگزار اخلاقی است که باید مردم را به سمت و سوی فضائی اخلاقی رهنمون کند و نقش نظارتی داشته باشد. بنابراین به دو دلیل وی انسانها را ملزم به رعایت رفتارهای اخلاق مدار دانسته و تخلف از آنها را مستحق جرم انگاری میدانند: ۱. وجود ارزشهای فراگیر اخلاقی که با آزادی های فرد ناسازگار اند ۲. ناتوانی انسانها در پایبندی آزادانه به این الزام ها و تحصیل اختیاری فضیلت های اخلاقی. گفتنی است ناتوانی انسان در پایبندی بر رفتار مبتنی بر ارزش های فراگیر اخلاقی می‌تواند

بر دو امر استوار باشد: یکی ناتوانی او در درک ارزش های فراگیر اخلاقی و دیگری ناتوانی او در تسلط بر شهوات و غرایز حیوانی خود. به دیگر سخن یا آدمی چون نمیتواند بفهمد باید وادار به تحصیل فضائل اخلاقی شود تا به خوشبختی برسد و یا اینکه اگرچه توانایی بر فهم دارد ولی چون نمیتواند بر شهوت و امیال حیوانی خویش مسلط شود، ناگزیر به الزام بر رفتارهای اخلاقی برای دست یابی به خصلت اخلاقی است. (قماش، پیشین، ص ۲۱۶). این ناتوانی خود باعث میگردد که انسان نتواند به غایت جهان دست یابد از این رو ناگزیر به وجود الزام های قانونی و حمایت کیفری از ارزش هاست. مجموعه این نظریات توجیه گر مداخله کیفری و جرم انگاری بوده لیکن با گرایش به رویکردهای کینیزدایانه می توان اینگونه به این نظریات پاسخ داد که نظریه های مجازات که به پشتوانه سنت و وظیفه گرایی طرح و توجیه میشوند همواره با این انتقاد مواجه اند که با گره زدن کیفر به مقوله اخلاق باعث تحدید آزادی و در نتیجه فریه شدن حقوق کیفری میشوند. انسان خود غایت جهان است و آنچه در این جهان وجود دارد برای آدمی پدید آمده است (سوره بقره، آیه ۲۹). بنابراین نباید از او به عنوان وسیله ای برای نیل به هدفی دیگر بهره جست و ارزشمندی فضائل اخلاقی بدون ملاحظه انسان ارزشی ندارد. لذا اگر بخواهیم با الزامات قانونی و از روی هراس از کیفر و تادیب، انسانها را به سمت کسب فضیلت های اخلاقی بکشانیم این بدان معنی است که وی غایت جهان نیست و ارزش هایی برتر از وی نیز وجود دارد که ضمانت اجرای تخطی از آنها کیفر میباشد. در حالیکه تنها به نام ارزشی والاتر از انسان میتوان چنین کرد (آیزایا، برلین، ۱۳۸۰، ص ۲۵۸). رساندن افراد به کمال تهذیب اخلاقی با تحدید و الزام کیفری امکان پذیر نیست زیرا رفتار اخلاقی رفتاری است که آزادانه انجام شود. در حالیکه الزام قانونی از راه زور رفتار را بر فرد تحمیل میکند و جنین رفتاری هیچ گاه نمیتواند دارای کیفیت اخلاقی باشد (تیندر، گلن، ۱۳۷۴، ص ۱۳۸) اگر بخواهیم با جرم انگاری، الزام کیفری و کیفرگذاری انسان را به سوی ارزش های اخلاقی فرا بخوانیم، موجب سلب حق انتخاب و نفی شان اخلاقی او شده ایم و قدرت خود الزامی و خود انگیختگی وی را نسبت به پایبندی به ارزش های اخلاقی مکدر ساخته و در نهایت فاعلیت اخلاقی او را نفی کرده ایم و این امر آشکارا ناسازگار با کرامت انسانی است و نمیتوان به بهانه حمایت از اخلاق و قواعد آن به طور کلی آزادی را که برترین ارزش تلقی میشود، به میزانی محدود کرد که محدوده آن تابع تفسیری شود که از مفاهیم کلی اخلاق به دست میدهیم. اینکه ما دولت را برای حمایت از اخلاق مجاز و مکلف میشماریم، به معنای ضرورت حمایت کیفری از آن نیست. امر اخلاقی را باید دولت تشویق کرده و مردم با روشهای مدنی از نقض آنها نهی شوند. اگر حمایت از اخلاق را در همه موارد بر دوش دولت بگذاریم، بی تردید راه را برای نخوت اجتماعی و بی توجهی جامعه در برابر منکر و تشویق به معروف باز گذاشته ایم. در اینصورت مردم به تدریج باور میکنند که

پاسداشت اخلاق تنها بر عهده دولت است و خود را در این زمینه بی‌مسئولیت میبینند. نتیجه نیز روشن است: ناتوانی دولت در حمایت همه‌جانبه و گسترش اخلاق از سویی و سستی پایه‌های مسئولیت اخلاقی و اجتماعی از سوی دیگر (محمودی جانکی، فیروز، مقاله حمایت کیفری از اخلاق، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری) انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۷۹۰) همچنین به کارگیری ابزار کیفر در این زمینه‌ها بیانگر اعتراض به تصمیم‌خداوند نیز هست چرا که او خواسته آدمیان خودشان کمال و خوشبختی را برگزینند. اگر او میخواست میتوانست همه را هدایت کند (سوره یونس، آیه ۹۹).

بنابراین به کارگیری کیفر برای هدایت آدمیان مستلزم نپذیرفتن خداوند و اعتراض به او و نفی فاعلیت اخلاقی آدمی و جانشینی انسان روی زمین است (قماشی، پیشین، ص ۲۲۸). کیفر دادن به لحاظ اخلاقی و به ذات ناپذیرفتنی است. کیفر نه تنها عامل مبارزه با بزهکاری محسوب نمیشود بلکه عامل قوی و موثری در تثبیت ارزش‌های اخلاقی و کمال معنوی و اصلاح نیز به حساب نمی‌آید. حمایت کیفری از اخلاق میتواند زمینه را برای رشد نوعی عوام فریبی هموار کند که بر اساس آن اکثریت مجاز میشوند تا یک نوع سبک زندگی خاصی را به جامعه دیکته کنند (هارت، هربرت، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳). بنابراین هر اندازه به تحدید قلمرو کیفری و کیفرزدایی بیشتر قائل شویم به همان اندازه از ابزارهای تضعیف انسانها (به عنوان اشرف مخلوقات) فاصله خواهیم گرفت و ارزش‌هایی که خداوند برای او در نظر گرفته تقویت خواهد شد.

۳-۱-۱ حق آزادی

آزادی انسانها از هرگونه تعرض نمونه‌ای بارز از آن دسته حقوقی است که به حقوق بشر موسوم است. این حقوق حقوقی هستند که هر فرد صرف نظر از هر نوع حق و تکلیفی که ممکن است داشته باشد یا نداشته باشد از آن برخوردار است و در تمام جوامع به رسمیت شناخته شده است. در تقسیم بندی‌های ارائه شده از آزادی، آزادی به دو نوع مثبت و منفی تقسیم شده است. آزادی مثبت به معنی استقلال و خودفرمانی در مقابل وابستگی به دیگران و آزادی منفی نیز به معنی تحمیل نکردن مانع و محدودیت از طرف دیگران است. جرم‌انگاری و اجرای کیفر فرایندهایی هستند که موجب تحمیل محدودیت از سوی دولت بر شهروندان میشوند که این خود به معنی حضور حکومت در قلمرو آزادی‌های منفی افراد جامعه است. اگر مداخله کیفری که بالاترین سطح تحدید آزادیهاست بدون توجیه، از حداقل‌ها افزونتر شود مردم دولت را مانع اصلی فعالیت‌های آزادانه خود می‌پندارند لذا برای جلوگیری از ایجاد چنین تفکری در میان شهروندان یک جامعه که اراده و اختیار خود را در اعمال محدودیت‌ها به دولت تفویض نموده‌اند دولتها اولاً میبایست ضرورت اعمال محدودیت‌ها را اثبات نموده و ثانیاً تنها در موارد ضروری آزادی‌های اساسی شهروندان را سلب یا محدود کنند زیرا در فضای بسته حتی اگر حقوق کیفری

برای تامین مصالح عمومی به کار گرفته شود نمیتواند رشد و رویشی عقلانی داشته باشد اما در فضای آزاد حقوق کیفری نقد پذیر میشود و در خدمت منافع و مصالح جمعی و همگانی قرار میگیرد و در چنین فضایی که آزادی فراگیر است کار و فعالیت و تلاش در جامعه گسترش یافته و چندان نیازی به حقوق کیفری نیست (منصور آبادی، عباس، ۱۳۹۶، ص ۶۶). بنابراین به موجب قاعده ضرورت که توجیه کننده مداخله کیفری در امور شهروندان است از میان تدابیر متعددی که میتوانند اهداف مورد نظر مقنن را تامین کنند تدبیری باید انتخاب شود که کمترین لطمه را به منافع و آزادی های خصوصی اشخاص وارد آورد. (شمس ناتری، محمد ابراهیم و ابوالمعالی الحسینی، سید وحید و علیزاده طباطبایی، زهرا سادات، ۱۳۹۰، ص ۲۷۲).

حکومت ها ابزاری هستند که برای گسترش حقوق انسانها به وجود آمده اند و دولت ها باید این حقوق را مورد احترام قرار دهند و به این حقوق عمل نمایند (خدایی، لطف الله، ۱۳۸۴، ص ۶) اما خود دولتها که حامیان رعایت این حقوق و در راس آنها آزادی شهروندان میباشند گاه به ناقضان این حقوق تبدیل میشوند. بدین توضیح که یکی از تدابیری که دولتها در جهت حمایت از این حقوق به کار میبرند این است که در راستای حمایت از آنها به وضع قوانینی میپردازند که بر اساس آن ناقضین قوانین و مقررات را مجازات میکنند و از سلب آزادی شخصی به عنوان ابزاری بازدارنده برای مقابله با جرایم و برقراری امنیت داخلی استفاده می کنند. حال آنکه از سوی دیگر این اقدامات (مجازات) خود نقض حقوق بشر و محدود سازی آزادی هاست. این تعارض را بدین شکل میتوان مرتفع نمود که آزادی یعنی حالت اولیه انسان، خواستگاه اولیه و اصلی که به موجب آن دولت و جامعه نمیتواند فرد را اجبار و محدود کند (مارتی، می ری دلماس، ۱۳۹۵، ص ۱۰۶). پس اگر آزادی را اصل نخستین در حقوق کیفری قرار دهیم به این نتیجه میرسیم که جرم انگاری و متعاقب آن کیفرگذاری و اجرای کیفر امری عارضی و ثانوی به شمار می آید و این باور تقویت میگردد که حقوق کیفری کارکردی استثنایی دارد. بدین ترتیب میتوان نوعی پیش فرض به نفع آزادی در نظر گرفت و گفت که هر گونه پیشروی در فضای آزاد رفتاری شهروندان و افزودن بر منطقه الزام و کنترل شده رفتاری آنان که محدوده آزادی های فردی را تنگ تر میکند نیازمند توجیهاات و دلایل قوی است (حیب زاده، محمد جعفر و زینالی، میر حمزه، ۱۳۸۴، ص ۴). بنابراین بهتر است به جای سلب حقوق و آزادی های انسان ها از پاسخ های غیر کیفری همانند ضمانت اجراهای مدنی، اداری و... که با حیثیت و مقام والای بشریت هماهنگ تر است استفاده نمود و استفاده از کیفر به معنی اخص را محدود به موارد ضروری کرد.

۴-۱- رعایت کرامت انسانی

کرامت انسانی به معنای آن است که انسان فطرتا حق دارد احترام شود و در معرض رفتار

اخلاقی قرار گیرد (طالبی، محمدحسین، ۱۳۹۳، ص ۱۲۴). کانت نخستین کسی است که از کرامت انسانی سخن به میان آورده است و از آدمی به عنوان غایت یاد میکند. با این حال فیلسوفان مسلمان پیش از کانت مانند ابونصر فارابی و ابوعلی سینا به این موضوع توجه داشته و از غایت بودن انسان و کرامت مندی او سخن گفته اند (قماش، سعید، ۱۳۹۳، ص ۱۹). طرح مسائل مربوط به کرامت انسانی در پیدایش قواعد و نظام های جدید حقوقی و به عنوان یکی از معیارهای اساسی قانونگذاری، دادرسی کیفری و اعمال ضمانت اجراهای کیفری نقش بسیار مهمی داشته است و تحت تاثیر آن تحولات چشم گیری در تاریخ حقوق کیفری به وجود آمده است از جمله اینکه حقوق کیفری باید هم برای حمایت از کرامت انسانی و هم استوار بر کرامت انسانی باشد و گرنه از فلسفه وجودی خود دور میشود و حتی ممکن است به وسیله ای برای از بین بردن این کرامت تبدیل گردد. رعایت این اصل که انسان دارای کرامت است مهم ترین معیاری است که بر اساس آن میتوان مشروعیت قواعد کیفری را بررسی کرد. این معیار اراده دولت و حکومت را در فرایند جرم انگاری و تعیین مجازات و اجرای آن محدود کرده و بر اساس آن اصلاح مجرم و جلوگیری از ارتکاب دوباره جرم حق مجرم و تکلیف دولت شمرده میشود.

هر جامعه ای که برای کرامت انسان ارزش بیشتری قایل باشد از حقوق کیفری کمتر و به عنوان آخرین راه چاره استفاده میکند. لازمه داشتن کرامت ذاتی آن است که انسان همواره مورد احترام بوده و از تحمیل کردن هر امری که موجب بی احترامی به او گردد پرهیز شود. بنابراین نتیجه ادعای کرامت ذاتی انسان این است که مجازات مجرمان به هیچ وجه شایسته نیست زیرا انسان مجرم به وسیله مجازات آزوده و تحقیر میشود و به این وسیله کرامت او زیر پا گذاشته میشود و مجازات مجرم ضد اصل کرامت ذاتی بشر است (طالبی، محمد حسین، ۱۳۹۳، ص ۱۲۵). نکته مهمی که در مبحث کرامت انسانی به عنوان یکی از مبانی توجیه کننده کیفرزدایی مطرح میشود این است که در بحث از کرامت انسانی باید به محوریت انسان توجه گردد لذا با این رویکرد در زمینه جرم انگاری و اجرای کیفر نیز باید به این اصل توجه گردد که مجرم به هر روی انسان است و باید همانند هر انسان دارای کرامت با او رفتار شود. استفاده از مجرم به عنوان وسیله ای برای رسیدن به یک هدف، مغایر با اصل کرامت انسانی است. از طرفی هنگامی که در حقوق کیفری به انسان و شان او توجه شود، هدف و نوع کیفر و به طور کلی شیوه های مبارزه با جرم دگرگون میگردد. بزهکار یک وصله کریه اجتماع با سرشت تبهکارانه نیست که فقط مناسب برچسب خوردن و اعمال نقش بزهکاری و تحملگر کیفر باشد بلکه وی نیز بیش از هر چیز یک انسان بوده و دارای قابلیت ها و استعدادها و شخصیت و منزلت انسانی است که اگر به وی است فرصت کافی برای جبران خطاها و اشتباهات گذشته بدهند و با وی برخورد انسانی شود، نتایج بهتر و عملکرد بهتری را از خود نشان میدهد (عباسی، محمود، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸) و

هر قدر حفظ آزادی‌ها و کرامت انسانی در سیاست‌های کیفری دولتها بیشتر لحاظ گردد، مشروعیت قواعد کیفری در دید مردم نیز بیشتر خواهد بود و برعکس استفاده بیش از حد از ظرفیت‌های حقوق کیفری در سطح گسترده از اعتبار و ارزش آن میکاهد. توجه به کرامت ذاتی انسان میتواند موجب محدود سازی دامنه مداخله حقوق کیفری شده و بر لزوم جایگزین کردن مجازات‌های سبک‌تر و یا حتی صرف نظر کردن از اجرای برخی کیفرها تاکید نماید.

۵-۱-۱ حق بر مجازات نشدن

حق موقعیت یا امتیازی است که دارنده آن دارای منفعتی شده و یا از ضرری دور میشود. کارکرد عمده حق در فلسفه حقوق حمایت از یک فرد در مقابل دیگران و تامین مصلحت و منفعت برای او در مقابل سایر افراد جامعه است. به ترتیبی که صاحب حق نه تنها بتواند به اجرای حق خویش بپردازد بلکه میتواند از دیگران نیز احترام به حق خود را مطالبه نماید (غلامی، حسین، ۱۳۹۵، ص ۱۷۳). بر اساس این تعریف میتوان حق را در چهار مصداق قدرت، توانایی، مصونیت و حمایت خلاصه نمود. زمانی که از عبارت حق بر مجازات شدن بزهکار یاد میکنیم، هیچ یک از این مصادیق چهارگانه به ذهن خطور نخواهد کرد چرا که مجازات نه تنها سودی بر بزهکار ندارد بلکه موجب ورود ضرر به تمامیت جسمانی و یا شخصیت او میشود و با مجازات او هیچ حمایتی از بزهکار به عمل نخواهد آمد و دقیقاً در مفهوم مخالف تعریف یاد شده از حق قرار میگیرد. به همین دلیل است که برخی گفته اند حق بر مجازات شدن بیهوده است. مجازات به عنوان یک شر چیزی نیست که یک شخص عاقل آن را به عنوان حق خود خواستار باشد (Deigh, John, 1984, p 203). این حق توسط هوساک به عنوان نظریه اصلی برای محدود کردن اختیار دولت در جرم‌انگاری و به تبع آن در کیفردهی حداقلی تبیین شده است. در واقع این حق گذاری توسط او چالشی برای اختیارات همیشگی دولت‌ها در جرم‌انگاری است و این پرسش را مطرح میکند که آیا اصل بر این است که دولت حق دارد که افراد را به دلیل عدم پیروی از قانون محکوم به کیفر نماید یا اینکه حق بر مجازات نشدن برای انسان وجود دارد؟ از دیدگاه هوساک حقوق کیفری با سایر حوزه‌های حقوق متفاوت است زیرا در آن به دولت اختیار اعمال مجازات نسبت به هنجارشکنان را میدهد. بنابراین تحلیل توجیه‌پذیری حقوق کیفری نیازمند تحلیل توجیه‌پذیری مجازات دولتی است. هوساک معتقد است که توجیه کافی مجازات دولتی حداقل باید مبتنی بر دو چیز باشد: اول باید نشان دهد که چرا دولت مجاز به نقض حق‌های ارزشمند است. هوساک اعلام میدارد که افراد حق بر مجازات نشدن دارند و وقتی مجازات نسبت به آنها اجرا میشود اگر با توجیه مدنظر دولت همراه باشد این حق نقض میشود ولی اگر غیر موجه باشد به حقوق افراد تجاوز شده است و دوم توجیه کافی مجازات باید به دو گروه از اشخاص که در موقعیت مناسب برای درخواست توجیه اعمال مجازات قرار دارند پاسخ دهد. این

گروه‌ها عبارتند از محکومان و جامعه‌ای که خواستار حمایت از نهاد مجازات است. Husak, (Douglass, 2008, p, 97)

ره آورد توجه به حق بر مجازات نشدن آن است که ورود به عمق محیط کیفری باید به صورت لایه به لایه باشد؛ یعنی از حداقل به حداکثر. بنابراین لازمه پذیرش حق مذکور تقدم توسل به فرایندها و پاسخ‌های غیر کیفری بر پاسخ‌های کیفری (لایه اول) و ضرورت توسل به انواع پاسخ‌های غیر کیفری از جمله پاسخ‌های بازپرورانه و ترمیمی و توسل به فرایندهای غیر کیفری از جمله فرایندهای اداری، محله‌ای، خانوادگی و آموزشی است (لایه دوم). در ادامه و در مسیر عمق بخشی به گستره استفاده از ابزار کیفری، حق یاد شده منجر به گزینش حداقلی از پاسخ کیفری خواهد شد (لایه سوم). پس اگر نوبت به استفاده از کیفر شد باید تا آنجا که ممکن است به حداقل ممکن اکتفا شود. در نهایت نتیجه ابتدای بر حق مورد نظر مسئولیت‌پذیری نظام عدالت کیفری در قبال شیوه پاسخ‌دهی به جرم می‌باشد. بدین معنا که کارگزاران این نظام را به اتخاذ تدابیر باز پرورانه نسبت به بزه کار و تدابیر جبرانی-ترمیمی رهنمون می‌سازد (لایه چهارم). بنابراین با پذیرش حق بر مجازات نشدن افراد مداخله کیفری نسبت به رفتارهای شهروندان با یک فیلتر چهار سطحی روبه‌رو می‌شود و قانونگذار موظف به رعایت آن در فرایند کیفرسازی هنجارهاست. (صادقی، ولی، ۱۳۹۷، ص ۳۸) و این پالایش منجر به سخت‌تر شدن توجیهات کیفردهی خواهد شد و هرچه دلایل و شرایط اعمال کیفر نمودن افراد سخت‌تر گردد زمینه‌های تقویت توجیهات کیفرزدایی بیشتر فراهم خواهد شد.

۶-۱-۱ اصل حداقل بودن حقوق جزا

آنچه که از آن به عنوان اصل حداقل بودن حقوق کیفری یاد می‌شود بدین معناست که از حقوق کیفری تنها باید به عنوان آخرین راه‌چاره برای پیشگیری از رفتارهایی که در حقوق کیفری مجرمانه شناخته شده استفاده شود و ضمانت‌اجراهای کیفری نباید به عنوان نخستین گزینه و راه حل مورد استفاده قرار گیرد. با شناخت قلمرو مجاز دخالت دولتها در حقوق و آزادی‌های شهروندان و به رسمیت شناختن مصونیت آنها از هرگونه مداخله کیفری غیرضروری می‌توان اهمیت این اصل را درک کرده و دولتها را ملزم به اعمال آن در عملکرد خود نمود چرا که حقیقت آن است که استفاده بیش از حد از ظرفیت‌های حقوق کیفری در سطح گسترده، اعتبار و ارزش آن را میکاهد و اثر بخشی آن را از بین می‌برد و مهارت‌های دولتها را در استفاده از ابزارهای غیر کیفری و اجتماعی کاهش داده و در نهایت با عدم تامین اهداف قانونگذار از اجرای کیفر موجبات بی‌فایده بودن آن را در نظر شهروندان فراهم می‌سازد. حال آنکه به کارگیری حداقلی حقوق کیفری، کارایی و کارآمدی آن را افزایش می‌دهد. به عبارتی در اصل محدودیت دخالت دولت فرض اساسی در جرم‌انگاری این است که دولت نباید به هیچ وجه دخالت کند و

صرفاً در صورت وجود ضرورت وارد عمل شود. به موجب این اصل، علاوه بر اینکه شرط وضع قانون کیفری ضروری بودن قانون برای دستیابی به اهداف آن است، دولت باید ثابت کند دستیابی به آن اهداف بدون قانونگذاری کیفری ناممکن خواهد بود اما آنجا که هدف قانونگذار از اجرای مجازات به طرق دیگر محقق خواهد شد استفاده از حقوق کیفری توجیهی نخواهد داشت. به گفته یکی از نویسندگان: "کسی از پتک برای شکستن فندق استفاده نمی‌کند" با این توضیح که کسی نباید برای کنترل رفتاری که میتواند به وسیله سایر رشته‌های حقوقی به شکل موثری تحت نظم درآمد، از حقوق کیفری استفاده کند (کلارکسون، کریستوفر، ۱۳۷۱، ص ۲۲۴) چرا که ایده سخت‌گیری و در بند کردن همه مجرمین برترین ایده نیست (تی، فرانسیس و پاتریشیوان ورهیز کالن و ال ساندت، جودی، ۱۳۸۶، ص ۳۲) و دولت از میان وسایل متعددی که دارد نخست باید از ابزارهای موثرتر و اجتماعی‌تر استفاده نماید چرا که ابزارهای غیر رسمی مثل ابزارهای مدیریتی، اقتصادی، مذهبی، کنترل‌های اجتماعی و ضمانت‌اجراهای اداری و مدنی که قابلیت تنظیم رفتار اشخاص در جامعه را دارند بر ضمانت‌اجراهای کیفری ترجیح دارند و حقوق کیفری تنها زمانی به کار گرفته میشود که دیگر راه‌ها مانند اقامه دعوی مدنی و ضمانت‌اجراهای غیرکیفری کارایی نداشته باشند. (Jareborg, Nills, 2006, p 52). بنابراین با توسل حداقلی به مجازات‌ها اصل اعتدال‌گرایی کیفری جایگزین افراط‌گرایی کیفری خواهد شد و نه تنها زمینه سوء استفاده از حقوق جزا، مفاهیم، ابزارها و نهادهای آن کاهش خواهد یافت بلکه موجبات تعدیل مصرف مفاهیم، ابزارها و نهادهای کیفری از طریق توسل به حقوق جزا به عنوان گزینه‌پذیرترین و حداقل‌ترین چاره ممکن نیز فراهم خواهد شد (غلامی، حسین، ۱۳۹۳، ص ۹). همچنین قلمرو حاکمیت شخصی افزایش یافته و حقوق و آزادی‌های شهروندان در یک فرایند کیفری محترمانه تأمین میگردد که این امر زمینه‌های ارتکاب مجدد جرائم را کاهش میدهد چرا که در کشورهایی که ارزش‌های کنترلی کیفری حاکم است آمادگی کمتری برای نقض مصالح شهروندان وجود دارد.

۲-۱ مبانی جرم‌شناختی

علاوه بر مواردی که به عنوان مبانی کیفرزدایی گفته شد، نمیتوان دستاوردهای نظریات ارائه شده از سوی جرم‌شناسان را در توجیه کیفرزدایی مورد اشاره قرار نداد. در میان نظریات ارائه شده، نظریه‌های لیبرالیسم و جمهوری خواه و برجسب زنی با اشاره به جنبه‌هایی چون حداقل مداخله کیفری در زندگی شهروندان و جلوگیری از الصاق عناوین مجرمانه به اشخاص در جهت کیفرزدایی گام بر میدارند که در زیر به شرح هریک از آنها میپردازیم.

۲-۱ نظریه لیبرالیسم

کلمه‌ی لیبرال در زبان‌های اروپایی از کلمه‌ی لاتینی liberalis و از liber به معنای

«آزاد» گرفته شده که به معنای «شایسته‌ی آزادمرد» یا «سخت‌و‌تمند» است. به طور کلی لیبرالیسم بر فردیت و هویت فردی، حقوق طبیعی، قرارداد اجتماعی، مالکیت خصوصی و دولت محدود تاکید میکند (بشریه، حسین، ۱۳۸۰ ص ۴۰). ایدئولوژی لیبرالیسم به معنای آزادی شهروندان در سایه حکومت محدود به قانون از پایه‌های اساسی حکومت مردم‌سالاری به شمار می‌رود. سیاست اجتماعی لیبرالها خواستار تضمین قلمروی اساسی برای آزادی شخصی - شامل آزادی وجدان، سخن، انجمن و اشتغال - هستند. آزادی از دید لیبرالیسم وسیله رسیدن به یک هدف سیاسی متعالی نیست بلکه فی‌نفسه عالی‌ترین هدف سیاسی است (آربلاستر، آنتونی، ۱۳۹۱، ص ۸۲). آزادی حائز اهمیت در این معنا به معنی آزادی از کنترل، اجبار، محدودیت و مداخله دولت است. در نتیجه هدف لیبرالیسم افزایش آزادی فرد است. فرد برای رسیدن به کمال خود باید آزاد باشد و وظیفه دولت تضمین امنیت برای آزادی فرد است. علاوه بر مفهوم آزادی، لیبرالیسم بر فردگرایی نیز تاکید دارد. در اندیشه فردگرایی لیبرالی، جامعه یک مجموعه اعتباری است که در اصل از فردها تشکیل میشود و از این رو بر جامعه مقدم است. اهمیت فرد و احترام به شخصیت انسان در مکتب لیبرالیسم به این شکل نمود یافته است که فرد قبل از جامعه میزیسته است و جامعه چیزی نیست مگر ترکیبی از افراد. بنابراین افراد باید زندگی خود را چنان که مایل اند سازمان دهی کنند. در نظر لیبرال‌ها افراد دارای حقوقی هستند که دولت باید آن حقوق را مورد احترام قرار دهد و نمیتواند شهروندان را از حقوق ذاتی خود محروم یا به انجام کاری بر خلاف میلشان وادار نماید مگر اینکه این احتمال وجود داشته باشد که منافع دیگر شهروندان در معرض خطر قرار میگیرد و با دخالت دولت این ضرر خنثی یا حداقل کاهش می‌یابد. بنابراین مداخله دولت در قلمرو آزادی‌های شهروندان محدود به دفع ضرر از سایر افراد جامعه میباشد. اعتقاد به اصل ضرر (مادی و معنوی) به عنوان معیاری برای تحدید آزادی‌های افراد نشان میدهد که کیفرگذاری و اجرای کیفر آخرین راه حل برای مبارزه با کج رفتاری‌هاست و باید محدود به مواردی باشد که شیوه‌های دیگر کنترلی موثر واقع نشود. ثمره عقاید لیبرال، دفاع از کرامت انسانی و تجویز و پذیرش نوعی کمینه‌خواهی در امر جرم‌انگاری و کیفرگذاری بوده و خطر افزایش قدرت را در قلمرو حقوق کیفری مورد توجه قرار میدهد چراکه هر قانون کیفری محدود کننده آزادی است و محدود شدن آزادی با افزایش قدرت دولت همراه است. نظریه پردازان لیبرالیسم معتقدند که در جوامع مدرن و نامتجانس (از نظر قوم‌شناختی) که ویژگی بارز آنها کثرت دینی و فرهنگی است ضوابط و معیارهای اخلاقی مختلفی وجود دارد که بر اساس اصول دموکراسی و آزادی، هیچ گروه و یا طبقه اجتماعی حق تحمیل عقاید دینی یا معیارهای اخلاقی خود را بر گروه‌های دیگر با استفاده از زور، قانون جزا، یا از طریق تهدید به ضمانت اجراهای کیفری ندارد. جرم‌انگاری و کیفرگذاری در نظام‌های کیفری مبتنی بر نظریه

لیبرال در چارچوب معیارها و محدودیت های خاص و با تکیه بر مبانی نظری معین و رجوع به ملاحظات هنجاری و ارزشی مشخص انجام میگیرد. کیفر در چنین سامانه ای در پرتو ارزش هایی چون آزادی، مدارا و خود مختاری که در واقع مولفه های سازنده هر نظریه لیبرالی هستند مشروعیت یافته و توجیه میشود. (رستمی، هادی، ، ۱۳۹۳، ص ۸۱). البته با تمام جدیتی که اندیشمندان لیبرالی در ارائه راهکار برای محدود نمودن دولت داشتند همواره نسبت به دولت نگاه سلبی نداشته اند و بر اساس اصلی تحت عنوان نسبت عدم مداخله دولت، موجودیتی لازم برای دولت قائل میشوند (نورانی، نورالله و حمیدیه، بهزاد، ۱۳۸۴، ص ۱۱۱) و حتی دولت را برای ایجاد نظم ضروری میدانند. رویکرد لیبرالی از همان آغاز بر دولت حداقلی، به ویژه در ساحت جرم انگاری و کیفرگذاری تکیه کرده است و از هر دولتی که بخواهد از رهگذر ساز کارهای کیفری به مسائل مربوط به حیطه خصوصی افراد ورود پیدا کند شدیداً تبری میجوید (رستمی، هادی، پیشین، ص ۵۶). بنابراین لیبرال ها با اعتقاد به اینکه در یک جامعه افراد باید آزاد باشند و نقش دولت در جامعه و حیطه اختیارات آن برای تنظیم روابط میبایست تعریف گردد به حداقل مداخله دولت علی الخصوص در قلمرو کیفرگذاری و اجرای آن تاکید دارند.

۲-۱-۲ نظریه جمهوری خواه

نظریه جمهوری خواه از جمله نظریاتی است که گستره دید وسیعی داشته و در برگیرنده کلیت جامعه با هدفمندی اعمال و اجرای عدالت برای همه است و با تاکید بر ایده آل های لیبرالیسم قصد دارد تا طرحی خاص برای شکل دادن به نهادهای عمده موجود در جامعه ارائه نماید. این نظریه قلمرو حاکمیت شخصی را جایگزین مفهوم آزادی در رویکرد لیبرالیسم کرده است و هدف نظام عدالت کیفری و زیر مجموعه های مرتبط با آن را در افزایش میزان حاکمیت شخصی شناخته و مداخله کیفری که از ارکان حکومت های پلیسی و اقتدار گرا می باشد را اصولاً موجب کاهش قلمرو حاکمیت شخصی بزهکار و اشخاص بالقوه بزهکار (سایر شهروندان) معرفی مینماید. در دیدگاه جمهوری خواهان نقش نظام کیفری واجد اهمیت است نه از این حیث که مجرم را مجازات نمایند زیرا توسل به کیفر به عنوان واکنشی تنبیهی چیزی جز پیامدهای منفی به همراه ندارد بلکه به زعم ایشان نظام جزایی باید به گونه ای سامندهی شود که ترویج کننده آزادی باشد (وایت، راب و هینز، فیونا، ص ۳۵۹) و این آزادی زمانی محقق میشود که مداخله کیفری از سوی جامعه با رعایت حقوق شهروندان و در جهت ارتقا حاکمیت شخصی باشد به همین دلیل جمهوری خواهان بر اهمیت کنترل های غیر حقوقی (هنجارها و رویه های اجتماعی غیر رسمی) و اعمال کاهش تدریجی در تمامی سطوح مداخله جزایی، به عنوان شیوه های بالا بردن حاکمیت شخصی تاکید می نمایند و مداخله کیفری غیر ضروری در امور شهروندان را به بهانه پیشگیری از جرم ممنوع اعلام میکنند. از نظر این دسته از اندیشمندان

مداخله کیفری نه تنها نیازمند توجیه است بلکه میزان و حد و مرز آن نیز نیازمند به توجیه است (غلامی، حسین، ۱۳۹۱، ص ۵۲). بر همین اساس، نظریه جمهوری خواه واکنش در برابر جرم را در معنایی خاص و در دو بعد تعریف نموده است: کمترین میزان استفاده از ابزارهای محدود کننده و بی اثر کردن رفتار نادرستی که انجام شده. در نظر جمهوری خواهان جامعه میتواند به جای مداخله کیفری و اجرای کیفر برای پیشگیری از تکرار جرم از فرایندی دیگر تحت عنوان شرم بازگرداننده استفاده نماید. کمال مطلوب از این فرایند آن است که تغییری درونی در فرد صورت پذیرد و این تغییر این احتمال را که او در آینده به جرم رو بیاورد، کاهش دهد و با قربانی جرم به گونه ای رفتار شود که او بتواند بار دیگر حاکمیت شخصیت خود را احیا نماید و بدین طریق زمینه ایجاد وجدان خود الزام گر را در وی فراهم نمود. در این فرایند هرچند، فرد مجرم از کنش های خود شرمسار میشود اما با اجرای کیفر طرد نمیشود بلکه بخشیده میشود. یعنی به بزهکار فرصت داده شود تا با پی بردن به ناپسند بودن رفتار مجرمانه خود اظهار پشیمانی نموده و عذرخواهی کند و سپس مجددا وارد اجتماع شود (نجفی توانا، علی، ۱۳۹۱، ص ۹۶) نظریه جمهوری خواه از یک طرف به ترویج هنجارهای متکی بر ارزش توجه نموده و از طرف دیگر با افزایش فرصتهای مختلف شغلی، تحصیلی و فرصت های اجتماعی به جای اعمال کیفر، روحیه جمع گرایی را در شهروندان تقویت می نماید کانون توجه این نظریه بر این موضوع است که باید بیشترین اهمیت را به حاکمیت شخصی داد و به جای اجرای کیفر و مداخلات کیفری در امور شهروندان به شیوه های جایگزین کیفر و استفاده از رویکردهای کیفرزدایانه تمسک نمود.

۳-۲-۱ نظریه برچسب زنی

یکی از مهم ترین نظریات که با مباحث کیفرزدایی ارتباط دارد نظریه برچسب زنی است. این نظریه با بررسی پیامد های الصاق برچسب مجرمانه بر فرد و اجرای کیفر توضیح میدهد که برچسب مجرمانه زدن نه تنها کمکی به پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین نمیکند بلکه به صورت معکوس میتواند زمینه ساز جرائم بعدی توسط بزهکار گردد. نظریه پردازان نظریه برچسب زنی معتقدند اصولا انحراف، یک پدیده اجتماعی است و این جامعه است که هویت انحرافی را پدید می آورد. بدین صورت که اصولا نظام جزایی و مقامات آن تعیین کننده کنشهای مجرمانه هستند و مشخص میکنند که چه چیزی را باید جرم دانست (ممتاز، فریده، ۱۳۸۱، ص ۱۰۷) و هر قدر که حفظ منافع این اشخاص نسبت به حقوق و آزادی های افراد از اولویت بیشتری برخوردار باشد مصادیق اعمال مجرمانه بیشتر خواهد شد و خود جامعه با جرم انگاری های جدید که بیشتر شامل تنوع و تکثر نحوه زندگی افراد و متفاوت زیستن و فکر کردن آنها نسبت به یکدیگر و حکومت گران میشود، قلمرو مداخله نظام کیفری را توسعه میدهد و بدین سان ضمن محدود کردن فضای آزاد اندیشیدن و آزاد زیستن شهروندان آنها را در معرض

مجرم شدن قرار میدهد (محتشمی، ندا، ۱۳۹۱، ص ۳۲). به عبارتی کنش های خاص افراد معین را به عنوان رفتار مجرمانه معرفی و در راستای جرم انگاری این کنشها، ضمانت اجراهای مربوطه (مجازات آنها) نیز تعیین میشود. آنچه که در این دیدگاه موجب روی گردانی از الصاق برچسب های مجرمانه به افراد و گرایش به سمت کیفرزدایی میشود پیامدهای منفی برچسب خوردن است که موجب ایجاد بستری جدید برای ارتکاب جرائم بعدی میشود. بدین صورت که زمانی که به فردی برچسب مجرم میخورد مردم به دلیل همین برچسب بیشتر به اعمال و رفتار وی توجه نموده و حتی ناخودآگاه حساسیت ها به عملکرد وی بیشتر میشود. این حساسیت و توجه موجب میشود تا با دقت بیشتری رفتار آنها توسط دیگران کنترل شود و هر ناهنجاری از سوی این فرد، راحت تر و سریع تر کشف گردد.

همچنین پیامد دیگر الصاق برچسب مجرمانه آن است که پس از برچسب خوردن، فرد بتدریج در نقشی که این برچسب برای وی تعیین کرده فرو رفته و الصاق برچسب مجرمانه موجب ایجاد هویت ثانویه برای بزهکار میگردد. چنین فرایندی نقش طرد کننده نهادهای ابراز واکنش نسبت به بزهکاری را تحکیم بخشیده، بزهکار را در چرخه بزهکاری مکرر قرار میدهد. (غلامی، حسین، ۱۳۷۸، ص ۷۳) و به مشتری دائمی نظام عدالت کیفری تبدیل میگرداند که هیچ احساس ندامتی در وی ایجاد نخواهد شد و وقتی چنین احساسی در او پدیدار نگردد راهی هم برای بازگشت به اجتماع و اصلاح نخواهد داشت (شیری، عباس، ۱۳۹۶، ص ۲۸۰) چرا که اجرای کیفر به پدید آمدن الگوهای هویتی مجرمانه در اشخاص می انجامد. علی الخصوص که این اشخاص خود را بی گناه دانسته و معتقد باشند که به ناحق کیفر بر آنها اجرا گشته است. در این دسته از افراد حس انتقام گیری از دستگاه عدالت کیفری به شدت خطرناک بوده و زمینه ساز جرائم بعدی خواهد شد.

بنابراین چنین فرایندی در نقطه مقابل کیفرزدایی که هدف آن اصلاح و بازپذیری بزهکار است قرار میگیرد و با آنچه که به عنوان بازسازی، اصلاح، جامعه پذیری و بازپذیری مجدد مجرم و پیشگیری از تکرار جرم تعبیر می شود متفاوت و بلکه متناقض است زیرا با برچسب زدن، اگر چنانچه خود مجرم قصد برگشت به جامعه را داشته باشد راه بر او بسته می شود. آنچه که در خصوص کیفرزدایی با استفاده از این نظریه و شیوه خلق جرائم به دست می آید این است که با توجه به اینکه جرم و نوع مجازات را حاکمان و قدرتمندان مشخص میکنند، در رویکرد کیفرزدایی یا جرم زدایی نیز همین افراد به اعمال و اجرای آنها مشروعیت خواهند بخشید. بنابراین راه حل این است که در تعریف و تعیین مسائل اجتماعی تجدیدنظر کرد و سلیقه ها را دخالت نداد (معید فر، سعید، ۱۳۸۵، ص ۲۴۸) و با در نظر گرفتن حقوق و آزادی های شهروندان از توسعه قلمرو کیفری امتناع نموده و با کاهش جرم انگاری از الصاق برچسب مجرمانه که

متعاقب آن اجرای کیفر خواهد بود فرصت‌های شکل‌گیری رفتار مجرمانه را در افراد از بین برد. لذا بهتر است برای جرم‌های کم‌خطر به جای حبس و بازداشت از رویکردهای دیگر که مبتنی بر اصل عدم مداخله کیفری یا توسل حداقلی باشد استفاده نمود و صاحبان قدرت که در دستگاه‌های اجرائی اعمال و برچسب‌های مجرمانه را تعیین می‌کنند برخورد‌های ملایم‌تری اتخاذ نمایند چرا که قدرت برچسب‌زنی، نقشی مهم و تعیین‌کننده دارد و آثار ماندگار برجای خواهد گذاشت در نتیجه میتوان با گرایش به سمت اجرای نهادهای کیفرزدا از خوانش‌های مجرمانه اجتناب نموده و با جایگزین نمودن ابزارها و نهادهای غیر کیفری در اعطای فرصت‌های بازاجتماعی شدن مجرمین از میزان آثار نامطلوب کیفر جلوگیری نمود.

۳-۱ دیدگاه‌های عدالت ترمیمی

علی‌رغم اینکه اندیشه عدالت ترمیمی پیشرفتی در عرصه کیفری و جرم‌شناختی است اما پدیده کاملاً جدیدی نیست و ریشه‌ها و پیش‌زمینه‌های چنین رویکردی در نظام‌های حقوقی مختلف، جنبش‌ها و دیدگاه‌ها و اندیشه‌های متعددی بوده است. ریشه‌های عمیق‌تر و تاریخی‌تر این جنبش، به سنت‌ها، آیین‌های مذهبی و آداب و رسوم اقوام و ملل بومی و محلی ارتباط پیدا می‌کند. در این میان اقوام و ملل آسیایی و آفریقایی به علت قدمت فرهنگ و تمدن‌های سنتی از پیشگامان سنت‌های مبتنی بر عدالت ترمیمی مانند میانجیگری و دیگر روش‌های حل و فصل اختلافات به روش‌های سنتی می‌باشند (عباسی، مصطفی، ۱۳۸۲، ص ۸۸). ظهور و پیدایش عدالت ترمیمی نتیجه یکی از تحولات بوجود آمده در نگرش به عدالت کیفری در رویکردی جرم‌شناسی و بطور کلی تحول در تفکر ناظر به جرم در دو دهه اخیر است. مطابق نظر برخی از نویسندگان، عدالت ترمیمی از سال ۱۹۹۰ به عنوان نهضتی اجتماعی جهت اصلاح و بازنگری نظام عدالت کیفری درآمده است (رایجیان، مهرداد، ۱۳۸۱، ص ۲۲).

عدالت ترمیمی ساختاری فلسفی است که نوع دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به جرم و چگونگی پاسخ به آن را عرضه می‌کند. از نظر طرفداران این مدل عدالتی، مجازات پاسخ مناسبی برای بزه نیست. هرچند که طرفداران عدالت ترمیمی معتقد به نفی تمامی اشکال کیفر نیستند ولی بر جنبه ترمیمی آن تأکید می‌کنند و معتقدند که واقعیت این است که نمیتوان بدون توجه به کیفر یک نظام حقوقی بنا کرد و بدین وسیله به حفظ نظم و امنیت در جامعه امید بست، پس باید اصل وجود کیفر را پذیرفت و به جای حمله به ماهیت انواع جرائم یا در بعد افراطی‌تر، حذف آن باید نگرشی نوین نسبت به آن ارائه کرد و بر جنبه غیر تنبیهی آن اصرار ورزید و شکل آن را در قالب‌های جدیدی، از جمله جبران آسیب‌های وارده بر بزه دیده تعریف کرد. اگر می‌خواهیم نشان دهیم لطمه‌ای که بر بزه دیده وارد شده برای ما مهم است، باید برای التیام آن آسیب، کاری انجام دهیم اما باید این موضوع را نیز مد نظر داشته باشیم که در بیشتر مواقع

اجرای کیفر و استفاده از پاسخ‌های کیفری به تنهایی نمیتواند پاسخگوی انتظارات بزه دیده باشد و اعمال مجازات یا تحمل آن از جانب بزهکار، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی واقعی نیست. مسئولیت‌پذیری واقعی مستلزم رودر رو شدن با آنچه که فرد انجام داده است میباشد. بنابراین باید با رویکردی جامع‌تر به جستجوی مدلی از عدالت باشیم که بتواند نیازهای بزه دیده و بزهکار را توأمان پوشش دهد. هرچند که در عدالت ترمیمی، هدف ترمیم آسیب‌های وارد بر بزه دیده است اما در تامین این هدف، نباید بزهکار را فراموش کرده و او را در این فرایند طرد نمود بلکه او باید فرصت‌های صحیح زیستن و قانونمند عمل کردن برای ترمیم آنچه را که در نتیجه ارتکاب جرم از بین برده است را داشته باشد. (Gerry, Johnson, 2002, p 69)

با توجه به اینکه در فرایند ترمیمی از سوی بزهکار، جبران با موافقت بزه دیده و بزهکار انجام میشود و بزهکار با آزادی و اختیار به آن تن میدهد، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مجازات که اجباری و تحمیلی بودن آنهاست در این فرایند وجود نداشته و شیوه‌هایی چون ابراز ندامت و پذیرفتن مسئولیت جبران صدمه و زیان را نباید نوعی کیفر دانست بلکه بزهکار با پذیرش آزادانه شرکت در این فرایند، زمینه را برای ادغام مجدد خود در اجتماع شهروندان قانون‌مدار فراهم میکند (جانسون، گری، ۱۳۸۹، ص ۲۰۸). طرفداران رویکرد عدالت ترمیمی معتقدند که استفاده از شیوه‌های معذرت‌خواهی، جبران و اظهار ندامت و پشیمانی بزهکار در فرایندهای عدالت ترمیمی، حس مسئولیت‌پذیری در بزهکار را تقویت میکند و موجب اصلاح رابطه وی با بزه دیده و جامعه خواهد شد. (Vienna, January, 2006, p 11). بدین صورت که بزهکاران تاثیر رفتار خویش-صدمه و زبانی که ایجاد کرده‌اند- بر دیگران را درک کرده و نیز ترغیب شوند تا آنجا که امکان‌پذیر است گام‌هایی را جهت اصلاح امور بردارند. در این حالت است که مشارکت فعالانه و اختیاری بزهکاران افزایش یافته و رویکردهای سزادهی مثل طرد کردن و اجبار به تحمل مجازات کاهش خواهد یافت. بنابراین مبینیم که عدالت ترمیمی الگویی متمرکز بر آینده است و به دنبال مدلی از عدالت برای بزهکاران است که به جای جنبه تنبیهی به ترمیم، جبران و التیام و حل و فصل مشکلات ناشی از جرم به جای مجازات تاکید دارد (غلامی، پیشین، ص ۷۲۳) و معتقد است که برای متقاعد کردن بزهکاران به قبول حقیقت، تنبیه باید برداشته شود و یا لاقلاً به عنوان آخرین راه حل در نظر گرفته شود.

۴-۱ مبنای اقتصادی

یکی از موجه‌ترین و مهم‌ترین مبانی برای اعمال نکردن هرچه بیشتر کیفرها علی‌الخصوص نسبت به مجرمین کم‌خطر، مبنای اقتصادی است. در خصوص رابطه کیفرزدایی و مبنای اقتصادی آن این رابطه را بیش از هر مجازات دیگری در خصوص مجازات حبس میتوان بررسی نمود. هرچند که در برخی دیگر از مجازات‌ها در مقیاس محدودتر نیز قابل طرح میباشد. در

دنیای امروزی که امور اقتصادی در هر کشوری یکی از پارادایم‌های اصلی توسعه یافتگی آن محسوب می‌شود لازم است که سیاستگذاران با تمرکز منابع اقتصادی و صرف آن در محل‌های ضروری به رشد اقتصادی کشور کمک نمایند. با توجه به اینکه در تحلیل‌های اقتصادی به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی از مهمترین اهداف سیاست‌گذاران است. لذا در تحقق این هدف سایر نهادهای موجود در جامعه نیز باید همسو و هم‌جهت با این رویکرد حرکت نماید. سیاست کیفری نیز در این راستا وظایفی بر عهده دارد. هر اندازه در تعیین رفتارهای مجرمانه و کیفرگذاری و اجرای کیفرها افراط گردد از میزان رفاه اجتماعی کاسته شده و به دلیل رویارویی بیشتر مردم با دستگاه و کارگزاران عدالت کیفری، هم‌امکان بزه دیده شدن ثانویه مراجعه‌کنندگان به نظام قضایی و هم‌امکان تحمیل هزینه‌های بیشتر بر بخش خصوصی و دولتی افزایش خواهد یافت. این مشکل در کشورهایی که سازمان قضایی پیشرفته ندارند دوچندان بوده و با جلوه‌ها و ویژگی‌های خاصی نمایان می‌شود (محمودی جانکی، فیروز، ۱۳۸۷، ص ۲۳۲). اما بر عکس هر اندازه که سیاست جنایی کشور به سمت و سوی کیفرزدایی از برخی جرائم گام بردارد و فرصت‌های بازاجتماعی شدن را به بزهکاران به عنوان نیروهای کار انسانی اعطا نماید و یا از جایگزین‌های کیفر استفاده نماید، هزینه‌های جرم و اجرای کیفر کاهش خواهد یافت.

با توجه به اینکه هزینه نگهداری زندانیان در همه کشورهای دنیا بسیار بالاست و این هزینه‌ها از طریق بودجه عمومی و از طریق مردم تامین می‌شود، همین امر باعث می‌شود تا سیاستگذاران کیفری به دنبال کاستن از هزینه‌های کیفری باشند (آشوری، محمد، ۱۳۹۱، ص ۱۸). در تحقیقی در خصوص هزینه‌های واقعی زندان در امریکا اینگونه گزارش شده است که اگرچه سالانه مبلغ هشتاد میلیارد دلار برای زندانی کردن محکومان هزینه می‌شود ولی این مبلغ فقط جزئی از هزینه‌های اجتماعی زندان است. زیرا هزینه‌های اجتماعی شامل هزینه‌های مربوط به افراد زندانی، خانواده‌ها، کودکان و جوامعشان می‌شود. در این تحقیق بیست و سه هزینه برای زندان شمارش شده است و مجموع هزینه‌های آنها به یک تریلیون دلار میرسد که معادل شش درصد تولید ناخالص داخلی است. بر این اساس برای هر یک دلاری که در این نهادها خرج می‌شود، یک هزینه ده دلاری در زمینه هزینه‌های اجتماعی به بار می‌آید (McLaughlin, Michael & Davis, Carrie Pettus & Brown, Derek & Veeh, Chris & Renn, Tanya, 2016, P7).

پس برای صرفه جویی در هزینه‌های عمومی باید توسل به ضمانت‌های اجرایی هزینه بر به حداقل ممکن برسد. هزینه‌های مستقیم جرم و اجرای مجازات‌ها مانند ساختمان سازی و ایجاد فضای فیزیکی برای نگهداری مجرمان، تجهیز زندان‌ها به امکانات اولیه و تامین امنیت اجتماعی از طریق جذب و آموزش نیروهای انتظامی و افزایش تعداد مراکز پلیس می‌باشد. از

طرفی دولت باید به تامین هزینه های خانواده و از جمله پوششگری از بزهکاری آنان اقدام کند (غلامی ، حسین ، ۱۳۸۰ ، ص ۱۰۳) و هزینه های غیر مستقیم هزینه هایی چون هزینه فرصت درآمدهای از دست رفته برای مجرمان را در بر میگیرد (کوثر ، رابرت و یولن ، تامس ، حقوق و اقتصاد ، ۱۳۹۲ ، ص ۶۵۱) زیرا اکثر کسانی که هم اکنون در زندان هستند جزء جمعیت فعال کشور محسوب میشوند و هیچ دلیلی وجود ندارد که در جامعه ای که با سیل انبوه بیکاران مواجه است عده ای انسان بزهکار و ناقض قانون در زندان نگهداری شوند و از طرفی مودیان مالیاتی ملزم به پرداخت هزینه های آنان باشند. همچنین با زندانی کردن بزهکاران نه تنها انگیزه های کار کردن از آنان سلب میشود و آنان به عنوان نیروی انسانی مفید از خدمت باز داشته میشوند بلکه روحیه افسردگی و تنبلی بر آنان نیز حاکم شده و پس از تحمل مجازات حتی اگر احتمال یافتن شغل هم برایشان به وجود آید، قابلیت های روحی و روانی کار کردن از آنان سلب خواهد شد. علاوه بر این اعمال برخی کیفرها مانند شلاق و حبس نسبت به بزهکارانی که از نوعی نابسامانی جسمی مانند بیماری های خاص یا ضعف بدنی رنج می برند می تواند هزینه های زیادی را بر بزهکار و جامعه تحمیل کند. همچنین میتوان از پیامدهای نامطلوب زندان بر محیط اطرافش نیز یاد کرد. چرا که از نظر سرمایه گذاری، فضایی که به ساخت زندان و نگهداری مجرمین اختصاص داده میشود قابلیت و رغبت سرمایه گذاری و ساخت و ساز را برای سرمایه گذاران از دست داده در حالی که میتوان با احداث ساختمان هایی جهت سکونت و یا مجتمع های خدماتی رفاهی ورزشی از پتانسیل و موقعیت جغرافیایی آن مکان بهره برداری و کسب منفعت نمود. بنابراین با توجه به مجموعه دلایل گفته شده آنچه که از نظر اقتصادی توجیه پذیر است استفاده از ظرفیت های انسانی و ژئوپولیتیکی به جای اجرای کیفرهای غیرضروری میباشد و سیاست کیفرزدایی از برخی جرائم در این زمینه بسیار موثر خواهد بود تا نه تنها با ذخیره بسیاری از هزینه ها بلکه با کسب نوعی درآمد از محل عدم اجرای کیفرها ، در جهت توسعه ی اقتصادی دولت نیز نقش مهمی ایفا نماید.

نتیجه گیری

حقوق کیفری به عنوان ابزاری برای کنترل جرایم تنها روشی بوده است که مدت‌ها در جوامع گوناگون استفاده شده است لیکن استفاده نابه جا از حقوق کیفری نه تنها بسیار پر هزینه بوده است و هدف نهایی از اجرای مجازاتها را محقق نکرده بلکه افزایش میزان جرایم را نیز به دنبال داشته است. آنچه که امروزه در قالب سیاست‌های کیفرزدایانه مطرح می‌شود در واقع پاسخی به ناکارآمدی‌های نظام عدالت کیفری است. اگر هدف نهایی مجازاتها را اصلاح مجرم و باز اجتماعی ساختن او در نظر بگیریم و به این موضوع که مجرم نیز یک انسان است که از کرامت انسانی و حق بر مجازات نشدن برخوردار است توجه نماییم به این اصل خواهیم رسید که تا زمانی که ضرورتی وجود ندارد نباید از ظرفیت‌های کیفری استفاده نمود. این دیدگاه در میان بسیاری از جرم‌شناسان و صاحبان مکاتب فکری نیز تایید شده است. مکتب لیبرالیسم که بر دولت حداقلی و ویژه در ساحت جرم‌انگاری و کیفرگذاری استوار است رویکردهای کیفرزدایانه و عدم مداخله در حیطه خصوصی افراد را تقویت نموده و تنها معیار محدودسازی آزادی‌های شهروندان را زمانی تعیین مینماید که اعمال این آزادی‌ها موجب ورود ضرر مادی و معنوی به دیگران گردد و کیفر را به عنوان آخرین راه حل زمانی می‌پذیرد که شیوه‌های دیگر کنترلی موثر واقع نشود. جمهوری خواهان نیز با اشاره نسبی به عقاید لیبرال‌ها بر ارتقا حاکمیت شخصی تاکید نموده‌اند و معتقدند که مداخله کیفری اصولاً موجب کاهش قلمرو حاکمیت شخصی میگردد. به همین دلیل بر اهمیت کنترل‌های غیر حقوقی بعنوان شیوه‌های بالا بردن حاکمیت شخصی تاکید می‌نمایند. در میان نظریات جرم‌شناسان نیز نظریه برچسب زنی با این توجیه که الصاق برچسب مجرمانه موجب میگردد تا مجرم برچسب الصاق شده را به عنوان رفتار هویتی بپذیرد و زمینه ارتکاب جرائم بعدی وی فراهم گردد به جای ضرورت اجرای کیفر به ضرورت کیفرزدایی در جهت پیشگیری از جرائم تاکید نموده است. از طرفی دیگر دولتها میتوانند با توسعه دیدگاه‌های عدالت ترمیمی (در مباحث جدید جرم‌شناسی) به جای عدالت سزادهنده، به ترمیم و جبران توجه نمایند و بدین ترتیب فرصت‌های بازگشت به جامعه را برای بزهکار فراهم نمایند و این چنین میشود که هزینه‌های جرم و اجرای کیفر کاهش یافته و دولتها در مسیر توسعه یافتگی بیشتر قرار خواهند گرفت.

فهرست منابع

الف-فارسی

۱. آریلاستر، آنتونی، "لیبرالیسم غرب ظهور و سقوط"، ترجمه: عباس مخبر، نشر مرکز، چاپ پنجم، ۱۳۹۱
۲. آشوری، محمود میرزایی، اسدا...، حقوق کیفری و توسعه اقتصادی-صنعتی، مجله آموزه های حقوق کیفری/پژوهشها، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۴، پاییز- زمستان، ۱۳۹۱
۳. آشوری، محمد، مقاله از زندان تا کینفردایی، ۱۳۸۸، مجله دادنامه، شماره ۲، ص ۳۴
۴. آیزایا برلین، "چهار مقاله درباره آزادی"، ترجمه محمد علی موحد، شرکت سهامی انتشار خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۸۰
۵. بابایی، محمد علی، ۱۳۹۱ تحلیل هزینه های جرم، نامه مفید، سال هجدهم، شماره ۹۴، ص ۸۲
۶. بشیریه، حسین، "لیبرالیسم و محافظه کاری"، نشر نی، چاپ هفتم، ۱۳۸۰
۷. تبیت، مارک، "فلسفه حقوق"، ترجمه حسن رضایی خاوری، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۴
۸. تی، فرانسیس، پاتریشیوان ورهیز و کالن و ال ساندت، جودی، "بحران زندان در ایالات متحده امریکا"، ترجمه لیلا اکبری، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۱۱، زمستان، ۱۳۸۶
۹. تیندر، گلن، "تفکر سیاسی"، ترجمه محمود صدری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۴
۱۰. جانسون، گری، "عدالت ترمیمی، شرم و بخشش"، ترجمه: حسین سمعی زنوز و مجتبی نقدی نژاد، فصلنامه علمی تریجی مطالعات پیشگیری از جرم، شماره شانزدهم، سال پنجم، ۱۳۸۹
۱۱. حبیب زاده، محمد جعفر و زینالی، میر حمزه، "درآمدی بر برخی محدودیت های عملی جرم انگاری"، مجله نامه مفید، فصلنامه دانشگاه مفید، شماره ۴۹، سال یازدهم، ۱۳۸۴
۱۲. خدایی، لطف الله، "دولت حداقل از دیدگاه نئولیبرالیسم"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴
۱۳. دهخدا، علی اکبر، "لغت نامه"، ج ۱۱، انتشارات دانشگاه تهران چاپ اول، ۱۳۷۳
۱۴. رایجیان، مهرداد، "بزه دیده در فرایند کیفری"، انتشارات خط سوم، چاپ اول، ۱۳۸۱
۱۵. رستمی، هادی، "جرم انگاری و کیفرگذاری در پرتو اصل محدودکننده آزادی در نظریه لیبرال"، پژوهش نامه حقوق کیفری، دوره ۵، شماره ۱، ۱۳۹۳
۱۶. قماش، سعید، "کرامت انسانی و نقش آن در جرم انگاری"، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۳

۱۷. کاتوزیان، ناصر، "کلیات حقوق"، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، جلد اول، ۱۳۷۶.
۱۸. کلارکسون، کریستوفر "تحلیل مبانی حقوق جزا"، ترجمه: حسین میر محمد صادقی، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۱۹. شیرین، عباس، "عدالت ترمیمی"، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۲۰. صابری، علی، "قرائت‌های معاصر از سزاگرایی"، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره ۱، دوره ۱، زمستان، ۱۳۹۱.
۲۱. صادقی، ولی‌ا... "کیفرزدایی در سیاست کیفری نوین ایران"، رساله دکتری، دانشگاه عدالت، ۱۳۹۷.
۲۲. طالبی، محمد حسین، "درامدی بر فلسفه حق"، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۲۳. عباسی، محمود، "افق‌های نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری"، انتشارات دانشور، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۲۴. عباس، مصطفی، "عدالت ترمیمی دیدگاه نوین عدالت ترمیمی"، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره نهم، ۱۳۸۲.
۲۵. غلامی، حسین، "کیفرشناسی"، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۲۶. غلامی، حسین، "اصل حداقل بودن"، فصلنامه حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۱.
۲۷. غلامی، حسین، "ارزیابی جرم‌شناختی نهاد حقوقی تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط"، مجله پژوهش و سیاست، شماره ۵، پاییز و زمستان، ۱۳۸۰.
۲۸. غلامی، حسین، "شرم و پیشگیری از تکرار جرم"، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره دهم، سال چهارم، ۱۳۷۸.
۲۹. کوتر، رابرت و یولن، تامس، "حقوق و اقتصاد"، ترجمه یدالله دادگر و حامده اخوان هزاوه، انتشارات نور علم، چاپ هشتم، ۱۳۹۲.
۳۰. شمس ناتری، محمد ابراهیم و ابوالمعالی الحسینی، سید وحید و علیزاده طباطبایی، زهرا سادات، "ویژگی جرم‌انگاری در پرتو اسناد و موازین حقوق بشر"، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۸، دوره بیستم، بهار، ۱۳۹۰.
۳۱. محتشمی، ندا، "نظریه تعامل‌گرایی و سیاست جنایی"، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۳۲. محمودی جانکی، فیروز، "جرم‌زدایی به منزله یک تغییر"، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، دوره ۳۸، شماره ۱، بهار، ۱۳۸۷.
۳۳. محمودی جانکی، فیروز، مقاله حمایت کیفری از اخلاق، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل

- از استاد دکتر محمد آشوری) انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۷۹۰)
۳۴. معیدفر، سعید، "جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران" انتشارات نور علم، چاپ اول، ۱۳۸۵
۳۵. می ری دلماس، مارتی، "نظام های بزرگ سیاست جنایی"، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۵
۳۶. ممتاز، فریده، "انحرافات اجتماعی"، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۱
۳۷. منصور آبادی، عباس، کلیات حقوق جزا، چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۹۶
۳۸. نجفی توانا، علی، "جرم شناسی"، نشر آموزش و سنجش، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۱
۳۹. نوسبام، مارتا، "ارسطو، ترجمه عزت الله فولادوند، انتشارات طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۴
۴۰. نورانی، نورالله و حمیدیه، بهزاد، "بازشناسی لیبرالیسم"، مجله راهبرد، شماره ۴ سال اول، ۱۳۸۴
۴۱. وایت، راب و فیونا، هینز، "جرم و جرم شناسی" ترجمه علی سلیمی، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ ششم، ۱۳۹۲
۴۲. هارت، هربرت، "آزادی، اخلاق، قانون، درآمدی بر فلسفه حقوق کیفری و عمومی"، ترجمه محمد راسخ، انتشارات طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۸

ب- انگلیسی

43. Bennett, Christopher, 2008, "The Apology Ritual: A Philosophical Theory of Punishment", first edition, Cambridge University Press, New York, USA
44. Gerry, Johnstone, 2002, Restorative justice: Ideas Values Debates willan publishing, USA and Canada p69)
45. Husak, Douglas, 2008, Overcriminalization: The Limits of the Criminal Law, Oxford University Press, pp.92-103
46. united nation office on Drug and Crime Vienna, 2006, Handbook on Restorative Justice programmes. United Nation Publication, V 15
47. Jaerborg, Nils, criminalization as last Resort (Ultima Ratio), OHIO state journal of criminal law vol.2 2005.
48. Tonry Michael 1994 Proportionality. Parsimony and interchangeability of Punishment in: Penal Theory and practice. tradition and innovation in criminal justice edited by Duff:etal pp 84
49. McLaughlin, Michael & Davis, Carrie Pettus & Brown, Derek & Veeh, Chris & Renn, Tanya, "The Economic Burden of Incarceration in the U.S", Concordance Institute for Advancing Social Justice Research and Innovation, Washington University in St. Louis, 2016.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۳۰۰ - ۲۸۷

تربیت عارفانه نزد محقق اردبیلی بیدگلی (عالم و عارف و شاعر شیعی سده ۱۱)

محسن مؤمن^۱

چکیده

در روزگار صفوی، حکومت و برخی متشرعان بانفوذ، متعصب و قشری موجب طرد و انکار بسیاری از فرقه‌های تصوف گردیدند و ناگزیر شکل خانقاهی تصوف با محدودیت و گاه ممنوعیت روبرو گشت و به صورت گرایش‌های ذوق‌مندانه عرفانی و سلوک زاهدانه فرصت بروز یافت. نوشته‌های صوفیانه نیز با توجه به چگونگی نشو و ارتقای تصوف و یا قوت و ضعف آن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و همچنین میزان توجه و اقبال عامه و خاصه به تصوف و متصوفه، در قوس‌های صعودی و نزولی بر یک سامان نبود. میرزا محمد محقق اردبیلی بیدگلی از علما و عرفای سده یازدهم هجری قمری است. اطلاع ما درباره او بسیار اندک است. این مقاله در جهت معرفی مشرب دینی و افکار و آراء عرفانی میرزا محمد بن سلطان محمد اردبیلی - معروف و متخلص به محقق اردبیلی بیدگلی - عالم، شاعر و عارف شیعی سده یازدهم هجری است؛ در مجال کوشیده‌ایم تا اطلاعاتی نادر و البته نو را از خلال نوشته‌های وی برکشیم و - هرچند مختصر - به بوته نقد نیز بگذاریم و چهره دینی و مذهبی وی را با چهره عارفانه‌اش بسنجیم. بنای ما در این پژوهش بر آثار خطی و چاپی موجود در کتابخانه‌های مدرسه سلطانی کاشان، آیت‌الله مرعشی و دانشگاه تهران است.

واژگان کلیدی

شریعت، طریقت، حقیقت، تربیت، محقق اردبیلی بیدگلی.

^۱ استادیار دانشگاه پیام نور، ایران.

طرح مسأله

باید دانست در میان همهٔ فرقه‌ها و مذهب‌های اسلام، تنها فرقه‌ای که با روشن‌بینی و سهل‌گیری، بیش از همهٔ فرقه‌ها در تصفیه اخلاق بشر کوشیده و در حقیقت مؤثر بوده‌اند؛ یهودی و مسیحی و بودایی و کافر و مسلمان را حرکت داده، به خود آورده و به اندیشه واداشته‌اند، صوفیه بوده‌اند. اینان به خدایپرستی مطلق اعتقاد داشتند و جانب هیچ دینی را بر دیگری ترجیح نمی‌نهادند.» (حلی، ۱۳۶۷: ۱۰۳) این باور قلبی آن‌ها - و نیز عارف‌ما - بود که به عدد هر ذره‌ای از موجودات، راهی است به حق، اما هیچ راه نزدیک و سبک‌تر از آن نیست که راحتی به کسی رسد و ما بدین راه رفتیم و همه را بدین وصف می‌کنیم.

ادب صوفیه از حیث تنوع غنا در فارسی و عربی اهمیت خاص دارد. قسمت عمده‌ای از نظم و نثر صوفیه هم تحقیق است و وعظ و مضمون بیشتر آن‌ها عبارت است از مذمت دنیا و تحقیر آن. (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۲۸) تا سال‌های پایانی قرن ۶ تمام کوشش صوفیه در - جز در چند مورد استثنایی - تألیف و تصنیف، مقصور بر تعریف و تفسیر و نشر و تبلیغ مبانی اعتقادی نظری و احکام و وظایف عملی تصوّف و یا نقل اقوال مشایخ و شرح حالات و مقامات و کرامات و مقامات ایشان بوده است که در همه آن‌ها، اصل ترغیب و تشویق مبتدیان به سلوک و تحریرض آنان به وصول به مقامات عالیه و نهایات کمال رعایت شده است. (همان) برخی تألیفات نیز تنها در حکم رساله عملیه سالک است.

از اواخر قرن ششم به بعد، فلسفه و کلام در تألیفات صوفیه نفوذ کرد و اصطلاحات حکما و متکلمین در کتب ایشان راه یافت و مسائل فلسفی و کلامی در مباحث و کلمات صوفیه نیز وارد شد و تصوف تا حدّی بنیان علمی و فلسفی یافت و زمینه این مطالب - که در قرن ششم آماده شده بود - به قرن هفتم کشید. (صفا، ج ۳ ق ۱، ۱۳۶۶: ۱۶۹)

در قسمت اول عهد صفوی، از دو رکن تصوف، جنبهٔ «زهد» آن، در عمل مورد توجه بعضی فقها و متشرّعه واقع شد، چنان‌که با اظهار زهد و ترک مراوده با حکام، مثل قدمای صوفیه مورد تکریم عوام واقع شدند و مثل پیران صوفیه کرامات روحانی و مقامات صالحه به آنان منسوب گشت. جنبهٔ «عرفانی و ذوقی» تعلیم صوفیه و اقوال آن‌ها درباره وحدت وجود و شهود و توحید و فنا و نظایر آن را نیز در وجود حکیمانی عارف همچون «شیخ بهایی»، «میرداماد»، «میرفندرسکی»، «مالصدر»، «ملاحسن فیض» و «فیاض» و امثال آن می‌توان دید.

با این همه، این آمیزش بین عرفان و فلسفه، تصوف را به‌سوی افراط کشانید؛ حدیث عشق و محبت منتهی شد به دعوی حلول و عاقبت، سخن از «انا الحق» رفت و آن را از جاده شریعت دور کرد. (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۲۹) این طریق علمی و شیوه تعلیل و توجیه، تصوف را از حال تا حدّی به قال باز کشانید و از این پس در شمار علوم مختلفی از قبیل حکمت و کلام تدریس شد

و به تدریج از انحصار متصوفه بیرون آمد.

اکنون با تکیه بر مطالب بالا بر آنیم تا از خلال آثار برجای مانده از محقق اردبیلی بیدگلی، دیدگاه های عرفانی و شیوه ها و مؤلفه های تربیتی وی را هویدا و تفسیر نموده و تا حدی نیز با اندیشه ها و روش های متقدمین تطبیق و تازه ها و تقلید را برشماریم. روش ما در این تحقیق، تحلیلی - توصیفی و از طریق منابع کتابخانه ای صورت و انجام پذیرفته است.

پیشینه تحقیق

موضوع این پژوهش، بنا به ناشناختگی محقق اردبیلی بیدگلی و شاید اقبال محققان و صاحبان مجلات دانشگاهی و معتبر به آثار متقدمین، مهجور مانده و به استثنای آقای افشین عاطفی و نویسنده این سطور کسی بدان نپرداخته است. مع الوصف، همه کتاب ها و مقاله ها در این خصوص این هاست:

- مقاله با عنوان «تصحیح انتقادی رساله تذکره الذاکرین نوشته محقق بیدگلی»، پژوهشنامه کاشان، شماره پنجم، (پیاپی ۱۳) پاییز و زمستان ۱۳۹۳
- مقاله با عنوان «سبک ادبی ریاض العارفین و منهج السالکین»، فصلنامه پژوهشهای ادبی و بلاغی، سال سوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۴
- مقاله با عنوان «جستاری در نسخ خطی رساله تذکره الذاکرین»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ، سال نهم، شماره سی و سوم، تابستان ۱۳۹۳
- کتاب «ریاض العارفین و منهج السالکین» اثر نگارنده این سطور، چاپ مجمع ذخایر اسلامی ۱۳۹۵
- کتاب «تذکره الذاکرین، رساله صوفیه صفویه، مناجات نامه» اثر افشین عاطفی، انتشارات همگام با هستی ۱۳۹۱

محقق اردبیلی بیدگلی کیست؟

درویش محمد، معروف به محقق اردبیلی بیدگلی، از اکابر علما و شعرا و متصوفه قرن یازدهم هجری است. صاحب «تاریخ اردبیل و دانشمندان» می گوید: «وی از اردبیل است، در کاشان اقامت گزیده و مشهور به «محقق» است. او احتمال می دهد که محقق، فرزند ملا احمد مقدس اردبیلی مکتبی به ابی الصلاح تقی الدین محمد بوده باشد. (موسوی اردبیلی، ۱۳۵۷: ۲۲۴).

با توجه به ماده تاریخی که در اشعار پایان کتاب ریاض وجود دارد، همین قدر می دانیم که وی به سال ۱۰۵۲ در کمال پختگی دانایی و روحانی خویش بوده است و کتب و رسالاتی را بنا به درخواست شاگردان خویش - که در هر دو کتاب ریاض و رساله تذکره نامی از ایشان نمی برد - می نگاشته است. [۱] از تاریخ دقیق فوت او اطلاعی در دست نیست. بر روی سنگ یادبودی که

بر دیوار حیاط مسجد محقق بیدگل نصب کرده‌اند، تاریخ وفات وی ۱۰۹۰ قید شده است. صاحب قصص الخاقانی می‌گوید: «سن شریف ایشان، هذا اليوم که هزار و هفتاد و شش هجری است، از عقد صد متجاوز شده.» (شاملو، ۱۳۷۴: ۱۹۷) مدفن و مقبره محقق اردبیلی بیدگلی، در قسمت تحتانی یکی از مساجد قدیمی بیدگل - که اخیراً بازسازی شده - در کوی معروف به دروازه سوراخ باره است.

آقابزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشیعه، درویش محمد و برهان ابرقوهی را دو شاگرد معروف قاضی اسدالله قُهبایی می‌داند و سایر کتاب‌های تراجم و تاریخ - چون قصص الخاقانی که درباره مؤلف ریاض، مختصری نوشته‌اند - جملگی به این موضوع اشاره نموده‌اند. (تهرانی، بی‌تا: ج ۱۱، ۳۳۴) او خود نیز در ضمن کتاب ریاض العارفین و رساله تذکره الذاکرین به این موضوع اشاره می‌کند و آنگاه این رباعی را در ستایش و بزرگداشت قاضی می‌سراید:

تا دوست نمود جلوه بر جان اسد شد خطه تجرید به فرمان اسد
کس نیست در این عهد ز شوریده سران بر مسند توحید به سامان اسد
(محقق، ۱۳۹۴: ۸۲)

این قاضی اسد، از عرفا و شعرای عصر صفوی و از مشایخ منسوب به فرقه نوربخشیه است. مشرب وی، توحید اشراقی شدید و وحدت وجود است. (بیگدلی، ۱۳۷۸: ۲۳)

آثار او

تذکره الذاکرین رساله، مختصری است در معرفت ذکر الهی و تواجد اهل سماع و بنا بر رسم صوفیان به سبب التماس احدی از مریدان در یک مقدمه و شش تذکره و یک خاتمه سمت تحریر و صورت تقریر پذیرفته است.

ریاض العارفین و منهاج السالکین مفصل‌ترین اثر وی است. گویا همان مرید از محقق اردبیلی می‌خواهد تا اثری - که به منزله شرح و تفسیر رساله تذکره است - به رشته تحریر آورد تا همه مریدان را کارساز آید. این کتاب، مشتمل بر هشت روضه است:

روضه شریعت، روضه ذوق عبادت، روضه شوق راهروان طریقت، روضه انابت، روضه شیخی و آداب ارادت، روضه ذکر و ریاضت، روضه اسرار معرفت و روضه انوار حقیقت. به نظر می‌رسد نظم منطقی این هشت روضه، بر اساس همان شریعت و طریقت و حقیقت باشد!

محقق، خود در کتاب ریاض به دو اثر دیگرش به نام «شرح منازل السائرین» و «شرح اوراد فتحیه» اشاره می‌کند. صاحب الذریعه می‌گوید اثر دیگری از او را به نام «رساله فی العرفان» دیده است ولیکن هیچ‌یک از آن‌ها به‌طور رسمی درجایی حفظ و ثبت نشده است. همچنین درباره تقدم و تأخر زمانی این آثار - با توجه به ذکر نام این آثار در کتاب ریاض

العارفین - همین قدر می‌دانیم که این کتاب واپسین و شاید کامل‌ترین اثر وی باشد که در عهد پیری «با ضعف قوا و قلت طاقت به قدر استطاعت» نوشته است.

نویسنده کتاب قصص الخاقانی دیوانی را به وی منتسب می‌داند با نام «اتنا عشریه» که قریب به دوازده هزار بیت بهجت آمیز و شورانگیز است؛ تمامی در توحید و نعت و منقبت و مدح حضرت ائمه است. (شاملو، ۱۳۷۴: ۱۹۷)

مشرب دینی محقق بیدگلی

آثار به‌جای مانده از مؤلف نشان می‌دهد که چهره دینی و مذهبی وی بر دیگر چهره‌های او (مثل عرفان) برتری دارد. اگرچه در خلال آثارش می‌توان به گرایش جدی او به حوزه‌های معرفتی پی برد، تألیف رساله تذکره‌الذاکرین و کتاب ریاض العارفین - که هر دو بیشتر در حوزه اعتقادی و آخرتی است - میزان توجه او را به تعلیم اندیشه‌های مذهبی و دینی نشان می‌دهد. در کتاب ریاض العارفین، این چهره نمودی پررنگ‌تر می‌یابد و علت تألیف این کتاب نیز خود گویای این گفته است: سائلی - که هویت وی بر ما معلوم نشد - از وی می‌خواهد تا «امور متعلقه به احکام احکام دین مبین و احوال مستلزمه سعادت هدایت سالکان طریق، بر سبیل سده تاسی و اتباع سید البشر» (محقق، ۱۳۹۵: ۱۱۲) در تألیفی که مشتمل باشد بر بعضی از احکام اصول و فروع شریعت بازگوید و در خلال آن «برخی از احوال و قوف بر فنون طریقت که رعایت آن موجب استقامت بر جاده طاعات و استخلاص از عقوبت وقوع در عقبات منهیات است» برشمارد. (همان، ۱۱۲) او نیز چون خیل بی‌شماری از نویسندگان صوفی بر آن است که ضمن پاسخ به درخواست مزبور، نزاع میان شریعت و طریقت را که از اتفاق بنا به نحوه سیاست دینی صفویه در روزگار مؤلف بازار گرمی دارد - پایانی خوش بخشد و در برابر کسانی که راه اباحه‌گری و بدعت پیش گرفته‌اند و دیگران را نیز در پی خویش افکنده‌اند و آسیب‌های جدی بر پیکره طریقت راستین وارد آورده‌اند، بایستد و اصل شریعت و طریقت و حقیقت را بنمایاند.

مشرب عرفانی او

بررسی اندیشه و آثار هر شخصیت ادبی و علمی، بی‌مطالعه روزگار او و بدون ملاحظه و بررسی اوضاع و احوال حاکم بر جامعه‌ای که در آن می‌زیسته است، اگر میسر باشد دقیق و کامل نیست. از این رو مطالعه شعر و عرفان و کیفیت سلوک عرفانی محقق اردبیلی بیدگلی نیز مستلزم شناخت اوضاع فرهنگی و تاریخی و دینی و سیاسی حاکم بر روزگار و جامعه‌ای است که او در آن بالیده است؛ یعنی عهد صفوی.

روزگار صفوی، حامل بعضی تضادهای مذهبی و مسلکی و سیاسی در لایه‌های پیدا و پنهان جامعه و به‌ویژه در نهاد حکومت بوده است؛ طرد و انکار بسیاری از فرقه‌های تصوف از جانب حکومت و متشرعان بانفوذ خود نمونه این تضاد است. تصوف خانقاهی از رواج افتاد؛ البته

صوفیان شیعی توانستند برکنار از این دوره شدت عمل، به حیات اجتماعی‌شان ادامه دهند. (صفا، ۱۳۶۶: ۲۲۰) فرقه حروفیه و نقطویه و قلندریه و مشعشعیه - به دلایل اعتقادی و بیم انحراف مردم و داعیه‌های شگفت - سرکوب و محدود گردیدند. فعالیت‌های نوربخشیه هم که در دوره شاه تهماسب داعیه‌های شاهانه داشتند محدود شد. شاید به سبب همین اوضاع متشنج و پرهیز از اتهام تصوف بود که بزرگان صوفی مشرب این عصر که در ایران مانده بودند، با سلاسل رایج صوفیه ایران ارتباط علنی نداشتند یا این ارتباط را کتمان می‌کردند. لذا تشخیص این‌که احتمالاً در چه سلسله‌ای سلوک می‌کردند و مرید چه کسی بودند مشکل است، ولی چنانچه به سلسله‌ای منتسب باشند ممکن است یکی از سه سلسله نعمت‌اللهیه، ذهبیه یا نوربخشیه باشد که در آن موقع در ایران رواج داشت. از این به بعد کلمه تصوف، که معنا و مدلولی مذموم یافته بود، به تدریج جای خود را به کلمه عرفان داد و در آثار بزرگان اهل تصوف غالباً با واژه عرفان از آن یاد شد. این عرفان، غالباً برآمده از آثار عرفانی ملاصدرا و پیروان او بود و آن‌ها نیز خود تحت تأثیر عرفان نظری ابن عربی بودند.

این سخن درستی است که در عهد صفوی، شکل خانقاهی تصوف با محدودیت و یا بعضاً ممنوعیت مواجه گشت ولیکن شکل محفلی و خانوادگی آن در میان مردم حفظ شد و به صورت گرایش‌های ذوق‌مندانه عرفانی و سلوک زاهدانه شخصی بروز و شیوع یافت. نهایت آنکه این هردو (شعر و تصوف) در این عهد، خط سیری غیر از آنچه در ادوار قبل داشته‌اند، طی کرده‌اند. (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۲۲۳)

در مطالعه زندگی محقق اردبیلی بیدگلی نیز که در این روزگار بالیده، عناصر ناهمخوان و گاه متضاد دیده می‌شود. او - همچون شیخ بهایی - در روزگار چیرگی ملایان متعصب قشری آزادانه تأملات عرفانی پیشه نموده و سعی در تألیف میان طریقت و شریعت و جمع میان عرفان و فقه ورزیده است و چنانکه بخواهیم وی را در یک دسته‌بندی مرسوم و کلاسیک صوفیه قرار بدهیم، می‌توان تصوف وی را - مانند سفیان ثوری و ابراهیم ادهم و مالک دینار - «تصوف زاهدانه» نامید؛ چراکه از آن‌همه بی‌خویشتنی و حیرانی بایزید و حسین منصور حلاج - یعنی بنیان‌گذاران و پیروان تصوف عاشقانه - چندان خبری و اثری در وی نمی‌یابیم. در کار سلوک معمولاً بر روش اصحاب صحو است به گونه محو؛ زیرا در روزگار وی شیفتگی حلاج، حالت جذب و وجد خرقانی، سیروسفرهای روحانی و رؤیایی بایزید از نظر سیاسی خلاف مصلحت و دردسر اجتماعی به شمار می‌آمد و همچنین تأکیدش در سراسر این کتاب بر ذکر و فکر و نیز لزوم حضور قلب در قبولی طاعت، خود شاهد دیگری بر این مدعا است.

تعلیم صوفیانه او جمع بین طریقه اهل زهد و اهل کشف است اما گاه به ذوق می‌گراید و رباعیاتی تقریباً حال انگیز - به رسم تألیفات اسلاف - می‌سراید. وی در عین انتقاد از صوفیان

دروغین و مخالفت با تصوف آن‌ها، که تا حدودی تحت تأثیر فضای حاکم بر جامعه عهد صفوی است، در سلوک خویش عشق و معرفت و ذوق و شور و آزادگی و وارستگی را با زهد و علم وسیع خویش توأم نموده است. باین‌حال، عرفان او در عین ظرافت و لطف، مؤلّد و خودبنیان نیست و فاقد تازگی و خودبستگی لازم است. محقق اردبیلی بیدگلی، علاوه بر توجه به مباحث نظری عرفان - در مقطعی هم به شیوه‌ای عملی و عینی - سلوکی عاشقانه و درویشانه داشته است.

وی - به تصریح خودش - چون بعضی دیگر از فقیهان و حکیمان بزرگ آن روزگار از قبیل شیخ بهایی، میرفندرسکی، میرداماد، ملاصدرا، فیض کاشانی و محمدتقی مجلسی که به فرقه نوربخشی و نعمت‌اللهی منسوب شده‌اند - نوربخشی است. اینان عموماً بعضی از رسم‌ها و آیین‌های صوفیه از جمله چله‌نشینی و التزام به اذکار و خلوت را رعایت می‌کرده و در دفاع از تصوف، آن را به ائمه‌ی معصومین منتسب می‌کرده‌اند. به‌علاوه شیعه بودن بعضی از این فرقه‌ها همچون نوربخشیه و ذهبیه و اعتبار و اهمیت مسئله‌ی ولایت در نزد این فرقه‌ها (و از جمله نزد نوربخشیه) و نیز سازگاری این مسئله با نظر شیعه و نیز اخلاص و اظهار ارادت آن‌ها به اهل بیت (به‌خصوص در طریقه ذهبیه) و رعایت ظواهر شرع و دوری مشایخ آن از داعیه‌های محل نزاع، موجب شده که بعضی از محققان همچون صاحب طرائق الحقائق، این گروه از فقیهان و حکیمان عصر را نیز به فرقه‌های یادشده منسوب کنند و احتمالاً می‌خواستند از این راه با استفاده از احترام و اعتبار این فقیهان و حکیمان بانفوذ، برخی فرقه‌ها و در کل، خود تصوف را از طعن و لعن علمای قشری و گزند و آسیب عوام و کارگزاران حکومت‌ها محافظت کنند. (جوکار، ۱۳۹۱: ۸۸)

به‌هرروی، موارد زیر شالوده مواضع و آراء عرفانی عارف ما را تشکیل می‌دهند:

۱ - لزوم پیر و ارشاد و تلقین وی؛ از دید او، علی علیه‌السلام ولی الاولیاء و شیخ همه طریقه‌هاست.

«همچنان چه مقلّد را در احکام شریعت از یادگرفتن به افواه رجال و تتبع کتب متقدّمین، با وجود مجتهد حی، به هیچ حال جایز نیست، مرید را نیز در طریقت از متابعت شیخ و مرشد و تعلیم ذکر و آداب طریقت از وی ضرور و ناچار است.» (محقق، ۱۳۹۵: ۴۰۰)

۲- تسلیم بودن در برابر شیخ؛

«حفظ قواعد اتباع و امتثال و بودن نزد وی [شیخ] مانند مُرده نزد غَسّال - چنانچه مشهور است - و در جمیع امور تسلیم اختیار و اراده مشفقانه راهنمای خالی از غرض و غرور به‌قدر مقدور گشتن، از لوازم طریقه طریقت و شرایط صحت نسبت تأثیر هدایت است.» (همان، ۴۶۶)

۳- لزوم رعایت و حفظ ظاهر سنّت و شریعت و اجتناب از بدعت در سلوک طریقت؛

«به حکم حدیث الظاهر عنوان الباطن؛ یعنی، رعایت ادب عبودیت در ظاهر، نمونه و نشانه‌ای است از صحت اعتقاد و قوّت اعتیاد نفس به اخلاص در باطن.» (همان، ۴۵۷)

۴- پرهیز از اظهار کرامات و لاف و طامات؛

«و اما خلوص عقیدت که مقصود از آن، پاک ساختن ذاکر است ... از اعتیاد به دعوی کرامات و مقامات موجب جرئت بر شطح و طامات که این جمله، از علامات غلبه وسوس شیطان و طغیان هواجس نفس نافرمان است.» (همان، ۴۸۸)

۵- هوشیاری کامل در طی طریق و سیر و سلوک (وی اهل صحو است)

«سالک طریقت بداند که در این راه بنده آگاه آن است که هرچند به انواع طاعات و اصناف عبادات به این درگاه تقرّب جسته باشد و صحیفه اعمال خود را از عموم ناشایست و رقوم نابایست به آب توبه و استغفار شسته.» (همان، ۳۰۶)

۶- حرمت و اباحه ذوق سماع و ذکر که در ضمن پنج شرط «بر سیبیل اجمال» بدان اشاره گردیده است. (همان، ۱۶۴-۱۶۷)

۷- مسئله ولی و ولایت از ارکان عمده طریقت است؛

زیرا اقرار به نبوت و تصدیق رسالت وی از اصول ضروریه دین باشد و بی ولایت شیخ و بی تصرف کردن ولی در وجود سالک، نیل به ثمره مجاهدات تقریباً غیرممکن است. «چنانچه در صحت عبادات خلق و قبول طاعات ایشان، اعتقاد حقیقت خدا و رسول و تصدیق آنچه مذکور شد از توحید و عدل و نبوت، شرط است، اعتقاد امامت ائمه هدی و تصدیق ولایت ایشان نیز شرط باشد.» (همان، ۱۲۴)

۸- اعتقاد به عزلت و خلوت که منعکس‌کننده روحیه صوفیانه ناب و تصوف محض است؛ «بلکه اعتزال از خلق و ترک آمیزش و اختلاط به مردم از برای مرید صادق الاخلاص اقرب است به طریق نجات و آنسب به رفع درجات.» (همان، ۳۷۱)

۹- اعتقاد به وحدت وجود؛

خواهی که نپوشد از تو رخ جلوه دوست

در مغز نگر به معنی از صورت پوست

کز هرچه وجود دارد از زشت و نکوست

چون در نگری حقیقت هستی اوست (همان، ۳۴۶)

همان‌طور که در بحث دیدگاه‌های دینی گفتیم غلبه فکری مؤلف بر شریعت است ولیکن چه در اثنای ایراد مباحث صرف دینی و چه در «نهرها» و «شعبه‌ها» ی تخصصی کتاب ریاض، از ذکر مبادی و آداب صوفیگری غفلت نمی‌ورزد؛ همچنین در کنار مباحث طولانی در بیان فرایض و نوافل و مناسک در روضه‌های اول و دوم این کتاب، بخش‌های بسیاری نیز هست که از لحاظ ابزار هنری و عاطفه، در نوع خود - و نیز در روزگار خود - جذاب و کم‌نظیر است.

آخرت طلبی

محقق اردبیلی بیدگلی - چون قاطبه گویندگان و نویسندگان - آرا و افکار متناقضی را بازگو می‌کند که گاه با اصل عرفان - به‌ویژه عرفان عاشقانه - ناسازگار است؛ بنابراین، مناسب دیدم در بحث معرفی چهره عرفانی مؤلف بدان‌ها اشاره کنم.

یکی از مباحث برجسته این اثر «آخرت طلبی» است که دلایل متعددی برای آن می‌توان یافت:

۱- نام اثر است و بخش‌ها و فصول آن: ریاض، نهر، شعبه، رشحه؛ نویسنده بنا به هشت‌بهشت و تبرک و تیمن، کتاب را بر هشت فصل یا روضه تقسیم نموده است و زیر فصل‌ها، هر کدام، نهرهایی جاری در آن‌هاست. این تقریر خود صاحب اثر است: «به امید آنکه به فضل و عنایت الهی، موجب تنزه و سرور اهل معرفت و سلوک گردد، به ریاض العارفین و منهاج السالکین مسمی گشت مشتمل بر هشت روضه مانند ریاض رضوان و در هر یک چهار نهر روان». (همان، ۱۱۳) البته ترکیب اهل معرفت و سلوک مقداری فریبده و گمراه‌کننده است.

۲- مصادیق ثواب‌جویی و آخرت طلبی در خلال مطالب کتاب است که برای شاهد نمونه-هایی ذکر می‌شود:

۱-۲- وی در سبب نگارش کتاب - چنانکه گفتیم - تصریح می‌کند: «تألیفی که مشتمل باشد بر بعضی از احکام اصول و فروع شریعت که مدار صحت بدایات و مرجع قبول عبادات است و برخی از احوال و قوف بر فنون طریقت که رعایت آن موجب استقامت بر جاده طاعات و استخلاص از عقوبت وقوع در عقبات منهیات است.» (همان، ۱۱۲)

۲-۲- در تعریف شریعت می‌گوید: «و آن راهی است روشن و روشی است مبرهن، ناشی از وحی الهی که هر که از امت وی، پیروی آن کند و سلوک بر آن نهج کند، از گمراهی متابعت نفس و هوا و اغوای شیاطین و وقوع در مهلکه بدع و اهوا نجات یافته، ظاهر حالش بر نهج استقامت و صلاح در دنیا و دین محفوظ ماند و در عقبی از عقبات عذاب رسته، به درجات بهجت فزای جنات ترقی نماید.» (همان، ۱۱۵)

۳-۲- در فضیلت حلقه‌های ذکر از قول ابن بابویه، حدیثی از حضرت رسول (ص) می‌آورد که: «بادروا الی ریاض الجنه قالوا یا رسول الله و ما ریاض الجنه قال خلیف الذکر» (همان، ۳۹۳) اکنون به ذکر مواردی می‌پردازیم که در انکار زاهدان خواهان حور و قصور گفته است:

در جدول ثالث از نهر ثالث روضه ثالث، در ذکر شرایط سالک در حین عزلت می‌گوید: «اکسیر تأثیر صحبت او، نقد قلب سالک را در خلاص ریاضت و بوتۀ امتحان بگذارد چندان که از کسل و کدر ریا و رعونت خالص و از غلّ و غش جهل و غفلت مصفا سازد و به سعادت نصیحت و ارشاد وی، از طریق رشد و سداد نگردد و به قدر وسع، در رعایت سلامت دل

از خواهش دنیا پرستان غافل و زاهدان به طمع حور و قصور شاعل و دانشوران به عجب و غرور مایل کوشش نماید.» (همان، ۳۸۱) این عبارات، ناقض قول مصنف در بند «ج» است که در آن مخاطب را به ارتفاع و ارتقای شأن و درجات فرامی‌خواند.

او در عظمت و فضیلت کلمه «لا اله الا الله» می‌گوید: «و نیست هیچ بنده‌ای که در گفتن این کلمه، بکشد به آن آواز خود را، پس بلند شود آواز وی، مگر می‌ریزد به این سبب گناهان وی در زیر قدم‌های وی چنانکه می‌ریزد برگ از درخت در زیر آن و تفسیر این آیه و حدیث در رساله تذکره به بسط زیاده از این مسطور است و زاهد منکر از فهم آن دور.» (همان، ۳۸۹)

توگویی آنگاه که در حالت ناخودآگاهی قلم بر صفحه کاغذ می‌لغزاند و از دنیا و عقبی نمی‌اندیشد، به زاهدان، جوایب حور و قصور بهشتی می‌تازد و چون به خود می‌آید، سخنی خلاف آن می‌گوید.

شاید این تن پروران و تن‌آسانان دنیایی‌اند که در پی جایگاهی دیگر و پایدارتر هستند تا دنیای بی‌جنب و جوش خود را به دنیای دیگری - که بی‌هیچ گونه تحرک هر چه بخواهی در دستان توست - پیوند بزنند.

فواید سماع

محقق اردبیلی بیدگلی، فوایدی را در این اجتماعات سماع می‌بیند و در پنج بخش یا فایده بازمی‌نماید:

- ۱ - زنگ و گرد آرایش محبت دنیا و خواهش نفس، به ریاضت و عبادت بی‌ریا و نیز نَفَس پیر زایل می‌شود و آینه دل، قابل تجلّی صفات و اسمای مولا می‌گردد.
- ۲ - سبب گشایش دل و ذهول افکار فاسد و خیالات باطل می‌گردد.
- ۳ - ظهور وحدت در کثرت؛ زیرا اتفاق کلمه سالکان در نغمه و نوا هیئت کثرت را به وحدت بازمی‌آورد و در دل‌ها نقش یگانگی می‌نگارد.
- ۴ - قبولی یکی یا برخی اهل حلقه ذکر و صفوف جماعت به مصداق «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا» سبب شود که سایرین هم مشمول عنایت ازلی گردند.

۵ - اطلاع یافتن از حال یکدیگر و سعی نمودن در قضای حوایج و همدردی کردن.

از نظر او، صحت سماع و اباحت آن، پنج شرط دارد: اول، رعایت ورع و تقوا؛ دوم، ملاحظه صدق و اخلاق در عمل؛ سوم، مراقبه و ملاحظه علمی الهی بر خواطر و اطلاع وی بر مکنونات ضمائر؛ چهارم، ذکر، موقوف مجلس سماع و محصور در موقف اجتماع نباشد. پنجم؛ در وقت حضور در مجلس ذکر، خاطر خود را از اندیشه وجد و حال و برجستن به رقص و سماع خالی سازد و فقط متوجه استماع ذکر و قرآن یا اشعار و سخنان مشتمل بر اشارات اهل عرفان گرداند.

(همان، ۱۶۴-۱۶۷)

شیخ و آداب ارادت

مؤلف ریاض بر آن است همان طوری که در زمان ظهور امام، خلق عالم همه نمی‌توانند به وی رجوع کنند و در هر طرفی از اطراف عالم، نایبی است که طوایف خلق در احکام دین و تعلیم آداب شرع مبین بدان‌ها رجوع می‌کنند، در روزگار غیبت هم به طریق اولی و لامحاله به مقتدایی نیاز است تا آن‌ها را به نصیحت و ارشاد خویش، بر جاده شریعت، مستقیم و ثابت نگاه دارد و به نیابت امامان دین، خلق را به خدا خواند.

وی به منظور استوار نمودن رأی خویش به آیه «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْتَدِلُونَ» استناد می‌کند و یکی دو حدیث از کلینی می‌آورد و سپس - در نهر اول - به «ذکر بعضی اوصاف حمیده که ائصاف مشایخ طریقت به آن سزاوار است» می‌پردازد تا سالک بر اساس ظاهر حال؛ یعنی، شال و جبّه و دلُق یا دعوی کرامات و اظهار خوارق عادات، ارادت و متابعت از خود نادان‌تری را نکند و عمر عزیز را با مجالست وی ضایع نسازد. (همان، ۴۵۱) عارف ما، سخن عیسی (ع) را در جواب سؤال حواریون درباره صفت هم‌نشین، طریق شناخت این طایفه می‌داند که می‌فرماید: «مجالست کنید با کسی که دیدن او سبب تذکر و تنبّه شما شود به ذکر خداوند و زیاد گرداند کلام او، علم دین و معرفت شما را به خدا، و راغب گرداند به سعی در عملی که موجب خیر عاقبت و ثواب آخرت شما گردد و متابعت عمل صالح او که مصدق قول اوست». (همان، ۴۵۱) زیرا پیروی سالک از پیر خود به صرف شنیدن قول زبان، بدون دیدن فعل از وی که مصدق آن بیان باشد، نادر و نامفهوم است. ملازمت شیخ، به هر تقدیر، محض تقلید از علوم ظاهری و کسبی و حفظ مسائل فقهی برای رهایی نفس نیست بلکه او باید بر اسرار باطنی اصول و فروع شریعت و طریق تبدیل اخلاق آگاهی داشته تا آنکه مریدان در صحبت و ملازمت وی، درد دین یابند و با سخن او زنگ شک از آینه یقین پاک کنند. او خود باید از سر یقین و اعتقاد جازم در دین راه را به راهروان بنماید؛ و از جمله آثار و علائم قابلیت او برای ارشاد و هدایت خلق، تمکّن او در مقام فقر و غنا است.

وی می‌گوید که شرایط پیری و شیخی، نسبت به هر زمان و هر فرد مختلف است و ضابطه آن، بسته به رعایت مصلحت و حُسن معرفت کامل زمان است اما زندگی انبیا و رفتارشان از اصول و ارکان این مرتبه است و از آن جمله: حُسن خُلق و گشاده‌رویی و ملاطفت در کلام و خوش‌خویی است که موجب تشدید و تسریع رغبت خلق به ورود در ربقة صلاح و ارادت و رعایت طریقت دین مبین خواهد بود. (همان، ۳۳۹)

اما صحت و استحکام ارادت مرید به شیخ، موقوف به مناسبت روح آن دو در ازل است چنان که از علی (ع) منقول است: «الارواحُ جنودٌ مجنّدهٌ فما تعارف منها ائتلف و ما تناکر منها اختلف» پس در این عالم نیز میان هر کدام که در عالم ارواح آشنایی و نسبتی بوده است، دل‌های آن‌ها به یکدیگر رغبت می‌نماید و محبت و مؤانست ظاهر می‌شود. اما شک نیست پیش از ایجاد

الف و ارادت و اقتداء، مرید می‌باید اقوال و افعال شیخ را - بر میزان اخلاق مذکور در حدیث پیامبر - بیازماید تا موجب سعادت و رستگاری دنیا و آخرت وی گردد. فایده دیگر این آزمودن، این است که عذری برای نقض عهد و قطع رشته ارادت باقی نماند، چه این به منزله ارتداد و وقوع در ورطه عناد و فساد است. (همان، ۴۶۰)

پیامبر (ص) می‌فرماید: «الشُّيْحُ فِي قَوْمِهِ كَالنَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ». (همان، ۴۶۰) پس منصب مقتدایی و شیخی، در حقیقت، منصب نیابت انبیاست و نقض عهد شیخ، مانند شکستن بیعت نبی باشد و ظلمی است بر نفس خود و محرومیت از نظر التفات و هدایت و توجّه شفقت و عنایت هادی - که نردبان پایه مریدان به اوج وصول و قُربِ قبول است. (همان، ۴۶۲)

و در مجموع شرایط و صفات پیر عبارت‌اند از:

- بر طریقه ائمه معصومین ثابت و راسخ باشد؛
- از اظهار کرامات و نقل خرق عادات مجتنب گردد؛
- پاک‌نهاد و پاکیزه اعتقاد باشد؛
- در علم عمل بر منهج یقین و طریق سداد گام نهاده است؛
- استاد طریق ریاضت و اجتهاد است؛
- و قواعد خلوت و ذکر و اوراد را با تعلیم و تلقین صاحب‌دولتی اخذ و استیفا نموده باشد؛
- در میدان متابعت از حضرت رسول (ص) و نیز ترک بدعت و فضول گوی سبقت از سایرین ربوده است؛

- مرکب هوا و هوس و حرص و طمع را پی کرده است و گرد غرض‌ها نگشته و از مرتبه اخلاص نیز در گذشته است؛

- سینه او بحر عرفان و بیان او جهل و حرمان را درمان است (محقق، ۱۳۹۴: ۸۰)

فواید سلوک

محقق اردبیلی بیدگلی، برای سلوک، سه فایده برمی‌شمارد:

فایده اول، تزکیه نفس است؛

فایده دوم، خالی گردانیدن دل از کدورت تفرّق به آرای مختلف و تفکّر در عقاید مشوّش است.

فایده سوم، تجلیه روح از قیود و تعلقاتی که روح علوی در مراتب تنزل به عالم سیفلی به آن‌ها مشغول و مقید گردیده است.

و طرق سلوک و آداب مجاهدت به حسب مراتب مریدان متفاوت است:

رتبه اول: عموم سالکان طریقت؛

رتبه دوم: خواص این طایفه؛

رتبه سوم: اخصّ خواص.

نتیجه گیری

محقق اردبیلی بیدگلی، از علما و عرفای قرن یازدهم هجری، شاگرد معروف قاضی اسدالله قهپایی از مشایخ منسوب به فرقه نوربخشیه و در پی آن کبرویه بوده است. مهم ترین کتاب او ریاض العارفین و منهج السالکین، دنباله و مکمل سلسله کتابهایی چون منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری و کیمیای سعادت غزالی و رسالات شیخ نجم الدین کبری است. مطالب کتاب ریاض در یک دسته بندی کلی، سه بخش است: نخست، قرآن و کتب حدیث؛ مثل اصول کافی، مصباح الشریعه، تهذیب، مصباح المجتهد، من لایحضره الفقیه و نظایر آن؛ دوم، کتب اخلاقی؛ مانند احیاء العلوم الدین، کیمیای سعادت و عده الداعی؛ سوم کتب عرفانی؛ نظیر رساله های نجم الدین کبری، مرصادالعباد. در اصالت مطالب کتاب ریاض توان گفت که مؤلف، غالب مطالب و دسته بندی ها ریاض را از پیش خود بیان نموده و به جرئت می توان ادعا کرد که تأخر زمانی، به قول هجویری، موجب - به اصطلاح - استنساخ مطالب و کتب اسلاف این داستان نشده است. تنوع مطالب در آثارش روشن می گرداند که وی در علوم متداول عصر خود مردی دانشمند و بصیر و آگاه بوده است و در ضمن اقتباس از آثار مشهور، کوشیده تا در تدوین و تنظیم مطالب، در حد یک مقلد صرف نماند.

تمام کوشش او مقصور بر تعریف و تفسیر و نشر مبانی اعتقادی نظری و احکام و وظایف عملی تصوّف، با تکیه بر آیات قرآن و اقوال ائمه معصومین - علیهم السلام - بوده است. تعلیم صوفیانه او، در اغلب جمع بین طریقه اهل زهد و اهل کشف است و بر آن است تا اصل شریعت و طریقت و حقیقت را بنمایاند. کشف و کرامات و خرافات مشهور در نزد صوفیه اعصار پیشین، در مبانی فکری او جایی ندارد. لزوم پیر و ارشاد و تلقین وی و رعایت و حفظ شریعت در سلوک، مهم ترین مبانی نظام فکری او را تشکیل می دهد.

پی‌نوشت:

۱- الهی فیض انعامت چو بود عام رسید این روضه عرفان به انجام

فهرست منابع

- ۱- اردبیلی بیدگلی، میرزا محمد (۱۳۹۵)، ریاض العارفین و منهاج السالکین، (تصحیح محسن مؤمن) قم: مجمع ذخایر اسلامی، اول
- ۲- _____ (۱۳۹۴)، تبصره الناظرین و تذکره الذاکریین، (تصحیح محسن مؤمن) کرج، چکامه باران، چ ۱
- ۳- انصاری، خواجه عبدالله. (۱۳۹۲). منازل السائرین ترجمه روان فرهادی، تهران: انتشارات مولی.
- ۴- بیگدلی، آذر. (۱۳۷۸). آتشکده آذر، میرهاشم محدث، چ ۱، تهران: امیرکبیر.
- ۵- تبادکانی طوسی، شمس الدین محمد. (۱۳۸۲). تسنیم المقربین، تصحیح سید محمد طباطبایی، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۶- تهرانی، شیخ آقابرگ (بی‌تا)، طبقات اعلام شیعه، قم، مؤسسه اسماعیلیان
- ۷- جوکار، منوچهر. (۱۳۹۱). جوانب عرفانی در زندگی و شعر شیخ بهایی، مطالعات عرفانی، شماره ۱۶، دانشگاه کاشان.
- ۸- حلبی، علی اصغر. (۱۳۶۷). شناخت عرفان و عارفان ایرانی، چ ۳، تهران: زوار.
- ۹- _____ (۱۳۷۶). مبانی عرفان و احوال عارفان، چ ۱، تهران: اساطیر.
- ۱۰- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). ارزش میراث صوفیه، چ ۶، تهران: امیرکبیر.
- ۱۱- _____ (۱۳۷۳). تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی، چ ۲، تهران: اساطیر.
- ۱۲- _____ (۱۳۸۵). دنباله جستجو در تصوف ایران، چ ۶، تهران: امیرکبیر.
- ۱۳- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۶). تاریخ ادبیات ایران، چ سوم، بخش اول، چ ۵، تهران: فردوس.
- ۱۴- قشیری، عبدالکریم. (۱۳۸۱). رساله قشیریه، تصحیح بدیع‌الزمان فروزان فر، چ ۷، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۵- کاشانی، عزالدین محمود. (۱۳۸۵). مصباح الهدایه، به کوشش عفت کرباسی و محمدرضا برزگر خالقی، چ ۲، تهران: زوار.
- ۱۶- کریمی زنجانی اصل، محمد. (۱۳۸۵). عرفان شیعی، تهران: اطلاعات.
- ۱۷- مصطفی‌الشیبی، کامل. (۱۳۸۵). تشیع و تصوف، تهران: امیرکبیر.
- ۱۸- موسوی اردبیلی، فخرالدین. (۱۳۵۷). تاریخ اردبیل و دانشمندان، مشهد: چاپخانه خراسان.
- ۱۹- نسفی، عزیزالدین. (۱۳۸۱). انسان کامل، ماریژان موله، چ ۶، تهران: طهوری.
- ۲۰- هجویری، علی بن عثمان. (۱۳۸۳). کشف‌المحجوب، تصحیح محمود عابدی، چ ۱، تهران: سروش.
- ۲۱- ولی قلی، شاملو. (۱۳۷۴). قصص الخاقانی شاملو، تصحیح حسن سادات ناصری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۳۲۰ - ۳۰۱

حق و تکلیف در نظام تامین اجتماعی وظیفه حقوقی و اخلاقی دولت

محمد رضا نجف آبادی پور^۱

ابوالفضل جعفرقلی خانی^۲

طیبه بلوردی^۳

چکیده

حق برخورداری از تامین اجتماعی به عنوان یک حق اساسی و بنیادین به منظور تامین منافع اشخاص در زندگی فردی و اجتماعی مورد شناسایی واقع شده است در مقابل دولتها، نیز وظیفه اجرای تحقق این حق رابه عهده دارند. نظام تامین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون ساختارنظام جامع رفاه و تامین اجتماعی در سه حوزه بیمه ای، حمایتی و امدادی در حال اجراست. در بخش بیمه ای و در قالب نظام مشارکتی باپرداخت حق بیمه سهم کارفرمایان، کارگران و دولت در راستای اجرای اصل ۲۹ قانون اساسی سازمان تامین اجتماعی نقش اساسی دارد. قانون معافیت پرداخت حق بیمه سهم کارفرما به میزان ۵ نفر در سال ۱۳۶۲ از مواردی است که به منظور حمایت از کارگاههای تولیدی، فنی و صنعتی به تصویب رسیده و در حال اجراست. اما به لحاظ بار مالی و دلایل مختلف از تعداد کارگاههای مشمول کاسته می شود. نوع نگاه قانون اساسی، قوانین عادی و قانون ساختار متفاوت از کاهش معافیتها و حذف می باشد. در این نوشتار هدف؛ تکلیف دولت در راستای رفع تبعیض و رعایت اصل برابری و مولفه اخلاق در یکسان سازی نرخ حق بیمه تمام کارگاههای صنفی می باشد.

واژگان کلیدی

وظیفه اخلاقی دولت، نظام تامین اجتماعی، سازمان تامین اجتماعی، حق، تکلیف.

۱. دانشجوی رشته حقوق عمومی، ورودی ۱۳۹۳، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران.

Email: mohammad.najafa@gmail.com

۲. دکتری حقوق عمومی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Jafargholikhani@yahoo.com

Email: t_balvardi90@yahoo.com

۳. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۰

طرح مسأله

سازمان تامین اجتماعی یکی از سازمانهایی است که در بخش راهبرد بیمه ای و در قالب نظام مشارکتی با پرداخت حق بیمه سهم کارفرمایان، کارگران و پرداخت سهمی توسط دولت در راستای اجرای اصل ۳۹ قانون اساسی نقش اساسی را برعهده دارد. قانون معافیت پرداخت حق بیمه سهم کارفرما به میزان ۵ نفر که در سال ۱۳۶۲ به منظور حمایت از کارگاههای تولیدی، فنی و صنعتی به منظور حمایت از تولید داخلی در بخش بیمه ای به تصویب رسیده بود هنوز با برجاست هرچند هرروزه از تعداد کارگاههای مشمول کاسته می شود امروزه در اغلب کشورهای اعم از توسعه یافته و در حال توسعه جایگاه بنگاههای کوچک و متوسط در اقتصاد مورد توجه سیاستگذاران اقتصادی قرار گرفته و تلاش می شود تا از پتانسیل این گروه از بنگاه ها برای تحقق اهداف کلان اقتصادی استفاده شود (نادعلی، ۱۳۹۰: ۲۶۴) در این نوشتار هدف؛ حذف و قطع حمایتها از این کارگاهها که توسط دولت انجام می گردد نیست بلکه در راستای رفع تبعیض، حمایت از اقتصاد داخلی، یکسان سازی نرخ حق بیمه در کارگاههای صنفی و سرشکن نمودن مساعدتها و معافیتها به تمام کارگاههای صنفی مد نظر می باشد. حق و تکلیف ملازم هم هستند و تلازم میان آن دو می تواند بعنوان ثبوت هر حقی در خارج برای یک صاحب حق مستلزم ثبوت تکلیف برای دیگری است و ثبوت تکلیف برای یک شخص کاشف از ثبوت حقی برای دیگری است (موسوی، ۱۳۹۴) بیان حق و تکلیف و درک و شناخت صحیح از مفهوم تامین اجتماعی در بسیاری از کشورها حتی کشور خودمان آنچنان که شایسته و بایسته است از لحاظ مبانی نظری شکل نگرفته ولی برخی از جنبه های قانونی آن در راستای عمل به مقوله نامه ۱۰۲ سازمان بین المللی کار مصوب ۱۹۵۲ به رعایت حداقلها و استانداردهای حداقلی آن سازمان در کشورها مورد توجه و اهمیت واقع شده است و از طرف دیگر با لحاظ قسمت دوم ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مقرر می دارد «هر کسی باید از حق داشتن تامین اجتماعی در بیماری، بیکاری، از کار افتادگی، از دست دادن سرپرست خانواده؛ پیری و دیگر حوادثی که به عللی خارج از اختیار خود، وسایل امرار معاش را از دست داده باشد برخوردار گردد مورد توجه و اهمیت واقع شده است. نظام تامین اجتماعی در ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و خارج از بحث چهار چوب نظری که تکامل نیافته در حد رعایت حداقلها اقدام و انجام می گیرد.»

با تصویب قانون ساختار جامع در ۱۲ اردیبهشت ۸۳ قدم مهمی در راستای تحقق تامین اجتماعی و اجرای اصل ۲۹، تفکیک سه حوزه بیمه ای، امدادی و حمایتی در حوزه نظام تامین اجتماعی و تعیین حق ایجاد شده برای شهروندان از یک سو و مکلف نمودن دولت از سوی دیگر برداشته شد که در راس آن وزارت تعاون، رفاه، کار و امور اجتماعی متولی نظام تامین اجتماعی جمهوری اسلامی گردید. در حوزه بیمه ای نیز، سازمان تامین اجتماعی یکی از سازمان هایی

است که به عنوان یک نهاد بیمه گر اجتماعی مأموریت اصلی آن پوشش کارگران مزدو حقوق بگیر (به صورت اجباری) و صاحبان حرف و مشاغل آزاد (به صورت اختیاری) است. بر اساس قانون، سازمان تامین اجتماعی یک نهاد عمومی غیر دولتی است که بخش عمده منابع مالی آن از محل حق بیمه ها (مشارکت بیمه شده و کارفرما) تامین میشود و متکی به منابع دولتی نیست و ارتباط مستقیم با بخش نظام اقتصادی کشور دارد. از یک سو رونق فعالیت های تولیدی و صنعتی موجب افزایش جمعیت تحت پوشش و تقویت منابع مالی این سازمان می شود و از سوی دیگر پوشش بیمه ای کارگران و جمعیت شاغل کشور به افزایش اطمینان خاطر ایجاد امنیت روحی و سلامت جسمی و در نهایت کاهش نرخ بیکاری و ارتقای بهره وری نیروی کار منجر می گردد. عمده منابع درآمد سازمان تامین اجتماعی حق بیمه واریزی به سازمان تامین اجتماعی است که قطعا ورودی بسیار مهم به صندوق تامین اجتماعی می باشد در این مهم دولتها معمولاً با استفاده از قوانین حمایتی و مساعدتهایی درمورد حق بیمه ها با حمایت از کارفرمایان سهمی از حق بیمه را به عهده گرفته و در جهت رشد توسعه اقتصادی کشور از کار فرمایان حمایت می کند. یکی از مواردی که دولتها نسبت به کارفرمایان حمایت انجام می دهد قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایان که حداکثر پنج نفر کارگر دارند. علی رغم اینکه حمایت از کارفرمایان به نوعی در راستای پرداخت حق بیمه ها و حمایت کارگر مناسب است اما از لحاظ حقوقی آثار مثبت و پیشنهاد شمولیت این معافیت و تسری آن به سایر کارگاههای صنفی در راستای نظام تامین اجتماعی جامع و پویا گام بر می دارد که در ادامه به این نتیجه خواهیم رسید یکسان سازی نرخ بیمه با سرشکن کردن حمایتها و معافیتها به کارگاههای بیشتر هم افراد تحت پوشش دریافتی از حمایتهای دولت به نسبت قبل متفاوت خواهد شد و هم حق بیمه های زیادتری به سازمان تامین اجتماعی واریز خواهد شد که از لحاظ درآمدی سازمان رشد و بهبود خواهد یافت و احقاق حقوق بیشتر برای افراد جامعه منتهی خواهد شد.

هدف این نوشتار فراگیری و رعایت اصل برابری و مساعدتهای اجتماعی برای همه کارفرمایان و شناساندن حق آنها برای مطالبه و تکلیف دولت در خصوص عدم قطع حمایت سهم بیمه کارفرمایان می باشد.

۱- مفهوم تامین اجتماعی

از نظر لغوی واژه «تامین» ماخوذ از ریشه امن و به معنی «ایمن کردن» یا فراهم نمودن آرامش و آسایش خاطر است. (معین: ۱۳۸۹، ۲۷۵) و کلمه اجتماعی در واقع رابطه آن با جامعه از ابعاد سنتی، تاریخی و جغرافیایی نشان می دهد. (چربگو، ۱۳۸۶) واژه ترکیبی تامین اجتماعی برای اولین بار به طور رسمی در قانون ۱۹۳۵ در ایالت متحده آمریکا به کار رفت. این قانون را باید سند تولد تامین اجتماعی دانست و شاید هم درست تر این باشد که آن را سند مرگ بنامیم: مرگ

اندیشه و آزادی اقتصادی به گونه ای افراطی که تا سال ۱۹۲۹ بر ایالات متحده حکمفرمایی داشت (عراقی، ۱۳۸۶: ۱). این اصطلاح در کتاب فرهنگ اصطلاحات کار و تامین اجتماعی چنین تعریف شده است:

« تامین اجتماعی » به حمایت علیه مخاطرات اجتماعی از نگرانی های حاصل از اتفاقات ناگوار یا اقداماتی به منظور حمایت یا اطمینان دادن به جهتی علیه مخاطرات اجتماعی اطلاق می شود. تامین اجتماعی مقررات و اقداماتی است که برای حمایت افراد یک جامعه در مقابل خطرات و پیشامدهای اجتماعی نظیر بیکاری، فوت، از کار افتادگی، بازنشستگی و غیره به کار می رود. به عبارت کلی تر، تامین اجتماعی، تامین منافع افراد اجتماع در مقابل پیشامدها و مخاطراتی است که احیانا موجب تنزل سطح زندگی آنها گردد. در واقع هدف تامین اجتماعی از بین بردن احتیاج است (مجتبوی، نایینی، ۱۳۷۸: ۱۵).

دانستن مفهوم عام و خاص تامین اجتماعی گستره فعالیت و حدود وظایف دولت ها، سهم مشارکت مردم، سهم حمایتی و مساعدت اجتماعی دولت را برای پژوهشگر در حوزه نظام تامین اجتماعی مشخص و معین تر می کند و به پژوهشگر چهارچوب مشخص برای تحقیق بیان میکند. در واقع برداشت مفهوم عام و خاص تامین اجتماعی، نظام تامین اجتماعی هر کشور را در حوزه ساختاری، حمایتی و غیره بیان میکند.

الف) تامین اجتماعی در مفهوم عام: در تامین اجتماعی به مفهوم عام همه اعضای کشور - یعنی یکایک افراد ملت جزو اشخاص تحت حمایت می باشند. (نعیمی، پرتو: ۹، ۱۳۹۴) و اقدامات به اشکال مختلف توسط حکومت ها، سازمان ها و افراد در جهت حمایت از قشر آسیب پذیر جامعه انجام می شود. (موسوی، ۱۳۸۴)

از توضیح آنچه بیان شد میتوان اصل را بر بهره مندی افراد متقاضی حمایت گذاشت و مستفاد از اصل ۲۹ قانون اساسی و بند الف ماده ۹ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی سیاست فراگیری را در مفهوم عام آن دانست.

ب) مفهوم خاص تامین اجتماعی محدوده وظایف نظام تامین اجتماعی را مشخص تر و دسترسی به آن را ممکن تر می کند. تامین اجتماعی در معنای خاص حمایتی است که از بیمه پردازان و افراد تحت تکفل آنان در برابر خطرهایی چون پیری، از کار افتادگی، بیماری و مرگ در قالب یک نظام منسجم و قاعده مند به عمل می آید (نعیمی، پرتو، ۱۳۹۴: ۱۶)

در مفهوم خاص اما دکتر عراقی معتقد است اگر نگاهی دقیق تر به قانون سال ۱۹۳۵ داشته باشیم تنها خطرهای پیری، بیکاری، از کار افتادگی، مرگ سرپرست خانواده را مورد توجه قرار میدهد. (عراقی، ۱۳۸۶: ۲)

نهایتا آنچه که آثار خاص و عام بودن تامین اجتماعی بر آن مترتب است را می توان در

نقش دولت، اصول حاکم بر حمایت های تامین اجتماعی، قلمرو رسالت و هدفهای تامین اجتماعی دانست.

اگر با یک نگاه ساده به اصل ۲۹ قانون اساسی در ارتباط با تامین اجتماعی برخورد داشته باشیم از فحوای اصل، مفهوم خاص تامین اجتماعی در جهت برخورداری هر یک از افراد که حق همه دانسته شده است برداشت خواهد شد که بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره، متعلق به همه و حق همه است. در این اصل هدف تامین اجتماعی محدود به فرد یا افراد بیمه شده نیست بلکه راه های برخورد با آثار خطرهای اجتماعی و رفع آنها را وظیفه تامین اجتماعی برشمرده که از راه مشارکت و غیره باید تامین شود. اما اگر در ماده یک قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی دقت نظر داشته باشیم حوزه تامین اجتماعی را فراتر از مفهوم عام دانسته و یا حتی خارج از آن، بدین معنا علاوه بر حوزه خدمات اجتماعی و رفاه به سازگاری فرد با محیط اجتماعی و سلامت روحی و روانی او را مورد توجه قرار داده است. در واقع جمع و تکمیل شیوه های رسیدن به اهداف تامین اجتماعی نهادهایی را بوجود می آورند و منظور از نظام ها به طور کلی مجموعه نهادهایی است که در مسیر رسیدن به هدف های تامین اجتماعی مورد استفاده قرار می گیرد.

نهایتاً: نظام تامین اجتماعی در بردارنده مجموعه ای از اصول، نهادها، ساختارها و ساز و کارهای شناخته شده است که با هدف تامین و گسترش امنیت اجتماعی و اقتصادی در حال و آینده تدوین شده و به مرحله اجرا در می آید. (معاونت فرهنگی اجتماعی تامین اجتماعی: ۱۳۹۴، ۲۱)

براساس قانون ساختار نظام جامع سال ۸۳ نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی یا همان نظام تامین اجتماعی جمهوری اسلامی را می توان به چهار بخش تقسیم کرد:

اول: حوزه های نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی

دوم: اصول و سیاست های کلی نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی

سوم: تشکیلات و ارکان چهارگانه نظام تامین اجتماعی

چهارم: نظام بیمه های اجتماعی

با توجه به این که موضوع و هدف اصلی این نوشتار به بررسی حق بیمه و به طور خاص کارگاه هایی که مشمول معافیت و در سازمان تامین اجتماعی هستند، مورد بحث قرار می گیرد، لذا فقط به بیان کلیاتی که از بخش های نامبرده اکتفا می شود و تمرکز اصلی بحث بر موضوع حق بیمه کارگاه های مشمول معافیت در سازمان تامین اجتماعی خواهد بود. با دقت نظر در گذشته و دیدن وضعیت فعلی کشور در خصوص تامین اجتماعی، آنچه که

مشاهده می‌شود مشکلات مربوط به نظام تامین اجتماعی (بیمه ای، فقر، کاهش نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی) هنوز وجود دارد و به عنوان یک مساله جدی مطرح است که این امر خود، نشان از ناکارآمدی حوزه نظام تامین اجتماعی در کشور می‌باشد.

از زمان تصویب قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی تقریباً حرکت کلی و مسیر مشخصی برای نظام تامین اجتماعی طراحی، تدوین و تصویب شد و سند بسیار مهم در این زمینه جهت رشد و تعالی تامین اجتماعی بوجود آمد. در ماده ۲ قانون ساختار، نظام تامین اجتماعی را به سه حوزه بیمه ای، امدادی و حمایتی تقسیم بندی شده است که هر کدام از این سه حوزه با توجه به پیش بینی وظایف و مشخص نمودن چهارچوب فعالیت در قلمرو تامین اجتماعی فعالیت دارند و می‌توان به این صورت گفت که هر یک از نهادهای نامبرده در سه حوزه بخشی از جامعه را در مقابل خطرات طبیعی اجتماعی و یا اقتصادی پوشش می‌دهد.

تمرکز اصلی در این نوشتار حوزه بیمه ای است که مقصود همان بیمه اجتماعی است. بیمه اجتماعی ساز و کاری است برای حمایت افراد جامعه از یکدیگر در برابر خطراتی که تداوم یک زندگی شرافتمندانه را به خطر می‌اندازد. (نعیمی، پرتو: ۱۳۹۵، ۶۷)

۳- حق و تکلیف در نظام تامین اجتماعی و تلازم آنها

الف: حق

حق در لغت به معنای ثابت که انکار آن روا نباشد و آنچه ادای آن واجب باشد، حال واقع، حکم مطابق با واقع. (علی اکبر دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶: ۸۰۲۸)

واژه حق در اصطلاح خاص خود در علم حقوق به معانی مختلفی به کار می‌رود و علمای حقوق تعاریف مختلفی برای آن بیان کرده اند. برخی حق را به معنی امتیاز و توانایی دانسته اند که نظام حقوقی هر جامعه برای اعضای خود به وجود می‌آورد و صاحب واقعی حق کسی است که از آن سود می‌برد؛ مانند حق مالکیت، حق ابوت، حق بنوت و... از این لحاظ مفهوم حق، امتیازی است که به حیات و موجودیت هر موجودی تعلق دارد و هر موجودی به لحاظ موقعیت خود آن را نسبت به دیگری مطالبه میکند (بطحائی گلپایگانی، ۱۳۸۳: ۱۱۲)

این ارفاق و امتیاز را قانون به شخص می‌دهد و از آن پشتیبانی می‌کند و در این حالت خصوصیت بارز حق این خواهد بود که نوعی سلطنت، قدرت و اختیار برای دارنده آن به ارمغان می‌آورد (ورعی، ۱۳۸۱: ۲۹) از این رو حق به معنای قدرت قانونی یک فرد انسانی بر انسان دیگر یا بر یک مال و یا بر هر دو؛ اعم از اینکه آن مال مادی و محسوس باشد؛ مانند خانه یا اینکه مادی و محسوس نباشد، مانند طلب است. (سلیمانی درچه، ۱۳۹۳: ۴) در معنای حقوقی گفته شده که حق عبارت است از توانایی که شخص بر چیزی یا بر کسی داشته باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۱۶۶۹)

برخی دیگر نیز گفته اند مقصود از حقوق: مجموعه ای از مقررات اجتماعی است که افراد یک جامعه ملزم به رعایت آنها بوده، دولت ضمانت اجرای آنها را بر عهده دارد و هدف مستقیم از آن ایجاد نظم و امنیت در جامعه است (مصباح، ۱۳۹۱: ۲۲۵) دسته ای دیگر برای حق «معنای حقیقی و اعتباری قائلند و معنای اعتباری حق را اجازه میدانند. در این معنا زمانی که گفته می شود کسی حق دارد یعنی ذی حق اجازه دارد و مانعی در مقابل وی نیست و لازمه آن اختیار شخص به استفاده و عدم استفاده از آن است (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۱۱۷). در حقیقت «حق» نوعی اعتبار است که برای انسان بما هو انسان وجود دارد (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۹۱: ۱۳۰).

ب: تکلیف

«تکلیف» در لغت به معنای «چیزی از کسی درخواستن که در آن رنج باشد و حق و فرض کاری که باید بجای آورده شود و واجب بود (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴: ۶۰۵۶) معنا شده، گرفته شده است. بنابراین دیدگاه اسلامی، حق و تکلیف دو مفهوم متلازم و دو روی یک سکه اند. این دیدگاه توسط برخی از حقوقدانان نیز اینگونه تبیین شده که: «آدمی هم موضوع حقوق است و هم موضوع تکالیف، حق و تکلیف دو روی یک ورقاند.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۱۴۰۳: ۲) یعنی صرف اثبات حق برای یک طرف، مستلزم اثبات تکلیف برای طرف مقابل است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۰)

نهایتاً در تاریخ پیدایش مفهوم حق، تفکیک میان دو مفهوم «حق بودن» و «حق داشتن» نکته ای بسیار اساسی است. حق به معنای اول در مقابل «باطل بودن» و حق به معنای دوم در مقابل «تکلیف داشتن» قرار می گیرد. آنچه حقوق تامین اجتماعی از آن بهره می گیرد و بر آن تأکید دارد، حق به معنای دوم است.

رابطه میان حق و تکلیف از مسائل بحث انگیز میان متفکران حوزه فلسفه حق است. در فلسفه کانت، حق و تکلیف دو مفهوم متضایف اند. همین طور که ما حقوقی داریم، مکلف به مراعات حقوق دیگران نیز هستیم. پس حق و تکلیف در مقابل هم تحقق می یابند و چون انسان یک موجود اجتماعی است و حقوق و تکالیف در یک شبکه اجتماعی در مقابل هم قرار می گیرند، هیچ کدام بدون دیگری تحقق نمی یابد. تلازم میان حق و تکلیف را می توان به دو صورت بیان کرد:

صورت اول: ثبوت هر حقی در خارج برای یک صاحب حق مستلزم ثبوت تکلیف برای دیگری است، و ثبوت تکلیف برای یک شخص، کاشف از ثبوت حقی برای دیگری است. صورت دوم: در روابط انسانی، هر انسانی که دارای حق بر دیگران است، تکلیفی نیز نسبت به آنها دارد، و چنین نیست که یک انسان صرفاً دارای حقوقی بر دیگران بوده و هیچ تکلیفی نسبت به آنها نداشته باشد (موسوی، ۱۳۹۶).

در صورت اول، بین حق و تکلیف رابطه ای دوسویه بین فرد و دیگری وجود دارد اما در صورت دوم حق و تکلیف هر دو در یک فرد البته در تعامل با دیگران نمود می یابد آنچه برای یک درک واقعی از تعهدات دولت در نظام تامین اجتماعی اساسی است، این است که اشخاص عنصر فعال همه برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی هستند. انتظار می رود اشخاص در حد امکان ابتداء از طریق تلاش‌های شخصی خودشان و با استفاده از منابع خودشان، (کارفرمایان و بیمه شدگان) روش‌هایی را برای تضمین قابل قبول نیازهای بیمه ای و تامین اجتماعی، به صورت انفرادی یا شراکتی و با دیگران ببینند و در غیر این صورت دولت‌ها حتی در پایین ترین سطح بر اساس قانون مکلف به نظارت می باشند و در عمل متعهد به نتیجه می باشند. وقتی دولت‌ها به دنبال اجرای این تعهدات در حقوق ملی هستند، آنها ملزم هستند تا تکالیفی را بر اشخاص، مشروط به توانایی شان تحمیل کنند. با این حساب، دولت مختار است که بخشی از تعهدات خود را به سازمان های غیردولتی (سازمان تامین اجتماعی و دیگر سازمانهای بیمه گر) و حتی خود شهروندان انتقال دهد. در این خصوص برخی حتی دولت را ملزم به انتقال تعهدات خود به سازمان های غیردولتی و شهروندان و عدم تامین مستقیم حقوق تامین اجتماعی می دانند. از این رو، تعهد دولت به نتیجه تامین حداقل رفاه و تعهد به وسیله تامین رفاه بیشتر به صورت تدریجی و با بسترسازی و جلب مشارکت شهروندان و سازمان های غیردولتی (خصوصی و تعاونی) در راستای تحقق نظام رفاه و تامین اجتماعی توسط دولت‌ها امری پذیرفته شده است..

اما نکته قابل توجه اینکه وظیفه دولت علاوه بر تامین و تدارک حداقل رفاه، تامین اجتماعی و بیمه های اجتماعی استقرار و اجرای عدالت در این توزیع نیز می باشد. دولت تکلیف ندارد که به هر کس به هر اندازه که مطالبه می کند بپردازد و یا بخش عمده منابع را در میان نسل و گروهی خاص توزیع کند و دیگران را بی نصیب سازد. منابعی که در اختیار دولت قرار می گیرد لازم است بر اساس رویه های قانونی و مکانیسمی عادلانه تخصیص یافته و از هر گونه دست یازی خودمختارانه دولتمردان بر آن منابع پرهیز گردد. نمونه بارز آن در سازمان تامین اجتماعی در قانون معافیت حق بیمه سهم کارفرما وارد شده است. دولت مطالبات رفاه عمومی در خصوص نظام تامین اجتماعی را را باید به گونه ای پاسخ دهد که پوشش دهنده مزایای رفاهی و بیمه ای برای طول دوره عمر هر شهروند باشد و در این رهگذر بیمه های اجتماعی را برای حداقل جمعیت خود گسترش دهد..

در صورت دوم ارتباط حق و تکلیف، هر دو این مؤلفه‌ها در یک فرد یا در یک شهروند متجلی می گردد. هر فرد همانطور که صاحب حقوقی است، تکالیفی نیز در جهت احترام به حقوق دیگران و تلاش در راستای حفظ و تداوم همان حقوق بر عهده دارد. از آنجا که حقوق همیشه نیازمند چارچوبی برای پذیرش و تحققشان می باشند، وظیفه طبیعی شهروندان این است که در

جهت حفظ و دوام این چارچوب ها احساس مسئولیت کرده و در این مسیر تلاش کنند
ناگفته نماند که برخی از تکالیف شهروندی اجتماعی مثل پرداخت مالیات و پرداخت‌های
بیمه‌ای و نمود قانونی می‌یابند اما بخش عمده‌ای از این تکالیف که شعاع و شمول بیشتری
نسبت به تکالیف قانونی دارند، به صورت تکالیف اخلاقی باقی می‌مانند. این تکالیف اخلاقی
اغلب شامل کار و تلاش برای بهبود کیفیت زندگی خود و خانواده و سعی در عدم وابستگی به
دیگران و همچنین مشارکت اجتماعی به منظور حفظ و یا گسترش حقوق اجتماعی فردی و
گروهی می‌باشد (موسوی، ۱۳۹۶).

در نهایت حق و تکلیف ملازم هم هستند و تلازم میان آن دو را می‌توان به این صورت
بیان کرد:

ثبوت هر حقی در خارج برای یک صاحب حق، مستلزم ثبوت تکلیف برای دیگری است، و
ثبوت تکلیف برای یک شخص، کاشف از ثبوت حقی برای دیگری است؛ این رابطه به صورت
بسیار روشن و مستند در قانون اسای در اصول متعدد و در قانون ساختار در مواد مختلفی ذکر شده که
شهروندان را در خصوص نظارت تامین اجتماعی و بیمه‌ای مناسب صاحب حق می‌داند و دولت را
مکلف، موظف و متعهد دانسته تا به نتیجه رساندن مسوول و پاسخگو بداند.

۴- یکسان سازی نرخ حق بیمه در کارگاه های صنفی

در حقوق عمومی بویژه در حقوق اداری دستگاه‌های اداری به اعتبار داشتن شخصیت
حقوقی موضوع حق و تکلیف قرار می‌گیرند (امامی، استوار سنگری، ۱۳۸۸: ۴۹) و پس از آن
قانونگذار جهت دستیابی به برخی مصالح، برای مال یا اموال یا گروهی از انسانها مجموعاً
شخصیت قائل شده است و آنها را صرف نظر از اجزاتشکیل دهنده موضوع حق و تکلیف قرار
داده و از آن به عنوان شخصیت حقوقی نام برده است. (طباطبایی حصاری: ۱۳۸۷)

در علم حقوق اشخاص حقوقی به اعتبار فعالیت‌ها و وظایفشان به دو گروه کلی قابل
تقسیم اند که قرار گرفتن در هر یک از این دو گروه در اهداف، وظایف، فعالیت‌ها و نوع عضویت
در آن‌ها و وجه افتراقی دارد. اینکه مشخص نماییم سازمان تامین اجتماعی در کدام گروه قرار می
گیرد از این امر مستثنی نیست و قطعاً ویژگیهای مورد نظر آن گروه را به دست خواهد داد. این
دو گروه را به اشخاص حقوقی عمومی و اشخاص حقوقی خصوصی تقسیم بندی
کرده اند. هدف اشخاص حقوقی عمومی که به وسیله اشخاص و مقامات عمومی و دولتی
ایجاد می‌شوند تامین نفع و فایده عمومی است و ورود و عضویت در آن اختیاری نیست بلکه
الزامی است. (نعیمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲) در حالی که در اشخاص حقوقی خصوصی به
رابطه حقوقی اشخاص در زمینه‌های مختلف با یکدیگر می‌پردازد و هدف آن جنبه اختصاصی
دو نفر را در برمی‌گیرد.

با توجه به قانون موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹ نهادهای عمومی غیر دولتی و اصلاحات بعدی آن و موضوع تبصره ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ و به موجب شق ۱۰ قانون اخیر الذکر «سازمان تامین اجتماعی» را از جمله نهادهای عمومی غیر دولتی محسوب می‌کنند بنابراین درطبقه اشخاص حقوق عمومی قرار می‌گیرد. (طباطبایی حصارى، ۱۳۸۷)

عنوان غیر دولتی بودن فهرست نهادها و موسسات عمومی به معنای خصوصی بودن نیست.

در فصل دوم قانون تامین اجتماعی و به موجب ماده ۱ اصلاحی این قانون در اساسنامه سازمان تامین اجتماعی که بر اساس «قانون تشکیل سازمان تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴» تشکیل شده این سازمان دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است. ماده ۴ اساسنامه سازمان تامین اجتماعی مصوب ۱۳۸۹/۴/۲ هیات وزیران نیز بر این امر تصریح دارد.

با تشکیل وزارت رفاه و تامین اجتماعی به موجب ماده ۱۱ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، تغییری در وضعیت سازمان تامین اجتماعی به عنوان یک سازمان بیمه ای بویژه از لحاظ استقلال شخصیت حقوقی و توجه به تکالیف و تعهدات آن ایجاد نشده است. (نعیمی و همکاران: ۱۳۹۲، ۱۲) (طباطبایی حصارى: ۱۳۸۷)

این نکته را باید در نظر قرار داد که سازمان تامین اجتماعی علی‌رغم داشتن شخصیت حقوقی مستقل زیر نظر وزارت رفاه و تامین اجتماعی و در واقع تحت نظارت دولت قرار دارد. این نظارت راهبردی است و سبب دولتی تلقی شدن سازمان به معنای خاص نمی‌گردد. (نجف آبادی: ۱۳۹۱، ۴۰) نهایتاً با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که سازمان تامین اجتماعی وابسته به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است ولی منظور از این وابستگی تنها نظارت کلی و راهبردی بر سازمان تامین اجتماعی است و این امر مانع از شخصیت حقوقی مستقل سازمان تامین اجتماعی و استقلال مالی و اداری آن نیست و نوع شخصیت حقوقی صندوق موضوع حقوق عمومی محسوب می‌گردد.

پیامد مهم آثار استقلال شخصیت حقوقی مجزا، استقلال مالی و اداری است که سازمان نیز از این امر مستثنی نبوده و دارای استقلال مالی، اداری به معنای دارا بودن بودجه مستقلی از بودجه عمومی است. و همچنین آیین نامه اداری و استخدامی خاصی را دارا می‌باشند.

استقلال مالی سازمان را از لحاظ مالی کاملاً مستقل و سبب شده هیچ گونه وابستگی‌های مالی به دولت نداشته که خود منجر به عدم استفاده از بودجه عمومی کشور می‌گردد و راهکارهای درآمدی را در ماده ۱۹ اساسنامه سازمان تامین اجتماعی را به شرح ذیل بیان می‌کند:

الف- وجوه و دارایی‌های موجود و منافع حاصل از سرمایه‌گذاری‌های سازمان

ب- حق بیمه های دریافتی و دریافتنی شامل سهم بیمه شدگان به کارفرمایان و دولت
پ- وجوه حاصل از خسارات جرایم و جزاهای نقدی موضوع قوانین و مقررات مربوط یا احکام قطعی دادگاه ها

ث- بدهی ها، کمک ها و تعهدات قانونی دولت به صندوق

ج- سایر منابعی که بر اساس ماده ۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی یا قوانین و مقررات مربوط قابل جذب توسط صندوق باشد.

با توجه به مشخص شدن راه های منابع درآمدی سازمان تامین اجتماعی و وجود استقلال مالی و اداری سازمان، جای دارد که نسبت به حفظ این منابع و راهکاری جهت تامین پایدار درآمدهای سازمان تلاش بیشتری شود و بررسی نرخ حق بیمه به عنوان پایه اصلی درآمدی سازمان و تعادل در منابع و مصارف نقش بسیار مهمی را ایفا می کند و میزان و دریافت آن ارتباط مستقیم نیز با اقتصاد، اشتغالزایی و غیره دارد.

مفهوم حق بیمه با توجه به تعریفی که از حق بیمه در قانون تامین اجتماعی بیان شده عبارت است از وجه و در ثانی هدف از پرداخت حق بیمه موضوعیت دارد. (هداوند، جم: ۱۳۹۰، ۵۰) بیمه شده شخص با پرداخت مبلغ به عنوان حق بیمه از مزایای مقرر در تامین اجتماعی برخوردار می گردد و در این ارتباط اگر بیمه شده شخصا و بدون وجود کارفرما و کارگاهی به سازمان تامین اجتماعی حق بیمه پرداخت کند کارگاه، کارفرما موضوعیت نخواهد داشت و نوع حق بیمه واریزی شخص بیمه شده طبیعتا مشمول قوانین مربوط به پرداخت حق بیمه اجباری نمی گردد و مزایای متعلقه کمتری را نسبت به بیمه شده اجباری دربر خواهد گرفت و این دسته از بیمه شدگان جنبه اختیاری دارند و قوانین حاکم بر آنها در مورد نرخ حق بیمه متفاوت با دسته دیگر می باشد لذا با توجه به این که عنوان و موضوع نوشتار حاضر تمرکز اصلی بر روی حق بیمه اجباری دارد. دادن توضیحات بیشتر ضروری نمی باشد. دسته دوم بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی که موضوع بحث نیز قرار دارد بیمه شدگان اجباری هستند. مفاهیم کارگاه، کارفرما، حقوق و مزایا و مفهوم حق بیمه و نرخ و مآخذ محاسبه آن در این دسته موضوعیت دارد و بیمه شدگان اجباری از جهت پرداخت حق بیمه و تنوع مزایای متعلقه با سازمان ارتباط بیشتری دارند.

اجبار ناشی از قوانین و مقررات و حکم به بیمه نمودن افراد به صورت اجباری در مواد مختلف قانون تامین اجتماعی و قانون کار مشخص و تبیین شده و به تبع آن، میزان، نوع و ویژگی های پرداخت حق بیمه متفاوت خواهد بود. پس در رابطه شکل گیری نوع بیمه اجباری، کارگر، کارفرما، کارگاه و میزان حقوق و دستمزد و حق بیمه باید وجود داشته باشد تا بتوان در مفهوم واقعی نرخ حق بیمه ورود کرد.

بعد از تقسیم بندی بیمه شدگان به اجباری و اختیاری باید انواع مختلف کارگاه ها را با توجه به موضوع نوشتار تقسیم بندی نمود.

کارگاه ها در تقسیم بندی مد نظر به دو دسته کارگاه های صنفی و غیرصنفی تقسیم بندی می شوند.

کلیه کارگاه هایی که دارای پروانه کسب و فعالیت صادره از مجمع امور صنفی (اصناف) می باشد را جز کارگاه های صنفی و کارگاه هایی که فعالیت آنها غیر از جواز و پروانه کسب از نهادهای دیگر مانند ثبت اسناد (شرکت ها)، جواز تاسیس شهرکهای صنعتی، کارگاه های معدنی و صنعتی، پیمانکاران و ادارات غیر دولتی که مشمول پرداخت حق بیمه به سازمان تامین اجتماعی هستند را در حوزه کارگاه های غیر صنفی قرار می دهیم.

درمورد پرداخت حق بیمه کارگاه های صنفی به سازمان تامین اجتماعی و محاسبه حق بیمه نیز به دو بخش می توان تقسیم کرد::

الف) کارگاه های مشمول معافیت پرداخت حق بیمه سهم کارفرما

ب) کارگاه های غیر مشمول معافیت

۴- ۲ مواد قانونی مربوط به حق بیمه، میزان آن، چگونگی، نحوه محاسبه آن

موضوعیت پیدا کردن مفاهیم تعریف شده در رابطه بین کارگر و کارفرما و احراز رابطه مزدبگیری بین آنها تعهداتی را طبق قانون برای کارفرمایان الزاما قرار داده که این مسوولیت و تعهدات به گونه ای است که تمامی افرادی را که در مقابل دریافت فرد یا حقوق کار میکنند مشمول قانون تامین اجتماعی می دانند. بنابراین اصل بر شمول مقررات تامین اجتماعی بر کلیه مزدبگیران است. مگر اینکه مشمول حمایت های خاصی قرارداد شده باشند.

در ماده ۴ قانون تامین اجتماعی مشمولین بند الف « افرادی که به هر عنوان در مقابل دریافت مزد یا حقوق کار می کنند به عنوان بیمه شدگان اجباری سازمان تامین اجتماعی محسوب می شوند. (نعیمی و همکاران: ۱۳۹۲، ۳۲) زمانی که افراد به عنوان بیمه شدگان اجباری قانون بر آنها شمولیت پیدا نمود. این قبیل از بیمه شدگان بدون رضایت و میل خودشان بیمه شده اجباری محسوب شده و در نظام بیمه شدگان اجباری کارفرما مکلف است حق بیمه سهم خود و بیمه شده را برابر مواد ۳۶ و ۳۹ قانون تامین اجتماعی به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کند.

ماده ۳۶: کارفرما مسئول پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه شده به سازمان می باشد و مکلف است در موقع پرداخت مزد یا حقوق و مزایا سهم بیمه خود را بر آن افزوده به سازمان تادیه نماید.

در صورتی که کارفرما از کسر حق بیمه سهم بیمه شده خودداری کند شخصا مسئول

پرداخت آن خواهد بود. تاخیر کارفرما در پرداخت حق بیمه یا عدم پرداخت آن رافع مسئولیت و تعهدات سازمان در مقابل بیمه شده نخواهد بود.

نهایتاً سازمان مکلف به پذیرش لیست بیمه ای کارفرما و محسوب نمودن مزدبگیران در زمره بیمه شدگان است. بنابراین در خصوص بیمه شدگان اجباری هیچ کدام از بیمه شده، کارفرما، دولت و سازمان تامین اجتماعی نمی توانند با موافقت یکدیگر و به تنهایی از انجام عملیات بیمه شدن شخص مزدبگیر ممانعت نمایند و یا توافقی برخلاف قواعد تامین اجتماعی صورت دهند (نعمی و همکاران: ۱۳۹۲، ۴۰) اگر توافقی نیز انجام دهند بر خلاف قانون باطل و غیر قابل اثر می باشد.

پس میتوان مصداق بارز بیمه شدگان اجباری را در کارگران به مفهوم عام مستفاد از تعاریف مربوط به کارگاه و حق السعی کلیه مشمولان قانون کار مشمول مقررات حمایتی قانون تامین اجتماعی هستند.

پس از توضیحات بیان شده و مشخص شدن اجباری بودن بیمه شدگان مشمول قانون کار میزان، چگونگی نحوه محاسبه حق بیمه بایستی بررسی گردد.

براساس قانون تامین اجتماعی و ماده ۲۸، حق بیمه ۳۰ درصد مزد یا حقوقی است که ۷ درصد آن بعهده بیمه شده، ۲۰ درصد به عهده کارفرما و ۳ درصد بوسیله دولت تامین میشود. گفتنی است بر اساس قانون بیمه بیکاری مصوب ۱۳۶۹/۶/۲۶، سه درصد سهم دولت که به عنوان بیمه بیکاری به حساب می آید بر عهده کارفرما قرار گرفت به بیانی ساده تر ۲۳ درصد حق بیمه سهم کارفرما و ۷ درصد سهم بیمه شده که جمعاً ۳۰ درصد حقوق و مزایا می باشد

* جمع حقوق و مزایا	۲۰ درصد	سهم کارفرما
	۷ درصد	سهم بیمه شده
	۳ درصد	بیمه بیکاری

مستنبط از مواد ۲۸، ۳۶، ۳۹، ۴۰ و ۵۰ قانون تامین اجتماعی مسئولیت پرداخت حق بیمه بر عهده کارفرما و کارفرما باید طبق ماده ۲۸، آن را محاسبه و حق بیمه هرماه را تا پایان ماه بعد به همراه لیست پرداخت نماید در غیر اینصورت بیمه تامین اجتماعی خود را مبلغ حق بیمه را محاسبه و طبق ماده ۵۰ از طریق اجرائیه سازمان به وصول حق بیمه کارگران و بیمه شدگان اقدام می نماید.

بیمه شدگان اجباری مشمول قانون تامین اجتماعی در بخش کارگاههای صنفی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و باید بر همین اساس حق بیمه بیمه شدگان خود را به سازمان تامین اجتماعی ارسال نمایند.

۴-۳- معافیت حق بیمه سهم کارفرما در بعضی کارگاه های صنفی

بر اساس قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند، مصوب ۶۱/۱۲/۱۶، از آغاز سال ۱۳۶۲ کارفرمایان کلیه کارگاه های تولیدی و صنعتی و فنی که از خدمات دولتی (از قبیل: آب، برق، تلفن و راه) استفاده می کنند تا میزان ۵ نفر کارگر از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما معاف بوده و از پنج نفر به بالا نسبت به مازاد پنج نفر حق بیمه راطبق محاسبه جدید خواهند پرداخت این معافیت بر اساس قانون الحاق یک تبصره به قانون معافیت از پرداخت حق بیمه ۶۷/۸/۱۹ فقط شامل کارفرمایانی می شود که حق بیمه ماهانه سهم کارگر را تا دو ماه پس از مهلت قانونی ارسال و پرداخت کنند و در صورت عدم پرداخت بخشودگی موضوع این قانون برای آن مدت منتفی می شود و مکلف به پرداخت حق بیمه قانونی ماهانه خواهد بود. بر اساس همین قانون در تاریخ ۶۹/۲/۲ هیات وزیران مصوبه ای را صادر کرد که در آن فهرست کارگاههای مشمول معافیت حق بیمه سهم کارفرما تا میزان ۵ نفر را احصا کرد این کارگاه ها تعداد ۳۸ عنوان می رسد. اما در سالهای اخیر بعضی از کارگاه ها از بحث معافیت حق بیمه سهم کارفرما خارج شده و حق بیمه کامل را بایستی ماهانه پرداخت کنند.

۵- حق شهروندان و تکلیف دولت، ادامه وشمول معافیتها به تمام کارگاههای صنفی

در شرایطی که دنیای امروز بر اساس تجارب علمی و منطقی به این باور رسیده که بدون تامین اجتماعی تحقق عدالت اجتماعی ممکن نیست و بدون عدالت اجتماعی توسعه اقتصادی یعنی تولید و اشتغال بیشتر ممکن نخواهد بود هرگونه ایجاد محدودیت در قانون تامین اجتماعی کشور دارای عوارض منفی و نشانه ای از بی توجهی به برخی موازین شناخته شده در زمینه حقوق نیروی کار تعبیر خواهد شد (ادراکی، شریعتمداری: ۸۴، ۱۳۸۲) نقش حمایتی و تکلیف دولت نه تنها در بخش پرداخت حق بیمه سهم کارفرما در کارگاه های مشمول معافیت قانون در سازمان تامین اجتماعی بلکه به طور کلی و همه جانبه را میتوان با توجه به نوع نگاهی که ما به دولت ها داریم را بررسی می کنیم و این نگاه نیز جز با رجوع و استناد به اصول قانون اساسی، اسناد راهبردی و اساسی و قوانین عادی قابل بررسی و تحلیل نیست. اگر نقش دولت با توجه به اسناد و قوانین نقشی بی طرف و عدم مداخله گر باشد صحبت از نقش حمایتی دولت بی معنا خواهد بود و اصلا موضوعیت نخواهد داشت اما اگر این نقش کاملا مشخص و در راستای اهداف یک نظام تامین اجتماعی تعریف شده باشد چه در مورد معافیت سهم کارفرما و چه در موارد دیگر نه قائل به حذف کمک های حمایتی هستیم و نه خواهیم بود. لذا طبق اسناد بالادستی، سیاستهای کلی نظام و قوانین در ادامه اشاره می گردد این نقش برای دولت تعریف شده، نقش دولت در جمهوری اسلامی نظام تامین اجتماعی نقش بی طرف و غیر مداخله گر نیست بلکه در کمترین موارد نیز در این حوزه نقش نظارتی و راهبردی در قوانین متفاوت پیش بینی و تعریف شده است. حضور

دولت در نظام تامین اجتماعی از راه ها و موارد مختلف در قوانین و مقررات پیش بینی گریده است که یکی از این موارد کمک به پرداخت های حق بیمه سهم کارفرماست. اجرای این قانون برای دولت همراه با مخاطراتی بوده و موضوع بار مالی آن نیز همواره مطرح است لذا در خود قوانین نیز ایجاد بار مالی جدید برای دولت یا در هر صورت ایجاد روش تامین منابع مالی موضوع مهمی است. لازم به ذکر است در بحث حقوقی معافیت ها و پرداخت سهم کارفرما توسط دولت به هیچ عنوان بار مالی جدید ایجاد نمی شود بلکه با هدفمندی این حمایت ها و سرشکن کردن سهم دولت به تعداد بیشتری از کارگاه ها می توان بخش وسیعی از مردم بویژه قشر کارگر و نیازمند شاغل در کارگاه های صنفی را تحت پوشش قرار داد و اثر مستقیم بر اشتغال، اقتصاد و معیشت مردم دارد. بررسی اسناد در خصوص معافیت ها و هدفمند کردن کمک های دولت در پرداخت حق بیمه اولین سوالی که در ذهن شکل می گیرد این است که: آیا در بیان بررسی و تحلیل حقوقی معافیت ها تلاش بر دوام و پایداری آنهاست یا به حق و تکلیف است یا حذف حمایت های دولت از کارگاه های صنفی مورد نظر که مشمول معافیت های دولت هستند؟ لذا با رجوع به اسناد، و قوانین مورد نظر و تبیین مفهوم حق و تکلیف سعی در مثبت ارزیابی کردن معافیت ها داریم نه حذف آنها و هدفمند کردن مزایا بیمه اجتماعی را که توسط دولت در بعضی کارگاه های صنفی پرداخت می شود به صورتی عادلانه به بقیه کارگاه ها سرشکن کنیم.

فرمان ها، اسناد و قوانین متنوعی در زمینه همگانی کردن نظام تامین اجتماعی و گسترش بیمه های اجتماعی در کشور به منظور تحقق عدالت اجتماعی وجود دارد (گرچی پور: ۱۳۹۵، ۱۵۱)

بیمه های اجتماعی در قانون اساسی

در اصل سوم قانون اساسی بند ۹ و ۱۲ بر لزوم بکارگیری امکانات برای رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی و «پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هرنوع محرومیت در زمینه های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت، و تعمیم بیمه» اشاره شده است.

اصل بیست و نهم به عنوان مهم ترین و در راس اصول مربوط به تامین اجتماعی قرار دارد که برخورداری از تامین اجتماعی را حق همگانی دانسته و کلیه حمایت های حداقلی را از جمله بازنشستگی، پیری، از کارافتادگی و غیره بطور واضح مشخص و تعیین نموده است. در ادامه این اصل دولت مکلف شده طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای تمام افراد کشور تامین کند.

- بیمه های اجتماعی در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی

در بند « الف » از ماده ۳ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی بر « گسترش نظام بیمه ای و تامین سطح بیمه همگانی برای آحاد جامعه با اولویت دادن به بیمه های مبتنی

بر بازار کار و اشتغال « تاکید شده است. به علاوه ، در بند « الف » ماده ۶ این قانون بر « ساماندهی و هماهنگی فعالیت ها و خدمات در هر یک از حوزه های بیمه ای ، حمایتی و امدادی در جهت افزایش کارآمدی و پوشش کامل تر فعالیت دستگاه ها به نحوی که از هم پوشانی و تداخل فعالیتی آن ها جلوگیری گردد » تاکید شده است .. تکلیف دیگری که در بخش ۲ و ۳ بند « ی » از ماده ۶ مورد تاکید قرار گرفته و تاکنون نیز اجرایی نشده است ، یکسان بودن درصد مشارکت و سهم پرداختی کارفرما و بیمه شده نسبت به ماخذ کسر حق بیمه به صندوق های فعال در سطح بیمه های همگانی و بیمه های اجتماعی و درمانی است . به موجب بند « ط » از ماده ۹ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی ، « ارائه تعهدات بیمه ای صندوق ها در قبال افراد عضو و تحت پوشش بر اساس قاعده عدالت و به تناسب میزان مشارکت (سنوات و میزان پرداخت حق بیمه) و با تنظیم ورودی ها و خروجی ها طبق محاسبات بیمه ای صورت می پذیرد » (گرجی پور : ۱۳۹۵، ۱۵۵)

نتیجه گیری

نوشتار حاضر دو صورت از ارتباط بین حق و تکلیف را مورد بازشناسی قرار داد و کاربست آنها را در ارتباط با نظام تامین اجتماعی مطرح نمود؛ همانطور که اشاره شد تکالیف ناظر بر تامین اجتماعی، هم متوجه دولت است و هم متوجه شهروندان.

تکلیف دولت‌ها علاوه بر تأمین حداقل استانداردهای معیشتی و اصل ۲۹ قانون اساسی که برای زندگی شهروندان لازم است، شامل بسترسازی، ارتقاء آموزش‌ها و توانمندسازی شهروندان و گروه‌های اجتماعی، استقرار عدالت، تجهیز و مدیریت بهینه منابع جهت گسترش نظام تامین اجتماعی نیز می‌باشد. همچنین دولت باید شرایط نهادی و ساختاری لازم جهت پیگیری و مطالبه حقوق تامین اجتماعی را برای شهروندان که بعنوان حقی برای آنان است فراهم کند.

لذا با توجه به اینکه اقتصاد کشور ماهواره در مقابل بحران‌ها، تحریم‌ها و مخاطرات بین المللی قرار دارد، توانایی مقاومت اقتصادی را باید سرلوحه کار قرار داد. با عنایت به بندهای ۹ و ۱۲ اصل ۳، بندهای ۲ و ۴ اصل ۲۱، بندهای ۱ و ۲ اصل ۴۳، و اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور دستیابی به اهداف قانون برنامه پنجم و ششم توسعه مبنی بر زمینه سازی تحقق هر چه بیشتر عدالت اجتماعی، بسط و گسترش پوشش بیمه های اجتماعی، و ایجاد رویه یکسان در ارائه خدمات صندوق های بیمه ای باید هدفمند سازی مزایا و حمایت‌های اجتماعی در قوانینی مثل قانون معافیت سهم کارفرما در بخش بیمه ای سازمان تامین اجتماعی اگر قرار باشد تاثیرات مورد نظر راداشته باشد به سمت گروه هدفی جهت دهی شود که واجد شرایط مقرر هستند. مسوولان باید بسته حمایتی خدمات و مساعدت‌های اجتماعی مبتنی بر تامین اجتماعی در حوزه بیمه ای رانندوبین تا طیف وسیعی از مردم، به ویژه اقشار نیازمند و گروه های هدف شاغل در کارگاه‌های مشمول بیمه تامین اجتماعی را دربرگیرد، چرا که غالب تغییرات و تصمیمات اقتصادی بر معیشت و سلامت مردم آثار مستقیم و غیر مستقیمی دارند. لذا یک نظام فراگیر، جامع و با کفایت تامین اجتماعی باید متکفل صیانت از حقوق مردم در دوره مقاومت شود.

در میان سازمان‌ها و صندوق های بیمه گر اجتماعی سازمان تامین اجتماعی، از شرایط بهتری برخوردار است اما بایستی توجه داشته باشیم این سازمان دارای شخصیت حقوقی مستقل مالی و اداری است و از بودجه دولت هیچ استفاده ای نمی کند لذا نباید باتصویب قوانین نامساعد و مغایر با اصول و قواعد بیمه ای آن را در شرایط بحرانی قرار داد.

کارگاه‌های صنفی نوعا بعنوان متقاضیانی که در برنامه های بیمه ای نظام تامین اجتماعی مشارکت دارند با استفاده بهینه از منابع تخصیص یافته دولت در حوزه بیمه ای گام برمی دارند

تسری قانون معافیت به تمامی کارگاههای صنفی باتوجه به اصل برابری و منع تبعیض واصل تضمین دولت در ارائه نظام تامین اجتماعی جامع با برنامه ریزی صحیح و سرشکن کردن معافيتها به تمام کارگاههای صنفی بار مالی جدید ایجاد نمی کند بلکه تعداد بیشتری کارگاه را از این معافيتها برخوردار کرده که بیمه شدگان بیشتری راتحت پوشش قرار می دهد و تاثیر مستقیم دردردآمد زایی سازمان دارد. در نتیجه وظیفه ذاتی دولت در جمهوری اسلامی باتوجه به قانون اساسی، قوانین عادی و سایر اسناد بالادستی و سیاستهای کلی موظف بودن، تعهد داشتن و مکلف بودن در زمینه برقراری نظام تامین اجتماعی فراگیر و جامع در راستای احقاق حقوق همه شهروندان است. بنابراین حذف معافيتها و عدم حمایت از کارفرمایان که یکی از شرکای این سازمان می باشد خلاف و مغایر با روح قوانین مورد نظر می باشد.

فهرست منابع

کتاب ها

۱. ابراهیمی، جهانبخش، ۱۳۸۲، سبیری در حقوق بشر، انتشارات زوار، تهران.
۲. استوار سنگری، کوروش، ۱۳۸۸، حقوق اداری، نشر میزان
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۸، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش
۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، حق و تکلیف در اسلام، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، قم
۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
۶. عراقی، عزت الله، ۱۳۸۶، درآمدی بر حقوق تامین اجتماعی، موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی
۷. گرجی پور، اسماعیل، ۱۳۹۵، اسناد سیاستی نظام تامین اجتماعی چند لایه کشور، موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی
۸. مجتبیوی نائینی، سید مهدی، ۱۳۷۲، فرهنگ اصطلاحات کار و تامین اجتماعی (وزارت کار و امور اجتماعی) (موسسه کار و تامین اجتماعی)
۹. مصباح، مجتبی، ۱۳۹۱، بنیادی ترین اندیشه ها، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ دوم، قم.
۱۰. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۲، نظریه حقوقی اسلام: حقوق متقابل مردم و حکومت، نگارش محمد مهدی نادری و محمد مهدی کریمی نیا، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱-۲.
۱۱. معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان تامین اجتماعی، ۱۳۹۴، تامین اجتماعی برای همه، انتشارات راه فردا
۱۲. معین، محمد، ۱۳۸۹، فرهنگ فارسی، انتشارات تهران، بهزاد
۱۳. میرموسوی، سید علی، حقیقت، سید صادق، ۱۳۹۱، مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ یازدهم، تهران.
۱۴. نبویان، سید محمود، ۱۳۸۸، حق و چهار پرسش بنیادین، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، قم.
۱۵. نعیمی، عمران و همکاران، ۱۳۹۲، قانون تامین اجتماعی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات جنگل، جاودانه.
۱۶. ورعی، سید جواد، ۱۳۸۱، حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، قم.

۱۷. هداوند، مهدی، جم، فرهاد، ۱۳۹۰، نظام حقوقی رسیدگی به اختلافات کارفرمایان با سازمان تامین اجتماعی در هیات های تشخیص مطالبات، انتشارات جنگل، جاودانه

مقالات

۱۸. ادراکی، شریعتمداری، بهروز، شایسته، ۱۳۸۲، بررسی اثرات معافیت کارگاههای کوچک از شمول قانون تامین اجتماعی و مغایرت‌های آن بامبانی نظری و عملی، فصلنامه تامین اجتماعی، سال پنجم ۴۲-۵۱

۱۹. چربگو، یونس، ۱۳۸۶، تبیین مفهوم حق و رفاه تامین اجتماعی، فصلنامه داخلی قوانین و مقررات تامین اجتماعی، سال سوم، شماره هفتم، ۳۵-۴۶

۲۰. سلیمانی درچه، محمد، ۱۳۹۳، آشنایی بامفاهیم حقوق عمومی، بررسی مفهوم حق، دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

۲۱. طباطبایی حصار، نسرين، ۱۳۸۷، نظام حقوقی حاکم بر تامین اجتماعی، فصلنامه داخلی قوانین و مقررات تامین اجتماعی، شماره دهم، ۴۲-۵۳

۲۲. موسوی، سید فضل الله، ۱۳۸۴، نظام تامین اجتماعی از دیدگاه اسلام، مجموعه مقالات همایش تبیین جایگاه حقوق تامین اجتماعی، ۱۵۰-۱۷۲

۲۳. نادعلی، محمد، ۱۳۹۰، بررسی تاثیر قانون معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرماتامیزان پنج نفر بر ایجاد اشتغال و منابع و مصارف صندوق تامین اجتماعی، فصلنامه تامین اجتماعی، سال نهم ۳۵-۴۲

۲۴. نبویان، سیدمحمد، ۱۳۸۶، حق و تکلیف و تلازم آنها، مجله معرفت فلسفی، شماره دوم، سال پنجم، ۲۱۷-۲۵۳،

پایان نامه

۲۵. نجف آبادی، محمدرضا، ۱۳۹۱، تحلیل آراء صادره هیات عمومی دیوان عدالت اداری بااستناد به اصول حاکم بر حقوق اداری

یادداشت

۲۶. موسوی، سیدمحسن، ۱۳۹۲، تلازم حق و تکلیف در شهروندی اجتماعی، خبرگزاری فارس.

Abstracts

The right and duty in the social security system are the law and moral duty of the state

*Mohammad Reza Najaf Abadi Pour
Abolfazl Jafarqoli Khani
Tayebeh Bolverdi*

Abstract

(Premium Unification of the employer's contribution rate guild in the social security organization to support Iranian production)

There is a link between the right and the duty in the social security system, that is to say, every one has the right to be in charge of it..

The right to social security has been recognized as a fundamental right in order to safeguard the interests of individuals in the individual and social spheres against governments, they are also responsible for implementing this right

Islamic Republic of Iran has been formulated in three layers the the social security system in of Of insurance, support, and assistance The social security organization is one of the organizations that plays a fundamental role in the insurance strategy and in the part of the participatory system by paying the premium to the share of employers, workers, and the share of contributions by the government in implementing Article Principle 29 of the Constitution has a fundamental role.

The Law on Employee Benefit Exemption has been approved by the employer for 5 people in 1362to support manufacturing, technical and industrial workshops in order to support domestic production, although the number of workshops is reduced every day The purpose of this paper is to express the right and duty for eliminating discrimination, protecting the domestic economy and Premium Unification the premium rate in all workshops.

Keywords

Social Security, Social Security Organization, Right duty, Premium, Premium Exemption.

Mystical education in term of Muhaghigh Ardabili Bidguli

Mohsen Momen

Abstract

In safavieh era religious scientists – as deputies of expected Imam – got supernatural power and influence. They with sages that habitually had also Compilations on some lawful science had tendency whit mysticism. At the same era historical antecedent of Kashan in Shiite religion .was Caused special attention of Safavieh governors to this city: Scientific and Literary societies promoted and attracted speakers and poets from around of country.

By promoting Shiite in ninth century the number of Sufis dynasty were being added. Sufi safavieh and Nematollahieh dynasty and Noorbakhshieh sect were been effective factors of Shiite promotion.

This essay is for introduction of thoughts and works Mohammad – Ibn Soltan Mohammad Ardabili – Known and pen name to Mohagheh Shiite scientist and mystic of A.H eleventh century. He is follower Ghazi Asad Ghohpae and attributed to Noorbakhshieh sect. By witness of his works .his religious face has priority than other faces and his thought domination is on divine law and maintenance and observance of rules: However meanwhile expressing pure religious debates .he doesn't neglect mentioning principles and rules of Sufism. His Sufism rarely has a tendency with taste and composes quatrain almost attractive. Compiler .Sometime resort to philosophical terms for proving his opinions but there isn't special philosophical method.

Keywords

Religion, spiritual journey, reality, manner, Muhaghigh Ardabili Bidgoli.

Principles of Deterrence Ethical, Philosophical and Legal Interactions

*Golnaz Moradi Pasand
Tahmouret Bashirieh
Hossein Gholami*

Abstract

Violating social rights and disrupting social order will make the community more responsive to a distracting person. This reaction has long been the practice of punishment in most criminal systems. As we know, pursuit of a specific purpose in the execution of punishments is that of educating and reforming offenders and their socialization, and it has been proved on the basis of experience that the justice system Criminalization alone can not achieve this goal. As a result, criminal policymakers have recognized the range of criminal policy tools (from discounts to elimination or repeated punitive actions and criminal non-criminal actions) to enforce this goal, as denials. If so far the theories and foundations of criminal law have been attempting to justify criminal, criminal and retaliatory interventions, we now need some other theories and foundations to justify non-custodial intervention because the current evolution of criminal law is towards the elimination of criminality, mild The punishment and distribution of punishment among legal systems is aimed at protecting the basic rights and freedoms of citizens on the one hand and on the other hand, the ultimate goal of punishment is to be trained. In this article, it has been tried to provide justification for the necessity of extending this process by referring to the grounds for punishment, including the philosophical, criminological, and economic foundations.

Keywords

punishment foundation .depenalization criminal intervention.

Sociological Explanation of the Relationship between Religious Capital and Moral Identity (Case Study of Isfahan City)

*Sara Madanian
Seyed Ali Hashemianfar
Maghsoud Ferasatkah*

Abstract

One of the major concerns in human societies that has always been the focus of attention of humanities and social scientists, is the existence of a society with moral activists. According to the Stets' theory, moral identity guides behavior and therefore it is important to know the factors that affect it. Accordingly, the purpose of this article was to study the impact of the variable of religious capital on moral identity.

To investigate this relationship, the required data were collected using a survey method and questionnaire and a sample of 546 citizens of Isfahan aged over 15 by Quota Sampling proportional to volume based on age, gender and region of residence.

The findings of the study showed that the score of moral identity and its dimensions as well as religious capital is higher than the average.

In addition, the variable of religious capital explains 29% of variance of moral identity variable. Therefore, it can be said that the variable of religious capital has a high level of explanation of variance of moral identity variable.

Keywords

Moral Identity, Religious Capital, Moral Action, Religiosity, Identity Theory.

Ethical mechanisms to support from ‘suffering in silence’ by taking approach toward reducing black record of crimes against children

Maryam Mohammadi Noghizadeh

Nasrin Mehra

Mohammad Ashouri

Amir Samavati Pirouz

Abstract

Writing of present research aims to investigate strategies in the course of reducing black record of crimes against children and to discover and reveal such offences in terms of their vulnerability. This study has been conducted using descriptive-analytical method and by means of librarian references. The conducted studies about this topic may interpret that due to some various reasons, the victimized children may not report the offences perpetrated against their own and as a consequence not only have not they been supported by what anticipated in law, but also they are undergone double injuries by secondary and repeated victimization. The child victims, who are called as ‘silent victims’ and or ‘suffering in silence’, should have potential to reflect the offences perpetrated on them and led to breach their rights in order to enjoy criminal supports and otherwise. Thus, it has been tried in this paper to display image of requisite for culture-building and public sensitivity to recognize basic rights for children and to report the infringement cases of such rights as well as their right of expression of victimization and right of hearing (in the court) in order to break silence in children and also to acquire trust from the victimized children in criminal justice system through providing some facilities in proceeding process. Such measures result in further discovery and revealing of crimes against children.

Keywords

Public sensitivity, Right of expression of victimization, Right of hearing, Criminal justice system.

The Role of Auditors' Social and Professional Responsibility Insurance on Audit Risk and Audit Quality Using the Delphi Approach and Structural Equations

*Ali Goli
Ali Khuzin
Majid Ashrafi
Arash Nadarian*

Abstract

This research investigates the role of auditors' social and professional liability insurance on the risk of reputation and quality of audit using the Delphi approach. One way to eliminate risk is to transfer risk, and since auditors may face some risks for various reasons, such as failures, professional liability insurance is at stake for them. This study was conducted using a Delphi approach based on 95 questionnaires completed by the auditors in 2018. Using by Structural Equations the results of the first hypothesis showed that independent auditors consider social and professional liability insurance to reduce the risk of their reputation and there is a negative and significant relationship between social insurance and professional liability insurance and the risk of auditors' reputation. The association with the second hypothesis of the results showed that social and professional liability insurance would reduce audit quality.

Keywords

Reputation Risk, Audit Quality, Social And Professional Liability Insurance Auditors.

The role of legal and ethical mechanisms in the pursuit of the objectives of the P & I Club's marine insurance industry

*Amir Ghesarzadeh
Mahmoud Erfani
Morteza Shahbazi Nia*

Abstract

The P & I Club's maritime insurance industry is relatively unknown to most insurance companies, and it is very effective in most companies that have accepted this and have supported and represented these maritime clubs in Iran. The impact of the economic and political problems of relationships Insurance companies have grown abundantly with this club. Insurance coverage often leads to over-consumption of care by insured persons. Commerce that is insured does not pay more attention to the materials, and this causes the loss of lost salary due to collision and shipwreck, and it can count, and this is a moral and legal vacuum in the definition and Interpretation of contractual agreements of insurance companies. From a theoretical point of view, the insurer and the insured have the right to ask about the need for additional services and negotiate to obtain lower payments. Therefore, investigation and recognition of the effects of legal and ethical mechanisms in advancement of the goals of the insurance industry of the P & I Club of the Marine Region in order to observe and prevent the ill-fatedness of insurance companies and its consequences in compensating for damages and the adverse effects of insurers' The insurer, in line with sound and sound contractual policies, and the transparency of the matters specified in the contract, are necessary to improve the quality and service and the prospect of commercial transportation in the sea. Inspections indicate that in the contracts of carriage Maritime transportation There are legal and moral void in the country, and they are strong and efficient. It is also necessary to use the results of this research and the similar research used in this field to address the ethical and legal problems involved in advancing macroeconomic policies of the insurance industry with the statutory regulatory guarantee management strategies, with legal measures to promote Quality - The availability of contractual information and insurance - Observance of insurance policies will prevent barriers. Therefore, this solution is based on the description and analysis of issues and the resources developed by the library method, which hopes to extend the boundaries of the maritime insurance industry to broader commercial areas.

Keywords

Marine Insurance, Ethical Structure, Insurance Industry, Commercial Shipping, Marine Insurance Clubs P & I Club.

The results and influences of the principle of civil verdicts practice stoppage prevention

*Ali Hassan Askari
Massoud Reza Ranjbar
Hekmatollah Askari*

Abstract

Verdict practice is the continuation of the trial process; therefore its unnecessary stoppage is both does not make sense and against the policy-maker will, and leads to nothing but indiscipline and chaos in the society. In this end, non-stoppage of verdict practice in Iran with some specific legal cases has been accepted as a principle. The domain of this principle, in terms of time span, is after the certainty of verdict and the announcement of the verdict until its full practice and the end of the practice process, and in terms of objective, includes the issued judicial verdicts by the judicial courts or any other resources with civic features. The agreements are not included in this domain except indispensable agreements such as demand supply and preliminary order. The effects can be seen on practicing parties, third parties, officials, agents and judges of verdict practice, which has been mentioned in various laws with penal practice guarantee and civic responsibility. High speed and effectiveness of verdict practice, respect to the rights of both parties, observing the view of the winning party, observing the interests and the rights of the losing party are among the advantages of this principle.

Keywords

concept of the principle, consequences of the principle, effects of the principle, verdict practice non-stoppage.

Possibility of third party entry in international investment dispute for protection of human rights

Mohsen Abdollahi

Nafiseh Shakeri

Abstract

International investment law and substantive and procedural rules for dispute settlement through arbitration mechanism is under experience and evaluation. Theoretical reasoning and procedure play an important role in this process. One of the issues raised in this field of law is the possibility of considering international human rights as part of the governing law, and consequently considering human rights obligations for both contracting parties of the investment agreement. Given that human rights commitments often do not meet the economic interests of both parties, they are likely to be ignored and neglected. Therefore, it is necessary to discuss how to monitor the human rights act of international investment parties. One solution to meet this need is to pay attention to the oversight exercised those who are outside the investment contract or the third party to the contract. In this study, considering the theoretical and procedural justifications, the present conditions of the possibility of a third party entry into an investment dispute is examined from a human rights standpoint.

Keywords

international investment, human rights, international investment arbitration, Third-party entry in international investment dispute.

Identification and validation of ethical principles and professional conduct of lawyers according to client

Vali Shirpur

Abstract

The present study aimed to Identification and validation of ethical principles and professional conduct of lawyers according to clients. In this investigation, two methods of documentary and survey analysis have been used. The research community consists of: (a) Books, references, and written and electronic resources in the field of law and attorney, which were reviewed in order to achieve the ethics and ethical codes of conduct of the attorneys at law; b) The second group consists of clients (those who have selected at least one time an attorney at the law) in Ardebil province. The sample society was 50 persons who were randomly selected from among the individuals referred to the courts in Ardebil, Meshkinshahr and Parsabad cities, which had a judicial case and attorney case. Data collectio tools were a form of taking notes and a researcher-made questionnaire. The reliability of the Cronbach's alpha formula was 0.83. To analyze the data obtained from the texts, qualitative and cognitive analysis was used to analyze the data from the questionnaire. Descriptive statistics and inferential statistics including one sample t-test were used. The results of the investigation showed that the most important ethics of attorneys include: observance of the limits of powers in the court, not disturb in the court session, pursuit the prosecution, honesty, protection of the clients' secrets, non-use of immoral ways, explicit declaration and clarity of the lawyer' Honorarium.

Keyword

Lawyer, ethics, professional conduct, client.

Ethical challenges of Application of Nanotechnology Technology in Crime Detection

Reza Soudi

Seyed Ghasem Zamani

Abu Mohammad Asgarkhani

Abstract

The complexities of social relationships in today's world complicate the way crimes are committed, and the discovery of complex crimes requires sophisticated and technical tools, and the traditional, long-standing method can not answer all the needs of society to detect crime. Nanotechnology, like other scientific fields, has also entered criminal science, and has been widely used to identify and assess the evidence and evidence gathered in the crime scene. Nanotechnology can be effective in preventing and detecting offenders due to its abundant capabilities in detecting and detecting the exact and rapid effects of crime. Using this technology in DNA detection and fingerprinting can provide new and scientific solutions for detecting and improving hidden effects containing DNA and fingers that will otherwise be unidentified. Today, the scope of criminal police activities is wider by utilizing the most advanced equipment and facilities for biotechnology and nano technology. Today, the use of electron microscopes, nano-sensors, biological sensors and various methods of nasal sputum has become commonplace in accredited police criminal laboratories, and the true discovery The crime remains the slightest ambiguity, with the advent of nanotechnology.

Keywords

Nanotechnology, Technology, Intellectual Property, Detect, Crime.

Developing a Research ethic Guideline for Department of Curriculum Studies and Educational Innovations: A Qualitative Research

Seyed Ali Khaleghinejad

Mohammad Hasani

Shohreh Hosseinpour

Ahad Navidi

Fereshteh Zeinivand nejad

Ashrafsadat Shekar Baghani

Heydar Turani

Majid Saghafi

Abstract

In the recent years, while scientific production and the number of high educational institutes have been increased in Iran, the spreading of immoral behaviors in conducting research has been threatening all of the research-driven institutions, in particular, department for curriculum studies and educational innovations, as a part of the research institute for education. This study was conducted in order to formulate ethics in research of department for curriculum studies and educational innovations. This essay was done through a Qualitative approach by focused group discussions and face to face interviews. The collected data from focused group discussions sessions was analyzed by thematic content analysis method. The analysis led to two core categories including the researcher's ethical personality and ethical principles of research. The former consists of humility, patience, cultural sensitivity, and collaboration. The latter has nine subcategories including the benefits of research, academic integrity, observing the colleague rights, observing the rights of participants, avoid of plagiarism, publication of obtained data, writing the report in a simple way, critic's acceptance and scientific criticism. In conclusion, the obtained data by this research is able to play a role in making moral decisions regarding research and creating a confident and respectful atmosphere among the institution users. Furthermore, it has the capability to be used as a base for further discussions and also developing the culture of ethical personality s.

Keywords

Ethics, Research, Education, Ethical Guideline, Focused group discussion.

Civil and criminal justice by establishing a semi-liberal system

Nafiseh Jalali

Iraj Goldouzian

Hossein Gholami Dun

Abstract

Semi-liberal system is derived from individualizing crime principle that advocates reducing prison's criminal population by giving criminals part-time liberty along with constant supervision. Besides emphasizing on making criminal justice to be a contractual based on mutual agreement, this method maintains consistency of felons' family and also it has plan for amending criminal gradually. Considering the popularity of law-oriented culture and providing modern theories, prison has been introduced as a punishment. Accordingly, various legal systems adopted some affairs in order to reduce negative and destroying effect of prison and apply it only for punishing the criminal without hurting his family. In this paper, it was considered, regarding respond to the crime, what semi-liberal application is and what place this system has in criminal policy. Semi-liberal system is an institution that can be considered according to task-oriented and benefit-oriented perspective by focusing on crime justification. In other word, criminal policy of modern systems used this system for punishing and amending criminals with the least distance from the community and highest benefit for the society. Iran's criminal law system assigned a specific part of Islamic criminal law acted in 2013 to this new criminal institution. In this study, authors attempted to explain semi-liberal system and evaluated its different features in Iran criminal policy.

Keywords

imprisonment Semi-liberal punishment criminal policy
contractual justice.

Exemption from punishment in Islamic jurisprudence between ethical, educational and legal interactions

Zahra Jamadi

Mahmoud Malmir

Mohammad Reza Shadmanfar

Abstract

One of the criminological aims of the criminal is to target social reform and train the offender, in addition to reducing the effects of crime. Experience has also shown that it is more than just the size and weight of the upper body that has the unpleasant consequences of unnecessary, unnecessary, unnecessary consequences. Therefore, the criminal justice system, by adopting an auspicious penal policy in light crimes, in addition to reducing the density of criminal cases, increasing the time of judges to handle more precise cases, reducing the number of criminal cases, reducing the burden on the government. And refusing to be labeled in the first place has been ethical and educational orientation and social reform. In this descriptive-analytic article, we discuss what constitutes impunity in Islamic jurisprudence and Islamic law and its relation to ethics and personal education and social reform.

Keywords

Social Reform, Moral Education, Criminal Justice, Exemption from punishment, Criminal discount.

The Foundations of Hindu Ethics: The Karma Theory

*Habib Bashirpour
Abolfazl Mahmoudi*

Abstract

The quality of human life during this time of his life in this world and in the end is always influenced by your deeds and deeds and speeches. Karma means to act and the result of act that is influenced by human wants and instincts is seen in later life. By understanding Karma, one can justify the present situation and prevent future births in the future. In order to get a good karma, you have to follow Dharma and gaining knowledge leads to the destruction of the karma. With the exception of Cārvāka, all Hindu systems agree more or less with Karma's theory. Everything is under the control of the Karmic law but this law is independent of divine will in sāmkhya and Mīmāṃsā, and in the Buddhist and Jain religions, the gods are also influenced by the law of karma.

Keywords

Karma, Act, Knowledge, Rebirth, Saṃsāra.

Moral effect on Iranian Judicial Authority

Ali Etemadi

Bagher Shamloo

Amanollah Alimoradi

Seyyed Mahdi Ahmadi Mousavi

Abstract

Judicial authority is the most effective power that ensures the security and comfort of the people by enforcing the law and trust-building among people. In any stage, judicial authority has given the glory to a government and peace and security to its community and nation and One of the most important and influential areas in strengthening judicial authority, which has remained somewhat Neglected in a community, is the moral standards of the nation, because the human qualities and cultivation and self-perfection of the soul are shaped in the light of morality, With some thoughtfulness, we find that law and ethics are inextricably linked, therefore, Kant, a prominent moral scientist after the Renaissance in Europe, tells people in his moral command: "Behave in a manner that your character is as the basis for global legislation." On the ethics, one of the main slogans of the Prophet Mohammad (pbuh) was: "I have been designated as a prophet to perfect the moral standards".

If ethical virtues were strengthened in the society people, what we will witness in our society, include of courage, trust, ruth, kindness, good posture, patience, devotion, honesty in the deal, and so on. These and other good ethical traits play an important role in judicial authority, because one of the causes of crime, which ultimately ties to judicial authority, is ethical vices such as bullying, lying, betrayal, greed and oppression.

Keywords

Authority, ethics, moral standards, immoral, Spirituality, self-sufficiency and self-delay.

Ethical Research

The Quarterly Journal

Vol. 10, No. 3, Spring 2020/ No: 39/ ISSN: 2383-3279

Proprietor: *Iranian Association for Islamic Thought. (ISSN: 2383-3279)*

Chief Director: *Reza Haji Ebrahim Ph. D*

Chief Editor: *Mahmoud ghayyomzade Ph. D*

Board of Writers

Hojatoleslam Alireza Amini; Mohsen Javadi, Ph. D; Ahmad Deilami, Ph. D; Amir Divani, Ph. D; Jafar Shahnazari, Ph. D; Jafar Sadri, Ph. D; Amir Abbas Alizamani, Ph. D; Mahmoud ghayyomzade, Ph. D; Abdollah Nasri, Ph. D.

Internal director and Editorial- board director: *Alireza Moazami*

Translator: *Ehsani*

Page Design: *Ehsan Computer*

Editor: *Hamidreza alizadeh*

Note

The Journal Ethical Research accepts papers on the Ethics ‘Islamic Ethics ‘applied ethics ‘comparative ethics ‘and ethical challenges of Modernism and moral training. The papers received will be published provided that they are written according to the house style of the journal. The authors will bear responsibilities for their own papers.

Address: *Bolward Al-Ghadir ‘University of Qom ‘Central Library ‘office of the journal.*

Tel: *0098-25-32103360*

Fax: *0098-25-32103360*

Email: *Akhlagh_1393@yahoo.com*

This journal is cooperatively being published by Iranian Association for Islamic Thought.

فرم اشتراک مجله علمی " پژوهش‌های اخلاقی " انجمن معارف اسلامی

لطفا در این قسمت چیزی ننویسید کد اشتراک:			
نام و نام خانوادگی			
نام سازمان (مخصوص سازمان‌ها)			
شغل، محل کار، سمت			
میزان تحصیلات و رشته تحصیلی			
آدرس پستی			
پست الکترونیک			
شماره فیش بانکی	تاریخ فیش بانکی	تعداد نسخه دریافتی	شروع اشتراک از شماره
امضای متقاضی		تاریخ	

هزینه اشتراک (با احتساب هزینه پست)

اشتراک یک ساله برای اشخاص (افراد حقیقی): ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک دو ساله برای اشخاص (افراد حقیقی): ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک یک ساله برای دانشجویان با ارائه کپی کارت دانشجویی: ۷۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک یک ساله برای سازمان‌ها (افراد حقوقی): ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک دو ساله برای سازمان‌ها (افراد حقوقی): ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال

خواهشمند است مبلغ اشتراک یا خرید شماره‌های قبلی را به حساب ۱۵۳۱۰۷۱ بانک تجارت

شعبه صفائیه قم واریز و اصل فیش را به همراه فرم تکمیل شده اشتراک به نشانی

قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، کتابخانه مرکزی،

دفتر فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی

ارسال فرمایید:

جهت اطلاع بیشتر با تلفن ۳۲۱۰۳۳۶۰ - ۰۲۵ تماس حاصل فرمایید.